زاد المعاد علامه مجلسی
تحریر حسن علی بن محمد مهدی
ماه صفر ۱۲۲۶

۲

۱

... الله الرحمن الرحیم
...ة فی الآخرة والاولی والصلوة
...مد بنده خاطی محمد با
...ه بر اخوان ایمانی
...دی تعالی شانه
...صلوة ودعا و
... از حضرت رسول خدا مقرر
...دعیه و اعمال بسیار
...خادم اخبار ائمة اطهار علیهم
...بحار الانوار ایراد نموده ام و اکثر
... دنیویه وغیرها تحصیل آنها وعمل
... اعمال سال و فضایل ایام ولیالی شریفه
... صحیحه و معتبره وارد شده است در این رساله ای
...حلق ان ... آنها محروم نباشند و شاید این بنده عاصی را بد...
... یاد نمایند و ... کردانید ام آن را بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا
...یاهم الی سبیل ال... فچون اتمام این رساله و آغاز و انجام این عجاله
در زمان دولت عد... ... سلطنت سعادت ... اعلیحضرت سید سلا...
زمان و سرور خوا... دوران شیرازه اوراق ملت و دین نقاوه اصفیا...
...ستد المرسلین آب ... کلستان مصطفوی چشم چراغ دودمان مرتضوی
...شده وخاقان فرشته حشم ... شجاعت نژادی که تیغ آبدار...

اللهم ... یوم ...

٢

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی جعل العبادة وسیلة لنیل السّعادة فی الآخرة والاولی والصلوة علی سیّد الوری محمّد وعترته ائمة الهدی اما بعد بنده خاطی محمد باقر بن محمّد تقی عفی الله عن جرائمهما بر الواح ارواح صافیه بر اذهان ایمانی و اخلاّی روحانی مینکارد که چون جناب مقدس ایزدی تعالی شانه برای هدایت کم کشتکان بوادی جهالت وضلالت طریق صوم وصلوة ودعا و عبادات که اشرف واقرب طرق نیل سعادتند کرده اند وانحضرت رسول خدا ٢ مقرر فرمود وائمه هدی صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین ادعیه و اعمال بسیار منقول کردیده که کتب دعا مشحونست از آنها واین خادم اخبار ائمه اطهار علیهم صلوة الله الملك الغفار اکثر آنها را در کتاب بحار الانوار ایراد نموده ام واکثر خلق را باعتبار اشتغال بانواع اشغال دنیویه وغیرها تحصیل آنها وعمل بجمیع آنها میسّر نیست خواستم منتخبی از اعمال سال و فضایل ایام ولیالی شریفه ... اعمال آنها که باسانید صحیحه ومعتبره وارد شده است درین رساله ایراد نمایم که عامه خلق از ... آنها محروم نباشند وشاید این بنده عاصی را بدعای مغفرت یاد نمایند و ... آنرا بزاد المعاد عسی الله ان یهدینا وایاهم الی السبیل ... وچون اتمام این رساله وآغاز وانجام این مجاله در زمان دولت عدل ... دوران سلطنت سعادت اثر اعلیحضرت سید سلاطین زمان وسرور خوا... دوران شیرازه اوراق ملت ودین نقاوه اعاظم ... سید المرسلین آب ... گلستان مصطفوی چشم وچراغ دودمان مرتضوی ... شده وخاقان فرشته حشم ... شجاعت نژادی که تیغ آبدار ...

اللهم هل ... عمل ... یوم المعاد



برای سرهای کفّار تیز بست بسوی دار البوار و حسام آتش بارش بی تحاشی مخرّب حیات
معاندان یُرسَلُ علیکما شُواظٌ مِن نارٍ دستهای اعیان مزید رفعتشان در آستان
البنیانش با کف الخضیب همدستان و خروش صوفیان صفوف نشان بی مزمزه دعای
خلود دولت ابد توامان با عندلیبان اغصان سدرة المنتهی هم داستان هر که تیغ
خلاف از نیام کین برکشید چون بید بر خود بلرزید و هر که چهار آیینه نفاق
در کشید صورت مرگ خود را در ان بدید گره جبین قهرش عقده کشای گرههای
کار بستگان کشاد کف دریا نوالش سحاب مزارع املهای پژمردگان مؤسس قواعد ملت
و دین مروّج شریعه ابای طاهرین حیاض سلطنت درگاه خلایق پناهش از تقبیل شفاه
سلاطین زمان لب ریز و خواقین دوران در صرح ممرد عزّت و جلالش تر زبان [illegible]
قَد مَسَّنَا الضُّرُّ اَیُّهَا العَزِیزُ اعنی سلطان الاعظم و الخاقان الاعدل الاکرم ملجاء الا
کاسرة و ملاذ القیاصرة محیی مراسم الشریعة الغرّاء و مشیّد قواعد الملّة البیضاء
ابن الخاقان السلطان ابن السلطان و الخاقان شاه سلطان حسین الموسوی الحسینی
الصفوی بهادرخان لازالت رایات دولته مرفوعة و هامات اعدائه مقموعة
کردید میسّر تحفهٔ آن بارگاه خلایق امید گاه گردانید امید که مقبول طبع اشرف گردد
و ان اعلی حضرت از فواید ان منتفع گردند بمحمد و آله الطاهرین والله الموفّق
والمعین و ان مشتملست بر چهارده باب و خاتمه باب اوّل در فضایل و اعمال
ماه مبارک رجب است و ان مشتملست بر پنج فصل فصل اوّل در بیان فضایل
اینماه و عبادات آنست بدانکه اینماه و ماه شعبان و ماه رمضان بهترین ماههای
سالند و از حضرت رسالت پناه صلعم منقولست که هر که حرمت ماه رجب و شعبان
بدارند و وصل نماید روزه انها را بروزه ماه مبارک رمضان این ...

در روز قیامت

در روز قیامت گواهان او باشند نزد خدای تعالی و در آن روز منادی از افق
اعلی ندا کند که ای رجب و شعبان و رمضان چگونه بوده است عمل این بنده در شما
و طاعت او نزد خدا همه آن ماهها گویند که این بنده توشه گرفت در ماهها
یاربی طاعت تو را و استمداد فضل و رحمت از تو نمود و سعی بسیار در طلب خوشنودی
تو کرد و تا توانست اهتمام در تحصیل محبت تو نمود پس گواهی دهند ملایکه که موکلند
بر این ماهها که ما نیافتیم این بنده را مگر طلب کننده طاعت تو و خشنودی تو و امیدوار
رحمت و آمرزش تو بود و آنچه را نهی کرده بودی ترک کرده و آنچه از او
طلبیده بودی بسوی آنها مسارعت نموده و روزه کامل از برای تو داشت و شکم
و فرج و گوش و چشم و سایر جوارح او از آنچه بر او حرام کرده بودی اجتناب کردند و روزها
با تشنگی بشب رسانید و در شبها خود را بتعب انداخت برای بندگی تو و تصدق بفقرا
و مساکین بسیار داد و احسان بسیار نسبت به بندگان تو نمود و با این ماهها مصاحبت نیکو
کرد و چون از اینها جدا شد وداع نیکو کرد و بعد از رفتن آنها بر امور حرمت تو
نگردید و نیکو بنده بود این بنده پس حق تعالی فرماید که ببرید این بنده را بسوی
بهشت و استقبال کنند او را ملائکه با تحفها و کرامتها و او را بر شتران و اسبان
نور سوار کنند و ببرند بسوی نعمتی که هرگز زوال ندارد و خانه که فانی نمیشود و
بسرائی که جوانانش هرگز پیر نمیشوند و شادی و خوشحالی آن زوال ندارد و هرگز
ایشان را تعب نمیباشد و از عذاب ایمن میگردند و هیچ حساب از برای ایشان
نیست و ایضا از ان حضرت منقولست که ماه رجب ماه بزرگ خداست و ماهی
در حرمت و فضیلت بان نمیرسد و قتال با کافران در اینماه حرامست و رجب
ماه خداست و شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه امت منست کسی که
یکروز از ماه رجب روزه دارد مستوجب رضای بزرگ خدا گردد و غضب الله از او

خوشنود

دوو کردد و دری از درهای جهنم بر روی او بسته کردد و بسند
معتبر از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام منقولست که هر که یکروز
از ماه رجب روزه دارد آتش جهنم یکساله راه ازاو دور کردد و هر که سه روز
ازان روزه دارد بهشت از برای او واجب کردد و ایضاً فرمود که رجب
نام نهریست در بهشت از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر هر که یکروز
از رجب را روزه دارد البته ازان نهر بیاشامد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که ماه رجب ماه
استغفار امت منست پس بسیار در اینماه طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده
و مهربانست و رجب را اصب میکویند زیرا که رحمت خدا در اینماه بر امت
من بسیار ریخته میشود پس بسیار بکوئید اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَاَسْئَلُهُ
طلب آمرزش میکنم از خدا و سؤال میکنم از او
اَلتَّوْبَةَ و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که
توبه را
سه روز از ماه رجب را روزه بدارد بهر روز ثواب روزه یکساله برای
او بنویسند و هر که هفت روز ازان روزه بدارد هفت در جهنم بر روی او
بسته کردد و هر که هشت روز ازان روزه بدارد هشت در بهشت بر روی
او کشوده شود و هر که پانزده روز ازان روزه بدارد خدا او را حساب
آسان بکند و هر که جمیع ماه رجب را روزه بدارد خدای تعالی خوشنودی
خود را برای او بنویسد و هر که خدا خوشنودی خود را برای او بنویسد
هرگز او را عذاب نکند و ابن بابویه رحمه الله بسند معتبر از سالم
روایت کرده است که گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام در اواخر

آخر ماه

آخر ماه رجب که چند روز ازان مانده بود چون نظر مبارک آن حضرت
بر من افتاد پرسید که آیا روزه کرفته در این ماه گفتم نه والله ای فرزند رسول
خدا فرمود که آنقدر از ثواب از تو فوت شده است که قدر آنرا بغیر از خدا
کسی نمیداند بدرستی که این ماهیست که خدا آنرا بر ماههای دیگر فضیلت
داده است و حرمت آنرا عظیم کرده است و برای روزه داشتن آن کرامت را
داشتن را بر خود واجب کرده است پس گفتم یا ابن رسول الله اگر در باقی
مانده اینماه روزه بدارم آیا ببعضی از ثواب روزه داران آن فایز میگردم
فرمود که ای سالم که هر که یکروز از آخر اینماه روزه بدارد خدا او را ایمن
کرداند از شدت سکرات مرگ و از هول بعد از مرگ و از عذاب قبر و هر که
دو روز از آخر اینماه روزه بدارد بر صراط باسانی بکذرد و هر که سه روز
از آخر اینماه روزه بدارد ایمن کرداند ترس بزرگ روز قیامت و از
شدتها و هولهای آن روز و برات بیزاری از آتش جهنم را باو عطا کنند
و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه روایت کرده است که هر که
یکروز از اول ماه رجب یا از وسط آن یا از آخر آن روزه بدارد گناهان
گذشته و آینده اش آمرزیده کردد و هر که یک شب از این ماه را احیا کند آمرزیده شود و
حق تعالی او را از آتش جهنم آزاد کرداند و قبول کند شفاعت او را
در هفتاد مرد گناهکار و هر که در اینماه تصدق از برای خدا بکند خداوند
غفار در بهشت نعمتی چند باو عطا فرماید که چشمی ندیده باشد و گوشی
نشنیده باشد و بر خاطر کسی خطور نکرده باشد و ایضاً بسند معتبر از

سه روز از اول یا
یا آخر ماه رجب را روزه
بدارد گناهان گذشته
صح

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده است
که چون روز قیامت شود منادی از میان عرش ندا
کند که کجایند رجبیون پس گروهی برخیزند که نور
رویهای ایشان جمع محشر را روشن کرده باشد تاج
پادشاهی بر سر ایشان باشد که مکلل باشد
تاج ایشان بمروارید و یاقوت و با هر یک از
ایشان هزار ملک بوده باشد از جانب راست و هزار
ملک از جانب چپ و همه او را ندا کنند که گوارا
باد بر شما کرامت حق تعالی ای بندگان خدا پس خطاب از
رحمن ندا کنند ایشان را که ای بندگان و کنیزان من
بعزت و جلال من خود سوگند یاد میکنم که شما را
در ماوای نیکو ساکن گردانم و عطاهای شما را
بزرگ گردانم و عطا کنم بشما از بهشت غرفها
که نهرها در زیر آنها جاری باشد و همیشه در آن
غرفها باشید و نیکو مزدیست مزد
کارکنان

مزد کارکنان از برای من بی آنکه بر شما واجب گردانم روزه داشتید از برای من در ماه
که حرمت آنرا عظیم گردانیده بودم و خود را واجب ساخته بودم ای ملائکه من این بندگان و کنیزان مرا
داخل بهشت گردانید پس حضرت فرمود که این همه ثوابها برای کسی است که چیزی از ماه
مبارک رجب را روزه دارد اگرچه یکروز باشد از اولش یا میانش یا آخرش و بسند معتبر از
حضرت امام رضا علیه السلام روایت کرده است که هر که روز اول ماه رجب را روزه دارد حق تعالی در
قیامت از او خشنود باشد و هر که دو روز را روزه دارد خدا بغایت از او خشنود و راضی
گردد و او را خشنود گرداند و هر که سه روز از آنرا روزه دارد خداوند کریم از او راضی گردد
و خصمان او را از او راضی گرداند در روز قیامت و هر که هفت روز از آنرا روزه بدارد
چون بمیرد درهای هفت آسمان برای روح او گشوده شود تا بملکوت اعلی برسد و هر که
هشت روز از آنرا روزه بدارد هشت در بهشت بر روی او گشوده شود و هر که پانزده
روز از آنرا روزه بدارد هر حاجت که از حق تعالی بطلبد برآورد مگر آنکه سؤال او برای
گناهی باشد یا متضمن قطع رحم باشد و هر که تمام ماه را روزه بدارد از گناهان بیرون
آید مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و از آتش جهنم آزاد گردد و داخل بهشت
گردد با برگزیدگان و نیکوکاران و احادیث در این باب بسیار است و این رساله گنجایش
ذکر آنها ندارد **فصل دویم** در بیان اعمالی است که کسی که از روزه داشتن عاجز باشد
برادر ثواب باشد بعوض آن بعمل آورد در بعضی از روایات معتبره وارد شده است
که بدل روزه مستحب یکدرهم تصدق کند که موافق زرهای این زمان تقریبا هفتاد
دینار بوده باشد و بروایت دیگر عوض روزه یک مد گندم یا جو وارد شده است و
در مدی صد درم شاه است و ظاهرا صد درم کهنه کافی باشد و در روایتی در خصوص
روزه ماه مبارک رجب یک گرده نان نیز وارد شده است اگر قادر بر روزه نباشد

مل کرده اند بر کسی که پریشان باشد و قادر بر درهم و مد نباشد و ایضا در خصوص روزه
ماه رجب از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وارد شده است که بعوض روزه اگر قادر برآن
نباشد هر روز صد مرتبه این تسبیحات را بخواند تا ثواب روزه را بیابد سُبحانَ الإلهِ
الجَلیلِ سُبحانَ مَن لا یَنبَغِی التَّسبیحُ إلّا لَهُ سُبحانَ الأعَزِّ الأکرَمِ
سُبحانَ مَن
لَبِسَ العِزَّ وَهُوَ لَهُ أهلٌ و در روایات معتبره وارد شده است که هرکه بمنزل
برادر مؤمن خود وارد شود و قصد روزه سنت کرده باشد و او طعامی حاضر سازد
و او را تکلیف کند ثواب افطار کردن زیاده از ثواب روزه داشتن است هفتاد برابر
و اگر اظهار نکند که روزه ام ثوابش بیشتر است و برابر یکسال روزه است و نزار روزه
سنت داشتن بی رخصت شوهر و غلام و کنیز را بی رخصت مالک و فرزند را بی رخصت
پدر و مادر و مهمان را بی رخصت مهماندار و مهماندار را بی رخصت مهمان از احادیث
ظاهر میشود که خوب نیست و مشهور میان علماء آنست که روزه سنت مملوک بدون
اذن مالک باطل است و همچنین روزه سنت زن بی رخصت شوهر صحیح نیست و در پدر
و مادر مشهور آنست که روزه سنت فرزند بدون اذن ایشان مکروه است و باطل نیست
و بعضی گفته اند بی رخصت پدر باطل است و احوط آنست که بدون اذن پدر و مادر روزه
سنت صورت ندارد و در روزه سنت مهمان بدون رخصت مهماندار نیز خلاف است و احوط
آنست که مهمان و مهماندار هیچ یک بی رخصت دیگری روزه مستحب ندارند اگرچه
اظهر آنست که مکروه است **فصل سیم** در بیان اعمال هر شب و هر روز ماه رجب بسند
معتبر منقول است که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در روز اول ماه رجب این دعا را
خواندند و علماء ذکر کرده اند که در هر روز سنت است خواندن یا مَن یَملِکُ
ای آنکه مالکی تو

حوائج

حَوائِجَ السّائِلینَ وَیَعلَمُ ضَمیرَ الصّامِتینَ لِکُلِّ مَسألَةٍ مِنکَ سَمعٌ حاضِرٌ وَ
حاجتهای درخواهندگان را و میداند آنچه را پنهانست در دل خاموشان از برای هر سوالی که کرده شود از تو قبولیت حاضر و
جَوابٌ عَتیدٌ اللّهُمَّ وَمَواعیدُکَ الصّادِقَةُ وَأیادیکَ الفاضِلَةُ وَرَحمَتُکَ
جوابی مهیا و آماده بار خدایا و وعده‌های تو راستست و نعمتهای تو بزرگست و رحمت تو
الواسِعَةُ فَأسألُکَ أن تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأن تَقضِیَ حَوائِجی لِلدُّنیا وَالآخِرَةِ
فراگیرنده است پس سوال میکنم از تو رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه برآوری حاجتهای مرا بجهة دنیا و آخرت
إنَّکَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ و بسند معتبر منقول است که حضرت صادق علیه السلام هر روز
بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی ماه رجب این دعا میخواندند خابَ الوافِدونَ عَلی غَیرِکَ
ناامید شدند واردشوندگان بر غیر تو
وَخَسِرَ المُتَعَرِّضونَ إلّا لَکَ وَضاعَ المُلِمّونَ إلّا بِکَ وَأجدَبَ المُنتَجِعونَ
و زیان کردند فراپیش آیندگان مگر برای تو و ناچیز شدند فرود آیندگان مگر بتو و قحطی یافتند طالبان معروف
إلّا مَنِ انتَجَعَ فَضلَکَ بابُکَ مَفتوحٌ لِلرّاغِبینَ وَخَیرُکَ مَبذولٌ لِلطّالِبینَ
مگر آنکه طلب نمود معروف ترا درگاه تو گشوده است برای خواهشمندان و خیر تو بخشیده شده برای طلب کنندگان
وَفَضلُکَ مُباحٌ لِلسّائِلینَ وَنَیلُکَ مُتاحٌ لِلآمِلینَ وَرِزقُکَ مَبسوطٌ لِمَن
واحسان تو حلال گردیده برای درخواستگان و عطای تو مقرر شده برای آرزومندان و روزی تو پهن کرده شده برای کسی که
عَصاکَ وَحِلمُکَ مُعتَرِضٌ لِمَن ناواکَ عادَتُکَ الإحسانُ إلَی المُسیئینَ وَسَبیلُکَ الإبقاءُ
نافرمانی نمود ترا و بردباری تو فراپیش شده برای کسی که دشمنی کند ترا عادت تو به نیکویی کردنست بسوی بدکاران و طریق تو [illegible] رحم کردنست
عَلَی المُعتَدینَ اللّهُمَّ فَاهدِنی هُدَی المُهتَدینَ وَارزُقنِی اجتِهادَ المُجتَهِدینَ
بر تجاوزکنندگان خداوندا پس هدایت کن مرا مانند هدایت یافتگان و روزی کن مرا کوشش کوشش کنندگان
وَلا تَجعَلنی مِنَ الغافِلینَ المُبعَدینَ وَاغفِر لی یَومَ الدّینِ و ایضا بسند معتبر منقول است
و مگردان مرا از غافلان و دور شدگان و بیامرز مرا در روز جزا که محمد بن ذکوان بخدمت

حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که فدای تو شوم اینماه رجب است مراد عائی تعلیم نما که
حق تعالی مرا بآن نفع بخشد حضرت فرمود که در هر روز ماه رجب در صبح و پسین و بعد از همه
نمازها در شب و روز این دعا را بخوان یا مَنْ اَرْجُوهُ لِکُلِّ خَیْرٍ وَاٰمَنُ سَخَطَهُ
عِنْدَ کُلِّ شَرٍّ یا مَنْ یُعْطِی الْکَثیرَ بِالْقَلیلِ یا مَنْ یُعْطی مَنْ سَأَلَهُ یا مَنْ یُعْطی
ای آنکه عطا میکند جزای بسیار بعمل اندک ای آنکه عطا میکند آنرا که سؤال میکند او را ای آنکه عطا میکند
مَنْ لَمْ یَسْأَلْهُ وَمَنْ لَمْ یَعْرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَرَحْمَةً اَعْطِنی بِمَسْأَلَتی اِیّاکَ جَمیعَ خَیْرِ
آنرا که سؤال نمیکند آنرا که نشناسد بجهة مهربانی خود و رحمت و عطا کن بسبب سؤال کردنم از تو جمیع همه خیر خوب
الدُّنْیا وَجَمیعَ خَیْرِ الْآخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنّی بِمَسْأَلَتی اِیّاکَ جَمیعَ شَرِّ الدُّنْیا وَشَرِّ
در دنیا و همه خیر نیکی را در آخرت و بگردان از من بسبب سؤال کردنم از تو همه بدی دنیا و بدی
الْآخِرَةِ فَاِنَّهُ غَیْرُ مَنْقُوصٍ ما اَعْطَیْتَ وَزِدْنی مِنْ فَضْلِکَ یا کَریمُ پس حضرت
آخرترا زیرا که کم نمیگردد آنچه را که تو عطا فرمائی و زیاده کن از برای من از احسان خود ای بزرگ ریش مبارک
خود را بدست چپ گرفتند و انگشت سبابه دست راست خود را بجانب راست
و چپ حرکت میدادند و این دعا را خواندند یا ذَا الْجَلالِ وَالْاِکْرامِ یا ذَا النَّعْماءِ
وَالْجُودِ یا ذَا الْمَنِّ وَالطَّوْلِ حَرِّمْ شَیْبَتی عَلَی النّارِ ای خداوند بزرگوار و گرامی داشتن ای خداوند نعمت
و بخشش ای خداوند عطا و احسان حرام گردان پیری مرا بر آتش و دست برنداشت تا از آب دیده ریش
مبارکش تر شد و شیخ طوسی بسند معتبر روایت کرده است که حضرت صادق علیه السلام
بمعلی بن خنیس گفت که در ماه رجب این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ صَبْرَ الشّاکِرینَ
لَکَ وَعَمَلَ الْخائِفینَ مِنْکَ وَیَقینَ الْعابِدینَ خداوندا بدرستیکه من میخواهم از تو شکیب شکر گذاردن را
برای تو و کردار ترسندگان از تو و یقین پرستندگان ترا لَکَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ
وَاَنَا عَبْدُکَ الْبائِسُ الْفَقیرُ وَاَنْتَ الْغَنِیُّ خداوندا توئی بلند مرتبه بزرگ
و من بنده توام بدحال و محتاج و توئی بی نیاز

6

اَلْحَمیدُ وَاَنَا الْعَبْدُ الذَّلیلُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَامْنُنْ بِغِناکَ عَلی فَقْری
ستوده و منم بنده ذلیل خوار بار خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و بخشش فرمای بر بی نیازی خود بر احتیاجم
وَبِحِلْمِکَ عَلی جَهْلی وَبِقُوَّتِکَ عَلی ضَعْفی یا قَوِیُّ یا عَزیزُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
و ببردباری خود بر نادانی من و بتوانائی خود بر ناتوانائی من ای توانای غالب خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او
الْاَوْصِیاءِ الْمَرْضِیّینَ وَاکْفِنی ما اَهَمَّنی مِنْ اَمْرِ الدُّنْیا وَالْآخِرَةِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ
و وصیهای پسندیدگان و رفع کن از من آنچه غمگین سازد مرا از کار دنیا و آخرت ای بخشاینده ترین بخشایندگان
و از روایت سید ابن طاوس علیه الرحمه ظاهر میشود که این دعا جامع ترین دعاهاست و در همه
اوقات میتوان خواند و شیخ طوسی و سید و دیگران بسندهای معتبر از حضرت
صاحب الامر علیه السلام روایت کرده اند که سنت است در هر روز از روزهای ماه
مبارک رجب این دعا را بخوانند اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِالْمَوْلُودَیْنِ فی رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِیٍّ الثّانی وَابْنِهِ عَلِیِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ وَاَتَقَرَّبُ بِهِما اِلَیْکَ خَیْرَ الْقُرَبِ
خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا بحق دو فرزند متولد شده در ماه رجب محمد ابن علی دوم و پسر او علی ابن محمد بهادر برگزیده شده و نزدیک میجویم بسبب ایشان بسوی تو بهتر از نزدیکیها
یا مَنْ اِلَیْهِ الْمَعْرُوفُ طُلِبَ وَفیما لَدَیْهِ رُغِبَ اَسْأَلُکَ سُؤالَ مُقْتَرِفٍ مُذْنِبٍ
ای آنکه بسوی او هر احسان طلب کرده میشود و در آنچه بر اوست رغبت کرده میشود و سؤال میکنم از تو مانند سؤال کردن عاجز گناهکار
قَدْ اَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ وَاَوْثَقَتْهُ عُیُوبُهُ فَطالَ عَلَی الْخَطایا دُؤُوبُهُ وَمِنَ الرَّزایا
بتحقیق هلاک کرده باشد او را گناهان و بسته باشد او را عیبهای او پس بطول انجامیده باشد بر گناهان کوشش و از مصیبتها
خُطُوبُهُ یَسْأَلُکَ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحَوْبَةِ وَمِنَ النّارِ
امور عظیمه و درخواهد از تو بازگشت و نیکوئی رجوع او را و باز ایستادن از گناه را و از آتش
فَکاکَ رَقَبَتِهِ وَالْعَفْوَ عَمّا فی رِبْقَتِهِ فَاَنْتَ یا مَوْلایَ اَعْظَمُ اَمَلِهِ وَثِقَتِهِ اَللّٰهُمَّ
آزادی گردن خود را و در گذشتن از آنچه در گردن اوست پس توئی آقای من بزرگتر آرزوی او و اعتماد او خداوندا
وَاَسْأَلُکَ بِمَسائِلِکَ الشَّریفَةِ وَوَسائِلِکَ الْمُنیفَةِ اَنْ تَتَغَمَّدَنی فی هٰذَا الشَّهْرِ
و سؤال میکنم بسؤالهای بلند مرتبه و وسیلهای تو که بار فعتست آنکه بپوشانی مرا در این ماه

برحمتك واسعة ونعمة وافرة ونفس بما رزقتها قانعة الى نزول الحافرة
رحمتی از جانب تو وفراگیرد مرا و نعمتی که بازدارنده باشد ونفسی که باشد بانچه روزی کردی مقاعد تا فرود آمدن در قبر

ومحل الاخرة وما هي اليه صائرة وانحضرت رسول صلی الله علیه واله منقولست
وجای آخرت وانچه در انست نیکوئی او

که در جمیع ماه رجب هر بامداد وپیشین هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله واتوب الیه پس دستها را بسوی آسمان بردارد و
بگوید اللهم اغفر لی وتب علی
وطلب آمرزش میکنم از خدا وبازمیگردم بسوی او
و این استغفار در جمیع ایام سال سنت است و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد در جمیع ماه خواندن ثواب بسیار در ان وارد شده است اگر خواهد دیگر روز بخواند واگر خواهد هر روز قدری بخواند که در تمام ماه هزار مرتبه خوانده باشد وایضا منقولست که هر کس هزار مرتبه لا اله الا الله در جمیع ماه بگوید صد هزار حسنه برای او نوشته شود وحق تعالی در بهشت شهری برای او بنا کند و در هر شب از شبهای ماه هزار مرتبه لا اله الا الله وارد شده است وصد مرتبه این استغفار نیز منقول است و در جمیع ماه اگر چهار صد مرتبه بخواند فضیلت بسیار دارد

استغفر الله الذی لا اله الا هو وحده لا شریك له واتوب الیه
طلب آمرزش میکنم از خدای که نیست خدائی مگر او یگانه است ندارد شریک وبسوی او رجوع میکنم

واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که در شب یا روز ماه رجب شعبان و رمضان سه مرتبه سوره حمد وآیة الکرسی وقل یا ایها الکافرون وقل هو الله احد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس بخواند وسه مرتبه بگوید سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة
منزه است پروردگار وشکر مر او راست ونیست سزاوار پرستش مگر خدا و
خدا بزرگتر ونیست توانائی وقوتی
الا بالله العلی العظیم
مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ
وسه مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد وسه مرتبه اللهم اغفر للمؤمنین

والمؤمنات

والمؤمنات وچهار صد مرتبه استغفر الله واتوب الیه بگوید حق تعالی گناهان او را بیامرزد اگر چه بعدد قطرههای باران وبرگ درختان وکف دریاها باشد وحق تعالی او را ندا کند که براستی تو دوست منی و بهر حرفی تو را شفاعتی میدهم در برادران وخواهران مؤمن تو وحضرت فرمود که اگر در عمری یکبار این عمل او را کند حق تعالی بهر حرفی هفتاد هزار حسنه باو عطا کند که هر حسنه از جمیع کوههای دنیا سنگین تر باشد وهفتصد حاجت او را در وقت مردن وهفتصد حاجت او را در قبر وهفتصد حاجت او را در وقت بیرون آمدن از قبر ومثل آن در وقت واکردن نامهای اعمال ونزد سنجیدن اعمال در میزان ونزد صراط برآورده و او را در سایه عرش خود جا دهد وحساب کند او را حساب آسان وهفتاد هزار ملك او را مشایعت کنند تا داخل بهشت شود وباو عطا کند آنچه هیچ چشمی ندیده باشد وگوشی نشنیده باشد

فصل چهارم در بیان فضائل واعمال شب وروز اول است تا روز پانزدهم در شب اول غسل سنت است ومنقول است که هر که در شب اول ماه رجب وشب پانزدهم وشب آخر آن غسل کند از گناهان بیرون آید مانند روزی که از مادر متولد شده است ودر وقت دیدن ماه دعای صحیفه کامله را بخواند که بهترین دعاها است وهفت مرتبه سوره حمد را بخواند تا از درد چشم ایمن گردد ودر هر ماه این سنت است ومنقول است که چون ماه رجب را ببیند بگوید اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام ربی وربك الله عز وجل
بار خدایا ظاهر گردان ماه را بر ما با امنی از بلا وایمان وسلامتی واسلام پروردگار من وپروردگار تو خدای غالب بزرگ

ودر شب اول وروز اول زیارت حضرت امام حسین علیه السلام فضیلت بسیار دارد ودر حدیث معتبر وارد شده است که هر که در اول رجب آن حضرت را زیارت کند بهشت

اورا واجب شود البته واحياء شب اول سنت است واز حضرت صادق عليه السلام
منقول است كه تا توانی محافظت نما بر احياء شب عيد ماه رمضان وشب عيد قربان
وشب اول محرم وشب عاشوراء وشب اول رجب وشب نيمه شعبان ودر اين شبها دعا و
نماز وتلاوت قرآن بسيار بكن وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است
كه در شب اول رجب بعد از نماز عشا اين دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اِنّى اَسْاَلُكَ
خداوندا بدرستيكه من سؤال ميكنم ترا
بِاَنَّكَ مَلِيكٌ وَاَنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرٌ وَاَنَّكَ مَا تَشَاءُ مِنْ اَمْرٍ يَكُنْ
باينكه تو صاحب پادشاهی بدرستيكه تو بر هر چيز توانائی واينكه تو آنچه خواهی از امری ميشود
اَللّٰهُمَّ اِنّى اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ يَا مُحَمَّدُ
خداوندا بدرستيكه من رو آورده ام بتو بوسيله پيغمبر تو محمد رحمتهای تو بر او باد وبر آل او ای محمد
يَا رَسُولَ اللّٰهِ اِنّى اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ رَبِّى وَرَبِّكَ لِيُنْجِحَ بِكَ طَلِبَتِى اَللّٰهُمَّ بِنَبِيِّكَ
ای فرستاده خدا بدرستيكه من رو ميآورم بسوی خدا پروردگار من وپروردگار تو تا برآورد بوسيله تو حاجتهای مرا خداوندا بحرمت پيغمبر تو
مُحَمَّدٍ وَبِالْاَئِمَّةِ مِنْ اَهْلِ بَيْتِهِ اَنْجِحْ طَلِبَتِى پس حاجات خود را طلب نمايد و
محمد وبحرمت پيشوايان از خانواده او برآور حاجتهای مرا بيست ركعت نماز نيز وارد شده است
هر دو ركعت بيك سلام در هر ركعت حمد ويكمرتبه سوره قل هو الله احد بخواند
تا از بلاهای دنيا وعذاب آخرت ايمن گردد وشيخ وديگران بسند معتبر روايت
كرده اند كه حضرت امام موسى عليه السلام در شب اول ماه رجب بعد از آنكه از نماز شب فارغ
ميشدند اين دعا را در سجده ميخواندند لَكَ الْمَحْمِدَةُ اِنْ اَطَعْتُكَ وَلَكَ الْحُجَّةُ
مر ترا است ستودن اگر فرمانبرداری تو كنم ومر ترا است حجت
اِنْ عَصَيْتُكَ لَا صُنْعَ لِى وَلَا لِغَيْرِى فِى
اگر نافرمانی تو كنم نيست كردار مرا ونه غير مرا در
اِحْسَانٍ اِلَّا بِكَ يَا كَائِنُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ
وَيَا مُكَوِّنَ كُلِّ شَيْءٍ اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
كم بتوفيق تو ای موجود پيش از هر چيز وای پديد آورنده هر چيز بدرستيكه تو بر هر چيز توانائی

اللهم اني اتوجه

كاينا

اَللّٰهُمَّ اِنّى اَعُوذُ بِكَ مِنَ الْعَدِيلَةِ عِنْدَ الْمَوْتِ وَمِنْ شَرِّ الْمَرْجِعِ فِى الْقُبُورِ وَمِنَ
خداوندا بدرستيكه من پناه ميگيرم بتو از عديله نزد مردن واز بدی بازگشت در قبر واز
النَّدَامَةِ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّىَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَاَنْ تَجْعَلَ عَيْشِى
پشيمانی در روز رستخيز ومیخواهم از تو اينكه رحمت فرستی بر محمد وآل او واينكه گردانی زندگانی مرا
عِيشَةً نَقِيَّةً وَمِيتَتِى مِيتَةً سَوِيَّةً وَمُنْقَلَبِى مُنْقَلَبًا كَرِيمًا غَيْرَ مُخْزٍ وَلَا فَاضِحٍ
زندگانی پاكيزه ومردن مرا مردن درست وبازگشت مرا بازگشت گرامی كه نباشد خوار سازنده ونه رسوا نماينده
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ الْاَئِمَّةِ يَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَاُولِى النِّعْمَةِ وَمَعَادِنِ الْعِصْمَةِ
خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل او كه پيشوايانند وچشمهای دانش وصاحبان نعمت ومعدنهای عصمت آن
وَاعْصِمْنِى بِهِمْ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَلَا تَاْخُذْنِى عَلٰى غِرَّةٍ وَلَا عَلٰى غَفْلَةٍ وَلَا تَجْعَلْ
ونگاهدار مرا بسبب ايشان از هر بدی وفرا مگير مرا بفريفتگی ونه بر غفلت ومگردان
عَوَاقِبَ اَعْمَالِى حَسْرَةً وَارْضَ عَنِّى فَاِنَّ مَغْفِرَتَكَ لِلظَّالِمِينَ وَاَنَا مِنَ الظَّالِمِينَ
آخرهای كردار مرا افسوس وخشنود باش از من پس بدرستيكه آمرزش تو برای ستمكاران است ومن از ستمكارانم
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِى مَا لَا يَضُرُّكَ وَاَعْطِنِى مَا لَا يَنْقُصُكَ فَاِنَّكَ الْوَسِيعُ رَحْمَتُهُ
خداوندا بيامرز مرا آن گناهی را كه ضرر نميرساند ترا وعطا كن مرا آنچه كم نميگرداند از خزانه تو زيرا كه توئی آنكه فراگيرنده است رحمت او
الْبَدِيعُ حِكْمَتُهُ وَاَعْطِنِى السَّعَةَ وَالدَّعَةَ وَالْاَمْنَ وَالصِّحَّةَ وَالْبُخُوعَ وَ
وبی نظير است دانش او وعطا كن مرا گشادگی ورفاهيت وايمنی وصحت وفروتنی و
الْقُنُوعَ وَالشُّكْرَ وَالْمُعَافَاةَ وَالتَّقْوٰى وَالصَّبْرَ وَالصِّدْقَ عَلَيْكَ وَعَلٰى
قناعت وسپاس گزاری وعافيت وپرهيزكاری وشكيبائی وراست گوئی بر تو وبر
اَوْلِيَائِكَ وَالْيُسْرَ وَالشُّكْرَ وَاعْمُمْ بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اَهْلِى وَوَلَدِى وَاِخْوَانِى
دوستان تو وتوانگری وسپاس وفراگير با آن عطا ای پروردگار اهل مرا وفرزند مرا وبرادران مرا

عليش زندگانی

فيك ومن احببت واحبني وقلدت وولدني من المسلمين والمسلمات
درراه تو وآنرا که دوست دارم وانکه دوست دارند مرا وآنرا که زائیده ام وآنرا که زائیده مرا از مردان مسلم وزنان مسلمه

والمؤمنين والمؤمنات يا رب العالمين وايضا بسند معتبر منقول است كه مستحب
ومردان مؤمن وزنان مؤمنه ای پروردگار عالمیان

است که بعد از سلام کفتن از نماز وتر چنانکه نشسته است این دعا را بخواند الحمد
لله الذي لا تنفد خزائنه ولا يخاف امنه رب ان ارتكبت المعاصي
مر خدا را که بپایان نمیرسد خزانهای او ونمیترسد امان یافته پروردگار من اگر مرتکب شوم گناهها را

فذلك ثقة بكرمك انك تقبل التوبة عن عبادك وتعفو عن سيئاتهم
پس بجهة آن اعتماد بکرم توست بدرستیکه تو قبول میکنی توبه را از بندگان خود ودر میگذری از بدیهای ایشان

وتغفر الزلل فانك مجيب لداعيك ومنه قريب فانا تائب اليك من
ومی آمرزی لغزش او را بدرستیکه تو اجابت کننده مر خواننده خود را وازو نزدیکی پس من رجوع کننده ام بسوی تو از

الخطايا وراغب اليك في توفير حظي من العطايا يا خالق البرايا يا منقذي
گناهان ورغبت کننده ام بتو در وافر گردانیدن بهره من از بخشش ای بدید آورنده خلایق ای رهاننده من

من كل شديدة يا مجيري من كل محذور وفر علي السرور واكفني شر عواقب
از هر سختی ومشقت ای پناه دهنده من از هر مخوف وتمام گردان بر من شادی را ودفع کن از من بدی عاقبتهای

الامور فانك الله على نعمائك وجزيل عطائك مشكور ولكل خير مذخور
کارها پس بدرستیکه تو ای خدا بر نعمت خود وعطای وافر خود شکر کرده شده برای هر نیکی ذخیره کرده شده

وايضا از حضرت امام علي نقي عليه السلم منقول است كه بعد از نماز وتر اين دعا را نيز بخواند
يا نور النور يا مدبر الامور يا مجري البحور يا باعث من في القبور يا الهي
ای نور همه نورها ای تدبیر کننده کارها ای روان سازنده دریاها ای برانگیزنده هر که در قبرهاست ای پناه من

حين تعييني المذاهب وكنزي حين تعجزني المكاسب ومونسي حين تجفوني
هنگامی که مانده سازد مرا راهها وای دفینه هنگامی که عاجز نماید مرا کسبها وای انیس من هنگامی که ستم کنند مرا

الاباعد وتملني الاقارب ومنزهي بمجالسة اوليائه ومرافقة احبائه
دوران وغمگین کنند مرا نزدیکان ونزهت بخشنده مرا بهمنشینی یاران خود ورفاقت دوستان خود

في رياضه وساقي بموانسته من غير حياضه ورافعي بمجاورته من
در بوستانهای خود وآب دهنده بسبب موانست در آب گوارای حوضهای خود وای بلند گرداننده من از

وحطة الذنوب الى ربوة التقريب ومبدلي بولاية عزة العطايا
تسلیب گودال گناهان بسوی قرار گشته بلند مقرب گردانیده وبدل آورنده بدوستی خود ارجمندی بخششها را

من ذلة الخطايا اسالك يا مولاي بالفجر والليالي العشر والشفع والوتر
از خواری گناهان سؤال میکنم از تو ای آقای من بحرمت صبح وشبهای ده گانه وشفع ووتر

والليل اذا يسر وبما جرى به قلم الاقلام بغير كف ولا ابهام وباسمائك
وشب هرگاه بپایان رسد وانچه جاری شده بآن قلم همه قلمها بی اعانت کف دست ونه انگشت ابهامی وبحرمت نامهای

العظام وبحجتك على جميع الانام عليهم منك افضل السلم وبما استحفظتهم
بزرگ تو وبحرمت حجت تو بر همه آدمیان بر ایشان باد از جانب تو بهترین درودها وبحرمت الحرام بحفظ آن فرموده ایشان را

من اسمائك ان تصلي عليهم وترحمنا في شهرنا هذا وما بعده من الشهور
از نام بزرگ تست اینکه رحمت فرستی بر ایشان ورحم کنی ما را در ماه ما اینماه وبحق وانچه پس از انست از ماهها

والايام وان تبلغنا شهر الصيام في عامنا هذا وفي كل عام يا ذا الجلالة
وروزها واینکه برسانی ما را بماه روزه در این سال ودر هر سال بعد ای خداوند بزرگواری

والاكرام والمنن الجسام وعلى محمد وآله منا افضل السلم واعمال وادعيه اين شب
وگرامی داشتن از نعمتهای بزرگ وبر محمد وآل از ما بهترین درودها بسیار است ودوزه

روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در
روز اول ماه رجب حضرت نوح علیه السلام بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را
که با او در کشتی بودند که روزه بدارند و هر که این روز را روزه بدارد آتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که روزه
بدارد روز اول ماه رجب را از برای ثواب خدا بهشت او را واجب شود و هر که یک روز (رغبت در)
از وسط اینماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر
که دو قبیله عظیمند از قبائل عرب و هر که یک روز از آخر اینماه روزه بدارد حق تعالی او را
از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در پدر و مادر و دختر و پسر و برادر
و خواهر و عمه و عمو و خالو و خاله او و جمیع همسایگان و آشنایان او هر چند همه مستوجب
جهنم شده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رض روایت کرده اند که گفت
در آخر جمادی الثانیه (روزی) رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود
ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه
مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی را
که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام اینماه را
روزه داشته (گرفته) باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در
هر روز از اینماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او باسمان ببرند و هر که (روزی)
در اینماه روزه بدارد عبادت یکساله در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت
از برای او بلند کنند و اگر تمام اینماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات بدهد و بهشت
را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را برای من آورد و گفت

یا صمد

این علامتی است میان شما و منافقان زیرا که این نماز را منافقان نمیکنند گفتم یا رسول الله
چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده
رکعت بجای آوری یعنی هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد
و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از
هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ وَهُوَ حَیٌّ (نیست سزاوار پرستش مگر خدای یگانه نیست شریکی مر او را
مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس زنده میسازد و میمیراند و اوست زنده) لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی
كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اَللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا اَعْطَیْتَ وَلَا (نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر
هر چیزی توانا خداوندا نیست باز دارنده هر آنچه عطا کنی و نه) مُعْطِیَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا یَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ
(بخشنده هر آنچه را باز داری و سود نمیدهد خداوند بخت)
مِنْكَ الْجَدُّ پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم
(از تو بخت) ده رکعت بهمان نحو بجای آوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی
آسمان بر میداری و میگویی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ (نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالتی که یگانه است نیست شریکی مر او را مر اوراست پادشاهی و مر اوراست
شکر زنده میکند و میمیراند) وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ اِلٰهًا وَاحِدًا اَحَدًا فَرْدًا
(و او زنده است که نمیرد بدست اوست کل نیکیها و او بر هر چیزی تواناست در حالتی که معبود است یگانه احد تنها)
صَمَدًا لَمْ یَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا پس دستها را بروی خود میکشی و در روز
(بی نیاز است نگرفته است مصاحبی و نه فرزندی)
آخر ماه باز ده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست بر میداری و
میگویی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ یُحْیِی وَیُمِیتُ
(نیست معبودی مگر خدای یکتا نیست شریکی از برای او مر اوراست پادشاهی و مر اوراست سپاس زنده میکند و میمیراند)
وَهُوَ حَیٌّ لَا یَمُوتُ بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَهُوَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ
(و او زنده است که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیزی تواناست درود فرستد خدا بر محمد)

روز اول فضیلت بسیار دارد و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول است که در
روز اول ماه رجب حضرت نوح علیه السلام بکشتی سوار شد و امر کرد جمیع جن و انس را
که با او در کشتی بودند که روزه بدارند و هر که این روز را روزه بدارد آتش جهنم
یکساله راه از او دور گردد و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که روزه
رغبت در م
بدارد روز اول ماه رجب را از برای ثواب خدا بهشت او را واجب شود و هر که یک روز
از وسط این ماه روزه بدارد حق تعالی شفاعت او را قبول نماید در مانند ربیعه و مضر
که دو قبیله عظیمند از قبائل عرب و هر که یک روز از آخر این ماه روزه بدارد حق تعالی او را
از پادشاهان بهشت گرداند و قبول کند شفاعت او را در پدر و مادر و دختر و پسر و برادر
و خواهر و عمه و عمو و خالو و خاله او و جمیع همسایگان و آشنایان او هر چند همه مستوجب
جهنم شده باشند و شیخ طوسی و دیگران از سلمان فارسی رضی روایت کرده اند که گفت
روز م
در آخر جمادی الثانیه رفتم بخدمت حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله حضرت فرمود
ای سلمان تو از ما اهل بیتی پس فرمود که هر مرد مؤمن یا زن مؤمنه که در ماه رجب سی رکعت
نماز بگذارد و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه
مرتبه سوره قل یا ایها الکافرون بخواند البته حق تعالی محو کند از نامه عمل او هر گناهی را
که در کودکی و بزرگی کرده باشد و خدا عطا کند باو ثواب کسی را که تمام این ماه را
گرفته
روزه داشته باشد و تا سال آینده حق تعالی او را از نمازگذارندگان بنویسد و در
روزه
هر روز از این ماه ثواب شهیدی از شهیدان جنگ بدر برای او باسمان ببرند و هر که
در این ماه روزه بدارد عبادت یکسال در نامه عمل او بنویسند و هزار درجه در بهشت
از برای او بلند کنند و اگر تمام این ماه را روزه بدارد خدا او را از آتش جهنم نجات بدهد و بهشت
را از برای او واجب گرداند ای سلمان جبرئیل این نماز را برای من آورد و گفت

یا محمد
این علامتی است میان شما و منافقان زیرا که این نماز را منافقان نمیکنند گفتم یا رسول الله
چگونه این نماز را بکنم و در چه وقت بجا آورم فرمود که در روز اول ماه رجب ده
رکعت بجای آوری یعنی هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد
و سه مرتبه سوره قل هو الله احد و سه مرتبه قل یا ایها الکافرون میخوانی و بعد از
هر سلام دست بسوی آسمان بلند کن و بگو لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ نیست سزاوار پرستش مگر خدای یگانه نیست شریک مراورا
مراوراست پادشاهی و مراوراست سپاس و زنده میسازد و اوست زنده
لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى
و میمیراند
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ وَلَا نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر
هر چیزی توانا خداوندا نیست باز دارنده مر آنچه عطا کنی و نه
مُعْطِيَ لِمَا مَنَعْتَ وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ
بخشنده مر آنچه را باز داری و سود نمیدهد خداوند بخت
مِنْكَ الْجَدُّ پس دستها را بر روی خود میکشی و در روز وسط ماه یعنی پانزدهم
از رجب ده رکعت بهمان نحو بجای آوری و بعد از هر سلام دستها را بسوی
آسمان بر میداری و میگویی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ
الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ نیست سزاوار پرستش مگر خدا در حالتی که یگانه است نیست شریکی مراو را مراوراست پادشاهی و مراوراست
شکر زنده میکند و میمیراند
وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلٰهًا وَاحِدًا أَحَدًا فَرْدًا
و او زنده است که نمیرد بدست اوست کل نیکیها و او بر همه چیزی توانا است در حالتی که معبود است یگانه احد تنها
صَمَدًا لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا پس دستها را بروی خود میکشی و در روز
بی‌نیاز است نگرفته است مصاحبی و نه فرزندی
آخر ماه یازده رکعت بهمان نحو میکنی و بعد از هر سلام دست بر میداری و
میگویی لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ
نیست معبودی مگر خدای یکتا نیست شریکی از برای او مراوراست پادشاهی و مراوراست سپاس زنده میکند و میمیراند
وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ
و او زنده است که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیزی تواناست و درود فرستد خدا بر محمد

استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم غفار الذنوب
عبد ظالم لا یملک لنفسه موتا و لا حیاة و لا نشورا

و آل الطاهرین و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم پس دستها را بر روی
خود بمالد و حاجت خود را بطلب که البته بر آورده است و حق تعالی میان تو و جهنم
هفت خندق قرار میدهد که عرض هر خندقی بقدر ما بین زمین و آسمان بوده باشد
و بعدد هر رکعتی ثواب هزار هزار رکعت در نامه عمل تو مینویسد و برات بیزاری از
جهنم و گذشتن بر صراط برای تو مینویسد و منقول است که هر که در روز جمعه
ماه رجب صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند حق تعالی در قیامت باو نوری
عطا کند که بآن نور داخل بهشت گردد و در حدیث معتبر وارد شده است که
حضرت امام محمد باقر علیه السلم در روز جمعه اول ماه رجب متولد شده و موجب
زیادتی شرف این روز گردیده و در روایتی وارد شده است که ولادت حضرت
امام علی نقی علیه السلم در روز دوم ماه رجب شده و بروایت دیگر در روز سیم ماه
رجب واقع شده و بروایت ابرهیم بن هاشم وفات آنحضرت در روز سیم واقع شده است
و ابن عیاش گفته است که ولادت آنحضرت در پنجم اینماه واقع شده است و ولادت
حضرت امام محمد تقی علیه السلم در دهم اینماه شده است و بعضی از روایات در فضیلت
خصوص دهم وارد شده است و در فضیلت ایام البیض ماه رجب احادیث معتبره
وارد شده است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم و بسند معتبر از حضرت
امام جعفر صادق ع منقول است که حق تعالی فضیلت سه ماه را باین امت داده است
که باحدی از امتهای گذشته نداده است ماه رجب و ماه شعبان و ماه رمضان و
سه شب باین امت داده است که بامتهای دیگر نداده است شب سیزدهم و شب
چهاردهم و شب پانزدهم و سه سوره باین امت داده است که مثل آنها بامتهای
پیش نداده است سوره یس و سوره تبارک الذی بیده الملک و سوره قل هو الله احد

بعد از سوره حمد آیه الکرسی ...
... اللهم ... واحد ... شرید

پس هر که جمع کند میان این سه فضیلت جمیع فضائل این امت را جمع کرده خواهد بود
پرسیدند که چگونه جمع کند فرمود که در شب سیزدهم هر یک از این سه ماه دو رکعت
نماز بگذارد بیک سلام و در هر رکعت بعد از سوره حمد این سه سوره را بخواند
و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو سلام بگذارد بعد از سوره حمد این سه سوره را
بخواند و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورد بسه سلام و در هر رکعت بعد از
حمد این سه سوره را بخواند تا جمیع فضیلت این سه ماه را بیابد و جمیع گناهانش
آمرزیده شود بغیر از شرک بخدا و از حضرت صادق علیه السلم منقول است که هر که ایام
البیض ماه رجب را روزه دارد حق تعالی بهر روزی عبادت یکساله روزه یکساله
برای او بنویسد و در قیامت او را در محل ایمنان باز دارد که هیچ بیم و خوف نداشته
باشد و مشهور آنست که ولادت باسعادت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله
علیه در میان کعبه معظمه در روز سیزدهم ماه رجب بود دوازده سال قبل از
مبعوث شدن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و علی بن ابرهیم گفته است که ولادت
حضرت امام علی نقی علیه السلم نیز در روز سیزدهم ماه رجب بود در سال دویست و
چهارده از هجرت و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل در آن سنت است
و احیاء آن بعبادت فضیلت بسیار دارد و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول
است که در شب نیمه رجب حق تعالی امر میکند ملائکه را که هر گناهی که در دیوان اعمال
بندگان مومنان باشد محو کنند و ایضا از آنحضرت منقول است که هر که روز سیزدهم
و چهاردهم و پانزدهم رجب را روزه بدارد و در شبهای آنها مشغول عبادت باشد
از دنیا بیرون نرود مگر با توبه نصوح و بهر روز که روزه داشته هفتاد گناه کبیره
او آمرزیده شود و هفتاد حاجت وی بر آورده شود در وقتی که از قبر بیرون می آید

ونزد میزان ونزد صراط وچنان باشد که هفتاد بنده از فرزندان اسمعیل ازاد
کرده باشد وشفاعت اورا قبول کنند در هفتاد نفر از اهل بیت وخویشان او
که مستحق جهنم شده باشند وحق تعالی بنا کند از برای او در جنات فردوس هفتاد
هزار شهر ودر هر شهری هفتاد هزار قصر بوده باشد ودر هر قصری هزار حوریه
باشد وهر حوریه هفتاد هزار خادم داشته باشد وشیخ طوسی علیه الرحمه بسند
صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که در شب نصف رجب دوازده
رکعت نماز بجای اوری یعنی بشش سلام بالحمد وهر سوره که خواهی وچون فارغ
شوی هر یک از سوره حمد وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله
احد وایة الکرسی را چهار مرتبه میخوانی پس چهار مرتبه میگویی که سُبْحَانَ اللهِ وَالْحَمْدُ
لِلهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ پس میگویی اَللهُ اَللهُ رَبِّی
پاک ومنزه است خدا وستایش مر خدای راست ونیست خدائی مگر او وخدا بزرگ است خدا پروردگار
لا اُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَمَا شَاءَ اللهُ وَلا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ
نیست شریک مراورا چیزی وانچه خواست خدا میشود ونیست قوة مگر بخدا
ودر شب وروز زیارت حضرت
امام حسین علیه السلام سنت مؤکد است وبسند صحیح از ابن ابی نصر منقول است
که از حضرت امام رضا ع سؤال کرد که زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در کدام
وقت بهتر است فرمود که در نیمه رجب ونیمه شعبان ودر روز یازدهم نماز سلمان را
باید کرد بکیفیتی که گذشت وبسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در این روز چهار رکعت نماز کرد ودستهای خود را
گشود واین دعا را خواند پس فرمود که هر که بشدتی وغمی مبتلا گردد واین دعا را بخواند
البته کرب وشدت او زائل میگردد واین چهار رکعت را بدو سلام میکند وهر سوره
که خواهد میخواند ودعا این است اَللّٰهُمَّ یَا مُذِلَّ کُلِّ جَبَّارٍ وَمُعِزَّ الْمُؤْمِنِینَ
بار خدایا ای خوار سازنده هر متکبر وعزیز دارنده گروندگان

انت

اَنْتَ کَهْفِی حِینَ تُعْیِینِی الْمَذَاهِبُ وَاَنْتَ بَارِئُ خَلْقِی رَحْمَةً بِی وَقَدْ کُنْتَ
تو پناه منی انگاهی که عاجز گنند مرا راهها وتو پدید آورنده خلقت منی از روی مهربانی بمن وتحقیق بودی
عَنْ خَلْقِی غَنِیّاً وَلَوْلا رَحْمَتُكَ لَکُنْتُ مِنَ الْهَالِکِینَ وَاَنْتَ مُؤَیِّدِی
از خلقت من بی نیاز اگر نمیبود رحمت تو هر اینه بودم از ناچیزان وتو قوت دهنده منی
بِالنَّصْرِ وَلَوْلا نَصْرُكَ اِیَّایَ لَکُنْتُ مِنَ الْمَفْضُوحِینَ یَا مُرْسِلَ الرَّحْمَةِ مِنْ
بیاری بر دشمنان اگر نمیبود یاری تو مرا هر اینه بودم از رسوا شدگان ای فرستنده رحمت از
مَعَادِنِهَا وَمُنْشِئَ الْبَرَکَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا یَا مَنْ خَصَّ بِالشُّمُوخِ وَالرِّفْعَةِ فَاَوْلِیَاؤُهُ
معدنهای آن وفرستنده برکت از جاهای آن ای انکه مخصوص است به بلندی ورفعت پس دوستان او
بِعِزِّهِ یَتَعَزَّزُونَ یَا مَنْ وَضَعَتْ لَهُ الْمُلُوكُ نِیرَ الْمَذَلَّةِ عَلَی اَعْنَاقِهَا فَهُمْ
بعزت او عزیز شوند ای انکه گذاشته برای پادشاهان بند خواری بر گردنهای خود پس ایشان
مِنْ سَطَوَاتِهِ خَائِفُونَ اَسْاَلُكَ بِکَیْنُونِیَّتِكَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ کِبْرِیَائِكَ
از غضبهای او میترسند سؤال میکنم از تو بکینونیت تو که بیرون آوردی اورا از بزرگواری تو
وَاَسْاَلُكَ بِکِبْرِیَائِكَ الَّتِی اشْتَقَقْتَهَا مِنْ عِزَّتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِعِزَّتِكَ
ومیخواهم از تو بغلبه تو که بیرون آوردی اورا از عزت وغلبه تو وسؤال میکنم از تو بغلبه تو
الَّتِی اسْتَوَیْتَ بِهَا عَلَی عَرْشِكَ فَخَلَقْتَ بِهَا جَمِیعَ خَلْقِكَ فَهُمْ لَكَ
که استیلا داری بآن بر عرش خود پس آفریدی بآن همه خلق خود را پس ایشان برای تو
مُذْعِنُونَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ پس حاجات خود را از حق تعالی
خواضع ومنقادند اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وخانواده طلب نماید وبدانکه عمده اعمال
نصف رجب دعای ام داود است که ابن بابویه وشیخ طوسی وسید ابن
طاوس ره بسندهای معتبر روایت کرده اند وبرای برامدن حاجات وکشف کربات

ودفع ظلم ظالمان مجربست ومجمل روایتش انست که فاطمه مادر داود بن الحسن
پسر زاده حسن مجتبی علیه السلم دایه حضرت امام جعفر صادق علیه السلم بود وشیر
داود انحضرت را شیر داده بود وچون محمد بن عبد الله بن الحسن در مدینه خروج
کرد ومنصور دوانیقی لشکر فرستاد واورا کشتند وابرهیم برادر محمد را نیز شهید
کردند وعبد الله ابن الحسن وجمعی از سادات حسنی را باغل وزنجیر از مدینه بعراق بردند
داود نیز درمیان انها بود ام داود گفت چون مدتی از حبس فرزند من گذشت
واز او خبری بمن نرسید پیوسته دعا وتضرع میکردم واز صلحاء ونیکان وبرادران
مؤمن استدعای دعا مینمودم وایشان تقصیر نمیکردند ومطلقا اثر استجابت
نمییافتم وگاهی خبر بمن میرسید که داود را کشتند وگاهی میگفتند که داود را با
پسران عم او در زیر عمارت زنده گذاشتند وروز بروز مصیبت من عظیم تر و
اندوه من بیشتر میشد تا انکه از غم گداختم وپیر شدم واز ملاقات او نا امید گردیدم
تا انکه روزی شنیدم که حضرت صادق علیه السلم را علتی عارض شده است بعیادت
انحضرت رفتم چون احوال گرفتم ودعا کردم وخواستم برگردم حضرت فرمود که از داود
چه خبر داری ومن شیر داود را با انحضرت داده بودم چون نام داود را شنیدم
گریستم وگفتم فدای تو شوم داود کجاست او در عراق محبوس است ومن از ملاقات
او قطع امید کرده ام واز شما التماس میکنم که او را دعا کنید او برادر رضاعی شما است
حضرت فرمود چرا غافلی از دعای استفتاح ودعای اجابت ونجاح وان دعایی است
که درهای اسمان برای او گشوده میشود وملئکه استقبال میکنند خواننده انرا و
بشارت میدهند او را باجابت وان دعائی است که از مجیب الدعوات محجوب نمیگردد
وخواننده انرا ثوابی نیست بغیر از بهشت ام داود گفت ای فرزند طاهرین وراست

گویان

گویان چگونه است ان دعا حضرت فرمود ای مادر داود ماه محترم یعنی ماه رجب
نزدیک شده است وان ماهی است مبارک وحرمت ان عظیم است ودعاها در
ان مستجابست چون انماه در اید سیزدهم وچهاردهم وپانزدهم انرا که ایام
البیض اند روزه بدار پس حضرت کیفیت ان عمل را تعلیم او نمود وفرمود که این دعا را
حفظ کن وبهر کس تعلیم مکن که میترسم که بدست کسی افتد که از برای امر باطلی
ونامشروعی این دعا را بخواند بدرستی که این دعای بسیار شریفیست ومشتمل است
بر اسم اعظم خدا که هر که بخواند البته حاجت او براورده میشود واگر درهای
اسمان وزمین همه بسته شود یا دریاها همه حائل باشند میان تو وحاجت تو
چون این دعا را بخوانی البته حق تعالی اسان میگرداند وسهل نماید مطلب تو وحاجت
تو را بر می اورد وهر که این دعا را بخواند خدا مستجاب میگرداند خواه مرد باشد
وخواه زن واگر جن وانس همه دشمن فرزند تو باشند خداوند در کفایت
شر ایشان میکند وزبان ایشان را می بندد وایشان را منقاد فرزند تو میگرداند
ام داود گفت که حضرت این دعا را برای من نوشت وبخانه برگشتم وچون ماه
رجب داخل شد انچه حضرت فرموده بود بعمل اوردم ودر شب شانزدهم نماز
شام وخفتن را ادا کردم واز روزه افطار نمودم وقدری عبادت کردم و
بخواب رفتم در خواب دیدم که جمیع ملائکه وپیغمبران وشهدا وعبّاد را که من بر ایشان
صلوات فرستاده بودم وحضرت رسول صلی الله علیه واله مرا خطاب فرمود که
ای مادر داود بشارت باد تو را که اینجماعت را که می بینی همه برادران ویاوران
وشفیعان تو اند وانیز برای تو طلب امرزش میکنند وبشارت میدهند ترا
بانکه حاجت تو براورده است پس بشارت باد تو را بامرزش خدا وخشنودی

خدا و خدا ترا جزای خیر دهد و شاد باش که حق تعالی فرزند ترا حفظ میکند
و بتو بر میکرداند انشاء الله تعالی ام داود گفت که از خواب بیدار شدم و بعد از آن
انقدر زمان که سوار تند روی از عراق بمدینه آید داود به نزد من آمد و گفت ای
مادر من در عراق در زندان بسیار تنگی و سنگینی بند و زنجیر بودم و ناامید بودم
از خلاص شدن چون شب نصف رجب شد در خواب دیدم که بلندیهای زمین پست
شد و ترا دیدم که بر روی حصیر نماز خود نشسته بودی و بر دور تو مردانی
چند بودند که سرهای ایشان در آسمان بود و پاهای ایشان در زمین و
تسبیح و تنزیه خدا میکردند پس یکی از ایشان که از همه خوش روتر و خوشبوتر
بود و جامهای بسیار پاکیزه در بر داشت و گمان کردم که حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله جد من است خطاب کرد با من که بشارت باد ترا ای
فرزند عجوزه صالحه که حق تعالی دعای مادر ترا در حق تو مستجاب کرد چون بیدار
شدم رسولان منصور دوانیقی بدر زندان رسیده بطلب من آمده بودند در
میان شب مرا نزد او بردند پس امر کرد که زنجیرها را از من برداشتند و ده هزار
هزار درهم که زیاده از هزار تومان بوده بحساب آن زمان بمن عطا کرد و فرمود
که مرا بر شتر رهواری سوار کنند و بنهایت سرعت بمدینه بیاورند ام داود گفت
که من داود را بخدمت حضرت صادق ع بردم حضرت فرمود که سبب خلاص تو آن بود
که منصور حضرت امیر المؤمنین علیه السلم را در خواب دید که با و فرمود که رها کن
فرزند مرا و اگر نکنی ترا در این آتش میاندازم چون نظر کرد در پای آتشی در زیر
پای خود دید پس از دهشت بیدار شد و از کرده خود پشیمان گردید و ترا رها
کرد و اما کیفیت این عمل شریف ام داود گفت که حضرت صادق علیه السلم فرمود که در

ماه رجب روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم را روزه بدار و در روز پانزدهم
در وقت زوال غسل بکن و بروایت دیگر نزدیک بزوال غسل بکن و چون زوال
معلوم شود پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و بخانه خلوتی برو و سعی کن که کسی
نزد تو نیاید که ترا مشغول گرداند و با تو سخن بگوید و هشت رکعت نافله زوال
را بجا آور و رکوع و سجود آنها را خوب بعمل آور و بعد از آن نماز فریضه ظهر را با شرایط
و آداب بعمل آور و بعد از نماز فریضه ظهر دو رکعت نماز بکن بهر سوره که خواهی و
بعد از آن صد مرتبه بگو یا قاضی حوائج الطالبین پس هشت رکعت نافله عصر را
با آداب و شرایط بجا می آوری و در بعضی از روایات وارد شده است که در هر رکعتی
نافله عصر بعد از حمد سه مرتبه سوره قل هو الله احد و یکمرتبه سوره انا اعطیناک
الکوثر بخوان پس نماز عصر را با خشوع و آداب بجا آور و در روایتی وارد شده است
که بر روی حصیر پاکیزه بنشین پس صد مرتبه سوره حمد و صد مرتبه سوره قل هو الله
احد و ده مرتبه آیة الکرسی بخوان پس هر یک از این سورها را یکمرتبه بخوان سوره
انعام و بنی اسرائیل و کهف و لقمن و الم سجده و یس و و الصافات و حم سجده و
حمعسق و حم دخان و انا فتحنا و اذا وقعت و تبارک الذی بیده الملک و ن
والقلم و اذا السماء انشقت تا آخر قران و اگر نتوانی این سورها را از روی مصحف
درست بخوانی بعوض همه هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و شیخ مفید علیه
الرحمه گفته است که اگر ندانی یا نتوانی این سورهای مخصوص را بخوانی صد مرتبه
سوره حمد و ده مرتبه آیة الکرسی و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و این
احوط است و در روایت دیگر وارد شده است که پیش از حمد صد مرتبه بگوید
سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَکْبَرُ و بعد از آیة الکرسی
پاکست خدا و سپاس مر خدا را سزا است و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگست

صد مرتبه بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد واگر آیة الکرسی نیز درست

خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

نتواند خواند صد مرتبه سوره حمد و هزار مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند پس

دعا را بخواند و آیة الکرسی را بهتر آنست که تا هم فیها خالدون بخواند دعا این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ صَدَقَ اللّٰهُ الْعَظِیمُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّومُ

بنام خدای بخشاینده مهربان راست گوست خدای بزرگوار آنکه نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده

ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَلِیمُ الْکَرِیمُ الَّذِی لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ

خداوند بزرگوار و گرامی داشتن بخشاینده مهربان بردبار بزرگوار آن خدا که نیست و نباشد مانند او چیزی

وَهُوَ السَّمِیعُ الْبَصِیرُ الْعَلِیمُ الْخَبِیرُ شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰئِکَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ

و اوست شنوای بینا و دانای آگاه گواهی داد خدا که نیست سزاوار پرستش مگر او و گواهی داده اند ملائکه و صاحبان علم

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیزُ الْحَکِیمُ وَبَلَّغَتْ رُسُلُهُ الْکِرَامُ وَاَنَا

در حالتی که قایمست بعدالت نیست سزاوار پرستش مگر او غالب و دانا و رسانیده اند فرستادگان بزرگوار و من

عَلٰی ذٰلِکَ مِنَ الشَّاهِدِینَ اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ وَلَکَ الْمَجْدُ وَلَکَ الْعِزُّ وَلَکَ

بر آن از جمله گواهانم بارخدایا مر تراست ستایش و مر تراست بزرگواری و مر تراست ارجمندی و مر تراست

الْفَخْرُ وَلَکَ الْقَهْرُ وَلَکَ النِّعْمَةُ وَلَکَ الْعَظَمَةُ وَلَکَ الرَّحْمَةُ وَلَکَ الْمَهَابَةُ

بزرگواری و مر تراست غلبه و مر تراست نعمت و مر تراست بزرگی و مر تراست بخشش و مر تراست ترسیدن

وَلَکَ السُّلْطَانُ وَلَکَ الْبَهَاءُ وَلَکَ الْاِمْتِنَانُ وَلَکَ التَّسْبِیحُ وَلَکَ التَّقْدِیسُ

و مر تراست پادشاهی و مر تراست نیکویی و مر تراست انعام و مر تراست تسبیح و مر تراست تنزیه

وَلَکَ التَّهْلِیلُ وَلَکَ التَّکْبِیرُ وَلَکَ مَا یُرٰی وَلَکَ مَا لَا یُرٰی وَلَکَ مَا فَوْقَ

و مر تراست تهلیل و مر تراست تکبیر و مر تراست آنچه دیده میشود و مر تراست آنچه دیده نمیشود و مر تراست آنچه بالای آسمانهای بلند است و

السَّمٰوَاتِ الْعُلٰی وَلَکَ مَا تَحْتَ الثَّرٰی وَلَکَ الْاَرَضُونَ السُّفْلٰی وَلَکَ الْاٰخِرَةُ

و مر تراست آنچه در زیر خاک است و مر تراست زمینهای پست و مر تراست آنجهان

وَالْاُولٰی وَلَکَ مَا تَرْضٰی بِهِ مِنَ الثَّنَاءِ وَالْحَمْدِ وَالشُّکْرِ وَالنَّعْمَاءِ اَللّٰهُمَّ

و اینجهان و مر تراست آنچه بپسندی آنرا از ستودن و ستایش و سپاس گذاری و نعمتها خداوندا

صَلِّ عَلٰی جَبْرَئِیلَ اَمِینِکَ عَلٰی وَحْیِکَ وَالْقَوِیِّ عَلٰی اَمْرِکَ وَالْمُطَاعِ فِی

رحمت فرست بر جبرئیل معتمد تو بر پیغام تو و توانا بر فرمان تو و اطاعت کرده شده در

سَمٰوَاتِکَ وَمَحَالِّ کَرَامَاتِکَ الْمُتَحَمِّلِ لِکَلِمَاتِکَ النَّاصِرِ لِاَنْبِیَائِکَ الْمُدَمِّرِ

آسمان تو و جایهای نوازشهای تو بردارنده مر کلمات ترا یاری نماینده مر پیغمبران ترا هلاک سازنده

لِاَعْدَائِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مِیکَائِیلَ مَلَکِ رَحْمَتِکَ وَالْمَخْلُوقِ لِرَاْفَتِکَ وَ

مر دشمنان ترا خداوندا رحمت فرست بر میکائیل فرشته رحمت تو و آفریده شده از راه مهربانی تو و

الْمُسْتَغْفِرِ الْمُعِینِ لِاَهْلِ طَاعَتِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اِسْرَافِیلَ حَامِلِ عَرْشِکَ

طلب آمرزش کننده مدد نماینده مر اهل طاعت ترا خداوندا رحمت فرست بر اسرافیل بردارنده عرش تو

وَصَاحِبِ الصُّورِ الْمُنْتَظِرِ لِاَمْرِکَ وَالْوَجِلِ الْمُشْفِقِ مِنْ خِیفَتِکَ اَللّٰهُمَّ

و خداوند صور انتظار برنده مر فرمان ترا و ترسان بیمناک از ترس تو خداوندا

صَلِّ عَلٰی عَزْرَائِیلَ قَابِضِ اَرْوَاحِ جَمِیعِ خَلْقِکَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی حَمَلَةِ الْعَرْشِ

رحمت فرست بر عزرائیل گیرنده جانهای همه خلق تو خداوندا رحمت فرست بر بردارندگان عرش

الطَّاهِرِینَ وَعَلٰی مَلٰئِکَةِ الذِّکْرِ اَهْلِ التَّاْمِینِ عَلٰی دُعَاءِ الْمُؤْمِنِینَ

پاکیزگان و بر ملائکه ذکر گویان که آمین اندر خواندن کنندگان

وَعَلَی السَّفَرَةِ الْکِرَامِ الْبَرَرَةِ الطَّیِّبِینَ وَعَلٰی مَلٰئِکَتِکَ الْکِرَامِ الْکَاتِبِینَ

و بر نویسندگان بزرگواران پاکیزگان نیکوکاران و بر فرشتگان تو بزرگواران نویسندگان

وَمَلٰئِکَةِ الْجِنَانِ وَخَزَنَةِ النِّیرَانِ وَمَلَکِ الْمَوْتِ وَالْاَعْوَانِ یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ

و بر فرشتگان بهشت و نگاهدارندگان دوزخ و فرشته مرگ و مددکاران او ای خداوند بزرگوار و گرامی

علم

اللهم صل على ابينا آدم بديع فطرتك الذي كرمته بسجود ملائكتك
خداوندا رحمت فرست بر پدر ما آدم پدید آورده آفرینش تو که گرامی داشتی بسجده فرشتگان

كرمته ن د

واباحته جنتك اللهم صل على امنا حواء المطهرة من الرجس
وحلال کردی برای او بهشت خود را خداوندا رحمت فرست بر مادر ما حوا پاک کرده از هر عیب نجس

المصفاة من الدنس المفضلة من الانس المترددة بين محال القدس
پاکیزه شده از چرک زیاده شده از آدمیان آمد و شد کننده از جاهای پاکیزه

اللبس غ ا

اللهم صل على هابيل وشيث وادريس ونوح وهود وصالح وابراهيم
خداوندا رحمت فرست بر هابیل و بر شیث وادریس ونوح وهود وصالح وابراهیم

واسمعيل واسحق ويعقوب ويوسف والاسباط ولوط وشعيب و
واسمعیل واسحق ویعقوب ویوسف وبر فرزندان یعقوب وبر لوط وشعیب و

ايوب وموسى وهرون ويوشع وميشا والخضر وذي القرنين ويونس
ایوب وموسی وهرون ویوشع وبر میشا وخضر وذی القرنین ویونس

والياس واليسع وذي الكفل وطالوت وداود وسليمن وزكريا
والیاس ویسع وذا الکفل وطالوت وداود وسلیمان وزکریا

وشعيا ويحيى وتورخ ومتى وارميا وحيقوق ودانيال وعزير
وشعیا ویحیی وتورخ ومتی وارمیا وحیقوق ودانیال وعزیر

وارميا ن د

وعيسى وشمعون وجرجيس والحواريين والاتباع وخالد وحنظلة
وعیسی وشمعون وجرجیس وحواریین واتباع وخالد وحنظله

اللهم صل على محمد وآل محمد وارحم محمدا وآل محمد وبارك على محمد
خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد ورحم کن بر محمد وآل محمد وبرکت ده بر محمد

وال

وآل محمد كما صليت ورحمت وباركت على ابرهيم وآل ابرهيم انك حميد
وآل محمد چنانکه رحمت فرستادی ورحم کردی وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شده

مجيد اللهم صل على الاوصياء والسعداء والشهداء وائمة الهدى
بزرگوار خداوندا درود فرست بر اوصیای پیغمبران ونیکبختان وگواهان شهیدان وپیشوایان راه هدایت

اللهم صل على الابدال والاوتاد والسياح والعباد والمخلصين والزهاد
خداوندا درود فرست بر ابدال واوتاد وروزه داران وعبادت کنندگان وخالصان وبی رغبتان

واهل الجد والاجتهاد واخصص محمدا واهل بيته بافضل صلواتك
واهل سعی وکوشش ومخصوص گردان محمد واهل بیت او بزیادتی رحمت تو

واجزل كراماتك وبلغ روحه وجسده مني تحية وسلاما وزده فضلا
ووافرترین نوازشهای تو وبرسان روح او را وجسم او را از من درود وسلام وزیاده گردان بخشش

وشرفا وكرما حتى تبلغه اعلى درجات اهل الشرف من النبيين
وبلندی وبزرگواری خود تا اینکه برسد او به بلندی درجات اهل شرف از پیغمبران

والمرسلين والافاضل المقربين اللهم وصل على من سميت ومن لم
وفرستادگان وصاحبان فضل از نزدیکان خداوندا رحمت فرست بر آنکه نام بردم وبر آنکه نام

اسم من ملائكتك وانبيائك ورسلك واهل طاعتك واوصل صلواتي
نبردم از فرشتگان تو وپیغمبران تو وفرستادگان تو واهل طاعت وبرسان درودهای مرا

اليهم والى ارواحهم واجعلهم اخواني فيك واعواني على دعائك اللهم
بسوی ایشان وبسوی ارواح ایشان وبگردان ایشان را برادران من در راه تو ومددکاران من بر خواندن تو خداوندا

اني استشفع بك اليك وبكرمك الى كرمك وبجودك الى جودك وبرحمتك
بدرستی که من شفاعت میجویم بسوی تو وبخشش تو وبسوی بخشش تو وبخشش تو بسوی بخشش تو وبرحمت تو

اِلىٰ رَحْمَتِكَ وَبِاَهْلِ طاعَتِكَ اِلَيْكَ اَسْاَلُكَ اللّٰهُمَّ بِكُلِّ ما سَاَلَكَ بِهِ اَحَدٌ
بسوی رحمت تو وباهل طاعت تو بسوی تو وسؤال میکنم از تو خداوندا بهرچه خواسته ترا بآن یکی

مِنْهُمْ مِنْ مَسْئَلَةٍ شَريفَةٍ غَيْرِ مَرْدُودَةٍ وَبِما دَعَوْكَ بِهِ مِنْ دَعْوَةٍ مُجابَةٍ
از ایشان از سؤال بزرگی که نباشد برگردانیده شده وبآنچه خوانند ترا بآن از دعای پذیرفته

غَيْرِ مُخَيَّبَةٍ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ يا حَليمُ يا كَريمُ يا عَظيمُ يا جَليلُ يا مُنيلُ
که نباشد بی بهره از قبول ای خدای بخشاینده ای مهربان ای بردبار ای بزرگوار ای بزرگ ای بزرگ مرتبه ای بخشنده

يا جَميلُ يا كَفيلُ يا وَكيلُ يا مُقيلُ يا مُجيرُ يا خَبيرُ يا مُنيرُ يا مُبيرُ يا مَنيعُ يا مُديلُ
ای نیکو ای ضامن ای بخود گذارنده کارها ای درگذرنده ای پناه دهنده ای آگاه ای روشن سازنده ای هلاک نماینده ای ارجمند ای دولت دهنده

يا مُحيلُ يا كَبيرُ يا قَديرُ يا بَصيرُ يا شَكُورُ يا بَرُّ يا طُهْرُ يا طاهِرُ يا قاهِرُ يا ظاهِرُ
ای قوت بخشنده ای بزرگ ای توانا ای بینا ای جزای شکر دهنده ای نیکوکار ای پاک ای پاکیزه ای غالب ای هویدا

يا باطِنُ يا ساتِرُ يا مُحيطُ يا مُقْتَدِرُ يا حَفيظُ يا مُتَجَبِّرُ يا قَريبُ يا وَدُودُ يا
ای پنهان ای پوشاننده ای احاطه کننده ای نگاهدارنده ای پناه دهنده ای پناه دهنده ای نزدیک ای دوست ای

حَميدُ يا مَجيدُ يا مُبْدِئُ يا مُعيدُ يا شَهيدُ يا مُحْسِنُ يا مُجْمِلُ يا مُنْعِمُ يا مُفْضِلُ
ستوده ای آورنده ای بازگرداننده از نو ای گواه ای احسان کننده ای نیکو ای نعمت دهنده ای بخشنده

يا قابِضُ يا باسِطُ يا هادي يا مُرْسِلُ يا مُرْشِدُ يا مُسَدِّدُ يا مُعْطي يا مانِعُ يا
ای گیرنده ای گستراننده ای راه نما ای فرستنده ای توفیق دهنده ای توفیق بخشنده ای بخشنده ای بازدارنده ای

دافِعُ يا رافِعُ يا باقي يا واقي يا خَلّاقُ يا وَهّابُ يا تَوّابُ يا فَتّاحُ يا نَفّاحُ يا
دور سازنده ای بلند کننده ای بی زوال ای تمام کننده ای بیدا آورنده ای بخشنده ای پذیرنده ای گشاینده ای بخشاینده ای

مُرْتاحُ يا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتاحٍ يا نَفّاعُ يا رَؤُفُ يا عَطُوفُ يا كافي يا شافي يا
بخشنده ای آنکه بدست اوست هر کلیدی ای سودبخش ای مهربان ای دهنده ای کارگزار ای شفا دهنده ای

مُحيلُ ن ل

١٧

يا مُعافي يا مُكافي يا وَفِيُّ يا مُهَيْمِنُ يا عَزيزُ يا جَبّارُ يا مُتَكَبِّرُ يا سَلامُ يا مُؤْمِنُ
ای عافیت بخشنده ای جزا دهنده ای وفا کننده ای دانا ای ارجمند ای کارفرمای بقهر ای بزرگوار ای سالم از نقص ای امان دهنده

يا اَحَدُ يا صَمَدُ يا نُورُ يا مُدَبِّرُ يا فَرْدُ يا وِتْرُ يا قُدُّوسُ يا ناصِرُ يا مُؤْنِسُ
ای یگانه ای پناه نیازمندان ای هویدا ای تدبیر کننده ای یکتا ای بی همتا ای بسیار منزه ای یاور ای انس بخشنده

يا باعِثُ يا وارِثُ يا عالِمُ يا حاكِمُ يا بادي يا مُتَعالي يا مُصَوِّرُ يا مُسَلِّمُ
ای برانگیزنده ای میراث برنده ای دانا ای راست گفتار ای پدید آورنده ای بلند مرتبه ای نگارنده ای سلامتی بخش

يا هادي ن ل
ای رهنما

يا مُتَحَبِّبُ يا قائِمُ يا دائِمُ يا عَليمُ يا حَكيمُ يا جَوادُ يا بارِئُ يا بارُّ يا سارُّ
ای دوستی کننده ای پاینده ای همیشه موجود ای دانا ای راست کردار ای بخشنده ای آفریننده ای نیکوکار ای شادی بخش

يا عَدْلُ يا فاصِلُ يا دَيّانُ يا حَنّانُ يا مَنّانُ يا سَميعُ يا بَديعُ يا خَفيرُ يا مُعينُ
ای عادل ای زیادتی بخش ای جزا دهنده ای مهربان ای بسیار بخشنده ای شنوا ای پدید آورنده ای زنهار دهنده ای اعانت کننده

يا ناشِرُ يا غافِرُ يا قَديمُ يا مُسَهِّلُ يا مُيَسِّرُ يا مُميتُ يا مُحْيي يا نافِعُ يا رازِقُ
ای برانگیزنده ای آمرزنده ای دیرینه ای هموار کننده ای آسان کننده ای میراننده ای زنده کننده ای سودبخش ای روزی دهنده

يا مُقْتَدِرُ يا مُسَبِّبُ يا مُغيثُ يا مُغْني يا مُقْني يا خالِقُ يا راصِدُ يا واحِدُ يا
ای اندازه کننده ای برانگیزنده ای آمرزنده و فریادرسنده ای بی نیاز کننده ای بخشنده ای خلق کننده ای یکتا ای

حاضِرُ يا جابِرُ يا حافِظُ يا شَديدُ يا غِياثُ يا عائِدُ يا قابِضُ يا مُنيبُ يا
حاضر ای غلبه کننده ای نگاهدارنده ای توانا ای فریادرس ای نفع بخشنده ای گیرنده ای پذیرنده توبه ای

مُبينُ يا طاهِرُ يا مُجيبُ يا مُتَفَضِّلُ يا مُسْتَجيبُ يا عادِلُ يا بَصيرُ يا مُؤَمَّلُ يا
جدا کننده ای پاکیزه ای اجابت کننده ای بخشنده ای پذیرنده دعاها ای دادخواه ای بینا ای خواهنده خیر ای

مُبْدِئُ يا اَوّابُ يا وافي يا راشِدُ يا مَلِكُ يا رَبُّ يا مُذِلُّ يا مُعِزُّ يا ماجِدُ
ای بخشاینده ای رجوع فرماینده ای وفا کننده ای قسمت کننده ای پادشاه ای پروردگار ای خوار سازنده ای عزت دهنده ای بزرگوار

يا مُسَدِّدُ ن ل

يا رازق يا ولي يا فاضل يا سبحان يا من علا فاستعلى فكان بالمنظر
ای روزی دهنده ای یاور ای خدای فضل ای پاک ای انکه بلندست پس بلندست پس در دیدگاه
الاعلى يا من قرب فدنا وبعد فنأى وعلم السر واخفى يا من اليه
بلند ای انکه نزدیکست پس نزدیک و دورست پس دورست و میداند هر راز پنهان را ای انکه بسوی اوست
التدبير وله المقادير يا من العسير عليه سهل يسير ويا من هو
تدبیر و از برای اوست اندازها ای انکه هر دشواری براو آسان و سهلست وای انکه او
على ما يشاء قدير يا مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح
بر هر چیزی که اراده نماید تواناست ای فرستنده بادها ای شکافندهٔ صبح ای برانگیزنده نفوس
يا ذا الجود والسماح يا راد ما قد فات يا ناشر الاموات يا جامع الشتات
ای خداوند بخشنده و نوازش کننده ای برگردانندهٔ انچه بتحقیق فوت شده ای زنده سازنده مردگان ای فراهم آورندهٔ پراکنده
يا رازق من يشاء بغير حساب ويا فاعل ما يشاء كيف يشاء يا ذا الجلال
ای روزی دهندهٔ انکه خواهد بی شمار و ای کنندهٔ انچه خواهد هر نوع که خواهد ای خدای بزرگ
والاكرام يا حي يا قيوم يا حي حين لا حي يا حي يا محيي الموتى يا حي لا اله
و کرامی داشتن ای زنده پاینده ای زنده در هنگامی که نیست زنده ای زنده کنندهٔ مردگان ای زنده که نیست خدا
الا انت بديع السموات والارض يا الهي وسيدي صل على محمد و
مگر تو پدید آورندهٔ آسمانها و زمین ای پروردگار من و آقای من رحمت فرست بر محمد و
ال محمد وارحم محمدا وال محمد وبارك على محمد وال محمد كما صليت
آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را و برکت ده بر محمد و آل محمد چنانکه رحمت فرستادی
وباركت وترحمت على ابرهيم وال ابرهيم انك حميد مجيد وارحم رحمت
و برکت دادی و رحم کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده شدهٔ بزرگواری و رحم کن

ذلی

ذلي وفاقتي وفقري وانفرادي ووحدتي وخضوعي بين يديك
خواری مرا و تنگدستی مرا و احتیاج مرا و بیکسی مرا و تنهائی مرا و فروتنی مرا پیش تو
واعتمادي عليك وتضرعي اليك ادعوك دعاء الخاضع الذليل
و اعتماد مرا بلطف تو و زاری نمودن مرا بسوی تو میخوانم ترا خواندن فروتنی کنندگان خوار زاری
الخاشع الخائف المشفق البائس المهين الحقير الجائع الفقير العائذ
نماینده ترسان خائف بیمناک محتاج خفیف بیقدر گرسنه تنگدست پناه گیرنده
المستجير المقر بذنبه المستغفر منه المستكين لربه دعاء من
زنهار جوینده اعتراف دارندهٔ بگناه خود طلب آمرزش کننده از گناه فروتنی کننده برای پروردگار خود مانند دعای کسیکه
اسلمته ثقته ورفضته احبته وعظمت فجيعته دعاء حرق
واگذاشته باشد او را معتمد او و ترک نموده باشند او را دوستان او و بزرگ شده مصیبت او و خواندن سوخته
حزين ضعيف مهين بائس مسكين بك مستجير اللهم واسألك
غمگین ناتوان خوار محتاج درویشی کننده بتو پناه جوینده خداوندا و میخواهم از تو
يكون بانك مليك وانك ما تشاء من امر يكون وانك على ما تشاء قدير
بانکه تو صاحب و پادشاه ملکی و اینکه تو انچه را خواهی از امری میشود و اینکه تو بر انچه خواهی قادری
واسألك بحرمة هذا الشهر الحرام والبيت الحرام والبلد الحرام والركن
و سؤال میکنم از تو بحرمت این ماه محترم و خانه محترم و بلد محترم و رکن کعبه
والمقام والمشاعر العظام وبحق محمد نبيك عليه واله السلام يا من
و مقام ابراهیم و جایهای عبادت و بزرگ قدر آنها و بحق پیغمبر تو محمد بر او و بر آل او باد درود ای انکه
وهب لادم شيثا ولابرهيم اسمعيل واسحق ويا من رد يوسف على
بخشیدی مر آدم را شیث و مر ابراهیم را اسمعیل و اسحق و ای انکه برگردانیدی یوسف را بر

يعقوب ويا من كشف بعد البلاء ضر ايوب يا راد موسى على امه و
بر يعقوب واى انكه زايل كرده پس از امتحان بلا بدحالى ايوب اى بر گرداننده موسى بر مادرش و

يا زايد الخضر في علمه ويا من وهب لداود سليمن ولزكريا يحيى
اى زيادتى دهنده خضر در علمش واى انكه بخشيد مر داود را سليمان و مر زكريا را يحيى

ولمريم عيسى يا حافظ بنت شعيب ويا كافل ولد ام موسى اسالك
و مريم را عيسى اى نگاهدارنده دختر شعيب واى ضامن شونده پسر موسى سؤال ميكنيم از تو

ان تصلي على محمد وال محمد وان تغفر لي ذنوبي كلها وتجيرني
اينكه رحمت فرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بيامرزى براى من گناهان مرا تمام و آزاد كنى مرا

من عذابك وتوجب لي رضوانك وامانك واحسانك وغفرانك
از عذاب تو و واجب گردانى براى من رضوان ترا و سلامتى ترا و احسان ترا و گذشتن ترا

حلقة بيني — وجنانك واسالك ان تفك عني كل حلقة ضيق بيني وبين من يؤذيني
و بهشت ترا و سؤال ميكنم از تو اينكه باز دارى از من هر تنگى ميان من و ميان اذيت كننده مرا

بسوء — وتفتح لي كل باب وتلين لي كل صعب وتسهل لي كل عسير وتخرس
و بگشاى براى من هر درى را و آسان كن براى من هر مشكلى را و سهل كن براى من هر دشوارى را و گنگ ساز

لسان — عني كل ناطق بشر وتكف عني كل باغ وتكبت لي كل عدو لي و
از ذكر من هر بدگوئى را و كفايت كن از من هر تجاوز از حد در گذرنده را و بنويس از براى من هر دشمن مرا و

حاجتي — حاسد وتمنع مني كل ظالم وتكفيني كل عائق يحول بيني وبين ولدي
حسد برنده و نگاهدار مرا از هر ستم كننده و كفايت براى من هر مانعى را حايل ميشود ميان من و ميان فرزندانم

ويحاول ان يفرق بيني وبين طاعتك ويثبطني عن عبادتك يا من الجم
و قصد كند انكه جدائى افكند ميان من و ميان فرمان بردارى تو و اينكه منفعل سازد مرا از عبادت تو اى انكه لجام كرد

الجن

الجن المتمردين وقهر عتاة الشياطين واذل رقاب المتجبرين ورد
مر ديو سركش را و غلبه كرده تجاوز كنندگان ديوانرا و خوار گردانيده گردنهاى متكبرانرا و بر گردانيده

كيد المتسلطين عن المستضعفين اسالك بقدرتك على ما تشاء و
مكر دست يافتگانرا از ناتوانان سؤال از تو بتوانائى تو بر انچه اراده نمائى و

تعجل — تسهيلك لما تشاء كيف تشاء ان تجعل قضاء حاجتي فيما تشاء پس
آسان نمودن تو مرا انچه را خواهى بهر كه بهر نحو خواهى اينكه بگردانى براوردن حاجت مرا در انچه ميخواهى

بسجده برو و پهلوهاى روى خود را بر خاك بگذار و بگو اللهم لك
خداوندا مر ترا
سجدت وبك امنت فارحم ذلي وفاقتي واجتهادي وتضرعي و
سجده كردم و بتو ايمان آوردم پس ترحم كن خوارى و تنگدستى مرا و كوشش مرا و زارى مرا و

مسكنتي وفقري اليك يا رب پس حضرت فرمود كه سعى كن كه آب از ديده
پى چيزى مرا و درويشى مرا بسوى تو اى پروردگار من بيرون آيد اگر چه بقدر سر مگسى بوده باشد

كه آن علامت اجابت دعاست و در روايت ديگر وارد شده است كه در سجده
اين دعا بخواند اللهم لك سجدت وبك امنت فارحم ذلي وخضوعي بين
خداوندا براى تو سجده كردم و بتو ايمان آوردم پس رحم كن خوارى مرا و فروتنى مرا در نزد

يديك وفقري وفاقتي اليك وارحم انفرادي وخشوعي واجتهادي
تو و پريشانى من و تنگدستى من بسوى تو پس رحم كن بتنهائى مرا و افتادگى مرا و كوشش مرا

بين يديك وتوكلي عليك اللهم بك استفتح وبك استنجح وبمحمد
در نزد تو و توكل مرا بر تو خداوندا بتو طلب گشايش ميكنم و بتو طلب رستگارى ميكنم و بمحمد

عبدك ورسولك واله اتوجه اليك اللهم سهل لي حزونة وذلل كل — كل
بنده تو و فرستاده تو و آل او رو آورم بسوى تو خداوندا آسان كن براى من هر مشكلى را و خوار ساز

لی کُلِّ حلقةٍ صعوبةٍ واعطنی من الخیرِ اکثرَ مِمّا ارجو وعافنی من الشّرِّ
برای من دهر دشواریرا وعطاکن مرا از نیکی بیش از انچه آرزو دارم وعافیت ده مرا از هر بدی
واصرف عنّی السّوء وبروایت دیگر صد مرتبه در سجده بگوید یا قاضیَ
وبگردان از من بدیرا ای برآرنده
حوائجِ الطّالبینَ اقضِ حاجتی بلطفکَ
حاجتهای سؤال کنندگان برآور حاجت مرا بمهربانی خود ودر روایت
یا خفیَّ الالطافِ معتبر وارد شده است که مادر داود بحضرت عرض کرد
ای انکه پنهانست لطفهای تو
که ای سید وآقای من آیا این دعارا در غیر ماه رجب میتوان خواند حضرت
فرمود بلی در روز عرفه میتوان خواند واگر موافق افتد که روز جمعه باشد
صاحبش فارغ نمیشود مگر انکه خدا او را می امرزد ودر هر ماه که باشد اگر
ایّام البیض انماه را روزه بدارد ودر روز پانزدهم این دعارا بخواند بنحوی که
ذکر کردم حاجتش براورده میشود ودر روایت دیگر وارد است که حضرت
فرمود که در روز عرفه وهر روز که این دعارا بخواند حاجتش براورده میشود
مؤلف گوید که از این احادیث ظاهر میشود که در هر ماه که ایّام البیض از یعنی سیزدهم
وچهاردهم وپانزدهم را روزه بدارد ودر روز پانزدهم این عمل را بجا آورد
بمطلوب خود فائز میگردد ودور نیست که اگر در روز عرفه وجمعه وسائر ایّام
متبرکه نیز این عمل را بجا آورد بدون روزه خوب باشد واگر در غیر اشهر حرم
که ذی القعده وذی الحجّه ومحرّم وماه رجب است این دعارا بخواند بجای بِحُرمةِ
هذا الشّهرِ الحرامِ بگوید بحُرمةِ الشّهرِ الحرامِ وهذا ایند از به بهتر باشد
فصل پنجم در بیان فضائل واعمال نصف آخر ماه رجب است شیخ طوسی
ودیگران رحمة الله علیهم گفته اند که در روز هجدهم اینماه ابرهیم پسر رسول خدا

از

از دنیا رفت پس حزن واندوه ولعن برانها که در این مصیبت شماتت کردند
مناسب است خصوصا عایشه علیها اللعنة وابن عیاش که یکی از محدّثان
شیعه است گفته است که حضرت فاطمه زهراء صلوات الله علیها در روز بیست
ویکم ماه رجب بعالم قدس رحلت نموده اگرچه خلاف مشهور است امّا
لعن بر قاتلان وظالمان ان جگر گوشه حضرت رسالت صلی الله علیه وآله که عمده انها عمر بن
الخطاب علیه اللعنة والعذابست وزیارت انحضرت احتیاطا مناسب است
بنحوی که انشاء الله مذکور خواهد شد وشیخ مفید ره گفته است که در بیست
ودویم اینماه معویه علیه اللعنة بجهنم واصل شده است مستحب است که اینروز را
روزه دارند بشکر این نعمت ودر روز بیست وسیم اینماه خارجیان خنجر
زهرالود بر ران مبارک حضرت امام حسن مجتبی صلوات الله علیه زدند زیارت
انحضرت ولعن بر ظالمان وقاتلان انحضرت مناسب است ودر روز بیست و
چهارم اینماه فتح خیبر بر دست معجزنمای اسد الله الغالب علی بن ابی طالب جاری شد
ومرحب یهودی بر دست انحضرت کشته شد گفته اند روزه انروز بشکر این
نعمت وزیارت انحضرت مستحب است وشیخ علیه الرّحمه ذکر کرده است که شهادت
حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه در روز بیست وپنجم ماه رجب واقع
شد امّا احادیث بسیار در فضیلت اینروز وثواب روزه اش وارد شده است
ودر روایتی نقل کرده اند از ابن بابویه وغیر او که حضرت رسول صلی الله علیه وآله در روز بیست و
پنجم رجب مبعوث برسالت شد واین مخالف مشهور واحادیث بسیار است که
بعد از این مذکور خواهد شد انشاء الله امّا در فضیلت روزه اش شکی نیست چنانچه از حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلم منقول است که روزه اش کفّاره دویست سال گناه است

و بسند بسیار معتبر از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که هر که روز بیست و پنجم
ماه رجب را روزه بدارد حق تعالی روزهٔ او را کفارهٔ هفتاد سال گناه گرداند
و ایضاً از آنحضرت علیه السلام منقول است که هر که روز بیست و ششم ماه رجب را
روزه دارد حق تعالی روزهٔ او را کفارهٔ هشتاد سال گناه گرداند و روز بیست
و هفتم اینماه از جملهٔ اعیاد عظیمه است و روزیست که حضرت رسول صلی الله
علیه و آله در آن روز برسالت مبعوث گردید برخلقت و جبرئیل علیه السلام بر پیغمبری
بر آنحضرت نازل شد و شبش نیز شب بسیار مبارکی است و بسندهای معتبر
از حضرت امام محمد تقی علیه السلام منقول است که در ماه رجب شبی هست که بهتر است
از برای مردم از آنچه آفتاب بر آن میتابد و آن شب بیست و هفتم این ماه است
و در صبح آنشب حضرت رسول صلعم برسالت مبعوث شد و کسی که عبادت کند این
شب را مثل اجر شصت سال عبادت خدا باو عطا میفرماید پرسیدند که عمل
این شب چیست فرمود که چون از نماز خفتن فارغ گردی بخواب و هر وقت
از شب که بیدار شوی خواه پیش از نصف شب و خواه بعد از آن برخیز
و دوازده رکعت نماز بکن و بعد از هر دو رکعت سلام بگو و در هر رکعت بعد از
حمد یکسوره از سورهای کوچک بعد از یس را بخوان و چون از همه فارغ شوی
چنانکه نشسته سورهٔ حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل
هو الله احد و قل یا ایها الکافرون و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی
هر یک را هفت مرتبه بخوان پس این دعا را بخوان اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی
سپاس برای خداوندی که نگرفت
لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ
گرفته شده برای او مصاحب و نه فرزندی و نیست برای او شریکی در ملک و پادشاهی و نگرفته است دوست

من

مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرْهُ تَکْبِیرًا اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَا قَدْ عَزَّکَ عَلٰی اَرْکَانِ
از خواری و احتیاج و تکبیر مر او راست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو ببستن عزت تو بر رکنهای
عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتَابِکَ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ صح
عرش تو و آخر رحمت تو از کتاب تو و بحرمت اسم تو آن اسم بزرگ بزرگ
وَذِکْرِکَ الْاَعْلَی الْاَعْلَی الْاَعْلٰی وَبِکَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ کُلِّهَا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ
و ذکر تو که بلند بلند است و بکلمات تو که تام و تمامست همهٔ آن اینکه رحمت فرستی بر محمد
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی مَا اَنْتَ اَهْلُهُ پس هر حاجت که خواهی بطلب
و آل محمد و اینکه بکنی برای من آنچه خود می پسندی که هر چه بطلبی مستجاب میشود
مگر آنکه حرامی بطلبی یا قطع رحمی یا هلاک جمعی از مؤمنان را طلب کنی و روزش را
روزه بدار که از برای تو حساب میشود بروزهٔ یکسال و بسند معتبر دیگر از
حضرت موسی بن جعفر عم منقول است که در شب بیست و هفتم رجب هر وقت
شب که باشد دوازده رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از سورهٔ
حمد چهار مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله احد
بخوان و چون از دوازده رکعت فارغ شوی در همان مکان چهار مرتبه بگو
لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا
نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگست و ستایش مر خدا راست و منزهست خدا و نیست توانائی و نه
قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ پس هر حاجت که خواهی بطلب مؤلف گوید
قوتی مگر بخدای بلند مرتبهٔ بزرگ
که بهر یک از این دو روایت که عمل کنند
خوبست و اگر هر دو را بکنند بهتر است و اگر نماز شب نصف ماه رجب را
که بسند صحیح مذکور شد در این شب بجا آورد خوبست و در آن روایت

وارد شده است که در این شب نیز بجا آورند و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است
که غسل در این شب مستحب است و زیارت حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در این شب مناسب است و اینها نیز وارد شده است که در این
شب بخوانند اللهم انی اسألك بالتجلی الاعظم فی هذه اللیلة من الشهر

(حاشیه: بالتجلی)

خداوندا بدرستی من سؤال میکنیم از تو بحرمت تجلی بزرگ در این شب از ماه بزرگ

المعظم والمرسل المکرم ان تصلی علی محمد و آله و ان تغفر لنا ما انت به منا
و فرستاده گرامی اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل او و اینکه بیامرزی از برای ما آنچه را که تو بآن دانا تری
اعلم یا من یعلم و لا یعلم اللهم بارك لنا فی لیلتنا هذه التی بشرف الرسالة
و تو میدانی ای آنکه میدانی و فرا نگرفته خداوندا برکت ده از ما در این شب ما که بسبب نیکی فرستاده
فضلتها و بکرامتك اجللتها و بالمحل الشریف احللتها اللهم فانا نسألك
زیادتر و نیکوتر از شبها و بخشش تو که بزرگ گردانیده او و بحرمت مکان پاکیزه نیکو حلال شده خداوندا پس بدرستی که سؤال میکنیم از تو
بالمبعث الشریف والسید اللطیف والعنصر العفیف ان تصلی علی محمد
بحرمت این مبعث نیکو و بحرمت آقای مهربان و جوارح پوشیده از نامحرمان اینکه رحمت فرستی بر محمد
و آله و ان تجعل اعمالنا فی هذه اللیلة و فی سائر اللیالی مقبولة و
و آل او و اینکه بگردانی عملهای ما را در این شب و در غیر این شب مقبول و نیکو
ذنوبنا مغفورة و حسناتنا مشکورة و سیئاتنا مستورة و قلوبنا
گناهان ما را بیامرز و نیکوییهای ما را نمایان کن و بدیهای ما را پنهان کن و قلبهای ما را
بحسن القول مسرورة و ارزاقنا من لدنك بالیسر مدرورة اللهم انك
به نیکی گفتار خشنود کن و روزیهای ما را از آنچه در نزد توست بآسانی و بی دربی خداوندا بدرستی تو

(حاشیه: القبول نسخه)

تری و لا تری و انت بالمنظر الاعلی و ان الیك الرجعی والمنتهی و ان
می بینی و دیده نمیشوی و تویی بمنظر بلند و بدرستی بسوی توست بازگشت و آخر کار و بدرستی

لك

لك الممات والمحیا و ان لك الآخرة والاولی اللهم انا نعوذ بك
مر تراست میراندن و زنده کردن و بدرستی تراست آخر و مر تراست اول خداوندا بدرستی پناه میبریم بتو
ان نذل و نخزی و ان نأتی ما عنه تنهی اللهم انا نسألك الجنة برحمتك
از اینکه خوار شویم و مکافات داده شویم و اینکه بجا بیاوریم از آنچه نهی فرموده بدرستی سؤال میکنیم از تو بهشت را برحمت تو
و نستعیذ بك من النار فاعذنا منها بقدرتك و نسألك من الحور
و پناه میبریم بتو از آتش پس پناه ده ما را از آتش بتوانائی تو و سؤال میکنیم از زنان سیاه

(حاشیه: فانقذنا نسخه)

العین فارزقنا بعزتك واجعل اوسع ارزاقنا عند کبر سننا و
چشم پس روزی کن ما را بعزت تو و بگردان فراخ روزیهای ما را در هنگام پیری ما و
احسن اعمالنا عند اقتراب آجالنا و اطل فی طاعتك و ما یقرب
نیکو گردان اعمال ما را در هنگام نزدیک شدن مردن و طول ده در طاعات و پیروی خود عمر ما و آنچه نزدیک
الیك و یزلف لدیك اعمارنا و احسن فی جمیع احوالنا و امورنا
بسوی تو میبرد ما را و نزدیک کن ما را بسوی تو عمرهای ما را و نیکو گردان در هر حال احوال ما را و کارهای ما را

(حاشیه: و یحظی عندك، و بهره مند نزد تو)

معرفتنا و لا تکلنا الی احد من خلقك فیمن علینا و تفضل علینا بجمیع
و شناختن ما را و مگردان ما را محتاج بسوی احدی از خلق خود و منت گذار بر ما و زیادتی ده ما را بهمه حاجتهای
حوائجنا للدنیا والآخرة و ابدأ بآبائنا و امهاتنا و ابنائنا و جمیع
ما در دنیا و آخرت و ابتدا کن به پدران ما و مادران ما و فرزندان ما و همه
اخواننا المؤمنین فی جمیع ما سألناك لانفسنا یا ارحم الراحمین
برادران ما که از گروندگانند در همه آنچه ما سؤال کردیم از تو از برای خود ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
اللهم انا نسألك باسمك العظیم و ملکك القدیم ان تصلی علی محمد و آل
خداوندا بدرستی که ما سؤال میکنیم از تو بحق اسم بزرگ تو و پادشاهی تو که قدیمست اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل

الذنب

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَغْفِرَ لَنَا الذَّنْبَ الْعَظِيمَ اِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الْعَظِيمَ اِلَّا الْعَظِيمُ اَللّٰهُمَّ وَهٰذَا
محمد وانکه بیامرزی برای ما گناهان بزرگ را بدرستیکه نمی آمرزد گناه بزرگ را مگر بزرگ خداوندا و این

رَجَبُ الْمُكَرَّمُ الَّذِي اَكْرَمْتَنَا بِهِ اَوَّلُ اَشْهُرِ الْحُرُمِ اَكْرَمْتَنَا بِهِ مِنْ بَيْنِ الْاُمَمِ
رجب کرامیت آنچنان که گرامی داشتی مارا بآن و اول ماههای محترمست گرامی داری مارا بآن از میان امتها

فَلَكَ الْحَمْدُ يَا ذَا الْجُودِ وَالْكَرَمِ فَاَسْاَلُكَ بِهِ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ
پس مر تراست سپاس ای صاحب بخشش و دهش پس سؤال میکنم از تو بذات مقدس تو و باسم تو که بزرگ بزرگ

ملكك

الْاَعْظَمِ الْاَجَلِّ الْاَكْرَمِ الَّذِي خَلَقْتَهُ فَاسْتَقَرَّ فِي ظِلِّكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ اِلٰى
بزرگست و بلند مرتبه و کرامیت آنچنان اسمی که خلق کردی آنرا پس قرار دادی در سایه تو و سوی بسوی غیر تو بیرون نمیرود از تو

غَيْرِكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ تَجْعَلَنَا مِنَ الْعَامِلِينَ
غیر تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او که پاکانند و اینکه بگردانی مارا از عمل کنندگان

فِيهِ بِطَاعَتِكَ وَالْآمِلِينَ فِيهِ لِشَفَاعَتِكَ اَللّٰهُمَّ اهْدِنَا اِلٰى سَوَاءِ السَّبِيلِ وَاجْعَلْ
دران به پیروی تو و از جمله امیدواران دران بشفاعت تو خداوندا راهنمای مارا بسوی راه راست حق و بگردان

مَقِيلَنَا عِنْدَكَ خَيْرَ مَقِيلٍ فِي ظِلٍّ ظَلِيلٍ وَمُلْكٍ جَزِيلٍ فَاِنَّكَ حَسْبُنَا وَنِعْمَ الْوَكِيلُ
کردن مارا نزد خود بهتر را کردن ما در سایه سایه پرور و پادشاهی و ملک وسیع پس بدرستیکه کفایت میکنی مارا و نیکو کارگذاری

اَللّٰهُمَّ اقْلِبْنَا مُفْلِحِينَ مُنْجِحِينَ غَيْرَ مَغْضُوبٍ عَلَيْنَا وَلَا ضَالِّينَ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
خداوندا واگذار مارا رستگاران هدایت یافتگان غیر غضب شدگان برما و نه گمراهان برحمت تو ای رحم کننده ترین

الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِعَزَائِمِ مَغْفِرَتِكَ وَبِوَاجِبِ رَحْمَتِكَ السَّلَامَةَ
رحم کنندگان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا باراده آمرزش تو و بوجوب رحمت تو سلامتی

مِنْ كُلِّ اِثْمٍ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بِرٍّ وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ اَللّٰهُمَّ
از هر بدی و غنیمت و بهره ده از هر نیکی و برسان ببهشت و نجات ده از آتش خداوندا

دعاك

دَعَاكَ الدَّاعُونَ وَدَعَوْتُكَ وَسَاَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَاَلْتُكَ وَطَلَبَ
خواندم ترا مانند دعا کنندگان و خواندم تو و بسؤال کردم ترا بسؤال کردن سؤال کنندگان و از تو خواستم وطلب کردم

اِلَيْكَ الطَّالِبُونَ وَطَلَبْتُ اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الثِّقَةُ وَالرَّجَاءُ وَاِلَيْكَ
از تو مانند طلب کنندگان و طلب کردم ترا خداوندا بتوست اعتماد و امیدواری و بسوی تست

مُنْتَهَى الرَّغْبَةِ وَالدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلِ الْيَقِينَ فِي
آخر خواهش و خواندن خداوند پس رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان یقین قرار در

قَلْبِي وَالنُّورَ فِي بَصَرِي وَالنَّصِيحَةَ فِي صَدْرِي وَذِكْرَكَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ
قلب من و روشنی در چشم من و صحت و درستی در سینه من و ذکر تو در شبها و روزها

عَلٰى لِسَانِي وَرِزْقًا وَاسِعًا غَيْرَ مَمْنُونٍ وَلَا مَحْظُورٍ فَارْزُقْنِي وَبَارِكْ لِي
بر زبان من و روزی فراوان غیر منت گذاشته شده و نه احتراز کرده شده پس روزی ده مرا و برکت بده مرا

فِيمَا رَزَقْتَنِي وَاجْعَلْ غِنَايَ فِي نَفْسِي وَرَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ بِرَحْمَتِكَ
در آنچه روزی کنی مرا و بگردان بینیازی مرا در نفس من و رغبت مرا در آنچه نزد تست برحمت تو

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس سجده برو و بگو اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا لِمَعْرِفَتِهِ وَ
ای رحم کننده ترین رحم کنندگان سپاس مر خداوندی را که راه نمود مارا بشناختن او و

خَصَّنَا بِوِلَايَتِهِ وَوَفَّقَنَا لِطَاعَتِهِ پس بگو شُكْرًا شُكْرًا صد مرتبه پس سر از
مخصوص گردانیده مارا بدوستی او و توفیق داد مارا بطاعت او سجده بردار و بگو اَللّٰهُمَّ اِنِّي
خداوندا بدرستیکه من

قَصَدْتُكَ بِحَاجَتِي وَاعْتَمَدْتُ عَلَيْكَ بِمَسْاَلَتِي وَتَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ
نیت کردم حاجت خود را و اعتماد کردم بتو بر تو بسؤال های خود و رو آوردم بتو

بِاَئِمَّتِي وَسَادَتِي اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ وَاَوْرِدْنَا مَوْرِدَهُمْ وَارْزُقْنَا
به پیشوایان و آقایان من خداوندا نفع ده مارا بدوستی آنها و بفرست برما آنچه فرستادی بر ایشان و روزی ده مارا

مُرافقتهم وَاَدخِلنا الجنّةَ فی زُمرتهم بِرَحمتِکَ یا اَرحمَ الرّاحمین

برفاقت آنها و داخل کن مارا در بهشت در زمرهٔ ایشان برحمت تو ای کننده ترین رحم کنندگان

ودر روز بیست وهفتم غسل سنّت است وروزه اش فضیلت بسیار دارد

وبسندهای معتبر از حضرت صادق علیه السّلام منقول است که روزه اش برابر است

با روزه هفتاد سال وبروایت دیگر شصت سال وایضًا منقول است که حسن

بن راشد از حضرت صادق عم سؤال کرد که آیا غیر عیدهای مشهور عیدی

هست حضرت فرمود بلی شریفتر وفاضلتر همه روز لیست که حضرت رسالت

پناه صلی الله علیه وآله برسالت مبعوث گردیده است وآن بیست وهفتم ماه

رجب است باید که روزه بداری وصلوات بر محمّد وآل محمّد بسیار بفرستی

وزیارت رسول صلعم وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما در اینروز منقول است

ونماز اینروز بطرق مختلفه وارد شده است واز اکثر احادیث ظاهر میشود — حضرت؛ واکثر گفته اند که پیش از زوال باید کرد

که در هر وقت روز که بکنند خوبست وبسند معتبر از ریّان بن الصّلت منقول است

که چون حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه ببغداد تشریف آوردند در روز

نصف رجب وروز بیست وهفتم روزه داشتند وجمیع ملازمان واصحاب

خود را امر فرمودند که این دو روز را روزه بدارند ودر هریک دوازده رکعت

رکعت نماز بکنند یعنی هر دو رکعت بیکسلام وهر رکعت را بحمد وهر سوره که

خواهند بکنند وچون از همه فارغ شوند سورهٔ حمد وقل اعوذ برب الفلق — وقل هو الله احد

وقل اعوذ برب النّاس هریک را چهار مرتبه بخوانند پس چهار مرتبه بگویند لا اِله

اِلّا اللهُ وَاللهُ اَکبَرُ وَسُبحانَ اللهِ وَالحَمدُ لِلّهِ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللهِ العَلِیِّ

نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگتست وتسبیح مر خداراست وسپاس مر خداراست ونیست توانائی ونیست قوّتی مگر بخدای بلند

العظیم

العظیم پس چهار مرتبه بگویند اللهُ اللهُ رَبّی لا اُشرِکُ بِهِ شَیئًا پس چهار مرتبه

خدا خدا پروردگار من نیست شریک با او هیچ چیزی — مرتبه بزرگ

بگویند لا اُشرِکُ بِرَبّی اَحَدًا وبسند معتبر دیگر از حضرت صاحب الامر عم منقول

نیست شریک از برای پروردگار من احدی

است که در اینروز دوازده رکعت نماز بجا میآوری ودر هر رکعتی بعد از

حمد هر سوره که میسّر شود میخوانی وبعد از هر دو رکعت سلام میگوئی واین دعا را

میخوانی اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی لَم یَتَّخِذ وَلَدًا وَلَم یَکُن لَهُ شَریکٌ فِی المُلکِ وَلَم

سپاس مر خدایرا است که گرفته نشده مر او را فرزندی ونیست برای او شریک در پادشاهی وگرفته

یَکُن لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَکَبِّرهُ تَکبیرًا یا عُدَّتی فی مُدَّتی یا صاحِبی فی شِدَّتی

نشده مر او را دوستی از خواری وبکبر مر او را بهت تکبیرای نگاه دارنده من در ایام زندگی ای مصاحب من در سختی من

یا وَلِیّی فی نِعمَتی یا غِیاثی فی رَغبَتی یا نَجاحی فی حاجَتی یا حافِظی فی غَیبَتی

وای دوست من در دادن نعمت من وای فریاد رس من در خواهش من ای برآورنده برای من حاجت مرا ای نگاه دارنده من در غیبت من

یا کالِئی فی وَحدَتی یا اُنسی فی وَحشَتی اَنتَ السّاتِرُ عَورَتی فَلَکَ الحَمدُ وَاَنتَ

ای انیس من در تنهائی من ای مونس من در ترسناکی من توئی پوشاننده عورت من پس مر تراست سپاس وتوئی

المُقیلُ عَثرَتی فَلَکَ الحَمدُ وَاَنتَ المُنعِشُ صَرعَتی فَلَکَ الحَمدُ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ

رها کننده برزن فی من پس مر تراست سپاس وتوئی مایهٔ خوشی وعیش من پس مر تراست سپاس رحمت فرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاستُر عَورَتی وَآمِن رَوعَتی وَاَقِلنی عَثرَتی وَاصفَح عَن جُرمی

وآل محمد وبپوشان عورت مرا وپناه ده در رعبه مرا ورها کن بر زنتی مرا ودست بکش از گناه من

وَتَجاوَز عَن سَیِّئاتی فی اَصحابِ الجَنَّةِ وَعدَ الصِّدقِ الَّذی کانوا یوعَدونَ وچون از نماز — فی اصحاب الجنّة؛ در اصحاب بهشت

ودر گذر از گناهان من وعده راست آنکه داده بآ وعده — ودعا فارغ شوی

سورهٔ حمد وقل هو الله وقل اعوذ برب الفلق وقل اعوذ برب النّاس وقل یا ایّها

الکافرون وانّا انزلناه وآیة الکرسی هریک را هفت مرتبه میخوانی پس هفت مرتبه

نیست سزاوار پرستش مگر خدا و خدا بزرگست و تسبیح مر خدا راست و سپاس مر خدا راست و نیست توانائی و قوتی مگر بخدا

میگویی لا اله الا الله والله اکبر وسبحان الله والحمد لله ولا حول

ولا قوة الا بالله پس هفت مرتبه میگویی الله الله ربی لا اشرک به شیئا

خداست خدا پروردگار منست شریک برای او چیزی

پس انچه خواهی از خدا بطلب و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر منقول است

که سنت نیست که این دعا را در روز مبعث بخوانند یا من امر بالعفو والتجاوز

ای انکه فرمان داده بعفو نمودن و گذشتن

وضمن نفسه العفو والتجاوز یا من عفا وتجاوز اعف عنی — وضمن علی نفسه

وضامن شده نفس خود را برای عفو و درگذشتن ای انکه عفو نموده و درگذشته عفو کن از من

وتجاوز یا کریم اللهم وقد اکدی الطلب واعیت الحیلة والمذهب

و درگذر ای بزرگوار خداوندا و بتحقیق که مشکل گردیده طلب و عاجز شده چاره و راه کسب معاش

ودرست الامال وانقطع الرجاء الا منک وحدک لا شریک لک اللهم

و کهنه شدها آرزوها و بریده شده امید مگر از تو در حالتی که یکتائی نیست شریکی مر ترا خداوندا

انی اجد سبل المطالب الیک مشرعة ومناهل الرجاء لدیک مترعة

بدرستی من یافتم راههای مطلبها بسوی تو گشاده و مملو و آبخورهای امید را نزد تو پر آب و لبریز و

ابواب الدعاء لمن دعاک مفتحة والاستعانة لمن استعان بک مباحة

درهای خواندن برای کسیکه خواند ترا گشاده و یاری جستن برای انکه یاری جست بتو حلال گردیده

واعلم انک لداعیک بموضع اجابة وللصارخ الیک بمرصد اغاثة

و میدانم اینکه تو برای خواننده خود در جایگاه بر آوردن و اجابت و برای استغاثه نماینده بسوی تو در این درگاه فریاد رسی

وان فی اللهف الی جودک والضمان بعدتک عوضا من منع الباخلین

و اینکه بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش تو و در ضامن شدن بوعده تست عوضی بزرگ از منع بخیلان

ومندوحة عما فی ایدی المستاثرین وانک لا تحتجب عن خلقک

و وسعت و بی نیازی از انچه در دستهای توانگرانست و بتحقیق که پنهان نمیکردی از خلق خود

الا ان تحجبهم الاعمال وقد علمت ان افضل زاد الراحل الیک — دونک

مگر اینکه حایل شود ایشان را کردارها که نزد تو حاضرست از بدی و بتحقیق که دانسته ام اینکه بهترین کوچ نماینده بسوی تو

عزم ارادة وقد ناجاک بعزم الارادة قلبی فاسالک بکل دعوة

اراده است و بتحقیق که راز گفته ترا باراده ثابت دل من پس سوال میکنم از تو بهر دعائی که خوانده ترا

دعاک بها راج بلغته امله او صارخ الیک اغثت صرخته

بان امیدواری که رسانیده باشی او را بآرزوی یا استغاثه بسوی تو که رسیده باشی بفریاد او

او ملهوف مکروب فرجت عن قلبه او مذنب خاطئ غفرت

یا دردمندی غمگین مهموم که کشف نموده باشی از دل او یا گنهکار خطاکرداری که آمرزیده باشی مر

له او معافا اتممت نعمتک علیه او فقیر اهدیت غناک الیه

مر او را یا عافیت بخشیده شده که تمام گردیده شده نعمت تو بر او یا محتاجی که بتحفه فرستاده باشی بی نیازی خود را بسوی او

ولتلک الدعوة علیک حق وعندک منزلة الا صلیت علی محمد

و حال اینکه بر آن دعوة بر تو بوده حقی و نزد تو مرتبه مگر انکه رحمت فرستی بر محمد

واله وقضیت حوائجی فی الدنیا والاخرة وهذا رجب المرجب

و آل او و روا کنی حاجتهای مرا حاجتهای اینجهان و آنجهان را و اینماه رجب بزرگ گردانیده شده

المکرم الذی اکرمتنا به اول اشهر الحرم واکرمتنا به من بین الامم

کرامیت که گرامی داشته ما را بآن و اول ماههای محرمت و گرامی داشته بآن از میان امتهای دیگر

یا ذا الجود والکرم فاسالک به وباسمک الاعظم الاعظم الاعظم

ای خداوند بخشش بزرگواری پس سوال میکنم از تو بآن و بحرمت نام تو که بزرگترست بزرگتر بزرگتر

الاجل الاکرم الذی خلقته فاستقر فی ظلک فلا یخرج منک الی

بزرگوارتر گرامی تر آن نامی که آفریدی او را پس قرار گرفت در سایه تو پس بیرون نرود از تو بسوی

غيرك ان تصلي على محمد واهل بيته الطاهرين وتجعلنا من العاملين
غیر تو . اینکه رحمت فرستی بر محمد واهل بیت محمد که پاکانند ودیگردانی ما را از جمله عمل کنندگان
فيه بطاعتك والآملين فيه لشفاعتك اللهم واهدنا الى سواء السبيل
در این ماه بطاعت تو . وامیدواران در اینماه مر شفاعت ترا خداوندا برسان ما را بسوی راه راست
واجعل مقيلنا عندك خير مقيل في ظل ظليل فانك حسبنا ونعم
وبگردان آرامگاه ما را نزد تو بهترین آرامگاه در سایهٔ عظیم پس بدرستی که تو کافی هستی ما را ونیکو
الوكيل والسلم على عباده المصطفين وصلواته عليهم اجمعين اللهم
کارگذاری ودرود بر بندگان برگزیدهٔ او ورحمتهای او بر ایشان همه خداوندا
وبارك لنا في يومنا هذا الذي فضلته وبكرامتك جللته وبالمنزل
وبرکت ده ما را در روز . این روزی را که زیادتی داده او را بکرامت خود بزرگ گردانیدی او را بمرتبه
العظيم منك انزلته وصل على من فيه الى عبادك ارسلته وبالمحل
بزرگی از خود که فرود آوردی آنرا ورحمت فرست بر کسیکه در این روز بسوی بندگان تو فرستادهٔ او را وبجایگاه
الكريم احللته اللهم صل عليه صلوة دائمة تكون لك شكرا
گرامی خود فرود آوردهٔ او را خداوندا رحمت فرست براو رحمتی که همیشه بوده باشد برای تو شکری
ولنا ذخرا واجعل لنا من امرنا يسرا واختم لنا بالسعادة الى منتهى
وبرای ما ذخیره وبگردان برای ما از جملهٔ کارها توانگری ومنتهی کن برای ما بنیک بختی تا آخر اجلهای
اجالنا وقد قبلت اليسير من اعمالنا وبلغنا برحمتك افضل امالنا
وحال اینکه بتحقیق که پذیرفته باشی اندک را از کردارهای ما وبرسان ما را برحمت خود زیادتر از آرزوی ما
انك على كل شيء قدير وصلى الله على سيدنا محمد واله وسلم وبسند معتبر
بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی ورحمت خدا بر آقای ما محمد وآل او ودرود بسیار از حضرت

امام

امام رضا ع منقول است که هر که روز بیست وهشتم ماه رجب را روزه
بدارد کفارهٔ نود سال گناه او گردد وهر که روز بیست ونهم را روزه بدارد
کفارهٔ صد سال گناه او باشد وهر که روز سی ام اینماه را روزه بدارد حق تعالی
گناهان گذشته وآیندهٔ او را بیامرزد ودر روز آخر نماز سلمان سنت است
بنحوی که در اول مذکور شد واگر احتمال نقصان ماه باشد در روز بیست ونهم
نیز احتیاط بکنند ودر کتب دعوات از برای هر شب اینماه نماز مخصوصی ذکر کرده اند
چون سند معتبری بنظر نرسیده نخواستم ایراد نمایم وچون بسیار مشهور است
ایراد مینمایم بر سبیل اجمال واگر کسی بقصد آنکه مطلق صلوة خوبست بکند بد
نیست شب اول سی رکعت در هر رکعت بعد از حمد سه مرتبه جحد یعنی قل
یا ایها الکافرون وسه مرتبه توحید یعنی قل هو الله احد دویم ده رکعت با حمد وجحد
سیم ده رکعت با حمد وپنج مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله در هر رکعت چهارم
صد رکعت در هر رکعت دوم در اول بعد از حمد قل اعوذ برب الفلق ودر دویم
بعد از حمد قل اعوذ برب الناس پنجم شش رکعت در هر رکعت بعد از
حمد بیست وپنج مرتبه توحید ششم دو رکعت بعد از حمد هفت نوبت (در هر رکعتی)
آیة الکرسی هفتم چهار رکعت بعد از حمد توحید ومعوذتین هر یک سه مرتبه و (در هر رکعتی)
بعد از نماز ده مرتبه صلوات وده مرتبه تسبیحات اربع هشتم بیست رکعت در
هر رکعت یکحمد وهر یک از چهار قل سه مرتبه نهم دو رکعت بحمد وپنج نوبت الهکم
التکاثر دهم دوازده رکعت بعد از مغرب با حمد وسه مرتبه توحید یازدهم
دوازده رکعت با حمد ودوازده مرتبه آیة الکرسی دوازدهم دو رکعت با حمد
وآیة آمن الرسول ده مرتبه سیزدهم ده رکعت در هر دو رکعت در رکعت اول بعد از

حمد سوره والعادیات و در دویم سوره الهکم التکاثر چهاردهم سی رکعت
در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و آیه قل انما انا بشر مثلکم تا آخر سوره
پانزدهم و شانزدهم و هفدهم سی رکعت با حمد و ده مرتبه سوره توحید در هر رکعت
هیجدهم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد سوره توحید و معوذتین هر یک ده
مرتبه نوزدهم چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید و
آیة الکرسی بیستم دو رکعت در هر رکعت سوره حمد و پنج مرتبه انا انزلناه
بیست و یکم شش رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه انا اعطیناک الکوثر
و ده مرتبه توحید بیست و دویم هشت رکعت در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و هفت
مرتبه قل یا ایها الکافرون و بعد از فارغ شدن ده مرتبه صلوات بر محمد و آل
محمد و ده مرتبه استغفار بیست و سیم دو رکعت در هر رکعت بعد از حمد پنج مرتبه
سوره والضحی بیست و چهارم چهل رکعت در هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول
و سوره توحید یکمرتبه بیست و پنجم بیست رکعت در میان نماز شام و خفتن
در هر رکعت بعد از حمد آیه امن الرسول و سوره توحید یکمرتبه بیست و ششم
دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد چهل مرتبه توحید بیست و هفتم بیست و هشتم
بیست و نهم دوازده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اعلی و ده
مرتبه سوره انا انزلناه و بعد از تمام کردن رکعات صد مرتبه صلوات بر محمد و
آل محمد و صد مرتبه استغفار سی ام ده رکعت در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
توحید و در هر یک از این نمازها ثوابهای بسیار مذکور است و بنا بر عدم اعتبار
بر سند ذکر نکردم و جمیع نوافلی که مذکور میشود هر دو رکعت بیکسلام است و
بعضی که طولی دارد در میان نماز شام و خفتن واقع شده است و باید بعد از نماز

داخل

داخل شدن وقت خفتن واقع شود کردنش خالی از اشکالی نیست لهذا نماز
مشهور شب رغایب را در این رساله ایراد ننمودم با آنکه از طریق عامه نقل
شده است و معتبر نیست باب دویم در بیان فضائل و اعمال
ماه مبارک شعبان و ایام و لیالی آنست و در آن نیز پنج فصل است فصل
اول در بیان فضیلت این ماه است و ثواب روزه اش بدانکه فضل ماه شعبان
زیاده از ماه رجب است و منسوب است بحضرت سید انبیاء صلی الله علیه و آله
چنانچه منقول است از حضرت صادق ع که چون حضرت رسول ص ماه شعبان را مشاهده
مینمود امر میفرمود نداکننده را که ندا کند در میان مردم که ای اهل مدینه من رسولم
از جانب رسول خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه من است خدا رحمت کند کسی را
که یاری کند مرا بر ماه من پس حضرت امیر المؤمنین ع فرمودند که از روزی که ندای
منادی آنحضرت را شنیدم روزه شعبان را ترک نکردم و تا زنده ام ترک نخواهم
کرد انشاء الله تعالی و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست
از جانب خدای تعالی برای جمیع کناهان و ایضا منقول است از ام سلمه که حضرت
رسول ص هیچ ماه را تمام روزه نمیداشت مگر ماه شعبان را که او را وصل میکرد بماه
رمضان و ایضا منقول است که از آنحضرت سؤال کردند که کدام روزه از روزهای
سنت افضل است فرمود که روزه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و از حضرت امام
محمد باقر ع منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله شعبان را روزه میداشت
و وصل میکرد بماه رمضان و میفرمود که هر دو ماه خداست و روزه هر دو کفاره
کناهان گذشته و آینده است و ایضا از حضرت باقر علیه السلم منقول است که هر که ماه
شعبان را روزه دارد او را پاک کرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمهای

در وقت غضب و از حضرت رسالت پناه ص منقول است که ماه شعبان ماهی است
شریف و آن ماه من است و حاملان عرش الهی از تعظیم مینمایند و حق حرمت آن را میشناسند
و آن ماهی است که زیاده میشود در آن روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و
و زینت میکنند در آن بهشتها و آن را شعبان نام کرده اند برای آنکه منشعب
و بسیار میگردد در آن روزیهای مؤمنان و حسنه در آن ماه مضاعف
میگردد هفتاد برابر و گناه در آن پست میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر
در آن مقبول میگردد و خداوند جبار نظر میکند بسوی روزه داران و عبادت
کنندگان اینماه پس مباهات میکند بایشان با حاملان عرش پس در فضیلت
روزه هر روز اینماه آنقدر فرمود که ذکرش موجب تطویل کلام است و بسند معتبر
از حضرت صادق ع منقول است که روزه شعبان ذخیره بنده است از برای
روز قیامت و هر بنده که در شعبان روزه بسیار بگیرد البته حق تعالی امر معیشت
او را باصلاح آورد و کفایت کند شر دشمنان او را و کمتر ثوابی که بروزه دار روزی
از شعبان میدهند آنست که بهشت از برای او واجب گردد و بسندهای معتبر
از آنحضرت منقول است که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه من است و رمضان
ماه خدا است پس هر که یکروز از ماه من روزه بدارد من شفیع او باشم در قیامت
و هر که دو روز از ماه من روزه بدارد گناهان گذشته او آمرزیده گردد
و هر که سه روز از ماه من روزه بدارد او را ندا کنند که عمل را از سر گیر یعنی هیچ گناه
نداری و بسند عالی از حضرت امام رضا علیه السلم منقول است که هر که یکروز
از اول ماه شعبان را از برای رضای خدا روزه بدارد داخل بهشت شود و هر که
دیگر روز از شعبان هفتاد مرتبه استغفار کند در قیامت در زمره حضرت

حضرت

حضرت رسول ص محشور شود و کرامت داشتن خدا او را واجب گردد و هر که در
شعبان تصدق بکند اگر چه بنصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم
حرام کرداند و هر که سه روز از آخر ماه شعبان را روزه دارد و وصل کند بماه
رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل برای او بنویسد و ابن بابویه روایت
کرده است که از اسامه پرسیدند که کدام ماه را حضرت رسول ص زیاده از
ماههای دیگر روزه میگرفت گفت ماه شعبان را و میفرمود که مردم از آن
غافلند و آن ماهی است که در آن ماه عملها بسوی خدا بالا میرود و دوست
میدارم که عمل من بالا رود در وقتی که روزه باشم و ایضا روایت کرده است
که از آنحضرت پرسیدند از روزه رجب فرمود که چرا غافلید از روزه شعبان
یعنی افضل است از آن و ایضا روایت کرده است بسند معتبر از حضرت خیر
البشر که فرمود شعبان ماه من است هر که از ماه من یکروز روزه دارد بهشت
او را واجب شود و هر که دو روز روزه دارد در قیامت هم از رفیقان پیغمبران و صدیقان
باشد و هر که تمام ماه را روزه دارد و پیوند کند بماه رمضان توبه او باشد
از هر گناه بزرگی و کوچکی هر چند داخل خون حرام شده باشد که او را نفع میدهد
و بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که هر که سه روز از
ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب گردد و رسول خدا شفیع
او باشد در قیامت و ایضا بسند بسیار معتبر از حضرت صادق ع روایت
کرده است که چون ماه شعبان داخل میشد حضرت امام زین العابدین ع اصحاب
خود را جمع مینمود و میفرمود که ای گروه اصحاب من میدانید که این چه ماهی است
این ماه شعبان است حضرت رسول ص میفرمود شعبان ماه من است پس روزه

بدارید در اینماه از برای محبت پیغمبر خود و از برای تقرب بسوی پروردگار خود
بحق آنخداوندی که جان علی بن الحسین بدست اوست سوگند یاد میکنم که
شنیدم از پدرم حسین بن علی که گفت شنیدم از حضرت امیر المؤمنین ع
که هر که روزه دارد شعبان را از برای محبت پیغمبر خدا و از برای تقرب بخدا
خدا او را دوست دارد و نزدیک گرداند بکرامت خود در روز قیامت و
بهشت را از برای او واجب گرداند و ایضاً از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده
است که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه من است و ماه رمضان
ماه خداست پس هر که ماه مرا روزه بدارد من شفاعت کنم او را در روز
قیامت و هر که روزه بدارد ماه خدا را حق تعالی مونس او گردد در وحشت
قبر او و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی
و نامه عمل او را بدست راست او دهند و نامه مخلد بودن در بهشت را بدست
چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی حاضر سازند پس حق تعالی او را ندا کند
که ای بنده من او گوید لبیک ای خداوند من پس خدا فرماید که روزه داشتی
از برای من گوید بلی ای آقای من پس خداوند جلیل ندا کند ملائکه را که بگیرید
دست بنده مرا و ببرید بنزد پیغمبر من پس بیاورند او را بنزد من من باو گویم
که ماه مرا روزه داشتی او بگوید بلی من بگویم باو که من امروز شفاعت تو میکنم
پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را باو بخشیدم اما حقوق خلق من هر که از او
عفو کند من آنقدر عوض باو بدهم که او راضی شود پس من دست او را بگیرم و بیاورم
بنزد صراط پس ببینم که صراط که لغزنده است و میلرزد و پای گناه کاران بر آن بند
نمیشود پس دست او را بگیرم و ملکی که موکل است بر صراط گوید کیست این مرد

من

من گویم که این فلان کس است از امت من که در دنیا ماه مرا روزه گرفته است
بامید شفاعت من و ماه خدا را روزه داشته است از برای طلب وعده خدا
پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را بدر بهشت برسانم پس رضوان
گوید که امروز در و زلیست که در را برای امت تو میگشاییم و او را داخل بهشت
کنم پس حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که روزه بدارید ماه حضرت رسالت را
تا او شفیع شما گردد در قیامت و روزه بدارید ماه خدا را تا بیاشامید از
شراب سر بمهر بهشت **فصل دویم** در بیان اعمال هر روز ماه شعبان است
بسند معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که ~~هر روز~~ هفتاد
مرتبه در ماه شعبان استغفار کند گناهانش آمرزیده شود اگرچه بعدد
ستارهای آسمان باشد و در کتاب حسین بن سعید از حضرت صادق ع
منقول است که حضرت رسول ص فرمود که شعبان ماه من است پس در اینماه
بسیار بفرستید صلوات بر من و بر آل من و شعبان را ماه شفاعت میگویند
زیرا که پیغمبر شما شفاعت میکند کسی را که در اینماه صلوات بر او و بر آل او
بفرستد و از حضرت صادق ع منقول است که بهترین دعاها در ماه
شعبان استغفار است و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه
چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد مردی
پرسید که چگونه بگویم فرمود بگو اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ و بسند
معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که در هر روز ماه شعبان
هفتاد مرتبه بگوید اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَاَسْئَلُهُ التَّوْبَةَ بنویسد حق تعالی برای او
برات بیزاری از آتش جهنم و بگذرانند او را

از صراط و داخل بهشت گرداند و بسندهای معتبر منقول است که هر که در هر روز از ماه
شعبان هفتاد مرتبه بگوید اَستَغفِرُ اللهَ الَّذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ الرَّحمنُ الرَّحیمُ
اَلحَیُّ القَیّومُ وَاَتوبُ اِلَیهِ
طلب آمرزش میکنم از خدائی که نیست معبودی بحق جز او که بخشاینده و مهربانست و زنده پاینده و بازگشت میکنم بسوی او
حق تعالی روح او را در افق مبین جا دهد و آن
فضای وسیعی است در پیش عرش و در آن فضا نهرها جاریست و قدحها
در کنار آن نهرها هست بعدد ستارهای آسمان و در بعضی از روایات اَلحَیُّ
القَیّومُ پیش از الرحمن الرحیم است و هر دو خوبست و بسند معتبر منقول است
که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در هر روز ماه شعبان در وقت زوال
و در شب نیمه آن این صلوات را میخواند اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ وَمَوضِعِ الرِّسالَةِ وَمُختَلَفِ المَلائِکَةِ وَمَعدِنِ العِلمِ
درخت پیغمبری و محل فرستادن و آمد و شد فرشتگان و معدن دانش
وَاَهلِ بَیتِ الوَحیِ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الفُلکِ الجارِیَةِ فِی اللُّجَجِ الغامِرَةِ
و اهل خانه وحی تو خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد کشتی جاری شده دریاهای فروگیرنده
یَأمَنُ مَن رَکِبَها وَیَغرَقُ مَن تَرَکَها المُتَقَدِّمُ لَهُم مارِقٌ وَالمُتَأَخِّرُ عَنهُم
ایمن شده آنکه سوار کشتی در کشتیها و غرق میکنی کسی را که از آنها را بشکند مر ایشان را از مرتبه ات و باز پس مانده از ایشان
زاهِقٌ وَاللّازِمُ لَهُم لاحِقٌ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الکَهفِ الحَصینِ
مضمحل و ناچیز و ملازمت نماینده مر ایشان را پیوسته خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد پناهگاه محکم
وَغِیاثِ المُضطَرِّ المُستَکینِ وَمَلجَإِ الهارِبینَ وَمَنجَا الخائِفینَ وَعِصمَةِ
و فریادرس مضطر درمانده فقیر و پناه هزیمت یافتگان و نجات دهنده ترسناکان و نگاهدارنده
المُعتَصِمینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلوةً کَثیرَةً طَیِّبَةً تَکونُ لَهُم
نگاهدارندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد رحمت بسیار نیکو که گرامی باشد برای ایشان

رضا

٣٠

رِضاً وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَداءً وَقَضاءً بِحَولٍ مِنکَ وَقُوَّةٍ یا رَبَّ العالَمینَ
رضا و بحق محمد و آل محمد در حال و گذشته بتوانائی از تو و قوت از تو ای پروردگار جهانیان
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّیِّبینَ الاَبرارِ الاَخیارِ الَّذینَ اَوجَبتَ
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد که نیکویند و صاحب بر و نیکیند آنچنانکه واجب کرده ای
لَهُم حُقوقَهُم وَفَرَضتَ طاعَتَهُم وَوِلایَتَهُم اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
حقوق ایشان را و فرض فرموده اطاعت ایشان و دوستی ایشان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
وَاعمُر قَلبی بِطاعَتِکَ وَلا تُخزِنی بِمَعصِیَتِکَ وَارزُقنی مُواساةَ مَن قَتَّرتَ
و تعمیر کن قلب مرا بطاعت تو و مگردان مرا خوار بمعصیت تو و روزی کن مرا احسان نمودن با کسی که تنگ کرده
عَلَیهِ مِن رِزقِکَ بِما وَسَّعتَ عَلَیَّ مِن فَضلِکَ وَنَشَرتَ عَلَیَّ مِن عَدلِکَ
براو از روزی تو بآنچه وسعت داده برمن از زیادتی تو و بیفشان برمن از حکم بحق تو
وَاَحیَیتَنی تَحتَ ظِلِّکَ وَهذا شَهرُ نَبِیِّکَ سَیِّدِ رُسُلِکَ صَلَواتُکَ
و زنده کن مرا در زیر سایه تو و این ماه پیغمبر تست آقای پیغمبران تو رحمت تو
عَلَیهِ وَآلِهِ شَعبانُ الَّذی حَفَفتَهُ مِنکَ بِالرَّحمَةِ وَالرِّضوانِ الَّذی
براو و آل او شعبان آنچنانکه پیچیده شده از تو برحمت و بهشت و خشنودی آنچنان که
کانَ رَسولُ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ یَدأَبُ فی صِیامِهِ وَقِیامِهِ فی لَیالیهِ
میبود فرستاده خدا رحمت خدا براو و آل او که ابتدا نمودند در روزه آن و بعمل آوردند در شبهای او
وَاَیّامِهِ بُخوعاً لَکَ فی اِکرامِهِ وَاِعظامِهِ اِلی مَحَلِّ حِمامِهِ اَللّهُمَّ فَاَعِنّا
و روزهای او بجهة فروتنی برای تو در گرامی داشتن آن و بزرگی آن تا رسیدن موت خود خداوندا پس یاری کن ما را
عَلَی الاِستِنانِ بِسُنَّتِهِ فیهِ وَنَیلِ الشَّفاعَةِ لَدَیهِ اَللّهُمَّ فَاجعَلهُ لی
بر پیروی نمودن بطریقه او در آنماه و شفاعت او نزد آن خداوندا پس بگردان او را برای من

شفیعا مشفعا وطریقا الیک مهیعا واجعلنی له متبعا حتی القاک یوم
شفاعت کننده کی اورا و راه تو بسوی تو هموار و ظاهر و بگردان برای من پیروی تا اینکه ملاقات کنم ترا روز
القیمة عنی راضیا وعن ذنوبی غاضیا لقد وجبت لی منک الرحمة و
قیامت و از من راضی شوی و از گناه من چشم پوشنده بتحقیق واجب گردانیده ام از تو از رحمت
الرضوان وانزلتنی دار القرار ومحل الاخیار وسید ابن طاوس رحمة الله
و بهشت و خشنودی و بفرست مرا خانهٔ قرارگاه و مکان اخیار علیه بسند معتبر از ابن خالویه
روایت کرده است که این مناجات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امامان از فرزندان
اوست علیهم السلام که در ماه شعبان میخوانده اند اللهم صل علی محمد
خداوندا رحمت فرست بر محمد
وآل محمد واسمع دعائی اذا دعوتک واسمع ندائی اذا نادیتک واقبل
و آل محمد و بشنو دعای مرا هرگاه میخوانم ترا و بشنو ندای مرا هرگاه ندا کنم ترا و رو آور
علی اذا ناجیتک فقد هربت الیک ووقفت بین یدیک مسکینا متضرعا — مستکینا لک
بر من هرگاه راز گویم با تو پس بتحقیق گریختم بسوی تو و ایستادم پیش تو مسکنت کننده برای تو زاری کننده
الیک راجیا لما لدیک ثوابی وتعلم ما فی نفسی وتخبر حاجتی وتعرف
بسوی تو امیدوار هر آنچه نزد تست از ثواب من و میدانی آنچه را در نزد منست و بر می آوری حاجت مرا و میشناسی
ضمیری ولا یخفی علیک امر منقلبی ومثوای وما ارید ان ابدئ به من
دل مرا و پوشیده نیست بر تو کار آخرت من و دنیای من و آنچه اراده دارم اینکه ابتدا کنم آن از
منطقی واتفوه به من طلبتی وارجوه لعاقبتی وقد جرت مقادیرک
زبان خود و تلفظ کنم بآن از مطلبهای من و امید دارم آنرا از برای عاقبت خود و بتحقیق جاری شده است تقدیرات تو
علی یا سیدی فیما یکون منی الی آخر عمری من سریرتی وعلانیتی وبیدک — بما
بر من ای آقای من در آنچه میباشد از جانب من تا آخر عمر من از امور پنهان من و آشکار من و بدست تو است

لاسر

لا بید غیرک زیادتی ونقصی ونفعی وضری الهی ان حرمتنی فمن ذا الذی
نه بدست غیر تو زیادتی من و نقص من و نفع من و ضرر من اگر محروم کنی مرا پس کیست آنکه
یرزقنی وان خذلتنی فمن ذا الذی ینصرنی الهی اعوذ بک من غضبک
روزی دهد مرا و اگر خوار کنی مرا پس کیست آن کسی که یاری کند مرا ای خدای من پناه میبرم بتو از غضب تو
وحلول سخطک الهی ان کنت غیر مستاهل لرحمتک فانت اهل ان تجود علی
و فرود آمدن عذاب تو ای خدای من اگر هستم غیر مستوجب برای رحمت تو پس تو سزاواری اینکه بخشش کنی بر من
بفضل سعتک الهی کانی بنفسی واقفة بین یدیک وقد اظلها حسن توکلی — بفضلک وسعتک
بزیادتی وسعت رحمت تو ای خدای من گویا من بنفس خود ایستاده ام پیش تو و بتحقیق که سایه افکنده بر نفس من توکل من
علیک فقلت ما انت اهله وتغمدتنی بعفوک الهی فان عفوت فمن — ففعلت
بر تو پس گفته شده آنچه را که تو سزاوار آنی و بپوشانیدی مرا بعفو خود ای خدای من و اگر عفو کنی پس کیست
اولی منک بذلک وان کان قد دنا اجلی ولم یدننی منک عملی فقد جعلت
سزاوارتر از تو باین عفو کردن و اگر باشد بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و حال آنکه نزدیک نگردانیده باشد مرا عمل من پس بتحقیق گردانیدم
الاقرار بالذنب الیک وسیلتی الهی قد جرت علی نفسی فی النظر
اقرار کردن بگناهان بسوی تو وسیله نجات خود ای خدای من همیشه جرات نمود بر نفس خود در تأمل نمودن برای
لها فلها الویل ان لم تغفر لها الهی لم یزل برک علی ایام حیاتی
او پس برای اوست ویل اگر نیامرزی او را ای خدای من همیشه بوده نیکی تو بر من در ایام زندگی من
فلا تقطع برک عنی فی مماتی الهی کیف آیس من حسن نظرک لی بعد
پس قطع مکن نیکی خود را از من در مردن من ای خدای من چگونه ناامید شوم از نیکوئی رحمت تو برای من پس از
مماتی وانت لم تولنی الا الجمیل فی حیاتی الهی تول من امری ما انت
مردن من و حال آنکه تو نکرده برای من مگر نیکوئی در زندگی من ای خدای من متولی شو در کار من آنچه تو

اهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله الهي قد سترت على ذنوبا

آنی و بخشش کن ببخشش خود بر گنهکاری که بتحقیق فرو گرفته او را نادانی او ای خدای من بتحقیق که پوشیدی تو بر من گناهانرا

في الدنيا وانا احوج الى سترها علي منك في الاخرى الهي قد احسنت الي

في الاخرة فقد

در دنیا و من محتاج ترم بسوی پوشیدن آن گناهان از تو در آخرت ای خدای من بتحقیق که نیکوکردی

اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة على

زیرا که ظاهر نکردی آن گناهانرا باحدی از بندگان شایسته خود پس رسوا مکن مرا در روز بازپسین بر

رؤس الاشهاد الهي جودك بسط املي وعفوك افضل من عملي الهي فسرني

روس نگاه کنندگان ای خدای من بخشش تو پهن کرده است آرزوهای مرا و در گذشتن تو بهتر است از کردار من ای خدای من پس شاد کن مرا

بلقائك يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم

برحمت خود روزی که حکم کنی در آن روز میان بندگان خود ای خدای من عذر گفتن من بسوی تو عذر گفتن کسیست که بی نیاز نیست

يستغن عن قبول عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه

از قبول شدن عذرش پس بپذیر عذر مرا ای بخشنده ترین کسی که عذر گوید بسوی او

المسيئون الهي لا ترد حاجتي ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي

بدکنندگان ای خدای من رد مکن حاجت مرا و نا امید مکن طمع مرا و قطع مکن از تو امید مرا و آرزوی مرا

الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت فضيحتي لم تعافني الهي ما اظنك

ای خدای من اگر خواسته بودی خواری مرا هدایت نمیکردی مرا و اگر خواسته بودی رسوائی مرا نمیبخشیدی مرا ای خدای من گمان نکنم ترا

تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها منك الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما

رد کنی در حاجت من بتحقیق که فنا کردم عمر خود را در طلب کردن آن از تو ای خدای من پس مر تراست شکر همیشه همیشه دایم

سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى الهي ان اخذتني بجرمي اخذتك

همیشه است و زیاد میشود و ناقص نمیشود همچنانکه دوست داری تو و خشنود باشی ای خدای من هرگاه بگیری مرا بگناه من فرا گیرم ترا

بعفوك

بعفوك وان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك وان ادخلتني النار

برحمت تو و اگر بگیری مرا بگناهان من میگیرم ترا ببخشش تو و هرگاه داخل کنی مرا در آتش

اعلمت اهلها اني احبك الهي ان كان صغر في جنب طاعتك عملي فقد

میدانیم اهل او را بدرستی دوست میدارم ترا ای خدای من اگر کوچک باشد در جنب طاعت تو کردار من پس بتحقیق که

كبر في جنب رجائك املي الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة محروما و

بزرگست در جنب امید تو آرزوی من ای خدای من چگونه برگردم از نزد تو بنا امیدی در حالتی که محروم باشم

قد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما الهي وقد افنيت

بتحقیق که بود گمان بنیکی بخشش تو اینکه برگردانی مرا بنجات دادن در حالتی که آمرزیده باشم ای خدا که بتحقیق فنا کردم

عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد منك

عمر خود را در حرص سهو از تو و کهنه کردم جوانی خود را در مستی دوری از تو

الهي فلم استيقظ ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك الهي

ای خدای من پس بیدار نشدم در ایام غرور خود بتو و میل کردن من بسوی راه غضب تو ای خدای من

وانا عبدك وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك

و من بنده توام و پسر بنده توام ایستاده ام در پیش تو توکل کننده ام ببخشش تو بسوی تو

الهي انا عبد اتنصل اليك مما كنت اواجهك به من قلة استحيائي

ای خدای من منم بنده که بیرون آمدم بسوی تو از آنچه بودم روبروی تو بآن از کمی حیای من

من نظرك واطلب العفو منك اذ العفو نعت لكرمك الهي لم يكن لي

من كرمك

از نظر کردن تو و طلب میکنم عفو از تو زیرا که بخشیدن صفتیست از کرم تو ای خدای من نمیباشد برای من

حول فانتقل به عن معصيتك الا في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت

مكانا

قوتی تا باز گردم بسبب آن از گناهان تو مگر در وقتی که بیدار کنی مرا بدوستی خود و همچنانکه میخواهی

ان اكون كنت نسيت شكرك بادخالي في كرمك ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة

که بوده باشم پیشکر کنم ترا بسبب داخل کردن تو مرا در کرم تو وبسبب پاک گردانیدن قلب من از چرکهای بیخبری

عنك الهي انظر الي نظر من ناديته فاجابك واستعملته بمعونتك

از تو ای خدای من نظر کن بسوی من مانند نگریستن بکسیکه خوانده باشی او را پس اجابت کند و بکار داشته باشی او را بیاری تو

فاطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه

و اطاعت تو ای نزدیکی که دور نمیگردد از فریفته بجود و ای بخشنده بی بخل از کسی که امیدوار ثواب او باشد

الهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا

ای خدای من بخش مرا نفسی که نزدیک گرداند او را از تو آرزومندی او و زبانی که بلند شده بسوی تو راستگوئی او و تفکری که

يقربه منك حقه الهي ان من تعرف بك غير مجهول ومن لاذ بك غير

نزدیک گرداند مرا بتو درستی او ای خدای من بدرستی اگر شناخته شد بتو نیست خوار کننده و اگر روکردی تو بر او نیست

مخذول ومن اقبلت عليه غير مملوك الهي ان من انتهج بك لمستنير و

مغلوب و اینکه روکردی تو بر او نیست مغلوب کسی ای خدای من بدرستی که راه یافته بتو هر اینه روشنی و

ان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك يا الهي فلا تخيب ظني من رحمتك

بتحقیق کسی که چنگ زد بتو هر اینه امان جوینده است و بتحقیق که پناه گرفتم ای خدای من پس نا امید مکن گمان مرا از رحمت تو

ولا تحجبني عن رافتك الهي اقمني في اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة

و منع مکن مرا از مهربانی خود ای خدای من برپا دار مرا در زمرهٔ دوستان خود در جایگاه کسی که امید داشته باشد زیاده

من محبتك الهي والهمني ولها بذكرك الى ذكرك واجعل همتي الى

از دوستی ترا ای خدای من و بدل من انداز مشتاق شدن بذکر تو بسوی یاد کردن تو و بگردان آهنگ مرا بسوی

روح نجاح اسمائك ومحل قدسك الهي بك عليك الا الحقتني

راحت و فیروزی نامهای تو و جایگاه قدس خود ای خدای من بتو قسم میدهم بر تو مگر آنکه برسانی مرا

بمحل اهل طاعتك والمثوى الصالح من مرضاتك فاني لا اقدر لنفسي

بجایگاه اهل فرمان برداری خود و آرامگاه شایسته از خشنودی تو بدرستی که من ندارم توانائی برای نفس خود

دفعا ولا املك لها نفعا الهي انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك

که دفع کنم ضرری و مالک نیستم برای آن نفعی را خدای من بندهٔ توام آن بندهٔ ناتوان گناهکار و بندهٔ توام

المنيب المعيب فلا تجعلني ممن صرفت عنه وجهك وحجبه سهوه

آن بندهٔ رجوع نماینده ناپسند پس مگردان مرا از آنکه گردانیده از ایشان روی خود را نموده ایشان را غفلت از عفو تو

عن عفوك الهي هب لي كمال الانقطاع اليك وانر ابصار قلوبنا بضياء

خدای من ببخش مرا کمال بریدگی بسوی تو و روشن کن دیدهای قلبها را بروشنی

نظرها اليك حتى تخرق ابصار القلوب حجب النور فتصل الى معدن

نگریستن آنها بسوی تو تا اینکه گذر کنند دیدهای دلهای ما حجابهای نور پس رسد بسوی قرارگاه

العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك الهي واجعلني ممن ناديته

بزرگواری و بگردد نفوس ما در آویخته بعزت قدس تو خدای من و بگردان مرا از آنکه خواندی ایشان

فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا وعمل لك جهرا

پس اجابت نمودند ترا و نگریستی بایشان پس بیهوش شدند بجهت بزرگی تو پس نجات دهی نزار در نهان و کار کردند برای تو آشکارا

الهي لم اسلط على حسن ظني قنوط الاياس ولا انقطع رجائي من

خدای من مسلط نمیسازم بر نیکوئی گمان خود شدت نومیدی را و بریده و قطع نشده امید من از

جميل كرمك الهي ان كانت الخطايا قد اسقطتني لديك فاصفح عني

نیکی کرم تو خدای من اگر بوده باشد گناهان بتحقیق انداخته باشد مرا نزد تو پس درگذر از من بسبب

بحسن توكلي عليك الهي ان حطتني الذنوب من مكارم لطفك

نیکوئی اعتقاد من بر تو ای خدای من اگر پست گردانیده مرا گناهان از نوازشهای مهربانی تو

فَقَدْ نَبَّهَنِیَ الْیَقِینُ اِلٰی کَرَمِ عَطْفِکَ اِلٰهِی اِنْ اَنَامَتْنِی الْغَفْلَةُ عَنِ
پس بتحقیق بلند کردانید مرا جزم داشتن بسوی بزرگی تو ای خدای من اگر خوابانیده مرا بیخبری از

الْاِسْتِعْدَادِ لِلِقَائِکَ فَقَدْ نَبَّهَتْنِی الْمَعْرِفَةُ بِکَرَمِ آلَائِکَ اِلٰهِی اِنْ
آماده شدن برای ملاقات تو پس بتحقیق بیدار کرد مرا شناختن بزرگی نعمتهای تو خدای من اگر

دَعَانِی اِلَی النَّارِ عَظِیمُ عِقَابِکَ فَقَدْ دَعَانِی اِلَی الْجَنَّةِ جَزِیلُ ثَوَابِکَ
بخواند مرا بسوی آتش عقاب بزرگ تو پس بتحقیق میخواند مرا بسوی بهشت وفور ثواب تو

اِلٰهِی اَسْاَلُ وَاِلَیْکَ اَبْتَهِلُ وَاَرْغَبُ اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
خدای من سؤال میکنم وبسوی تو تضرع مینمایم ورغبت میکنم وسؤال میکنم اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل

مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَنِی مِمَّنْ یُدِیمُ ذِکْرَکَ وَلَا یَنْقُضُ عَهْدَکَ وَلَا یَغْفُلُ عَنْ
محمد واینکه بگردانی مرا از آنانکه همیشه دارند ذکر ترا ونه شکستند پیمان ترا وغافل نشوند از

شُکْرِکَ وَلَا یَسْتَخِفُّ بِاَمْرِکَ اِلٰهِی وَاَلْحِقْنِی بِنُورِ عِزِّکَ الْاَبْهَجِ فَاَکُونَ
شکر تو وسبک نشمارند فرمان ترا ای خدای من وبرسان مرا بروشنائی عزت خود که نیکوتر است پس بوده باشم

لَکَ عَارِفًا وَعَنْ سِوَاکَ مُنْحَرِفًا وَمِنْکَ خَائِفًا مُرَاقِبًا یَا ذَا الْجَلَالِ وَ
مر ترا شناسا واز غیر تو میل کننده واز تو ترسان بیمناک ای صاحب بزرگی و

الْاِکْرَامِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ رَسُولِهِ وَآلِهِ الطَّاهِرِینَ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا کَثِیرًا
گرامی داشتن ورحمت خدا بر محمد فرستادهٔ او وآل او که پاکانند ودرود فرستد درود بسیار بسیار

کثیرا واین از مناجاتهای جلیل القدر است وبر مضامین عالیه مشتمل است
ودر همه اوقات که حضور قلبی باشد خواندن مناسبست واز حضرت رسول صلعم منقول است
که هر که در مجموع ماه شعبان هزار مرتبه بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَلَا نَعْبُدُ اِلَّا اِیَّاهُ
مُخْلِصِینَ لَهُ الدِّینَ وَلَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ
نیست سزاوار پرستش بجز خدا ونمی پرستیم مگر او را
در حالتی که خالص گردانیده ایم برای او دین را وهرچند ناخوش داشته باشند گرویدگان

3

حق تعالی عبادت هزار ساله در نامهٔ عمل او بنویسد وگناه هزار ساله از او محو کند
واز قبر بیرون آید با روی نورانی مانند ماه شب چهارده واز در احادیث بسیار
وبسند معتبر منقول است که از حضرت صادق علیه السلم سؤال کردند از فضیلت
روزه رجب حضرت فرمود چرا غافل کردید از روزه شعبان راوی گفت یا ابن
رسول الله چه ثواب دارد کسی که یک روز شعبان را روزه دارد گفت والله بهشت
ثواب اوست گفت یا ابن رسول الله بهترین عملها در این ماه چیست فرمود تصدق
کردن وطلب آمرزش نمودن هر که در این ماه تصدقی بکند حق تعالی آن را تربیت
میکند چنانچه یکی از شما شتر بچهٔ خود را تربیت کند تا آنکه در روز قیامت
مانند کوه احد بصاحبش برسد **فصل سیم** در فضائل واعمال ایام
مخصوصهٔ اول ماه است تا ایام البیض بسندهای معتبر منقول است از حضرت صادق ع
که هر که روز اول ماه شعبان را روزه دارد بهشت او را واجب کرد البته واز حضرت
امام رضا ع منقول است استحباب سه روزه روز اول وسه روز میان وسه روز آخر ماه
واز حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که رسول خدا ص فرمود که هر پنجشنبه ماه
شعبان زینت میکنند آسمانها را پس ملائکه میگویند خداوندا بیامرز روزه داران
این روز را ودعای ایشان را مستجاب گردان وروز سیم ماه شعبان روز بسیار
مبارکی است وموافق مشهور روز ولادت حضرت امام حسین صلوات الله علیه
است واز حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه فرمانی بیرون آمد که روز سیم
ماه شعبان روز ولادت امام حسین ع است پس روزه بدارید واین دعا را بخوانید
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْاَلُکَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِی هٰذَا الْیَوْمِ الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ قَبْلَ اسْتِهْلَالِهِ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحرمت تولد شده در این روز وعده داده شده بشهادت خود پیش از استهلال خود

وولادته بكته السماء ومن فيها والارض ومن عليها ولما يطا لابتيها

وتولد او گریست بر او آسمانها و آنچه در آنها میباشد و زمین و آنچه در آن هست و حال آنکه هنوز حرکت نکرده بود

قتيل العبرة وسيد الاسرة الممدود بالنصرة يوم الكرة المعوض

شهید سرشک دیده و آقای قوم مدد کرده شده و یاری در روز رجعت عوض داده شده

من قتله ان الائمة من نسله والشفاء في تربته والفوز معه

از کشته شدن خود اینکه پیشوایان از فرزندان او و شفا در تربت او و رستگاری با اوست

في اوبته والاوصياء من عترته بعد قائمهم وغيبته حتى يدركوا

در وقت بازگشت اوست و اوصیاء از فرزندان او پس از ظهور قایم ایشان و پنهان او تا آنکه دریابند خونها را

الاوتار ويثاروا الثار ويرضوا الجبار ويكونوا خير انصار

و مطالبه کنند خون را و خشنود نمایند خدای غالب را و بوده باشند بهترین یاوران

صلى الله عليهم مع اختلاف الليل والنهار اللهم فبحقهم اليك

رحمت خدا بر ایشان با آمد و شد شب و روز بارخدایا پس بحق ایشان بسوی تو

اتوسل واسال سؤال مقترف معترف مسيء الى نفسه مما فرط

توسل میجویم و سؤال میکنم مانند گنهکار و اعتراف کننده بدکردار بسوی خود از تقصیر

في يومه وامسه يسالك العصمة الى محل رمسه اللهم صل على محمد

روز خود و روز گذشته خود که در خواهد از تو عصمت بسوی جایگاه دفن خود خداوندا رحمت فرست بر محمد

وعترته واحشرنا في زمرته وبوئنا معه دار الكرامة ومحل الاقامة

و خویشان نزدیک او و برانگیز ما را در گروه ایشان و مهیا گردان برای ما با او خانه نوازش را و جایگاه درنگ را

اللهم وكما اكرمتنا بمعرفته فاكرمنا بزلفته وارزقنا مرافقته وسابقته

بارخدایا چنانچه گرامی داشتی ما را بشناختن او پس گرامی دار ما را بنزدیکی او و روزی کن ما را رفاقت او و پیشی گرفتن با او

واجعلنا ممن يسلم لامره ويكثر الصلوة عليه عند ذكره وعلى جميع

وبگردان ما را از آنانکه گردن نهند برای فرمان او و بسیار فرستد رحمت بر او در نزد ذکر او و بر همه

اوصيائه واهل اصفيائه الممدودين منك بالعدد الاثني عشر النجوم

اوصیای او و برگزیدگان او و کشیده شده اند از لطف تو بشماره دوازده ستاره‌ها

الزهر والحجج على جميع البشر اللهم وهب لنا في هذا اليوم خير

روشن و حجتها بر همه آدمیان بارخدایا و ببخش ما را در این روز بهترین

موهبة وانجح لنا فيه كل طلبة كما وهبت الحسين لمحمد جده و

بخشش و برآور برای ما در این روز هر حاجتی را همچنانکه بخشیدی حسین را بمحمد جد او و

عاذ فطرس بمهده فنحن عائذون بقبره من بعده نشهد تربته

پناه گرفت فطرس به بستر او پس ما هم پناه گیرندگان بقبر او از پس از وی حاضر میشویم قبر او را

وننتظر اوبته امين رب العالمين وزيارت آنحضرت وغسل زيارت

و انتظار میکشیم رجعت او را اجابت نمای پروردگار جهانیان در اینروز مستحب است و کیفیت

زیارت بعد از این مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و شیخ طوسی ره روایت

نقل کرده است که حضرت امام حسین ع در روز پنجم اینماه متولد شده است

اگر احتیاطا هر دو روز را حرمت بدارند و اعمال را در اینروز نیز بعمل آورند

خصوصا زیارت بهتر است و ایضا شیخ بسند معتبر از حضرت صادق ع

روایت کرده است که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه در روز هفتم ماه

ماه شعبان متولد شده است اگرچه خلاف مشهور است چنانچه در ماه رجب

مذکور شد اما بر وفق این روایت اگر روزه و زیارت آنحضرت و سائر اعمال خیر را

در اینروز بعمل آورند مناسب است فصل چهارم در بیان اعمال ایام البیض

ماه شعبان است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم چنانچه در اعمال ماه رجب
مذکور شد که سنت است که در شب سیزدهم دو رکعت و در شب چهاردهم
چهار رکعت و در شب پانزدهم شش رکعت بجا آورند و در هر رکعت بعد از حمد
سوره یس و تبارک الذی بیده الملک و قل هو الله احد بخوانند و در نماز
سنت سورها که از حفظ نتوانند خواند از روی قرآن میتوان خواند و روزه هر
روز سنت است و فضائل و اعمال شب پانزدهم زیاده از آنست که در این رساله
احصاء توان نمود و اکتفاء مینمایم بآنچه صحیح تر است از حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که حضرت رسول ص فرمود که چون شب نصف شعبان شود شبش را
بعبادت بایستید و روزش را روزه بدارید بدرستی که از اول تا آخر این شب
از جانب حق تعالی ندا میرسد که آیا استغفار کننده هست که طلب آمرزش کند
از گناهان خود و ما گناهان او را بیامرزیم آیا کسی هست که از ما طلب روزی کند
و ما روزی او را فراخ کردانیم و غسل در این شب سنت است و از حضرت صادق ع
منقول است که روزه بدارید ماه شعبان را و در شب نیمه آن غسل بکنید که باعث
تخفیف گناهان شما باشد و رحمت الهی شما را دریابد و از جمله اعمال این شب زیارت
حضرت امام حسین صلوات الله علیه است و از حضرت امام زین العابدین ع
منقول است که هر که خواهد با او مصافحه کنند روح صد و بیست و چهار هزار
پیغمبر پس زیارت کند حضرت امام حسین ع را در شب نصف شعبان زیرا که ملائکه
و پیغمبران در این شب از خدا رخصت میطلبند که بزیارت آنحضرت بیایند و رخصت
مییابند پس خوشا حال کسی که این بزرگواران با او مصافحه کنند و از جمله ایشانند
پنج پیغمبر اولی العزم نوح و ابرهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم اجمعین
که

که مبعوث کردیده اند بمشرق و مغرب زمین و آدمیان و جنیان و از حضرت
صادق علیه السلام منقول است که در شب نیمه شعبان می آمرزند جمیع گناهان کسی را
که زیارت آنحضرت کند در آن شب و اقل زیارت آنحضرت آنست که بیامی بام
بصحن گشاده در آید و بجانب راست آسمان و بجانب چپ و بالای سر نظر کند
پس بانگشت اشاره کند بجانب راست قبله و بگوید اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ
درود بر تو ای اباعبدالله درود بر تو ای فرزند فرستاده خدا درود بر تو
و اگر یکی از زیارات مبسوطه را عمل آورد بهتر است و از جمله آنها این است اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ آدَمَ صِفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا
درود بر تو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا درود بر تو ای
وارِثَ نُوحٍ نَبِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ اِبْراهِیمَ خَلِیلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
میراث برنده نوح پیغمبر خدا درود بر تو ای میراث برنده ابراهیم خلیل الله درود بر تو
یا وارِثَ مُوسی کَلِیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ عِیسی رُوحِ اللهِ
ای میراث برنده موسی هم سخن خدا درود بر تو ای میراث برنده عیسی روح خدا
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وارِثَ
درود بر تو ای میراث برنده محمد حبیب خدا درود بر تو ای میراث برنده
اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَلِیِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ عَلِیٍّ الْمُرْتَضی اَلسَّلامُ
امیر المؤمنین ولی خدا درود بر تو ای پسر علی مرتضی درود
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی
عَلَیْکَ یَا ابْنَ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ خَدِیجَةَ الْکُبْری
بر تو ای پسر فاطمه نورانی درود بر تو ای پسر خدیجه کبری

السلام عليك يا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انك
درود بر تو ای خون خدا و پسر خون خدا و فرزند صاحب خون شهادت میدهم اینکه تو
قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن
بتحقیق بپا داشتی نماز را و عطا فرمودی زکوة را و امر فرمودی به نیکی و نهی فرمودی از بد
المنكر واطعت الله ورسوله حتى اتاك اليقين فلعن الله امة قتلتك
زشتی و فرمانبرداری نمودی خدا و فرستاده او را تا اینکه آمد ترا موت پس دور کند خدا از رحمت خود امتی که کشتند ترا
ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت به
و دور کند خدا امتی را که ستم کردند ترا و دور کند خدا امتی را که شنیدند آنرا پس خشنود شدند بآن
يا مولاى يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة
ای آقای من ای ابا عبد الله گواهی میدهم اینکه تو بتحقیق بودی نور در صلبهای با رفعت
والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك
و در رحمهای پاکیزه نجس نکرده ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا
من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين واركان المؤمنين
از جامههای تیره خود و گواهی میدهم اینکه تو از ستونهای دین و رکنهای گروندگانی
واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي
و گواهی میدهم اینکه تحقیقا تو پیشوای نیکوکارانی و پرهیزکار پسندیده راهنمای هدایت کننده هدایت یافته
واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة
و گواهی میدهم بتحقیق پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دستآویز
الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد الله وملائكته وانبيائه و
محکم و حجتند بر اهل دنیا و گواهی میگیرم خدا را و فرشتگان و پیغمبران او و
رسله

وَرُسُلَهُ اَنّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِيابِكُمْ مُوقِنٌ بِشَرايِعِ ديني وَخَواتيمِ عَمَلي
و فرستادگان او را که من بشما ایمان آورده ام و برجعت شما یقین دارم بسنن و آداب دین خود و آخرهای کردار خود
وَقَلْبي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَاَمْري لِاَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ صَلَواتُ اللهِ عَلَيْكُمْ وَعَلى
و دل من مر دل شما را صلح است و امر من مر شما را پیروی کننده رحمت خدا بر شما و بر
اَرْواحِكُمْ وَعَلى اَجْسادِكُمْ وَعَلى اَجْسامِكُمْ وَعَلى شاهِدِكُمْ وَ
جانهای شما و بر جسمهای شما و حاضر شما و
عَلى غائِبِكُمْ وَعَلى ظاهِرِكُمْ وَعَلى باطِنِكُمْ پس دو رکعت نماز زیارت میکند
بر غایب شما و بر ظاهر شما و بر باطن شما و اگر نماز را پیش از زیارت بکند نیز
خوبست و اگر از دور زیارت کند پس قصد زیارت حضرت علی بن الحسین
شهید ع بکند و بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ
درود بر تو ای پسر رسول خدا درود بر تو ای پسر
نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ الْحُسَيْنِ
پیغمبر خدا درود بر تو ای فرزند پادشاه گروندگان درود بر تو ای پسر حسین
الشَّهيدِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الشَّهيدُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ وَابْنُ
شهید درود بر تو ای فرزند کشته شده سلام بر تو ای ستم رسیده و پسر
الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ وَلَعَنَ اللهُ
ستم رسیده لعنت خدا بر امتی که کشتند ترا و لعنت خدا بر امتی که ستم کردند بتو و لعنت خدا
اُمَّةً سَمِعَتْ بِذلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ پس قصد زیارت سایر شهداء ع
بر امتی که شنیدند این را پس راضی شدند بآن رضی الله عنهم بکند و بگوید اَلسَّلامُ
عَلَيْكُمْ يا اَوْلِياءَ اللهِ وَاَحِبّاءَهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَصْفِياءَ اللهِ وَاَوِدّاءَهُ
بر تو ای دوستان خدا و محبان او سلام بر شما ای ستودگان خدا و دوستان

السلام علیک یا انصار دین الله السلام علیکم یا انصار رسول الله
سلام برشما ای یاوران دین خدا سلام برشما ای یاوران رسول خدا
السلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین السلام علیکم یا انصار فاطمة
سلام برشما ای یاوران امیر المؤمنین سلام برشما ای یاوران فاطمه
سیدة نساء العالمین السلام علیکم یا انصار ابی محمد الحسن بن علی
سیده زنان جهانیان سلام بر شما ای یاوران ابی محمد حسن فرزند علی
الزکی الناصح السلام علیکم یا انصار ابی عبد الله بابی انتم وامی
پاکیزه نصیحت کننده سلام برشما ای یاوران ابی عبد الله پدر من شما را فدا و مادر من
طبتم وطابت الارض التی فیها دفنتم وفزتم فوزا عظیما یا لیتنی کنت
پاکیزه و پاکست زمین آنچنانی که دران مدفون شدید و فیروزی یافتید فیروزی بزرگ پس کاش بودم من درانجا
معکم فافوز معکم ودر شب اول و پانزدهم ماه رجب و در سیم و پنجم
با شما و فیروزی مییافتم با شما ماه شعبان و در شبهای ماه رمضان و شبهای
عید و سائر ایامی که زیارت آنحضرت مستحب است بهمین طریق زیارت میتوان کرد
و زیارات مبسوط و مخصوص را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده ام هر که
خواهد با آن کتاب رجوع نماید و از جمله برکات این شب آنست که ولادة وافر
السعادة حضرت صاحب الامر صلوات الله علیه در این شب واقع شده و باین
سبب سنت است که این دعا را در این شب بخوانند که بمنزلهٔ زیارت آنحضرت است
اللهم بحق لیلتنا هذه ومولودها وحجتک وموعودها التی
خداوندا بحرمت این شب و تولد شده دران و حجتهای تو و وعده داده شده آن آنچنانکه
قرنت الی فضلها فضلا فتمت کلمتک صدقا وعدلا لا مبدل
نزدیک گردیده بسوی فضل آن زیادتی پس تمام شد کلمهٔ تو راستی و میانه روی هیچ بدل نمیشود
کلماتک

لکلماتک ولا معقب لآیاتک نورک المتألق وضیاؤک المشرق
بکلمات تو و نه عقب مر آیات ترا و نور ترا نور درخشنده و روشنی ترا روشن آنست
والعلم النور فی طخیاء الدیجور الغائب المستور جل مولده وکرم
و نشانه نیست روشنی در شب تیره و تار پنهانست و پوشیده است بزرگست ولادت او و کرامیست
محتده والملائکة شهده والله ناصره ومؤیده اذا آن میعاده
اصل او و فرشتگان حاضر اویند و خدا یاور او و قوت دهنده او هر گاه نزدیک شود وعده ظهور
والملائکة امداده سیف الله الذی لا ینبو ونوره الذی لا یخبو
و فرشتگان مدد کنندگان او شمشیر خدا که هرگز کند نگردد و روشنی او که پنهان نگردد
وذو الحلم الذی لا یصبو مدار الدهر ونوامیس العصر وولاة
و خداوند عقلیست که میل نکند بجهال مدار زمانه و صاحب آن عصر و صاحبان
الامر والمنزل علیهم الذکر وما ینزل فی لیلة القدر واصحاب الحشر
فرمان و آنانکه فرو فرستاده شد بر ایشان ذکر و آنچه فرود آید در شب قدر و یاران زنده کردن
والنشر تراجمة وحیه وولاة امره ونهیه اللهم فصل علی خاتمهم
و برانگیختن بیان کنندگان وحی او و والیان امر او و نهی اویند خداوندا پس رحمت فرست بر آخر ایشان
وقائمهم المستور عن عوالمهم وادرک بنا ایامه وظهوره وقیامه
و قایم ایشان که پنهانست از عالمهای ایشان و برسان ما را بروزگارهای دولت ایشان و ظاهر شدن او و برپا شدن او
واجعلنا من انصاره واقرن ثارنا بثاره واکتبنا فی اعوانه و
و بگردان ما را از یاوران او و ضم کن خون ما را بخون او و بنویس ما را در زمرهٔ مددکاران و
خلصائه واحینا فی دولته ناعمین وبصحبته غانمین وبحقه
خالصان او و زنده گردان ما را در زمان دولت او رفاه دارندگان بصحبت او غنیمت یابندگان و بحرمت او

قائمين ومن السوء سالمين يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين
برپا دارندگان و از هر بدی بسلامت ای بخشاینده ترین بخشایندگان و سپاس مر خدا را پروردگار جهانیانت
وصلى الله على محمد خاتم النبيين والمرسلين وعلى اهل بيته الصادقين
و رحمت فرستد خدا بر محمد آخر پیغمبران و فرستادگان و بر اهل بیت او که راستگویانند
وعترته الناطقين والعن جميع الظالمين واحكم بيننا وبينهم يا احكم
و خویشان او که سخنگویانند و لعنت کن همه ستمکاران را و حکم کن میانه من و میانه ایشان ای حکم کننده
الحاكمين و زید شهید روایت کرده است که پدرم امام زین العابدین ما را
حکم کنندگان همه را در شب نیمه شعبان نزد خود جمع میکرد و شب را سه حصه
میکرد در ثلث اول نماز میکرد و در ثلث دویم میکرد و ما امین میگفتیم
بر دعای او و ثلث اخر را استغفار و طلب امرزش میکرد و ما نیز استغفار
میکردیم تا صبح طالع میشد یعنی بعد از نماز شب و نمازهای این شب
بسیار است و از جمله انها چهار رکعت است هر دو رکعت بیک سلام و بعضی
از اصحاب حضرت صادق ع این نماز را از انحضرت روایت کرده اند و در هر
رکعت بعد از حمد صد مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از نماز این دعا
بخواند اللهم اني اليك فقير ومن عذابك خائف وبك مستجير رب
بارخدایا بدرستی که من بسوی تو محتاجم و از عذاب تو ترسان و بتو امیدوارم پروردگارا
لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي رب لا تجهد بلائي رب لا تشمت بي
بدل مکن اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا جهد مکن در بلای من پروردگارا زیاتی مده بمن
اعدائي اعوذ بعفوك من عقوبتك واعوذ برضاك من سخطك و
دشمن مرا پناه میبرم بخشش تو از عذاب تو و پناه میبرم برضای تو از قهر تو و

اعوذ بك منك جل ثناؤك انت كما اثنيت على نفسك وفوق ما يقول
پناه میبرم بتو از تو بزرگست ثنا تو توئی همچنانکه ثنا نمودی بر نفس تو و بلندتر از انچه میگویند
القائلون فيك و بروایت دیگر با چهار رکعات بدو سلام و در هر رکعت
گویندگان در تو بعد از حمد دویست و پنجاه مرتبه قل هو الله یا صد مرتبه یا
پنجاه مرتبه بخواند و بعد از نماز این دعا بخواند اللهم اني
اليك فقير واني من عذابك خائف وبك بارخدایا بدرستی من
بسوی تو محتاجم و بدرستیکه من از عذاب تو ترسانم و بتو
مستجير رب لا تبدل اسمي ولا تغير جسمي رب لا تجهد بلائي اللهم
امید وارم پروردگارا بدل مکن اسم مرا و تغییر مده جسم مرا پروردگارا جهد مکن در بلای من خداوندا
اني اعوذ بعفوك من عقوبتك واعوذ برضاك من سخطك واعوذ
بدرستی من پناه میبرم بخشش تو از عقوبت تو و پناه میبرم برضای تو از قهر تو و پناه میبرم
برحمتك من عذابك واعوذ بك منك لا اله الا انت جل ثناؤك
برحمت تو از عذاب تو و پناه میبرم بتو از تو نیست خداوندی مگر تو بزرگست ثنای تو
ولا احصي مدحتك ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك وفوق ما
و شمرده نمیشود مدح اوصاف تو و نیست ثنائی بر تو تو چنانچه بر نفس تو و بلندتر از انچه
يقول القائلون رب صل على محمد وال محمد وافعل بي كذا وكذا و بجای افعل بي
گویند گویندگان پروردگارا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بکن برای من این و این کذا و کذا
حاجت خود را یاد کند و اگر این نماز را با پنجاه مرتبه قل هو الله احد بعمل اورد موافق
میشود با نماز حضرت امیر المؤمنین ع و در فضیلت ان احادیث بسیار است و بسند معتبر
از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که شب نیمه شعبان بهترین شبهاست بعد از شب قدر

وحق تعالی فضل خود را در این شب بر بندگان عطا می نماید و باحسان خود
گناهان ایشان را می آمرزد پس سعی کنید در عبادت در این شب که این
شبی است که حق تعالی بذات مقدس خود سوگند یاد کرده است که سائلی را از درگاه
خود رد نکند مگر معصیتی را از خدا طلب نماید و این شب را خدا برای
ما اهل بیت قرار داده است بازای شب قدر که از برای پیغمبر ما قرار داده است
پس اهتمام نمائید در این شب در دعا و ثنا کردن بر خدا بدرستی که هر که در این
شب صد مرتبه سبحان الله و صد مرتبه الحمد لله و صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه
لا اله الا الله بگوید حق تعالی گناهان گذشته او را بیامرزد و حاجتهای
دنیا و آخرت او را بر آورد خواه طلب نماید و خواه طلب ننماید راوی پرسید
که بهترین دعاها در این شب کدام است فرمود که بعد از نماز خفتن دو رکعت
نماز بکن و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم
سوره قل هو الله احد بخوان و بعد از سلام سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه
الحمد لله و سی و چهار مرتبه الله اکبر بگوید و اگر بترتیب تسبیح حضرت فاطمه
صلوات الله علیها بخواند ظاهرا خوب باشد پس این دعا بخوان یا من الیه
مَلجاءُ العِبادِ فی المُهِمّاتِ وَاِلَیهِ یَفزَعُ الخَلقُ فِی المُلِمّاتِ ای آنکه بسوی اوست
پناه بردن بندگان در کارهای سخت و بسوی اوست استغاثه نماینده آفریدگان در بلاهائی که نازل شود
یا عالِمَ الجَهرِ
وَالخَفِیّاتِ یا مَن لا یَخفی عَلَیهِ خَواطِرُ الاَوهامِ وَتَصَرُّفُ ای دانای آشکار
و پنهان ای آنکه پوشیده نیست بر او اندیشهای وهمها و گردش خیالات ای
الخَطَراتِ یا
رَبَّ الخَلائِقِ وَالبَرِیّاتِ یا مَن بِیَدِهِ مَلَکُوتُ الاَرَضینَ
پروردگار خلایق و آفریدگان ای آنکه بدست اوست پادشاهی زمین ها

والسموات

٦٥
وَالسَّمواتِ اَنتَ اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ امَنتُ اِلَیکَ بِلا اِلهَ اِلّا اَنتَ فَیا
و آسمانها توئی خدائی که نیست خدائی مگر تو ایمان آوردم بتو بکلمه لا اله الا انت پس ای آنکه
لا اِلهَ اِلّا اَنتَ اجعَلنی فی هذِهِ اللَّیلَةِ مِمَّن نَظَرتَ اِلَیهِ فَرَحِمتَهُ وَسَمِعتَ
نیست خدائی مگر تو بگردان مرا در این شب از آنکه نظر افکندی بسوی او پس رحم کردی او را و شنیدی
دُعاءَهُ فَاَجَبتَهُ وَعَلِمتَ استِقالَتَهُ فَاَقَلتَهُ وَتَجاوَزتَ عَن سالِفِ
دعای او را پس اجابت کردی و دانستی طلب درگذشتن او را پس درگذشتی از او و تجاوز فرمودی از گناهان گذشته او
خَطیئَتِهِ وَعَظیمِ جَریرَتِهِ فَقَدِ استَجَرتُ بِکَ مِن ذُنُوبی وَلَجَأتُ
و گناه بزرگ او پس بتحقیق امان خواسته ام بتو از گناهان خود و پناه آورده ام
اِلَیکَ فی سَترِ عُیُوبی اَللّهُمَّ فَجُد عَلَیَّ بِکَرَمِکَ وَفَضلِکَ وَاحطُط
بسوی تو در پوشانیدن عیبهای من خداوندا پس بخشش کن بر من بکرم خود و فضل خود و فرو بریز
خَطایایَ بِحِلمِکَ وَعَفوِکَ وَتَغَمَّدنی فی هذِهِ اللَّیلَةِ بِسابِغِ کَرامَتِکَ
گناهان مرا ببردباری خود و درگذشتن خود و بپوشان مرا در این شب بنوازش کامل خود
وَاجعَلنی فیها مِن اَولِیائِکَ الَّذینَ اجتَبَیتَهُم لِطاعَتِکَ وَاختَرتَهُم
و بگردان مرا در این شب از دوستان خود که برگزیدی ایشان را برای طاعت خود و اختیار کردی ایشان را
لِعِبادَتِکَ وَجَعَلتَهُم خالِصَتَکَ وَصَفوَتَکَ اَللّهُمَّ اجعَلنی مِمَّن سَعِدَ
برای عبادت خود و گردانیدی ایشان را خالص خود و برگزیده خود خداوندا بگردان مرا از آنچه نیکو شده
جَدُّهُ وَتَوَفَّرَ مِنَ الخَیراتِ حَظُّهُ وَاجعَلنی مِمَّن سَلِمَ فَنَعِمَ وَفازَ فَغَنِمَ
بخت او و وافر گشته از نیکی بهره او و بگردان مرا از آنانکه سلامتی یافتند پس برخوردار شدند پس فیروزی یافتند پس غنیمت یافتند
وَاکفِنی شَرَّ ما اَسلَفتُ وَاعصِمنی مِنَ الاِزدِیادِ فی مَعصِیَتِکَ
و دفع کن از من گزند آنچه پیش داشته ام و نگاهدار مرا از زیادتی نمودن در نافرمانی تو

عا

و نزدیک گرداند مرا بتو

وحبب الی طاعتك وما یقربنی منك ویزلفنی عندك سیدی الیك

ودوست گردان بسوی من فرمانبرداری خود را وانچه را نزدیک گرداند مرا بتو نزد تو آقای من بسوی تو

ملجأ الهارب ومنك ملتمس الطالب وعلی کرمك یعول المستقیل

پناه آوردن گریزنده واز توست درخواستن هر طلب کننده و بر بزرگواری وکرم تو اعتماد میکند طلب عفو نماینده

التائب أدبت عبادك بالتکرم وانت اکرم الاکرمین وامرت

رجوع کننده ادب آموختی بندگان خود را ببزرگواری و توئی بزرگوارترین بزرگواران و فرمان دادی

بالعفو عبادك وانت الغفور الرحیم اللهم فلا تحرمنی ما رجوت من

بدرگذشتن بندگان خود و توئی بغایت آمرزنده مهربان خداوندا پس محروم مکن مرا در انچه امید داشته ام از

کرمك ولا تؤیسنی من سابغ نعمك ولا تخیبنی من جزیل قسمك فی

بزرگواری تو و نا امید مکن مرا از نعمتهای کامل خود و بی بهره مکن مرا از قسمتهای وافر خود در

هذه اللیلة لاهل طاعتك واجعلنی فی جنة من شرار بریتك رب

این شب از برای اهل طاعت خود وبگردان مرا در حفظ از بدان خلق خود پروردگار من

ان لم اکن من اهل ذلك فانت اهل الکرم والعفو والمغفرة وجد

اگر نبوده باشم من از اهل آن پس توئی اهل بزرگواری وبخشش وآمرزندگی وبخشش کن

علی بما انت اهله لا بما استحقه فقد حسن ظنی بك وتحقق رجائی

بر من انچه سزاوار توئی نه انچه من سزاوار باشم آنرا پس بتحقیق که نیکو است گمان من بتو و ثابت امید من

لك وعلقت نفسی بکرمك وانت ارحم الراحمین واکرم الاکرمین

بتو و در آویخته نفس من ببزرگواری تو و توئی رحم کننده ترین رحم کنندگان و بزرگوارترین بزرگواران

اللهم واخصصنی من کرمك بجزیل قسمك واعذنی بعفوك من

بارخدایا و مخصوص گردان مرا از کرم خود بوافر از قسمتهای خود و پناه ده مرا بدرگذشتن تو از

عقوبتك

عقوبتك واغفر لی الذنب الذی یحبس علی الخلق ویضیق علی الرزق

عقوبت تو وبیامرز برای من گناه آنچنانی را که باز میدارد بر من خلق را و تنگ میکند بر من روزی را

حتی اقوم بصالح رضاك وانعم بجزیل عطائك واسعد بسابغ نعمائك

تا اینکه برپا دارم شایسته خشنودی ترا و متنعم کن بوافر عطاهای تو ونیک بخت شوم بنعمت تمام کامل تو

فقد لذت بحرمك وتعرضت لکرمك واستعذت بعفوك من

پس بتحقیق که پناه آوردم بحرم تو و فرا پیش آمدم بزرگواری ترا و پناه جستم بخشش تو از

عقوبتك وبحلمك من غضبك فجد لی بما سألتك وانل ما التمست

عقوبت تو و ببردباری تو از غضب تو پس ببخش مرا انچه سؤال کردم ترا و انچه درخواستم و میخواهم

منك اسألك بك لا بشیء اعظم منك پس بسجده میروی ومیگویی یا رب

از تو سؤال میکنم از تو بوسیله تو نیست چیزی بزرگتر از تو

بیست مرتبه یا الله هفت مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله ده مرتبه لا قوة الا

بالله ده مرتبه لا قوة الا بالله ده مرتبه پس صلوات بر محمد وال محمد بفرست

انچه خواهی وحاجت خود را از خدا بطلب و بخدا سوگند که اگر بعدد قطرات

باران حاجت بطلبی حق تعالی ترا بانها میرساند بکرم وفضل خود و بروایت

دیگر بعد از هفت مرتبه یا الله هفت مرتبه بگوید یا رب محمد و شیخ کفعمی است

پس بگو الهی تعرض فی هذا اللیل المتعرضون وقصدك القاصدون و

ای خدای من فرا پیش آمدند ترا در این شب فرا پیش آیندگان و قصد کردند ترا قصد کنندگان و

امل فضلك ومعروفك الطالبون ولك فی هذا اللیل نفحات وجوائز

آرزو نمودند فضل و احسان ترا و شناختند ترا طلب کنندگان و از برای تست در این شب عطیها و صلها

وعطایا ومواهب تمن بها علی من تشاء من عبادك وتمنعها من لم تسبق

و بخششها و بخشش میکنی با آنها و منت میگذاری بآنها بر هر که میخواهی از بندگان خود و منع میکنی از آن هر که پیشی نگرفته

عنی نعم

هو اعظم

هفت مرتبه لا قوة الا بالله

فسره

در قبول

لَدُ الْغِنَا يَتِرُ مِنْكَ وَهَا اَنَا ذَا عُبَيْدُكَ الْفَقِيرُ اِلَيْكَ الْمُؤَمِّلُ فَضْلَكَ وَ
ازان ور ... تو . واینک من بندهٔ حقیر محتاج توام بسوی تو امید وارم فضل ترا و

مَعْرُوفَكَ فَاِنْ كُنْتَ يَا مَوْلَايَ تَفَضَّلْتَ فِي هٰذِهِ اللَّيْلَةِ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ
احسان ترا پس اگر بوده باشی ای آقای من که بخشش نموده باشی در این شب بر یکی از

خَلْقِكَ وَعُدْتَ عَلَيْهِ بِعَائِدَةٍ مِنْ عَطْفِكَ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خلق خود و نفع رسانیده باشی بر او از مهربانی برحمت خود پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ الْخَيِّرِينَ الْفَاضِلِينَ وَجُدْ عَلَيَّ بِطَوْلِكَ وَ
در پاکان پاکیزگان نیکان زیادتی یافتگان و بخشش کن مرا بانعام خود و

مَعْرُوفِكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ
احسان تو ای پروردگار جهانیان و رحمت بر محمد آخر پیغمبران و آل او که پاکانند

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا اِنَّ اللّٰهَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَدْعُوكَ كَمَا اَمَرْتَ فَاسْتَجِبْ لِي
و درود فرست درود فرستادنی بدرستی که خدا ستوده بزرگوار است خداوندا بدرستیکه من دعا میکنم ترا چنانچه امر فرمودی پس مستجاب کن برای من

كَمَا وَعَدْتَ اِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ مؤلف گوید که این دعای بسیار خوب است
چنانکه وعده فرمودی بدرستیکه تو خلاف نمیکنی وعده را

و از دعاهای این شب است اما ظاهرا جزو آن عمل

سابق نیست و ابن بابویه از حضرت امام حسن مجتبی عم روایت کرده است که جبرئیل
بر حضرت رسول صم نازل شد و گفت یا محمد امت خود را امر کن که در شب نیمهٔ شعبان
ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه
سورهٔ قل هو الله بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اللّٰهُمَّ لَكَ سَجَدَ
بار خدایا مر ترا سجده کرد

سَوَادِي وَخَيَالِي وَبَيَاضِي يَا عَظِيمَ كُلِّ عَظِيمٍ اغْفِرْ لِي ذَنْبِيَ الْعَظِيمَ فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ
سیاهی من و ... من و سفیدی من ای بزرگ هر بزرگی بیامرز برای من گناه بزرگ مرا که بدرستیکه نمی آمرزد

غیرا

غَيْرُكَ يَا عَظِيمُ پس هر که این عمل را بجا آورد محو کند حق تعالی از او هفتاد و دو
غیر تو ای بزرگ مرتبه

هزار گناه را و مثل آن حسنه در نامهٔ عملش بنویسد و محو
کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را و نماز دیگر نماز یست که عامه
و خاصه از حضرت رسول صم روایت کرده اند که حضرت فرمود که شب
نیمهٔ شعبان در خواب بودم جبرئیل علیه السلام بر من نازل شد و گفت ای
محمد آیا بخواب میروی در این شب گفتم این چه شب است گفت شب نیمهٔ
شعبان است پس برخیزانید مرا و برد بسوی قبرستان بقیع و گفت سر
بلند کن بسوی آسمان بدرستی که این شبی است که درهای آسمان در این
شب گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خشنودی خدا
و درهای آمرزش گناهان و درهای فضل و احسان و درهای توبه و درگاه
نعمت و درگاه جود و بخشش و می آمرزد حق تعالی از بندگان در این شب
بعدد موهای چهارپایان و پشمهای ایشان ای محمد هر که احیاء کند این شب را بگفتن
اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ و نماز کردن و قرآن
خدا بزرگتر است و پاک و منزه است خدا و نیست سزاوار پرستش مگر خدا و همه حمد و ستایش مر خدا راست

خواندن و طلب آمرزش و استغفار نمودن بهشت در آخرت جای او باشد و گناهان
گذشته و آیندهٔ او آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت نماز بکند
هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و
چون از همه فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سورهٔ حمد بخواند و صد مرتبه
سبحان الله بگوید حق تعالی صد گناه کبیرهٔ هلاک کنندهٔ او را بیامرزد و بعدد
هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا کند و شفاعت او را قبول کند در صد
نفر از اهل خانهٔ او و خویشان او و شریک گرداند او را در ثواب شهیدان و ثواب دره و ثواب دارای انبیا

عبادت کنند کان اینماه را باو عطا کند بی انکه از ثواب انها چیزی کم شود پس
احیاء کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیاء کنند انرا و تقرب جویند
بسوی خدا بعبادت ان بدرستی که این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون
بنزد تو می امدم جمیع ملئکه اسمانها پاهای خود را صف کرده بودند و نزد خدا
بعبادت مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع بودند
و بعضی در سجود و بعضی مشغول بودند بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح
و بعضی باستغفار یا محمد بدرستی که حق تعالی در این شب نظر رحمت بسوی
بندکان می افکند و می امرزد هر مؤمن را که بنماز ایستاده باشد یا نشسته
مشغول بتسبیح باشد یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد
و این شبی است که هر که دعا کند البته دعایش مستجاب میشود و هر که سؤال کند
باو عطا کرده میشود و هر که استغفار کند امرزیده میشود و هر که توبه کند
توبه اش مقبول میکردد محروم کسی است که از خیر این شب محروم کردد و از
حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هر که در شب نیمه شعبان صد رکعت
نماز کند با هزار مرتبه قل هو الله یعنی در هر رکعت ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزی
که دلها از ترس مرده باشد و نمیرد تا انکه صد ملک را ببیند که او را ایمن کردانند
از عذاب الهی سی نفر ایشان بشارت دهند او را به بهشت و سی نفر انها باشند که
در دنیا او را از شر شیطان نکاه میداشتند و سی نفر انها باشند که در شب و روز
برای او استغفار میکردند در ساعات شب و روز و ده نفر که او را حفظ میکردند
از شر دشمنان و منقول است که حضرت رسول صلی الله علیه و آله در این شب
این دعا را میخواندند اَللّٰهُمَّ اقْسِمْ لَنا مِنْ خَشْيَتِكَ ما يَحُولُ بَيْنَنا وَبَيْنَ
بارخدایا قسمت کن برای ما از ترس خود وانچه حایل شود میان ما و میان

معصیتک

نافرمانی تو و از فرمانبرداری تو انچه برساند ما را بان از خشنودی تو و از یقین انچه آسان شود بر ما بسبب
مَعْصِيَتِكَ وَمِنْ طاعَتِكَ ما تُبَلِّغُنا بِهِ رِضْوانَكَ وَمِنَ الْيَقِينِ ما يُهَوِّنُ عَلَيْنا بِهِ
مُصِيباتِ الدُّنْيا اَللّٰهُمَّ مَتِّعْنا بِاَسْماعِنا وَاَبْصارِنا وَقُوَّتِنا ما اَحْيَيْتَنا وَاجْعَلْهُ
الْوارِثَ مِنّا وَاجْعَلْ ثارَنا عَلى مَنْ ظَلَمَنا وَانْصُرْنا عَلى مَنْ عادانا وَلا تَجْعَلْ مُصِيبَتَنا فِي دِينِنا
وَلا تَجْعَلِ الدُّنْيا اَكْبَرَ هَمِّنا وَلا مَبْلَغَ عِلْمِنا وَلا تُسَلِّطْ عَلَيْنا مَنْ لا يَرْحَمُنا بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ
الرّاحِمِينَ و این دعای جامع کاملیست و متضمن جمیع مطالب دنیا و اخرت هست
و چون دعای کمیل بن زیاد که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است
بهترین دعاهاست و از دعاهای این شب است و در اوقات دیکر نیز میتوان خواندن با ترجمه
در اینجا ایراد مینماید که در وقت خواندن متذکر معانی آن باشند تا فایده اش تمام
تر و ثوابش عظیم تر باشد بدانکه سید جلیل ابن طاوس در کتاب اقبال روایت کرده است
که کمیل بن زیاد کفت روزی با حضرت امیر المؤمنین ع در مسجد بصره نشسته بودم
شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده که آنشب را بعبادت احیا کند
و دعای حضرت خضر ع در آنشب بخواند البته دعای او مستجاب کردد چون حضرت بمنزل
مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کمیل کفتم
یا امیر المؤمنین بطلب دعای خضر ع فرمود که بنشین ای کمیل چون این دعا را حفظ نمائی
در هر شب جمعه یا در هر ماهی یا در سالی یکمرتبه یا در عمر خود یکمرتبه بخوان یا
کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی و روزی داده شوی و البته
آمرزیده شوی ای کمیل طول صحبت و خدمت تو موجب آن شد که تو را باین نعمت سرافراز
کردانم پس فرمود که بنویس و دعا را تلقین من نمود

دعا

وهذا اینست بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك برحمتك التی وسعت

بنام خدای بخشاینده مهربان خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو برحمت تو آن رحمتی که فرا گرفته است

کل شیء وبقوتك التی قهرت بها کل شیء وخضع لها کل شیء وبجبروتك

هر چیز را وبتوانائی قهر کرده بآن هر چیز را وخاضع ومنقاد گردیده برای آن هر چیز وبجبروتی تو

التی غلبت بها کل شیء وبعزتك التی لا یقوم لها شیء وبعظمتك التی

که غالب گردیده بآن بر هر چیزی وبعزت تو که نمی ایستد در برابر آن چیزی وبزرگی تو که

ملات کل شیء وبسلطانك الذی علا کل شیء وبوجهك الباقی

پر کرده است هر چیز را وبپادشاهی تو که بر همه زبر تر است هر چیز را وبذات مقدس تو که باقیست

بعد فناء کل شیء وباسمائك التی ملات ارکان کل شیء وبعلمك

بعد از فانی شدن هر چیز وبنامهای تو که پر کرده اند اجزا وارکان هر چیز را وبدانش تو

الذی احاط بکل شیء وبنور وجهك الذی اضاء له کل

که فرا گرفته است هر چیز را وبنور ذات تو که روشن شده است برای آن هر

شیء یا نور یا قدوس یا اول الاولین ویا اخر الاخرین اللهم

چیز ای هویدا ای بسیار منزه از بدیها ای پیشتر از پیشینیان وای پس تر از پسینیان خداوندا

اغفر لی الذنوب التی تهتك العصم اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل النقم

بیامرز برای من گناهی را که میدرد پردهای عصمت را خداوندا بیامرز برای من گناهی را که فرود می آورد او عذاب را

اللهم اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم اللهم اغفر لی الذنوب التی

[illegible]

تحبس الدعاء اللهم اغفر لی الذنوب التی تنزل البلاء اللهم اغفر لی

حبس میکند دعا را خداوندا بیامرز برای من گناهی را که فرود می آورد بلا را خداوندا بیامرز برای من

جبس دعا آفت که نگذارد مستجاب شود متن

کل ذنب اذنبته وکل خطیئة اخطأتها اللهم انی اتقرب الیك

هر گناهی که کرده ام وهر خطائی که بنادانی بجا آورده ام خداوندا من تقرب میجویم بسوی تو

بذکرك واستشفع بك الی نفسك واسألك بجودك ان تدنینی

بیاد کردن تو وشفیع میگردانم تورا بسوی تو وسوال میکنم از تو بسبب بخشش تو که نزدیک گردانی

من قربك وان توزعنی شکرك وان تلهمنی ذکرك اللهم انی اسألك

بقرب خود و توفیق دهی مرا برای شکر خود والهام نمائی مرا بذکر خود خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم از تو

سؤال متذلل خاشع ان تسامحنی وترحمنی وتجعلنی بقسمك راضیا

مانند سوال کسی که متذلل [illegible] بآنکه بامن مسامحه نمائی ورحم کنی مرا وبگردانی مرا بقسمت خود که بر من کرده خوشنود

خاضع که با تضرع [illegible] فروتنی کننده

قانعا وفی جمیع الاحوال متواضعا اللهم واسألك سؤال من اشتدت

وقناعت کننده ودر جمیع احوال تواضع کننده خداوندا سوال میکنم از تو سوال کسی که سخت شده است

فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فیما عندك رغبته

فقر او وفرود آورده است بتو نزد سختیها حاجت خود را وبزرگ شده است در آنچه نزد تو است خواهش او

اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفی مكرك وظهر امرك وغلب

خداوندا بزرگست پادشاهی تو وبلندست مکان تو ومنزلت تو وپنهانست مکر تو وهویداست امر تو وغالب

قهرك وجرت قدرتك ولا یمكن الفرار من حكومتك اللهم لا اجد

قهر تو وجاریست قدرت تو وممکن نیست گریختن از حکومت تو خداوندا نمی یابم

[illegible]

لِذُنُوبِي غَافِرًا وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا

غَيْرَكَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ظَلَمْتُ نَفْسِي وَتَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَمَنِّكَ عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ

وَكَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ وَكَمْ مِنْ عِثَارٍ وَقَيْتَهُ وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ

وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي وَأَفْرَطَ بِي

سُوءُ حَالِي وَقَصُرَتْ بِي أَعْمَالِي وَقَعَدَتْ بِي أَغْلَالِي وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ

أَمَلِي وَخَدَعَتْنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا وَمِطَالِي يَا سَيِّدِي فَأَسْأَلُكَ

بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ عَمَلِي وَفِعَالِي وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا

اطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَى مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ

سُوءِ فِعْلِي وَإِسَاءَتِي وَدَوَامِ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي وَكَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي

وكن

وَكُنِ اللّٰهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي الْأَحْوَالِ كُلِّهَا رَؤُوفًا وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا

إِلٰهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي إِلٰهِي وَمَوْلَايَ

أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ

عَدُوِّي فَغَرَّنِي بِمَا أَهْوَى وَأَسْعَدَهُ عَلَى ذٰلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى

عَلَيَّ مِنْ ذٰلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوَامِرِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي

جَمِيعِ ذٰلِكَ وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ وَأَلْزَمَنِي حُكْمُكَ

وَبَلَاؤُكَ وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَإِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي مُعْتَذِرًا نَادِمًا

مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لَا أَجِدُ مَفَرًّا مِمَّا كَانَ

مِنِّي وَلَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي

سَعَةٍ مِنْ رَحْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَفُكَّنِي مِنْ شَدِّ

ومناجاتي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي

بيمانم پروردگارا رحم كن ضعف بدن مرا و تنكى پوست مرا و باريكى استخوان مرا اى انكه ابتدا آفريدن مرا

وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك

و ياد كردن مرا و تربيت كردن مرا و غذا دادن مرا ببخش مرا از براى ابتداء كرم خود و براى نيكيهاى پيشتر تو

بي يا الهي وسيدي وربي أتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد

بمن گردان اى خداى من و آقاى من و پروردگار من آيا مى بينم ترا كه عذاب كنى مرا بآتش خود بعد از يكانكى تو و بعد از

ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك واعتقده

انكه پيچيده شده است براو دل من از شناختن تو و گويا شده است بآن زبان من از ياد تو و محكم كرده است آنرا

ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات

دل من از دوستى تو و بعد از راستى اعتراف من بگناه و دعاى من از روى فروتنى براى پروردگارى تو دور است اين

انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او تشرد من

تو كريم ترى از انكه ضايع گردانى كسى را كه خود تربيت كرده او را يا دور گردانى كسى را كه خود نزديك كرده او را يا برانى كسى را كه

آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري يا سيدي و

خود جا داده او را يا بگذارى بسوى بلا كسى را كه كفايت نموده او را و رحم كرده او را كاش ميدانستم اى بزرگ من و

الهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك ساجدة وعلى السن

خداى من و آقاى من آيا مسلط ميكنى آتش را بر رويها كه در افتاده اند نزد عظمت تو سجده كنندگان و بر زبانها

نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت بالهيتك

كه گويا شده اند بيكانگى تو براستى و بشكر تو مدح كويان و بر دلها كه اعتراف كرده اند بخدائى تو

محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جوارح

از روى يقين و بر خاطرها كه احاطه كرده اند از دانائى بتو تا آنكه گرديده اند با خشوع و بر عضوها چند

كه سعى

سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة

كه سعى كرده اند بجايگاههاى عبادت تو بطوع و رغبت و اشارت كرده اند بطلب آمرزش از تو از روى اذعان

ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت

نيست چنين گمان بتو و چنين خبر داده نشده ايم بفضل تو از تو اى صاحب كرم اى پروردگار من و تو

تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره

ميدانى ناتوانى مرا از اندكى از بلاهاى دنيا و عقوبتهاى آن و آنچه جارى ميشود در آن از مكروهات

على اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير

بر اهل آن با آنكه اين بلا و ناخوشيست كه اندك است ماندن آن و كم است بقاى آن و كوتاه است

مدته فكيف احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو

مدت آن پس چگونه است تاب آوردن من بلاى آخرت و بزرگ واقع شدن ناخوشيها كه در آن ميباشد و آن

بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون

طولانى است مدت آن و دائم است اقامت آن و سبك نميشود از اهل آن زيرا كه آن نميباشد

الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات

مگر از غضب تو و انتقام كشيدن تو و خشم تو و چنين امريست كه تاب نمى آورند در برابر آن آسمانها

والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير

و زمين اى آقاى من پس چگونه من تاب آورم و حال آنكه من بنده تو ام ناتوان و خوار و بيقدر

المسكين المستكين يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور

بيچاره و شكستگى كننده اى خداى من و پروردگار من و سيد من و آقاى من براى كدام يك از امور

اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول

بسوى تو شكايت كنم و براى كدام يك فرياد كنم و گريه كنم آيا براى عذاب دردناك و سختى آن يا براى دراز

الْبَلاءِ وَمُدَّتِهِ فَلَئِنْ صَيَّرْتَنِي فِي الْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ

بلا، و مدت آن پس اگر نگردانی مرا در عقوبتها با دشمنان خود و جمع کنی میان من و میان

أَهْلِ بَلائِكَ وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَائِكَ فَهَبْنِي يَا إِلٰهِي وَسَيِّدِي

اهل بلای خود و جدا افکنی میان من و میان دوستان خود و اولیای خود بس بخش مرا ای خداوند من و آقای من

وَمَوْلايَ وَرَبِّي صَبَرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَهَبْنِي صَبَرْتُ

و آقای من و پروردگار من صبر کردم بر عذاب تو پس چگونه صبر کنم بر مفارقت تو و بخش مرا صبر کردم

عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي

بر گرمی آتش تو پس چگونه صبر کنم بر محرومی از نظر داشتن بسوی کرم تو و چگونه ساکن شوم در آتش و حال آنکه امید من

عَفْوُكَ فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلايَ أُقْسِمُ صَادِقًا لَئِنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا لَأَضِجَّنَّ

که عفو کنی پس بعزت تو ای آقای من و صاحب من قسم میخورم براستی که اگر واگذاری مرا گویا هر آینه فریاد بر آورم

إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْآمِلِينَ وَلَأَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ وَلَأَبْكِيَنَّ

بسوی تو میان اهل جهنم خروش امیدواران و ناله کنم بسوی تو ناله استغاثه کنندگان و بگریم

عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَلَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ يَا غَايَةَ آمَالِ

بر دوری از رحمت تو و لطف تو گریستن [illegible] و البته که فریاد بر آورم که کجایی ای دوست مؤمنان ای نهایت آرزوهای

الْعَارِفِينَ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَيَا إِلٰهَ الْعَالَمِينَ

عارفان ای فریادرس بیچارگان ای دوست دلهای راست گویان و ای خداوند عالمیان

أَفَتُرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلٰهِي وَبِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ

یا فته توئی تنزیه میکنم تورا ای خداوند [illegible] بنده مسلمانی که در زندان کرده شده

وَذَاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَتِهِ وَحُبِسَ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ يَضِجُّ

[illegible] و بند کرده شده او را در میان طبقها بجرم او و خیانت او و او خروش کند

الیک

إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

بسوی تو مثل خروش کسی که امیدوار از رحمت تو باشد و ندا کند تورا بزبان یگانه پرستان و توسل جوید بتو به پروردگاری تو

يَا مَوْلايَ فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ وَرَأْفَتِكَ

ای آقا، پس چگونه باقی میماند در عذاب و حال آنکه امید دارد آنچه پیش رفته است از بردباری تو و مهربانی تو

وَرَحْمَتِكَ أَمْ كَيْفَ تُؤْلِمُهُ النَّارُ وَهُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ

و رحم کردن تو یا چگونه او را بدرد آورد آتش و او امید دارد فضل تورا و رحمت تورا آیا چگونه بسوزد او را

لَهِيبُهَا وَأَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ

زبانه آتش و تو میشنوی صدای او را و می بینی جای او را یا چگونه مشتمل شود بر او زبانهای صلب صدای آن و تو دانایی

ضَعْفَهُ أَمْ كَيْفَ يَتَغَلْغَلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَتُهَا

ناتوانی او را یا چگونه مضطرب باشد در میان طبقات جهنم و تو دانایی براستی گویی او را یا چگونه زجر نماید او را زبانیه جهنم

وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَتْرُكُهُ فِيهَا هَيْهَاتَ

و حال آنکه او ندا کند تورا ای پروردگار من آیا چگونه امید دارد فضل تو در آزاد کردن او از جهنم پس او را واگذاشته [illegible]

مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَلَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ وَلَا مُشْبِهٌ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ

ایمان چنین است گمان تو و نشناخته است از فضل تو و نه مشابه است بآنچه معامله کردی با یگانه پرستان

مِنْ بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِيكَ

از نیکی تو و احسان تو پس بیقین قطع دارم که اگر نه آن بود که حکم کرده که عذاب کنی بدان منکران خدایی تو را

وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَسَلامًا وَمَا

و مقرر کرده که همیشه در جهنم بداری معاندان خود را همه هر آینه میگردانیدی آتش را برد و سلامت و نه

كَانَتْ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَلَا مُقَامًا لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ

بود احدی را در آن محل قرار و نه جای اقامت لیکن تو مقدس است نامهای تو قسم یاد کرده که

تملأها من الكافرين من الجنة والناس أجمعين وأن تخلد فيها المعاندين وأنت

پر کنی جهنم را از کافران از جنیان و مردمان همه و آنکه همیشه بداری در آن معاندان را و تو ای که

جل ثناؤك قلت مبتدئاً وتطولت بالإنعام متكرماً أفمن كان مؤمناً كمن كان

بزرگست ستایش تو گفته ابتدا کننده و بخشش کرده بنعمت دادن کرم کننده بانکه گفته آیا بود مؤمن مانند آنکه بود

فاسقاً لا يستوون إلهي وسيدي فأسألك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية

فاسق مساوی نیستند ای آقای من و آقای من پس سؤال میکنم بتقدیری که مقدر کرده آنرا و بحکمی که

التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه أجريتها أن تهب لي في هذه الليلة

حتم کرده آنرا و حکم کرده بر آن و غالب شده بر کسی که آن حکم بر او جاری کرده آنکه ببخشی بمن در این شب

وفي هذه الساعة كل جرم أجرمته وكل ذنب أذنبته وكل قبيح أسررته

و در این ساعت هر جرمی که کسب کرده ام و هر گناهی که مرتکب آن شده ام و هر کار بدی که پنهانی کرده ام

وكل جهل عملته كتمته أو أعلنته أخفيته أو أظهرته وكل سيئة أمرت

و هر نادانی که بعمل آورده ام آنرا خواه پنهان و خواه آشکار و خواه مخفی کرده باشم و خواه هویدا و هر بدی که امر کرده بنوشتن

بإثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم

بنوشتن آن بزرگواران نویسندگان را که موکل کردانیده آنها که حفظ کنند آنچه صادر میشود از من و گردانیده ای آنها را

شهوداً علي مع جوارحي وكنت أنت الرقيب علي من ورائهم والشاهد لما

گواهان بر من با جوارح من و میباشی تو حافظ بر من بغیر از ایشان و گواه بر آنچه پنهان است

خفي عنهم وبرحمتك أخفيته وبفضلك سترته وأن توفر حظي من كل

پنهان از ایشان و برحمت خود پنهان کرده آنرا و بفضل خود پوشانیده آنرا و آنکه فراوان کردانیدی بهره مرا از

خير تنزله أو إحسان تفضله أو بر تنشره أو رزق تبسطه أو ذنب

نیکی که فرو فرستاده آنرا یا احسانی که تفضل نمایی بان یا نیکوئی که پهن کنی آنرا یا روزی که گشایش دهی آنرا یا گناهی که

تغفره

تغفره أو خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا إلهي وسيدي ومولاي ومالك

بیامرزی آنرا یا خطائی که بپوشانی آنرا ای پروردگار من ای خدای من و آقای من و صاحب اختیار من و مالک

رقي يا من بيده ناصيتي يا عليماً بضري ومسكنتي يا خبيراً بفقري وفاقتي

بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیش سر من ای آگاه بید حالی من و بیچارگی من ای مطلع بفقر من و بیچارگی من

يا رب يا رب يا رب أسألك بحقك وقدسك وأعظم صفاتك وأسمائك

سؤال میکنم از تو بحق تو و پاکی تو و بزرگترین صفات تو و نامهای تو

أن تجعل أوقاتي في الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة

آنکه بگردانی اوقات مرا در شب و روز بیاد خود آبادان و بخدمت تو پیوسته

وأعمالي عندك مقبولة حتى تكون أعمالي وأورادي كلها ورداً واحداً و

و اعمال مرا نزد خود پسندیده تا آنکه بوده باشد کارهای من و اوراد من همه یک ورد و

حالي في خدمتك سرمداً يا سيدي يا من عليه معولي يا من إليه شكوت

حال من در خدمت تو پیوسته و همیشه ای آقای من ای آنکه بر اوست اعتماد من ای آنکه بسوی او شکایت

أحوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على

احوال خود را ای پروردگار من توانا گردان بر خدمت خود اعضای مرا و سخت گردان بر

العزيمة جوانحي وهب لي الجد في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك

عزم بندگی خود دل مرا و ببخش مرا جد در ترس خود و مداومت در متصل بودن در خدمت تو

حتى أسرح إليك في ميادين السابقين وأسرع إليك في البادرين و

تا روان شوم بسوی تو در میدانهای پیش روان و تند روم بسوی تو در پیشی گیرندگان

أشتاق إلى قربك في المشتاقين وأدنو منك دنو المخلصين وأخافك

مشتاق گردم بسوی قرب تو در میان مشتاقان و نزدیک شوم بتو نزدیک شدن مخلصان و بترسم از تو

مخافة المؤمنين واجمع بيني وبينك في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني
ترس لشكر صاحبان يقين وگرد آور ميان من و تو در رحمت نزديكي قرب تو با مومنان خداوندا خداوندا وهر كه اراده كند مرا
بسوء فارده ومن كادني فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا
ببدي پس تو اراده كن اورا وهر كه مكر كند مرا ببدي پس تو بر گردان مكر اورا وبگردان مرا از نيكوترين بندگان خود در بهره
عندك واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال
نزد تو ونزديك ترين ايشان در منزلت نسبت بتو ومخصوص ترين ايشان در قرب نزد تو زيرا كه نميتوان رسيد
ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك واحفظني
بآن مرتبه مگر بفضل تو وببخش برمن بجود خود ومهرباني كن برمن ببزرگواري خود ونگاه دار مرا
برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي
برحمت خود وبگردان زبان مرا بياد خود گويا ودل مرا بدوستي خود بي تاب ومنت بر من نه
خلقك نز
بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر زلتي فانك قضيت على عبادك
بنيكي اجابت خود ودر گذر از لغزش من وبيامرز گناه مرا بدرستي كه تو حكم كردي بر بندگان خود
بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب
ببندگي خود وامر كردۀ ايشان را بدعاي خود وضامن شدۀ براي ايشان مستجاب كردن را پس بسوي تو اي پروردگار
نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي
باز داشته ام روي خود را وبسوي پروردگار كشيده ام دست خود را پس بعزت تو سوگند ميدهم كه مستجاب كن براي من دعاي مرا
وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس
وبرسان مرا بآرزوي خود وقطع مكن از فضل خود اميد مرا ودفع كن از من بدي جنيان وآدميان
من اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال
از دشمنان من اي زود خشنود شونده بيامرز كسي را كه از دست او نمي آيد بجز دعا پس بدرستي كه تو بجا آورنده

لما

لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس
انچه را خواهي اي آنكه نام او دواي دردها است وياد او شفاي بيماريها است وفرمانبرداري او سبب توانگري است رحم كن كسي را كه
مال الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور
مايه اميد وملكيت وحربه آتش گريه است اي صاحب نعمت كامل اي دفع كننده عذابها اي روشنائي
المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وال محمد وافعل
وحشت يافتگان در تاريكيها اي دانائي كه دانا نيست درود فرست بر محمد وآل محمد وبكن بمن
بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من اله وسلم
انچه تو سزاوار آني ودرود فرستاد خدا بر رسول خود وپيشوايان صاحب يمن كه آل او ايند
تسليما **فصل پنجم** در اعمال بقيه ماه است از حضرت امام رضا ع
سلام فراوان
منقول است كه هر كه سه روز از آخر ماه شعبان روزه بدارد وبماه مبارك
رمضان وصل كند حق تعالى ثواب روزه دو ماه متوالي براي او بنويسد وابو
الصلت هروي روايت كرده است كه در جمعه آخر ماه شعبان بخدمت حضرت
امام رضا ع رفتم حضرت فرمود كه اي ابو الصلت اكثر ماه شعبان رفت
واين جمعه آخر است پس تدارك وتلافي كن در انچه از اين ماه مانده است
تقصيرها را كه در ايام گذشته اين ماه كرده وبر تو باد كه رو آوري بر انچه نافع
است براي تو در آخرت ودعا واستغفار بسيار بكن وتلاوت قرآن مجيد
بسيار بكن وتوبه كن بسوي حق تعالى از گناهان خود تا آنكه چون ماه مبارك
در آيد خالص گردانيده باشي خود را از براي خدا ومگذار در گردن خود
امانت وحق كسي را مگر آنكه ادا كني ومگذار در دل خود كينه كسي را مگر آنكه
بيرون كني ومگذار گناهي را كه ميكردۀ مگر آنكه ترك كني واز خدا بترس

وتوکل کن بر خدا در پنهان و اشکار امور خود و هر که بر خدا توکل کند خدا بس است

او را و بسیار بخوان در بقیه ایماه این دعا را اللّهمّ ان لم تکن غفرت لنا

فیما مضی من شعبان فاغفر لنا فیما بقی منه بار خدایا اگر نبوده باشی که آمرزیده باشی ما را

در آنچه گذشته است از شعبان پس بیامرز ما را در آنچه باقی مانده از آن بدرستی که حق تعالی آزاد میکند در

ایماه بندهای بسیار از آتش جهنم برای حرمت ماه مبارک رمضان و بسند بسیار

معتبر منقول است که حضرت صادق عم در شب آخر ماه شعبان و شب اول رمضان

این دعا میخواندند اللّهمّ انّ هذا الشهر المبارک الذی انزلت فیه القرآن

بار خدایا بدرستی که اینماه با برکت که فرو فرستادی در آن قرآنرا

وجعلته هدًی للنّاس وبیّنات من الهدی والفرقان قد حضر

و گردانیدی آنرا هدایت برای مردمان و دلیلهای روشن از هدایت و فرق کننده میان حق و باطل بتحقیق حاضر شده

فسلّمنا فیه وسلّمه لنا وتسلّمه منّا فی یسر منک وعافیة یا من اخذ

پس سالم دار ما را در آن و سالم دار آنرا برای ما و سالم دار آنرا از ما و حال آنکه بوده باشیم در آسانی از جانب تو و عافیت ای آنکه فرا گرفته

القلیل وشکر الکثیر اقبل منّی الیسیر اللّهمّ انّی اسألک ان تجعل

عمل اندک را و جزا داده یا داشتی بسیار بپذیر از من عمل اندک را بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم ترا اینکه بگردانی

لی الی کلّ خیر سبیلاً ومن کلّ ما لا تحبّ مانعاً یا ارحم الرّاحمین

برای من بسوی هر نیکی راهی و از هر چه دوست نداری بازدارنده ای بخشنده ترین بخشندگان

یا من عفا عنّی وعمّا خلوت به من السّیّئات یا من لم یؤاخذنی بارتکاب

ای آنکه درگذشته از من و از آنچه خلوت داشتم آنرا از بدیها ای آنکه مؤاخذه نکردی ما را بمرتکب شدن

المعاصی عفوک عفوک یا کریم الهی وعظتنی فلم اتّعظ و

نافرمانیها درگذر از من بدرگذشتن خود ای بزرگوار ای خدای من پند دادی مرا پس پند نگرفتم و

زجرتنی عن محارمک فلم انزجر فما عذری فاعف عنّی یا کریم

منع کردی مرا از محرمات خود پس ممنوع نگشتم پس چیست عذر من پس درگذر از من ای بزرگوار

عفوک عفوک اللّهمّ انّی اسألک الرّاحة عند الموت والعفو عند

بدرگذشتن خود بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو آسایش را نزد مردن و درگذشتن را نزد

الحساب عظم الذّنب من عبدک فلیحسن العفو من عندک یا اهل

حساب بزرگست گناه از بندهٔ تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از نزد تو ای سزاوار

التّقوی ویا اهل المغفرة عفوک عفوک اللّهمّ انّی عبدک ابن

پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزش درگذر بدرگذشتن خود خداوندا بدرستی که من بندهٔ تو پسر

عبدک ابن امتک ضعیف فقیر الی رحمتک وانت منزل الغنی والبرکة

بندهٔ تو پسر کنیز توام ناتوانم محتاجم بسوی رحمت تو و تو فرود آورندهٔ بی‌نیازی و برکتی

علی العباد قاهر مقتدر احصیت اعمالهم وقسمت ارزاقهم و

بر بندگان غالبی توانائی شمردی کردارهای ایشانرا و قسمت کردی روزیهای ایشانرا و

جعلتهم مختلفة السنتهم والوانهم خلقاً من بعد خلق لا یعلم العباد

گردانیدی ایشانرا ناموافق زبانهای ایشانرا و رنگهای ایشان آفریدی ایشانرا پس از آفریدنی نداند بندگان

علمک ولا یقدر العباد قدرتک وکلّنا فقراء الی رحمتک

دانش ترا و طاقت ندارند بندگان قدرت ترا و همهٔ ما محتاجانیم بسوی رحمت تو

فلا تصرف عنّی وجهک واجعلنی من صالح خلقک فی العمل والامل

پس بگردان از من روی خود را و بگردان مرا از شایستهٔ خلق خود در کردار و امید

والقضاء والقدر الهی ابقنی خیر البقاء وافننی خیر الفناء علی

و در حکم خود و اندازه کردن خود خدای من باقی دار مرا بهترین باقی داشتن و فانی کن مرا بهترین فانی بر

مُوالاةِ اَولِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعدائِكَ وَالرَّغبَةِ اِلَيكَ وَالرَّهبَةِ مِنكَ
دوست داشتن دوستان تو و دشمن داشتن دشمنان تو و خواهشمندی بسوی تو و ترس داشتن از تو
وَالخُشوعِ وَالوَفاءِ وَالتَّسليمِ لَكَ وَالتَّصديقِ بِكِتابِكَ وَاتِّباعِ سُنَّةِ
و فروتنی و وفا نمودن و گردن نهادن برای تو و باور داشتن کتاب تو و پیروی نمودن طریقه
رَسولِكَ اَللّهُمَّ ما كانَ فِي قَلبي مِن شَكٍّ اَو رِيبَةٍ اَو جُحودٍ اَو قُنوطٍ
رسول تو خداوندا آنچه باشد در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی
اَو فَرَحٍ اَو بَذَخٍ اَو بَطَرٍ اَو خُيَلاءَ اَو رِياءٍ اَو سُمعَةٍ اَو شِقاقٍ اَو
یا شادی یا سرکشی یا طغیان یا کبر یا ریا یا سمعه یا بدبختی یا
نِفاقٍ اَو كُفرٍ اَو فُسوقٍ اَو عِصيانٍ اَو عَظَمَةٍ اَو شَيءٍ لا تُحِبُّ فَاَسأَلُكَ
یا دورویی یا ناسپاسی یا گناه یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی که دوست نداری پس سؤال میکنم از تو
يا رَبِّ اَن تُبَدِّلَني مَكانَهُ ايماناً بِوَعدِكَ وَوَفاءً بِعَهدِكَ وَرِضىً بِقَضائِكَ
ای پروردگار من آنکه بدل نمائی برای من بجای آن تصدیق کردن بوعده تو و وفا کردن بعهد تو و خشنودی بحکم تو
وَزُهداً فِي الدُّنيا وَرَغبَةً فيما عِندَكَ وَاَثَرَةً وَطُمَأنينَةً وَتَوبَةً نَصوحاً
و بی رغبتی در دنیا و خواهشمندی در آنچه نزد تست و عطائی که بآن منفرد باشم و آرام و توبه خالص
اَسأَلُكَ ذلِكَ يا رَبَّ العالَمينَ اِلهي اَنتَ مِن حِلمِكَ تُعصى فَكَاَنَّكَ لَم تُرَ
سؤال میکنم از تو آنرا ای پروردگار جهانیان ای خدای من از بردباری تو عصیان کرده میشوی پس گویا که تو ندیده آنرا
وَمِن كَرَمِكَ وَجودِكَ تُطاعُ فَكَاَنَّكَ لَم تُعصَ وَاَنَا وَمَن لَم يَعصِكَ
و از بزرگواری خود و بخشش خود اطاعت کرده میشوی پس گویا تو عصیان کرده نشده و من و آنکه نافرمانی نکرده ترا
سُكّانُ اَرضِكَ فَكُن عَلَينا بِالفَضلِ جَواداً وَبِالخَيرِ عَوّاداً يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ
ساکنان زمین توئیم پس باش بر ما بفضل و عطیه بخشنده و به نیکی بسیار بازگردنده ای بخشاینده ترین بخشایندگان

والوفاء لدم

وصلى

وَصَلَّى اللّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلوةً دائِمَةً لا تُحصى وَلا تُعَدُّ وَلا يُقَدِّرُ
و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او رحمتی همیشه که دریافته نشود و شمرده نشود و اندازه نکند
قَدرَها غَيرُكَ يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ واما نمازهای مخصوص شبهای ماه
اندازه آنرا غیر تو ای بخشاینده ترین بخشایندگان معتبره وارد نشده و علماء ذکر کرده اند
شب اول صد رکعت با حمد و توحید یکمرتبه و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه
سوره حمد دوم پنجاه رکعت با حمد و توحید و معوذتین هریک یکمرتبه سیم
دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهارم چهل رکعت
در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید پنجم دو رکعت در هر رکعت
حمد و پانصد مرتبه توحید و بعد از نماز هفتاد پنج مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد
ششم چهار رکعت در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید هفتم دو رکعت در هر
رکعت حمد و صد مرتبه توحید هشتم دو رکعت در رکعت اول حمد و آیه آمن
الرسول تا آخر سوره و پانزده مرتبه سوره توحید و در دوم حمد و آیه
قل انما انا بشر مثلکم و پانزده مرتبه توحید نهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه سوره اذا جاء نصر الله والفتح دهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و آیة الکرسی یکمرتبه و سوره انا اعطیناک الکوثر سه مرتبه یازدهم هشت
رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه قل یا ایها الکافرون دوازدهم دوازده رکعت
در هر رکعت حمد و ده مرتبه سوره الهکم التکاثر سیزدهم دو رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه سوره والتین چهاردهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه
سوره والعصر پانزدهم چهار رکعت در میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد
و ده مرتبه توحید و بعد از نماز ده مرتبه یا رب اغفر لنا و ده مرتبه یا رب ارحمنا و ده مرتبه

يا ربّ تُبْ علينا و بيست و يكمرتبه توحيد و ده مرتبه سُبْحانَ اللهِ الَّذي يُحْيِي الْمَوْتىٰ وَ
يُمِيتُ الْأَحْياءَ وَهُوَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ **شانزدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه
(پاکست خدائی که زنده میکرداند مردگان را و میمیراند زندگان را و او بر همه چیزی تواناست)
آیة الکرسی و پانزده مرتبه توحید **هفدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و هفتاد و یکمرتبه
توحید و بعد از نماز هفتاد مرتبه استغفار **هجدهم** ده رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه
توحید **نوزدهم** دو رکعت در هر رکعت حمد و پنج مرتبه آیه قُلِ اللّٰهُمَّ مالِكَ الْمُلْكِ **بیستم**
چهار رکعت در هر رکعت حمد و پانزده مرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله **بیست و یکم** هشت
رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوّذتین **بیست و دویم** دو رکعت در هر
رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ قل یا ایها الکافرون و پانزده مرتبه توحید **بیست و سیم**
سی رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا زلزلت **بیست و چهارم** دو رکعت
در هر رکعت حمد و یکمرتبه سورهٔ اذا جاء نصر الله **بیست و پنجم** ده رکعت در هر رکعت
حمد و یکمرتبه الهکم التکاثر **بیست و ششم** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه آیه
آمن الرسول **بیست و هفتم** دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبّح اسم ربّك الاعلی
بیست و هشتم چهار رکعت در هر رکعت حمد و یکمرتبه توحید و معوّذتین **بیست و نهم** ده
رکعت در هر رکعت حمد یکمرتبه و هر یك از الهکم التکاثر و توحید و معوّذتین ده مرتبه
سی ام دو رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه سبّح اسم ربّك الاعلی و بعد از سلام صد مرتبه
اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ **باب سیم** در بیان مجملی از فضائل و
اعمال ماه مبارك رمضان است و در آن هشت فصل است **فصل اوّل**
در بیان فضیلت این ماه مبارك است باید دانست که ماه رمضان ماه خداوند عالمیانست
و شریفترین ماههاست چنانچه بسند معتبر از حضرت امام رضا عم روایت کرده اند که حضرت
رسول صم در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس بدرستی که رو کرده است

بسوی

بسوی شما ماه خدا با برکت و رحمت و آمرزش ماهی است که نزد خدا بهترین ماههاست
و روزهایش بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و ساعتهای آن بهترین
ساعتهاست ماهیست که خوانده اند شما را در آن بسوی ضیافت خدا و کردیده
اید در آن از اهل کرامت خدا نفسهای شما در آن ثواب تسبیح دارد و خواب شما
ثواب عبادت دارد و عملهای شما در آن مقبول است و دعای شما در آن مستجابست
پس سؤال کنید از پروردگار خود بنیتهای درست و دلهای پاکیزه از کناهان
و صفات ذمیمه که توفیق دهد شما را برای روزه داشتن آن و تلاوت کردن قرآن
در آن بدرستی که شقی و بد عاقبت کسی است که محروم کردد از آمرزش خدا در این ماه عظیم
و یاد کنید بکرسنکی و تشنکی شما در این ماه کرسنکی و تشنکی روز قیامت را و تصدق
کنید بر فقیران و مسکینان خود و تعظیم کنید پیران خود را و رحم کنید کودکان خود را و
نوازش نمائید خویشان خود را و نکاه دارید زبانهای خود را از آنچه نباید کفت و بپوشید
دیدهای خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و باز دارید کوشهای خود را از
آنچه حلال نیست شما را شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد
از شما با یتیمان شما و بازکشت کنید بسوی خدا از کناهان خود و بلند کنید بسوی خدا
دستهای خود را بدعا در اوقات نمازهای خود زیرا که وقت نمازها بهترین
ساعتهاست نظر میکند حق تعالی در این اوقات برحمت بسوی بندکان خود و جواب
میکوید ایشان را هر کاه او را مناجات کنند و لبیك میکوید ایشان را هر کاه او را ندا کنند
و مستجاب میکرداند هر کاه او را دعا کنند ای کروه مردمان بدرستی که جانهای
شما در کرو کردهای شماست پس از کرو بیرون آورید بطلب آمرزش از خدا و پشتهای
شما کرانبار است از کناهان شما پس سبك کردانید آنها را بطول دادن سجدها و بدانید -

که حق تعالی سوگند یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نمازگذارندگان و
سجده کنندگان را و نترساند ایشان را باتش جهنم در روز قیامت ایها الناس هر که از
شما افطار نماید روزه دار مؤمنی را در اینماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب
بنده آزاد کردن و آمرزش گناهان گذشته پس بعضی اصحاب گفت یا رسول الله همه ما
قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش جهنم با افطار فرمودن روزه داران
اگرچه بنصف دانهٔ خرما باشد اگرچه بیک شربت آب باشد بدرستی که خدا این ثواب را
میدهد کسی را که چنین کند اگر قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر که خلق خود را در
اینماه نیکو گرداند بر صراط بگذرد در روزی که قدمها بر آن لغزد و هر که سبک گرداند
در اینماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان گرداند و هر که
در اینماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی در قیامت غضب خود را از او باز دارد
و هر که در اینماه یتیم بی پدر را گرامی دارد خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در اینماه
صله و احسان کند با خویشان خود خدا وصل کند او را برحمت خود در قیامت و هر که در
اینماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای عز و جل در قیامت قطع رحمت خود
از او بکند و هر که نماز سنتی در اینماه بکند حق تعالی از برای او برات بیزاری از آتش جهنم
بنویسد و هر که در اینماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب هفتاد نماز واجب که
در ماههای دیگر کرده شود و هر که در اینماه بسیار صلوات فرستد بر من و بر آل من خدا
سنگین گرداند ترازوی عمل او را در روزی که ترازوهای اعمال سبک باشد و کسی که یک
آیه از قران در اینماه بخواند ثواب کسی داشته باشد که در ماههای دیگر ختم قران کرده
باشد ایها الناس بدرستی که درهای بهشت در اینماه گشاده است پس سؤال
کنید از پروردگار خود که بر روی شما نبندد و درهای جهنم در اینماه بسته است

از

از خدا سؤال کنید که بر شما نگشاید و شیاطین را در اینماه غل میکنند پس
سؤال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و ایضا از حضرت امیر المؤمنین ع
منقول است که در ماه رمضان خطبه خواندند و فرمودند ایها الناس این ماهیست
که خدا آنرا بر سایر ماهها فضیلت و زیادتی داده است مانند فضیلت ما اهل بیت
بر سایر مردم و در اینماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای رحمت
و بسته میشود درهای جهنم و در اینماه شنیده میشود نداهای مؤمنان و مستجاب
میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند گریهای ایشان را و در اینماه شبی هست که در
آن شب ملئکه از آسمان بزمین می آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه دار
برخصت پروردگار خود تا طلوع صبح و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است
در آن شب ولایت و امامت مرا پیش از آنکه آدم علیه السلم را خلق کند بدو هزار سال
عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روزش بهتر است از روزه
هزار ماه ایها الناس بدرستی که آفتابهای ماه رمضان و ماههای آن طالع میشوند
بر مردان و زنان روزه دار با رحمت و اینماه شما مانند ماههای دیگر نیست روزهایش
بهترین روزهاست و شبهایش بهترین شبهاست و دیوان و شیاطین در اینماه غل کرده
و در زندانند و زیاد میکند خدا در اینماه روزیها و عمرها را و مینویسد و مقدر میگرداند
در اینماه حاجیان بیت الله را و در اینماه حق تعالی رو میکند بسوی اهل ایمان با آمرزش
و فیروزی و رحمت و روزی و خشنودی خداوند جزا دهنده ای روزه دار
پس تدبیر کار خود بکن بدرستی که در اینماه مهمان پروردگار خودی نظر کن
و تامل نما که چگونه خواهی بود در شب خود و در روز خود و چگونه نگاه میداری
اعضاء و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کن که شبها در خواب

نباشی و روزها غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو بر تو باقی
مانده باشد پس در هنگامی که روزه داران مزدهای خود را گیرند تو از جملهٔ
زیان کاران باشی و در وقتی که بکرامت آقای خود فائز گردند از جملهٔ محرومان
باشی و در روزی که سعادتمند گردند بمجاورت دوستان پروردگار خود تو از
رانده شدها باشی ای روزه دار اگر ترا آقای تو از درگاه خود بر گرداند بکدام درگاه
رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا پروردگار تو کی روزی خواهد داد ترا
و اگر او ترا خوار کند کی ترا گرامی خواهد داشت و اگر او ترا ذلیل گرداند کی ترا
عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد کی ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا
از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر او لغزشها
و گناهان ترا نیامرزد امید بکی خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر
حق خود را که بر تو واجب گردانیده از تو طلب نماید چه جواب در برابر خواهی
گفت ای روزه دار تقرب بجو بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای
اینماه زیرا که کتاب خدا شفاعت کننده ایست که شفاعت او را قبول میکنند و در
قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده اند پس بالا میروند بر درجات
بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در
اینماه میکشی ثواب تسبیحی در نامهٔ عمل تو مینویسند و خواب تو در اینماه عبادتست
و طاعت تو در اینماه مقبول است و گناهان تو در اینماه آمرزیده است و آوازهای تو
بدعا در اینماه شنیده شده است و بمناجات و رازی که با خدا میگوئی بر تو رحم
میکند بدرستی که شنیدم از حبیب خود حضرت رسول ص که خداوند عالمیان در هر
شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کرده ها هستند از آتش جهنم که عدد

ایشان را بغیر از خدا کسی نمیداند چون شب آخر ماه میشود در آن شب می‌آمرزد مثل آنچه
در جمیع ماه آمرزیده است و ایضا فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را
از چیزها که خدا حرام کرده است نگاه دارد بهشت البته او را واجب گردد و هر که
در اینماه روزه دارد و در هیچ شب از شبهای آن بر حرام افطار نکند البته
داخل بهشت شود پس حضرت امیر فرمود که شنیدم از سید انبیاء ص که فرمود که
بهترین اوصیاء پیغمبران در بهترین ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها
کدام است و بهترین اوصیاء کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است
و بهترین اوصیاء تویی یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود
بلی بحق پروردگارم بدرستی که برانگیخته میشود بدبخت‌ترین امت من جفت پی
کنندهٔ ناقهٔ صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش ترا از خون سرت خضاب
شود پس مردم شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر آمد و ایضا از حضرت
رسول ص منقول است بسندهای معتبر که فرمود ایها الناس هر که وارد شود بر او ماه
رمضان پس روزه دارد روزها را و بایستد بنماز و عبادت قدر مقرری از شبها
و نمازها را در اوقات فضیلت بجا آورد و مبادرت کند بنماز جمعهٔ آن و بامداد بنماز
عیدان حاضر شود پس دریافته خواهد بود ثواب شب قدر را و فائز میگردد بجایزه‌ها
و بخششهای بزرگ خدا و بخششهای خدا مانند بخششهای بندگان نیست **فصل
دویم** در بیان حقیقت روزه است و آنچه در آن معتبر است بدانکه روزه
باز داشتن خود است از چیزی چند که روزه را میشکنند از طلوع صبح تا برطرف
شدن سرخی از جانب مشرق بنا بر مشهور یا پنهان شدن قرص آفتاب یعنی برطرف
شدن شعاع آن از کوهها و عمارات مرتفعه و قول اول احوط است با نیت قربت پس

باید که بداند انها و آن چیزها را تا نیت تواند کرد و چون میان علماء اختلاف بسیار
هست در انها اگر قصد کند ترک همه را از برای رضای خدا ظاهرا کافی باشد
اما بهتر انست که انچه متیقن باشد وجوب ترک انها قصد ترک انها کند بعنوان
وجوب و انچه خلافی باشد قصد ترک انها کند احتیاطا و انچه بی دغدغه مکروه
باشد قصد ترک انها کند مستحبا و اگر قصد ترک جمیع محرمات را ضم کند بهتر است
واما انها که واجبست ترک انها کردن اول و دویم چیزی خوردن و چیزی
اشامیدنست و چیزی که خوردن و اشامیدن ان متعارف و معتاد باشد در ان
خلافی نیست که مبطل صوم است و موجب قضا و کفاره هر دو میشود اگر بعنوان
معتاد بخورد و اگر بغیر معتاد باشد مانند انکه در دماغ یا گوش بچکاند چیزیرا
و بحلق داخل شود محل خلافست و همچنین خلافست در خوردن و اشامیدن چیزی
چند که معتاد مردم نباشد خوردن و اشامیدن انها مانند سنگ و چوب و خاک
و گیاهها و اب فشرده شده از گیاهها که غیر معتاد و اظهر انست که اگر بعنوان
معتاد باشد اجتناب از ان واجبست و احوط انست که اگر بکند قضا و کفاره
بعمل اورد سیم جماع کردن در قبل زن است مطلقا خواه انزال بشود و خواه نه
و فعل ان موجب قضا و کفاره میشود بخلاف جماع در دبر زن هرگاه انزال شود
روزه را باطل میکند و قضا و کفاره لازم میشود و مشهور انست که جماع در دبر زن
بدون انزال نیز مبطل صوم و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل نمیدانند
و اول اقوی است چهارم باقی ماندنست بر جنابت تا صبح و اشهر و اقوی انست که
مبطل است و موجب قضا و کفاره است و بعضی مبطل ندانسته اند و بعضی قضای
تنها واجب دانسته اند و احوط انست که اگر زن حائض پاک شود پیش از صبح غسل

بکند

بکند و اگر نکند احوط انست که غسل کند بعد از صبح و ان روز را روزه بدارد و
قضا نیز بکند و اگر جنب را غسل متعذر باشد احوط انست که تیمم بکند و تیمم را
نشکند تا صبح بشود و خواب اول بعد از جنابت در حالی که نیت غسل کردن
داشته باشد و احتمال بیدار شدن دهد جایز است و مشهور انست که اگر تا صبح اکرم
بیدار نشود قضای ان روز بر او واجب نیست و بعضی واجب دانسته اند و ان احوط است
و مشهور انست که اگر بخوابد تا صبح و نیت غسل نداشته باشد بر او قضا و کفاره
لازم است و این احوط است اگر چه در دلیلش سخنی هست و مشهور در خواب
دویم وجوب قضا است و این قول قویست بلکه خلافی در ان ظاهر نیست
و جمعی از اصحاب را اعتقاد انست که در خواب سیم جنب هرگاه بصبح رسد قضا
و کفاره هر دو واجب است و اقوی عدم وجوب کفاره است و بعضی از متاخرین را
اعتقاد انست که خواب بعد از بیدار شدن از احتلام حکم خواب دویم دارد
چنانچه والد مرحوم فقیر اختیار نموده و این احوط است بلکه خالی از قوتی
نیست و بدانکه در روزهای دیگر غیر ماه مبارک رمضان نیز خلافست که
ایا باید صبح را پاک دریابد یا نه و حق اینست که در قضای ماه رمضان میباید صبح
جنب نباشد و در غیر قضا احوط انست که اگر صبح طاهر نباشد و واجب معین
نباشد ان روز را روزه ندارد و اگر معین باشد ان روز را روزه بدارد و قضا نیز بکند
اما اگر عمدا کرده باشد دور نیست که کفاره در کار نباشد و اگر بکند احوط است
و در روزه سنت اگر بر جنابت عمدا بماند تا صبح و پیش از زوال غسل بکند و نیت
روزه بکند بگمان فقیر روزه اش صحیح است و در واجب معین اگر عمدا نیت را ترک کند
و پیش از زوال نیت کند مشهور انست که روزه اش باطل است و قضا میکند و کفاره هم

واجب نمیشود و اکر از روی فراموشی نیت را ترک کند تا زوال نیت میتواند کرد
و در واجب غیر معین تا زوال نیت میتواند کرد اکرچه قضای ماه رمضان باشد
و در روزهٔ سنت خلافی نیست که اکر در شب نیت نکرده باشد و مفطری بعمل نیاورده
باشد تا اول زوال نیت میتواند کرد و بعد از زوال خلافست بعضی کفته است تا نزدیک
بشام نیت میتواند کرد و جمعی از محققین علماء باین قائلند و نزد فقیر اقوی است و بعضی
کفته اند بعد از زوال نیت نمیتواند کرد و بعضی کفته اند که اکر پیش از زوال نیت کند ثواب
روزهٔ تمام روز را مییابد و اکر بعد از زوال نیت کند ثواب روزه بعد از نیت تا شام را
مییابد پنجم رسانیدن غبار غلیظ است بحلق و بعضی آنرا موجب قضا و کفاره
میدانند و بعضی قضای تنها و بکمان فقیر مبطل نیست و احوط رعایت مشهور است
و بعضی از متاخرین ملحق ساخته اند بغبار غلیظ دود غلیظ و بخار غلیظ را اکر از اجزاء
منفصل شود چون دود شور و بخار دیک و اظهر عدم بطلانست و احوط
اجتنابست حتی از دود تنباکو ششم استمناء است یعنی طلب نزول منی
کردن با حصول آن و موجب قضا و کفاره است و مشهور آنست که هرکاه
ملامسه و ملاعبه کند و انزال شود روزهٔ او باطل میشود و قضا و کفاره لازم میشود
و بعضی در این تامل نموده اند خصوصا وقتی که نسبت بحلال خود باشد و عادت او
انزال نباشد و احوط بلکه اقوی وجوب قضا و کفاره است مطلقا و در نظر کردن
بزن حلال یا حرام یا صدای او را شنیدن یا بخیال خود در آوردن هرکاه باعث
آمدن منی شود و قصد انزال نداشته باشد و بآن معتاد نباشد خلافست و اظهر
عدم وجوب قضا و کفاره است هفتم قی کردنست عمدا و اکثر موجب قضای
تنها میدانند و بعضی قضا و کفاره هر دو را واجب میدانند و بعضی هیچ یک را واجب

نمیدانند

نمیدانند و مسئله مشکل است و وجوب قضای تنها خالی از قوتی نیست و
مشهور آنست که هرکاه قی بی اختیار آید بر او قضایی نیست و بعضی قضا را
واجب دانسته اند و این قول ضعیف است هشتم حقنه است و بعضی موجب
قضا و کفاره هر دو دانسته اند و بعضی موجب قضای تنها و بعضی حرام دانسته
اند و موجب هیچ یک ندانسته اند و بعضی حقنهٔ مایع را موجب قضا دانسته اند و حقنهٔ
جامد را مانند شیاف مکروه دانسته اند و بعضی مطلقا مکروه دانسته اند و این
قول قوی است و احوط آنست که بدون ضرورت حقنه بمایع نکند و اکر بکند
قضا بکند و اشهر و اقوی آنست که چکانیدن دوا در کوش موجب فساد صوم
نمیشود و سعوط در بینی هرکاه تعدی بحلق نکند ایضا اقوی آنست که جائز است
و بعضی موجب قضا و کفاره دانسته اند و اکر بحلق رسد احوط اجتنابست نهم
دروغ کفتن بر خدا و رسول خدا و ائمهٔ هدی صلوات الله علیهم است با آنکه حدیث
دروغی نقل کند یا مسئلهٔ خلاف واقعی بکوید بلکه کسی که اهلیت مسئله کفتن
نداشته باشد مسئله بکوید و در حرمت آن شکی نیست و بعضی در روزه موجب
قضا و کفاره میدانند و بعضی میکویند موجب فساد صوم نمیشود و خالی از قوتی
نیست و احوط آنست که اکر بکند قضا کند و کفاره بدهد دهم سر فرو بردن
در آبست و جمعی آنرا موجب قضا و کفاره میدانند بعضی موجب قضای تنها
میدانند و بعضی حرام میدانند و موجب هیچ یک نمیدانند و بعضی مکروه میدانند
و اظهر حرمتست و عدم وجوب قضا و کفاره و بعضی کفته اند که اکر سر را باب
فرو برد تا کردن و بدن بیرون آب باشد باز حکم او تمام دارد و این احوط است
و بعضی کفته اند که اکر فرو برد منافذ را دفعةً هر چند منابت مو بیرون باشد

یا از حکم او تماس دارد و این احوط است و احوط آنست که در روزه سنت نیز سر را
باب فرو نبرد و بعضی تجویز کرده اند و احوط ترک است یازدهم بلغمی که از سینه
بر آید یا از دماغ فرود آید در فرو بردن آن علما را سه قول است اول جواز ابتلاع
آنچه بیرون می آید از سینه مادام که از دهن منفصل نشود و عدم جواز آن قسم دیگر
دویم جواز ابتلاع هر دو قسم مادام که بدهن نرسد و تحریم ابتلاع هر دو هر گاه بدهن
برسد سیم جواز کشیدن از سینه و سر و جواز فرو بردن مادام که از دهن جدا نشود و جمعی
که حکم بفساد کرده اند بعضی بقضای تنها قائل شده اند و بعضی کفاره را نیز واجب
میدانند و بعضی بکفاره جمع قائل شده اند و کمان فقیر آنست که هیچ یک لازم نمیشود
اما احتیاط آنست که بعد از آنکه بفضای دهن بیاید فرو نبرد دوازدهم مشهور
میان علما آنست که مکروه است که زن روزه دار در میان آب بنشیند و بعضی
گفته اند هر گاه تا کمر در آب بنشیند قضا بر او لازم است و بعضی کفاره را نیز لازم
دانسته اند و اظهر اول است و در خواییدن قند دان و مصطکی که آبش را فرو برد بعضی
حرام دانسته اند و بعضی موجب قضا دانسته اند و اظهر جواز است و مشهور میان
علما آنست که اگر کسی گمان داشته باشد که شب باقی است بلکه اگر شک هم داشته
باشد که جائز است خوردن و آشامیدن تا صبح مشخص شود و اگر معلوم شود
که صبح بوده است وقتی که خورده یا آشامیده اگر ملاحظه کرده باشد و خورده
باشد قضا واجب نیست و اگر ملاحظه نکرده و خورده باشد قضا واجب است
و کفاره واجب نیست و اگر کسی مضمضه کند جهة وضوی نماز واجب و آب
بی اختیار بحلقش فرو رود قضا بر او واجب نیست و اگر جهة نماز نافله باشد بعضی گفته اند
قضا بر او واجب است و اگر عبث مضمضه کند و آب بحلقش رود جمعی قضا را واجب

دانسته

دانسته اند و این احوط است و اظهر عدم وجوبست مطلقا و در روایتی وارد
شده است که بعد از مضمضه باز آب دهان را بیندازد و این احوط است
فصل سیم در سنتها و آداب روزه است مکروه است روزه
دار را بوسیدن زنان و دست بدن ایشان مالیدن و دست بازی کردن
با ایشان و اقرب آنست که کراهیت مخصوص بصورتیست که اینها محرک شهوت
او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروه است بچشم کشیدن
چیزی که از آن طعمی باشد که بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهیت بیرون
آوردن خونیست از بدن که باعث ضعف شود و در حجامت احتیاط بیشتر
باید کرد و همچنین داخل شدن حمام که مضعف باشد و مکروه است بوییدن گلها
خصوصا نرگس و بهتر آنست که مشک را هم نبوید و سائر بوهای خوش مکروه
نیست بلکه سنت است و از حضرت صادق منقول است که طیب تحفه
صائم است و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند
عقلش زائل نگردد و اشهر و اقوی آنست که بوییدن رائحه غلیظه مفطر نیست
و بعضی گفته اند بوییدن رائحه غلیظه که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود
و احوط آنست که بوی خوش سائیده که بدماغ بالا رود نبوید چنانچه در
روایتی وارد شده است و مکروه است که صائم جامه که ملاصق بدن است تر کند
و مکروه است زن صائمه را که در آب نشیند چنانچه گذشت و از حضرت
صادق منقول است که هر گاه روزه داری میباید که روزه باشد گوش تو و چشم
تو و موی تو و پوست تو و جمیع اعضاء تو یعنی از محرمات بلکه از مکروهات و
فرمود که باید روز روزه تو مانند روز افطار تو نباشد و ایضا از حضرت

منقول است که فرمود که روزه نه همین از خوردن و آشامیدن است تنها بلکه باید که
در روز روزه نگاه دارید زبان خود را از دروغ و بپوشانید دیدهای خود را از
حرام و با یکدیگر نزاع مکنید و حسد مبرید و غیبت مکنید و مجادله مکنید و سوگند
دروغ مخورید بلکه سوگند راست نیز و دشنام مدهید و فحش مگوئید و ستم مکنید و بیخردی
مکنید و دلتنگ شوید و غافل مشوید از یاد خدا و از نماز و خاموش باشید از آنچه نباید گفت
و صبر کنید و راستگو باشید و دوری کنید از اهل شر و اجتناب کنید از گفتار بد
و دروغ و افتراء و خصومت کردن با مردم و گمان بد بردن و غیبت کردن و
سخن چینی کردن و خود را مشرف بر آخرت دانید و منتظر فرج و ظهور قائم
آل محمد ص باشید و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشهٔ اعمال صالحه برای
سفر آخرت بردارید و بر شما باد بآرام دل و آرام تن و خضوع و خشوع و شکستگی
و مذلت چون بندهٔ که از آقای خود ترسد ترسان باشید از عذاب خدا امیدوار
باشید رحمت او را باید پاک باشد ای روزه دار دل تو از عیبها و باطن تو از حیلها
و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و بیزاری بجوئی بسوی خدا از آنچه
غیر اوست و در روزه ولایت خود را خالص گردانی از برای او و خاموش باشی
از آنچه حق تعالی نهی کرده است ترا از آن در آشکار و پنهان و بترسی از خداوند
قهار آنچه سزاوار ترسیدن اوست در پنهان و آشکار و بخشی روح و بدن خود را
بخدای عز و جل در ایام روزهٔ خود و فارغ گردانی دل خود را از برای محبت او و یاد
او و بدن خود را بکار فرمائی در آنچه خدا ترا امر کرده است بآن و خوانده است
بسوی آن اگر همهٔ اینها را بعمل آوردی آنچه سزاوار روزه داشتن است بعمل آورده و
فرمودهٔ خدا را اطاعت کرده و آنچه کم کنی از آنها که بیان کردم از برای تو بقدر آن

از

از روزهٔ تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن بدرستی که پدرم گفت که رسول
خدا ص شنید که زنی در روز روزه جاریهٔ خود را دشنام داد حضرت طعامی
طلبید و آن زن را گفت بخور زن گفت من روزه ام حضرت فرمود چگونه روزه
و جاریهٔ خود را دشنام دادی روزه از خوردن و آشامیدن تنها نیست بدرستی
که حق تعالی روزه را حجابی گردانیده است از سایر امور قبیحه از کردار بد و گفتار
بد چه بسیار کمند روزه داران و بسیارند گرسنگی کشندگان و حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که چه بسیار روزه داری که بهرهٔ نیست او را از
روزه بغیر تشنگی و گرسنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهرهٔ از عبادت
بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادت احمقان است
و خوشا افطار کردن زیرکان که بهتر از روزه گرفتن داشتن بیخردان است
زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قلب طاهر واقع میشود از جملهٔ عبادات
ایشان است بلکه ارواح ایشان در عالم قدس با ارواح انبیاء و اوصیاء و خلص
مؤمنان محشور میکردند و بر اسرار غیب بر رؤیای صادقه مطلع میکردند و راهی
از راههای قرب ایشان است و افطار خردمندان چون از روی دانائی است
و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار مینمایند بهتر است از روزهای احمقان که روزه را
دستگاه خودفروشی خود کرده اند و بریا و عجب ممزوج میکردانند و شرایط صوم
عمل نمیکنند فصل چهارم در بیان آداب دخول ماه مبارک رمضان است
سنت است طلب هلال ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت امام
جعفر صادق ع منقول است که چون هلال ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال
مکن و رو بقبله کن و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بگو ربّی

پروردگار من

وَرَبُّكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَهِلَّهُ عَلَيْنَا بِالْاَمْنِ وَالْاِيمَانِ وَ
و پروردگار تو خداست پروردگار جهانیان بار خدایا طالع کردان هلال را بر ما بایمنی و سلامتی و
السَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ اِلٰى مَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِى
اسلام و شتافتن بسوی انچه دوست داری تو و بپسندی خداوندا برکت ده برای ما در
شَهْرِنَا هٰذَا وَارْزُقْنَا خَيْرَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضُرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ
ماه ما اینماه و روزی کن ما را نیکوئی آن و بکردان از ما بدحالی آنرا و شر آنرا و بدی آنرا و آشوب آنرا
وبهترین دعاها دعای صحیفهٔ کامله است و ابن ابی عقیل ره این دعا را در وقت
رؤیت هلال ماه مبارک واجب دانسته است اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى
سپاس مر خدایرا که
خَلَقَنِى وَخَلَقَكَ وَقَدَّرَ مَنَازِلَكَ وَجَعَلَكَ مَوَاقِيتَ لِلنَّاسِ اَللّٰهُمَّ
آفرید مرا و آفرید ترا و تقدیر کرد منزلهای ترا و کردانید ترا نشانهای اوقات برای آدمیان خداوندا
اَهِلَّهُ عَلَيْنَا اِهْلَالًا مُبَارَكًا اَللّٰهُمَّ اَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالسَّلَامَةِ وَالْاِسْلَامِ وَ
داخل کردان آنرا بر ما داخل کردانیدنی با برکت خداوندا داخل کردان آنرا بر ما با سلامتی و اسلام و
الْيَقِينِ وَالْاِيمَانِ وَالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى وَالتَّوْفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضٰى ودر شب
یقین و ایمان و نیکوئی و پرهیزکاری و توفیق برای انچه دوست داری و بپسندی
اول ماه جماع با حلال خود سنت است و غسل در شب اول سنت است و از
حضرت صادق عم منقول است که هرکه غسل کند در شب اول ماه مبارک رمضان
در نهر جاری و سی کف آب بر سر بریزد با طهارت معنوی باشد تا ماه رمضان
اینده و در حدیث دیگر فرمود که هرکه در شب اول ماه رمضان غسل کند خارش
بدن در ان سال باو نرسد و ایضا منقول است که چون ماه رمضان داخل میشد حضرت
صادق عم فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمایید در اینماه در

عبادت

عبادت که در اینماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان
در اینماه مقدر میشوند و در اینماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت
امیر المؤمنین عم منقول است که بر شما باد در ماه رمضان باستغفار و دعا بدرستی که
دعا رفع میکند بلا را از شما و استغفار محو میکند کناهان شما را و زیارت حضرت
امام حسین عم در شب اول ماه سنت است و از حضرت صادق عم منقول است که
هرکه در شب اول ماه رمضان یا شب میان یا شب اخر زیارت انحضرت بکند کناهان
از او بریزد مانند برك از درختان و از کناهان بیرون اید مانند روزی که از مادر
متولد شده باشد و ثواب حج و عمره خدا او را عطا کند و ایضا از انحضرت منقول است
که هرکه در هر شب اول ماه سورهٔ انا فتحنا در نماز نافله بخواند در ان سال از بلاها
محفوظ کردد و بروایت دیگر از انحضرت منقول است که هرکه در شب اول ماه مبارك
دو رکعت نماز بجا اورد و در هر رکعت بعد از حمد سورهٔ انعام بخواند و سوال
کند که حق تعالی از او کفایت شرور بکند خدا او را کفایت کند از انچه میترسد در اینماه
و حفظ کند او را از انچه میترسد و از بیماریها و دردها و نماز را نشسته میتوان کرد
و سوره را از روی قران میتوان خواند و اکر در شب اول ماه نیت روزهٔ تمام ماه را
بکند و باز هر شب نیت کند بهتر است و نیت چنین میکند که قصد میکند که فردا
روزهٔ ماه رمضان میدارم واجب قربة الی الله و روز اول ماه سنت است که غسل کند
در اب جاری و سی کف اب بر سر بریزد و از حضرت صادق عم منقول است که
چون در اول سال چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و ایضا
از انحضرت عم منقول است که هرکه در روز اول اینماه کفی از کلاب بر روی بزند از خواری
و پریشانی نجات یابد و اکر هر روز بکند در ان روز از این بلاها ایمن کردد و هرکه یك

کف از کلاب در روز اول ماه بر سر بریزد در آن سال از مرض سرسام ایمن گردد

و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی ع منقول است که هر که در اول هر ماه دو رکعت

نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد و در رکعت دویم بعد از

حمد سی مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند با نچه میسر شود سلامتی

آن ماه را خریده است و در روز اول این دعا سنت است اَللّٰهُمَّ قَدْ حَضَرَ شَهْرُ

خداوندا بتحقیق حاضر شده ماه

رَمَضَانَ وَ قَدِ افْتَرَضْتَ عَلَيْنَا صِيَامَهُ وَ اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى

رمضان و بتحقیق واجب ساختی بر ما روزه داشتن آنرا و فرو فرستاده در ان قرآنرا در حالتی که راهنمای

لِلنَّاسِ وَ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ اَعِنَّا عَلىٰ صِيَامِهِ وَ تَقَبَّلْهُ

آدمیانست و آیتهای روشنست از راهنمائی و جدا کننده حق از باطل خداوندا مدد کن ما را بر روزه داشتن در ان و بپذیر آنرا

مِنَّا وَ تَسَلَّمْهُ مِنَّا وَ سَلِّمْهُ لَنَا فِي يُسْرٍ مِنْكَ وَ عَافِيَةٍ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

از ما و قبول کن آنرا از ما و سالم دار آنرا برای ما در توانگری از خود و عافیت بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی

و ایضا از حضرت صادق ع منقول است که چون ماه مبارک داخل میشد حضرت

رسول صلی الله علیه و آله این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّهُ قَدْ دَخَلَ شَهْرُ

بارخدایا بدرستیکه داخل شد ماه

رَمَضَانَ اَللّٰهُمَّ رَبَّ شَهْرِ رَمَضَانَ الَّذِي اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَ جَعَلْتَهُ

رمضان خداوندا ای پروردگار ماه رمضان که فرو فرستادی در ان قرآنرا و گردانیدی آنرا

بَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدىٰ وَ الْفُرْقَانِ اَللّٰهُمَّ فَبَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ

معجزهای روشن از راهنمائی و جدا کردن حق از باطل خداوندا پس برکت ده بجهة ما در ماه رمضان و

اَعِنَّا عَلىٰ صِيَامِهِ وَ صَلَوٰتِهِ وَ تَقَبَّلْهُ مِنَّا و ایضا بسند معتبر از حضرت صادق ع

مدد ما را بر روزه داشتن آن و نمازان و بپذیر آنرا از ما

منقول است که هر که نزد داخل شدن

ماه رمضان یعنی روز اول یا شب اول دو رکعت نماز بکند و در رکعت اول بعد از

حمد سوره انا فتحنا بخواند و در رکعت دویم هر سوره که خواهد حق تعالی جمیع

بدیها را از آن سال از او دور گرداند و در حفظ خدا باشد تا سال آینده و در شب

اول یا روز اول دعای صحیفه کامله را بخوانند که بهترین دعاهاست و کلینی

و شیخ طوسی و دیگران رحمهم الله بسند صحیح روایت کرده اند که حضرت امام موسی

کاظم ع فرمود که در ماه مبارک رمضان در اول سال یعنی روز اول ماه چنانچه علما

فهمیده اند این دعا را بخوان و فرمود که هر که این دعا را از برای رضای حق تعالی

بی شائبه اغراض فاسده و ریا بخواند در آن سال باو نرسد فتنه و گمراهی و بلا آفتی که

ضرر رساند بدین او یا بدن او و حق تعالی او را حفظ کند از شر آنچه در آن سال واقع

میشود از بلاها دعا اینست اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که

دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي

تذلل برای او هر چیزی و برحمت تو که فرا گرفت هر چیز را و بعظمت تو که

تَوَاضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي

فروتنی نمود برای آن هر چیزی و بعزت تو که قهر و غلبه نمود هر چیز را و بتوانائی تو که

خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي

پستی نموده برای آن هر چیزی و بحرمت بزرگواری تو که غلبه نموده هر چیز را و بدانش تو که

اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ يَا اَوَّلُ قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ يَا بَاقِي بَعْدَ یا قیّا ذام

فرا گرفته هر چیز را ای هویدا ای بغایت پاک ای اول پیش از هر چیزی و ای باقی پس از

كُلِّ شَيْءٍ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي

هر چیزی ای خدا ای بخشنده رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناهانی را که

تُغَيِّرُ النِّعَمَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ النِّقَمَ وَ اغْفِرْ لِيَ الذُّنُوبَ الَّتِي

تغییر میدهد نعمتها را و بیامرز برای من گناهانی را که ~~بر ما~~ و بیامرز برای من گناهانی را که

تقطع الرجاء واغفر لي الذنوب التي تديل الاعداء واغفر لي الذنوب

که ببرد امید را و بیامرز برای من گناهانی را که بر میگرداند دشمنانرا و بیامرز برای من گناهانیرا

التي ترد الدعاء واغفر لي الذنوب التي يستحق بها نزول البلاء و

که برمیگرداند دعا را و بیامرز برای من گناهانی را که سزاوار گردیده میشود بسبب آنها فرود آمدن بلا و

اغفر لي الذنوب التي تحبس غيث السماء واغفر لي الذنوب التي

بیامرز برای من گناهانی را که باز میدارد بارش آسمانرا و بیامرز برای من گناهانی را که

تكشف الغطاء واغفر لي الذنوب التي تعجل الفناء واغفر لي الذنوب

زایل میکند پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که بشتاب می آورد نیستی را و بیامرز برای من گناهانیرا که

التي تورث الندم واغفر لي الذنوب التي تهتك العصم والبسني

در عقب دارد پشیمانی را و بیامرز برای من گناهانی را که میدرد پردهای عصمت را و بپوشان

درعك الحصينة التي لا ترام وعافني من شر ما احاذر بالليل والنهار في

زره محکم خود که قصد کرده نشود و عافیت بخش مرا از شر آنچه میترسم در شب و روز در

مستقبل سنتي هذه اللهم رب السموات السبع والارضين السبع و

آینده سال من این سال خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و

ما فيهن وما بينهن ورب العرش العظيم ورب السبع المثاني والقرآن

آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و ای پروردگار عرش بزرگ و ای پروردگار سبع مثانی و قرآن

العظيم ورب اسرافيل وميكائيل وجبرئيل ورب محمد صلى الله عليه واله

بزرگ و ای پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل و ای پروردگار محمد رحمت فرستد خدا برا و آل او

سيد المرسلين وخاتم النبيين اسألك بك وبما سميت به يا عظيم انت الذي

بزرگ فرستادگان و آخر پیغمبران درمیخواهم از تو بحرمت تو و بحرمت آنچه نامیده ای بزرگ مرتبه توئی آنکه

رب هم / پروردگار

سمّيت به نفسك

تمن

٢١

تمن بالعظيم وتدفع كل محذور وتعطي كل جزيل وتضاعف من

بخشش میکنی بخشش بزرگ و دفع مینمائی هر مخوفی را و عطا میفرمائی هر وافری را و چندین برابر میکنی

الحسنات بالقليل وبالكثير وتفعل ما تشاء يا قدير يا الله يا رحمن صل

نیکیها را در مقابل عمل کم و در مقابل عمل بسیار و میکنی آنچه خواهی ای توانا ای خدای بخشاینده رحمت فرست

على محمد واهل بيته والبسني في مستقبل سنتي هذه سترك ونضر

بر محمد و آل او و بپوشان مرا در آینده سال من این سال پرده خود و درخشان کن

وجهي بنورك واحبني بمحبتك وبلغني رضوانك وشريف كراماتك و

رو ما مرا بروشنائی خود و دوست دار مرا به دوستی خود و برسان مرا بخشنودی خود و نوازش بلند پایه خود و

جسيم عطيتك واعطني من خير ما عندك ومن خير ما انت معطيه

عطیه بزرگ مرتبه خود و عطا کن مرا از بهترین آنچه نزد تست و از بهترین آنچه تو عطا فرمائی آنرا

احدا من خلقك والبسني مع ذلك عافيتك يا موضع كل شكوى

بیکی از آفریدگان خود و بپوشان مرا با وجود آن عافیت خود ای قرارگاه هر شکایت

ويا شاهد كل نجوى ويا عالم كل خفية ويا دافع ما تشاء من بلية

و ای دانای هر راز و ای دانای هر پنهان و دفع کننده آنچه خواهی از بلا

يا كريم العفو يا حسن التجاوز توفني على ملة ابراهيم وفطرته وعلى

ای کرامی عفو ای نیکو تجاوز بمیران مرا بر ملت ابراهیم و دین او و بر

دين محمد صلى الله عليه واله وسنته وعلى خير الوفاة فتوفني مواليا

دین محمد رحمت خدا بر او و آل او و طریقه او و بر بهترین مردنی پس بمیران مرا حال آنکه

لاوليائك معاديا لاعدائك اللهم وجنبني في هذه السنة كل عمل

دوست باشم مر دوستان ترا و دشمن دارم دشمنان ترا خداوندا و دور گردان مرا در این سال از هر کرداری

الكثير

نضرة

شرف

اَوْ قَوْلٍ اَوْ فِعْلٍ يَكُونُ مِنّي اَخافُ ضَرَرَ عاقِبَتِهِ وَاَخافُ مَقْتَكَ اِيّايَ عَلَيْهِ
یا گفتاری یا کرداری که یافت میشود از من که میترسم ضرر عاقبت آنرا و میترسم دشمنی کردن تو مرا بران بجهة

حِذاراً اَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَريمَ عَنّي فَاَسْتَوْجِبَ بِهِ نَقْصاً مِنْ حَظٍّ لي
خوف انکه بگردانی روی لطف کرامی خود را از من پس مستحق کردم بسبب آن کم کردن از بهره که مرات

عِنْدَكَ يا رَؤُوفُ يا رَحيمُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني في مُسْتَقْبَلِ سَنَتي هٰذِهِ في حِفْظِكَ
نزد تو ای مهربان ای مهربان بار خدایا بگردان مرا در آینده که سال من این سال در حفظ خود

وَفي جِوارِكَ وَفي كَنَفِكَ وَجَلِّلْني سِتْرَ عافِيَتِكَ وَهَبْ لي كَرامَتَكَ عَزَّ جارُكَ
و در پناه خود و در سایه خود و بپوشان مرا پوشش عافیت خود و ببخش مرا نوازش خود ارجمند است همسایه تو

وَجَلَّ ثَناؤُكَ وَلا اِلٰهَ غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني تابِعاً لِصالِحِ مَنْ مَضىٰ مِنْ اَوْلِيائِكَ
و بزرگست ستودن تو و نیست سزاوار پرستش غیر تو خداوندا بگردان مرا پیرو نیکوکار انکه گذشته است از دوستان تو

وَاَلْحِقْني بِهِمْ وَاجْعَلْني مُسَلِّماً لِمَنْ قالَ بِالصِّدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ فَاَعُوذُ بِكَ اَللّٰهُمَّ اَنْ تُحيطَ
و بگردان مرا منقاد برانکه گوینده براستی بر تو از ایشان و پناه میبرم بتو خداوندا از انکه فرو گیرد

بي خَطيئَتي وَظُلْمي وَاِسْرافي عَلىٰ نَفْسي وَاتِّباعي لِهَوايَ وَاشْتِغالي بِشَهَواتي
مرا گناه من و ستم من و تعدی من بر نفس خود و پیروی من مر خواهش خود را و مشغول شدن من بخواهشهای خود

فَيَحُولَ ذٰلِكَ بَيْني وَبَيْنَ رَحْمَتِكَ وَرِضْوانِكَ فَاَكُونَ مَنْسِيّاً عِنْدَكَ
پس حائل شود آن میان من و میان رحمت تو و خشنودی تو پس بوده باشم فرو گذاشته شده نزد تو

مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَنِقْمَتِكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْني لِكُلِّ عَمَلٍ صالِحٍ تَرْضىٰ بِهِ عَنّي
فرا پیش آینده مر غضب ترا و عذاب ترا خداوندا توفیق ده مرا برای هر کردار شایسته که خشنود شوی بآن از من

وَقَرِّبْني اِلَيْكَ زُلْفىٰ اَللّٰهُمَّ كَما كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّداً صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ
و نزدیک گردان مرا بسوی خود نزدیکی خداوندا چنانچه دفع کردی از پیغمبر خود محمد که رحمت فرستد خدا بر او

وَآلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ وَفَرَّجْتَ هَمَّهُ وَكَشَفْتَ غَمَّهُ وَصَدَقْتَهُ وَعْدَكَ
و آل او شدت دشمن او را و گشودی اندوه او را و زایل کردی غم او را و درست نمودی برای او وعده خود را

وَاَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ اَللّٰهُمَّ فَبِذٰلِكَ فَاكْفِني هَوْلَ هٰذِهِ السَّنَةِ وَآفاتِها
و روا کردی برای او عهد خود را خداوندا پس بآن روش پس دفع کن از من شدت این سال را و بلاهای آنرا

وَاَسْقامَها وَفِتْنَتَها وَشُرُورَها وَاَحْزانَها وَضيقَ الْمَعاشِ فيها وَبَلِّغْني
و بیماریهای آنرا و آشوب آنرا و گزند آنرا و اندوههای آنرا و تنگی معاش را در آن و برسان مرا

بِرَحْمَتِكَ كَمالَ الْعافِيَةِ بِتَمامِ دَوامِ النِّعْمَةِ عِنْدي اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي اَسْاَلُكَ
بسبب رحمت خود بکمال عافیت بتمامی همیشه بودن نعمت نزد من تا آخر مدت عمر من سؤال میکنم ترا

سُؤالَ مَنْ اَساءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكانَ وَاعْتَرَفَ وَاَسْاَلُكَ اَنْ تَغْفِرَ لي ما
مانند سؤال کسی که بد کرده و ستم نموده و فروتنی کرده و اعتراف نموده بگناهان و تقصیرات و در میخواهم از تو اینکه بیامرزی برای من آنچه

مَضىٰ مِنَ الذُّنُوبِ الَّتي حَصَرَتْها حَفَظَتُكَ وَاَحْصَتْها كِرامُ مَلائِكَتِكَ
که گذشته از گناهانی که فرا گرفته آنها را فرشتگان نویسنده گان و شمرده آنها را بزرگواران فرشتگان تو

عَلَيَّ وَاَنْ تَعْصِمَني اِلٰهي مِنَ الذُّنُوبِ فيما بَقِيَ مِنْ عُمْري اِلىٰ مُنْتَهىٰ اَجَلي
بر من و انکه نگهداری مرا ای خدای من از گناهان در آنچه باقی مانده از عمر من تا آخر اجل من

يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا رَحيمُ صَلِّ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَآتِني كُلَّ
ای خدا ای بخشاینده ای مهربان رحمت بفرست بر محمد و خانواده محمد و عطا کن مرا هر

ما سَاَلْتُكَ وَرَغِبْتُ اِلَيْكَ فيهِ فَاِنَّكَ اَمَرْتَني بِالدُّعاءِ وَتَكَفَّلْتَ لي
آنچه سؤال کردم از تو و رغبت نمودم بسوی تو در آن پس بدرستی که تو امر کردی مرا بدعا و ضامن شدی برای من

بِالْاِجابَةِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ **فصل پنجم** در اعمال هر شب و هر روز
اجابت کردن مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان
ماه مبارک رمضان است از حضرت صادق

نبند

وکاظم علیهما السلم منقول است که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوا

یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله

ای بلند مرتبه ای بزرگ ای آمرزنده ای مهربان توئی پروردگار بزرگ مرتبه که نیست مانند آن چیزی

شئ و هو السمیع البصیر و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته

و اوست شنوای بینا و این ماه ماهیست که بزرگ گردانیدی آنرا و گرامی داشتی آنرا و زیادتی دادی آنرا

و فضلته علی الشهور و هو الشهر الذی فرضت صیامه علی و هو

بر ماهها و آن ماهیست که واجب کردی روزه داشتن آنرا بر من و آن

هدی للناس

شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن و بینات من الهدی و الفرقان

ماه رمضانست که فرو فرستادی در آن قرآنرا در حالتی که راهنمای آدمیانست و معجزاتست روشن از راهنما و جدا کنندهٔ حق از باطل

و جعلت فیه لیلة القدر و جعلتها خیرا من الف شهر فیا ذا المن

و گردانیدی در آن شب قدر را و گردانیدی آن شب را بهتر از هزار ماه پس ای خداوند عطا

و لا یمن علیک من علی بفکاک رقبتی من النار فیمن تمن علیه

و آنکه منت نهاده نشود بر تو بخشش کن بر من بخلاص نمودن گردن من از آتش در زمرهٔ آنانکه بخشش نمائی بر ایشان

و ادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین و دعای بسیار خوبیست

در آور مرا در بهشت برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان و اقلا شبی یکبار خوبست

خوانده شود و بسند صحیح منقول است که هر که در هر شب این ماه مبارک

این دعا بخواند گناه چهل ساله او آمرزیده شود اللهم رب شهر

خداوندا ای پروردگار ماه

رمضان الذی انزلت فیه القرآن و افترضت علی عبادک فیه

رمضان که فرو فرستادی در آن قرآنرا و واجب ساختی بر بندگان خود در آن

الصیام صل علی محمد و آل محمد و ارزقنی حج بیتک الحرام فی عامی هذا

روزه داشتن رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و روزی کن مرا حج خانهٔ محترم خود در سال من این

و فی

و فی کل عام و اغفر لی تلک الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرک یا رحمن

و در هر سالی و بیامرز برای من آن گناهان بزرگ را زیرا که بتحقیق نمی‌آمرزد آن گناهانرا غیر تو ای بخشاینده

یا علام و ایضا هر شب هزار مرتبه سوره انا انزلناه سنت است خواندن و صد مرتبه صدم

ای بغایت دانا سوره حم دخان اگر میسر شود و سحور خوردن در سحر هر شب ماه مبارک

مستحب است و از حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله منقول است که ترک نکنند

امت من سحور خوردن را اگرچه یکدانه خرمای زبون باشد و ایضا از آنحضرت

منقول است که حق تعالی و ملائکه صلوات میفرستند بر آنها که استغفار میکنند

در سحرها و سحور میخورند پس سحور بخورید اگرچه یک شربت آب باشد و بهترین

سحورها قاووت و خرما و ایضا فرمود که سحور بخورید اگرچه بجرعهٔ آبی باشد و خدا

صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان و از جملهٔ حضرت صادق ع

منقول است که هر که سوره انا انزلناه در وقت سحور و در وقت افطار بخواند

در ما بین این دو حالت ثواب کسی داشته باشد که در راه خدا شهید شده

باشد و در خون خود غلطیده باشد و گفته اند که اگر نیت روزه را بعد از سحور

بکند بهتر است و از اول شب تا آخر شب نیت میتوان کرد و همین که میداند

و قصد دارد که فردا روزه میگیرد و از برای خدا میگیرد بس است و اما آداب

افطار سنت است که اول نماز شام را بکند بعد از آن افطار کند مگر آنکه جمعی انتظار

او برند یا آنکه گرسنگی یا تشنگی بر او غالب باشد و مانع حضور قلب او باشد

در نماز که در این دو صورت افطار را مقدم داشتن بهتر است و در وقت افطار

سوره انا انزلناه خواندن سنت است چنانچه دانستی و از حضرت رسول ص

منقول است که هر که در وقت افطار بگوید یا عظیم یا عظیم انت الهی لا اله لی

ای بزرگ ای بزرگ توئی خدای من نیست خدائی مرا

غَیرُكَ اغْفِرْلِیَ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذَّنْبَ الْعَظِیمَ اِلاّ الْعَظِیمُ ازکناهان
غیر تو بیامرز برای من گناه بزرگ را به رستی نمی آمرزد گناه بزرگ را کمر بزرگ
بیرون رود
مانند روزی که از مادر متولد شده است و از حضرت امام حسن ع منقول است
که هر روزه دار را دعای مستجابی هست پس باید در لقمه اول بِسْمِ اللهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ
بنام خدای بخشنده مهربان
یا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ اغْفِرْلِی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام موسی ع منقول است
که در وقت افطار بگو اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْتُ وَعَلیٰ رِزْقِكَ اَفْطَرْتُ وَعَلَیْكَ تَوَكَّلْتُ
بار خدایا برای تو روزه داشتم و بر روزی تو روزه گشودم و بر تو کذاشتم کار خود را
تا خدا عطا کند بتو ثواب هر کس را که در این روز روزه داشته است و در روایت دیگر منقول است
که حضرت امیر المؤمنین ع در وقت افطار بدو زانو می نشستند چون خوان می کشیدند
اَللّٰهُمَّ لَكَ صُمْنا وَعَلیٰ رِزْقِكَ اَفْطَرْنا فَتَقَبَّلْهُ مِنّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ
بار خدایا برای تو روزه داشتیم و بر روزی تو روزه گشودیم پس بپذیر آن را از ما بدرستیکه توئی شنوای دانا
و در احادیث معتبره وارد شده است که حضرت رسالت پناه ص افطار میکردند
بر خرما و آب یا بر رطب و آب و در حدیث دیگر منقول است که آنحضرت در وقت
افطار ابتدا بحلوا میفرمودند و اگر نمی یافتند بنبات یا قند یا خرما افطار میکردند
و اگر حاضر نبود بآب نیم گرم افطار میکردند و میفرمودند که آب نیم گرم پاک میکند
معده را و قوت میدهد حدقه را و بینائی را زیاد میکند و گناهان را میشوید و عروق را
ساکن میگرداند و صفرای غالب را فرو مینشاند و قطع میکند بلغم را و اطفاء حرارت
میکند و صداع را برطرف میکند و ایضا از حضرت رسول ص منقول است که هر که
بر خرمای حلالی افطار کند ثواب نمازش چهار صد برابر مضاعف گردد و از
حضرت صادق ع منقول است که افطار کردن بآب گناهان دل را میشوید

و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع دوست میداشت که افطار
فرماید بشیر و از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که در وقت افطار یك
گرده نان تصدق کند بر مسکینی خدا بیامرزد گناهان او را و ثواب یك بنده آزاد
کردن از فرزندان اسمعیل در نامه عمل او نوشته شود و بهترین اعمال در روزها و شبهای
ماه مبارك رمضان تلاوت قرآنست و بسیار باید خواند چون قرآن در این ماه
نازل شده است و در حدیث است که هر چیزی را بهاریست و بهار قرآن ماه
رمضان است و در ماههای دیگر در ماهی یکختم قرآن سنت است و اقلش
شش روز است و در ماه مبارك رمضان هر سه روز یکختم سنت است و اگر هر
روز یکختم تواند کرد خوبست و در حدیث است که بعضی از ائمه علیهم السلام در این ماه
چهل ختم و زیاده میکرده اند و اگر هر ختمی ثوابش را بروح مقدس امامی از ائمه
علیهم السلام و رسول خدا و فاطمه زهرا صلوات الله علیهما هدیه کند ثوابش مضاعف
میگردد و صلوات بر محمد و آل او بسیار باید فرستاد و استغفار بسیار باید
کرد و لا اله الا الله بسیار باید گفت و نافلههای شب و روز را ترك نباید کرد
و در شبهای طاق ماه مبارك غسل سنت است خصوصا شب اول و پانزدهم
و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم و در دهه آخر در شبهای
جفت نیز غسل سنت است خصوصا شب آخر و در روایتی وارد شده است
که در جمیع ماه در هر شب غسل مستحب است و بسند معتبر از حضرت صاحب الامر ع
منقول است که بشیعیان نوشتند که در هر شب ماه مبارك رمضان این دعا را بخوانید
که دعای این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند دعا این است
اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ بِحَمْدِكَ وَاَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوابِ بِمَنِّكَ وَاَیْقَنْتُ
خداوندا بدرستی که من می کنم ثنا را بسپاس تو و تو توفیق میدهی برای صواب بنعمت خود

إنك أنت أرحم الراحمين في موضع العفو والرحمة وأشد المعاقبين في
اکه بتحقیق تو توئی بخشنده‌ترین بخشندگان در جایگاه عفو ورحمت وسخت گیرنده‌ترین عقوبت کنندگان در

موضع النكال والنقمة وأعظم المتجبرين في موضع الكبرياء والعظمة
جایگاه عقوبت وعذاب وبزرگتر بزرگوارانی درجایگاه بزرگواری وعظمت

اللهم أذنت لي في دعائك ومسألتك فاسمع يا سميع مدحتي وأجب
خداوندا دستوری دادی مرا خواندن تو ودرخواستن از خود پس بشنو ای شنونده ثنای مرا وبپذیر

يا رحيم دعوتي وأقل يا غفور عثرتي فكم يا إلهي من كربة قد فرجتها
ای مهربان دعای مرا ودرگذر ای آمرزنده از لغزش من پس چه بسیار ای خدای من از اندوه را بتحقیق گشودی آنرا

وهموم قد كشفتها وعثرة قد أقلتها ورحمة قد نشرتها وحلقة بلاء
وغمها که بتحقیق بتحقیق گشودی آنها را ولغزش که بتحقیق درگذشتی از آن ورحمت که بتحقیق پهن کردی آنرا وحلقه بلا را

قد فككتها الحمد لله الذي لم يتخذ صاحبة ولا ولدا ولم يكن له شريك
بتحقیق گشودی آنرا سپاس مر خدایرا که فرا نگرفت هیچ زنی ونه فرزندی ونیست برای او هیچ انبازی

في الملك ولم يكن له ولي من الذل وكبره تكبيرا الحمد لله بجميع محامده
در پادشاهی ونیست برای او هیچ یاوری بجهت مذلت وبزرگی یاد کن او را بزرگی یاد کردن سپاس مر خدایرا بهمه ستایشهای او

كلها على جميع نعمه كلها الحمد لله الذي لا مضاد له في ملكه ولا منازع
تمام آنها برهمه نعمتهای او همه آنها سپاس مر خدایرا که نیست مخالفت کننده مر او را در پادشاهی ونه خصومت نماینده

له في أمره الحمد لله الذي لا شريك له في خلقه ولا شبيه له في عظمته
مر او را در امر او سپاس مر خدایرا که نیست انبازی برای او در آفرینش او ونه مانندی برای او در بزرگی او

الحمد لله الفاشي في الخلق أمره وحمده الظاهر بالكرم مجده الباسط
سپاس مر خدایرا که منتشر است در میان خلق فرمان او وسپاس او وهویداست بنوازش بزرگی او گشاده است

بالجود يده الذي لا تنقص خزائنه ولا ~~تنقص خزائنه~~ تزيده
بخشش دست او آن خدائی که کم نمیگردد خزانه او وزیاد نمیکند او را

كثرة العطاء إلا جودا وكرما إنه هو العزيز الوهاب اللهم
بسیاری عطا مگر بخشش وبزرگواری بدرستیکه اوست ارجمند بسیار بخشنده خداوندا

إني أسألك قليلا من كثير مع حاجة بي إليه عظيمة وغناك عنه
بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اندکی از بسیار با احتیاج من بسوی آن احتیاج بزرگ وبینیازی تو از آن

قديم وهو عندي كثير وهو عليك سهل يسير اللهم إن عفوك
دیرینه است وآن نزد من بسیار است وآن بر تو سهلست واندک خداوندا بدرستیکه عفو تو

عن ذنبي وتجاوزك عن خطيئتي وصفحك عن ظلمي وسترك على
از گناه من وتجاوز تو از خطای من ودرگذشتن تو از ظلم من وپوشانیدن تو بر

قبيح عملي وحلمك عن كثير جرمي عند ما كان من خطاي وعمدي
کردار زشت من وبردباری تو از بسیار گناه من نزد آنچه یافت شده از خطای من وعمد من

أطمعني في أن أسألك ما لا أستوجبه منك الذي رزقتني
بطمع انداخته مرا در آنکه سؤال کنم از تو آنچه نیستم سزاوار آن از تو آنچیزی که روزی مرا

من رحمتك وأريتني من قدرتك وعرفتني من إجابتك فصرت
از رحمت تو ونمودی مرا از توانائی خود وشناساندی مرا از اجابت خود پس گردیدم

أدعوك آمنا وأسألك مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك
میخوانم ترا با ایمنی ودر میخواهم از تو انس دارنده نه ترسان ونه بیمناک نازکننده بر تو

فيما قصدت فيه إليك فإن أبطأ عني عتبت بجهلي عليك ولعل الذي
در آنچه آهنگ کردم در آن بسوی تو پس اگر درنگ نمود از من عتاب نمودم بنادانی بر تو وامید است که آنچه

ابطا عني هو خير لي لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولى كريما

دیر کرد در رسیده از من آن بهتر باشد برای من بجهت علم تو بآخر کارها پس ندیده‌ام سید بزرگواری

اصبر على عبد لئيم منك علي يا رب انك تدعوني فاولي عنك

صبر کننده‌تر بر بندهٔ سفله از تو بر من ای پروردگار من بدرستی که تو میخوانی مرا پس رو میگردانم از تو

وتتحبب الي فاتبغض اليك وتتودد الي فلا اقبل منك كان

و دوستی میکنی بسوی من پس دشمنی میکنم بسوی تو و مهربانی میکنی بسوی من پس قبول نمیکنم از تو گویا

لي التطول عليك فلم يمنعك ذلك من الرحمة بي والاحسان

مرا است منت بر تو پس باز نداشت ترا آن از مهربانی بمن و احسان

الي والتفضل علي بجودك وكرمك فارحم عبدك الجاهل

بسوی من و بخشش بر من ببخشش خود و بزرگواری خود پس رحم کن بندهٔ نادان خود را

وجد عليه بفضل احسانك انك جواد كريم الحمد لله مالك الملك

و بخشش کن بر او بزیادتی بخشش بدرستی که تو بخشندهٔ بزرگواری سپاس مر خدایرا که خداوند پادشاهی

مجري الفلك مسخر الرياح فالق الاصباح ديان الدين رب العالمين

روان سازندهٔ کشتی رام سازندهٔ بادها شکافندهٔ سپیده دم دهندهٔ جزا پروردگار جهانیانست

الحمد لله على حلمه بعد علمه والحمد لله على عفوه بعد قدرته والحمد لله

سپاس مر خدایرا بر بردباری او پس از علم او و سپاس مر خدایرا بر عفو او پس از توانائی او و سپاس مر خدایرا

على طول اناته في غضبه وهو القادر على ما يريد الحمد لله خالق

بر درازی مدارای او در غضب خود و حال آنکه او توانا است بر آنچه اراده نماید سپاس مر خدایرا آفرینندهٔ

الخلق وباسط الرزق فالق الاصباح ذي الجلال والاكرام والفضل

خلق و فراخ سازندهٔ روزی شکافندهٔ صبح خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش

ثم لم ز

قادر ن

والانعام

والانعام الذي بعد فلا يرى وقرب فشهد النجوى تبارك وتعالى

و نعمت دادن آن خدائی که دور است پس دیده نشود و نزدیک است پس حاضر است بهر راز منزه است خدا و برتر است و

الحمد لله الذي ليس له منازع يعادله ولا شبيه يشاكله ولا ظهير

سپاس مر خدایرا که نیست مر او را کوشنده‌ای که برابری کند او را و نه مانندی که مانند او را و نه ممدی که

يعاضده قهر بعزته الاعزاء وتواضع لعظمته العظماء فبلغ بقدرته

مدد کند او را قهر و غلبه کرده بعزت خود بر غلبه دارندگان و فروتنی نموده برای بزرگی او بزرگان پس رسیده است بتوانائی خود

ما يشاء الحمد لله الذي يجيبني حين اناديه ويستر علي كل عورة

آنچه را که خواهد سپاس مر خدایرا که اجابت میکند مرا هنگامی که بخوانم او را و میپوشد بر من هر زشتی را و حال آنکه

وانا اعصيه ويعظم النعمة علي فلا اجازيه فكم من موهبة هنيئة

من نافرمانی میورزم او را و بزرگ میکند نعمت را بر من پس شکر نمیکنم او را پس چه بسیار از بخشش گوارا که

قد اعطاني وعظيمة مخوفة قد كفاني وبهجة مونقة قد اراني فاثني

بتحقیق بخشید مرا و بلای بزرگ بیم نموده شده که بتحقیق دفع نمود از من و نیکوئی بعجب آورنده بتحقیق نمود مرا پس ستایش میکنم

عليه حامدا واذكره مسبحا الحمد لله الذي لا يهتك حجابه ولا

او را حال آنکه سپاس کننده‌ام و یاد میکنم او را سپاس مر خدایرا که دریده نمیشود پردهٔ او و بسته

يغلق بابه ولا يرد سائله ولا يخيب امله الحمد لله الذي يؤمن

نمیشود درگاه او و برگردانیده نمیشود درخواهنده او و ناامید نمیگردد آرزومند او و سپاس مر خدایرا که ایمنی بخشد

الخائفين وينجي الصالحين ويرفع المستضعفين ويضع المستكبرين

ترسناکانرا و میرهاند شایستگانرا و برمیدارد ناتوانانرا و پست میسازد گردنکشانرا

ويهلك ملوكا ويستخلف آخرين والحمد لله قاصم الجبارين مبير الظالمين

و نیست میکند پادشاهانرا و جانشین میکند دیگرانرا و سپاس مر خدایرا درهم شکنندهٔ متکبران هلاک سازندهٔ ستمکاران

شبیه ز

٥٥١

مُدرِكَ الهارِبينَ نَكالَ الظّالِمينَ صَريخَ المُستَصرِخينَ مَوضِعَ حاجاتِ الطّالِبينَ
دریابنده گریزندگان عذاب کننده ستمکاران دادرس دادخواهان قرارگاه حاجتهای سؤال کنندگان

مُعتَمَدَ المُؤمِنينَ اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذي مِن خَشيَتِهِ تَرعَدُ السَّماءُ وَسُكّانُها وَ
اعتماد کرده شده گروندگان سپاس مر خدایرا که از ترس او مضطربست آسمان و قرار گرفتگان آن و

تَرجُفُ الاَرضُ وَعُمّارُها وَتَمُوجُ البِحارُ وَمَن يَسبَحُ في غَمَراتِها اَلحَمدُ
میلرزد زمین و ساکنان آن و آشوب میکند دریاها و آنکه شنا میکند در گردابهای آن سپاس

لِلّهِ الَّذي هَدانا لِهذا وَما كُنّا لِنَهتَدِيَ لَولا اَن هَدانَا اللّهُ اَلحَمدُ
مر خدایرا که راه نمود ما را باین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نه نمیبود اینکه راه نمود ما را خدا سپاس

لِلّهِ الَّذي يَخلُقُ وَلَم يُخلَق وَيَرزُقُ وَلا يُرزَقُ وَيُطعِمُ وَلا يُطعَمُ وَ
مر خدایرا که آفریند و آفریده نشده و روزی میدهد و روزی داده نمیشود و میخوراند و خورانیده نشود و

يُميتُ الاَحياءَ وَيُحيِي المَوتى وَهُوَ حَيٌّ لا يَمُوتُ بِيَدِهِ الخَيرُ وَهُوَ عَلى
و میمیراند زندگان را و زنده میکند مردگان را و او زنده ایست که نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر

كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ عَبدِكَ وَرَسُولِكَ وَاَمينِكَ وَصَفِيِّكَ
هر چیزی تواناست خداوندا رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و امانت دارنده تو و برگزیده تو

وَحَبيبِكَ وَخِيَرَتِكَ مِن خَلقِكَ وَحافِظِ سِرِّكَ وَمُبَلِّغِ رِسالاتِكَ
و دوست تو و اختیار کرده شده تو از خلق تو و نگاه دارنده راز تو و رساننده پیغامهای تو

اَفضَلَ وَاَحسَنَ وَاَجمَلَ وَاَكمَلَ وَاَزكى وَاَنمى وَاَطيَبَ وَاَطهَرَ وَاَسنى
زیادتر و نیکوتر و بهتر و تمامتر و طاهرتر و افزایش کننده‌تر و پاکتر و پاکیزه‌تر و بلند پایه‌تر

وَاَكثَرَ ما صَلَّيتَ وَبارَكتَ وَتَرَحَّمتَ وَتَحَنَّنتَ وَسَلَّمتَ عَلى اَحَدٍ مِن
و بیشتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت و ترحم نمودی و مهربانی کردی و درود فرستادی بر یکی از

عبادکا

عِبادِكَ وَاَنبِيائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفوَتِكَ وَاَهلِ الكَرامَةِ عَلَيكَ مِن
بندگان خود و پیغمبران خود و فرستادگان خود و برگزیدگان خود و آنانکه گرامی اند بر تو از

خَلقِكَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلى عَلِيٍّ اَميرِ المُؤمِنينَ وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ العالَمينَ
از خلق تو خداوندا رحمت فرست بر علی پادشاه گروندگان و وصی رسول پروردگار جهانیان

عَبدِكَ وَوَلِيِّكَ وَاَخي رَسُولِكَ وَحُجَّتِكَ عَلى خَلقِكَ وَآيَتِكَ الكُبرى
بنده تو و دوست تو و برادر رسول تو و حجت تو بر آفریدگان تو و نشانه بزرگ تو

وَالنَّبَاِ العَظيمِ وَصَلِّ عَلَى الصِّدّيقَةِ الطّاهِرَةِ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ العالَمينَ
و خبر بزرگ و رحمت فرست بر همیشه راستگوی پاک فاطمه بزرگ زنان جهانیان

وَصَلِّ عَلى سِبطَيِ الرَّحمَةِ وَاِمامَيِ الهُدىَ الحَسَنِ وَالحُسَينِ سَيِّدَي
و رحمت فرست بر دو فرزند او رحمت و پیشوای راهنمای حسن و حسین دو بزرگ

شَبابِ اَهلِ الجَنَّةِ وَصَلِّ عَلى اَئِمَّةِ المُسلِمينَ عَلِيِّ بنِ الحُسَينِ وَمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ
جوانان اهل بهشت و رحمت فرست بر پیشوایان مسلمانان علی پسر حسین و محمد پسر علی

وَجَعفَرِ بنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بنِ جَعفَرٍ وَعَلِيِّ بنِ مُوسى وَمُحَمَّدِ بنِ عَلِيٍّ وَعَلِيِّ
و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر علی و علی

بنِ مُحَمَّدٍ وَالحَسَنِ بنِ عَلِيٍّ وَالخَلَفِ الهادِي المَهدِيِّ حُجَجِكَ عَلى عِبادِكَ
پسر محمد و حسن پسر علی و جانشین راهنمای راه یافته حجتهای تو بر بندگان تو

وَاُمَنائِكَ في بِلادِكَ صَلوةً كَثيرَةً دائِمَةً اَللّهُمَّ وَصَلِّ عَلى وَلِيِّ اَمرِكَ القائِمِ
و امانت داران تو در شهرهای تو رحمت بسیار پیوسته خداوندا و رحمت فرست بر خداوند امر خود بر پای ایستاده

المُؤَمَّلِ وَالعَدلِ المُنتَظَرِ وَحُفَّهُ بِمَلائِكَتِكَ المُقَرَّبينَ وَاَيِّدهُ بِرُوحِ القُدُسِ
امید داشته شده و داد خواه انتظار برده شده و فرا گیر بفرشتگان خود که نزدیکانند و قوت ده او را بروح القدس

يا رب العالمين اللهم اجعله الداعي الى كتابك والقائم بدينك استخلفه

ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان اورا خواننده بسوی کتاب خود و برپا دارنده دین خود خلیفه گردان اورا

في الارض كما استخلفت الذين من قبله مكن له دينه الذي ارتضيته له

در زمین چنانچه خلیفه گردانیدی آنانرا که بودند پیش از وی و جای ده برای او دین اورا که پسندیدی برای او

ابدله من بعد خوفه امنا يعبدك لا يشرك بك شيئا اللهم اعزه

بدل آور برای او از پس بیم او ایمنی بپرستند ترا شریک نمیگردانند با تو چیزی خداوندا غالب گردان اورا

واعزز به وانصره وانتصر به وانصره نصرا عزيزا وافتح له فتحا

و غالب گردان بسبب او مؤمنانرا و یاری کن اورا و انتقام کش بسبب او و یاری کن اورا یاری ارجمندی و بگشا برای او گشودن

يسيرا واجعل له من لدنك سلطانا نصيرا اللهم اظهر به دينك وسنة

آسانی و بگردان برای او از نزد خود حجتی یاری نماینده خداوندا ظاهر کن بسبب او دین خود را و طریقه

نبيك حتى لا يستخفي بشيء من الحق مخافة احد من الخلق اللهم انا نرغب اليك

پیغمبر خود را تا آنکه پنهان ندارد چیزی از حق را از ترس احدی از آفریدگان خداوندا بدرستیکه ما خواهشمندیم بسوی تو

في دولة كريمة تعز بها الاسلام واهله وتذل بها النفاق واهله و

در دولت گرامی که عزیز داری بآن اسلام و اهل اورا و خوار سازی بسبب آن نفاق و اهل آنرا و

تجعلنا فيها من الدعاة الى طاعتك والقادة الى سبيلك وترزقنا بها

بگردانی ما را در آن از خوانندگان بسوی طاعت خود و کشندگان بسوی راه خود و روزی کنی ما را بسبب آن

كرامة الدنيا والآخرة اللهم ما عرفتنا من الحق فحملناه وما قصرنا

کرامت اینجهان و آنجهان خداوندا آنچه شناسانیدی ما را از حق پس بارکن بر ما آنرا و آنچه باز ماندیم

عنه فبلغناه اللهم المم به شعثنا واشعب به صدعنا وارتق به فتقنا ٨٥

از آن پس برسان ما را بآن خداوندا فراهم آور بسبب او پراکندگی ما و بهم آور بسبب او شکافته ما را و التیام ده بسبب او جدا شده ما را

وكثر

وكثر به قلتنا واعزز به ذلتنا واغن به عائلنا واقض به عن مغرمنا و

و بسیار کن با او کمی ما را و ارجمند ساز با او خواری ما را و بی‌نیاز کن بسبب او نیازمندان ما را و ادا کن بسبب او صاحب دین ما و

اجبر به فقرنا وسد به خلتنا ويسر به عسرنا وبيض به وجوهنا وفك

تدارک کن با او احتیاج ما و مسدود کن با او راه حاجت ما را و آسان کن بسبب او مشکل ما را و روشن کن بسبب او روهای ما و رفع کن

به اسرنا وانجح به طلبتنا وانجز به مواعيدنا واستجب به دعوتنا

بسبب او گرفتاری ما را و روا کن بسبب او حاجت ما را و وفا کن بسبب او وعده‌های ما را و بپذیر بحرمت او دعاهای ما را و

واعطنا به سؤلنا وبلغنا به من الدنيا والآخرة آمالنا واعطنا به فوق

و عطا کن بسبب او مسئول ما را و برسان ما را بسبب او از دنیا و آخرت آرزوهای ما و عطا کن ما را بحرمت او بالای

رغبتنا يا خير المسؤولين واوسع المعطين اشف به صدورنا واذهب

خواهش ما ای بهترین سؤال کرده‌شدگان و فراگیرنده‌ترین بخشندگان شفا ده بسبب او سینه‌های ما را و ببر بسبب

به غيظ قلوبنا واهدنا به لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدي

او خشم دلهای ما را و راهنمایی کن ما را بسبب او آنچه اختلاف کرده شده در آن از امر حق برخصت خود بدرستیکه تو هدایت میکنی

من تشاء الى صراط مستقيم وانصرنا به على عدوك وعدونا اله

آنرا که میخواهی بسوی راه راست و یاری ده ما را بسبب او بر دشمن خود و دشمن ما ای خدای

الحق آمين اللهم انا نشكو اليك فقد نبينا صلواتك عليه وآله وغيبة

بحق بپذیر دعای ما را خداوندا بدرستیکه ما شکایت میکنیم بسوی تو از نیافتن پیغمبر خود رحمتهای تو بر او و آل او باد و پنهانی

ولينا وكثرة عدونا وقلة عددنا وشدة الفتن بنا وتظاهر الزمان

صاحب اختیار ما و بسیاری دشمن ما و کمی شمار ما و سخت شدن آشوبها بما و یاری دادن زمانه

علينا فصل على محمد وآله واعنا على ذلك كله بفتح تعجله وبضر وآل محمد

بر ما پس رحمت بفرست بر محمد و آل او و مدد کن ما را بر آن بگشایش و شتاب کنی آنرا و بگزندی

تكشفه ونصر تعزه وسلطان حق تظهره ورحمة منك تجللناها و
که رفع نمائی آنرا و یاری که غالب گردانی آنرا و پادشاهی بحق که ظاهر سازی او را و رحمتی از خود که فرو گیری ما را آن و

عافية منك تلبسناها برحمتك يا ارحم الراحمين وبسند بسيار معتبر بلكه صحيح
عافیتی از خود که بپوشانی ما را آن به بخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان — از حضرت صادق منقول است

که در هر شب ایماه مبارك این دعا را بخوانند اللهم انى اسئلك ان تجعل
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی

فيما تقضى وتقدر من الامر المحتوم فى الامر الحكيم من القضاء الذى لا يرد .
در جمله آنچه حکم کرده و تقدیر نموده از امری واجب گردیده در امر موافق حکمت از آن حکمی که بر نگردد .

ولا يبدل ان تكتبنى من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم المشكور
و بدل کرده نشود اینکه بنویسی مرا در حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته باشد حج ایشان جزا داده

سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عن سيئاتهم وان تجعل فيما تقضى و
حرکت ایشان آمرزیده شده گناهان ایشان در گذشته شده از بدیهای ایشان و اینکه بگردانی در جمله آنچه حکم کنی و

تقدر ان تطيل عمرى فى خير وعافية وتوسع فى رزقى وتجعلنى ممن
اندازه کنی اینکه دراز کنی عمر مرا در نیکوئی و عافیت و فراخ کنی در روزی من و بگردانی مرا از آنکه

تنتصر به لدينك ولا تستبدل بى غيرى واين دعا عالية المضامين نيز در هر شب
انتقام کشی بسبب ایشان برای دین خود و بدل نگیری از من غیر مرا — وارد شده است اللهم برحمتك
خداوندا برحمت خود

فى الصالحين فادخلنا وفى عليين فارفعنا وبكاس من معين من عين
در مردمان نیکان و داخل کن ما را در علیین پس بلند کن و بکاسی از شیرین از چشمه

سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن الولدان المخلدين
سلسبیل پس آب ده ما را و از سیاه دیدگان فراخ چشم برحمت خود پس زن ده ما را و از کودکان جاوید ماندگان

كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة ولحوم الطير فاطعمنا ومن
که گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خدمت بخش ما را و از میوه های بهشت و گوشتهای مرغ پس بخوران ما را و از

ثیا

٨٥

ثياب السندس والحرير والاستبرق فالبسنا وليلة القدر وحج
جامههای دیبای نازک و ابریشمین و دیبای سطبر پس بپوشان ما را برای دریافتن شب قدر و حج

بيتك الحرام وقتلا فى سبيلك فوفق لنا وصالح الدعاء والمسئلة
خانه محترم خود و کشتن در راه قرب خود پس توفیق ده ما را و شایسته دعا و سؤال را

فاستجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين يوم القيمة فارحمنا و
پس بپذیر برای ما و هرگاه فراهم آوری پیشینیان و پسینیان در روز رستخیز پس رحم کن ما را و

براءة من النار والامان من العذاب فاكتب لنا وفى جهنم فلا تغلنا
و بیزاری از آتش و امنیت از عذاب پس بنویس برای ما و در دوزخ پس غل مکن ما را

وفى عذابك وهوانك فلا تبتلنا ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا
و در عذاب خود و خواری از خود پس مبتلا مکن ما را و از میوه درخت زقوم زهردار پس مخوران ما را

ومع الشياطين فلا تجعلنا وفى النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن
و با دیوان پلید پس مگردان ما را و در آتش بر روهای ما پس میفکن ما را و از — تکبنا در

ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت
جامهای آتش و پیراهنهای قطران پس مپوشان ما را و از هر بدی ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو

بحق لا اله الا انت فنجنا واما دعاهای سحر بسند بسیار معتبر وارد شده
بحق کلمه لا اله الا انت پس برهان ما را — است که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که این

دعائی است که حضرت امام محمد باقر ع در سحرها میخواندند و میفرمودند که اگر
مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت آنرا هر آینه بشمشیر برای
طلب این دعا با یکدیگر قتال کنند و اگر سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این
دعاست راست گفته ام پس چون این دعا را بخوانید با اهتمام تمام و تضرع
بخوانید و از غیر اهلش پنهان دارید دعا این است اللهم انى اسئلك
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

مِنْ بَهائِكَ بِأَبْهاهُ وَكُلُّ بَهائِكَ بَهِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِبَهائِكَ كُلِّهِ
از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا به نیکوئی تو هر نیکوئی

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ جَمالِكَ بِأَجْمَلِهِ وَكُلُّ جَمالِكَ جَميلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستی که من

اَسْأَلُكَ بِجَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ جَلالِكَ بِأَجَلِّهِ وَكُلُّ
سؤال میکنم ترا ~~از بزرگی تو به بزرگترین آن~~ بنیکوئی تو هر نیکوئی خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی

جَلالِكَ جَليلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِجَلالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ
تو بزرگست خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ببزرگی تو هر بزرگی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم تر

مِنْ عَظَمَتِكَ بِأَعْظَمِها وَكُلُّ عَظَمَتِكَ عَظيمَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ
ا بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو

بِعَظَمَتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ نُورِكَ بِأَنْوَرِهِ وَكُلُّ نُورِكَ
بزرگی تو هر بزرگی خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از نور تو به روشن ترین آن و هر نور تو

نَيِّرٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِنُورِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ رَحْمَتِكَ
روشنست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بنور تو هر نوری خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو از رحمت تو

بِأَوْسَعِها وَكُلُّ رَحْمَتِكَ واسِعَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ كُلِّها
بفراگیرنده ترین آن و هر رحمتی از تو فراگیرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا برحمت تو هر رحمتی

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ كَلِماتِكَ بِأَتَمِّها وَكُلُّ كَلِماتِكَ تامَّةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از کلمهای تو بتمام ترین آنها و هر یک از کلمات تمامست خداوندا بدرستیکه

اَسْأَلُكَ بِكَلِماتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ كَمالِكَ بِأَكْمَلِهِ وَكُلُّ
سؤال میکنم ترا بکلمهای تو هر یک از آنها را خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا کمالهای تو بکاملترین آنها و هر

كَمالِكَ كامِلٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِكَمالِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ
کمال تو کاملست خداوندا بدرستی من سؤال ترا بکمال تو هر کمالی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا

مِن

مِنْ اَسْمائِكَ بِأَكْبَرِها وَكُلُّ اَسْمائِكَ كَبيرَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِاَسْمائِكَ
از نامهای تو بزرگترین آنها و هر یک از نامهای تو بزرگست خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا بنامهای تو

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ عِزَّتِكَ بِأَعَزِّها وَكُلُّ عِزَّتِكَ عَزيزَةٌ
هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از ارجمندی تو بارجمندترین آن و هر ارجمندی تو ارجمندست

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَشِيَّتِكَ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بارجمندی تو هر ارجمندی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از خواهش تو

بِأَمْضاها وَكُلُّ مَشِيَّتِكَ ماضِيَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِمَشِيَّتِكَ كُلِّها
بگذرکننده ترین آن و هر خواهشی از تو گذرنده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بمشیت تو هر مشیتی

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ قُدْرَتِكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي اسْتَطَلْتَ بِها عَلىٰ كُلِّ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از توانائی تو بآن توانائی که استیلا داری بآن بر هر

شَيْءٍ وَكُلُّ قُدْرَتِكَ مُسْتَطيلَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِقُدْرَتِكَ كُلِّها
چیز و هر توانائی تو مستولیست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بتوانائی تو هر توانائی

اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ عِلْمِكَ بِأَنْفَذِهِ وَكُلُّ عِلْمِكَ نافِذٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از دانش تو برواترین آن و هر دانش تو روانست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم

بِعِلْمِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ قَوْلِكَ بِأَرْضاهُ وَكُلُّ قَوْلِكَ
بدانش تو هر دانشی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتار تو

رَضِيٌّ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِقَوْلِكَ كُلِّهِ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ مَسائِلِكَ
پسندیده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از سؤالهای تو

بِأَحَبِّها اِلَيْكَ وَكُلُّ مَسائِلِكَ اِلَيْكَ حَبيبَةٌ اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِمَسائِلِكَ
بدوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک از آنها بسوی تو دوست داشته شده است خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بسؤالهای تو

وَكُلُّها ع

كُلِّها اَللّٰهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ مِنْ شَرَفِكَ بِأَشْرَفِهِ وَكُلُّ شَرَفِكَ شَريفٌ اَللّٰهُمَّ
هر یک از آنها خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از رفعت تو برفیع ترین آن و هر رفعتی از تو رفیع است خداوندا

اللهم اني اسالك بشرفك كله اللهم اني اسالك من سلطانك بادومه

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم برفعت تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو از سلطنت تو بهمیشه ترین آن

وكل سلطانك دائم اللهم اني اسالك بسلطانك كله اللهم اني

اسالك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم اني اسالك من علوك

باعلاه وكل علوك عال اللهم اني اسالك بعلوك كله اللهم اني اسالك

من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم اني اسالك بمنك كله اللهم

اني اسالك من اياتك باكرمها وكل اياتك كريمة اللهم اني اسالك باياتك

كلها اللهم اني اسالك بما انت فيه من الشان والجبروت واسالك

بكل شان وحده وجبروت وحدها اللهم اني اسالك بما تجيبني

بهر کاری که یگانه است و بهر بزرگواری که یگانه است آن خداوند بدرستی من سوال میکنم ترا بانچه اجابت کنی مرا

حين اسالك فاجبني يا الله پس هر حاجت که خواهد از حق تعالی بطلبد که

جبکاهی که سوال میکنم ترا پس اجابت کن مرا بخدا البته برآورده است واز جمله ادعیهٔ مشهوره

سحر دعایی است که شیخ طوسی ره و دیگران از ابو حمزهٔ ثمالی روایت کرده اند

که حضرت امام زین العابدین ع در شبهای ماه مبارک رمضان اکثر شب

را نماز میکردند و چون سحر میشد این دعا را میخواندند الهي لا تؤدبني

ای خدای من ادب مکن مرا

بعقوبتك

اللهم اني اسالك بملكك كله اللهم اني اسالك

بعقوبتك ولا تمكر بي في حيلتك من اين لي الخير يا رب ولا يوجد الا من

عندك ومن اين لي النجاة ولا تستطاع الا بك لا الذي احسن استغنى

عن عونك ورحمتك ولا الذي اساء واجترأ عليك ولم يرضك خرج عن

از یاری تو و رحمت تو و نه آنکه گناه کرده و دلیری نموده بر تو و خشنود ناخته ترا بیرون رفت از

قدرتك يا رب يا رب يا رب آنقدر بگوید که نفس قطع شود بك عرفتك وانت دللتني

قدرت و توانائی تو ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار بتو شناختم ترا و تو راه نمودی مرا

عليك ودعوتني اليك ولولا انت لم ادر ما انت الحمد لله الذي ادعوه فيجيبني

وان كنت بطيئا حين يدعوني والحمد لله الذي اساله فيعطيني وان كنت

بخيلا حين يستقرضني والحمد لله الذي اناديه كلما شئت لحاجتي واخلو

به حيث شئت لسري بغير شفيع فيقضي لي حاجتي والحمد لله الذي

لا ادعو غيره ولو دعوت غيره لم يستجب لي دعائي والحمد لله الذي

لا ارجو غيره ولو رجوت غيره لاخلف رجائي والحمد لله الذي وكلني

اليه فاكرمني ولم يكلني الى الناس فيهينوني والحمد لله الذي تحبب الي

برحمتك

ادعوه و

ارجوه و

وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتّٰى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ

و حال آنکه او بی نیاز است از من و سپاس مر خدا را که بردباری نمود از من تا بجائی که گویا نیست گناهی بر من پس پروردگار ستوده‌ترین چیز است

عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي اللّٰهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ

نزد من و سزاوارترست بسپاس من خداوندا بدرستی که من می‌یابم راههای مطلبها را بسوی تو گشوده و آبشخورهای

الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً وَالْاِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ

امید بسوی تو پر آب و یاری جستن را بر بخشش تو برای آنکه امید داد ترا حلال گردیده و درهای

الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِخِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَ

دعا را بسوی تو برای استغاثه نمایندگان گشوده و میدانم آنکه بتحقیق تو برای امیدواران در جایگاه اجابتی و

لِلْمَلْهُوفِ بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ

برای ستم رسیدگان و دادخواهان در انتظارگاه فریادرسی و آنکه بتحقیق در استغاثه بسوی بخشش تو و خشنودی بحکم تو

عِوَضًا عَنْ مَنْعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنَّ الرَّاحِلَ

عوضی از منع بخیلان و وسعت و بی‌نیازی از آنچه هست در دستهای آنانکه منفردند بتو الکری و آنکه بتحقیق

إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَحْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تَحْجُبَهُمُ الْآمَالُ

بسوی تو نزدیکست راه سلوک او و آنکه بتحقیق پنهان نیستی از خلق خود مگر آنکه حایل شود ایشانرا آرزوها

دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلِبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ

پیش از رسیدن بتو و بتحقیق آهنگ کردم بسوی تو بحاجت و رو آوردم بسوی تو در حاجت خود و گردانیدم

بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

بتو دادجوئی خود را و بخواندن تو وسیله‌جوئی خود را بی آنکه سزاوار باشم بپذیرفتن ترا از من

وَلَا اسْتِيجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِثِقَتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ

و نه آنکه مستوجب درگذشتن ترا از من بلکه از جهت اعتماد به بزرگواری تو و آرام گرفتن من بسوی راستی

وَعْدِكَ وَلَجَائِي إِلَى الْإِيمَانِ بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي

وعده تو و پناه آوردن من بسوی تصدیق بیگانگی تو و جزم داشتن بشناختم ترا اینکه

کذلک نسخهٔ ز

للراجین نسخه

فهو نسخه

کالاعمال نسخه

أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللّٰهُمَّ أَنْتَ

نیست پروردگاری برای من غیر تو و نیست سزاوار پرستش مگر تو در حالتی که یگانه‌ای نیست شریکی برای تو خداوندا توئی

الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ وَاسْأَلُوا اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ

گوینده و گفتار تو درست و وعدهٔ تو راستست و سؤال کنید خدا را از بخشش او بدرستی که

اللّٰهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ

خدا هست بر شما مهربان و نیست از صفتهای تو ای بزرگ من که امر کنی بسؤال

وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ

و باز داری بخشش را و توئی بسیار بخشنده بخششها بر اهل مملکت خود و مهربانی کننده بر ایشان

بِتَحَنُّنِ رَأْفَتِكَ إِلٰهِي رَبَّيْتَنِي فِي نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَنَوَّهْتَ بِاسْمِي

بزیادتی مهربانی خود خدای من پروردی مرا در نعمتهای خود و احسان خود و حال آنکه خورد بودم بلند گردانیدی نام مرا

كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعَمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ

در حال بزرگی من پس ای آنکه پروردم مرا در دنیا به نیکوئی خود و بخشش خود و نعمتهای خود و اشارت کرد مرا در آخرت

إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ

بسوی درگذشتن خود و بزرگواری خود و شناختن من ای آقای من دلالت کرد مرا بر تو و دوستی ترا شفاعت کننده منست بسوی تو

وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ

و من اعتماد دارم از دلیل خود بدلایل تو و اطمینان دارم از شفیع خود به پذیرفتن تو میخوانم ترا

يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ أُنَاجِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ

ای بزرگ من بزبانی که بتحقیق لنگ نمود او را گناه او پروردگار من راز میگویم ترا بدلی که بتحقیق هلاک کرده او را گناه او

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاجِيًا خَائِفًا إِذَا رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي

میخوانم ترا ای پروردگار من بیمناک خواهشمند امیدوار ترسان هرگاه بینم ای آقای من گناهان خود را

فَزِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ فَخَيْرُ رَاحِمٍ وَإِنْ

ترسان میشوم و هرگاه بینم بزرگواری ترا امیدوار میگردم پس اگر درگذری پس تو بهترین بخشندگانی و اگر

دلیلی نسخه

عفوت نسخه

عذّبتَ فغيرُ ظالمٍ حجّتي يا الله في جرأتي على مسألتك مع إتياني ما تكره
عذاب کنی پس نیستی ستمکار حجت من ای خدا در دلیری من بر سؤال کردن از تو با اتیان نمودن من بانچه ناخوش دارد تو

جودُك وكرمك وعُدّتي في شدّتي مع قلّة حيائي رأفتك ورحمتك
بخشش تو و بزرگواری تو و ذخیرهٔ من در حال سختی من با کمی شرم من مهربانی تو و بخشش تست

وقد رجوتُ أن لا تخيب بين ذين وذين منيتي فحقّق رجائي واسمع
و بتحقیق امیدوارم که نا امید نسازی میانهٔ آن دو تا و این دو تا آرزوی مرا پس ثابت دار امید مرا و بپذیر

دعائي يا خير من دعاه داعٍ وأفضل من رجاه راجٍ عظُم يا سيّدي أملي و
دعای مرا ای نیکوترکسی که خوانده است او را خواننده و بهتر کسی که امید داشته او را امیدواری بزرگ است ای آقای من آرزوی من و

ساء عملي فأعطني من عفوك بمقدار أملي ولا تؤاخذني بأسوء عملي فإنّ
بد است کردار من پس عطا کن مرا از درگذشتن خود باندازهٔ آرزوی من و فرا مگیر مرا به بدترین کردار من پس بدرستیکه

كرمك يجلّ عن مجازاة المذنبين وحلمك يكبر عن مكافاة المقصّرين
کرم تو بزرگوار است از سزا دادن گنهکاران و بردباری تو بزرگ است از پاداش دادن تقصیر کنندگان

وأنا يا سيّدي عائذ بفضلك هاربٌ منك إليك مستنجزٌ ما وعدتَ
و من ای آقای من پناه گیرنده ام ببخشش تو گریزانم از تو بسوی تو خواهانم روا کردن آنچه را که وعده فرمودی

من الصفح عمّن أحسن بك ظنّاً وما أنا يا ربّ وما خطري هبني بفضلك
از درگذشتن از آنکه نیک داشته بتو گمان را و چیستم من ای پروردگار من و چیست قدر من ببخش مرا ببخشش خود

وتصدّق عليّ بعفوك أي ربّ جلّلني بسترك واعف عن توبيخي بكرم
و نوازش کن بر من به درگذشتن خود ای پروردگار من بپوشان مرا بپوشش خود و درگذر از سرزنش کردن من ببزرگواری

وجهك فلو اطّلع اليوم على ذنبي غيرك ما فعلتُ ولو خفتُ تعجيل العقوبة
ذات تو پس اگر آگاه میشد در امروز بر گناه من غیر تو نمیکردم آنرا و اگر میترسیدم شتابانیدن عقوبت را

لاجتنبته لا لأنّك أهون الناظرين إليّ وأخفّ المطّلعين عليّ بل لأنّك ٨٥
هر آینه دوری میکردم از گناه نه از جهت آنکه تو خوارترین نگرندگانی بسوی من و سبکترین اطلاع دارندگانی بر من بلکه بجهت آنکه تو

عجبت د
متنجّز د
سترك د م
ما فعلته د م

يا رب

يا ربّ خير الساترين وأحكم الحاكمين وأكرم الأكرمين ستّار العيوب
ای پروردگار من بهترین پوشندگانی و نیکو حکم کننده ترین حکم کنندگانی و بزرگوارترین بزرگوارانی بسیار پوشنده عیبها

غفّار الذنوب علّام الغيوب تستر الذنب بكرمك وتؤخّر العقوبة
بغایت آمرزندهٔ گناهانی بسیار دانا بنهانیها میپوشانی گناه را ببزرگواری خود و باز پس میداری عقوبت را

بحلمك فلك الحمد على حلمك بعد علمك وعلى عفوك بعد قدرتك و
ببردباری خود پس برتراست سپاس بر بردباری تو پس از علم تو و بر درگذشتن تو پس از توانائی تو

يحملني ويجرّئني على معصيتك حلمك عنّي ويدعوني إلى قلّة الحياء سترك
و برمیدارد مرا و دلیر میکند مرا بر نافرمانی تو بردباری تو از من و میخواند مرا بسوی کم شرمی پوشیدن تو

عليّ ويسرعني إلى التوثّب على محارمك معرفتي بسعة رحمتك وعظيم
بر من و شتاب میآورد مرا بسوی دست یافتن تو بر آن چیزهائی که حرام کرده تو شناخت من فراخی بخشش و درگذشتن بزرگ

عفوك يا حليم يا كريم يا حيّ يا قيّوم يا قابل التوب يا عظيم المنّ يا قديم
ای بردبار ای بزرگوار ای زنده ای پاینده ای پذیرندهٔ توبه ای بزرگ بخشش ای دیرینه

الإحسان أين سترك الجميل أين عفوك الجليل أين فرجك القريب أين
احسان کجاست پوشیدن نیکوی تو کجاست درگذشتن بزرگ تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست

غياثك السريع أين رحمتك الواسعة أين عطاياك الفاضلة أين
فریادرسی شتابان تو کجاست رحمت فراگیرندهٔ تو کجاست بخششهای نیکوی تو کجاست

مواهبك الهنيئة أين صنائعك السنيّة أين فضلك العظيم أين منّك
بخششهای گوارای تو کجاست کرامتهای بلند پایهٔ تو کجاست بخشش بزرگ تو کجاست عطای بزرگ تو

الجسيم أين إحسانك القديم أين كرمك يا كريم به فاستنقذني و
کجاست احسان دیرینهٔ تو کجاست بزرگواری تو ای بزرگوار بآن پس برهان مرا و

برحمتك فخلّصني يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل لستُ أتّكل في النجاة
برحمت خود پس خلاصی بخش مرا ای احسان نماینده ای نیکوکردار ای نعمت دهنده ای بخشنده نیستم من که اعتماد کنم

واحلم الاحلمين د
يا غافر الذنب م
ای آمرزنده گناه
يا جليل د
وبمحمّد وآل محمّد م
لسنا نتّكل د

مِنْ عِقابِكَ عَلى أَعْمالِنا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوى وَأَهْلُ

از عقاب تو بر کردارهای خود بلکه ببخشش تو بر ما زیرا که بتحقیق توئی اهل پرهیزکاری و اهل

الْمَغْفِرَةِ تُبْدِئُ بِالْإِحْسانِ نِعَماً وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَماً فَما نَدْرِي ما نَشْكُرُ

آمرزش پیشی میگیری ببخشیدن نعمتها و در میگذری از گناه از راه بزرگواری پس نمیدانم ما چه چیز را شکر کنیم

أَجَمِيلَ ما تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ ما تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ ما أَبْلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ ما

آیا بخشش نیکو را که پهن میکنی یا کردار زشت را که میپوشی یا عطیهٔ بزرگی را که عطا فرمودی و بخشش نمودی یا بلای بسیار را که

مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعافَيْتَ يا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيا قُرَّةَ عَيْنِ مَنْ لاذَ بِكَ

از آن رها نیدی و عافیت بخشیدی ای دوست آنکه دوستی کند بسوی تو وای روشنی دیدهٔ آنکه پناه گیرد بتو

وَانْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجاوَزْ يا رَبِّ عَنْ قَبِيحِ

و بریده شود بسوی تو توئی نیکوکار و مائیم بدکردار پس درگذر ای پروردگار من از زشت

ما عِنْدَنا بِجَمِيلِ ما عِنْدَكَ وَأَيُّ جَهْلٍ يا رَبِّ لا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ

آنچه نزد ماست به نیکوئی آنچه نزد تست و کدام نادانیست ای پروردگار من که فرا نگرفته آنرا بخشش تو و کدام

زَمانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَناتِكَ وَما قَدْرُ أَعْمالِنا فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَكَيْفَ

زمانست درازتر از زمان مدارای تو و چیست قدر کردارهای ما در جنب نعمتهای تو و چگونه بسیار شماریم

نَسْتَكْثِرُ أَعْمالاً نُقابِلُ بِها كَرَمَكَ بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ ما

کردارهائی که مقابل میکنیم بآن بزرگواری ترا بلکه چگونه تنگ میگردد بر گناهکاران آنچه

وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يا واسِعَ الْمَغْفِرَةِ يا باسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوَعِزَّتِكَ

فرا گرفته ایشان را از بخشش تو ای فراگیرندهٔ آمرزش ای گشاده دستها ببخشش پس قسم بعزت تو

يا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي ما بَرِحْتُ مِنْ بابِكَ وَلا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِما انْتَهى

ای آقای من اگر منع کنی مرا دور نکردم از درگاه تو و باز نایستم از چرب زبانی کردن تو بجهة آنچه منتهی شده

إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ وَأَنْتَ الْفاعِلُ لِما تَشاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشاءُ

بسوی من از شناخت بخشش تو و بزرگواری تو و توئی کننده مر آنچه را که خواهی عذاب میکنی آنرا که خواهی

نستكثر أعمالاً نقابل بها كرمك

لو انتهرتني

يا سيدي

بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشاءُ بِما تَشاءُ كَيْفَ تَشاءُ وَلا تُسْئَلُ عَنْ

بآنچه خواهی هرگونه که خواهی و بخشش مینمائی آنرا که خواهی بآنچه خواهی هرگونه که خواهی و سؤال کرده نمیشوی از

فِعْلِكَ وَلا تُنازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلا تُشارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلا تُضادُّ فِي حُكْمِكَ

کردار خود و خصومت کرده نشوی در پادشاهی خود و انباری کرده نشوی در کار خود و دشمنی کرده نشوی در حکم خود

وَلا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبارَكَ اللهُ رَبُّ

و اعتراض نمیکند بر تو هیچکس در تدبیر تو مر تراست آفرینش و فرمان پاکست خدا پروردگار

تباركت يا رب

الْعالَمِينَ يا رَبِّ هذا مَقامُ مَنْ لاذَ بِكَ وَاسْتَجارَ بِكَرَمِكَ وَأَلِفَ

جهانیان ای پروردگار من این جایگاه کیست که پناه گرفته بتو و زینهار جسته ببزرگواری تو و خو گرفته

إِحْسانَكَ وَنِعَمَكَ وَأَنْتَ الْجَوادُ الَّذِي لا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلا يَنْقُصُ

احسان ترا و نعمتهای ترا و توئی بخشنده که تنگ نمیگردد عفو تو و کم نمیگردد

فَضْلُكَ وَلا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَثَّقْنا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ

فضل تو و اندک نمیگردد رحمت تو و بتحقیق که اعتماد داریم از جانب تو بدرگذشتن دیرینه و بخشش

الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ أَفَتُراكَ يا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنا أَوْ تُخَيِّبُ آمالَنا

بزرگ و رحمت فراگیرنده آیا میبینی خود را ای پروردگار من که خلف کنی گمانهای ما را یا نا امید کنی آرزوهای ما را

كَلّا يا كَرِيمُ فَلَيْسَ هذا ظَنُّنا بِكَ وَلا هذا فِيكَ طَمَعُنا يا رَبِّ إِنَّ لَنا فِيكَ

حاشا که چنین ای بزرگوار پس نیست گمان بتو و نه اینست طمع ما در لطف تو ای پروردگار من بدرستیکه برای ماست در لطف تو

أَمَلاً طَوِيلاً كَثِيراً إِنَّ لَنا فِيكَ رَجاءً عَظِيماً عَصَيْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ

آرزوهای دراز بسیار برای ماست در بخشش تو امید بزرگی نافرمانی کردیم ترا و حال آنکه ما امید داریم که

تَسْتُرَ عَلَيْنا وَدَعَوْناكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنا فَحَقِّقْ رَجاءَنا يا

بپوشی بر ما و میخوانیم ترا و حال آنکه امید داریم که بپذیری برای ما پس درست کن امید ما را ای

مَوْلانا فَقَدْ عَلِمْنا ما نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمالِنا وَلكِنْ عِلْمُكَ فِينا وَعِلْمُنا بِأَنَّكَ

آقای ما پس بتحقیق میدانیم آنچه را سزاواریم بسبب کردارهای ما و لیکن دانش تو درباره ما و دانش ما بآنکه بتحقیق تو

لا تصرفنا عنك حثنا على الرغبة اليك وان كنا غير مستوجبين لرحمتك

برمگردانی ما را از خود برانگیزاننده ما را بر خواهش بسوی تو واگرچه بوده باشیم مستحق نباشیم مر بخشش ترا

فانت اهل ان تجود علينا وعلى المذنبين بفضل سعتك فامنن علينا بما

بسعة فضلك ن ل

پس تو سزاواری که بخشش نمائی برما و بر گناهکاران بزیادتی گنجایش خود پس عطا کن برما بانچه

انت اهله وجد علينا فانا محتاجون الى نيلك يا غفار بنورك اهتدينا

تو سزاوار آنی و بخشش نما برما پس بدرستی که ما محتاجانیم بسوی عطای تو ای بسیار آمرزنده بروشنائی تو راه یافتیم ما

وبفضلك استغنينا وبنعمتك اصبحنا وامسينا ذنوبنا بين يديك

و ببخشش تو بی‌نیاز شده‌ایم و بنعمت تو صبح کردیم و شام کردیم گناهان ما در پیش تست

نستغفرك اللهم منها ونتوب اليك تتحبب الينا بالنعم ونعارضك

طلب آمرزش میکنیم ترا خداوندا از گناهان و رجوع نمائیم بسوی تو دوستی میکنی بسوی ما بنعمتها و برابری میکنیم نعمتهای ترا

بالذنوب خيرك الينا نازل وشرنا اليك صاعد ولم يزل ولا يزال

بگناهان نیکوئی تو بسوی ما فرود آینده است و بدی ما بسوی تو بالارونده است و همیشه بود و همیشه بوده است

ملك كريم ياتيك عنا في كل يوم بعمل قبيح فلا يمنعك ذلك من

که فرشته بزرگوار که می‌آمد ترا از ما در هر روز با کردار زشتی پس باز نمیداشت ترا آن از

ان تحوطنا بنعمك وتتفضل علينا بالائك فسبحانك ما احلمك

تفضل ن ل

آنکه فرو گیری ما را بنعمتهای خود و بخشش نمائی برما بعطای خود پس پاکی تو چه بردباری تو

واعظمك واكرمك مبدئا ومعيدا تقدست اسماؤك وجل

و چه بزرگی تو و چه بزرگواری تو در حالتی که پدید آورنده و بازگرداننده منزه است نامهای تو و بزرگ است

ثناؤك وكرم صنائعك وفعالك انت الهي اوسع فضلا واعظم

اكرم صنائعك وفعالك ن ل

ستایش تو و گرامیست عطیه‌های تو و کارهای تو تو خدای منی فراگیرنده‌تری از روی بخشش و بزرگتری

حلما من ان تقايسني بفعلي وخطيئتي فالعفو العفو العفو سيدي

از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بکردار من و خطای من پس بیامرز بیامرز درگذر درگذر ای آقای من

سيدي

سيدي سيدي اللهم اشغلنا بذكرك واعذنا من سخطك واجرنا

ای آقای من ای آقای من خداوندا مشغول گردان ما را بیاد خود و پناه ده ما را از غضب خود و امان ده ما را

من عذابك وارزقنا من مواهبك وانعم علينا من فضلك وارزقنا

از عذاب خود و روزی کن ما را از بخششهای خود و روزی ده ما را و بخشش کن برما از بخشش خود و روزی کن ما را

حج بيتك وزيارة قبر نبيك صلواتك ومغفرتك ورحمتك

حج خانه خود و زیارت قبر پیغمبر خود درودهای تو و آمرزش تو و رحمت تو

وبركاتك ورضوانك عليه وعلى اهل بيته انك قريب مجيب وارزقنا

و برکتهای تو و خشنودی تو براو باد و بر خاندان او بدرستی که تو نزدیکی پذیرنده و روزی کن ما را

عملا بطاعتك وتوفنا على ملتك وسنة نبيك صلى الله عليه واله

عمل کردن بطاعت خود و بمیران ما را بر دین خود و طریقه پیغمبر خود رحمت فرستد خدا براو و آل او

اللهم اغفر لي ولوالدي وارحمهما كما ربياني صغيرا واجزهما بالاحسان

خداوندا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و رحمت کن ایشان را چنانچه تربیت نمودند مرا و حال آنکه خورد بودم و جزا داده ایشان را در مقابل

احسانا وبالسيئات غفرانا اللهم اغفر للمؤمنين والمؤمنات الاحياء

والمسلمين والمسلمات ن خ

اغفر بیامرز خ

نیکوئی و در مقابل بدیها آمرزش خداوندا مردان گروینده و زنان گرونده را زندگان

منهم والاموات وتابع بيننا وبينهم بالخيرات اللهم اغفر لحينا و

ایشان را و مردگان ایشان را و پیروی افکن میانه ما و میانه ایشان به نیکیها خداوندا بیامرز زنده ما را و

ميتنا وشاهدنا وغائبنا ذكرنا وانثانا صغيرنا وكبيرنا حرنا ومملوكنا

واناثنا ن ل

مرده ما را و حاضر ما را و غائب ما را مرد ما را و زن ما را خورد ما را و بزرگ ما را آزاد ما را و بنده ما را

كذب العادلون بالله وضلوا ضلالا بعيدا وخسروا خسرانا مبينا

دروغ گفتند عدول کنندگان از حق بخدا و گمراه شدند گمراهی دور و زیان کردند زیان روشنی

اللهم صل على محمد وال محمد واختم لي بخير واكفني ما اهمني من امر دنياي

بارخدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ختم کن برای من به نیکی و کفایت کن برای من آنچه مهم است مرا در دنیا

وَاَخْزِنِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً
و اخوار مرا و دست مده بر من آنرا که رحم نکند مرا و بگردان بر من از جانب خود حمایتی که باقی باشد
بَاقِيَةً وَلَا تَسْلُبْنِي صَالِحَ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا
و سلب مکن از من شایسته آنچه بخشش نمودی آن بر من و روزی کن مرا از فضل خود روزی فراخ
حَلَالًا طَيِّبًا اللّٰهُمَّ وَاحْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَأْنِي
حلال پاکیزه خداوندا نگهبانی کن مرا بنگهبانی خود و حفظ کن مرا بحفظ خود و نگاه دار مرا
بِكِلَائَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ
بنگاهداری خود و روزی کن مرا حج خانه محترم خود در سال این سال و در هر سال و زیارت
قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْاَئِمَّةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخْلِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ
قبر پیغمبر خود و پیشوایان بر ایشان باد درود و خالی مگردان مرا ای پروردگار من از فیوضات آن مشاهد
الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اللّٰهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتّٰى لَا اَعْصِيَكَ وَاَلْهِمْنِي
با رفعت و موقفهای گرامی بار خدایا توفیق توبه ده مرا تا آنکه نافرمانی نکنم ترا و دل انداز مرا
الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتَكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ اَبَدًا مَا اَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ
نیکی و عمل کردن بآن و ترسیدن از خود در شب و روز همیشه مادام که باقی داری مرا ای پروردگار جهانیان
اللّٰهُمَّ اِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ وَقُمْتُ لِلصَّلٰوةِ بَيْنَ
بار خدایا بدرستی که من هرگاه گفتم که بتحقیق مهیا شدم و آماده گشتم و ایستادم بجهة نماز در پیش
يَدَيْكَ وَنَاجَيْتُكَ اَلْقَيْتَ عَلَيَّ نُعَاسًا اِذَا اَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي
تو و راز گفتم ترا افکندی بر من پینکی را هنگامی که من نماز میکردم و رفع کردی از من
مُنَاجَاتَكَ اِذَا اَنَا نَاجَيْتُكَ مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَحَتْ سَرِيرَتِي وَقَرُبَ
راز گوئی خود را هنگامی که من راز گفتم ترا چیست مرا هرگاه که گفتم که بتحقیق نیکو شد اندرونی من و نزدیک شد
مِنْ مَجَالِسِ التَّوَّابِينَ مَجْلِسِي عَرَضَتْ لِي بَلِيَّةٌ اَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي
از مجالس بازگشت کنندگان مجلس من عارض شد مرا بلائی که برگرداند قدم مرا و حایل شد میان من

بینی

وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَّيْتَنِي
و میان خدمت تو ای آقای من شاید که تو از درگاه خود رانده باشی مرا و از خدمت خود دور کرده باشی مرا
اَوْ لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِي مُسْتَخِفًّا بِحَقِّكَ فَاَقْصَيْتَنِي اَوْ لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِي مُعْرِضًا
یا شاید که تو دیده باشی مرا خوار کننده حق خود پس دور گردانیده باشی مرا یا شاید که دیده باشی مرا روگردان
عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي اَوْ لَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي اَوْ
از خود پس دشمن داشته باشی مرا یا شاید که تو یافته باشی مرا در جایگاه دروغگویان پس وا گذاشته باشی مرا
لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ لِنَعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي اَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ
یا شاید که دیده باشی مرا ناسپاس گذارنده مر نعمتهای ترا پس ناامید کرده باشی مرا یا شاید که تو نیافته باشی مرا از مجالس
الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي اَوْ لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي
علما پس خوار کرده باشی مرا یا شاید که تو دیده باشی مرا در زمره بیخبران پس از رحمت خود ناامید کرده باشی
اَوْ لَعَلَّكَ رَاَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَّيْتَنِي اَوْ
یا شاید تو دیده باشی مرا الفت گیرنده مجالس بیکاران پس میان من و میان ایشان واگذاشته باشی مرا
لَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ اَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي اَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي
یا شاید که دوست نداشته باشی که بشنوی دعای مرا پس دور کرده باشی مرا یا شاید که تو بگناه من و جنایت من
كَافَيْتَنِي اَوْ لَعَلَّكَ بِقِلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي فَاِنْ عَفَوْتَ يَا رَبِّ فَطَالَ
پاداش داده باشی مرا یا شاید که تو بکمی شرم من از تو سزا داده باشی مرا پس اگر درگذری ای پروردگار من پس دراز است
مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُذْنِبِينَ قَبْلِي لِاَنَّ كَرَمَكَ اَيْ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ
آنچه عفو نمودی تو از گناهکاران پیش از من زیرا که بتحقیق بزرگواری ای پروردگار من بزرگوارتر است
الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقَصِّرِينَ وَاَنَا عَائِذٌ بِفَضْلِكَ
از پاداش دادن تقصیر نمایندگان و من پناه گیرنده ام بخشش تو
هَارِبٌ مِنْكَ اِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ اَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا
گریزانم از تو بسوی تو خواهانم آنچه را وعده دادی که آن درگذشتن است از کسی که نیکو کرده بتو گمان



إلهي أنت أوسع فضلاً وأعظم حلماً من أن تقايسني بعملي أو أن تستزلني
خدای من تو فراخ‌تری از روی فضل و بزرگتری از روی بردباری از آنکه مقایسه کنی مرا بعمل من یا آنکه بخواهی

بخطيئتي وما أنا يا سيدي وما خطري هبني بفضلك يا سيدي و
لغزش مرا بگناه من و چیستم من ای آقای من و چیست قدر من ببخش مرا بفضل خود ای آقای من و

تصدق علي بعفوك وجللني بسترك واعف عن توبيخي بكرم وجهك
صدقه کن بر من بعفو خود و بپوشان مرا بپوشش خود و ببخش از سرزنش کردن من ببزرگواری ذات خود

سيدي أنا الصغير الذي ربيته وأنا الجاهل الذي علمته وأنا الضال
بزرگ من منم آن خوردی که پروردی اورا و منم آن نادانی که دانا کردی اورا و منم آن گمراهی که

الذي هديته وأنا الوضيع الذي رفعته وأنا الخائف الذي آمنته
راه نمودی اورا و منم آن پستی که بلند کردی اورا و منم آن ترسانی که ایمن کردی اورا

وأنا الجائع الذي أشبعته والعطشان الذي أرويته والعاري
و منم گرسنه که سیر کردی اورا و تشنه که سیراب کردی اورا و برهنه

الذي كسوته والفقير الذي أغنيته والضعيف الذي قويته والذليل
که پوشانیدی اور و نیازمندی که بی‌نیاز کردی اورا و ناتوانی که توانا کردی اورا و ذلیل خواری که

الذي أعززته والسقيم الذي شفيته والسائل الذي أعطيته والمذنب
عزیز ارجمند کردی اورا و بیماری که شفا بخشیدی اورا و درخواهنده که عطا فرمودی اورا و گناهکاری که

الذي سترته والخاطئ الذي أقلته وأنا القليل الذي كثرته و
پوشیدی اورا و خطاکاری که درگذشتی ازو و منم آن کم یاوری که بسیار کردی اورا و

المستضعف الذي نصرته وأنا الطريد الذي آويته أنا يا رب
ضعیف شمرده شده که یاری کردی اورا و منم آن رانده شده که جای دادی اورا منم ای پروردگار من

الذي لم أستحيك في الخلاء ولم أراقبك في الملأ أنا صاحب الدواهي
آنکه شرم نکردم ترا در خلوت و نترسیدم ترا در حضور مردمان منم صاحب بلاهای بزرگ

٨٥

العظمى

العظمى أنا الذي على سيده اجترى أنا الذي عصيت جبار السماء
بزرگ منم آنکه بر آقای خود دلیری نمودم منم آنکه نافرمانی ورزیدم بزرگوار آسمانرا

أنا الذي أعطيت على معاصي الجليل الرشى أنا الذي حين بشرت المعاصي جليل
منم آنکه بخشش نمودم بر گناهان بزرگ رشوه‌هارا و منم آنکه هنگامی که مژده داده میشدم

بها خرجت إليها أسعى أنا الذي أمهلتني فما ارعويت وسترت
بگناهان بیرون میرفتم بسوی آنها حال آنکه میشتافتم منم آنکه مهلت دادی مرا پس پشیمان نگشتم و پوشیدی

علي فما استحييت وعملت بالمعاصي فتعديت وأسقطتني من
بر من پس شرم نکردم و اتیان نمودم بر گناهان پس درگذشتم از حد و افکندی مرا از

عينك فما باليت فبحلمك أمهلتني وبسترك سترتني حتى كأنك
دیده خود پس باک نکردم پس ببردباری خود مهلت دادی مرا و بپوشش از خود پوشیدی مرا تا آنکه گویا تو

أغفلتني ومن عقوبات المعاصي جنبتني حتى كأنك استحييتني
واگذاشتی مرا و از پاداشهای گناهان دور کردی مرا تا بجائی که گویا شرم کردی از من

إلهي لم أعصك حين عصيتك وأنا بربوبيتك جاحد ولا بأمرك
ای خدای من نافرمانی نکردم ترا هنگامی که نافرمانی کردم ترا و حال آنکه بوده باشم بپروردگاری تو انکار کننده و نه فرمان ترا

مستخف ولا لعقوبتك متعرض ولا لوعيدك متهاون ولكن خطيئة
سبک شمارنده و نه عقوبت ترا فرا پیش آینده و نه وعید ترا خوار دارنده و لیکن خطائی

عرضت وسولت لي نفسي وغلبني هواي وأعانني عليها شقوتي
عارض شد و آراست آنرا برای من نفس من و غالب شد مرا خواهش من و مدد کرد مرا بر آن بدبختی من

وغرني سترك المرخى علي فقد عصيتك وخالفتك بجهدي
و فریفت مرا پرده تو فرو گذاشته شده بر من پس بتحقیق نافرمانی ورزیدم ترا و مخالفت کردم ترا بکوشش خود

فالآن من عذابك من يستنقذني ومن أيدي الخصماء غداً من يخلصني
پس حالا از عذاب تو که میرهاند مرا و از دستهای دشمنان فردا که نجات میدهد مرا

وَبِحَبْلِ مَنِ اتَّصَلَ اِنْ اَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَا سَوْأَتَاهُ عَلَى مَا اُحْصِيَ
وبرِیسمان که در پیوندم اگر تو ببری ریسمان خود را از من پس ای از رسوائی من بر آنچه شمرده
كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِيَ الَّذِي لَوْلَا مَا اَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَنَهْيِكَ
کتاب تو از کردار من آن کرداری که اگر نمیبود آنچه امید دارم از بزرگواری تو و فراخی بخشش تو و منع تو
اِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنِطْتُ عِنْدَمَا اَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَ
مرا از نومیدی هر اینه نا امید میشدم نزد یاد آوری آن ای نیکوترین کسی که خوانده او را خواننده و
اَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اَللّٰهُمَّ بِذِمَّةِ الْاِسْلَامِ اَتَوَسَّلُ اِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ
بهترین کسی که امید داشته او را امیدوار خداوندا بامان اسلام وسیله میجویم بسوی تو و بحرمت قرآن
اَعْتَمِدُ عَلَيْكَ وَبِحُبِّيَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ الْقُرَشِيَّ الْهَاشِمِيَّ الْعَرَبِيَّ التِّهَامِيَّ
اعتماد مینمایم بر تو و بدوست داشتن پیغمبر را که امی و قریشی و هاشمی و عربی و تهامی
صلوات الله عليه وآله
الْمَكِّيَّ الْمَدَنِيَّ اَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا تُوحِشِ اسْتِينَاسَ اِيمَانِي وَلَا تَجْعَلْ
و مکی و مدنی است امید دارم نزدیکی را نزد تو پس مرمان خو گرفتن ایمان مرا و مگردان
ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ فَاِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِاَلْسِنَتِهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ
پاداش مرا مانند پاداش آنکه پرستید غیر ترا زیرا که بتحقیق گروهی گرویده اند بزبانهای خود تا آنکه بازدارند بآن خونهای خود
فَاَدْرَكُوا مَا اَمَّلُوا وَاِنَّا آمَنَّا بِكَ بِاَلْسِنَتِنَا وَقُلُوبِنَا لِتَعْفُوَ عَنَّا فَاَدْرِكْنَا
فادركنا ما املنا
پس دریافتند آنچه امید داشتند و بدرستی که گرویدیم بتو بزبانهای خود و دلهای خود تا آنکه در گذری از ما پس برسان ما را
مَا اَمَّلْنَا وَثَبِّتْ رَجَاءَكَ فِي صُدُورِنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا
بآنچه امید داریم و ثابت دار امید از خود را در دلهای ما و میل مده دلهای ما را پس از آنکه راهنمودی ما را
وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعِزَّتِكَ لَوِ انْتَهَرْتَنِي
و ببخش ما را از نزد خود بخشش بزرگی بدرستی که تو توئی بسیار بخشنده پس قسم بعزت تو اگر منع کنی مرا
مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا اُلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ
دور نمیکردم از درگاه تو و باز نمی ایستم از دوستی کردن بتو بجهت آنچه افکنده شد در دل من از شناخت

بكرمك

بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ اِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ اِلَّا اِلَى مَوْلَاهُ وَاِلَى مَنْ
بزرگواری تو و گشادگی بخشش تو بسوی که میرود بنده مگر بسوی آقای خود و بسوی که
يَلْتَجِئُ الْمَخْلُوقُ اِلَّا اِلَى خَالِقِهِ اِلٰهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْاَصْفَادِ وَمَنَعْتَنِي سَيْبَكَ مِنْ
پناه میبرد آفریده مگر بسوی آفریدگار خود خدای من اگر ببندی مرا بغلها و باز داری از من عطای خود
بَيْنِ الْاَشْهَادِ وَدَلَلْتَ عَلَى فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ وَاَمَرْتَ بِي اِلَى
از میان حاضران و راهنمائی برسوائیهای من دیدهای بندگان را و فرمان دهی مرا بسوی
وجره
النَّارِ وَحُلْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ الْاَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ وَمَا صَرَفْتُ
آتش و حایل شوی میان من و میان نیکوکاران نبرم امید خود را از تو و نگردانم
تَاْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ عَنْ قَلْبِي اَنَا لَا اَنْسَى اَيَادِيَكَ عِنْدِي
آرزو داشتنم مر عفو ترا از تو و بیرون نرود دوستی تو از دل من من فراموش نمیکنم نعمتهای ترا که نزد من است
وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا يَا سَيِّدِي صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَخْرِجْ
و پوشانیدن ترا بر من در سرای دنیا ای بزرگ من رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیرون کن
حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خِيَرَتِكَ مِنْ
دوستی دنیا را از دل من و جمع کن میان من و میان مصطفی و آل او برگزیده تو از
خَلْقِكَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَانْقُلْنِي اِلَى دَرَجَةِ
خلق تو و آخر پیغمبران محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او و نقل فرما مرا بسوی مرتبه
التَّوْبَةِ اِلَيْكَ وَاَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ اَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَ
بازگشت بسوی تو و یاری کن مرا بگریستن بر نفس خود و بتحقیق بپایان رسانیدم بامروز و فردا و
الْآمَالِ عُمْرِي وَقَدْ نَزَلْتُ مَنْزِلَةَ الْآيِسِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ اَسْوَءَ
آرزوها عمر خود را و بتحقیق فرود آمدم در فرود آمدنگاه نا امیدان از خیر من پس که میباشد بدحالتر
حَالًا مِنِّي اِنْ اَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي اِلَى قَبْرٍ لَمْ اُمَهِّدْهُ لِرَقْدَتِي وَلَمْ اَفْرُشْهُ
از من اگر من نقل کرده شوم بر مانند این حالم بسوی قبر نیاراستم آنرا برای خفتن خود و نگسترانیدم آنرا

بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي

بعمل شایسته بجهة خوابیدن خود وچیست مرا که نمیگریم وحال انکه نمیدانم بسوی چی خواهد بود بازگشت من ومی بینم نفس خود

تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي

را فریب میدهد مرا وروزگار مرا که حیله میکند مرا وبتحقیق لرزان شده نزد سر من بالهای مرگ پس چیست مرا که نمیگریم آیا بگریم

لِخُرُوجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضِيقِ لَحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ إِيَّايَ

بجهة بیرون شدن نفس خود یا بگریم بجهة تیرگی قبر خود یا بگریم بجهة تنگی لحد خود یا بگریم بجهة سؤال کردن منکر ونکیر مرا

أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ

یا بگریم بجهة بیرون آمدنم از قبر خود برهنه خوار بردارنده بار گران خود را بر پشت خود حال انکه نظر کنم یکبار از

يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ

جانب خود وبار دیگر از جانب چپ خود هنگامی که آفریدگان باشند در حالتی غیر حالت من برای هر مردی از ایشان در آن روز

شَأْنٌ يُغْنِيهِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا

حالتیست که کافیست او را روهای گروهی در آنروز نورانی خندان شاد مانند وروهای گروهی در آنروز برآنها است

غَبَرَةٌ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ وَذِلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعَوَّلِي وَمُعْتَمَدِي وَرَجَائِي

گرد غم واندوه فراگیرد آنها را تیرگی وخواری آقای من بر تست وثوق واعتماد من ودرجلی امید من

وَتَوَكُّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ

ووا گذاشتن من کار خود را وبرحمت تو است در آویختن من میرسانی برحمت خود آنرا که خواهی وراه مینمائی ببزرگواری خود

مَنْ تُحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِنَ الشِّرْكِ قَلْبِي وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ

آنرا که دوست میداری پس مر تراست سپاس برانچه پاک کردی از شرک دل مرا ومر تراست سپاس برانچه برکندن

لِسَانِي أَفَبِلِسَانِي هَذَا الْكَالِّ أَشْكُرُكَ أَمْ بِغَايَةِ جُهْدِي فِي عَمَلِي أُرْضِيكَ وَمَا

زبان من آیا بزبان خود این کند سپاس گزاری میکنم ترا یا بنهایت کوشش در کردار خود خشنود میکنم ترا وچیست

قَدْرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدْرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعَمِكَ وَإِحْسَانِكَ

مرتبه زبان من ای پروردگار من در جنب سپاس گزاری تو وچیست قدر کردار من در پهلوی نعمتهای تو ونیکوئی نمودن تو

الى

توق ز

أَبْكِي لِحُلُولِ رَمْسِي

الْعَثْرَةِ وَالذِّلَّةِ ز ل

بِكَرَامَتِكَ

٨٥

إِلَهِي إِلَّا أَنَّ جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبِلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي

بسوی من مگر انکه بتحقیق بخشش تو گشاده امید مرا وجزا دادن تو پذیرفته کردار مرا آقای من بسوی تست رغبت من

وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي وَإِلَيْكَ تَأْمِيلِي وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي

وبسوی تست بیم من وبسوی تست امید داشتن من وبتحقیق رانده مرا بسوی تو امید من وبر تو ای یگانه من

عَكَفَتْ هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطَتْ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

رو کرده پیوسته همت من ودر انچه نزد تست پهن گردیده رغبت من ومر تراست خالص امید من وترس من

وَبِكَ أَنِسَتْ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

وبتو خو گرفته دوستی من وبسوی تو افکندم دست خود را وبر ریسمان طاعت تو کشیدم ترس خود را

يَا مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَّدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي فَيَا مَوْلَايَ

ای آقای من بیاد کردن تو زندگانی کرده دل من وبراز گفتن بسرد کردم گرمی درد ترس را از خود پس ای آقای من

وَيَا مُؤَمَّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِيَ الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ

وای امیدگاه من وای منتهی خواسته من وجدائی افکن میانه من ومیانه گناه من وبازدارنده مرا از پیوستن بطاعت

فَإِنَّمَا أَسْأَلُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي

پس جز این نیست که درمیخواهم از تو بجهة امید دیرینه ام در تو وترسیده ام منتهی شده بسوی تو وطمع داشتن بزرگم از تو انچه که

أَوْجَبْتَهُ عَلَى نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ فَالْأَمْرُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ

واجب کردی آنرا بر نفس خود از مهربانی وبخشش پس فرمان مر تراست در حالتی که یگانه نیست شریکی برای تو

وَالْخَلْقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ

وخلق همه ایشان عیال تو ودر دست تو اند وهر چیزی فروتنی کننده است برای تو پاکی تو ای پروردگار

الْعَالَمِينَ إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ

جهانیان خدای من رحم کن مرا هرگاه بریده شود حجت من وکند شود از جواب تو زبان من وسبک شود

عِنْدَ سُؤَالِكَ إِيَّايَ لُبِّي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ

نزد سؤال کردن تو مرا عقل من پس ای امید بزرگ من ناامید مکن مرا هرگاه سخت شود احتیاج من بسوی تو

مِنْكَ ز ل

لَمْ ز ل

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

فيا عظيم رجائي ... (vertical margin note)

ولا تردّني لجهلي ولا تمنعني لقلّة صبري أعطني لفقري وارحمني لضعفي
وبر مگردان مرا بجهة نادانی من و منع مکن مرا بجهة کم بودن شکیبائی من بخشش کن مرا بجهة تنگدستی من و رحم کن مرا بجهة ناتوانی من

سيّدي عليك معتمدي ومعوّلي ورجائي وتوكّلي وبرحمتك تعلّقي وبفنائك
ای بزرگ من بر تو است اعتماد من و وثوق من و امید من و توکل من و برحمت تست چسبیدن من و در پیش درگاه تو

أحطّ رحلي وبجودك أقصد طلبتي وبكرمك أي ربّ أستفتح دعائي ولديك
فرود می آورم بار خود را و بجهة بخشش تو طلب میکنم حاجت خود را و ببزرگواری تو ای پروردگار من طلب میکنم گشایش دعای خود را و نزد تو

أرجو فاقتي وبغناك أجبر عيلتي وتحت ظلّ عفوك قيامي وإلى جودك وكرمك
امید وارم حاجت خود را و به بی‌نیازی تو تدارک میکنم نیازمندی خود را و در زیر سایه عفو تست ایستادن من و بسوی بخشش تو و بزرگواری تو

أرفع بصري وإلى معروفك أديم نظري فلا تحرقني بالنار وأنت موضع
بلند میکنم دیده خود را و بسوی احسان تو همیشه میدارم نظر خود را پس مسوزان مرا بآتش و تو قرارگاه امید

أملي ولا تسكنّي الهاوية فإنّك قرّة عيني يا سيّدي لا تكذّب ظنّي بإحسانك
منی و ساکن مکردان مرا در دوزخ زیرا که بتحقیق روشنی دیده منی ای آقای من غلط مساز گمان مرا باحسان خود

ومعروفك فإنّك ثقتي ورجائي ولا تحرمني ثوابك فإنّك العارف بفقري
و عطای خود زیرا که بتحقیق تو معتمد و امیدگاه منی و ناامید مکن مرا از پاداش نیک خود زیرا که بتحقیق تو شناسائی بحاجت من

إلهي إن كان قد دنا أجلي ولم يقرّبني منك عملي فقد جعلت الاعتراف إليك
خدای من اگر بوده باشد که بتحقیق نزدیک شده باشد اجل من و نزدیک نگردانیده باشد مرا بتو کردار من پس بتحقیق گردانیدم اقرار کردن را بسوی تو

بذنبي وسائل عللي إلهي إن عفوت فمن أولى منك بالعفو وإن عذّبت فمن
بگناه خود وسیله عذرهای خود خدای من اگر درگذری پس کیست سزاوارتر از تو به درگذشتن و اگر عذاب کنی پس کیست

أعدل منك في الحكم ارحم في هذه الدنيا غربتي وعند الموت كربتي وفي القبر
با انصاف‌تر از تو در حکم رحم کن در این جهان بیکسی مرا و نزد مردن اندوه مرا و در قبر

وحدتي وفي اللحد وحشتي وإذا نشرت للحساب بين يديك ذلّ موقفي و
تنهائی مرا و در لحد رمیدن مرا و هرگاه برانگیخته شوم بجهة حساب در پیش تو خواری ایستادن مرا و

اغفر لي

اغفر لي ما خفي على الآدميّين من عملي وأدم لي ما به سترتني صريعا على الفراش
بیامرز برای من آنچه را پنهان است بر آدمیان از کردار من و پیوسته دار آنچه را که بآن پوشانیدی مرا در حالتی که بوده باشم افتاده بر

تقلّبني أيدي أحبّتي وتفضّل عليّ ممدودا على المغتسل يغسلني صالح جيرتي و
برجامه بستر که بگردانند مرا دستهای دوستان من و بخشش کن بر من در حالتی که بوده باشم کشیده شده بر جایگاه غسل دادن که غسل دهد مرا شایسته همسایگان من

تحنّن عليّ محمولا قد تناول الأقرباء أطراف جنازتي وجد عليّ منقولا
و مهربانی کن بر من حال آنکه بار کرده شده باشم بتحقیق که فرا گیرند خویشان کنارهای جنازه مرا و بخشش کن بر من در حالتی که نقل کرده شوم

قد نزلت بك وحيدا في حفرتي وارحم في ذلك البيت الجديد غربتي
بتحقیق فرود آیم ترا تنها در قبر خود و رحم کن در آن خانه تازه بیکسی مرا

حتّى لا أستأنس بغيرك يا سيّدي فإنّك إن وكلتني إلى نفسي هلكت سيّدي
تا آنکه انسی نگیرم بجز تو ای آقای من پس بدرستی اگر واگذاری مرا بسوی نفس من هلاک خواهم شد ای بزرگ من

فبمن أستغيث إن لم تقلني عثرتي وإلى من أفزع إن فقدت عنايتك في
پس بکه استغاثه نمایم اگر درنگذری از لغزش من و بسوی که استغاثه کنم اگر نیابم یاری ترا در حال

ضجعتي وإلى من ألتجئ إن لم تنفّس كربتي سيّدي من لي ومن يرحمني إن لم
خوابیدن خود و بسوی که پناه گیرم اگر زایل نکنی اندوه مرا بزرگ من کیست مرا و که رحم کند مرا اگر رحم

ترحمني وفضل من أؤمّل إن عدمت فضلك يوم فاقتي وإلى من الفرار
نکنی تو مرا و بخشش که را آرزو کنم اگر نیابم بخشش ترا در روز احتیاج خود و بسوی کیست گریز

من الذنوب إذا انقضى أجلي سيّدي لا تعذّبني وأنا أرجوك إلهي حقّق
از گناهان هرگاه بپایان رسد اجل من آقای من عذاب مکن مرا و من امیدوارم ترا خداوند ثابت کن

رجائي وآمن خوفي فإنّ كثرة ذنوبي لا أرجو فيها إلّا عفوك سيّدي أنا
امید مرا و ایمن گردان بیم مرا زیرا که بتحقیق بسیاری گناهان من امید ندارم درباره آنها مگر عفو ترا آقای من در

أسألك ما لا أستحقّ وأنت أهل التقوى وأهل المغفرة فاغفر لي وألبسني
میخواهم از تو آنچه را که سزاوار نیستم و تو سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی پس بیامرز مرا و بپوشان مرا

مِنْ نَظَرِكَ ثَوْباً يُغَطِّي عَلَيَّ الذُّنُوبَ وَالتَّبِعاتِ وَتَغْفِرُها لِي وَلا اُطالَبُ
از لطف · جامه که پوشنده بر من · و جامها را · و می آمرزی آنها را برای من و مطالبه کرده نخواهم شد

بِها اِنَّكَ ذُو مَنٍّ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجاوُزٍ كَرِيمٍ اِلٰهِي اَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ
بآنها بدرستی که تو صاحب عطای دیرینه · و درگذشتن بزرگ · و تجاوز گرامی · خدای من توای آنکه روان سازی

سَيْبَكَ عَلٰى مَنْ لا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجاحِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ سَيِّدِي
عطای خود را بر آنکه سؤال نکند از تو · و بر آنانکه انکار کنند · پروردگاری ترا · پس چگونه ای آقای من بنسبت

بِمَنْ سَأَلَكَ وَاَيْقَنَ اَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْاَمْرَ اِلَيْكَ تَبارَكْتَ وَتَعالَيْتَ يا رَبَّ
باکه سؤال کند از تو و یقین دارد که بتحقیق آفرینش مر تراست و هرکاری بسوی با کی تو · و بلندی توای پروردگار

وَسَيِّدِي — و بزرگ من

الْعالَمِينَ اِلٰهِي عَبْدُكَ بِبابِكَ اَقامَتْهُ الْخَصاصَةُ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بابَ
جهانیان خدای من بنده تو بدرگاه تست برپا داشته او را احتیاج · در پیش تو · میکوبد در

اِحْسانِكَ بِدُعائِهِ وَيَسْتَعْطِفُ جَمِيلَ نَظَرِكَ بِمَكْنُونِ رَجائِهِ فَلا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ
احسان ترا بدعای خود · و طلب مهربانی میکند از نگریستن نیک تو بامید پوشیده خود · پس مگردان روی

دَعَوْتُكَ — نسخه بدل

الْكَرِيمِ عَنِّي وَاقْبَلْ مِنِّي ما اَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهٰذَا الدُّعاءِ وَاَنَا اَرْجُو اَنْ
بزرگوار خود را از من و بپذیر از من آنچه میگویم · پس بتحقیق خواندم · باین دعا و من · امید دارم اینکه

لا تَرُدَّنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ اِلٰهِي اَنْتَ الَّذِي لا يُحْفِيكَ
برنگردانی مرا بجهت شناسائی من · بمهربانی تو · و بخشش تو · خدای من توئی آنکه · بستوه نیاورد ترا

يَقُولُ الْقائِلُونَ — نسخه بدل

سائِلٌ وَلا يَنْقُصُكَ نائِلٌ اَنْتَ كَما تَقُولُ وَفَوْقَ ما نَقُولُ اَللّٰهُمَّ
سؤال کننده · و کم نمیسازد ترا عطای تو · تو چنانی که خود میگوئی و بالای آنچه میگوئیم · خداوندا

اَللّٰهُمَّ اِنِّي — نسخه بدل

اِنِّي اَسْأَلُكَ صَبْراً جَمِيلاً وَفَرَجاً قَرِيباً وَقَوْلاً صادِقاً وَاَجْراً عَظِيماً
بدرستی که من سؤال میکنم ترا شکیبائی نیکوئی · و گشایش نزدیک · و گفتار راست · و مزد · بزرگ

يا رَبِّ — ای پروردگار

اَسْأَلُكَ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ ما عَلِمْتُ مِنْهُ وَما لَمْ اَعْلَمْ اَسْأَلُكَ اللّٰهُمَّ مِنْ خَيْرِ
درمیخواهم از تو · از خیر همه آن · آنچه دانسته ام از آن و آنچه ندانسته ام · سؤال میکنم ترا خداوندا از بهترین

ما سألك

١١٣

٨١

ما سَأَلَكَ مِنْهُ عِبادُكَ الصّالِحُونَ يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَاَجْوَدَ مَنْ
آنچه سؤال کرده ترا از آن بندگان تو شایسته خود · ای بهترین کسی که سؤال کرده شده و بخشنده ترین کسی

وَوُلْدِي — نسخه بدل

اَعْطىٰ اَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَاَهْلِي وَوَلَدِي وَوالِدَيَّ وَاَهْلِ حُزانَتِي
بخشش نموده · و عطا کن بمن درخواسته مرا در نفس من و اهل من و فرزندان · و پدر و مادر من · و عیال من

وَاِخْوانِي فِيكَ وَاَرْغِدْ عَيْشِي وَاَظْهِرْ مُرُوَّتِي وَاَصْلِحْ جَمِيعَ اَحْوالِي
و برادران من در راه تو · و خوش کن زندگانی مرا · و ظاهر ساز مردی مرا · و باصلاح آور همه حالتهای مرا

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ اَطَلْتَ عُمْرَهُ وَحَسَّنْتَ عَمَلَهُ وَاَتْمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ
و بگردان مرا از آنانکه دراز کرده عمر ایشان را و نیک گردانیدی کردار ایشان را و تمام کردی برایشان نعمت خود را

وَرَضِيتَ عَنْهُ وَاَحْيَيْتَهُ حَيٰوةً طَيِّبَةً فِي اَدْوَمِ السُّرُورِ وَاَسْبَغِ
و خشنود گشتی از ایشان · و زنده داشتی ایشان را زندگی پاکیزه · در پیوسته ترین شادی · و کامل ترین

الْكَرامَةِ وَاَتَمِّ الْعَيْشِ اِنَّكَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ وَلا يَفْعَلُ ما يَشاءُ
نوازش · و تمام ترین زندگانی · بدرستی تو میکنی · آنچه خواهی · و نمیکند · آنچه خواهد

مجیوم

غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ وَخُصَّنِي مِنْكَ بِخاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمّا اَتَقَرَّبُ
غیر تو · خداوندا و مخصوص گردان مرا از جانب خود بذکر خواص خود · و مگردان هیچ چیز را از آن چیزهائی که نزدیکی میجویم

بِهِ فِي آناءِ اللَّيْلِ وَاَطْرافِ النَّهارِ رِياءً وَلا سُمْعَةً وَلا اَشَراً وَلا بَطَراً
بآن در ساعتهای شب · و طرفهای · روز · ریا · و نه سمعه · و نه زیادتی خرمی و نه طغیان

وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخاشِعِينَ اَللّٰهُمَّ اَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْاَمْنَ
و بگردان مرا برای خود از فروتنی کنندگان · خداوندا اعطا کن مرا فراخی · در روزی · و ایمنی

فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْاَهْلِ وَالْمالِ وَالْوَلَدِ وَالْمُقامَ فِي نِعَمِكَ
در وطن · روشنی دیده · در اهل · و مال · و فرزندان · و درنگ کردن در نعمتهای تو

عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلامَةَ فِي الدِّينِ
را در نزد من · و صحت · در جسد · و توانائی · در بدن · و سلامتی · در دین

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَبَداً
وبکار دار مرا بطاعت خود وطاعت رسول خود محمد وخاندان او رحمت فرستد خدا بر او وآل او همیشه

مَا اسْتَعْمَرْتَنِي وَاجْعَلْنِي مِنْ اَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ اَنْزَلْتَهُ وَ
مادام که زنده داری مرا وبگردان مرا از وافرترین بندگان خود نزد تو از روی بهره در هر نیکی که فرو فرستادی آنرا و

تُنْزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا اَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ
فرو فرستی در ماه رمضان در شب قدر وانچه تو فرو فرستنده آنرا در هر سالی از

رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ
رحمتی پراگنده کنی آنرا وعافیتی که بپوشانی آنرا وبلائی که دفع کنی آنرا ونیکوئی که بپذیری آنها را وبدیها که

تَتَجَاوَزُ عَنْهَا وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِي هٰذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَ
درگذری از آنها وروزی کن مرا حج خانه خود محترم در سال این سال ودر هر سال و

ارْزُقْنِي رِزْقاً وَاسِعاً مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْاَسْوَاءَ
روزی کن مرا روزی فراخی از بخشش خود فراگیرنده وبگردان از من ای آقای من بدیها را

وَاقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَامَاتِ حَتّٰى لَا اَتَاَذّٰى بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي
وقضا کن از من قرض تیرگی را تا آنکه ضرر نیابم بهیچ چیز وفراگیر از من

بِاَسْمَاعِ اَضْدَادِي وَاَبْصَارِ اَعْدَائِي وَحُسَّادِي وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَانْصُرْنِي
گوشها وديدهای دشمنان مرا وبدخواهان مرا وآنانرا که ستم کنند بر من ویاری ده مرا

عَلَيْهِمْ وَاَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّجْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجاً وَمَخْرَجاً وَحَقِّقْ ظَنِّي
برایشان وروشن کن دیده مرا وبگشا دل مرا وبگردان برای من از غم من واندوه من گشایشی وبیرون شدنی

وَاجْعَلْ مَنْ اَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمَيَّ وَاكْفِنِي شَرَّ
وبگردان هر کرا که آهنگ کند مرا ببدی از همه خلق خود در زیر قدمهای من ودفع کن از من گزند

الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا
شیطانرا وگزند پادشاه را وبدیهای کردار مرا وپاک گردان مرا از گناهان همه آنها

واجرني

٨٢ ١١٢

وَاَجِرْنِي مِنَ النَّارِ بِعَفْوِكَ وَاَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ
وزنهار ده مرا از آتش بعفو خود ودر آور مرا در بهشت برحمت خود وبزنی ده مرا از سیاه

الْعِينِ بِفَضْلِكَ وَاَلْحِقْنِي بِاَوْلِيَائِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْاَبْرَارِ
دیدگان فراخ چشم بفضل خود ودر پیوند مرا بدوستان شایسته خود محمد وآل او که نیکانند

الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ وَعَلٰى اَرْوَاحِهِمْ وَ صلواتك ظ
پاکانند پاکیزگانند نیکوکارانند رحمتهای خدا بر ایشان وبر نفوس ایشان و

اَجْسَادِهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اِلٰهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ
بر تنهای ایشان ورحمت خدا وبرکتهای او خدای من وبزرگ من وقسم بعزت تو وبزرگواری تو

لَئِنْ طَالَبْتَنِي بِذُنُوبِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ وَلَئِنْ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لَاُطَالِبَنَّكَ بِجرمي ظ
اگر مطالبه کنی مرا بگناهان من هرآینه مطالبه کنم ترا بعفو تو واگر مطالبه کنی مرا بدناءت من هرآینه مطالبه کنم ترا

بِكَرَمِكَ وَلَئِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ لَاُخْبِرَنَّ اَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ اِلٰهِي
ببزرگواری تو واگر درآوری مرا در آتش هرآینه آگاه کنم اهل آتش را بدوست داشتنم ترا خدای من

وَسَيِّدِي اِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ اِلَّا لِاَوْلِيَائِكَ وَاَهْلِ طَاعَتِكَ فَاِلٰى مَنْ
وآقای من اگر بوده باشی که نیامرزی مگر دوستان خود را وفرمانبرداران خود را پس بسوی که

يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ وَاِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ اِلَّا اَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ
پناه گیرند گناهکاران واگر بوده باشی که گرامی نداری مگر آنانرا که وفا کرده اند بعهد تو پس بکه استغاثه نمایند

الْمُسِيئُونَ اِلٰهِي اِنْ اَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ عَدُوِّكَ وَاِنْ اَدْخَلْتَنِي
بدکاران خدای من اگر درآوری مرا در آتش پس در آن شادی دشمن تست واگر درآوری مرا

الْجَنَّةَ فَفِي ذٰلِكَ سُرُورُ نَبِيِّكَ وَاَنَا وَاللّٰهِ اَعْلَمُ اَنَّ سُرُورَ نَبِيِّكَ
در بهشت پس در آن شادی پیغمبر تست ومن قسم بخدا میدانم که بتحقیق شادی پیغمبر تو

اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ سُرُورِ عَدُوِّكَ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ اَنْ تَمْلَاَ قَلْبِي حُبّاً
دوست تر است بسوی تو از شادی دشمنان تو خداوندا بدرستی که سؤال میکنم از تو اینکه پر کنی دل مرا از دوستی

لكَ وخشيةً منكَ وتصديقاً بكتابكَ وايماناً بكَ وفرقاً منكَ
خود وترس ازخود وباور داشتن کتاب خود وگرويدن بخود وبيم نمودن ازخود

وشوقاً اليكَ يا ذا الجلالِ والاكرامِ حبّب الىَّ لقاءكَ و
وآرزومندی بسوی خود ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن دوست گردان بسوی من ملاقات خودرا و

احبب لقائی واجعل لی فی لقائكَ الراحةَ والفرجَ والكرامةَ
دوست دار ملاقات مرا وبگردان برای من در ملاقاتم ترا آسایش وگشادگی ونوازش

اللّهمّ الحقنی بصالحِ من مضى واجعلنی من صالحِ من بقی وخذ بی
خداوندا ملحق ساز مرا بنيکوکار آنکه گذشته وبگردان مرا از جمله نيکوکار آنکه باقی مانده وببر مرا

سبيلَ الصالحينَ واعنّی علی نفسی بما تعين به الصالحين علی انفسهم
براه شايستگان وياری کن مرا بر نفس من بآنچه ياری کردی بآن شايستگان را بر نفسهای ايشان

واختم لی عملی باحسنهِ واجعل ثوابی منه الجنّةَ برحمتكَ يا ربَّ
وختم کن کردار مرا به نيکوترين آن وبگردان پاداش مرا ازان بهشت برحمت خود ای پروردگار جهانيان

العالمينَ واعنّی علی صالحِ ما اعطيتنی وثبّتنی يا ربِّ ولا تردّنی
ومدد کن مرا بر شايسته آنچه عطا کردی مرا وثابت دار مرا ای پروردگار من وبرمگردان مرا

فی سوءٍ استنقذتنی منه اللّهمّ انّی اسألكَ ايماناً لا اجلَ له
در ناخوشی که رهانيدی مرا ازان خداوندا براستی که من ميخواهم از تو ايمانی که نباشد نهايتی برای آن

دونَ لقائكَ احينی ما احييتنی عليه وتوفّنی اذا توفّيتنی عليه
پيش از ملاقات تو زنده دار مرا مادام که زنده داری مرا بران وبميرانی مرا هرگاه بميرانی مرا بران

وابعثنی اذا بعثتنی عليه وابرئ قلبی من الرياءِ والشكِّ والسمعةِ
وبرانگيز مرا هرگاه برانگيزی مرا بران وخالی کن دل مرا از ريا وشک وسمعه کردن

فی دينكَ حتّی يكونَ عملی خالصاً لكَ اللّهمّ اعطنی بصيرةً فی دينكَ
در دين تو تا آنکه بوده باشد کردار من خالص برای تو خداوندا بخش مرا بينائی در دين خود

وفهما

عليه نز

يا ارحم الراحمين نز

وفهماً فی حكمكَ وفقهاً فی علمكَ وكفلين من رحمتكَ وورعاً
ودريافتی در حکم خود ودانش در علم خود ودو نصيب از رحمت خود وپرهيزکاری

يحجزنی عن معصيتكَ وبيّض وجهی بنوركَ واجعل رغبتی فيما
که باز دارد مرا از نافرمانی تو وسفيد کن روی مرا بروشنائی خود وبگردان رغبت مرا در آنچه

عندكَ وتوفّنی فی سبيلكَ وعلی ملّةِ رسولكَ صلّی الله عليه وآله
نزد تست وبميران مرا در راه خود وبر دين فرستاده خود رحمت فرستد خدا بر او وآل او

اللّهمّ انّی اعوذُ بكَ من الكسلِ والفشلِ والهمِّ والجبنِ والبخلِ
خداوندا براستی که من پناه ميبرم بتو از کاهلی وناتوانی واندوه وبددلی وبخيلی

والغفلةِ والقسوةِ والذلّةِ والمسكنةِ والفقرِ والفاقةِ وكلِّ
وبيخبری وسنگدلی سخت دلی وخواری وبيچيزی وتنگدستی وهر رنجی وهر

بليّةٍ والفواحشِ ما ظهرَ منها وما بطنَ واعوذُ بكَ من نفسٍ
بليه وزشتی آنچه آشکار باشد ازان وآنچه پنهان باشد وپناه ميبرم بتو از نفسی که

لا تقنعُ وبطنٍ لا يشبعُ وقلبٍ لا يخشعُ ودعاءٍ لا يسمعُ وعملٍ لا
قناعت نورزد وشکمی که سير نگردد ودلی که پستی وتذلل ننمايد ودعائی که پذيرفته نگردد وکرداری که

ينفعُ وصلوةٍ لا ترفعُ واعوذُ بكَ يا ربِّ علی نفسی وولدی ودينی
سود نبخشد وپناه ميبرم بتو ای پروردگار من بر نفس خود وفرزندان خود ودين خود

ومالی وعلی جميعِ ما رزقتنی من الشيطانِ الرجيمِ انّكَ انتَ السميعُ
ومال خود وبر همه آنچه روزی کردی مرا از شيطان رانده شده براستی تو توئی شنوای

العليمُ اللّهمّ انّه لا يجيرنی منكَ احدٌ ولا اجدُ من دونكَ ملتحداً
دانا خداوندا بتحقيق امان نميدهد مرا از تو هيچ کس ونمييابم غير از تو پناهی

فلا تجعل نفسی فی شیءٍ من عذابكَ ولا تردّنی بهلكةٍ ولا تردّنی
پس مگردان نفس مرا در چيزی از عذاب خود وبرمگردان مرا بهلاکت وبرمگردان مرا

معاصيك نز

ترد بی نز
ترد فی نز

بِعَذابٍ اَليمٍ اَللّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنّي وَاَعْلِ ذِكْري وَارْفَعْ دَرَجَتي وَحُطَّ وِزْري

بعذاب دردناک خداوندا بپذیر از من وبلند کن ذکر مرا ورفیع کن مرتبه مرا وفروگذار بار گران مرا

وَلا تَذْكُرْني بِخَطيئَتي وَاجْعَلْ ثَوابَ مَجْلِسي وَثَوابَ مَنْطِقي وَثَوابَ

ویاد مکن مرا بخطاهای من وبگردان ثواب نشستن مرا وثواب گفتار مرا وجزای

دُعائي رِضاكَ وَالْجَنَّةَ وَاَعْطِني يا رَبِّ جَميعَ ما سَاَلْتُكَ وَزِدْني مِنْ

دعای مرا خشنودی خود وبهشت وبخش مرا ای پروردگار من همه آنچه سؤال کردم از تو وزیاده کن مرا از

فَضْلِكَ اِنّي اِلَيْكَ راغِبٌ يا رَبَّ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ اِنَّكَ اَنْزَلْتَ في كِتابِكَ

بخشش خود بدرستی که من بسوی تو خواهشمندم ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستی که تو فرو فرستادی در کتاب خود

اَنْ نَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنا وَقَدْ ظَلَمْنا اَنْفُسَنا فَاعْفُ عَنّا فَاِنَّكَ اَوْلى بِذلِكَ

که درگذریم از کسی که ستم کرده ما را وبتحقیق که ما ستم کردیم بر نفس خود پس درگذر از ما زیرا که بتحقیق که تو سزاوارتری باین

مِنّا وَاَمَرْتَنا اَنْ لا نَرُدَّ سائِلاً عَنْ اَبْوابِنا وَقَدْ جِئْتُكَ سائِلاً فَلا تَرُدَّني

از ما وامر کردی ما را که برنگردانیم خواهنده را از درهای خود وبتحقیق آمده ام ترا درخواهنده پس برمگردان مرا

اِلاّ بِقَضاءِ حاجَتي وَاَمَرْتَنا بِالْاِحْسانِ اِلى ما مَلَكَتْ اَيْمانُنا وَنَحْنُ

مگر بروا کردن حاجت من وامر کردی ما را به نیکوئی کردن بسوی آنچه مالک است دستهای راست ما وما

اَرِقّاؤُكَ فَاَعْتِقْ رِقابَنا مِنَ النّارِ يا مَفْزَعي عِنْدَ كُرْبَتي وَيا غَوْثي

بندگان توئیم پس آزاد کن گردنهای ما را از آتش ای پناه من نزد اندوه من وای فریادرس من

عِنْدَ شِدَّتي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَلُذْتُ لا اَلُوذُ بِسِواكَ

نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام وبتو استغاثه نموده ام وپناه گرفتم پناه نمیگیرم بغیر تو

وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلاّ مِنْكَ فَاَغِثْني وَفَرِّجْ عَنّي يا مَنْ يَقْبَلُ

وسؤال نمیکنم گشایش را مگر از تو پس بفریادرس مرا وزایل کن اندوه مرا از من ای آنکه میپذیرد

الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثيرَ اِنَّكَ

اندک را ودرمیگذرد از بسیار بپذیر از من اندک را ودرگذر از گناه بسیار بدرستی که تو

انت

اَنْتَ الرَّحيمُ الْغَفُورُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَيَقيناً صادِقاً

توئی مهربان آمرزنده خداوندا بدرستی من درمیخواهم از تو ایمانی که مباشر آن گنی دل مرا ویقین راست درستی

حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَني اِلاّ ما كَتَبْتَ لي وَرَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ

تا آنکه بدانم اینکه بتحقیق نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر نمودی برای من وخشنود ساز مرا از زندگی بآنچه قسمت کرده

لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ ومختصرترین دعاها سحر این است يا مَفْزَعي عِنْدَ كُرْبَتي

برای من ای بخشنده ترین بخشندگان ای پناه من نزد اندوه من

وَيا غَوْثي عِنْدَ شِدَّتي اِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَغَثْتُ وَبِكَ لُذْتُ لا اَلُوذُ

وای فریادرس من نزد سختی من بسوی تو پناه آورده ام وبتو استغاثه نموده ام وبتو التجا آورده ام التجا نمیبرم

بِسِواكَ وَلا اَطْلُبُ الْفَرَجَ اِلاّ مِنْكَ فَاَغِثْني وَفَرِّجْ عَنّي يا مَنْ يَقْبَلُ

بغیر تو وطلب نمیکنم گشایش را مگر از تو پس بفریادرس مرا وبگشا از من ای که میپذیرد

الْيَسيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْيَسيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثيرَ اِنَّكَ

اندک را ودرمیگذرد از گناه بسیار بپذیر از من اندک را وعفو کن از من گناه بسیار را بدرستی که تو

اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحيمُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ ايماناً تُباشِرُ بِهِ قَلْبي وَيَقيناً

تو آمرزگار مهربان بارخدایا بدرستی که من درمیخواهم از تو ایمانی که مباشر آن گنی دل مرا

حَتّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصيبَني اِلاّ ما كَتَبْتَ لي وَرَضِّني مِنَ الْعَيْشِ بِما قَسَمْتَ

تا آنکه بدانم بتحقیق هرگز نمیرسد مرا مگر آنچه تقدیر کرده برای من وخشنود ساز مرا از زندگانی بآنچه قسمت کرده

لي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ يا عُدَّتي في كُرْبَتي وَيا صاحِبي في شِدَّتي وَيا

برای من ای بخشنده ترین بخشایندگان ای ذخیره من در اندوه من وای یار من در سختی من وای

وَلِيّي في نِعْمَتي وَيا غايَتي في رَغْبَتي اَنْتَ السّاتِرُ عَوْرَتي وَالْآمِنُ رَوْعَتي

کفایت کننده من در نعمت من وای منتهی مطلب من در خواهش من توئی پوشاننده عورت من وایمنی بخشنده خوف مرا

وَالْمُقيلُ عَثْرَتي فَاغْفِرْ لي خَطيئَتي يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ تمام دعاهای سحر

ودرگذرنده لغزش مرا پس بیامرز برای من گناهان مرا ای بخشاینده ترین بخشایندگان

ماه مبارك بسند معتبر منقول است كه حضرت امام زين العابدين وامام محمد باقر صلوات الله عليهما
در هر روز اين ماه مبارك اين دعا ميخواندند اللّهمّ هذا شهر رمضان الّذي انزلت
فيه القرآن هدىً للنّاس وبيّنات من الهدى والفرقان وهذا شهر الصّيام
دران قرآن را در حالتى كه راهنماى آدميانست ونشانهاى روشنست از راه نمائى وجدا كننده حق از باطل واين ماه روزه است
وهذا شهر القيام وهذا شهر الانابة وهذا شهر التّوبة وهذا شهر
واين ماه برپا خواستن است واين ماه بازگشتن است واين ماه توبه است واين ماه
المغفرة والرّحمة وهذا شهر العتق من النّار والفوز بالجنّة وهذا
آمرزش وبخشايش است واين ماه آزادى است از آتش ورستگارى بهشت واين
شهر فيه ليلة القدر الّتي هي خير من الف شهر اللّهمّ فصلّ على محمّد وال
ماهيست كه درآن شب قدر است كه آن بهتر است از هزار ماه خداوندا پس رحمت فرست بر محمد وآل
محمّد واعنّي على صيامه وقيامه وسلّمه لي وسلّمني فيه واعنّي عليه باحسن
محمد ويارى كن مرا بر روزه داشتن آن وبرپا ايستادن دران وسالم دار آنرا براى من وسالم دار مرا دران ويارى كن مرا بر آن به نيكوترين
عونك ووفّقني فيه لطاعتك وطاعة رسولك واوليائك صلوات
مدد خود وتوفيق ده مرا دران از براى طاعت خود وطاعت رسول خود ودوستان خود رحمتهاى
الله عليهم وفرّغني فيه لعبادتك ودعائك وتلاوة كتابك
خدا بر ايشان وفارغ دار مرا دران بجهة عبادت خود وخواندن خود وخواندن كتاب خود
وعظّم لي فيه البركة واحسن لي فيه العافية واصحّ فيه بدني واوسع
(حاشيه: واجزل لي فيه التّوبة)
وبزرگ گردان براى من دران بركت را ونيكو گردان براى من دران عافيت را وسالم دار دران بدن مرا وفراخ كن
فيه رزقي واكفني فيه ما اهمّني واستجب فيه دعائي وبلّغني فيه رجائي
دران روزى مرا ودفع كن از من دران آنچه مرا بغم افكند وقبول كن دران دعاى مرا وبرسان مرا دران باميد من
اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد واذهب عنّي فيه النّعاس والكسل
خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وببر از من دران خواب سبك وكاهلى
والسامة

والسّامة والفترة والقسوة والغفلة والغرّة وجنّبني فيه
وملال وسستى وسختى دل وبيخبرى وفريفتگى ودور گردان از من دران
العلل والاسقام والهموم والاحزان والاعراض والامراض والخطايا
علتها وبيماريها وغمها واندوهها وحوادث ومرضها وخطاها
والذّنوب واصرف عنّي فيه السّوء والفحشاء والجهد والبلاء
وگناهانرا وبگردان از من دران بدى وزشتى ومشقت وبلا
والتّعب والعناء انّك سميع الدّعاء اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد و
ورنج وزحمت را بدرستى كه تو اجابت كننده دعائى خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد و
اعذني فيه من الشّيطان الرّجيم وهمزه ولمزه ونفثه ونفخه ووسوسته
پناه ده مرا دران از شيطان رانده شده وبدگوئى او وعيب جوئى او وسحر او ودميدن او ووسوسه او
وتثبيطه وبطشه وكيده ومكره وحبائله وخدعه وامانيه وغروره
وكاهل گردانيدن او وحمله كردن او ومكر او ودامهاى او وفريبهاى او وآرزوهاى او وفريفتگى او
وفتنته وشركه واحزابه واتباعه واشياعه واوليائه وشركائه
وآشوب او ودامهاى او وياران او وتابعان او وپيروان او ودوستان او وانبازان او
وجميع مكائده اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد وارزقنا قيامه وصيامه
وهمه مكرهاى او خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزى كن ما را برپا ايستادن دران وروزه دران
وبلوغ الامل فيه وفي قيامه واستكمال ما يرضيك عنّي صبرا واحتسابا
ورسيدن بآرزو دران ودر ايستادن دران وتمام كردن آنچه خشنود سازد ترا از من شكيبائى وخالص كردن
وايمانا ويقينا ثمّ تقبّل ذلك منّي بالاضعاف الكثيرة والاجر العظيم
وگرويدن ويقين پس بپذير آنرا از من باضعاف بسيار ومزد بزرگ
يا ربّ العالمين اللّهمّ صلّ على محمّد وال محمّد وارزقني الحجّ والعمرة
اى پروردگار جهانيان خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزى كن مرا حج وعمره

والانابة

والجد والاجتهاد والقوة والنشاط والتوبة والتوفيق والقربة و

وسعی کردن وکوشش نمودن وتوانائی وخوشی وبازگشت وتوبه وتهیا نمودن اسباب ونزدیکی بطاعت

الخير المقبول والرهبة والرغبة والتضرع والخشوع والرقة و

نیکی پذیرفته وترس وخواهشمندی وزاری نمودن وفروتنی ونرم نهادن و

النية الصادقة وصدق اللسان والوجل منك والرجاء لك والتوكل

عزیمت درست وراستی زبان وبیم داشتن از تو وامید داشتن مرترا وتوکل نمودن

عليك والثقة بك والورع عن محارمك مع صالح القول ومقبول

بر تو واعتماد داشتن بتو وپرهیزیدن از محرمات تو باگفتار شایسته وحرکت پذیرفته

السعي ومرفوع العمل ومستجاب الدعوة ولا تحل بيني وبين شيء من

کوشش وعمل بالا برده شده ودعای اجابت کرده شده وحایل مگردان میان من ومیان هیچ چیز از

ذلك بعرض ولا مرض ولا هم ولا غم ولا سقم ولا غفلة ولا نسيان

انچه درخواستم بکاری ونه بیماری ونه اندوهی ونه غمی ونه علتی ونه بیخبری ونه فراموشی را

بل بالتعاهد والتحفظ لك وفيك والرعاية لحقك والوفاء بعهدك

بلکه معامله کن با من بتوفیق ملاحظه کردن ونگاهداشتن برای تو ودر راه تو ورعایت کردن مر حق ترا ووفا نمودن بپیمان تو

ووعدك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم صل على محمد وآل محمد و

ووعده تو برحمت تو ای رحم کننده ترین بخشایندگان خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد و

اقسم لي فيه افضل ما تقسم لعبادك الصالحين واعطني فيه افضل

قسمت کن مرا در اینماه بهترین انچه قسمت میکنی آنرا مر بندگان شایسته خود را وبخش مرا دران بهترین

ما تعطي اولياءك المقربين من الرحمة والمغفرة والتحنن والاجابة

انچه بخشش فرمائی دوستان نزدیک خود را از بخشش وآمرزش ومهربانی وپذیرفتن

والعفو والمغفرة الدائمة والعافية والمعافاة والعتق من النار

ودرگذشتن وآمرزش همیشه وعافیت ومعافات وآزادی از آتش

والفوز

١١٣

والفوز بالجنة وخير الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد

ورستگاری به بهشت وخیر اینجهان وآنجهان خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد

واجعل دعائي فيه اليك واصلا ورحمتك وخيرك اليّ فيه نازلا

وبگردان دعای مرا دران بسوی خود رسنده ورحمت خود وخیر خود را بسوی من دران فرود آینده

وعملي فيه مقبولا وسعيي فيه مشكورا وذنبي فيه مغفورا حتى يكون

وکردار مرا دران پذیرفته وکوشش مرا دران جزا داده شده وگناه مرا دران آمرزیده شده تا آنکه بوده باشد

نصيبي فيه الاكبر وحظي فيه الاوفر اللهم صل على محمد وآل

نصیب من دران بزرگتر وبهره من دران تمام تر خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل

محمد ووفقني فيه لليلة القدر على افضل حال تحب ان يكون عليها

محمد وتوفیق ده مرا دران برای دریافتن شب قدر برابر بهترین حالتی که دوست میداری که بوده باشد بر آن

احد من اوليائك وارضاها لك ثم اجعلها لي خيرا من الف شهر

یکی از دوستان تو وپسندیده ترین آن برای تو پس بگردان آن شب را برای من بهتر از هزار ماه

وارزقني فيها افضل ما رزقت احدا ممن بلغته اياها واكرمته

وروزی کن مرا دران شب بهتر از انچه روزی کرده یکی را از آنانکه رسانیدی ایشانرا بآن شب وگرامی کردی ایشانرا

بها واجعلني فيها من عتقائك من جهنم وطلقائك من النار

بآن شب وبگردان مرا دران شب از آزاد شدگان خود از دوزخ ورها کردگان خود از آتش

وسعداء خلقك بمغفرتك ورضوانك يا ارحم الراحمين اللهم

ونیکبختان خلق خود بآمرزش خود وخشنودی خود ای رحم کننده ترین بخشایندگان خداوندا

صل على محمد وآل محمد وارزقنا في شهرنا هذا الجد والاجتهاد والقوة

رحمت فرست بر محمد وآل محمد وروزی کن ما را در ماه ما اینماه سعی وکوشش وتوانائی

والنشاط وما تحب وترضى اللهم رب الفجر وليال عشر والشفع و

وخوشی وانچه دوست داری وپسندی خداوندا ای پروردگار سپیده دم وشبهای ده گانه وجفت

الوتر ورب شهر رمضان وما انزلت فيه من القران ورب جبرئيل
وتر و پروردگار ماه رمضان وانچه فرو فرستادی دران از قرآن و پروردگار جبرئیل

وميكائيل واسرافيل وجميع الملئكة المقربين ورب ابراهيم واسمعيل
و میکائیل و اسرافیل و همه فرشتگان نزدیکان و پروردگار ابراهیم و اسمعیل

واسحق ويعقوب ورب موسى وعيسى وجميع النبيين والمرسلين
و اسحق و یعقوب و پروردگار موسی و عیسی و همه پیغمبران و فرستادگان

ورب محمد خاتم النبيين صلواتك عليه وعليهم اجمعين واسألك
و پروردگار محمد آخر پیغمبران رحمتهای تو براو باد و برایشان همه و در میخواهم از تو

بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم لما صليت عليه وعليهم اجمعين
بحق ایشان بر تو و بحق بزرگ تو برایشان اگر انکه رحمت فرستی براو و برایشان همه

نظرت الي نظرة رحيمة ترضى بها عني
واسألك بحقهم عليك وبحقك العظيم عليهم رضا لا سخط علي
و نظر افکنی بسوی من نظری با شفقت که خشنود شوی بسبب آن از من خشنودی که نباشد غضبی برمن

بعده ابدا واعطيتني جميع سؤلي ورغبتي وامنيتي وارادتي
بعد از آن هرگز و عطا کنی مرا تمام خواسته مرا و خواهش مرا و آرزوی مرا و مقصود مرا

وصرفت عني ما اكره واحذر واخاف على نفسي وما لا اخاف
و بگردان از من انچه ناخوش دارم و بیم نمایم و ترسم بر نفس من و انچه نترسم

وعن اهلي ومالي واخواني واخواتي وذريتي اللهم اليك فررنا
و از خاندان من و مال من و برادران من و خواهران من و فرزندان من خداوندا بسوی تو گریختیم

من ذنوبنا فاونا تائبين وتب علينا مستغفرين واغفر لنا
از گناهان خود پس جای ده ما را حال آنکه بوده باشیم رجوع نمایندگان و بپذیر توبه ما را حال آنکه بوده باشیم آمرزش نمایندگان و بیامرز ما را حال

متعوذين واعذنا مستجيرين واجرنا مستسلمين ولا تخذلنا
پناه جویندگان و زنهار ده ما را حال آنکه بوده باشیم زنهار جویندگان و زنهار ده ما را حال آنکه بوده باشیم گردن نهادگان و خوار مگردان ما را

راهبين

راهبين وامنا راغبين وشفعنا سائلين واعطنا انك سميع الدعاء
ترسندگان و ایمنی بخش ما را انکه بوده باشیم خواهشمندان و قبول کن شفاعت ما را انکه بوده باشیم درخواهندگان و بخش ما را بدرستیکه تو شنونده دعائی

قريب مجيب اللهم انت ربي وانا عبدك واحق من سأل العبد
نزدیکی اجابت کننده خداوندا تو پروردگاری مرا و من بندهٔ توام و سزاوارترین کسیکه سؤال کند از وی بنده

ربه ولم يسئل العباد مثلك كرما وجودا يا موضع شكوى
پروردگار اوست و سؤال نکردند بندگان مانند ترا از روی بزرگواری ای قرارگاه شکایت

السائلين ويا منتهى حاجة الراغبين ويا غياث المستغيثين ويا
درخواهندگان و ای منتهی حاجت خواهشمندان و ای فریادرس فریادخواهان و

مجيب دعوة المضطرين ويا ملجأ الهاربين ويا صريخ المستصرخين
ای پذیرندهٔ دعای درماندگان و ای پناه گیرنده و ای دادرس دادخواهان

ويا رب المستضعفين ويا كاشف كرب المكروبين ويا فارج
و ای پروردگار ناتوانان و ای رفع نماینده اندوه اندوهناکان و ای گشاینده

هم المهمومين ويا كاشف الكرب العظيم يا الله يا رحمن يا رحيم يا ارحم
غم غمناکان و ای رفع نماینده اندوه بزرگ ای خدا ای بخشاینده ای مهربان ای بخشاینده ترین

الراحمين صل على محمد وال محمد واغفر لي ذنوبي وعيوبي
بخشایندگان رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز برای من گناهان من و عیبهای مرا

واساءتي وظلمي وجرمي واسرافي على نفسي وارزقني من فضلك
و بدی مرا و ستم نمودن مرا و گناه مرا و زیادتی نمودن بر نفس خود و روزی کن مرا از فضل خود

ورحمتك فانه لا يملكها غيرك واعف عني واغفر لي كلما سلف
و رحمت خود زیرا که بتحقیق مالک نیست آنها را غیر تو و درگذر از من و بیامرز برای من هر انچه گذشته

من ذنوبي واعصمني فيما بقي من عمري واستر علي وعلى والدي
از گناهان من و نگاهدار مرا در انچه باقی مانده از عمر من و بپوشان برمن و بر پدر و مادر من

وولدی م
وفرزندانم

وقرابتي واهل حزانتي ومن كان مني بسبيل من المؤمنين والمؤمنات
وخویشان من واهل غمخوارهای من واگر بوده باشد از من در راهی از مردان گرونده وزنان گرونده

في الدنيا والآخرة فإن ذلك كله بيدك وأنت واسع المغفرة فلا
در اینجهان وآنجهان زیرا که بتحقیق آنها همه بدست تست وتو فراگیرنده آمرزشی پس ناامید

تخيبني يا سيدي ولا ترد دعائي ولا ترد يدي إلى نحري حتى تفعل ذلك
مکن مرا ای آقای من وبرمگردان دعای مرا وبرمگردان دست مرا بسوی سینهٔ من تا آنکه بکنی آنرا ودرخواستم

بي وتستجيب لي جميع ما سألتك وتزيدني من فضلك فإنك على كل
با من وبپذیری برای من همه آنچه سؤال کردم از تو وزیاد کنی مرا از بخشش خود زیرا که بتحقیق تو بر هر

شيء قدير ونحن إليك راغبون اللهم لك الأسماء الحسنى و
چیزی توانائی وما بسوی تو خواهشمندانیم خداوندا مرتراست نامهای نیک و

الأمثال العليا والكبرياء والآلاء أسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم
داستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو بنام خدای بخشایندهٔ مهربان

إن كنت قضيت في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها أن تصلي
اگر بوده باشی که حکم کرده باشی در این شب فرود آمدن فرشتگان وروح را در آن اگر رحمت فرستی

على محمد وآل محمد وأن تجعل اسمي في السعداء وروحي مع الشهداء
بر محمد وآل محمد واگر بگردانی نام مرا در دیوان نیکبختان ونفس مرا با شهیدان

وإحساني في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقينا تباشر به
ونیکوئی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده واگر ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن

قلبي وإيمانا لا يشوبه شك ورضا بما قسمت لي وآتني في الدنيا
دل مرا وایمانی که نیامیزد آنرا هیچ شکی وخشنودی بآنچه قسمت کرده برای من وبده مرا در اینجهان

حسنة وفي الآخرة حسنة وقني عذاب النار وإن لم تكن قضيت
نیکی وور آنجهان نیکی ونگاهدار مرا از عذاب آتش واگر نبوده باشی حکم کرده باشی

فی

في هذه الليلة تنزل الملائكة والروح فيها فأخرني إلى ذلك وارزقني فيها
در این شب فرود آمدن فرشتگان وروح را در آن پس باز پس دار مرا تا آن شب وروزی کن مرا در آن

ذكرك وشكرك وطاعتك وحسن عبادتك فصل على محمد وآل محمد بأفضل
یاد نمودن وسپاس گزاری وفرمانبرداری خود ونیکوئی پرستیدن خود پس رحمت بفرست بر محمد وآل محمد بهترین

صلواتك يا أرحم الراحمين يا أحد يا صمد يا رب محمد وآل محمد اغضب اليوم
رحمتهای خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای یگانه ای پناه نیازمندان ای پروردگار محمد وآل محمد غضب کن در این روز

لمحمد ولأبرار عترته واقتل أعداءهم بددا وأحصهم عددا ولا تدع على
بجهت محمد ونیکوکاران از گروه او وبکش دشمنان ایشان را حال آنکه متفرق باشند ودریاب ایشان را بشماره ووا مگذار بر

ظهر الأرض منهم أحدا ولا تغفر لهم أبدا يا حسن الصحبة يا خليفة
پشت زمین از ایشان کسی را ونیامرز مر ایشان را هرگز ای نیکو مصاحبت ای خلیفهٔ

النبيين أنت أرحم الراحمين البدئ البديع الذي ليس كمثله شيء
پیغمبران تو بخشنده ترین بخشندگانی آفریدگاری نو بدید آورنده که نیست مانند او هیچ چیز

والدائم غير الغافل والحي الذي لا يموت أنت كل يوم في شأن
وهمیشه موجودی که نیست بیخبر وزنده که نمیرد تو هر روز در کاری

أنت خليفة محمد وناصر محمد ومفضل محمد أسألك أن تنصر
تو خلیفهٔ محمد ویاور محمد وزیادتی دهندهٔ محمدی سؤال میکنم ترا آنکه یاری کنی

وصي محمد وخليفة محمد والقائم بالقسط من أوصياء محمد صلواتك
وصی محمد وخلیفهٔ محمد وآنرا که برپاست بعدل از اوصیای محمد رحمتهای تو

عليه وعليهم اعطف عليهم نصرك يا لا إله إلا أنت بحق لا إله إلا
براو وبر ایشان بگردان بر ایشان یاری خود را ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بحق کلمهٔ لا اله الا

أنت صل على محمد وآل محمد واجعلني معهم في الدنيا والآخرة و
انت رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبگردان مرا با ایشان در دنیا وآخرت و

اجعل عاقبة امري الى غفرانك ورحمتك يا ارحم الراحمين و
بگردان آخر کارمرا بسوی آمرزش خود وبخشش خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان و

كذلك نسبت نفسك يا سيدي باللطيف بلى انك لطيف باللطف
همچنین نامیده ذات خودرا ای آقای من بمهربان بلی بدرستیکه تو مهربانی

فصل على محمد وال محمد والطف بي لما تشاء اللهم صل
پس رحمت فرست بر محمد وآل محمد ولطف کن بامن بدرستیکه تو آسان میکنی مرا آنچه را خواهی خداوندا رحمت فرست

على محمد وال محمد وارزقني الحج والعمرة في عامنا هذا وفي كل
بر محمد وآل محمد وروزی کن مرا حج وعمره در سال ما این سال ودر هر

عام وتطول على بجميع حوائجي للدنيا والاخرة ثلثا استغفر الله
سال واحسان کن بهمه حاجتهای من بجهة دنیا وآخرت طلب آمرزش میکنم از خدا

ربي واتوب اليه ان ربي قريب مجيب استغفر الله ربي واتوب اليه
پروردگار من وبازگشت میکنم بسوی او بدرستیکه پروردگار من نزدیک جواب دهنده است طلب آمرزش میکنم خدا را پروردگار وبازگشت میکنم بسوی او

ان ربي رحيم ودود استغفر الله ربي واتوب اليه انه كان
بدرستیکه پروردگار من مهربان ودوست طلب آمرزش میکنم خدا را پروردگارم ورجوع میکنم بسوی او بدرستیکه او هست

غفارا اللهم اغفر لي انك ارحم الراحمين رب اني عملت سوءا و
آمرزگار خداوندا بیامرز مرا بدرستیکه تو بخشنده‌ترین بخشندگانی پروردگار من بدرستیکه من کردم بدی و

ظلمت نفسي فاغفر لي انه لا يغفر الذنوب الا انت استغفر الله
ستم کردم نفس خودرا پس بیامرز مرا بدرستیکه نمی‌آمرزد گناهان مرا مگر تو طلب آمرزش میکنم خدا را

الذي لا اله الا هو الحي القيوم الحليم العظيم العليم الكريم الغفار
که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده بردبار بزرگ دانا بزرگوار آمرزنده

للذنب العظيم واتوب اليه استغفر الله ان الله كان غفورا رحيما
گناهان بزرگ ورجوع میکنم بسوی او وطلب آمرزش میکنم خدا را بدرستیکه خدا هست آمرزنده مهربان

سه اللهم

سه مرتبه اللهم اني اسألك ان تصلي على محمد وال محمد وان تجعل فيما
خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا اینکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی در آنچه

تقضي وتقدر من الامر العظيم المحتوم في ليلة القدر من القضاء الذي
حکم میکنی وتقدیر میکنی از امر بزرگ واجب گردیده در شب قدر از آن حکمی که

لا يرد ولا يبدل ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام المبرور حجهم
برگردد وبدل کرده نشود اینکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته شود حج ایشان

المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم وان تجعل
پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان واینکه بگردانی

فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وتوسع رزقي وتؤدي عني
در آنچه حکم میکنی وتقدیر مینمائی اینکه دراز کنی عمر مرا وفراخ کنی روزی مرا ورد کنی از جانب من

امانتي وديني امين رب العالمين اللهم اجعل لي فرجا ومخرجا و من امري
امانت مرا وقرض مرا بپذیر ای پروردگار جهانیان خداوندا بگردان برای من گشادگی وبیرون شدنی و

ارزقني من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب واحرسني من حيث
روزی مرا از آنجا که گمان میبرم واز آنجا که گمان نمیبرم ونگهبانی کن مرا از آنجا که خودرا

احترس ومن حيث لا احترس وصلى الله على محمد وال محمد وسلم كثيرا
نگاهدارم واز آنجا که خودرا نگاه ندارم ورحمت کناد خدا بر محمد وآل محمد ودرود فرستاد خدا درود فرستادنی

واين تسبيحات نيز بسند معتبر از حضرت صادق ع منقول است که در هر روز
ايام بخواند سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله
پاکست خدا پدید آورنده هر ذیروح پاکست خدا نگارنده صورت پاکست خدا

خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا خلق کننده تاریکیها وروشنائی پاکست

الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق
خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده

ما یری وما لا یری سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين
انچه دیده میشود و انچه دیده نمیشود پاکست خدا بشماره کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان

سبحان الله السميع الذي ليس شيء اسمع منه يسمع من فوق عرشه
پاکست خدا شنوائی که نیست هیچ چیز شنواتر ازو میداند انچه را بالای عرش

ما تحت سبع ارضين ويسمع ما في ظلمات البر والبحر ويسمع الانين
و انچه در زیر زمینهای هفتگانه است و میداند انچه در تاریکیهای بیابان و دریا و میشنود ناله

والشكوى ويسمع السر واخفى ويسمع وساوس الصدور ولا
و شکایت را و میشنود هر رازی و پنهانتر ازانرا و میشنود و میداند اندیشهای سینه‌ها را و کر نمیسازد

يصمه سمع صوت سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان
گوش او صدائی پاکست خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدا نگارنده صورت پاکست خدا

الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان
آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا آفریننده ظلمتها و روشنائی پاکست

الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله
خدا شکافنده دانه و هستهای خرما پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب
آفریننده انچه دیده میشود و انچه دیده نمیشود پاکست خدا را بشماره کلمهای او پاکست خدا پروردگار

العالمين سبحان الله البصير الذي ليس شيء ابصر منه يبصر من فوق
جهانیان پاکست خدای بینائی که نیست هیچ چیزی بیناتر ازو میبیند از بالای

عرشه ما تحت سبع ارضين ويبصر ما في ظلمات البر والبحر لا تدركه
عرش خود انچه در زیر زمینهای هفتگانه است و میبیند انچه را در ظلمتهای بیابانست و دریاست در نیابد او را

الابصار

الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير لا تغشى
دیدها و او دریابد دیدها را و اوست مهربان آگاه نمیپوشاند چیزی را

بصره الظلمة ولا يستتر منه بستر ولا يواري منه جدار و
از دیده او تاریکی و پوشیده نشود ازو بپرده و نمیپوشاند ازو دیواری و

لا يغيب عنه بر ولا بحر ولا يكن منه جبل ما في اصله ولا قلب ما
پنهان نیست ازو بیابانی و نه دریائی و پنهان نمیدارد ازو کوهی انچه را در بیخ وست و نه دلی انچه

فيه ولا جنب ما في قلبه ولا يستتر منه صغير ولا كبير ولا يخفى عليه
در وست و نه انچه را در دل اوست و پوشیده نیست ازو خوردی و نه بزرگی و پنهان نیست بر او

شيء في الارض ولا في السماء هو الذي يصوركم في الارحام كيف
چیزی در زمین و نه در آسمان و اوست انکه بصورت در می‌آورد شما را در رحمها هر روش

يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم سبحان الله بارئ النسم
که خواهد نیست سزاوار پرستش مگر او غالب راست کفتار درست کردار پاکست خدا پدید آورنده آدمیان

سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان
پاکست خدا نگارنده صورتست پاکست خدا آفریننده اصناف مخلوقات همه آنها پاکست

الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
خدا آفریننده ظلمتها و نور پاکست خدا شکافنده دانه و هستهای خرما

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى
پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده انچه دیده شود و انچه دیده نشود

سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي
پاکست خدا بشماره کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائی که

ينشئ السحاب الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكة من خيفته و
برانگیزاند ابرهای گرانبار را و تنزیه میکند رعد بسپاس او و فرشتگان از بیم او و

يرسل الصواعق فيصيب بها من يشاء ويرسل الرياح بشرا بين يدي

آمدن

میفرستد صاعقهارا پس میرساند بآنها آنراکه خواهد ومیفرستد بادهارا درحالتی که مژده دهنده پیش ازفرود

رحمته ويرسل الماء من السماء بكلمته وينبت النبات بقدرته

رحمت او ومیفرستد آبرا ازآسمان بکلمهٔ خود ومیرویاند گیاه را بتوانائی خود

ويسقط الورق بعلمه سبحان الله الذي لا يعزب عنه مثقال ذرة في

وفرو میریزد برگ درخت را بعلم خود پاکست خدائیکه پنهان ازو وقدر مورچهٔ خوردی در

الارض ولا في السماء ولا اصغر من ذلك ولا اكبر الا في كتاب مبين سبحان

زمین ونه درآسمان ونیست خوردتر ازان ونه بزرگتر مگر آنکه درکتابیست روشن پاکست

الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها

خدا پدید آورندهٔ هر ذی روح پاکست خدای بخشندهٔ صورت پاکست خدا آفرینندهٔ آفریدگان همهٔ آنها

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى

پاکست خدا آفرینندهٔ تاریکیها وروشنائی پاکست خدا آفرینندهٔ شکافندهٔ دانه وهستهای خرما

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان

پاکست خدا آفرینندهٔ هر چیز پاکست خدا آفرینندهٔ آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود پاکست

الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم

خدا بشمارهٔ کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائی که میداند

ما تحمل كل انثى وما تغيض الارحام وما تزداد وكل شيء عنده بمقدار

آنچه برمیدارد در رحم هر زنی وآنچه کم میکند رحمها وآنچه بیفزاید آنرا رحمها وهر چیزی نزد او باندازه است

عالم الغيب والشهادة الكبير المتعال سواء منكم من اسر القول ومن

دانای هر پنهان وآشکار است بزرگست بلند مرتبه است یکسانست نزد دانش او ازشما آنکه پنهان دارد سخنی وهرکه

جهر به ومن هو مستخف بالليل وسارب بالنهار له معقبات من بين

آشکار کند آنرا وکه او پوشنده عمل خود است درشب وآنکه آشکار نماینده است درروز مر اوراست فرشتگانی اندروی او

يدبر

يديه ومن خلفه يحفظونه من امر الله سبحان الله الذي يميت الاحياء

واز پس سر او نگاه دارند گردهای او را بسبب امتثال فرمان خدا پاکست خدائی که بمیراند زندگانرا

ويحيي الموتى ويعلم ما تنقص الارض منهم ويقر في الارحام ما يشاء

وزنده میکند مردهارا ومیداند آنچه کم میکند زمین ازایشان وثابت میدارد در رحمها آنچه خواهد

الى اجل مسمى سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان

تامدت معینی پاکست خدا پدید آورندهٔ صاحبان روح پاکست خدا بخشندهٔ صورت پاکست

الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان

خدا آفرینندهٔ انواع آفریدگان همهٔ آنها پاکست خدا آفرینندهٔ ظلمتها وروشنائی پاکست

الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله

خدا شکافندهٔ دانه وهستهای خرما پاکست خدا آفرینندهٔ هرچیز پاکست خدا

خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان الله رب

آفرینندهٔ آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار کلمهای او پاکست خدا پروردگار

العالمين سبحان الله مالك الملك تؤتي الملك من تشاء وتنزع الملك

جهانیان پاکست خدا خداوند پادشاهی میدهی پادشاهی را بآنکه خواهی ومیگیری پادشاهی را

ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل

از آنکه خواهی وعزیز میداری آنرا که خواهی وخوار میسازی آنرا که خواهی بدست تست نیکوئی بدرستیکه تو برهر

شيء قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي

چیز توانائی درمی آوری شب را در روز ودرمی آوری روز را درشب وبیرون می آوری زنده را

من الميت وتخرج الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب

از مرده وبیرون می آوری مرده را از زنده وروزی میدهی آنرا که خواهی بیشمار

سبحان الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج

پاکست خدا آفرینندهٔ هر ذی روح پاکست خدای صورت بخشنده پاکست خدا آفرینندهٔ انواع مخلوقات

كلها سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب و
همه آنها پاکست خدا آفریننده ظلمتها و نور پاکست خدا شکافنده دانه و استهای خرما

النوى سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته
پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار کلمهای او

سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي عنده مفاتح الغيب لا يعلمها
پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائی که نزد اوست کلیدهای خزانه غیبی نمیداند آنها را

الا هو ويعلم ما في البر والبحر وما تسقط من ورقة الا يعلمها ولا
مگر او و میداند آنچه را در خشکی و دریاست و نمی افتد هیچ برگی از درختی مگر آنکه میداند آنرا و نه

حبة في ظلمات الارض ولا رطب ولا يابس الا في كتاب مبين سبحان
دانه که بیفتد در تاریکیهای زمین و نه تر و تازه و نه خشکی مگر در کتاب روشن پاکست

الله بارئ النسم سبحان الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها
خدا پدید آورنده هر ذی روح پاکست خدای صورت بخش پاکست خدا آفریننده مخلوقات همه آنها

سبحان الله جاعل الظلمات والنور سبحان الله فالق الحب والنوى
پاکست خدا آفریننده ظلمتها و نور پاکست خدا آفریننده (شکافنده) دانه و استهای خرما

سبحان الله خالق كل شيء سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان
پاکست خدا آفریننده هر چیز پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست

الله مداد كلماته سبحان الله رب العالمين سبحان الله الذي لا يحصي
خدا شمار کلمهای او پاکست خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائی که نشمارند

مدحته القائلون ولا يجزي بآلائه الشاكرون والعابدون
ستایش او را ستایندگان و شکر نکنند در مقابل نعمتهای او سپاس گزاران و پرستندگان

وهو كما قال وفوق ما نقول والله سبحانه كما اثنى على نفسه
و او چنانست که خود گفته و بالای آنچه گوئیم ما در وصف او و خدا پاکست او چنانست که خود ستوده خودرا

ول

ولا يحيطون بشيء من علمه الا بما شاء وسع كرسيه السموات والارض
و فرا نمیرسند ایشان بچیزی از دانشهای او مگر بآنچه خواسته خدا و فرا گرفته کرسی او آسمانها و زمین را

ولا يؤده حفظهما وهو العلي العظيم سبحان الله بارئ النسم سبحان
و نیفکند او را در تعب نگاهبانی او و اوست رفیع الشان بزرگ مرتبه پاکست خدا پدید آورنده هر صاحب روحی پاکست

الله المصور سبحان الله خالق الازواج كلها سبحان الله جاعل الظلمات
خدای صورت بخش پاکست خدا آفریننده انواع مخلوقات همه آنها پاکست خدا خالق ظلمتها

والنور سبحان الله فالق الحب والنوى سبحان الله خالق كل شيء
و نور پاکست خدا شکافنده (آفریننده) دانه و هسته خرما پاکست خدا خالق هر چیز

سبحان الله خالق ما يرى وما لا يرى سبحان الله مداد كلماته سبحان
پاکست خدا آفریننده آنچه دیده شود و آنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار کلمهای او پاکست

الله رب العالمين سبحان الله الذي يعلم ما يلج في الارض وما
خدا پروردگار جهانیان پاکست خدائی که میداند آنچه را داخل میشود در زمین و آنچه

يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها ولا يشغله ما
بیرون آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و باز نمیدارد او را آنچه

يلج في الارض وما يخرج منها عما ينزل من السماء وما يعرج فيها
داخل میشود در زمین و آنچه بیرون می آید از آن از آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود در آن

ولا يشغله ما ينزل من السماء وما يعرج فيها عما يلج في الارض وما
و باز ندارد او را آنچه فرود آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن از آنچه داخل شود در زمین و آنچه

يخرج منها ولا يشغله علم شيء عن علم شيء ولا يشغله خلق شيء
بیرون آید از آن و باز ندارد او را دانش چیزی از دانش چیزی و باز ندارد او را آفریدن چیزی

عن خلق شيء ولا حفظ شيء عن شيء ولا يساويه شيء ولا يعدله شيء
از آفریدن چیزی و نه نگاهبانی چیزی از و مساوی نیست او را چیزی و برابری نمیکند او را چیزی

حفظه يعادله
نگاهبانی دیگر

شَيءٌ لَيسَ كَمِثلِهِ شَيءٌ وَهُوَ السَّميعُ العَليمُ سُبحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبحانَ
نیست مانند او هیچ چیز واوست شنوای دانا پاکست خدا پدید آورندهٔ هر ذی روح پاکست

اللهِ المُصَوِّرِ سُبحانَ اللهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها سُبحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ
خدای صورت بخشی پاکست خدای که آفریننده اقسام مخلوق همهٔ آنها پاکست خدا آفرینندهٔ ظلمتها

وَالنُّورِ سُبحانَ اللهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى سُبحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيءٍ
ونور پاکست خدا شکافندهٔ دانه وهستهای خرما پاکست خدا آفرینندهٔ هر چیز

سُبحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبحانَ
پاکست خدا آفرینندهٔ آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار همه کلمهای او پاکست

اللهِ رَبِّ العالَمينَ سُبحانَ اللهِ فاطِرِ السَّماواتِ وَالأَرضِ جاعِلِ المَلائِكَةِ
خدا پروردگار جهانیان پاکست خدا خلق نمایندهٔ آسمانها وزمین گردانندهٔ فرشتگان

رُسُلاً أُولي أَجنِحَةٍ مَثنى وَثُلاثَ وَرُباعَ يَزيدُ فِي الخَلقِ ما يَشاءُ إِنَّ اللهَ
رسولان صاحبان بالهای دو دو وسه سه وچهار چهار می افزاید در آفرینش آنچه خواهد بدرستی خدا

عَلى كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ ما يَفتَحِ اللهُ لِلنّاسِ مِن رَحمَةٍ فَلا مُمسِكَ لَها وَما يُمسِكْ
بر هر چیزی تواناست آنچه بگشاید خدا برای آدمیان از بخشش پس نیست بازدارندهٔ مرآنرا وآنچه بازدارد

فَلا مُرسِلَ لَهُ مِن بَعدِهِ وَهُوَ العَزيزُ الحَكيمُ سُبحانَ اللهِ بارِئِ النَّسَمِ سُبحانَ
واو غالبست گفتار درست کردارست پاکست خدا پدید آورندهٔ هر ذی روح پاکست

اللهِ المُصَوِّرِ سُبحانَ اللهِ خالِقِ الأَزواجِ كُلِّها سُبحانَ اللهِ جاعِلِ الظُّلُماتِ
خدای نمایندهٔ صورت پاکست خدا آفرینندهٔ زوج همهٔ آنها پاکست خدا آفرینندهٔ ظلمتها

وَالنُّورِ سُبحانَ اللهِ فالِقِ الحَبِّ وَالنَّوى سُبحانَ اللهِ خالِقِ كُلِّ شَيءٍ
ونور پاکست خدا شکافندهٔ دانه وهستهای خرما پاکست خدا آفرینندهٔ هر چیز

سُبحانَ اللهِ خالِقِ ما يُرى وَما لا يُرى سُبحانَ اللهِ مِدادَ كَلِماتِهِ سُبحانَ اللهِ
پاکست خدا آفرینندهٔ آنچه دیده شود وآنچه دیده نشود پاکست خدا بشمار کلمهای او پاکست خدا.

ربّ

رَبِّ العالَمينَ سُبحانَ اللهِ الَّذي يَعلَمُ ما فِي السَّماواتِ وَما فِي الأَرضِ ما
ای پروردگار جهانیان پاکست خدائی که میداند آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمین است

يَكونُ مِن نَجوى ثَلاثَةٍ إِلّا هُوَ رابِعُهُم وَلا خَمسَةٍ إِلّا هُوَ سادِسُهُم
نباشد از راز گفتن هیچ سه تن مگر او چهارم ایشانست ونه پنج تن مگر او ششم ایشانست

وَلا أَدنى مِن ذٰلِكَ وَلا أَكثَرَ إِلّا هُوَ مَعَهُم أَينَما كانوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُم
ونه کمتر ازان ونه بیشتر مگر اینکه با ایشانست هر جا که بوده باشند پس آگاه کند ایشانرا

بِما عَمِلوا يَومَ القِيامَةِ إِنَّ اللهَ بِكُلِّ شَيءٍ عَليمٌ وايضا مستحب است كه اين
بآنچه کرده اند در روز رستخیز بدرستی خدا بهر چیزی داناست صلوات را در هر روز ماه

مبارك و در هر روز جمعه در تمام سال بخواند إِنَّ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ يُصَلّونَ — بدرستی خدا و فرشتگان درود می فرستند

عَلَى النَّبِيِّ يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنوا صَلّوا عَلَيهِ وَسَلِّموا تَسليماً لَبَّيكَ
بر پیغمبر ای گروهی که گرویده اید رحمت بفرستید براو ودرود بفرستید درود فرستادنی

يا رَبِّ وَسُبحانَكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبارِكْ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ — وَسَعدَيكَ
ای پروردگار من و پاکی تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبرکت ده بر محمد و

مُحَمَّدٍ كَما صَلَّيتَ وَبارَكتَ عَلى إِبراهيمَ وَآلِ إِبراهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ
محمد چنانچه رحمت فرستادی وبرکت دادی بر ابراهیم وآل ابراهیم بدرستی تو ستوده بزرگواری

اللّٰهُمَّ ارحَم مُحَمَّداً وَآلَ مُحَمَّدٍ كَما رَحِمتَ إِبراهيمَ وَآلَ إِبراهيمَ إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ
خداوندا ترحم کن محمد وآل محمد را چنانچه ترحم نمودی ابراهیم وآل ابراهیم را بدرستی تو ستوده بزرگواری

اللّٰهُمَّ سَلِّم عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما سَلَّمتَ عَلى نوحٍ فِي العالَمينَ اللّٰهُمَّ امنُنْ
خداوندا درود فرست بر محمد وآل محمد چنانچه درود فرستادی بر نوح در میان جهانیان خداوندا احسان کن

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَما مَنَنتَ عَلى موسى وَهارونَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
بر محمد وآل محمد چنانچه بخشش نمودی بر موسی وهارون خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل

محمد كما هديتنا به اللهم صل على محمد وآل محمد وابعثه مقاما محمودا يغبطه
محمد چنانچه راه نمائی کردی ما را باو خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبرانگیز اورا در جایگاه ستوده که رشک برند اورا

به الأولون والآخرون على محمد وآله السلام كلما طلعت شمس أو غربت
بآن پیشینیان وپسینیان بر محمد وآل او باد درود هرگاه برآید آفتاب یا فرو رود

على محمد وآله السلام كلما طرفت عين أو برقت على محمد وآله السلام
بر محمد وآل او باد درود هرگاه برهم زند پلکها دیده یا اشک ریزد بر محمد وآل او درود

كلما طرفت عين أو ذرفت على محمد وآله السلام كلما ذكر السلام على محمد
هرگاه ذکر کرده شود سلام بر محمد

وآله السلام كلما سبح الله ملك أو قدسه السلام على محمد وآله في
وآل او باد درود هرگاه تسبیح کند خدارا فرشته یا تنزیه کند اورا درود بر محمد وآل او باد در زمره

الأولين السلام على محمد وآله في الآخرين السلام على محمد وآله في الدنيا
پیشینیان درود بر محمد وآل او در زمره پسینیان درود بر محمد وآل او در اینجهان

والآخرة السلام على محمد وآله ورحمة الله وبركاته اللهم رب البلد الحرام
وآنجهان درود بر محمد وآل او ورحمت خدا وبرکتهای او خداوندا ای پروردگار بلده محترم

ورب الركن والمقام ورب الحل والحرام أبلغ نبيك محمدا وآله عنا
وپروردگار رکن کعبه ومقام ابراهیم وای پروردگار حل وحرم برسان پیغمبر خود محمد وآل اورا از ما

السلام اللهم أعط محمدا من البهاء والسرور والنضرة والكرامة
درود خداوندا ببخش محمدرا از نیکوئی وشادی وتازگی وبزرگواری و

والغبطة والوسيلة والمنزلة والمقام والشرف والرفعة والشفاعة
وخوشحالی ووسیله ومرتبه وجایگاه وشرافت وبلندی وشفاعت کردن

عندك يوم القيامة أفضل ما تعطي أحدا من خلقك وأعط محمدا فوق
نزد تو در روز رستخیز بهتر از آنچه عطا کنی یکی از خلق خودرا وعطا کن محمدرا بالای

ما

ما تعطي الخلائق من الخير أضعافا كثيرة لا يحصيها غيرك اللهم صل على
آنچه عطا کنی آفریدگانرا از نیکی اضعاف بسیار که نشمارد آنهارا غیر تو خداوندا رحمت فرست بر

محمد وآل محمد أطيب وأطهر وأزكى وأنمى وأفضل ما صليت على
محمد وآل محمد پاکیزه‌تر وطاهرتر وپاک‌تر وفزاینده‌تر وبهتر از آنچه رحمت فرستاده بر

أحد من الأولين والآخرين وعلى أحد من خلقك يا أرحم الراحمين
یکی از پیشینیان وپسینیان وبر یکی از خلق خود ای رحم کننده‌ترین بخشندگان

اللهم صل على علي أمير المؤمنين ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف
خداوندا رحمت بفرست بر پادشاه گروندگان ودوست دار آنرا که دوست دارد اورا ودشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا

العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على فاطمة بنت نبيك محمد عليه
عذاب‌را بر آنکه شریک شد در خون او خداوندا رحمت فرست بر فاطمه دختر پیغمبر خود محمد بر او

وآله السلام والعن من آذى نبيك فيها ووال من والاها وعاد من عاداها
وآل او باد درود ودور کن از رحمت خود کسی‌را که آزرد پیغمبر ترا در او ودوست دار آنرا که دوست دارد اورا ودشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا

وضاعف العذاب على من ظلمها اللهم صل على الحسن والحسين إمامي
وزیاد کن عذاب‌را بر آنکه ستم کرد آنرا خداوندا رحمت فرست بر حسن وحسین دو پیشوای

المسلمين ووال من والاهما وعاد من عاداهما وضاعف العذاب على
مسلمانان دوست دار آنرا که دوست دارد ایشانرا ودشمن دار آنرا که دشمن دارد ایشانرا ومضاعف کن عذاب‌را بر

من ظلمهما أو شرك في دمهما اللهم صل على علي بن الحسين إمام المسلمين
آنکه شرکت نمود در خون ایشان خداوندا رحمت فرست بر علی پسر حسین پیشوای مسلمانان

ووال من والاه وعاد من عاداه وضاعف العذاب على من ظلمه اللهم
ودوست دار آنرا که دوست داشته اورا ودشمن دار آنرا که دشمن داشته اورا ومضاعف کن عذاب‌را بر آنکه ستم کرد اورا خداوندا

صل على محمد بن علي إمام المسلمين ووال من والاه وعاد من عاداه و
رحمت فرست بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان ودوست دار آنکه دوست داشته اورا ودشمن دار آنرا که دشمن داشته اورا

ضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل على جعفر بن محمد امام المسلمين
و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرده اورا خداوندا رحمت فرست بر جعفر پسر محمد پیشوای مسلمانان
و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف العذاب على من ظلمه اللهم
و دوست دار آنرا که دوست داشته اورا و دشمن دار آنرا که دشمن داشته اورا و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد اورا خداوندا
صل على موسى بن جعفر امام المسلمين و وال من والاه و عاد من عاداه
رحمت فرست بر موسی پسر جعفر پیشوای مسلمانان دوست دار آنرا که دوست داشته اورا و دشمن دار آنرا که دشمن داشته اورا
و ضاعف العذاب على من شرك في دمه اللهم صل على علي بن موسى
و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد اورا در خون او خداوندا رحمت فرست بر علی پسر موسی
امام المسلمين و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف العذاب
پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را
على من شرك في دمه اللهم صل على محمد بن علي امام المسلمين و وال
بر آنکه ستم کرد در خون او خداوندا رحمت فرست بر محمد پسر علی پیشوای مسلمانان دوست دار آنرا
من والاه و عاد من عاداه و ضاعف العذاب على من ظلمه اللهم صل
که دوست دارد آنرا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستم کرد با او خداوندا رحمت فرست
على علي بن محمد امام المسلمين و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف
بر علی پسر محمد پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد آنرا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن
العذاب على من ظلمه اللهم صل على الحسن بن علي امام المسلمين
عذاب را بر آنکه ستم کرد اورا خداوندا رحمت فرست بر حسن پسر علی پیشوای مسلمانان
و وال من والاه و عاد من عاداه و ضاعف العذاب على من ظلمه اللهم
و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا و مضاعف کن عذاب را بر آنکه ستمکرد اورا خداوندا
صل على الخلف من بعده امام المسلمين و وال من والاه و عاد من عاداه
رحمت فرست بر جانشین پس از او پیشوای مسلمانان و دوست دار آنرا که دوست دارد اورا و دشمن دار آنرا که دشمن دارد اورا

وعجل

و ضاعف العذاب على الكفرة الفجرة

وعجل فرجه اللهم صل على القاسم و الطاهر ابني نبيك و العن من آذى
و بشتاب آوردن گشایش او خداوندا رحمت فرست بر قاسم و طاهر دو پسر پیغمبر خود
نبيك فيهما اللهم صل على رقية بنت نبيك و العن من آذى نبيك
خداوندا رحمت فرست بر رقیه دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا
فيها اللهم صل على ام كلثوم بنت نبيك و العن من آذى نبيك
درباره او خداوندا رحمت فرست بر ام کلثوم دختر پیغمبر خود و لعنت کن آنرا که بیازرد پیغمبر ترا
فيها اللهم صل على ذرية نبيك اللهم اخلف نبيك في اهل بيته اللهم
درباره او خداوندا رحمت فرست بر فرزندان پیغمبر خود خداوندا خلیفه باش پیغمبر خود را در خاندان او خداوندا

صل على محمد و آل محمد

مكن لهم في الارض اللهم اجعلنا من عددهم و مددهم و انصارهم على
جای ده ایشان را در زمین خداوندا بگردان ما را از شماره ایشان و یاوران ایشان و یاری نمایندگان ایشان بر
الحق في السر و العلانية اللهم اطلب بذحلهم و وترهم و دمائهم و
حق در نهانی و آشکار خداوندا طلب کن دم ایشان را و خون ایشان را و خونهای ایشان را و
كف عنا و عنهم و عن كل مؤمن و مؤمنة بأس كل باغ و طاغ و كل دابة
باز دار از ما و از ایشان و از هر مرد گرونده و زن گرونده دلیری هر ستم کننده و از حد گذرنده هر جنبنده را
انت آخذ بناصيتها انك انت اشد بأسا و اشد تنكيلا و در اقبال و بعضی
که تو فرا گیرنده موی پیش سر اوری بدرستی که تو توئی توانا تر از روی عذاب کردن و توانا تر از روی عقوبت نمودن
از نسخهای دیگر
دعا از حضرت علی بن الحسین تا حضرت امام حسن عسکری علیهم السلم بجای
علی من ظلمه چنین است علی من شرك في دمه و از جمله دعاهای هر روز ماه
مبارك رمضان دعایی است که سید ابن طاوس فضیلت بسیار از جهت او
روایت کرده است و در استجابت دعوات مجربست و بر مضامین عالیه مشتمل است
و دعا این است اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني سم
خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر برای من چنانچه وعده کردی مرا

اللهم اني اسألك من بهائك بابهاه وكل بهائك بهي اللهم اني اسألك

خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو بنیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکست

ببهائك كله اللهم اني اسألك من جلالك باجله وكل جلالك

بنیکوئی تو همهٔ آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن و هر بزرگواری تو

جليل اللهم اني اسألك بجلالك كله اللهم اني اسألك من جمالك

بزرگوار است خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ببزرگواری تو همهٔ آن خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بنیکوئی تو

باجمله وكل جمالك جميل اللهم اني اسألك بجمالك كله پس سه مرتبه بگوید اللهم اني

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك

من عظمتك باعظمها وكل عظمتك عظيمة اللهم اني اسألك بعظمتك

كلها اللهم اني اسألك من نورك بانوره وكل نورك نير اللهم

اني اسألك بنورك كله اللهم اني اسألك من رحمتك باوسعها

وكل رحمتك واسعة اللهم اني اسألك برحمتك كلها پس سه مرتبه بگوید

ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من

كمالك باكمله وكل كمالك كامل اللهم اني اسألك بكمالك كله اللهم

اني اسألك من كلماتك باتمها وكل كلماتك تامة اللهم اني اسألك

بكلماتك كلها اللهم اني اسألك من اسمائك باكبرها وكل اسمائك

كبيرة اللهم اني اسألك باسمائك كلها پس بگوید اللهم اني ادعوك كما

امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من عزتك باعزها

وكل عزتك عزيزة اللهم اني اسألك بعزتك كلها اللهم اني اسألك

من مشيتك بامضاها وكل مشيتك ماضية اللهم اني اسألك

بمشيتك كلها اللهم اني اسألك بقدرتك التي استطلت بها على كل

شيء وكل قدرتك مستطيلة اللهم اني اسألك بقدرتك كلها

پس سه مرتبه بگوید اللهم اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم

اني اسألك من علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم اني اسألك بعلمك

كله اللهم اني اسألك من قولك بارضاه وكل قولك رضي اللهم اني

اسألك بقولك كله اللهم اني اسألك من مسائلك باحبها اليك وكل
سوال میکنم از تو بگفتار تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال ترا از سوالهای تو به دوست داشته ترین آنها بسوی تو و هر یک
مسائلك حبيبة اليك اللهم اني اسألك بمسائلك كلها پس مرتبه بگوید اللهم
از سوالهای تو دوست داشته شده است بسوی تو خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بسوالهای تو تمام آن خداوندا
اني ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من
بدرستی من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس جواب بده برای من چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از
شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم اني اسألك بشرفك كله
بزرگواری تو ببزرگوار ترین آن و هر بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا ببزرگواری تو
اللهم اني اسألك من سلطانك بادومه وكل سلطانك دائم اللهم
خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از سلطنت تو بهمیشه ترین آن و هر سلطنت تو همیشه است خداوندا
اني اسألك بسلطانك كله اللهم اني اسألك من ملكك بافخره و
بدرستیکه من سوال میکنم ترا بسلطنت تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از ملک وغلبه تو بعظیم ترین آن و
كل ملكك فاخر اللهم اني اسألك بملكك كله پس مرتبه بگوید اللهم اني
هر غلبه تو عظیم است خداوندا بدرستی من سوال ترا بغلبه تو همه آن خداوندا بدرستی من
ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسألك من
میخوانم ترا چنانچه امر کرده مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی مرا بارخدایا بدرستی من سوال میکنم ترا از
علائك باعلاه وكل علائك عال اللهم اني اسألك بعلائك
بلندی تو ببلند ترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا ببلندی تو
كله اللهم اني اسألك من منك باقدمه وكل منك قديم اللهم
همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از انعام تو بدیرینه ترین آن و هر انعام تو دیرینه است خداوندا
اني اسألك بمنك كله اللهم اني اسألك من آياتك باعجبها و
بدرستی من سوال میکنم ترا بانعام تو همه آن خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا از نشانهای قدرت تو بعجیب ترین آن و هر
کل

كل آياتك عجيبة اللهم اني اسألك بآياتك كلها پس مرتبه بگوید
هر یک از نشانهای قدرت تو شگفت آورنده است خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بنشانهای قدرت تو تمام آن اللهم اني
ادعوك كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني
میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن برای من چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستی من سوال
اسألك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم اني اسألك
سوال میکنم ترا از فضل تو بافزون ترین آن و هر یک از فضل تو افزون است خداوندا بدرستی من سوال
بفضلك كله اللهم اني اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك
بفضل تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از روزی تو بفراگیرنده ترین آن و هر روزی تو
عام اللهم اني اسألك برزقك كله اللهم اني اسألك من عطائك
فراگیرنده است خداوندا بدرستی من سوال ترا بروزی تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از بخشش تو
باهنائه وكل عطائك هنيء اللهم اني اسألك بعطائك كله اللهم
بگوارا ترین آن و هر بخشش تو گوارا است خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا ببخشش تو همه آن خداوندا
اني اسألك من خيرك باعجله وكل خيرك عاجل اللهم اني اسألك بخيرك
بدرستی من سوال میکنم ترا از خیر تو بشتاب کننده ترین آن و هر خیر تو شتابان است خداوندا بدرستی من سوال ترا بخیر تو
كله اللهم اني اسألك من احسانك باحسنه وكل احسانك حسن
همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از نیکوئی تو بنیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکو است
اللهم اني اسألك باحسانك كله اللهم اني اسألك بما تجيبني به
خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا باحسان تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا پس اجابت کن مرا با آن
حين ادعوك فاجبني يا الله نعم دعوتك يا الله اللهم اني اسألك
هنگامی میخوانم ترا پس اجابت کن مرا ای خدا بلی میخوانم ترا ای خدا خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا
بما انت فيه من الشئون والجبروت اللهم اني اسألك بكل شان
بآنچه تو در آنی از کارها و بزرگواری خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بهر کاری

وجبروت اللهم اني اسألك بشأنك وجبروتك كلها اللهم اني اسألك

وبزرگواری خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بکار تو وبزرگواری تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال ترا

بما تجيبني به حين اسألك به فاجبني به يا الله صل على محمد وآل محمد [illegible]

بآنچه اجابت میکنی مرا بآن [illegible] خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد [illegible]

اللهم اني اسألك صل على محمد وآل محمد وابعثني على الايمان بك و

خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبرانگیز مرا بر گرویدن بتو و

التصديق برسولك والولاية لعلي بن ابي طالب عليه السلام والائتمام

باور داشتن رسول ترا و دوستی علی ابن ابی طالب ع براو باد درود واقتدا

بالائمة من آل محمد والبراءة من اعدائهم فاني قد رضيت بذلك

به پیشوایان از خاندان محمد وبیزاری از دشمنان ایشان پس بدرستی من تحقیق خشنودم بآن

يا رب اللهم صل على محمد وآل محمد واسألك خير الخير رضوانك والجنة

ای پروردگار من خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وسوال میکنم از تو بهتر از هر نیکی را خشنودی ات و بهشت

واعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل على محمد وآل محمد

وپناه میبرم بتو از بدتر هر بدی که غضب تست وآتش خداوندا رحمت بفرست بر محمد وآل محمد

واحفظني من كل مصيبة ومن كل بلية ومن كل عقوبة ومن كل فتنة

ونگاهدار مرا از هر مکروهی وازهر رنجی وازهر عقوبتی وازهر آشوبی

ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل فقر نزلت او تنزل — من كل خطيئة و

وازهر بلائی وازهر گزندی وازهر ناخوشی وازهر تنگی [illegible] فرود آمده یا فرود آید

من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي هذا

از آسمان بسوی زمین دراین ساعت ودراین شب ودراین

اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم صل على

روز ودراین ماه ودراین سال خداوندا رحمت بفرست بر

محمد

محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة ومن كل استقامة

محمد وآل محمد وبخش ده مرا از هر شادی وازهر نیکوئی وازهر اعتدالی

ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن كل كرامة ومن

وازهر گشایشی وازهر عافیت وازهر سلامتی وازهر نوازشی واز

كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل حسنة نزلت او

هر روزی فراخ حلال پاکیزه وازهر نعمت وازهر نیکوئی فرود آمده یا

تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة وفي

فرود آید از آسمان بسوی زمین دراین ساعت ودراین شب ودر

هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي

این روز ودراین ماه ودراین سال خداوندا اگر باشد گناهان من که

قد اخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك او غيرت حالي عندك

تحقیق کهنه کرده باشند روی مرا نزد تو وحایل شده میان من ومیان تو یا تغییر داده باشند حال مرا نزد تو

فاني اسألك بنور وجهك الكريم الذي لم يطفأ وبوجه حبيبك

پس بدرستی من سوال میکنم ترا بنور ذات بزرگوار تو که فرو ننشسته وبجاه دوست تو

محمد المصطفى وبوجه وليك علي المرتضى وبحق اوليائك الذين

محمد برگزیده وبجاه دوست تو علی پسندیده وبحق دوستان تو که برگزیدی

انتجبتهم ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي ولوالدي وما ولدا

ایشان را اگر رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واگر بیامرزی برای من وبرای پدر ومادر من واگر زائیده اند

وللمؤمنين والمؤمنات وما توالدوا ذنوبنا كلها صغيرها وكبيرها

وبرای مردان گرونده وزنان گرونده واگر زائیده اند [illegible] گناهان ما را همه آنها را خورد آنها وبزرگ آنها

وان تختم لنا بالصالحات وان تقضي لنا الحاجات والمهمات و

واگر ختم کنی برای ما بکردارهای شایسته واگر روا کنی برای ما حاجتها را [illegible] کارهای سخت را و

صالح الدعاء والمسئلة فاستجب لنا بحق محمد واله اللهم صل على محمد وال
شایسته از دعا وسؤال را پس بپذیر برای ما بحق محمد و آل او بارخدایا رحمت بفرست بر محمد و آل

محمد امين امين امين ماشاء الله كان لا حول ولا قوة الا بالله سبحان
محمد بپذیر بپذیر بپذیر آنچه خواسته خدا میشود نیست قدرتی و نه توانائی مگر بخواست خدا پاکست

ربك رب العزة عما يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين
پروردگار تو پروردگار عزت از آنچه می ستایند و درود بر فرستادگان و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیانست

پس دستها را بجانب آسمان بلند کن و میل ده گردنت را بسوی دوش چپ خود
و گریه کن و اگر نیاید خود را بگریه بدار پس بگو یا لا اله الا انت
ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو

اسألك بحق من حقه عليك عظيم بلا اله الا انت اسألك ببهاء
سؤال میکنم بحق آنکه حق او بر تو بزرگست بلا اله الا انت سؤال میکنم ترا به نیکوئی

لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله الا انت يا لا
لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم از تو به بزرگواری لا اله الا انت ای آنکه

اله الا انت اسألك بجمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك
نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم از تو به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم ترا

بنور لا اله الا انت اسألك بكمال لا اله الا انت يا لا اله الا انت يا لا اله الا انت
بروشنائی لا اله الا انت سؤال میکنم ترا بتمامی لا اله الا انت ای آنکه نیست خدائی مگر تو

اسألك بعزة لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعظمة لا اله
سؤال میکنم بعزت لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگی لا اله

الا انت يا لا اله الا انت اسألك بقول لا اله الا انت يا لا اله الا
الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش که سؤال میکنم ترا بوسیله گفتن لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر

انت اسألك بشرف لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بعلاء
تو سؤال میکنم ترا بشرافت لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم ترا ببلندی
لا اله

٩٩ ١١٢

لا اله الا انت يا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا انت يا لا اله
لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم ترا بلا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش

الا انت يا رباه يا رباه انقدر بگوید که یکنفس وفا کند پس بگوید بهمان حالتی
مگر تو ای پروردگار ای پروردگار

که بود گردن کج کرده بسوی دوش چپ اسألك يا سيداه پس بگوید يا الله
يا رباه انقدر که یکنفس وفا کند پس بگوید يا سيداه يا مولاه يا غياثاه
ای بزرگ ای آقا ای فریادرس

يا ملجاه يا منتهى غاية رغبتاه يا ارحم الراحمين اسألك فليس كمثلك
ای پناه ای منتهی نهایت خواهش ای رحم کننده ترین رحم کنندگان سؤال میکنم ترا نیست مانند تو هیچ

شیء واسألك بكل دعوة مستجابة دعاك بها نبي مرسل او ملك
چیز و سؤال میکنم ترا بهر دعای پذیرفته که خوانده ترا بآن پیغمبر مرسلی یا فرشته

مقرب او عبد مؤمن امتحنت قلبه للايمان واستجبت دعوته منه
مقربی یا بنده گرونده که آزموده دل او را برای ایمان و پذیرفتی دعای او را از او

واتوجه اليك بمحمد نبيك نبي الرحمة واقدمه بين يدي حوائجي
و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد پیغمبر تو پیغمبر رحمت و پیش میدارم او را در پیش حاجتهای خود

يا محمد يا رسول الله بابي انت وامي اتوجه بك الى ربك وربي و
ای محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر و مادر من روی آورم بوسیله تو بسوی پروردگار تو و پروردگار من

اقدمك بين يدي حوائجي يا رباه يا رباه يا رباه اسألك بك فليس
پیش میدارم ترا پیش حاجتهای خود ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار سؤال میکنم ترا بحق تو پس نیست

كمثلك شيء واتوجه اليك بمحمد نبيك وبعترته الهادية واقدمهم
مانند تو هیچ چیز و روی آورم بسوی تو بوسیله محمد حضرت تو و بوسیله عترت او نزدیک که راه نمایند و پیش میدارم ایشان را

بين يدي حوائجي واسألك اللهم بحياتك التي لا تموت وبنور
پیش حاجتهای خود و سؤال میکنم ترا خداوند بهستی تو که زایل نمیشود بروشنائی

حبیبك

وجهك الذی لا یطفأ وبعینك التی لا تنام واسألك بحق من حقه
ذات تو که فرو نشانیده نشود وبدیده تو که نمیخوابد وسؤال میکنم ترا بحق آنکه حق او

علیك عظیم ان تصلی علی محمد وآل محمد قبل کل شیء وبعد کل شیء
بر تو عظیم است آنکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد پیش از هر چیزی وپس از هر چیزی

وعدد کل شیء وزنة کل شیء وملأ کل شیء اللهم انی اسألك
وبشماره هر چیزی وسنجش هر چیزی وپری هر چیزی خداوندا بدرستی که سؤال میکنم ترا

ان تصلی علی محمد عبدك المصطفی ونجیك دون خلقك وحبیبك
آنکه رحمت فرستی بر محمد بنده تو برگزیده تو ورسول تو واختیار کرده شده تو نزد خلق تو ودوست تو

وخیرتك من خلقك اجمعین النذیر البشیر السراج المنیر وعلی اهل بیته
واختیار کرده شده تو از خلق تو همه بیم نماینده مژده دهنده چراغ روشن وبر خاندان او

الطیبین الطاهرین المطهرین الاخیار الابرار وعلی ملائکتك الذین
که پاکان پاکیزگان پاک کردیدگان نیکان نیکوکاران اند وبر فرشتگان تو که

استخلصتهم لنفسك وحجبتهم عن خلقك وعلی انبیائك الذین
خالص گردانیده ایشانرا برای ذات خود وباز داشته ایشانرا از خلق خود وبر پیغمبران تو که

ینبئون بالصدق عنك وعلی عبادك الصالحین الذین ادخلتهم
خبر دهند براستی از تو وبر بندگان شایسته تو که در آورده ایشانرا

فی رحمتك الائمة المهتدین الراشدین المطهرین وعلی جبرئیل ومیکائیل
در رحمت خود که پیشوایان هدایت یافتگان راه یافتگان پاک کردیدگانند وبر جبرئیل ومیکائیل

واسرافیل وملك الموت ورضوان خازن الجنة ومالك خازن النار
واسرافیل وملك موت ورضوان خزانه دار بهشت ومالك خزانه دار دوزخ

وروح القدس وحملة العرش ومنكر ونكیر وعلی الملكین الحافظین
وروح القدس وبردارندگان عرش ومنكر ونكیر وبر آن دو فرشته که موکلند بر حفظ اعمال

وتجیبك وصفیك ورسولك المرتضی وامینك المصطفی
وبرگزیده ورسول پسندیده تو ومعتمد برگزیده

ن ١١٢

علیّ بالصلوة التی تحب ان تصلی بها علیهم صلوة كثیرة طیبة مباركة
بآن رحمتی که دوست داری آنکه رحمت فرستی بآن بر ایشان رحمت بسیار پاکیزه بابرکت

زاكیة نامیة طاهرة شریفة فاضلة تبین بها فضلهم علی الاولین والآخرین
پاک فزایش کننده پاکیزه بارفعت نیکو که ظاهر سازی بآن زیادتی ایشانرا بر پیشینیان وپسینیان

اللهم انی اسألك ان تسمع صوتی وتجیب دعوتی وتغفر ذنوبی و
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا آنکه بشنوی صدای مرا واجابت کنی دعای مرا وبیامرزی گناهان مرا و

تنجح طلبتی وتقضی حاجتی وتقبل قصتی وتنجز لی ما وعدتنی وتقیلنی
برآوری حاجت مرا وروا کنی حاجتهای مرا وبپذیری حکایت مرا وروا کنی برای من آنچه وعده داده مرا ودرگذری

عثرتی وتتجاوز عن خطیئتی وتصفح عن ظلمی وتعفو عن جرمی وتقبل
لغزش من وتجاوز کنی از خطای من ودرگذری از ستم من وعفو کنی از گناه من وروکنی

علیّ ولا تعرض عنی وترحمنی ولا تعذبنی وتعافینی ولا تبتلینی و
بر من وروگردانی از من ورحم کن مرا وعذاب نکنی مرا وعافیت بخشی مرا ومبتلا نسازی مرا و

ترزقنی من اطیب الرزق واوسعه واهنائه وامرأه واسبغه و
روزی دهی مرا از پاکیزه ترین روزیها وفراخ ترین آن وگوارنده ترین آن وبسیارترین آن وتمامترین

اكثره ولا تحرمنی یا رب النظر الی وجهك الكریم والفوز بالجنة و
وبیشترین آن ونا امید مکن مرا ای پروردگار من از نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو ورستگار به بهشت و

العتق من النار واقض عنی یا رب دینی وامانتی وضع عنی وزری
آزادی از آتش وقضا کن از من ای پروردگار من قرض مرا وامانت مرا وبگذار از من بار گران

ولا تحملنی ما لا طاقة لی به یا مولای وادخلنی فی كل خیر ادخلت فیه
وبار مکن مرا آنچه نیست توانائی مرا بآن ای صاحب اختیار من در آور مرا در هر نیکی که در آوردی در آن

محمدا وآل محمد واخرجنی من كل سوء اخرجتهم منه ولا تفرق بینی و
محمد وآل محمد را وبیرون کن مرا از هر بدی که بیرون کردی ایشانرا از آن وجدائی میفکن میان من و

بينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والاخرة فبس سرور بيكويد اللهم اني ادعوك
ومیان ایشان بقدر بر هم زدن چشم همیشه در اینجهان وآنجهان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا
كما امرتني فاستجب لي كما وعدتني پس بگوید اللهم اني اسالك قليلا من
چنانچه امر کردی پس بپذیر دعای مرا چنانچه وعده فرمودی مرا خداوندا بدرستی که من سوال میکنم اندکی از
كثير مع حاجة بي اليه عظيمة وغناك عنه قديم وهو عندي كثير
بسیار با نیازمندی من بسوی آن نیازمندی بزرگ و بی نیازی تو از آن دیرینست وآن نزد من بسیار است
وهو عليك سهل يسير فامنن به علي انك على كل شيء قدير اللهم
وآن بر تو سهل و اندکست پس بخشش کن آن بر من بدرستی که تو بر هر چیز توانائی خداوندا
برحمتك في الصالحين فادخلنا وفي عليين فارفعنا وبكاس من معين
برحمت خود در زمرهٔ نیکوکاران پس درآور ما را در علیین پس بلند کن ما را وبجامی از شراب شیرین
من عين سلسبيل فاسقنا ومن الحور العين برحمتك فزوجنا ومن
از چشمهٔ سلسبیل پس آب ده ما را واز حوریان فراخ چشم برحمت خود پس زن ده ما را واز
الولدان المخلدين كانهم لؤلؤ مكنون فاخدمنا ومن ثمار الجنة و
کودکان جاوید ماندگان که گویا ایشان مروارید پوشیده اند پس خادم بخش ما را واز میوهای بهشت و
لحوم الطير فاطعمنا ومن ثياب السندس والحرير والاستبرق
گوشتهای مرغ پس بخوران ما را واز جامهای دیبای نازک وابریشمین ودیبای ستبر
فالبسنا وليلة القدر وحج بيتك الحرام وقتلا في سبيلك مع وليك
پس بپوشان ما را وبرای دریافتن شب قدر وحج خانهٔ محترم خود وکشته شدن در راه تو با دوستان خود
فوفق لنا وصالح الدعاء والمسالة فاستجب لنا يا خالقنا اسمع و
پس توفیق ده ما را وشایسته از دعا وسوال را پس بپذیر برای ما ای آفرینندهٔ ما بشنو و
استجب لنا واذا جمعت الاولين والاخرين يوم القيمة فارحمنا و
واجابت ده ما را وهرگاه جمع کنی پیشینیان وپسینیان روز رستخیز پس رحم کن ما را

براءة

وبراءة من النار وامانا من العذاب فاكتب لنا وفي جهنم فلا تجعلنا
وبیزاری از آتش وایمنی از عذاب پس بنویس برای ما ودر دوزخ پس مگردان ما را
ومع الشياطين في النار فلا تقرنا وفي هوانك وعذابك فلا تقلبنا
وبا دیوان پلید در آتش پس نابت مدار ما را ودر خواری از خود وعذاب خود پس مگردان ما را
ومن الزقوم والضريع فلا تطعمنا وفي النار على وجوهنا فلا تكبنا ومن
واز میوهٔ زقوم وخار خشک از مردار پس مخوران ما را ودر آتش بر رویهای ما پس میفکن ما را واز
ثياب النار وسرابيل القطران فلا تلبسنا ومن كل سوء يا لا اله الا انت
جامهای آتش وپیراهنهای قطران پس مپوشان ما را واز هر بدی ای آنکه نیست سزاوار پرستش
بحق لا اله الا انت فنجنا اللهم اني اسالك ولم يسئل مثلك وارغب
مگر تو بحق کلمه لا اله الا انت پس برهان ما را خداوندا بدرستی که من درمیخواهم از تو ودرخواسته نشده است مانند تو ورغبت میکنم
اليك ولم يرغب الى مثلك يا رب انت موضع مسالة السائلين ومنتهى رغبة
بسوی تو ورغبت کرده نشده است بسوی مثل تو ای پروردگار من تو جایگاه سوال درخواهندگانی ومنتهای رغبت
الراغبين اسالك اللهم بافضل اسمائك كلها وانجحها يا الله يا رحمن
خواهشمندانی درمیخواهم از تو خداوندا به بهترین نامهای تو همه آنها وفیروزترین آنها ای خدا ای بخشاینده
وباسمك المخزون المصون الاعز الاجل الاعظم الذي تحبه وتهواه وترضى
الاجل
وبحرمت نام تو آن نامی که پنهان ونگاه داشته شده است ارجمندتر بزرگوارتر بزرگترین نامی که دوست میداری آنرا وخشنود
عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه وحق عليك يا رب ان لا تحرم
از آنکه بخواند ترا بآن ومیپذیری برای او دعای او را ولازمست بر تو ای پروردگار من آنکه ناامید نسازی
سائلك اللهم اني اسالك بكل اسم هو لك دعاك به عبد هو لك في
سوال کنندهٔ خود را خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا بهر نامی که آن برای تست که خوانده ترا بآن بنده که او برای تست در
بر او بحر او سهل او جبل او عند بيتك الحرام او في شيء من سبلك
بیابان یا دریا یا زمین هموار یا کوه یا نزد خانهٔ محترم تو یا در چیزی از راههای

هو

فادعوك يا رب دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه وضعف
پس میخوانم ترا ای پروردگار من مانند خواندن کسی که بتحقیق سخت شده احتیاج او و بزرگ شده گناه او و سست شده
كدحه فأشرفت على الهلكة نفسه ولم يثق بشيء من عمله ولم يجد
کوشش او و مشرف گشته باشد بر هلاکت نفس او و اعتماد نکرده باشد بچیزی از کردار خود و نیافته باشد
لما فيه سادًّا ولا لذنبه غافرًا ولا لعثرته مقيلًا غيرك هاربًا إليك
برای آنچه او در اوست بازدارنده و نه برای گناه خود آمرزنده و نه برای لغزش خود درگذرنده غیر تو حال آنکه بوده باشد گریزان بسوی تو
متعوذًا بك متعبدًا لك غير مستنكف ولا مستكبر ولا مستحسر
پناه گیرنده بتو پرستنده مر ترا نه عار دارنده از عبادت تو و نه گردن کش و نه صاحب ماندگی
ولا متجبر ولا متعظم بل بائس فقير خائف مستجير أسألك يا الله يا
و نه تکبر کننده و نه بزرگی نماینده بلکه بد حال محتاج ترسان امان جوینده درمیخواهم از تو ای خدا ای
رحمن يا حنان يا منان يا بديع السموات والأرض يا ذا الجلال والإكرام
بخشنده ای بغایت مهربان ای بسیار بخشنده ای نوپدید آورنده آسمانها و زمین ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن
أن تصلي على محمد وآل محمد صلوة كثيرة طيبة مباركة نامية زاكية
اینکه رحمت فرستی بر محمد و خانواده محمد رحمت بسیار پاک بابرکت فزاینده پاکیزه
شريفة أسألك اللهم أن تغفر لي في شهري هذا وترحمني وتعتق
بلند پایه سؤال میکنم ترا خداوندا اینکه بیامرزی مرا در ماه من این ماه و رحم کنی مرا و آزاد کنی
رقبتي من النار وتعطيني فيه خير ما أعطيت أحدًا من خلقك وخير
گردن مرا از آتش و عطا کنی مرا در آن بهتر از آنچه عطا فرمودی یکی از خلق خود را و بهتر از
ما أنت معطيه ولا تجعله آخر شهر رمضان صمته لك منذ أسكنتني
آنچه عطا فرماینده آنرا و مگردان آنرا آخر ماه رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهت تو از آن وقت که ساکن گردانیدی مرا
أرضك إلى يومي هذا بل اجعله علي أتمه نعمة وأعمه عافية و
در زمین خود تا روز من این روز بلکه بگردان آنرا بر من تمام ترین آن در نعمت و فرو گیرنده ترین آن و
اعم عافیت وافر

أوسعه رزقًا وأجزله وأهناه اللهم إني أعوذ بك وبوجهك الكريم
و فراگیرنده ترین آن در روزی و وافرترین آن و گواراترین آن خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم بتو و بذات بزرگوار تو
وملكك العظيم أن تغرب الشمس من يومي هذا أو تنقضي بقية هذا
و پادشاهی بزرگ تو اگر فرو رود آفتاب از روز من این روز یا بپایان رسد باقی مانده این
اليوم أو يطلع الفجر من ليلتي هذه أو يخرج هذا الشهر ولك قبلي
روز یا برآید صبح از شب من این شب یا بر رود اینماه و حال آنکه باشد مر ترا نزد من
تبعة أو ذنب أو خطيئة تريد أن تقايسني بها أو تؤاخذني
وبالی یا گناهی یا خطائی که خواهی اینکه بسنجی مرا بآن یا مؤاخذه نمائی مرا
بها أو توقفني بها موقف خزي في الدنيا والآخرة أو تعذبني يوم
بآن یا برپا داری مرا بسبب آن در جایگاه خواری در دنیا و آخرت یا عذاب کنی مرا در روزی که
ألقاك يا أرحم الراحمين اللهم إني أدعوك لهم لا يفرجه غيرك و
ملاقات نمایم ترا ای رحم کننده ترین رحم کنندگان خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا بجهت غمی که نمی گشاید آنرا غیر تو و
لرحمة لا تنال إلا بك ولكرب لا يكشفه إلا أنت ولرغبة لا تبلغ
بجهت بخششی که رسیده نمیشود مگر بجهت تو و بجهت اندوهی که زایل نمیکند آنرا مگر تو بجهت خواهشی که رسیده نمیشود
إلا بك ولحاجة لا تقضى إلا دونك اللهم فكما كان من شأنك ما
مگر بجهت تو و بجهت حاجتی که روا کرده نشود دگر نشسته از تو خداوندا پس چنانچه بود از کار تو آنچه قصد کردی
أردتني به من مسألتك ورحمتني به من ذكرك فليكن من شأنك
مرا بآن از سؤال کردن تو و ترحم نمودی مرا بآن از یاد کردن تو پس باید که بوده باشد از کار تو
الإستجابة لي فيما دعوتك به والنجاة لي فيما فزعت إليك منه يا ملين
اجابت کردن برای من در آنچه خواندم ترا بآن و رستگاری برای من در آنچه استغاثه نمودم بسوی تو از آن ای نرم سازنده
الحديد لداود يا كاشف الضر والكرب العظام عن أيوب ومفرج
آهن بجهت داود ای رفع نماینده بدحالی و اندوههای بزرگ از ایوب و ای گشاینده

غَمِّ يَعْقُوبَ وَمُنَفِّسَ كَرْبِ يُوسُفَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ
غم يعقوب و ای زایل کننده اندوه یوسف رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنچه تو

أَهْلُهُ فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ
سزاوار آنی پس بدرستی که تو سزاوار پرهیزکاری و سزاوار آمرزشی خداوندا تو معتمد منی در هر اندوهی

وَرَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ كَمْ مِنْ كَرْبٍ
و امید منی در هر سختی و تو برای من در هر امری که فرود آید بمن معتمد و ذخیره چه بسیار از اندوه

يَضْعُفُ مِنْهُ الْفُؤَادُ وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ
که ناتوان میشود بجهت آن دل و اندک میشود در آن چاره و خوار میکردد در آن دوست و شادی مینماید در آن

الْعَدُوُّ وَأَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي فِيهِ إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ
دشمن فرود آوردم آنرا بدرگاه تو و شکایت نمودم از آن بسوی تو از راه رغبت من در آن بسوی تو از غیر تو

فَفَرَّجْتَهُ وَكَشَفْتَهُ وَكَفَيْتَهُ فَأَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ
گشودی آنرا و زایل کردی و دفع نمودی آنرا پس تو خداوند هر نعمتی و صاحب هر نیکی

وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللهِ التَّامَّاتِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ مِنْ شَيْءٍ
و منتهای هر رغبتی پناه میگیرم بکلمهای خدای تمام از گزند آنچه آفریده از چیزی

اللَّهُمَّ عَافِنِي فِي يَوْمِي هَذَا حَتَّى أُمْسِيَ اللَّهُمَّ أَسْأَلُكَ بَرَكَةَ يَوْمِي هَذَا وَمَا
خداوند عافیت ده مرا در روز من این روز من تا شام کنم خداوندا بدرستی که من درمیخواهم از تو برکت این روز و آنچه

نَزَلَ فِيهِ مِنْ عَافِيَةٍ وَمَغْفِرَةٍ وَرِضْوَانٍ وَرِزْقٍ وَاسِعٍ حَلَالٍ تَبْسُطُهُ
فرود آمده در این روز از عافیت و آمرزش و خشنودی و روزی فراخ حلالی که پهن کنی

عَلَيَّ وَعَلَى وَالِدَيَّ وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَعِيَالِي وَأَهْلِ حُزَانَتِي وَمَنْ أَحْبَبْتُ
بر من و بر پدر و مادر من و فرزندان من و خاندان من و عیال من و آنکه غمخوار او نماید و آنکه دوست دارم

وَأَحَبَّنِي وَوَلَدْتُ وَوَلَدَنِي اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الشَّكِّ وَالشِّرْكِ
و دوست دارد مرا و زائیدم و زائید مرا خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم بتو از شک آوردن و بر خواری

والحسد

انی

ورحمة

وَالْحَسَدِ وَالْبَغْيِ وَالْحَمِيَّةِ وَالْغَضَبِ اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ
و به خواری مراو ستم کردن و غیرت و خشم گرفتن خداوندا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار

الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ صَلِّ
زمینهای هفتگانه و آنچه در ایشانست و آنچه میان ایشانست و ای پروردگار عرش بزرگ رحمت بفرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاكْفِنِي الْمُهِمَّ مِنْ أَمْرِي بِمَا شِئْتَ وَكَيْفَ شِئْتَ
بر محمد و آل او و کارگزاری کن برای من مهمات امر مرا بآنچه خواهی و بهر روشی که خواهی

سوره حمد و آیة الكرسی را بگو اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ
خداوندا بدرستی که تو گفتی به پیغمبر خود

عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى اللَّهُمَّ إِنَّ نَبِيَّكَ
بر او و آل او و هر آینه زود باشد که عطا کند ترا پروردگار تو تا خشنود شوی تو خداوندا بدرستی که پیغمبر تو

وَرَسُولَكَ وَحَبِيبَكَ وَخِيَرَتَكَ مِنْ خَلْقِكَ لَا يَرْضَى بِأَنْ تُعَذِّبَ
و رسول تو و دوست تو و برگزیده تو از خلق تو خشنود نمیشود باینکه عذاب کنی

أَحَداً مِنْ أُمَّتِهِ دَانَتْ بِمُوَالاتِهِ وَمُوَالاةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَإِنْ كَانَ
یکی از امت او را نزدیک شده بوسیله دوست داشتن او و دوست داشتن پیشوایان از خاندان او و اگر چه بعد باشد

مُذْنِباً خَاطِئاً فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَأَجِرْنِي يَا رَبِّ مِنْ جَهَنَّمَ وَعَذَابِهَا وَهَبْنِي
گنهکار خطاکار در آتش دوزخ پس زنهار ده مرا ای پروردگار من از دوزخ و عذاب آن و ببخش مرا

لِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ الْجَنَّةِ عَلَى تَأَلُّفٍ
بمحمد و آل محمد ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای جمع کننده میان اهل بهشت بر آمیختگی

مِنَ الْقُلُوبِ وَشِدَّةِ الْمَحَبَّةِ وَنَازِعَ الْغِلِّ مِنْ صُدُورِهِمْ وَجَاعِلَهُمْ إِخْوَاناً
از دلها و شدت محبت و ای برکننده کینه از سینهای ایشان و گرداننده ایشان برادران

عَلَى سُرُرٍ مُتَقَابِلِينَ يَا جَامِعاً بَيْنَ أَهْلِ طَاعَتِهِ وَبَيْنَ مَنْ خَلَقَهَا لَهُ وَيَا
بر کرسیها روبروی یکدیگر و ای جمع کننده میان اهل طاعت خود و میان آنکه خلق نموده آنرا برای او و ای

مُفَرِّجَ حُزْنِ كُلِّ مَحْزُونٍ وَيَا مَنْهَلَ كُلِّ غَرِيبٍ يَا رَاحِمِي فِي غُرْبَتِي وَفِي كُلِّ

زایل کننده اندوه هر اندوهناکی ای آبشخور هر بیکسی ای رحم کننده من در بیکسی من و در هر

أَحْوَالِي مُحْسِنَ الْحِفْظِ وَالْكِلَاءَةِ لِي يَا مُفَرِّجَ مَا بِي مِنَ الضِّيقِ وَالْخَوْفِ

حالی بر یکی محافظت نمون و نگهبان کردن مرا ای گشاینده آنچه بامنست از تنگی و بیم

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَحِبَّتِي وَقَادَتِي وَسَادَتِي وَ

رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و جمع کن میان من و میان دوستان من و کشندگان من و بزرگان من و

هُدَاتِي وَمَوَالِيَّ يَا مُؤَلِّفًا بَيْنَ الْأَحِبَّاءِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَفْجَعْنِي

راهنمایان من و صاحب اختیاران من ای الفت افکننده میان دوستان رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بدرد میاور مرا

بِانْقِطَاعِ رُؤْيَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي وَلَا بِانْقِطَاعِ رُؤْيَتِي عَنْهُمْ فَبِكُلِّ

بسبب بریده شدن دیدن محمد و آل محمد از من و نه بسبب بریدگی دیدن من از ایشان بسبب

مَسَائِلِكَ يَا رَبِّ أَدْعُوكَ إِلَهِي فَاسْتَجِبْ دُعَائِي إِيَّاكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

سؤالهای تو ای پروردگار من میخوانم ترا خدای من پس بپذیر خواندن مرا ای بخشنده ترین بخشندگان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِانْقِطَاعِ حُجَّتِي وَوُجُوبِ حُجَّتِكَ أَنْ تَغْفِرَ لِي اللَّهُمَّ

خداوندا بدرستی که من درمیخواهم از تو بسبب بریدگی دلیل من و لازم بودن حجت تو اینکه بیامرز مرا خداوندا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ يَوْمِ الْمَحْشَرِ وَمِنْ شَرِّ مَا بَقِيَ مِنَ الدَّهْرِ وَمِنْ

بدرستی که من پناه میبرم بتو از خواری روز محشر و از شر آنچه باقی مانده از زمانه و از

شَرِّ الْأَعْدَاءِ وَصَغَرِ الْفَنَاءِ وَعُضَالِ الدَّاءِ وَخَيْبَةِ الرَّجَاءِ وَزَوَالِ النِّعْمَةِ

گزند دشمنان و نیستی خورد و درد عاجز گرداننده و بی بهره شدن امید و زایل شدن نعمت

وَفُجَاءَةِ النَّقِمَةِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ لِي قَلْبًا يَخْشَاكَ كَأَنَّهُ يَرَاكَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و ناگاه رسیدن عقوبت خداوندا بگردان برای من دلی که بترسد ترا چنانکه گویا او می بیند ترا تا روزی که ملاقات نماید

و دو ورد نیست کرد را و فا دیگر هر گاه شدن رو دهد یا حاجت ضروری رو دهد

این

این دعا را توان خواند فصل ششم در اعمال مختصره شبها و روزهائی

مخصوص اینماه مبارک است و در روایتی وارد شده است که انجیل بر حضرت

عیسی عم در سیم اینماه نازل شد و بروایت دیگر در ششم و بروایت معتبر دیگر

در دوازدهم و شیخ مفید علیه الرحمة نقل کرده است که در روز ششم اینماه مامون

خائن ملعون با حضرت امام رضا عم بیعت کرد و روایت شده است که هر که

در آن روز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از حمد بیست و پنج مرتبه سوره

قل هو الله بخواند شکر نعمت ظاهر شدن حق آنحضرت را ادا کرده خواهد بود و

بروایت معتبره دیگر از حضرت صادق عم منقول است که در شب سیزدهم دو

رکعت نماز بگذارند در هر رکعت بعد از حمد سوره یس و تبارک الذی

بیده الملک و سوره قل هو الله احد و در شب چهاردهم چهار رکعت بدو

سلام باین صفت و در شب پانزدهم شش رکعت بسه سلام بهمین کیفیت

و شب پانزدهم از لیالی متبرکه است و غسل و زیارت امام حسین عم مستحب

است در آن چنانچه مذکور شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق عم منقول است

که حضرت رسول صلعم فرمود که هر که در شب نیمه ماه مبارک رمضان صد رکعت

نماز بکند یعنی هر دو رکعت بیکسلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره

قل هو الله احد بخواند حق تعالی ده ملک فرو فرستد بسوی او که دفع کنند از او ضرر

دشمنان او را از جنیان و آدمیان و در هنگام مرگ او سی ملک بفرستد که او را

بشارت دهند بهشت و سی ملک که او را ایمن گردانند از جهنم و ایضا از آنحضرت منقول است

که هر که در شب نصف ماه رمضان زیارت حضرت امام علیه السلام بکند و بعد از نماز

عشاء ده رکعت نماز نزد قبر آنحضرت بکند و در هر رکعت سوره حمد و ده مرتبه قل

هو الله احد بخواند نمیرد تا در خواب ببیند ملکی چند را که بشارت دهند او را به بهشت

وملکی چند راکه او را ایمن کردانند از جهنم و شب هفدهم نیز شب بسیار مبارکی است
و در آنشب لشکر حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله با لشکر کفار قریش ملاقات کردند در بدر
و در روز آن جنگ بدر واقع شد و حق تعالی لشکر آنحضرت را بر کافران ظفر داد
و از اعظم فتوحات اسلام بود و غسل و زیارت و عبادت در آنشب فضیلت عظیم
دارد و شب نوزدهم اول شبهای قدر است و حق تعالی میفرماید انا انزلناه فی لیلة
القدر یعنی ما فرستادیم قرآن را در شب قدر یعنی شبی که نزد حق تعالی قدری و عظمتی دارد
یا تقدیر امور سال در این شب میشود یا زمین تنگ میشود از بسیاری نزول ملائکه وما
ادریک ما لیلة القدر و چه چیز ترا اعلام کرده است که چه چیز است شب قدر لیلة
القدر خیر من الف شهر شب قدر بهتر است از هزار ماه یعنی عبادت در آن بهتر است
از عبادت در هزار ماه تنزل الملائکة والروح فیها فرود می آیند ملائکه و روح که
از همه ملائکه اعظم است در این شب باذن ربهم برخصت پروردگار ایشان من
کل امر بسبب تقدیر هر امری احادیث بسیار وارد شده است که ملائکه و روح در این
شب بر امام زمان نازل میشوند و آنچه از برای هر کس در آنشب مقدر شده است
بر امام عرض میکنند سلام هی حتی مطلع الفجر یعنی سلامتی است این شب از جمیع
بلیها تا طلوع صبح یا سلام میکنند بر امام و بر مؤمنان که در این شب عبادت میکنند
تا طلوع و میان سنی و شیعه در شب قدر خلاف بسیار هست بعضی از سنیان گفته
اند که شب قدر در زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله بود و بعد از آنحضرت برطرف شد و اکثر
ایشان گفته اند که تا روز قیامت باقی است پس بعضی گفته اند که در تمام سال پنهان است
و در همه شبها عبادت باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و بعضی گفته اند
که در ماه شعبان و ماه رمضان پنهان است و بعضی گفته اند شب نیمه شعبان است
و بعضی گفته اند شب اول ماه رمضان است و بعضی گفته اند شب نیمه است و بعضی

شب

شب هفدهم و بعضی شب بیست و یکم و بعضی بیست و سیم و بعضی
بیست و نهم و بعضی شب آخر گفته اند و اکثر سنیان در این زمان اتفاق کرده اند
بر شب بیست و هفتم و علماء شیعه امامیه اجماع کرده اند بر آنکه از شب
نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سیم بیرون نیست و بعضی در میان نوزدهم و بیست و
یکم و بیست و سیم مردد میدانند و بسیاری از احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه از
این سه شب بیرون نیست و این سه شب را یعنی نوزدهم و بیست و یکم و بیست و
سیم را احیاء باید کرد تا فضیلت شب قدر را دریابند و در بعضی احادیث معتبره
تعیین بیست و یکم و بیست و سیم شده است و در بعضی تعیین خصوص بیست و
سیم واقع شده است و منقول است که از شب جهنی است راوی اعرابی بود
بحضرت رسول صلی الله علیه و آله عرض کرد که منزل من دور است از مدینه میخواهم شبی را از برای
من تعیین کنی که بهترین شبها باشد که در آنشب بخدمت تو برسم حضرت شب
بیست و سیم را از برای او تعیین نمود و او پیوسته با خیل و اهل خدم و حشم
خود داخل مدینه میشد و چون صبح میشد بر میگشت و از بعضی از احادیث ظاهر
میشود که هر سه شب قدر اند و در شب اول تقدیر امور میشود و در شب دوم
بکثرت دعا و عبادت ممکن است بعضی تغییر بیابد و در شب سیم حتم میشود و تغییر
نمییابد یا بسیار کم تغییر مییابد یا بلا تشبیه مانند ارقام پادشاهها که اول تعلیقه
میشود و تغییرش آسان است بعد از آن ثبت دفاتر میشود و تغییرش دشوارتر است
اما تا بمهر مهر آثار مزین نکردیده باز ممکن است تغییر بیابد چون بمهر اشرف رسید
بمنزله حتم است و تغییرش در غایت صعوبت است و حق تعالی را حکمتها در ابهام بعضی
از امور هست مانند اسم اعظم الهی که بر اکثر مردم مشتبه است و نماز وسطی که بهترین
نمازها است مانند اسم و ساعت استجابت در هر شب و در هر روز جمعه و عمل مقبول

در میان اعمال وامثال اینها وبحکمت در مبهم ساختن اینها انست که بر همه
اسماء مقدسه الهی مواظبت نمایند واهتمام در همه نمازها بکنند ودر همه
ساعات شب و روز جمعه دعا بکنند وسعی در همه اعمال خیر بکنند شاید یکی
مقبول گردد وهمچنین در شب قدر شبهائی که احتمال ان دارد همه را احیاء کنند
وحکمت دیگر در بعضی از اینها میتواند بود مثل انکه اگر اسم اعظم را همه کس
بداند گاه باشد که بعضی از نفوس شریره انرا وسیله حصول مطالب دنیه
خود کنند چنانچه از بلعم نقل کرده اند وهمچنین شب قدر وساعت استجابه
اگر بخصوص انها را بدانند ممکن است که امور غیر مشروعه یا ضررهای عظیم نسبت
ببعضی از مسلمانان استدعاء کنند واگر شب بخصوص دانند باید البته
مستجاب گردد دیگر انکه مغرور باعمال خود نگردند وحکمتهای دیگر بسیار است
که این رساله گنجایش ذکر انها ندارد پس باید مومن این سه شب را احیاء کند و
اهتمام در عبادت ودعا کند تا فضیلت شب قدر را دریابد ودر شب اخر اهتمام
بیشتر بکند ودر شب بیست وسیم که احادیث معتبره بسیار در تخصیص ان
وارد شده است که همه شب قدر است سعی بیشتر بکند و فوائد عبادت شب قدر
بسیار است از جمله انکه چون عبادت شب قدر را دریابد بنص قران
زیاده از ثواب عبادت هزار ماه که زیاده از هشتاد سال است برای او
مقرر میفرمایند دیگر انکه چون تقدیرات جمیع امور از عمر ومال و فرزند وعزت
وصحت وتوفیق اعمال خیر وسائر امور در این شب میشود اصلاح احوال تمام
سال خود را در این شب کرده خواهد بود وممکن است که نام او در دیوان
اشقیاء نوشته باشند ودر این شب تغییر یابد و از زمره سعادتمندان
نوشته شود چنانچه این مضمون در اکثر دعاها واحادیث معتبره وارد شده است

دیگر

دیگر انکه چون امام او حضرت صاحب الامر ع در تمام این شب با ملئکه
مقربین محشور است وفوج فوج بخدمت او می ایند وبر او سلام میکنند و تقدیراتی
که از برای او وسائر خلق شده است بر او عرض میکنند شزاوار نیست که در
شبی چنین تا سی بامام خود نکنند وبغفلت بسر اورد واز حضرت رسول ص
منقولست که چون شب قدر میشود فرود می ایند ملئکه که در سدرة المنتهی
ساکنند واز جمله ایشان جبرئیل ع است وجبرئیل با خود علمهای اورد ویک علم را
بر قبر منور من نصب میکند ویکی را در بیت المقدس ویکی را در مسجد الحرام
ویکی را در طور سینا ونمیگذارند مرد مومن وزن مومنه را مگر انکه بر او
سلام میکنند وایضا از حضرت رسول ص منقول است که بهشت را هر سال از
برای داخل شدن ماه مبارک رمضان زینت میکنند وچون شب اول ماه میشود
نسیمی از زیر عرش میوزد که انرا مثیره میگویند وبصدا می اورد درختان
وحلقهای درهای بهشت را پس نغمه از ان میشنوند که هرگز نشنودگان
از ان خوش اینده تر نغمه نشنیده اند پس حوریان از غرفهای بهشت بیرون
می ایند وندا میکنند که ایا کسی هست که ما را خواستکاری کند از خدا باعمال
صالحه خود پس از رضوان خازن بهشت میپرسند که این چه شب است رضوان
میگوید لبیک ای نیکو رویان نیکوکاران این شب اول ماه رمضان است
درهای بهشت کشوده شده است برای روزه داران امت محمد پس
حق تعالی میفرماید که ای رضوان بکشا درهای بهشت را وای مالک
ببند درهای جهنم را از روزه داران امت محمد ای جبرئیل برو بسوی زمین ودر
زنجیر کن شیاطین متمرد را وغلها در گردن ایشان گذار وایشان را در لجهای
دریا بیند از تا فاسد نکردانند بر امت حبیب من محمد روزهای ایشان را و

حضرت فرمود که حق تعالی در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان سه مرتبه ندا
میفرماید که آیا سؤال کننده هست که سؤال او را عطا کنم آیا توبه کننده هست که
توبه او را قبول کنم آیا استغفار کننده هست که گناهانش را بیامرزم کیست
که قرض دهد بخداوند مالداری که هرگز پریشان نمیشود و وفا کننده است
بوعدهای خود و ستم نمیکند و فرمود که در آخر هر روز از روزهای رمضان
در وقت افطار حق تعالی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند چون شب جمعه
و روز جمعه میشود در هر ساعتی هزار هزار کس را از آتش جهنم آزاد میکند که
هر یک مستوجب عذاب شده باشند و در شب آخر و روز آخر ماه بعدد آنچه
در تمام ماه آزاد کرده است آزاد میکند و چون شب قدر میشود حق تعالی
امر میکند جبرئیل را که بزمین می آید با لشکر عظیمی از ملئکه و با خود علم سبزی
می آورد و بر بالای کعبه معظمه نصب میکند و او ششصد بال دارد و دو بال ترا
نمیگشاید مگر در شب قدر و چون در شب قدر آن دو بال را میگشاید از مغرب
و مشرق میگذرند و پهن میکند جبرئیل آن ملئکه را در این شب در اطراف زمین پس سلام
میکنند بر هر نشسته و ایستاده که مشغول ذکر و دعا نماز و یاد خدا باشد و با ایشان
مصافحه میکنند و چون ایشان دعا میکنند ملئکه آمین میگویند و پیوسته مشغول
اینکارند تا طلوع صبح پس چون صبح طالع میشود ندا میکند جبرئیل که ای گروه ملئکه
روانه جانب آسمان شوید پس ملئکه میگویند ای جبرئیل خدا چه کرد در حوائج مؤمنان
از امت محمد صلعم جبرئیل میگوید که خدا گناهان همه را آمرزید مگر کسی که همیشه شراب
خورد یا عاق مادر و پدر باشد یا قطع رحم کند یا با مؤمنان عداوت کند و چون
شب عید فطر میشود و آنرا شب جوائز میگویند خدا مزد میدهد عمل کنندگان
ماه رمضان را بیحساب و چون بامداد روز عید میشود حق تعالی ملئکه بسیار در

جمیع

جمیع شهرها میفرستد که بزمین می آیند و بر سر کوچها و بازارهای میایستند و ندا میکنند
و میگویند ای امت محمد بیرون روید بسوی درگاه پروردگار کریم که عطاهای
بزرگ میبخشد و گناهان عظیم را می آمرزد پس چون بمصلی میروند برای نماز
عید حق تعالی بملئکه میگوید که ای ملائکه من چیست جزای مزد مزدور هر گاه عمل خود را
بکند میگویند ملئکه ای خداوند ما و آقای ما جزای او آنست که مزدش تمام
داده شود حق تعالی میفرماید ای ملئکه من شما را گواه میگیرم که ثواب ایشان را
از روزه روزهای ماه رمضان و عبادت شبهای آن عطا کردم که از ایشان
راضی شدم و گناهان ایشانرا آمرزیدم پس ندا میفرماید مؤمنان را که
در آن مجمع حاضر شده اند که ای بندگان من هر چه خواهید از من سؤال کنید
البته عطا میکنم و عیبهای شما را میپوشانم تا از من رو گردان نشوید و مزدهای
شما را مضاعف میدهم و شما را در میان گناه کاران رسوا نمیگردانم بر
گردید از مصلی آمرزیده بدرستی که خوشنود گردانید مرا و خوشحال شدم خوشنود شدم
از شما پس ملئکه مسرور و شاد میشوند و یکدیگر را مبارکباد میگویند بآنچه
حق تعالی بامت محمد صلعم عطا کرد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر عم
منقولست که هر که احیاء کند شب قدر را گناهان او آمرزیده شود هر چند
بعدد ستارهای آسمان و سنگینی کوهها و کیل دریاها باشد و اما اعمال این
سه شب پس بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب باید کرد دویم آنکه مخصوص است
بهر شبی اما اول از حضرت رسول صلعم منقول است که هر که در شب قدر دو
رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله بخواند و
بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ بگوید از
جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادرش را بیامرزد و ملکی چند

بفرستد که حسنات برای او بنویسند تا سال آینده و ملکی بفرستد بسوی
بهشت که درختها برای او غرس نماید و قصرها برای او بنا کند و نهرها برای
او جاری گرداند و از دنیا بیرون نرود تا همه را مشاهده نماید و غسل در
این سه شب سنت مؤکد است و غسل این شبها را مقارن غروب آفتاب کردن
بهتر است که نماز شام همه را با غسل بکند و مستحب است در این شبها که قرآن مجید را
بدست بگیرد و بگشاید و این دعا را بخواند اللهم انی اسألک بکتابک
المنزل وما فیه وفیه اسمک الاکبر واسماؤک الحسنی وما یخاف و
فرو فرستاده شده تو واانچه در انست و در آن نام بزرگتر است و نامهای نیکوی تست وانچه ترسیده میشود
یرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار وتقضی حوائجی للدنیا والاخرة
امید داشته میشود انکه بگردانی مرا از آزاد کردگان خود از آتش و روا کنی حاجتهای مرا بجهت دنیا و آخرت
پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که انشاء الله بر آورده است و این دعا
از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقول است و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقول است که مصحف را بگیرد و بر سر بگذارد و بگوید اللهم بحق هذا القرآن وبحق
من ارسلته به وبحق کل مؤمن مدحته خداوندا بحق این قرآن و بحق
انکه فرو فرستادی قرآن را باو و بحق هر گرونده که ستوده او را فیه وبحقک علیهم فلا احد
اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بگوید بک یا الله در قرآن و بحق تو بر ایشان پس نیست هیچ
شناساتر بحق تو از تو ای خدا وده مرتبه بمحمد وده مرتبه بعلی وده مرتبه بفاطمة
وده مرتبه بالحسن وده مرتبه بالحسین وده مرتبه بعلی بن الحسین وده مرتبه
بمحمد بن علی وده مرتبه بجعفر بن محمد وده مرتبه بموسی بن جعفر وده مرتبه
بعلی بن موسی وده مرتبه بعلی بن محمد وده مرتبه بالحسن بن علی وده مرتبه بالحجة بمحمد بن علی
القائم پس هر حاجت که داری طلب کن و زیارت حضرت امام حسین علیه السلم

در

خداوندا بدرستی که من درمیخواهم از تو بحرمت کتاب

در هر یک از این سه شب سنت مؤکد است و در هر یک خصوصا شب بیست و سیم
صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد
ده مرتبه سوره قل هو الله میخواند و در بعضی از روایات معتبره وارد شده است
که بعوض ده مرتبه با پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه قل هو الله اکتفا میتوان نمود
و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید که این صد رکعت
غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتواند کرد و بهترین
اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا برای مطالب دنیا و آخرت خود
است و پدر و مادر و خویشان خود و برادران مؤمن زنده و مرده ایشان و اذکار
و صلوات بر حضرت محمد و آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین مقدور شود و در
بعضی از روایات وارد شده است که دعای جوشن کبیر را در هر یک از این سه شب
بخواند و اما دویم پس اعمال مخصوص شب نوزدهم آنست که صد مرتبه بگوید
استغفر الله ربی واتوب الیه و صد مرتبه اللهم العن قتلة امیر المؤمنین
طلب آمرزش میکنم خدا را پروردگار من و رجوع میکنم بسوی او خداوندا دور گردان از رحمت خود کشندگان امیر مؤمنان را
و این دعا بخواند اللهم اجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من
خداوندا بگردان در جمله انچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر واجب گردانیده و در انچه جدا میکنی از
الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی
امر موافق حکمت در شب قدر از آن حکمی که بر گردانیده نشود و بدل کرده نشود انکه بنویسی مرا
من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم
از حج کنندگان خانه محترم خود که پذیرفته حج ایشان جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان
المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری وتوسع
محو کرده شود از ایشان بدیهای ایشان و بگردان در انچه حکم میکنی و تقدیر مینمایی انکه دراز کنی عمر مرا و وسعت دهی

عَلَیَّ فِی رِزْقِی وَتُقَدِّرَ لِیْ فِی جَمِیعِ اُمُورِی مَا هُوَ خَیْرٌ لِی فِی دُنْیَایَ وَآخِرَتِی
بر من در روزی من و تقدیر کنی برای من همه امور من آنچه آن خیر است برای من در دنیای من و آخرت من
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ پس حوائج خود را از حق تعالی طلب نماید و شب بیست و یکم
از بخشاینده ترین بخشایندگان فضیلتش زیاده از شب سابق است و غسل و اعمال سابقه را
هم باید بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است
و در هر استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی کاظم ع
منقول است که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در
هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقول است
که حضرت امام محمد باقر ع این دو شب را احیاء میکرد و در نصف اول شب مشغول
دعا میشد و در نصف آخر شب مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق ع
مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه رمضان در هر یک
صد رکعت نماز بکن بغیر سیزده رکعت نماز شب و نافله صبح و تا صبح بیدار
باش و مستحب است که مشغول نماز و دعا و تضرع باشی بدرستیکه امید شب قدر
در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از هزار ماه فرمود یعنی بهتر است
از عمل در هزار ماه و هر امری که در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر
میگردد و دعای این شب در ضمن دعاهای دهه آخر مذکور خواهد شد
ان شاء الله و اما شب بیست و سیم اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه
آن شب قدر است و در آن دو غسل سنت مؤکد است یکی در اول شب و
یکی در آخر شب و حضرت صادق ع فرمود که شب بیست و سیم شب جهنی است
که جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آن شب مقدر میشود مرگها
و بلیهها و اجلها و روزیها و قضاها و آنچه در آن سال واقع میشود تا شب قدر

آینده

آینده پس خوشا حال بنده که احیاء کند آن شب را و بیدار باشد بعبادت و گاه در رکوع
باشد و گاه و گاه در سجود و گناهان خود در برابر دیدههای خود
ممثل دارد و بر آنها بگرید چون چنین کند امید دارم که از فضیلت شب قدر
محروم نگردد ان شاء الله و فرمود که حق تعالی امر میکند ملکی را که ندا کند
در هر روز ماه رمضان در هوا که بشارت باد شما را ای بندگان من که بخشیدم
گناهان گذشته شما را و در شب قدر شفاعت شما را در حق یکدیگر قبول میکنم
و دعاهای شما را در حق یکدیگر مستجاب میگردانم مگر کسی که روزه را
افطار کند بچیز مست کننده یا کینه برادر مؤمنی را در دل داشته باشد و بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقول است که هر که سوره عنکبوت و روم را
در شب بیست و سیم بخواند والله که او از اهل بهشت است و استثناء
نمیکنم در آن احدی را و نمیترسم که خدا در این سوگند گناهی بر من بنویسد
و این دو سوره را نزد خدا منزلت عظیم هست و ایضا بسند معتبر از آنحضرت
منقول است که هر که در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان هزار مرتبه
سوره انا انزلناه را بخواند هر آینه صبح کند با یقین شدید باعتراف بآنچه مخصوص
ماست از کرامتها در این شب بسبب آنچه در خواب ببیند و سوره حم دخان را نیز
سنت است که در این شب بخواند و از حضرت امام محمد باقر و تقی ع منقول است که
هر که زیارت کند حضرت امام حسین ع را در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان
امید که شب قدر در آن هست و در آن هر امری مقدر میشود مصافحه کنند
با او روح صد و بیست و چهار هزار پیغمبر که همه در این شب رخصت میطلبند
از حق تعالی در زیارت آنحضرت و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع روایت
کرده است که هر که احیاء کند شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان را و صد رکعت

نماز بکند حق تعالی روزی او را فراخ گرداند در دنیا و شر دشمنان از او کفایت کند
و پناه دهد او را از غرق شدن و خانه بر سرش خراب شدن و لقمه در گلو گرفتن
و از شر درندگان و دفع کند از او هول منکر و نکیر را و از قبر بیرون آید و او را نوری
باشد که روشنی بخشد اهل محشر را و نامه اش را بدست راست او دهند و بنویسند برای
او برات بیزاری از آتش جهنم و گذشتن بر صراط را و ایمنی از عذاب را و داخل بهشت شود
بی حساب و در بهشت او را از رفیقان پیغمبران و صدیقان و شهیدان و صالحان گردانند
و نیکو رفیقانند ایشان و دعاء این شب از جمله دعاهای دهه آخر بخواند و ایضا این
دعا را بخواند اللّهمّ امدد لی فی عمری واوسع لی فی رزقی واصحّ جسمی وبلّغنی املی و
خداوندا دراز کن برای من در عمرم و گشاده گردان روزی مرا و درست گردان بدن مرا و برسان مرا به آرزوی
ان کنت من الاشقیاء فامحنی من الاشقیاء واکتبنی من السعداء فانّک قلت فی
اگر بوده باشم از بدبختان پس محو کن مرا از دیوان بدبختان و بنویس مرا از نیکبختان زیرا که بتحقیق تو گفته ای در
کتابک المنزل علی نبیّک صلواتک علیه وآله یمحو الله ما یشاء ویثبت وعنده
کتاب خود فرو فرستاده شده بر پیغمبر تو رحمتهای تو بر او و بر آل او باد محو میکند خدا هرچه را میخواهد و ثابت میدارد و نزد اوست
امّ الکتاب وایضا بگوید اللّهمّ اجعلنی من اوفر عبادک نصیبا من کلّ خیر انزلته
اصل کتاب بار خدایا بگردان مرا از وافرترین بندگان خود از روی بهره از هر نیکی فرو فرستاده ای آنرا
فی هذه اللیلة او انت منزله من نور تهدی به او رحمة تنشرها او رزق تقسمه
در این شب یا تو فرو خواهی فرستاد آنرا از روشنی که راه مینمایی بآن یا رحمتی که پراکنده میگردانی آنرا یا روزی که قسمت میکنی آنرا
او بلاء تدفعه او ضرّ تکشفه واکتب لی ما کتبت لاولیائک الصالحین
یا بلائی که دفع نمایی آنرا یا گزندی که زایل کنی آنرا و بنویس برای من آنچه نوشته ای برای دوستان خود که شایسته اند
الذین استوجبوا منک الثواب وآمنوا برضاک عنهم منک العقاب
سزاوار شدند از تو پاداش نیکو را و ایمن گشتند بسبب خشنودی تو از ایشان از تو عقوبت را
یا کریم

یا کریم یا کریم صلّ علی محمّد وآل محمّد وافعل بی ذلک برحمتک یا ارحم
ای بزرگوار ای بزرگوار رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بکن با من آنرا به رحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان
الراحمین و هر مقدار از قرآن که ممکن باشد در این شب بخواند و دعاهای صحیفه
کامله را بخواند خصوصا دعای مکارم اخلاق و دعای توبه و روز هایی
این شب را نیز حرمت باید داشت و بعبادت و تلاوت و دعا بسر آورد زیرا که
در احادیث معتبره وارد شده است که روز قدر در فضیلت نیز مثل شب قدر
است و در شب بیست و چهارم نیز بخصوص غسل سنت است و در شب
بیست و پنجم نیز غسل سنت است و احادیث معتبره در استحباب غسل در آن وارد شده
است و منقول است که خدای عزّ و جلّ در این شب دفع میکند بدیها و گناهان و جمیع
انواع بلاها را از روزه داران ماه رمضان پس عطا میکند حق تعالی بایشان نوری در
گوشها و دیدهای ایشان و در شب بیست و هفتم نیز غسل بخصوص وارد شده
است و منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در این شب مکرر این دعا بخواند
از اول شب تا آخر شب اللّهمّ ارزقنی التجافی عن دار الغرور والانابة الی
دار الخلود والاستعداد خداوندا روزی کن مرا کناره گرفتن از سرای فریبنده و بازگشت بسوی سرای همیشگی و مهیا شدن برای مردن
غسل ۲۹ للموت قبل حلول الفوت و در شب بیست و نهم نیز بخصوص
پیش از فرود آمدن مرگ
وارد شده است و همچنین در شب آخر غسل سنت است و زیارت حضرت امام
حسین ع سنت است و وداع ماه مبارک رمضان سنت مؤکد است برای اینکه
آنکه روزه و عبادات این ماه مبارک بر ما گران و دشوار نبود و ما خواهان آن بودیم و از
مفارقت آن آزرده و محزونیم و هر که لذت عبادت الهی را یافته و فوائد آن را در دنیا
و عقبا دانسته است عاشق عبادت و بندگی میباشد پس باید این ماه وافر البرکات را
بنحوی وداع کند که عزیزترین اهل خود را در هنگام مفارقت وداع میکند و معلوم

که غلامی که از خدمت آقای خود شاد و خوشحال باشد و از ترک خدمت دلگیر باشد

مثل غلامی نیست که از ترس خدمت کند و بآن راضی نباشد و دعاهای وداع را در شب

آخر سنت است خواندن و اگر در روز آخر نیز بخوانند خوبست و در حدیث است

که اگر آخر ماه مشتبه باشد در شب بیست و نهم احتیاطا سنت است خواندن و

دعاهای وداع بسیار است و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و بسند معتبر هم

بسیار از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام این دعای وداع منقول است بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم انک قلت فی کتابک المنزل علی لسان نبیک المرسل صلواتک

بار خدایا بدرستیکه تو گفته در کتاب خود که فرود آورده شده است بلغت پیغمبر فرستاده تو که رحمتهای تو

علیه و آله و قولک حق شهر رمضان الذی انزل فیه القرآن هدی

بر او و آل او باد و سخن تو راست و درست که این ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده در ان قرآن در حالتی که راهنمی

للناس و بینات من الهدی و الفرقان و هذا شهر رمضان قد تصرم

آدمیان و در ان نهر روشن که از آنچه راهنمایت بسوی حق و جدا کننده است حق را از باطل و اینک ماه رمضان بتحقیق بریده شد

و انقضت ایامه و لیالیه فاسألک بوجهک الکریم و کلماتک

و بپایان رسید روزهای آن و شبهای آن پس درمیخواهم از تو بحق ذات بزرگوار تو و کلمهای تمام

التامة ان کان بقی علی ذنب لم تغفره لی و ترید ان تعذبنی

کامل تو اگر بوده باشد که باقی باشد بر من گناهی که نیامرزیده باشی آنرا از برای من یا خواسته باشی عذاب کنی مرا

علیه او تقایسنی به ان یطلع فجر هذه اللیلة او یتصرم هذا الشهر

بر آن یا قیاس کنی مرا بآن که یا طلوع کند صبح این شب یا منقطع شود این ماه

الا و قد غفرته لی یا ارحم الراحمین اللهم لک الحمد بمحامدک کلها

مگر آنکه بتحقیق بیامرزی آنرا برای من ای رحم کننده ترین بخشایندگان مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها

اولها و آخرها ما قلت لنفسک منها و ما قال لک الخلائق الحامدون

اول آنها و آخر آنها آنچه خود گفته برای ذات خود از آنها و آنچه گفته اند برای تو آفریدگان سپاس گذاران

المجتهدون

۱۳۰

المعدودون

المجتهدون المعددون المؤثرون فی ذکرک و الشکر لک الذین

کوشش نماینده گان شمارنده گان برگزیننده گان در یاد کردن تو و سپاس گزاری برای تو آنانکه

اعنتهم علی اداء حقک من اصناف خلقک من الملائکة المقربین و

مدد کردی ایشانرا بر اداکردن حق خود از اقسام خلق خود از فرشتگان نزدیکان و

النبیین و المرسلین و اصناف الناطقین المسبحین لک من جمیع

پیغمبران و فرستادگان و انواع ستایندگان تنزیه کنندگان مر ترا از همه

العالمین علی انک بلغتنا شهر رمضان و علینا من نعمک و عندنا من

عالمیان بر آنکه بتحقیق رسانیدی ما را بماه رمضان و حال آنکه بر ما است از نعمتهای تو و نزد ما است از

جزیل قسمک و احسانک و تظاهر امتنانک بذلک لک منتهی الحمد

بخشش بسیار تو و احسان تو و پی در پی آمدن انعام تو بآن جهت مر تراست منتهی سپاس

الخالد الدائم الراکد المخلد السرمد الذی لا ینفد طول الابد جل ثناؤک

جاوید پیوسته ثابت جاوید مانده همیشه که بپایان نرسد در کشیدگی زمانه بزرگست ستایش تو

اعنتنا علیه حتی قضیت عنا صیامه و قیامه من صلوة و ما کان

مدد کردی ما را بر ماه رمضان تا آنکه ادا کردی از ما روزه داشتن آنرا و ایستادن در ان بجهت نماز و آنچه یافت شده

منا فیه من بر او شکر او ذکر اللهم فتقبله منا باحسن قبولک و تجاوزک

از ما در ان از نیکی یا سپاس گذاری یا ذکری خداوندا پس بپذیر آنرا از ما به نیکوترین پذیرفتن خود و گذشتن خود

و عفوک و صفحک و غفرانک و حقیقة رضوانک حتی تظفرنا فیه بکل

و عفو خود و در گذشتن خود و آمرزش خود و خشنودی ثابت خود تا آنکه فیروزی دهی ما را در ان به

خیر مطلوب و جزیل عطاء موهوب و تؤمننا فیه من کل امر مرهوب

نیکی مطلوب که شود و عطای وافری که بخشیده شود و ایمن گردانی ما را در ان از هر امری که ترسیده شود

و ذنب مکسوب اللهم انی اسألک بعظیم ما سألک احد من خلقک

و گناهی که کسب کرده شود خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق بزرگ آنچه سؤال کرده ترا از آفریدگان تو

مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَجَزِيلِ ثَنَائِكَ وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ
از گرامی نامهای تو وثنای بسیار تو ودعای خواص تو اگر رحمت فرستی بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هٰذَا أَعْظَمَ شَهْرِ رَمَضَانٍ مَرَّ عَلَيْنَا مُنْذُ أَنْزَلْتَنَا
وآل محمد واگر بگردانی ماه ما را این ماه بزرگترین ماه رمضانی که گذشته بر ما از آن وقتی که فرود فرستادی ما را

إِلَى الدُّنْيَا بَرَكَةً فِي عِصْمَةِ دِينِي وَخَلَاصِ نَفْسِي وَقَضَاءِ حَاجَتِي وَتُشَفِّعَنِي تشفعني ن ل
بسوی دنیا از روی زیادتی در نگاه داشتن دین من و رهائی نفس من و روا کردن حاجت من و اینکه بپذیری شفاعت مرا

فِي مَسَائِلِي وَتَمَامِ النِّعْمَةِ عَلَيَّ وَصَرْفِ السُّوءِ عَنِّي وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي وَ
در سؤالهای من و تمام شدن نعمت بر من و گردانیدن هر بدی از من و پوشش عافیت مرا و

أَنْ تَجْعَلَنِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ حُزْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْراً مِنْ أَلْفِ حزت خ ل
اگر بگردانی مرا برحمت خود از آنانکه روا داشتی برای ایشان شب قدر را و گردانیدی آنرا برای او بهتر از هزار

شَهْرٍ فِي أَعْظَمِ الْأَجْرِ وَكَرَائِمِ الذُّخْرِ وَطُولِ الْعُمُرِ وَحُسْنِ الشُّكْرِ وَدَوَامِ الْيُسْرِ
ماه در بزرگترین مزدی و گرامی ذخیره و درازی عمر و نیک سپاس گزاری و همیشگی توانگری

اللّٰهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنَعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ وَقَدِيمِ
خداوندا سؤال میکنم ترا بوسیله رحمت و احسان تو و درگذشتن تو و نعمتهای تو و بزرگواری تو و دیرینه

إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ
احسان تو و انعام تو اگر نگردانی آنرا آخر دیدن ما مر ماه رمضان را تا اینکه برسانی ما را بآن

مِنْ قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفَنِي هِلَالَهُ مَعَ النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُتَعَرِّفِينَ
از سال آینده بر نیکوترین حالتی و بشناسانی بمن هلال آنرا با نظرکنندگان بسوی او و شناسندگان

لَهُ فِي أَعْفَى عَافِيَتِكَ وَأَتَمِّ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ رَحْمَتِكَ وَأَجْزَلِ قِسَمِكَ
مر آنرا در بزرگترین عافیت خود و تمام ترین نعمت خود و فراگیرنده ترین رحمت خود و وافرترین قسمتهای خود

اللّٰهُمَّ يَا رَبِّيَ الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ لَا يَكُونُ هٰذَا الْوَدَاعُ مِنِّي
خدایا ای پروردگار من آنکه نیست مرا پروردگاری غیر او نباشد این وداع از من

وداع

وِدَاعَ فَنَاءٍ وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنَ اللِّقَاءِ حَتَّى تُرِيَنِيهِ مِنْ قَابِلٍ فِي أَسْبَغِ
وداع نیستی و نه آخر ملاقاتی از ملاقات من تا اگر بنمائی بمن آنرا از سال آینده در تمام ترین

النِّعَمِ وَأَفْضَلِ الرَّجَاءِ وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ انت ن ل
نعمتها و بهترین فراخی و حال اینکه من باشم برای تو بر نیکوترین وفائی بدرستیکه تو پذیرنده دعائی

اللّٰهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي وَارْحَمْ تَضَرُّعِي وَتَذَلُّلِي لَكَ وَاسْتِكَانَتِي لَكَ وَ
خداوندا بشنو دعای مرا و رحم کن زاری نمودن مرا و پستی نمودن مرا برای تو و فروتنی مرا و

تَوَكُّلِي عَلَيْكَ وَأَنَا لَكَ مُسَلِّمٌ لَا أَرْجُو نَجَاحاً وَلَا مُعَافَاةً وَلَا تَشْرِيفاً وَلَا سلّم ن ل
اعتماد مرا بر تو و من برای تو منقادم و امید نمیدارم رستگاری را و نه عافیت را و نه گرامی و نه

تَبْلِيغاً إِلَّا بِكَ وَمِنْكَ فَامْنُنْ عَلَيَّ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ
رسانیدن را مگر بتو و از تو پس انعام کن بر من بزرگ است ستایش تو و پاک است نامهای تو

بِتَبْلِيغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافًى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ وَمَحْذُورٍ وَمِنْ جَمِيعِ
برسانیدن من بماه رمضان و حال اینکه من عافیت بخشیده شوم از هر ناخوش و ترسیده شده و از همه

الْبَوَائِقِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هٰذَا الشَّهْرِ وَقِيَامِهِ حَتَّى بَلَّغَنَا تبلغنا ن ل
سختیها سپاس مر خدا را که مدد کرد ما را بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در آن تا اینکه رسانید

آخِرَ لَيْلَةٍ مِنْهُ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَحَبِّ مَا دُعِيتَ بِهِ وَأَرْضَى مَا رَضِيتَ
بآخر شبی از آن بارخدایا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بدوسترین چیزی که خوانده شدی بآن و پسندیده ترین چیزی که خشنود شدی

بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَجْعَلَ وَدَاعِي
بآن از محمد رحمت فرستد خدا برا او و آل او و اگر رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مگردان وداع نمودن من

شَهْرَ رَمَضَانَ وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ آخِرِ عِبَادَتِكَ فِيهِ
ماه رمضان را وداع بیرون شدن من از دنیا و وداع آخر عبادت تو در آن

وَلَا آخِرَ صَوْمِي لَكَ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ فِيهِ ثُمَّ الْعَوْدَ فِيهِ بِرَحْمَتِكَ يَا وَلِيُّ
و نه آخر روزه داشتن من برای تو و روزی کن مرا بازگشت در آن پس بازگشت در آن برحمت خود ای صاحب

المؤمنين ووفقني فيه لليلة القدر واجعلها لي خيراً من ألف شهر رب

کردنده وتوفیق ده مرا دریافت شب قدر ودیگردان شب قدر را برای من بهتر از هزار ماه ای خداوند

الليل والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء

شب وروز وکوهها ودریاها وتاریکیها وروشنائیها وزمین وآسمان

يا بارئ يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا رحيم يا حي يا قيوم

ای آفریدگار ای صورت بخش ای بنهایت مهربان ای بسیار بخشنده ای خدا ای مهربان ای بخشنده ای زنده ای بذات موجود

يا بديع لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء السموات

ای نو پدید آورنده آسمانها مر تراست نامهای نیک وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها

اسالك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم ان تصلي على محمد وآل محمد وان

درمیخواهم از تو بنام تو بنام خدای بخشنده مهربان اگر رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واگر

تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني

بگردانی نام مرا در این شب در دیوان نیک بختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا

في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً لا

در علیین وبدی مرا آمرزیده واگر بخشی مرا یقینی مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که

يشوبه شك ورضاً بما قسمت لي وان تؤتيني في الدنيا حسنة وفي

نیامیزد آن را شکی وخشنودی بانچه قسمت کردی مرا واگر بدهی مرا در این جهان نیکی ودر

الآخرة حسنة وان تقيني عذاب النار الحريق اللهم اجعل فيما تقضي

آن جهان نیکی واگر نگاهداری مرا از عذاب آتش سوزان بار خدایا بگردان در جمله آنچه حکم میکنی

وتقدر من الامر المحتوم وفيما تفرق من الامر الحكيم في ليلة القدر من

واندازه میکنی از امر لازم کرده ودر آنچه جدا میکنی از امر محکم در شب قدر از آن

القضاء الذي لا يرد ولا يبدل ولا يغير ان تكتبني من حجاج بيتك

حکمی که برگردانیده نشود وبدل کرده نشود وتغییر داده نشود اگر بنویسی مرا از حج کنندگان خانه

الحرام

الحرام المبرور حجهم المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المكفر عنهم سيئاتهم

محترم خود مقبول باشد حج ایشان پاداش داده شود حرکت ایشان آمرزیده گناه ایشان محو کرده شود از ایشان گناهان ایشان

واجعل فيما تقضي وتقدر ان تطيل عمري وان تعتق رقبتي من النار يا

وبگردان در آنچه حکم میکنی وتقدیر مینمائی اگر دراز کنی عمر مرا واگر آزاد کنی گردن مرا از آتش ای

ارحم الراحمين اللهم اني اسالك ولم يسأل العباد مثلك جوداً وكرماً

بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو وسؤال نکردند بندگان مانند ترا از روی بخشش وبزرگی

وارغب اليك ولم يرغب الى مثلك انت موضع مسألة السائلين

ورغبت میکنم بسوی تو ورغبت نشده بسوی مانند تو تو محل سؤال کنندگان

ومنتهى رغبة الراغبين اسالك باعظم المسائل كلها وافضلها

ومنتهی رغبت نمایندگان سؤال میکنم از تو به بزرگترین سؤالها همه آنها وبهترین آنها

وانجحها التي ينبغي للعباد ان يسألوك بها يا الله يا رحمن وباسمائك

وروا شده ترین آنها سؤالهای که سزاوار است مر بندگان را اگر سؤال کنند از تو بآنها ای خدا ای بخشنده وبنامهای تو

ما علمت منها وما لم اعلم وباسمائك الحسنى وامثالك العليا

آنچه دانسته ام از آنها وآنچه ندانسته ام وبنامهای نیک تو وداستانهای بلند تو

وبنعمك التي لا تحصى وباكرم اسمائك عليك واحبها اليك

وبنعمتهای تو که شمرده نشود وبگرامی ترین نامهای تو بر تو ودوست داشته ترین آنها بسوی تو

واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة واجزلها منك ثواباً

وبلندترین آنها نزد تو از روی مرتبه ونزدیکترین آنها بتو از روی وسیله بودن ووافرترین آنها از تو از روی پاداش

واسرعها لديك اجابة وباسمك المكنون المخزون الحي القيوم الاكبر

وشتابنده ترین آنها نزد تو از روی اجابت وبنام تو که پوشیده پنهان داشته زنده پاینده بزرگتر

الاجل الذي تحبه وتهواه وترضى به عمن دعاك به وتستجيب له دعاءه

بزرگوارترین آن نامی که دوست میداری او را ومیخواهی او را وخشنود میگردی بسبب آن از آنکه خواند ترا بآن ومی پذیری بجهة او دعای او را

وحق عليك ان لا تخيب سائلك واسالك بكل اسم هو لك في التورية
ولازمست بر تو انکه ناامید نگردانی سؤال کنندهٔ خودرا و درمیخواهم از تو بهر نامی که کنی برای تو است در توریة
والانجيل والزبور والفرقان وبكل اسم دعا به حملة عرشك و — والقرآن نخ
وانجیل وزبور وقرآن وبهر نامی خوانده اند ترا بآن بردارندگان عرش تو و
ملئكة سمواتك وجميع الاصناف من خلقك من نبي او صديق او
فرشتگان آسمانهای تو وهمه اقسام از خلق تو از پیغمبری یا راستگویی یا
شهيد وبحق الراغبين اليك الفرقين منك المتعوذين بك وبحق
شهیدی وبحق رغبت کنندگان بسوی تو ترسندگان از تو پناه گیرندگان بتو وبحق
مجاوري بيتك الحرام حجاجا ومعتمرين ومقدسين والمجاهدين — ومقربين نخ
همسایگان خانهٔ محترم تو حال آنکه باشند حج و عمره گزاران و تنزیه کنندگان و کارزار نمایندگان
في سبيلك وبحق كل عبد متعبد لك في بر او بحر او سهل او جبل
در راه رضای تو وبحق همه بنده پرستنده مر ترا در خشکی یا دریا یا زمین هموار یا کوه
ادعوك دعاء من قد اشتدت فاقته وكثرت ذنوبه وعظم جرمه
میخوانم ترا مانند خواندن کسی که بتحقیق سخت باشد احتیاج او وبسیار باشد گناهان او وبزرگ باشد جنایت او
وضعف كدحه دعاء من لا يجد لنفسه سادا ولا لضعفه مقويا
وسست باشد کوشش او مانند خواندن کسی که نیابد بجهة نفس خود بازدارنده ونه بجهة ناتوانی خود قوت دهنده
ولا لذنبه غافرا غيرك هاربا اليك متعوذا بك متعبدا لك غير
ونه بجهة گناه خود آمرزنده غیر تو و حال آنکه گریزان باشم بسوی تو پناه گیرنده باشم بتو عبادت کننده باشم مر ترا نه گردن
مستكبر ولا مستنكف خائفا بائسا فقيرا مستجيرا بك اسالك
کش ونه ننگ دارنده بلکه باشنده ترسان محتاج درویش زنهار جوینده بتو سؤال میکنم ترا
بعزتك وعظمتك وجبروتك وسلطانك وملكك وبهائك — بهائك نخ
بارجمندی تو وبزرگی تو وبزرگواری تو وغلبه تو وپادشاهی تو ونیکویی تو
[illegible]

١١٤
وجودك وكرمك وبالائك وحسنك وجمالك وبقوتك
وبخشش تو وبزرگواری تو وبنعمتهای تو وخوبی تو ونیکویی تو وبتوانایی تو
على ما اردت من خلقك ادعوك يا رب خوفا وطمعا ورهبة ورغبة و
بر آنچه اراده نمایی از آفریدن تو میخوانم ترا ای پروردگار من از روی بیم و امید و ترس و خواهش و
تخشعا وتملقا وتضرعا والحافا والحاحا خاضعا لك لا اله الا انت
فروتنی و [illegible] و زاری نمودن و مبالغه نمودن و الحاح کردن حال آنکه فروتنی کننده ام برای تو نیست سزاوار پرستش مگر تو
وحدك لا شريك لك يا قدوس يا قدوس يا قدوس يا الله يا الله
و حال آنکه یگانه نیست انبازی برای تو ای بی نهایت پاک ای بی نهایت پاک ای بی نهایت پاک ای خدا ای خدا
يا الله يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا رب يا رب
ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان ای پروردگار ای پروردگار
يا رب اعوذ بك يا الله الواحد الاحد الصمد الوتر المتكبر المتعال
ای پروردگار پناه میگیرم بتو ای خدا یگانه یکتا پناه نیازمندان بی مانند بزرگوار بلند مرتبه
واسالك بجميع ما دعوتك به وباسمائك التي تملأ اركانك كلها
و درمیخواهم از تو بهمهٔ آنچه خوانم ترا بآن وبحرمت نامهای تو که پر میکنند اطراف ملک ترا همهٔ آنها
ان تصلي على محمد وآل محمد واغفر لي ذنبي وارحمني واوسع علي من
آنکه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد وبیامرز مرا گناهان مرا و رحم کن مرا و گشایش ده بر من از
فضلك العظيم وتقبل مني شهر رمضان وصيامه وقيامه وفرضه
بخشش خود که بزرگ است و بپذیر از من ماه رمضان را و روزهٔ آنرا و برپا ایستادن آنرا و واجب آنرا
ونوافله واغفر لي وارحمني واعف عني ولا تجعله آخر شهر رمضان
و مستحبات آنرا و بیامرز مرا و رحم کن مرا و درگذر از من و مگردان آنرا آخر ماه رمضانی که
صمته لك وعبدتك فيه ولا تجعل وداعي اياه وداع خروجي من الدنيا
روزه داشتم آنرا برای تو و عبادت کردم ترا در آن و مگردان وداع کردن مرا آنرا وداع بیرون شدن من از دنیا

اللهم اوجب لي من رحمتك ومغفرتك ورضوانك وخشيتك
خداوندا واجب کن برای من از بخشش خود و آمرزش خود و خشنودی خود و ترس از خود
افضل ما اعطيت احدا من عبادك فيه اللهم لا تجعلني اخسر من
بهتر از آنچه بخشیدی یکی از آنانرا که پرستیده‌اند ترا دران خداوندا مگردان مرا زیانکارتر کسی که
سألك فيه واجعلني ممن اعتقته في هذا الشهر من النار وغفرت
سؤال کرده از تو دران و بگردان مرا از آنانکه آزاد کرده او را درین ماه از آتش و آمرزیدی
له ما تقدم من ذنبه وما تأخر واوجبت له افضل ما رجاك و
برای او آنچه را پیش گذشته از گناهان او و آنچه باز پس مانده و واجب ساختی برای او بهترین آنچه امید داشت ترا و
امّل منك يا ارحم الراحمين اللهم ارزقني العود في صيامك و
آرزو کرد از تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا روزی کن مرا باز گردیدن در روزه داشتن از برای تو و
عبادتك فيه واجعلني ممن كتبته في هذا الشهر من حجاج بيتك
عبادت تو دران و بگردان مرا از آنانکه نوشتی او را درین ماه از حج کنندگان خانه
الحرام المبرور حجهم المغفور لهم ذنبهم المتقبل عملهم آمين آمين
محترم خود مقبول باشد حج ایشان آمرزیده شده برای ایشان گناهان ایشان پذیرفته شود کردار ایشان پذیر پذیر
رب العالمين اللهم لا تدع لي فيه ذنبا الا غفرته ولا خطيئة
ای پروردگار جهانیان خداوندا وامگذار برای من دران گناهی مگر آنکه بیامرزی آنرا و نه خطایی را
الا محوتها ولا عثرة الا اقلتها ولا دينا الا قضيته ولا عيلة
مگر آنکه زایل کنی آنرا و نه لغزشی را مگر آنکه درگذری از آن و نه قرضی را مگر آنکه ادا کنی آنرا و نه نیازمندی را
الا اغنيتها ولا هما الا فرجته ولا فاقة الا سددتها ولا عريانا
مگر آنکه بی‌نیاز گردانی آنرا و نه اندوهی را مگر آنکه بگشایی آنرا و نه راه حاجتی را مگر آنکه ببندی آنرا و نه برهنه را
عُریانا
الا كسوته ولا مريضا الا شفيته ولا داء الا اذهبته ولا حاجة من
مگر آنکه بپوشانی آنرا و نه بیماری را مگر آنکه شفا بخشی آنرا و نه دردی را مگر آنکه ببری آنرا و نه حاجتی را از
حوائج

حوائج الدنيا والآخرة الا قضيتها على افضل املي ورجائي فيك يا ارحم
حاجتهای اینجهان و آنجهان مگر آنکه روا کنی آنرا بر بهترین آرزوی من و امید من در تو ای بخشاینده‌ترین
الراحمين اللهم لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا ولا تذلنا بعد اذ
بخشایندگان بارخدایا مپیچان دلهای ما را از حق پس از آنکه راه نمودی ما را و خوار مکن ما را پس از آنکه
اعززتنا ولا تضعنا بعد اذ رفعتنا ولا تهنا بعد اذ اكرمتنا ولا
ارجمند کردی ما را و پست مکن ما را پس از آنکه بلند کردی ما را و ذلیل مگردان ما را پس از آنکه گرامی داشتی ما را و
تفقرنا بعد اذ اغنيتنا ولا تمنعنا بعد اذ اعطيتنا ولا تحرمنا بعد
نیازمند مکن ما را پس از آنکه بی‌نیاز کردی ما را و منع مکن ما را پس از آنکه بخشش نمودی ما را و ناامید مکن ما را پس
اذ رزقتنا ولا تغير شيئا من نعمك علينا واحسانك الينا لشيء
از آنکه روزی دادی ما را و تغییر مده هیچ چیز از نعمتهای خود را بر ما و احسان خود را بسوی ما بجهت چیزی
كان من ذنوبنا ولا لما هو كائن منا فان في كرمك وعفوك و
که بوده شده از گناهان ما و نه بجهت آنچه او یافت شود از ما زیرا که بتحقیق در بزرگواری تو و درگذشتن تو و
فضلك سعة لمغفرة ذنوبنا فاغفر لنا وتجاوز عنا ولا تعاقبنا عليها
فضل تو هست گشایشی بجهت آمرزش گناهان ما پس بیامرز ما را و درگذر از ما و عقوبت مکن ما را بر گناهان
يا ارحم الراحمين اللهم اكرمني في مجلسي هذا كرامة لا تهنّي بعدها
ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا گرامی دار مرا در مجلس من این مجلس گرامی‌داشتنی که خوار نگردانی مرا پس از آن
ابدا واعززني عزا لا تذلني بعده ابدا وعافني عافية لا تبتليني بعدها
هرگز و ارجمند کردی مرا ارجمندی که خوار نگردانی مرا پس از آن و عافیت که مبتلا نسازی مرا پس از آن
ابدا وارفعني رفعة لا تضعني بعدها ابدا واصرف عني شر كل شيطان
هرگز و بلند کن مرا بلندی که پست نسازی مرا پس از آن هرگز و بگردان از من گزند هر شیطان
مريد وشر كل جبار عنيد وشر كل قريب او بعيد وشر كل صغير او كبير
سرکش را و شر هر گردنکش ستیزه گر را و شر هر نزدیک یا دور و شر هر خورد و بزرگی

وَنَشْرِ كُلِّ دَآبَّةٍ اَنْتَ اٰخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا اِنَّ رَبّي عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اَللّٰهُمَّ مَا
ونشر هر جنبنده را که تو گیرنده موی پیش سر او را بدرستی پروردگار من بر راه راست است خداوندا اگر
كَانَ فِي قَلْبِي مِنْ شَكٍّ اَوْ رِيبَةٍ اَوْ جُحُودٍ اَوْ قُنُوطٍ اَوْ فَرَحٍ اَوْ مَرَحٍ اَوْ بَطَرٍ
بوده در دل من از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی یا زیادتی خرمی یا خیره سری
اَوْ بَذَخٍ اَوْ خُيَلَاءَ اَوْ رِيَاءٍ اَوْ سُمْعَةٍ اَوْ شِقَاقٍ اَوْ نِفَاقٍ اَوْ كُفْرٍ اَوْ فُسُوقٍ
یا کردنکشی یا کبر یا ریا یا سمعه یا بدبختی یا دورویی یا ناسپاسی یا نافرمانی
اَوْ مَعْصِيَةٍ اَوْ شَيْءٍ لَا تُحِبُّ عَلَيْهِ وَلِيًّا لَكَ فَاَسْاَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ
یا عصیان یا چیزی که دوست نداری بران دوستی را برای خود پس سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَمْحُوَهُ مِنْ قَلْبِي وَتُبَدِّلَنِي مَكَانَهُ اِيمَانًا بِوَعْدِكَ وَرِضًا
وآل محمد واینکه محو کنی آنرا از دل من وبدل آوری برای من بجای آن تصدیق نمودن بوعده تو وخشنودی
بِقَضَائِكَ وَوَفَاءً بِعَهْدِكَ وَوَجَلًا مِنْكَ وَزُهْدًا فِي الدُّنْيَا وَرَغْبَةً فِيمَا
بحکم تو و وفا نمودن بپیمان تو و ترسیدن از تو وبی رغبتی در دنیا ورغبت در انچه
عِنْدَكَ وَثِقَةً بِكَ وَطُمَاْنِينَةً اِلَيْكَ وَتَوْبَةً نَصُوحًا اِلَيْكَ اَللّٰهُمَّ اِنْ
نزد تست واعتماد بتو وآرام گرفتن بسوی تو وبازگشت خالص بسوی تو خداوندا اگر
كُنْتَ بَلَّغْتَنَاهُ وَاِلَّا فَاَخِّرْ عَنَّا اٰجَالَنَا اِلٰى قَابِلٍ حَتّٰى تُبَلِّغَنَاهُ فِي يُسْرٍ
بوده باشی که رساینده باشی ما را بآن واگر نه پس باز پس دار از ما اجلهای ما را تا سال آینده تا اینکه برسانی ما را بآن در توانگری
مِنْكَ وَعَافِيَةٍ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ كَثِيرًا وَرَحْمَةُ
از خود وعافیت ای بخشاینده ترین بخشایندگان ورحمت فرستاد خدا بر محمد وآل او رحمت بسیار ورحمت
اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ ودر جمعهٔ آخر نیز وداع جمعها بد نیست واز جابر بن عبد الله
خدا وبرکتهای او بر ایشان
انصاری منقول است که گفت رفتم بخدمت حضرت رسول الله صلعم
در جمعهٔ آخر ماه رمضان چون نظر آنحضرت بر من افتاد فرمود که این آخر جمعه ایست

ازماه مبارک رمضان پس از او وداع کن وبگو اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
صِيَامِنَا اِيَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاجْعَلْنِي مَرْحُومًا وَ
بارخدایا مگردان آنرا آخر عهدی از روزه داشتن ما آنرا پس اگر گردانیده آنرا پس بگردان مرا بخشیده شده
لَا تَجْعَلْنِي مَحْرُومًا زیرا که هر کاین
ومگردان مرا نا امید
دعا را در این روز بخواند یکی از دو خصلت نیکو ظفر میابد یا بار رسیدن ماه رمضان
اینده یا بامرزش خدا ورحمت بی انتهاء وبسند معتبر از حضرت صادق منقول است که
هر که در شب آخر ماه رمضان این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ صِيَامِي
لِشَهْرِ رَمَضَانَ وَاَعُوذُ بِكَ اَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ
بارخدایا مگردان آنرا آخر رسیدن از روزه ماه رمضان را وپناه میبرم بتو از اینکه طلوع کند صبح
هٰذِهِ اللَّيْلَةِ اِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَ لِي
این شب مگر اینکه بتحقیق آمرزیده باشی مرا
حق تعالی پیش از صبح او را بیامرزد واو را توبه روزی کند وایضا سنت است که این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَحَبِّ
انابت روزی کند وایضا سنت است که این دعا را بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاَحَبِّ
مَا دُعِيتَ بِهِ وَاَرْضٰى مَا رَضِيتَ بِهِ عَنْ مُحَمَّدٍ وَعَنْ اَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ
آنچه خوانده شدی بآن وپسندیده ترین چیزی که خشنود شدی بسبب آن از محمد واز خانوادهٔ محمد براو وبر ایشان باد
السَّلَامُ اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ وَلَا تَجْعَلْ وَدَاعَ شَهْرِي هٰذَا وَدَاعَ خُرُوجِي مِنَ
درود اینکه رحمت فرستی براو وبر ایشان ومگردان وداع ماه مرا اینماه وداع بیرون شدن از
الدُّنْيَا وَلَا وَدَاعَ اٰخِرِ عِبَادَتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَاجْعَلْهَا لِي خَيْرًا
دنیا ونه وداع آخر عبادت کردن تو وتوفیق ده مرا در آن برای دریافتن شب قدر وبگردان آنرا برای من بهتر
مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ مَعَ تَضَاعُفِ الْاَجْرِ وَالْاِجَابَةِ وَالْعَفْوِ عَنِ الذَّنْبِ بِرِضَى الرَّبِّ
از هزار ماه با مضاعف شدن مزد واجابت کردن ودرگذشتن از گناه بخشنودی پروردگار
واز جمله چیزها که سنت است در شب آخر آزاد کردن بندهاست زیرا که شب آخر است
که حق تعالی بندهٔ بسیار از آتش جهنم آزاد میگرداند هرگاه بندهٔ ضعیف فرومایه بندگان را
از قید رقیت آزاد میکند امید هست که خداوند قادر بی زوال با آن وسعت وکمال

خداوندا بدرستی که سؤال میکنم

اورا از آتش جحیم آزاد کرداند و نام اورا از جرائد عاصیان محو نماید چنانچه
منقول است که حضرت امام زین العابدین ع در عرض سال التحصیل مینمود تا بیست
نفر و زیاده و کم و در شب آخر ماه رمضان آزاد مینمود و میفرمود که شمارا
آزاد کردم بامید آنکه خداوند رحیم از تقصیرات من درگذرد و مرا از عذاب
جحیم آزاد کرداند و چون روز عید میشد جائزهای عظیم بایشان می بخشید
که ایشان بی نیاز باشند از سؤال کردن از مردم و میگفت که حق تعالی در هر شب
ماه مبارک رمضان در هنگام افطار هفتاد هزار هزار کس را آزاد میکند
از آنها که مستوجب جهنم شده باشند و در شب آخر مثل آنچه در جمیع ماه آزاد
کرده است آزاد میکند و حضرت هیچ غلام و کنیزی را زیاده از یکسال اخذمت
نفرمود و در روز عرفه در عرفات نیز بندهای خود را آزاد میفرمودهر و اینچنین وارد
شده است که سنت است که در شب آخر سوره انعام و کهف و یس بخوانند
وصد مرتبه بگویند أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ **فصل هفتم** در دعاهای
آخر ماه مبارک است بسند بسیار معتبر از حضرت صادق ع منقول است که آنحضرت
در هر شب از شبهای دهه آخر این دعا میخواندند اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ
شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى
ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده در آن قرآن حال آنکه راه نماینده است مردم را و آیتهای روشن از آنچه رهنمایست
وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ بِمَا اَنْزَلْتَ فِيهِ الْقُرْآنَ وَخَصَصْتَهُ
و جدا کننده است پس بزرگ کردی حرمت ماه رمضان را بسبب آنکه فرو فرستادی در آن قرآن را و مخصوص گردانیدی آنرا
بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا خَيْرًا مِنْ اَلْفِ شَهْرٍ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيَّامُ شَهْرِ رَمَضَانَ
بشب قدر و گردانیدی آنرا بهتر از هزار ماه خداوندا و اینک روزهای ماه رمضان
قَدِ انْقَضَتْ وَلَيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ وَقَدْ صِرْتُ يَا اِلٰهِي مِنْهُ اِلَى مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ
بتحقیق بپایان رسید و شبهای آن بتحقیق منقطع شد و بتحقیق گردیده‌ام من ای خدای من از آن بسوی آنچه تو داناتری بآن

بار خدایا بدرستی تو گفته در کتاب خود ...

طلب آمرزش میکنیم از خدا و رجوع میکنیم بسوی او

منی

مِنِّي وَاَحْصَى لِعَدَدِهِ مِنَ الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ فَاَسْاَلُكَ بِمَا سَاَلَكَ بِهِ مَلٰئِكَتُكَ
از من و ضبط نماینده تر است شمار آنرا از خلق همه پس سؤال میکنم ترا بآنچه سؤال کردند بآن فرشتگان
الْمُقَرَّبُونَ وَاَنْبِيَاؤُكَ الْمُرْسَلُونَ وَعِبَادُكَ الصَّالِحُونَ اَنْ تُصَلِّيَ
مقرب تو و پیغمبران مرسل تو و بندگان شایسته تو اینکه رحمت فرستی
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَتُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ
بر محمد و آل محمد و اینکه آزاد کنی گردن مرا از آتش و در آوری مرا در بهشت برحمت خود
وَاَنْ تَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِالْاَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ اَعْدَدْتَهُ لِيَوْمِ
و اینکه بخشش نمائی بر من با ایمنی در روز ترس از هر شدت که آماده کرده برای روز
الْقِيَامَةِ اِلٰهِي وَاَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِجَلَالِكَ الْعَظِيمِ اَنْ يَنْقَضِيَ اَيَّامُ
رستخیز خدای من پناه میبرم بذات بزرگوار تو و ببزرگواری بزرگ تو از اینکه بپایان رسد روزهای
شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَيَالِيهِ وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ اَوْ ذَنْبٌ تُؤَاخِذُنِي بِهِ اَوْ
ماه رمضان و شبهای آن و حال آنکه بوده باشد برای تو نزد من و بلای یا گناهی که مواخذه کنی مرا بآن یا
خَطِيئَةٌ تُرِيدُ اَنْ تَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي سَيِّدِي سَيِّدِي
خطائی که اراده کنی آنکه بگیری آنرا از من که نیامرزیده باشی آنرا برای من ای آقای من آقای من
اَسْاَلُكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِذْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اِنْ كُنْتَ رَضِيتَ عَنِّي
سؤال میکنم ای که نیست خدائی مگر تو چون نیست خدائی مگر تو اگر بوده باشی که خشنود گشته باشی از من
فِي هٰذَا الشَّهْرِ فَازْدَدْ عَنِّي رِضًا وَاِنْ لَمْ تَكُنْ رَضِيتَ عَنِّي فَمِنَ الْآنَ
در این ماه پس افزون کن از من خشنودی و اگر نبوده باشی که خشنود گشته باشی از من پس از حالا
فَارْضَ عَنِّي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا اَللّٰهُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ
پس خشنود شو از من ای رحم کننده ترین رحم کنندگان ای خدا ای یگانه ای بی نیاز ای آنکه نزاده و زائیده
يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ و بسیار میگفت یَا مُلَيِّنَ الْحَدِيدِ لِدَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ
نشده و نیست برای او مانند هیچ کس ای نرم سازنده آهن بجهة داود بر او باد درود

یا کاشف الضر و الکرب عن ایوب ع ای مفرج هم یعقوب علیه السلام
ای رفع نماینده بد حالی و اندوههای بزرگ از ایوب بر او باد درود ای زایل کننده اندوه یعقوب بر او باد درود
ای منفس غم یوسف ع صل علی محمد و آل محمد کما انت اهله ان تصلی
ای گشاینده غم یوسف بر او باد درود رحمت بفرست بر محمد و آل محمد چنانچه تو سزاوار آنی که رحمت بفرستی
علیهم اجمعین و افعل بی ما انت اهله و لا تفعل بی ما انا اهله و بسند
بر ایشان همه و بکن با من آنچه تو سزاوار آنی و مکن با من آنچه من سزاوار آنم معتبر دیگر
از آنحضرت ع منقول است که هر شب از دهه آخر این دعا بخواند اعوذ بجلال وجهک
پناه میبرم به بزرگواری ذات
الکریم ان ینقضی عنی شهر رمضان او یطلع الفجر من لیلتی هذه و بقی لک
بزرگوار تو از اینکه بسر آید از من ماه رمضان یا طلوع کند صبح از شب من این شب و باقی ماند برای تو
عندی تبعة او ذنب تعذبنی علیه یوم القاک و بسندهای معتبر در
نزد من وبالی یا گناهی که عذاب کنی بر آن در روزی که ملاقات کنم ترا هر شب از دهه آخر
دعای مخصوص از حضرت صادق ع وارد شده است و در مطالب دنیا و آخرت
مشتمل است دعای شب بیست و یکم یا مولج اللیل فی النهار و یا مولج النهار
ای در آورنده شب در روز و ای در آورنده روز
فی اللیل و مخرج الحی من المیت و مخرج المیت من الحی یا رازق
در شب و ای بیرون آورنده زنده از مرده و بیرون آورنده مرده از زنده ای روزی دهنده
من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا الله یا رحیم یا الله یا الله یا الله یا
هر که خواهی بیشمار ای خدا ای بخشنده ای خدا ای مهربان ای خدا ای خدا ای خدا ای
الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء
خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها
اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء
سوال میکنم از تو که رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در دیوان نیکبختان
و روح

و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة و ان تهب
و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدکرداری مرا آمرزیده و آنکه ببخشی مرا
لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی بما قسمت
یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که ببرد شک را از من و آنکه خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده
لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار الحریق
و بده ما را در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان
و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة و التوبة و
و روزی کن مرا در آن شب ذکر خود و سپاس گزاری خود و رغبت بسوی خود و بازگشت و توبه و
التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد علیه و علیهم السلام دعای شب بیست و دوم
توفیق برای چیزی را که توفیق دادی برای او محمد و آل محمد را و بر ایشان باد درود
یا سالخ النهار من اللیل فاذا نحن مظلمون و مجری الشمس لمستقرها بتقدیرک
ای باز کننده روز از شب پس ناگهان ما در تاریکی در آئیم و ای روان سازنده آفتاب تا بقرارگاه خود
یا عزیز یا علیم و مقدر القمر منازل حتی عاد کالعرجون القدیم یا نور کل
ای غالب ای دانا و ای تقدیر کننده حرکت ماه در منزلهای معلوم تا آنکه گردید در آخر منازل مانند شاخ خرمای کهنه ای نور هر
نور و منتهی کل رغبة و ولی کل نعمة یا الله یا رحمن یا الله یا قدوس
هر نور و منتهی هر خواهشی و خداوند هر نعمت ای خدا ای بخشنده ای خدا ای پاک
یا احد یا واحد یا فرد یا الله یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا
ای یگانه ای یکتا ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند
و الکبریاء و الآلاء اسالک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی — و اهل بیته
و بزرگواری و نعمتها درمیخواهم از تو که رحمت بفرستی بر محمد و اهل بیت او و آنکه بگردانی نام مرا
فی هذه اللیلة فی السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین
در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و احسان مرا در علیین

وَاسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً يذهب
وبدی مرا آمرزیده وانکه بخشی مرا یقینی مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که ببرد
الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة
شک را از من وانکه خشنود سازد مرا بانچه بهره داده مرا وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك
ونگهدار ما را از عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا درین شب یاد کردن خود وسپاس گزاری خود وخواهش بسوی خود
والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد عليه وعليهم السلام
وبازگشت وتوبه وتوفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد برا او وبرایشان باد سلام
دعای شب یا رب ليلة القدر وجاعلها خيراً من الف شهر ورب الليل
بیست وسیم ای خداوند شب قدر وگرداننده آن بهتر از هزار ماه وای خداوند شب
والنهار والجبال والبحار والظلم والانوار والارض والسماء يا بارئ
وروز وکوهها ودریاها وتاریکیها وروشنیها وزمین وآسمان ای آفریدگار
يا مصور يا حنان يا منان يا الله يا رحمن يا الله يا قيوم يا الله يا بديع
ای نگارنده ای مهربان ای بخشاینده ای خدا ای بخشاینده ایخدا ای پاینده ای خدا ای نو پدید آورنده
يا الله يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى والامثال العليا والكبرياء
ای خدا ای خدا ایخدا مر تراست نامهای نیک وداستانهای بلند وبزرگواری
والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة
ونعمتها سؤال میکنم از تو انکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد وانکه بگردانی نام مرا درین شب
في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة
در دیوان نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده
وان تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وايماناً يذهب الشك عني وترضيني بما
وانکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که زایل کند شک را از من وانکه خوشنود کنی مرا بانچه

قسمت

قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار
قسمت کرده برای من وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگهدار ما را از عذاب آتش
الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
سوزان وروزی کن مرا درین شب ذکر خود وشکر خود ورغبت نمودن بسوی جناب خود وبازگشت وتوبه
والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد صلوات الله عليه وعليهم السلام
وتوفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد را رحمتهای تو براو وبرایشان باد درود
دعای شب یا فالق الاصباح ویا جاعل الليل سكناً والشمس والقمر
بیست وچهارم ای شکافنده سفیده دم وای گرداننده شب موجب آرام وآفتاب وماه
حسباناً يا عزيز يا عليم يا ذا المن والطول والقوة والحول والفضل
وسیله شمار ای غالب ای دانا ای خداوند انعام واحسان وتوانائی وقدرت وبخشش
والانعام يا ذا الجلال والاكرام يا الله يا رحمن يا الله يا فرد يا وتر
ونعمت دادن ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن ایخدای بخشاینده ای خدا ای یگانه ای یکتا
يا الله يا ظاهر يا باطن يا حي لا اله الا انت لك الاسماء الحسنى و
ای خدا ای هویدا ای پنهان ای زنده خود معبودی نیست سزاوار پرستش مگر تو مر تراست نامهای نیک
الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
وداستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو انکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد
وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
وانکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان و
احساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقيناً تباشر به
نیکوئی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده وانکه بخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی
قلبي وايماناً يذهب الشك عني ورضاً بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
دل مرا وایمانی که رفع کند شک را از من وخشنودی بانچه بهره داده مرا وبده ما را در دنیا

حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني
نیکو ودر آخرت نیکو ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان وروزی کن مرا

فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق
در این شب ذکر خود وسپاس گزاری خود وخواهش بسوی تو وبازگشت ورجوع وتوفیق دادن

لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعای شب بیست و ششم یا جاعل
انچه توفیق داده برای آن محمد وآل محمد را براو وبر ایشان درود ای گرداننده

الليل والنهار آيتين يا من محى آية الليل وجعل آية النهار مبصرة
شب وروز آیت از قدرت ای آنکه زایل کرده شب را وگردانیده روز را روشن

لتبتغوا فضلا منه ورضوانا يا مفصل كل شيء تفصيلا يا الله يا ماجد يا
تا طلب کنند بخشش را از او وخشنودی را ای فرق کننده هر چیزی الخدا ای بزرگوار ای

الله يا وهاب يا الله يا جواد يا الله يا الله يا الله لك الاسماء
خدا ای بسیار بخشنده الخدا ای بخشش نماینده الخدا الخدا الخدا مر تراست نامهای

الحسنى والامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي
نیکو ومثلهای بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت فرستی

على محمد وآل محمد وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي
بر محمد وآل محمد واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا

مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب
با شهیدان ونیکوئی مرا در علیین وبدی مرا آمرزیده واینکه ببخشی مرا

لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت
یقینی که مباشر آن کنی دل مرا وایمانی که زایل کند شک را از من واینکه خشنود گردانی مرا بانچه قسمت کرده

لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق
برای من وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت نیکی ونگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان

وارزقني

مع الشهداء واحساني في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام

وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة اليك والانابة والتوبة
وروزی کن مرا در این شب ذکر خود وشکر خود ورغبت بسوی خود وبازگشت وتوبه

والتوفيق لما وفقت له محمدا وآل محمد عليه وعليهم السلام دعای شب بیست و هفتم
وتوفیق برای انچه توفیق دادی برای آن محمد وآل محمد بر او وبر ایشان باد درود

صلى الله عليه و عليهم اجمعين

يا ماد الظل ولو شئت جعلته ساكنا وجعلت الشمس عليه دليلا
ای گستراننده سایه واگر میخواستی میگردانیدی آنرا ساکن وگردانیدی آفتاب را بر وجودش دلیل

ثم قبضته اليك قبضا يسيرا يا ذا الحول والطول والكبرياء والآلاء
پس گرفتی آنرا بسوی خود گرفتنی اندک ای خداوند توانائی وانعام بزرگواری ونعمتها

لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم لا اله الا انت
نیست سزاوار پرستش مگر تو دانای هر پنهان وآشکار بخشاینده مهربان نیست سزاوار پرستش مگر تو

يا قدوس يا سلام يا مؤمن يا مهيمن يا عزيز يا جبار يا متكبر يا الله
ای پاک ای سالم از هر نقص ای امان دهنده ای دانا بهر چیز ای غالب ای کار فرمای بقهر ای بزرگوار ای خدا

يا خالق يا بارئ يا مصور يا الله يا الله لك الاسماء الحسنى و
ای آفریدگار ای بدید آورنده ای نگارنده ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و

الامثال العليا والكبرياء والآلاء اسألك ان تصلي على محمد وآل محمد
داستانهای بلند وبزرگواری ونعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد

اهل بيته

وان تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء واحساني
واینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان وروح مرا با شهیدان ونیکوئی مرا

في عليين واسائتي مغفورة وان تهب لي يقينا تباشر به قلبي وايمانا
در علیین وبدی مرا آمرزیده واینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر کنی بآن دل مرا وایمانی

يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
که زایل کند شک را از من واینکه خشنود سازی مرا بانچه کرده برای من وبده ما را در دنیا نیکی ودر آخرت

قسمت

حسنةً وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة
نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب ذکر خود و شکر خود و خواهشمندی
إليك والإنابة والتوبة [والتوفيق] لما وفقت له محمداً وآل محمد صلى الله عليه وعليهم — السلام
بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق داده برای آن محمد و آل محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر ایشان

دعای شب بیست و هشتم
يا خازن الليل في الهواء وخازن النور في السماء ومانع السماء
ای نگاه دارنده ظلمت شب در هوا و نگاه دارنده روشنائی در آسمان و منع کننده آسمان
أن تقع على الأرض إلا بإذنه وحابسهما أن تزولا يا عليم يا غفور يا دائم يا — يا عظيم
از اینکه فرود آید بر زمین مگر به دستوری خود و بازدارنده آنها از اینکه ناچیز شوند ای دانا ای آمرزنده ای همیشه
الله يا وارث يا باعث من في القبور يا الله يا الله يا الله لك الأسماء
ای خدا ای میراث برنده ای برانگیزاننده آنکه در قبرهایند ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای
الحسنى والأمثال العليا والكبرياء والآلاء أسألك أن تصلي على محمد و
نیکو و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو رحمت فرستی بر محمد و
آل محمد وأن تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء و
آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و
إحساني في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي
نیکی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا
وإيماناً يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتنا في الدنيا حسنةً
و ایمانی که زایل کند شک را از من و خشنود سازی مرا بانچه قسمت کردی برای من و بده ما را در دنیا نیکی
وقنا عذاب النار الحريق وارزقني فيها ذكرك وشكرك والرغبة إليك — والرهبة منك
و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب ذکر خود و شکر خود و رغبت بسوی خود
والتوبة والإنابة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد صلى الله عليه وعليهم أجمعين
و توبه و بازگشت و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد رحمت فرستد خدا بر او و بر ایشان
السلام

السلام

دعای شب بیست و نهم
يا مكور الليل على النهار ومكور النهار على الليل يا عليم يا حكيم
ای درآورنده شب در روز و درآورنده روز در شب ای دانا ای درست کردار
يا رب الأرباب وسيد السادات لا إله إلا أنت يا من هو أقرب إلي من — السادة
ای پروردگار پروردگاران و بزرگ بزرگان نیست سزاوار پرستش مگر تو ای آنکه او نزدیکتر است بسوی من از
حبل الوريد يا الله يا الله يا الله لك الأسماء الحسنى والأمثال
رگ گردن ای خدا ای خدا ای خدا مر تراست نامهای نیک و داستانهای
العليا والكبرياء والآلاء أسألك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
بلند و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه
تجعل اسمي في هذه الليلة في السعداء وروحي مع الشهداء وإحساني
بگردانی نام مرا در این شب در زمره نیکبختان و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا
في عليين وإساءتي مغفورة وأن تهب لي يقيناً تباشر به قلبي وإيماناً
در علیین و بدی مرا آمرزیده و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن کنی دل مرا و ایمانی که
يذهب الشك عني وترضيني بما قسمت لي وآتني في الدنيا حسنةً وفي
زایل کند شک را از من و اینکه خشنود کنی مرا بانچه قسمت کرده برای من و بده مرا در دنیا نیکی و در
الآخرة حسنةً وقنا عذاب النار الحريق وارزقنا فيها ذكرك والرغبة — وشكرك
آخرت نیکی و نگاه دار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن مرا در این شب ذکر خود و خواهشمندی — و سپاس گذاری خود
إليك والتوبة والإنابة والتوفيق لما وفقت له محمداً وآل محمد صلى الله
بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را رحمت فرستد خدا
عليه وعليهم

دعای شب سی ام
الحمد لله لا شريك له الحمد لله كما ينبغي لكرم وجهه
بر او و بر ایشان — سپاس مر خدا را که نیست انبازی برای او سپاس مر خدا را چنانچه سزاوار است مر بزرگواری ذات او
وعز جلاله وكما هو أهله يا قدوس يا نور يا نور القدس يا سبوح يا منتهى — يا قدوس
و ارجمندی بزرگواری او و چنانچه سزاوار آنست ای پاک ای هویدا ای نور پاک ای منزه ای منتهی

التسبیح یا رحمن یا فاعل الرحمة یا الله یا علیم یا الله یا کبیر یا الله
تنزیه ای بخشاینده ای کننده بخشش ای خدای دانا ای خدا ای بزرگوار ای خدا
یا لطیف یا جلیل یا الله یا الله یا سمیع یا بصیر یا الله یا الله یا الله
ای مهربان ای بزرگوار ای خدا ایخدا ای شنوا ای بینا ایخدا ایخدا ایخدا
لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء اسألک
مر تراست نامهای نیک و داستانهای بلند و بزرگواری و نعمتها سؤال میکنم از تو
ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء واهل بیته
اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه بگردانی نام مرا در این شب در زمرهٔ نیکبختان
و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة
و روح مرا با شهیدان و نیکوئی مرا در علیین و بدی مرا آمرزیده
و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و
و اینکه ببخشی مرا یقینی که مباشر آن گنی دل مرا و ایمانی که رفع کند شک را از من و
ترضینی بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة
اینکه خشنود سازی مرا بآنچه قسمت کرده برای من و بده ما را در دنیا نیکی و در آخرت نیکی
وقنا عذاب النار الحریق و ارزقنا فیها ذکرک و شکرک و الرغبة
و نگاهدار ما را از عذاب آتش سوزان و روزی کن ما را در این شب ذکر خود و سپاسگذاری خود و رغبت
الیک و الانابة و التوبة و التوفیق لما وفقت له محمدا و آل محمد اجمعین
بسوی خود و بازگشت و توبه و توفیق برای آنچه توفیق دادی برای آن محمد و آل محمد را
صلی الله علیه و علیهم السلام فصل هشتم در بیان نمازهای شبها
رحمت فرستد خدا براو و بر ایشان همه درود
و دعاهای روزهاست که مشهور است و
علماء در کتب دعا ذکر کرده اند و نزد فقیر معتبر نیست نماز شب اول چهار
رکعت

چهار رکعت در هر رکعت بعد از حمد پانزده مرتبه توحید دوم چهار رکعت
در هر رکعت بعد از حمد بیست مرتبه انا انزلناه سیم ده رکعت در هر
رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید چهارم هشت رکعت در هر رکعت حمد و بیست
مرتبه انا انزلناه پنجم دو رکعت در هر رکعت حمد و پنجاه مرتبه توحید
و بعد از سلام صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد ششم چهار رکعت
در هر رکعت حمد و سورهٔ تبارک الذی بیده الملک هفتم چهار رکعت
در هر رکعت حمد و سیزده مرتبه انا انزلناه هشتم دو رکعت در هر رکعت
حمد و ده مرتبه توحید و بعد از سلام هزار مرتبه سبحان الله نهم شش رکعت
میان نماز شام و خفتن در هر رکعت حمد و هفت مرتبه آیة الکرسی و بعد از
اتمام پنجاه مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد دهم بیست رکعت در هر رکعت
حمد و سی مرتبه توحید یازدهم دو رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه
انا اعطیناک الکوثر دوازدهم هشت رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه انا انزلناه
سیزدهم چهار رکعت در هر رکعت حمد و بیست و پنج مرتبه توحید چهاردهم شش
رکعت در هر رکعت حمد و سی مرتبه اذا زلزلت پانزدهم چهار رکعت در هر رکعت
اول حمد و صد مرتبه توحید و در دو رکعت دیگر حمد و پنجاه مرتبه توحید شانزدهم
دوازده رکعت در هر رکعت حمد و دوازده مرتبه الهکم التکاثر هفدهم دو رکعت
در رکعت اول حمد و هر سوره که خواهد و در رکعت دوم حمد و صد مرتبه
توحید و بعد از سلام صد مرتبه لا اله الا الله هجدهم چهار رکعت در هر رکعت
حمد و بیست و پنج مرتبه انا اعطیناک الکوثر نوزدهم پنجاه رکعت با حمد
و پنجاه مرتبه اذا زلزلت و گویا مراد آن باشد که در هر رکعت یکمرتبه بخواند زیرا که
مشکل است در یکشب دو هزار و پانصد مرتبه اذا زلزلت خواندن بیستم بیست دو

وبیست و دویم بیست و سیم که دهر رکعت هشت رکعت وبهر سوره که میسر شود
بیست پنجم هشت رکعت در هر رکعت حمد و ده مرتبه توحید بیست و ششم هشت رکعت
در هر رکعت حمد و صد مرتبه توحید بیست و هفتم چهار رکعت در هر رکعت حمد
و تبارک و اگر نتواند بیست و پنج مرتبه توحید بیست و هشتم شش رکعت در هر رکعت
بعد از حمد صد مرتبه آیة الکرسی و صد مرتبه توحید و صد مرتبه کوثر و بعد از نماز
صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بیست و نهم دو رکعت در هر رکعت حمد و
بیست مرتبه توحید سی ام دوازده رکعت در هر رکعت حمد و بیست مرتبه
توحید و بعد از فارغ شدن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد و این نمازها
چنانچه مذکور شد هر دو رکعت بیک سلام است واما دعاها روزها از ابن
عباس روایت کرده اند که حضرت رسول ص فضیلت بسیار از برای روزه
هر روز ماه مبارک رمضان بیان فرموده و از برای هر روز دعای مخصوص با
فضیلت و ثواب بسیار برای آن دعاها ذکر کرده و ما باصل دعاها اکتفا
مینمائیم دعای روز اول اللهم اجعل صیامی فیه صیام الصائمین وقیامی
بار خدایا بگردان روزه داشتن مرا در این ماه مانند روزه داشتن روزه داران و ایستادن مرا
فیه قیام القائمین و
نبهنی فیه عن نومة الغافلین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف
و بیدار کن مرا در آن از خواب بیخبری و ببخش مرا گناهان مرا در این ای خدای جهانیان و درگذر
عنی یا عافیا عن المجرمین دوم اللهم قربنی فیه الی مرضاتک وجنبنی
از من ای درگذرنده از گناهکاران خداوندا نزدیک گردان مرا در اینماه بسوی خشنودیهای خود و دور گردان مرا
فیه من سخطک ونقماتک ووفقنی فیه لقراءة آیاتک برحمتک یا ارحم
در آن از غضب خود و عقوبتهای خود و توفیق ده مرا در آن برای تلاوت آیتهای کتاب خود برحمت خود ای بخشنده ترین
الراحمین سیم اللهم ارزقنی فیه الذهن والتنبیه وباعدنی فیه من
بخشندگان خداوندا روزی کن مرا در اینماه زیرکی و آگاه گردانیدن و دور گردان مرا در آن از

السفاهة

السفاهة والتمویه واجعل لی نصیبا من کل خیر تنزل فیه بجودک یا
کم خردی و پوشانیدن حق و بگردان برای من بهره از هر نیکی که فرو فرستی در آن به بخشش خود ای
اجود الاجودین چهارم اللهم قونی فیه علی اقامة امرک واذقنی فیه حلاوة
بخشنده ترین بخشندگان بار خدایا توانائی بخش مرا در اینماه برای بر پا داشتن فرمان تو و بچشان مرا در آن شیرینی
ذکرک واوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک واحفظنی بحفظک وسترک
یاد خود و توفیق ده مرا در آن برای بجا آوردن شکر خود به بزرگواری خود و نگاهدار مرا بنگاهداشتن خود و بپوشیدن خود
یا ابصر الناظرین پنجم اللهم اجعلنی فیه من اولیائک المقربین
ای بیناترین بینندگان خداوندا بگردان مرا در اینماه از دوستان نزدیک خود
برافتک یا ارحم الراحمین ششم اللهم لا تخذلنی فیه لتعرض معصیتک
بمهربانی خود خداوندا خوار مکن مرا در اینماه بجهة فرا پیش آمدن نافرمانی تو
ولا تضربنی بسیاط نقمتک وزحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنک
و مزن مرا بتازیانهای عقوبت خود و دور گردان مرا در آن از امور واجب میگرداند غضب ترا ببخشش خود
وایادیک یا منتهی رغبة الراغبین هفتم اللهم اعنی علی صیامه وقیامه
و نعمتهای خود ای منتهی خواهش خواهش مندان بار خدایا مدد کن مرا بر روزه داشتن این ماه و ایستادن در آن
وجنبنی فیه من هفواته واثامه وارزقنی فیه ذکرک بدوامه بتوفیقک
و دور گردان مرا در آن از لغزشهای آن و گناهان آن و روزی کن مرا در آن یاد کردن خود بهمیشگی آن بتوفیق خود
یا هادی المضلین هشتم اللهم ارزقنی فیه رحمة الایتام واطعام
ای راه نماینده گمراهان بار خدایا روزی کن مرا در اینماه مهربانی یتیمان و خورانیدن طعام
الطعام وافشاء السلام وصحبة الکرام بطولک یا ملجأ الاملین
و ظاهر ساختن سلام و صحبت بزرگواران باحسان خود ای پناه امیدواران
نهم اللهم اجعل لی فیه نصیبا من رحمتک الواسعة واهدنی فیه لبراهینک
خداوندا بگردان برای من در این ماه بهره از بخشش فراگیرنده خود و راهنما مرا در آن بدلایل

الساطعة وخذ بناصيتي الى مرضاتك الجامعة بمحبتك يا امل المشتاقين

بلند خود و فرا گیر موی پیش سرم را الا که برسانی خوشنودیهای فراهم آورنده خود بدوستی خود ای امیدگاه آرزومندان

دهم اللهم اجعلني فيه من المتوكلين عليك واجعلني فيه من الفائزين

خداوندا بگردان مرا در اینماه از توکل کنندگان بر تو و بگردان مرا در آن از رستگاران

لديك واجعلني فيه من المقربين اليك باحسانك يا غاية الطالبين

نزد خود و بگردان مرا در آن از نزدیک گشتگان بسوی تو بنیکوئی خود ای منتهی مطلب طلب کنندگان

یازدهم اللهم حبب الي فيه الاحسان وكره الي فيه الفسوق والعصيان

خداوندا دوست گردان بسوی من در اینماه نیکوکاری را و دشمن گردان بسوی من در آن بدکرداری و نافرمانی را

وحرم علي فيه السخط والنيران بعونك يا غياث المستغيثين دوازدهم

و حرام گردان بر من در آن غضب و آتشها را بیاری خود ای فریادرس دادخواهان

اللهم زيني فيه بالستر والعفاف واسترني فيه بلباس القنوع والكفاف

خداوندا آراسته کن مرا در اینماه بپوشش از خطا و پرهیزکاری و بپوشان مرا در آن بجامه قناعت و روزی کفاف

واحملني فيه على العدل والانصاف وآمني فيه من كل ما اخاف بعصمتك

و وادار کن مرا در آن بر عدالت و انصاف و ایمن گردان مرا در آن از هرچه میترسم بنگاهداری خود

يا عصمة الخائفين سیزدهم اللهم طهرني فيه من الدنس والاقذار وصبرني

ای نگاهدارنده ترسندگان بارخدایا پاک گردان مرا در اینماه از هر چرکی و همه ناپاکی و شکیبا ده مرا

فيه على كائنات الاقدار ووفقني فيه للتقى وصحبة الابرار بعونك يا قرة

در آن بر تقدیرات کائنات و توفیق ده مرا در آن برای پرهیزکاری و صحبت نیکوکاران بیاری خود ای

عين المساكين چهاردهم اللهم لا تؤاخذني فيه بالعثرات واقلني فيه من الخطايا

دیده بیچارگان بارخدایا مؤاخذه مکن مرا در اینماه بلغزشها و درگذر در آن از گناهان

والهفوات ولا تجعلني فيه غرضا للبلايا والآفات بعزتك يا عز

و لغزشها و مگردان مرا در آن نشانه تیر بلاها و آفتها بعزت خود ای ارجمندی

المسلمين

المسلمين پانزدهم اللهم ارزقني فيه طاعة الخاشعين واشرح فيه صدري

گروندگان خداوندا روزی کن مرا در اینماه فرمانبرداری فروتنی کنندگان و بگشا در آن سینه مرا

بانابة المخبتين بامانك يا امان الخائفين شانزدهم اللهم وفقني فيه لموافقة

ببازگشت فروتنی کنندگان بامان دادن خود ای امان بخش ترسندگان بارخدایا توفیق ده مرا در اینماه برای موافقت

الابرار وجنبني فيه مرافقة الاشرار وآوني فيه برحمتك الى دار

نیکوکاران و دور گردان مرا در آن از همراهی بدکاران و فرود آور مرا در آن برحمت خود بسوی سرای

القرار بالهيتك يا اله العالمين هفدهم اللهم اهدني فيه لصالح الاعمال

قرار بخدائی خود ای خدای جهانیان خداوندا راهنمائی کن مرا در آن بکردارهای شایسته

واقض لي فيه الحوائج والآمال يا من لا يحتاج الى التفسير والسؤال

و روا کن بجهة من در آن حاجتها و آرزوها را ای آنکه محتاج نیست بسوی اظهار کردن و سؤال نمودن

يا عالما بما في صدور العالمين هجدهم اللهم نبهني فيه لبركات اسحاره

ای دانا بآنچه در دلهای جهانیانست خداوندا بیدار کن مرا در اینماه برای برکتهای سحرهای آن

ونور فيه قلبي بضياء انواره وخذ بكل اعضائي الى اتباع آثاره

و روشن کن در آن دل مرا بروشنی روشنیهای آن و بدار همه اعضای مرا بسوی پیروی نشانهای آن

بنورك يا منور قلوب العارفين نوزدهم اللهم وفر فيه حظي من بركاته

بنور خود ای روشن کننده دلهای شناسندگان خداوندا فراوان گردان بهره مرا در اینماه از برکتهای آن

وسهل سبيلي الى خيراته ولا تحرمني قبول حسناته يا هاديا الى الحق المبين

و آسان کن راه مرا بسوی نیکوئیهای آن و نا امید مکن مرا از پذیرفتن نیکیهای آن ای راهنما بسوی حق روشن

بیستم اللهم افتح لي فيه ابواب الجنان واغلق عني فيه ابواب النيران و

خداوندا بگشا برای من در اینماه درهای بهشت را و ببند در آن از من درهای دوزخ را

وفقني فيه لتلاوة القرآن يا منزل السكينة في قلوب المؤمنين بیست ویکم اللهم

و توفیق ده مرا در آن تلاوت قرآن ای فرود آورنده آرام در دلهای گروندگان خداوندا

اُجْعَلْ لِي فِيهِ اِلَى مَرْضَاتِكَ دَلِيلاً وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ عَلَيَّ سَبِيلاً وَ

بکردان برای من دران بسوی خشنودیهای خود راهنمائی ومکردان برای شیطان دران برمن راهی و

اجْعَلِ الْجَنَّةَ لِي مَنْزِلاً وَمَقِيلاً يَا قَاضِيَ حَوَائِجِ الطَّالِبِينَ بیست و دویم ۲۲ اَللّٰهُمَّ افْتَحْ

بکردان بهشت را برای محل فرود آمدن وآرامکاه ای برآرنده حاجتهای سوال کنندکان بارخدایا بکشا

لِي اَبْوَابَ فَضْلِكَ وَاَنْزِلْ عَلَيَّ فِيهِ بَرَكَاتِكَ وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِمُوجِبَاتِ مَرْضَاتِكَ

برای من درینماه درهای فضل خودرا وفرود آور برمن دران زیادتیهای خودرا وتوفیق ده مرا دران برای امور

وَاَسْكِنِّي فِيهِ بُحْبُوحَاتِ جَنَّاتِكَ يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ بیست و سیم ۲۳ اَللّٰهُمَّ اغْسِلْنِي

وساکن کردان مرا دران درمیانهای بستانهای خود ای اجابت کننده دعای درماندکان بارخدایا بشوی مرا

فِيهِ مِنَ الذُّنُوبِ وَطَهِّرْنِي فِيهِ مِنَ الْعُيُوبِ وَامْتَحِنْ قَلْبِي فِيهِ بِتَقْوَى الْقُلُوبِ

درینماه از کناهان وپاک کردان مرا دران از عیبها وآزمایش کن دل مرا دران بپرهیزکاری دلهای

يَا مُقِيلَ عَثَرَاتِ الْمُذْنِبِينَ بیست و چهارم ۲۴ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ فِيهِ مَا يُرْضِيكَ وَاَعُوذُ

درکذرنده از لغزشهای کناهکاران بارخدایا بدرستی من سوال میکنم از تو دران ماه آنچه را خشنود سازد ترا و پناه

بِكَ فِيهِ مِمَّا يُؤْذِيكَ وَاَسْاَلُكَ التَّوْفِيقَ فِيهِ لِاَنْ اُطِيعَكَ وَلَا اَعْصِيكَ

بتو میبرم از آنچه آزرده نماید ترا وسوال میکنم از تو توفیق را دران برای آنکه فرمانبرداری کنم ترا ونافرمانی نورزم ترا

يَا جَوَادَ السَّائِلِينَ بیست و پنجم ۲۵ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مُحِبّاً لِاَوْلِيَائِكَ وَمُعَادِياً

ای بخشنده سوال کنندکان بارخدایا بکردان مرا درینماه دوستدار مر دوستان ترا و دشمن دارنده

لِاَعْدَائِكَ مُسْتَنّاً بِسُنَّةِ خَاتَمِ اَنْبِيَائِكَ يَا عَاصِمَ قُلُوبِ النَّبِيِّينَ بیست و ششم ۲۶

مر دشمنان ترا جاری شونده بطریقه آخر پیغمبران تو ای نکاه دارنده دلهای پیغمبران

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ سَعْيِي فِيهِ مَشْكُوراً وَذَنْبِي فِيهِ مَغْفُوراً وَعَمَلِي فِيهِ مَقْبُولاً

بارخدایا بکردان کوشش مرا درینماه جزا داده شده وکناه مرا دران آمرزیده وکردار مرا دران پذیرفته

وَعَيْبِي فِيهِ مَسْتُوراً يَا اَسْمَعَ السَّامِعِينَ بیست و هفتم ۲۷ اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ فَضْلَ

وعیب مرا دران پوشیده ای شنواترین شنوندکان بارخدایا روزی کن مرا درین ماه فضیلت

لیلة

لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَصَيِّرْ اُمُورِي فِيهِ مِنَ الْعُسْرِ اِلَى الْيُسْرِ وَاقْبَلْ مَعَاذِيرِي

وَحُطَّ عَنِّي الْوِزْرَ وَالْوِزْرَ يَا رَؤُوفاً بِعِبَادِهِ الصَّالِحِينَ بیست و هشتم ۲۸ اَللّٰهُمَّ وَفِّرْ حَظِّي فِيهِ

بِاِحْضَارِ الْمَسَائِلِ وَقَرِّبْ فِيهِ وَسِيلَتِي مِنَ النَّوَافِلِ وَاَكْرِمْنِي وَسِيلَتِي اِلَيْكَ

مِنْ بَيْنِ الْوَسَائِلِ يَا مَنْ لَا يَشْغَلُهُ اِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ بیست و نهم اَللّٰهُمَّ

غَشِّنِي فِيهِ بِالرَّحْمَةِ وَارْزُقْنِي فِيهِ التَّوْفِيقَ وَالْعِصْمَةَ وَطَهِّرْ قَلْبِي

مِنْ غَيَاهِبِ التُّهْمَةِ يَا رَحِيماً بِعِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ روز سیم

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ صِيَامِي فِيهِ بِالشُّكْرِ وَالْقَبُولِ عَلَى مَا تَرْضَاهُ وَيَرْضَاهُ

الرَّسُولُ مُحْكَمَةً فُرُوعُهُ بِالْاُصُولِ بِحَقِّ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ مؤلف کوید که در تقدیم وتاخیر دعاها و

عبادات هریک را در کتب دعوات مختلف ذکر کرده اند چون روایتش را

معتبر نمیدانم متعرض ذکر آنها نشدم ودعای روز بیست وهفتم را کفعمی

در بیست ونهم ذکر کرده است وموافق مذهب شیعه در روز بیست

وسیم خواندن دور نیست که انسب باشد والله یعلم باب چهارم

در اعمال لیالی وایام متبرکه که ماه شوال وماه ذالقعده است اجمله ایام متبرکه

که ماه شوال روز عید فطر است وشبش از جمله لیالی شریفه است ودر

فضیلت وثواب عبادت واحیاء آن احادیث بسیار است واز حضرت رسول

صلی الله علیه وآله منقولست که هر که احیا کند شب عید را نمیرد دل او در روزی

که دلها از ترس بمیرد واز حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست

که کفت پدرم علی ابن الحسین شب عید را احیا میکرد بنماز تا صبح ودر تمام

يا الله يا شافي يا الله يا علي يا الله يا حنان يا
الله يا منان يا الله يا ذا الطول يا الله يا متعالي
يا الله يا عدل يا الله يا ذا المعارج يا الله يا صادق
يا الله يا ديان يا الله يا باقي يا الله يا ذا الجلال يا
الله يا ذا الاكرام يا الله يا معبود يا الله
يا محمود يا الله يا صانع يا الله يا معين يا الله
يا مكون يا الله يا فعال يا الله يا لطيف يا
الله يا جليل يا الله يا غفور يا الله يا شكور
يا الله يا نور يا الله يا حنان يا الله يا قديم يا
الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله
يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه يا الله يا رباه
يا الله يا الله اسألك ان تصلي على محمد
وال محمد وتمن علي برضاك وتعفو عني
بحلمك وتوسع علي من رزقك الحلال الطيب
من حيث احتسب ومن حيث لا احتسب
فاني عبدك ليس لي احد سواك ولا احد اسأله

غيرك يا ارحم

غيرك يا ارحم الراحمين ما شاء الله لا قوة الا بالله العلي العظيم
پس بسجده يا الله يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله يا رب يا الله
ميرود و ميگويى يا منزل البركات بك تنزل كل حاجة اسألك بكل
اى فرود آورنده بركتها بتو فرود آورده ميشود هر حاجتى سؤال ميكنم از تو بهر
اسم لك في مخزون الغيب عندك والاسماء المشهورات عندك المكتوبة
نامى كه پنهانست در خزانهاى غيبى تو و نامهاى فاش گرديده نزد تو نوشته شده است
على سرادق عرشك ان تصلي على محمد وال محمد وان تقبل مني شهر
بر سراپرده عرش تو اينكه رحمت بفرستى بر محمد و آل محمد و اينكه بپذيرى از من ماه
رمضان وتكتبني في الوافدين الى بيتك الحرام وتصفح لي عن الذنوب
رمضان را و بنويسى مرا در زمره واردشدگان بسوى خانه محترم و از براى من از گناهان
العظام وتستخرج يا رب كنوزك يا رحمن و در روايت ديگر بجاى فقرا
بزرگ و بيرون آورى اى پروردگار گنجينه هاى خود اى بخشنده مرتبه قل هو الله صد مرتبه
وارد شده است و ايضا سنت مؤكد است كه بعد از نماز شام خفتن و صبح شب
عيد و نماز عيد اين تكبيرات را بخواند الله اكبر الله اكبر لا اله الا الله
والله اكبر الله اكبر ولله الحمد الله اكبر على ما هدانا و اما اعمال روز عيد
پس زكوة فطر واجب مؤكد است و تركش با تحقق شرائط وجوب گناه كبيره است
و شرط قبول روزه ماه مبارك است چنانچه از حضرت صادق ع منقول است
كه از تمامى روزه دادن زكوة است يعنى فطره چنانچه صلوات بر محمد و آل محمد
از تمامى صلاة است زيرا كه هر كه روزه بدارد و زكوة فطره ندهد روزه او
مقبول نيست هرگاه عمدا ترك كند و اگر صلوات بر محمد و آل محمد را ترك كند در
تشهد نمازش مقبول نيست و خدا زكوة را پيش از نماز ذكر كرده است در آنجا كه

فرموده است قد افلح من تزكى وذكر اسم ربه فصلى يعنى بتحقيق كه رستكار شد هر كه زكوة فطر داد وپروردكار خود را ياد كرد بان تكبيرات كه مذكور شد پس نماز عيد را بجا اورد وچنانچه زكوة مال باعث پاكيزكى مال ميشود ومال از تلف محفوظ ميماند چنانكه منقول است كه هيچ مالى در دريا وصحرا تلف نميشود مكر بسبب ادا نه زكوة همچنين فطره زكوة بدنست وبدن را پاكيزه ميكرداند از بخل وساير كثافات معنوى ومرد او را تا سال ديكر از بلاها حفظ ميكند چنانچه بسند معتبر منقول است كه حضرت صادق ع با معتب وكيل خرج خود فرمود كه برو وفطره جميع عيال ما وغلامان وكنيزان ما را بده ويكى از ايشان را ترك مكن كه زكوة او را ندهى زيرا كه اكر يكى را ترك كنى ميترسم كه در عرض سال بميرد وبدانكه زكوة فطر بر مال نابالغ وديوانه وبنده واجب نميشود واكر نابالغ وديوانه عيال ديكرى باشند بر او واجب است كه فطره ايشان را بدهد وزكوة بنده را اقا ميدهد بنابر مشهور مكر انكه در ان شب عيال ديكرى باشد واشهر واقوى انست كه در وجوب فطره توانكرى شرط است وان موافق مشهور انست كه قوت ساليانه خود وعيال خود را داشته باشد بالفعل يا بر كسبى باشد كه وفا بمعيشت او وعيال او كند وبعضى كفته اند كه اكر در شب عيد زائد بر قوت خود وعيال خود بقدر فطره داشته باشد بر او واجب است واظهر انست كه بر او سنت است واكر فقير يك صاع فطره را با عيال خود دست بدست بكردانند وبعد از ان بفقير ديكر بدهند همه ثواب فطره را مييابند وبايد كه غنى اخراج فطره كند از خود واز هر كس كه واجب النفقه او باشد بشرط انكه عيال ديكرى نباشند در شب فطر كه اكر عيال ديكرى شده باشد بر او واجب است وهمچنين بايد بدهد از هر كس كه در خانه او باشد از مهمان وغير ان كه اخر روز اخر ماه رمضان پيش از شام در ان خانه باشد وافطار كند واكر بعد از شام داخل شود وافطار كند يا نكند واجب نيست

رسد

بر صاحب خانه واكر پيش از شام داخل شود وافطار از مال او نكند احوط انست كه هر دو بدهند يا يكى از ايشان باذن ديكرى بمستحق بدهد قربة الى الله واكر شخصى عيال او نباشد اما نفقه وكسوه او را بدهد ودر خانه ديكرى باشد زكوة او بر معطى نيست وهمچنين اكر در شب عيد پيش از شام از جهة همسايها طعامى بفرستند يا فقير را چيزى بدهد يا شخصى در ماه رمضان مهمان باشد ودر شب عيد بجاى ديكر افطار كند يا بعد از شام عيد كرده بخانه او ايد يا چيزى نخورده باشد وبعد از شام بيايد زكوة بر او واجب نيست واظهر انست كه در صورت اخيره هر دو بدهند بلكه مطلقا مهمان اكر غنى باشد خود نيز بدهد بهتر است ووقت بيرون كردن فطره موافق مشهور شام شب عيد است تا ظهر روز عيد وبعضى كفته اند تا شام روز عيد واحوط انست كه در شب جدا كند وپيش از نماز عيد بدهد واكر در صبح جدا كند نيز خوبست واكر پيش از نماز جدا كند وبعد از نماز در ان روز يا روز ديكر براى حاضر نبودن مستحق يا عذر ديكر تاخير كند قصورى ندارد واكر جدا نكند تا ظهر روز عيد احوط انست كه تا شام قصد اداء وقضا نكند واكر از روز عيد بكذرد بقصد قربت بدهد وقصد خصوص فطره نكند يا انكه قصد كند كه اين را ميدهم كه اكر قضاى فطره بر من واجب باشد فطره باشد والا تصدق باشد وپدر ومادر وجد وجده وفرزند وفرزند زادكان هر كاه فقير باشند نفقه ايشان بر او واجب است پس اكر نفقه او را خورند فطره بر او است واكر عيال شخص ديكر باشند بر ان شخص ديكر است واكر عيال ديكرى نيز نباشند واشهر احوط انست كه او فطره ايشان را بدهد واما جنس فطره مشهور انست كه هر چه قوت غالب وباشد ميتواند داد واظهر انست كه جو يا كندم يا خرما يا مويز يا كشك بدهد وبهتر انست كه خرما بدهد وبعد از ان مويز است وبعد از ان قوت غالب باشد چنانچه مردم شهر چون غالب قوت ايشان

بهتر است که گندم بدهند و مردم دهها که غالبا نان جو میخورند جو بدهند و در حدیث است
که اگر یکصاع خرما در فطره بدهم دوست تر میدارم از انکه یکصاع طلا بدهم و اما
مقدار فطره از هر شخصی یکصاع باید داد وصاع موافق حساب مشهور ظاهر اینکه
تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است و احوط انست که یکمن و نیم تبریز بدهند
و نهایت احتیاط انست که یکمن شاه بدهند و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه
خود و عیال خود را نداشته باشد و سائل بکف نباشد و احوط انست که
متظاهر بفسوق نباشد و صالح باشد و احوط انست که در زمان غیبت امام علیه السلام
بمجتهد جامع الشرائط عادل بدهند که او بمستحقان برساند چون مصارف را او بهتر
میداند بعضی از علماء این را واجب دانسته اند و احوط انست که بفقیری کمتر از یکصاع
ندهند و بیک کس چند سر میتوان داد و فطره را بواجب النفقه نمیتوان داد و بخویشان
غیر واجب النفقه دادن بهتر است و بعد از ان بهمسایگان پریشان و بعد از ان بکسانی
که فاضل تر و صالح تر و پریشان تر باشند و فطره غیر سید را بسید نمیتوان داد و فطره
سید را بسید و غیر سید هر دو میتوان داد و سنت است که در روز عید پیش از نماز
عید در اول روز افطار کند و سنت است که بخرما افطار کند و غسل روز عید سنت
مؤکد است و بعضی واجب دانسته اند و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که غسل را
در زیر سقفی بکن و در زیر اسمان مکن و پیش از غسل بگو اَللّٰهُمَّ اِيمَانًا بِكَ
وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بار خدایا تصدیق نموده ام تو
و باور دارم کتاب ترا و پیروی نموده ام طریقه پیغمبر ترا رحمت فرستد خدا بر او و آل او
پس بسم الله
بگو و غسل بکن و چون از غسل فارغ شوی بگو اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ كَفَّارَةً لِذُنُوبِي وَ
... اَللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّي الدَّنَسَ خداوندا بگردان این غسل را محو نماینده مر گناهان مرا
... او ببرا از من ... چرک را در این روز
و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام سنت
مؤکد است

اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ تَبَارَكَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
مگر او پس از کجا برمیگردید خداوندا منزه و برکت خدا پروردگار جهانیان نیست سزاوار پرستش مگر او
يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَائِكُمُ الْاَوَّلِينَ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
زنده میکند و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران پیشینان شما پس بدان هر تحقیق نیست سزاوار پرستش مگر
اللهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللهُ يَعْلَمُ
خدا و طلب آمرزش کن از خدا برای گناه خود و برای گناه مردان گرونده و زنان گرونده و خدا میداند جای بازگردیدن
مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوٰيكُمْ لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَرَاَيْتَهُ خَاشِعًا
شما و جای اقامت شما را اگر فرو میفرستادیم ما این قرآن را بر کوهی هر آینه میدیدی تو آن را ترسان
مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللهِ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ
شکافته از ترس خدا و این داستانهاییست که میزنیم ما آنها را برای مردمان تا ایشان شاید
يَتَفَكَّرُونَ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ
اندیشه کنند او خدائیست که نیست سزای پرستش مگر او دانای نهان و آشکار
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللهُ الَّذِي لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ
اوست بخشنده مهربان او خدائیست که نیست سزاوار پرستش مگر او پادشاه پاک از هر عیبی که
السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللهِ عَمَّا
از هر آفتی بخشنده امن و امان نگهبان هر چیز غالب بر همه اوند عظمت بغایت بزرگوار پاک است خدا از آنچه
يُشْرِكُونَ هُوَ اللهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى يُسَبِّحُ
شریک میدانند اوست خدای آفریننده آفریدگار صورت بخش مر او راست نامهای نیک تسبیح گوید مر
لَهُ مَا فِي السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ اللهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا
مر او را آنکه در آسمانها و زمین است و اوست غالب است گفتار درست کردار خدا نیست سزاوار پرستش مگر
هُوَ وَعَلَى اللهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
او و بر خدا پس باید اعتماد کنند گروندگان پروردگار جای برآمدن آفتاب و جای فرو شدن نیست سزاوار پرستش مگر او

اللهُ

فاتخذه وكيلا پس هفت وانه لكتاب عزيز لا ياتيه الباطل من بين يديه
پس فرا گیر او را کارساز مرتبه بگو و بدرستی که او هر آینه کتابیست غالب نباید او را هیچ باطل از پیش او

ولا من خلفه تنزيل من حكيم حميد پس بگو آمنا بالله وما انزل الينا وما انزل
و نه از پس او فرو فرستاده شده است از جانب خداوند درست کردار ستوده گرویدیم ما بخدا و آنچه فرو فرستاده بسوی ما و آنچه فرو فرستاده

الى ابراهيم واسمعيل واسحق ويعقوب والاسباط وما اوتي موسى
بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندزادگان یعقوب و آنچه داده شدند موسی

وعيسى وما اوتي النبيون من ربهم لا نفرق بين احد منهم
و عیسی و آنچه داده شدند پیغمبران از جانب پروردگار خود نمی افکنیم میان هیچ کس از ایشان

ونحن له مسلمون ربنا رب السموات والارض لن ندعو من دونه
و ما فرمانبرداران او را گردن نهنده گانیم پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است هرگز نخوانیم بجز او

الها لقد قلنا اذا شططا الحمد لله الذي هدانا لهذا وما كنا
خدائی هر آینه بتحقیق گفته باشیم آن وقت گفتاری دروغ سپاس مر خدای را که رسانید ما را بلطف خود باینجا و نبودیم ما

لنهتدي لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا بالحق صلى
که بجوئیم خود راه بریم اگر نه هدایت میکرد ما را خدا هر آینه بتحقیق آمدند پیغمبران پروردگار ما براستی رحمت کند

الله عليهم اجمعين پس بگو السلام عليك يا رسول الله السلم عليك يا نبي
خدا بر ایشان همه درود باد بر تو ای فرستاده خدا درود باد بر تو ای پیغمبر

الله السلم عليك يا خيرة الله من خلقه وامينه على وحيه السلام
خدا درود بر تو باد ای برگزیده خدا از خلق او و معتمد او بر پیغام او سلام

عليك يا مولاي يا امير المؤمنين انت حجة الله على خلقه وامينه على
بر تو ای صاحب اختیار من ای امیر گروندگان تو حجت خدائی بر خلق او و با امانت او بر

وحيه وباب علمه ووصي نبيه والخليفة من بعده في امته لعن الله
پیغام او و دروازه علم او و وصی پیغمبر او و جانشین پس از پیغمبر در امت او لعنت کند خدا

امة

امة غصبتك حقك وقعدت مقعدك انا بريء منهم ومن شيعتهم اليك
گروهی را که غصب کردند حق ترا و نشستند در نشستن گاه تو من بیزارم از ایشان و از پیروی ایشان بسوی تو

السلام عليك يا فاطمة البتول السلام عليك يا زين نساء العالمين
سلام بر تو ای فاطمه بتول سلام بر تو ای آرایش زنان جهانیان

السلام عليك يا بنت رسول رب العالمين صلى الله عليك وعليه
سلام بر تو ای دختر رسول خدا پروردگار جهانیان رحمت فرستد خدا بر تو و بر او

السلم عليك يا ام السبطين الحسن والحسين لعن الله امة غصبتك
سلام بر تو ای مادر دو فرزندزاده پیغمبر حسن و حسین دور کند از رحمت خود خدا گروهی را که بظلم گرفتند

حقك ومنعتك ما جعله الله لك حلالا انا بريء اليك منهم
حق ترا و باز داشتند از تو آنچه را که گردانید آنرا خدا بر تو حلال من بیزارم بسوی تو از ایشان

ومن شيعتهم السلم عليك يا مولاي يا ابا عبد الله الحسين بن
و از پیروان ایشان سلام بر تو ای صاحب اختیار من ای ابا عبد الله حسین ابن

علي صلوات الله عليك وعلى ابيك وجدك محمد المصطفى صلى
علی رحمتهای خدا بر تو و بر پدر تو و جد تو محمد برگزیده رحمت فرستاد

الله عليه واله لعن الله امة استحلت دمك ولعن الله امة
خدا بر او و آل او لعنت کند خدا گروهی را که حلال دانستند خون ترا و لعنت کند خدا گروهی را که

قتلتك واستباحت حريمك ولعن الله اشياعهم واتباعهم ولعن الله
کشتند ترا و مباح شمردند فرو گرفتن گرداگرد ترا و لعنت کند خدا تابعان ایشان و پیروان ایشان را و لعنت کند خدا

الممهدين لهم بالتمكين من قتالكم انا بريء الى الله واليك منهم
آنها را که درست کردند کار ایشان را بجهت دادن از کشتن شما من بیزارم بسوی خدا و بسوی تو از ایشان

السلام عليك يا مولاي يا ابا محمد علي بن الحسين السلام عليك
سلام بر تو ای صاحب اختیار من ای ابا محمد علی پسر حسین سلام بر تو

والیکم

يامولاى يا اباجعفر محمد بن على السلام عليك يامولاى يا اباعبد
اى صاحب اختيار من اى ابا محمد پسر على سلام بر تو اى صاحب اختيار من اى ابا

الله جعفر بن محمد السلام عليك يامولاى يا ابا الحسن موسى بن
جعفر پسر محمد سلام بر تو اى صاحب اختيار من اى ابا الحسن موسى بن

جعفر السلام عليك يامولاى يا ابا الحسن على بن موسى الرضا
جعفر سلام بر تو اى صاحب اختيار من اى ابا الحسن على بن موسى الرضا

السلم عليك يامولاى يا اباجعفر محمد بن على السلام عليك
سلام بر تو اى صاحب اختيار من اى ابا جعفر محمد بن على سلام بر تو

يامولاى يا ابا الحسن على بن محمد السلام عليك يامولاى يا
اى صاحب اختيار من اى ابا الحسن على بن محمد سلام بر تو اى صاحب اختيار من اى

ابا محمد الحسن بن على السلام عليك يامولاى يا ابا القاسم الحجة
ابا محمد حسن بن على سلام بر تو اى صاحب اختيار من اى ابا القاسم حجة

بن الحسن صاحب الزمان صلى الله عليك وعلى عترتك
بن الحسن صاحب اين زمان رحمت فرستد خدا بر تو و بر خويشان تو

الطيبة يا موالى كونوا
الطاهرة بن الحسن صاحب الزمان شفعائى عند الله فى حط
پاك و پاكيزه اند اى آقايان من باشيد درخواست كننده گان براى من نزد خدا در فرو گذاشتن

وزرى وخطاياى امنت بالله وبما انزل اليكم واتوالى اخركم
باركران من وگناهان من گرويدم بخدا و بآنچه فرو فرستاده شد بسوى شما و پيروى ميكنم آخر شما را

بما اتوالى به اولكم وبرئت من الجبت والطاغوت واللات و
بآن روش كه پيروى ميكنم بآن اول شما را و بيزار شده ام از جبت و طاغوت و لات و

العزى يا موالى انا سلم لمن سالمكم وحرب لمن حاربكم وعدو لمن
عزى اى صاحب اختياران من صلحم آنرا كه صلح كرده با شما و جنگم آنرا كه جنگ كرده با شما و دشمنم آنرا كه

عاداكم

عاداكم وولى لمن والاكم الى يوم القيمة ولعن الله ظالميكم وغاصبيكم
دشمنى كرده با شما و دوستم آنرا كه دوستى نموده با شما تا روز رستخيز و لعنت كند خدا ستم كنندگان بر شما را و غصب كنندگان حقوق شما را

ولعن الله اشياعهم واتباعهم واهل مذهبهم وابرء الى الله واليكم
و لعنت كند خدا تابعان ايشان را و پيروان ايشان را و اهل مذهب ايشان را و بيزارى ميجويم بسوى خدا و بسوى شما

منهم اللهم انى اشهدك وكفى بك شهيدا واشهد محمدا صلى الله عليه و
از ايشان خداوندا بدرستيكه من گواه ميگيرم ترا و بسنده است تو بگواهى و گواه ميگيرم محمد را رحمت فرستد خدا بر او و

اله وعليا والائمة من ذريتهما والثمانية حملة عرشك والاربعة الاملاك
آل او و على را و پيشوايان از فرزندان ايشان را و هشت تن را كه بردارندگان عرش تو اند و چهار تن را از ملكها و عزت

خزنة علمك انى برئ من اعدائهم فعلى محمد وعلى اهل بيته الطيبين
و خزانه داران علم تو اند اكه بتحقيق من بيزارم از دشمنان ايشان پس بر محمد و بر خاندان او كه پاكيزه اند

الطاهرين الصلوة والسلام اللهم اقرر عينى بصلاتهم وصلوة اهل بيته
پاكانند رحمت و درود خداوندا خنك كن ديده مرا برحمت فرستادن بر او و رحمت فرستادن بر خاندان او

واجعل ما هديتنى اليه من الحق والمعرفة بهم مستقرا ولا مستودعا يا ارحم
و بگردان آنچه را راه نمودى مرا بسوى آن از امر حق و شناخت ايشان ثابت داشته شده نه باماننت گذاشته شده و نه عاريه اى رحم كننده ترين

الراحمين اللهم وعرفنى نفسك وعرفنى رسلك وعرفنى ملائكتك
بخشندگان خداوندا و بشناسان بمن ذات خود را و بشناسان بمن فرستادگان خود را و بشناسان بمن فرشتگان خود را

وعرفنى ولاة امرك اللهم انى لا اخذ الا ما اعطيت ولا اوقى الا ما وقيت
و بشناسان بمن واليان امر خود را خداوندا بدرستيكه من فرا نميگيرم مگر آنچه را بخشى تو و نگاهداشته نميشوم مگر آنچه نگاهدارى تو

اللهم لا تحرمنى منازل اوليائك ولا تزغ قلبى بعد اذ هديتنى وهب لى
خداوندا نا اميد مكن مرا از جاهاى فرود آمدن دوستان خود و ميل مده دل مرا پس از آنكه راه نمودى مرا و ببخش مرا

من لدنك رحمة انك انت الوهاب وهيئ لى من امرى رشدا اللهم
از نزد خود بخشايش بدرستى تو توئى بسيار بخشنده و آماده كن براى من از كار دين من رستگارى خداوندا

وعلمني ناطق التنزيل وخلصني من المهالك اللهم وخلصني من الشيطان
وبياموزان قرآن فرو فرستاده شده ناطق وخلاص کن مرا از موجبات هلاکت خداوندا و برهان مرا از شیطان

وحزبه ومن السلطان وجنده ومن الجبت وانصاره بحق محمد المحمود
وگروه او و از پادشاه و لشکر او و از جبت و یاوران او بحق محمد ستوده

وبعلي المقصود وبحق شبر وشبير وبحق اسمائك الحسنى صل على محمد
و بحرمت علی قصد کرده شده و بحق حسن و حسین و بحق نامهای خود نیکت رحمت بفرست بر محمد

افضل الصلوات انك على كل شيء قدير وانت بكل شيء محيط الصفوة
بهترین رحمتها بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی و تو بهر چیز فرا رسنده

يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه
ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار ای بزرگ

يا سيداه يا سيداه يا مولاه يا مولاه يا مولاه يا عماد من لا عماد له يا
ای بزرگ ای بزرگ ای آقا ای آقا ای آقا ای عماد آنکه نیست معتمدی برای او ای

سند من لا سند له ويا ذخر من لا ذخر له انت ربي وانا عبدك
معتمد آنکه نیست معتمدی برای او و ای ذخیره آنکه نیست ذخیره برای او تو پروردگار منی و من بندهٔ توام

على عهدك ووعدك اللهم اجعله موقفا محمودا ولا تجعله آخر
بر پیمان تو و وعدهٔ تو خداوندا بگردان عهد را اقامت گاهی ستوده و مگردان آنرا آخر

العهد منا واشركنا في صالح دعاء من دعاك بمنى وعرفات ومزدلفة
عهدی از ما و شریک کن ما را در دعای شایسته آنکه خواند ترا در منی و عرفات و مشعر

وعند قبر نبيك عليه وآله السلام وعند زمزم والمقام اللهم لك
و نزد قبر پیغمبر تو بر او و آل او باد درود و نزد چاه زمزم و مقام ابراهیم خداوندا مر تراست

الحمد حيث دفعت افرادنا عن شد الزنانير في الاوساط والخواتم
سپاس انگاه بلند کردی قدرها و مرتبه های ما را از بستن زنارها در میانها و خاتمها

في الاعناق ولك الحمد حيث لم تجعلنا زنادقة معتلين ولا مدعينة
در گردنها و مر تراست سپاس انگاه نگردانیدی ما را بی دینان گمراه نماینده گان و نه گوسفند کان

شاكين مرتابين ولا معارضين ولا عن اهل نبيك صلى الله عليه و بكرة ع
شک دارندگان بی اعتقادان و نه معارضه کنندگان و نه از خاندان پیغمبر تو محمد رحمت فرستد خدا بر او

آله منحرفين اللهم كما بلغتنا هذا اليوم المبارك من شهرنا وسنتنا
آل او میل کنندگان خداوندا چنانکه رسانیدی ما را باین روز با برکت از ماه ما و سال ما

هذه المباركة فبلغنا آخرها في عافية وبلغنا اعواما كثيرة برحمتك
این سال با برکت پس برسان ما را بآخر این سال در نیکوئی و برسان ما را سالهای بسیار ببخشش خود

يا ارحم الراحمين يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله يا رباه يا رباه
ای بخشنده ترین بخشایندگان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من ای خدا ای خدا ای خدا ای پروردگار ای پروردگار

يا رباه يا سيداه يا سيداه يا سيداه يا مولاياه يا مولاياه يا مولاياه اللهم
ای پروردگار ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ ای آقا ای آقا ای آقا خداوندا

وما قسمت لي في هذه الساعة وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه
وانچه قسمت کرده مرا در این ساعت و در این روز و در این ماه و در این

السنة من خير او بركة او عافية او مغفرة او رافة او رحمة او عتق
سال از نیکی یا زیادتی یا عافیت یا آمرزش یا مهربانی یا بخشش یا آزادی

من النار او رزق واسع حلال طيب او توبة نصوح فاجعل لنا في ذلك
از آتش یا روزی فراخ حلال پاکیزه یا توبهٔ خالص پس بگردان برای ما در آن

اوفر النصيب واجزل الحظ اللهم وما انزلت في هذه الساعة وفي
وافرتر نصیبی و فراوانتر بهره خداوندا وانچه فرو فرستاده در این ساعت و در

هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة من حرق او شرق او غرق
این روز و در این ماه و در این سال از سوختن یا اندوه یا غرق شدن

أو هدم أو ردم أو خسف أو قذف أو رجف أو مسخ أو صيحة أو زلزلة
یا ویران نمودن یا در بستن یا بزمین فرو رفتن یا دشنام دادن یا لرزیدن و اضطراب یا بدل کردن صورت یا فغان یا لرزیدن

أو غارقة أو صاعقة أو برد أو جنون أو جذام أو برص أو أكل سبع
یا آشوب یا آتش آسمانی یا سردی یا دیوانگی یا خوره یا پیسی یا خوردن جانور درنده

أو ميتة سوء وجميع أنواع البلاء في الدنيا والآخرة فاصرفه عنا كيف
یا مردن با ناخوشی و همه اقسام بلا در اینجهان و آنجهان پس بگردان آنرا از ما هر روش

شئت وأنى شئت وعن جميع المؤمنين في كل دار ومنزل في شرق
که خواهی و بهر کجا خواهی و از همه گروندگان در هر سرا و جایگاهی در جانب شرقی

الأرض وغربها عز جارك وجل ثناؤك ولا إله غيرك وحدك لا
زمین و جانب غربی آن ارجمند است پناه برنده بتو و بزرگ است ستایش تو و نیست سزاوار پرستش جز تو حال آنکه یگانه تو نیست

شريك لك فاطر السموات والأرض عالم الغيب والشهادة رب كل
انبازی مر ترا ای آفریننده آسمانها و زمین دانای نهان و آشکارا ای پروردگار هر

شيء ومليكه أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له وأشهد أن
چیزی و مالک آن گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا و حال اینکه یگانه است نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه

محمدا صلى الله عليه وآله عبده ورسوله وأشهد أن الجنة حق والنار
محمد رحمت فرستد خدا بر او و آل او بنده او و فرستاده اوست و گواهی میدهم اینکه بتحقیق بهشت راست است و دوزخ

حق وأن الساعة آتية لا ريب فيها وأن الله يبعث من في القبور أشهد
درست است و اینکه بتحقیق قیامت آینده است نیست شکی در آن و اینکه بتحقیق خدا برمی انگیزد مردگانرا که در قبرها گواهی میدهم

أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له عليها أحيى وعليها أموت وعليها
اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او و بر این گواهی زنده میکنم و بر آن میمیرم و بر آن

أبعث إن شاء الله رضيت بالله ربا وبالإسلام دينا وبمحمد صلى الله
زنده گردانیده میشوم اگر خواهد خدا پسندیدم خدا را بپروردگاری و اسلام را بدین و ملت و محمد را رحمت فرستد خدا

بعد الموت

عليه

١٣٣

امام

عليه وآله نبيا وبعلي وليا وبالقرآن إماما وبالكعبة قبلة و
بر او و آل او به پیغمبر و علی را صاحب اختیار و قرآن را پیشوا و کعبه را قبله و

بإبرهيم عليه السلم لنبينا أبا وبأمير المؤمنين صلوات الله عليه
ابراهیم را بر او باد درود برای پیغمبر خود پدر و بپیشوای گروندگان را رحمتهای خدا بر او

وبمحمد نبيا
و محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او پیغمبر

للحق موضحا وللجنة والنار قاسما وبالأوصياء من ذريته أئمة
برای حق ظاهر سازنده و بهشت و دوزخ را قسمت کننده و گروندگان از پیروان او برادران

وبالمؤمنين من شيعته إخوانا لا أشرك بالله شيئا ولا أتخذ من
و گروندگان از پیروان او را برادران شریک قرار نمیدهم با خدا چیزی را و فرا نمیگیرم غیر از او

هو

دونه وليا ولا أدعي معه إلها لا إله إلا الله وحده لا شريك له
دوستی و نه دعوی میکنم با او هیچ معبودی نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست انبازی برای او

إلها واحدا أحدا فردا صمدا لم يتخذ صاحبة ولا ولدا اللهم إني
ستایش میکنم خدا را یگانه است یکتا بیهمتا پناه محتاجان فرا نگرفته هیچ زنی و نه فرزندی خداوندا بتحقیق من

أسألك بالعظيم من آلائك والقديم من نعمائك والمخزون من أسمائك
سؤال میکنم از تو بزرگ از نعمتهای تو و دیرینه از نعمتهای تو و پنهان داشته شده از نامهای تو

وما وارت الحجب من بهائك ومعاقد العز من عرشك ومنتهى الرحمة
و آنچه پوشیده آنرا پردها از نیکوئی تو و جایهای انعقاد عزت از عرش تو و نهایت رحمت و بخشش

من كتابك وبك وحدك لا شريك لك أن تصلي على محمد وآل محمد و
که ظاهر است از کتاب تو و بحرمت تو حال آنکه یگانه نیست شریکی برای تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و

أن ترحم هذه النفس الجزوعة وهذا البدن الهلوع الذي لا يطيق حر
اینکه رحم کنی این نفس جزعناک و این تن ناشکیبا را که تاب ندارد گرمی

شمسك فكيف حر نارك إن تعاقبني لا يزيد في ملكك شيء وإن تعف
آفتاب ترا پس چگونه تاب آورد گرمی آتش را اگر عقاب کنی مرا افزون نگردد در پادشاهی تو چیزی و اگر در گذری

عَنِّي لَا يَنقُصُ مِن مُلكِكَ شَيءٌ اَنتَ يَا رَبِّ بِخَلقِكَ اَرحَمُ وَبِعِبَادِكَ اَعلَمُ
از من کم نکند از پادشاهی تو چیزی تو ای پروردگار من بآفریده خود مهربان تری و بنده گان خود دانا تری
وَبِسُلطَانِكَ اَرءَفُ وَبِمُلكِكَ اَقدَمُ وَبِعَفوِكَ اَكرَمُ وَعَلَى عِبَادِكَ اَنعَمُ
و بسلطنت و غلبه خود بخشنده تر و بپادشاهی خود دیرینه و بدرگذشتن خود بزرگوار تر و بر بندگان خود مهربانتر
لَا يَزِيدُ فِي مُلكِكَ طَاعَةُ المُطِيعِينَ وَلَا يَنقُصُ مِنهُ مَعصِيَةُ العَاصِينَ
زیاد نکند در پادشاهی تو فرمانبرداری فرمان بران و کم نسازد از آن نافرمانی نافرمان بران
وَاعفُ عَنِّي يَا اَكرَمَ الاَكرَمِينَ وَيَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ اَلُوذُ بِعِزَّتِكَ وَاَستَظِلُّ
و درگذر از من ای بزرگوار ترین بزرگواران و ای بخشاینده ترین بخشایندگان پناه میبرم بغلبه تو و پناه میگیرم
بِفِنَائِكَ وَاَستَجِيرُ بِقُدرَتِكَ وَاَستَغِيثُ بِرَحمَتِكَ وَاَعتَصِمُ بِحَبلِكَ وَلَا
بدرگاه تو و زنهار میجویم بتوانائی تو و استغاثه میکنم برحمت تو و چنگ در میزنم بریسمان تو و اعتماد
اَثِقُ اِلَّا بِكَ وَلَا اَلجَاُ اِلَّا اِلَيكَ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا كَاشِفَ البَلَاءِ وَيَا كَرِيمَ
نمیکنم مگر بتو و پناه نمیبرم مگر بسوی تو ای امید داشته شده بامید بزرگ ای رفع نماینده بلا و ای سزاوار
مَن تَجَاوَزَ وَعَفَا اَللّٰهُمَّ اِنَّ ظُلمِي مُستَجِيرٌ بِعَفوِكَ وَخَوفِي مُستَجِيرٌ بِاَمَانِكَ
درگذشته و عفو که خداوندا بدرستیکه ستم کهن من زنهار جوینده است بدرگذشتن تو و ترس من زنهار جوینده است بامان تو
وَفَقرِي مُستَجِيرٌ بِغِنَاكَ وَوَجهِيَ البَالِيَ الفَانِي مُستَجِيرٌ بِوَجهِكَ الدَّائِمِ البَاقِي
و نیاز مندی من پناه جوینده است به بی نیازی تو و روی کهنه بی قدر ناچیز من زنهار جوینده است بذات همیشه موجود پاینده تو
الَّذِي لَا يَفنَى وَلَا يَزُولُ يَا مَن لَا يَشغَلُهُ شَأنٌ عَن شَأنٍ لَا تَجعَل مُصِيبَتَنَا
که فانی نگردد و زایل نشود ای آنکه باز نمیدارد او را کاری از کاری دیگر مگردان مکروه ما را
فِي دِينِنَا وَلَا تَجعَلِ الدُّنيَا اَكبَرَ هَمِّنَا وَلَا تُسَلِّط عَلَينَا مَن لَا يَرحَمُنَا وَعُد بِحِلمِكَ
در دین ما و مگردان دنیا را بزرگترین اندوه ما و دست مده بر ما کسی را که رحم نکند ما را و مهربانی کن ببردباری خود
عَلَى جَهلِنَا وَبِاِحسَانِكَ عَلَى اِسَائَتِنَا وَبِقُوَّتِكَ عَلَى ضَعفِنَا وَبِغِنَاكَ عَلَى
بر نادانی ما و بنیکوکاری خود بر بدکاری ما و بتوانائی خود بر ناتوانی ما و به بی نیازی خود بر

فقرنا

فَقرِنَا وَاَعِذنَا مِنَ الاَذَى وَالقَضَا (القذی) وَالضُّرِّ وَسُوءِ القَضَاءِ وَشَمَاتَةِ الاَعدَاءِ
نیازمندی ما و پناه ده ما را از آزارها و خس دیدها و بدیها و حکم بد و شماتت دشمنان
وَسُوءِ المَنظَرِ فِي المَالِ وَالدِّينِ وَالاَهلِ وَالوَلَدِ وَعِندَ مُعَايَنَةِ المَوتِ
و بدی نگریستن در مال و دین و اهل و فرزندان و نزد مشاهده مرگ
اَللّٰهُمَّ يَا رَبِّ نَشكُو غَيبَةَ نَبِيِّنَا عَنَّا وَقِلَّةَ نَاصِرِنَا وَكَثرَةَ عَدُوِّنَا وَشِدَّةَ
خداوندا ای پروردگار من شکوه میکنیم از پنهان شدن پیغمبر خود از ما و کمی یاور ما و بسیاری دشمن ما و سختی روزگار
الزَّمَانِ عَلَينَا وَوُقُوعَ الفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهُرَ الخَلقِ عَلَينَا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى
بر ما و واقع شدن آشوبها بما و یاری نمودن خلق یکدیگر را بر ما خداوندا رحمت فرست بر
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافرُج ذٰلِكَ بِفَرَجٍ مِنكَ تُعَجِّلُهُ وَنَصرٍ تُعِزُّهُ وَحَقٍّ
محمد و آل محمد و بکشا آنرا مذکور را بکشایشی از خود که شتاب نمائی آنرا و یاری که غالب کنی آنرا و حقی که
تُظهِرُهُ اَللّٰهُمَّ وَابعَث بِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيهِ وَآلِهِ لِلنَّصرِ لِدِينِكَ
ظاهر سازی آنرا خداوندا و برانگیز قایم آل محمد را رحمت فرستد خدا بر او و آل او برای یاری نمودن دین خود
وَاِظهَارِ حُجَّتِكَ وَالقِيَامِ بِاَمرِكَ وَتَطهِيرِ اَرضِكَ مِن اَرجَاسِهَا بِرَحمَتِكَ
و ظاهر ساختن حجت خود و برپا داشتن فرمان خود و پاک کردن زمین خود از کثافات آن برحمت خود
يَا اَرحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَن اُوَالِيَ لَكَ عَدُوًّا اَو اُعَادِيَ
ای بخشاینده ترین بخشندگان خداوندا بدرستیکه من پناه میگیرم بتو از آنکه دوستی کنم دشمن ترا یا دشمنی کنم
لَكَ وَلِيًّا اَو اَسخَطَ لَكَ رِضًا اَو اَرضَى لَكَ سَخَطًا اَو اَقُولَ لِحَقٍّ هٰذَا بَاطِلٌ
دوست ترا یا خشم گیرم بر آن امری که خوشنودی ترا دربر دارد یا خشنود گردم بر امری که خشم ترا دربر دارد یا بگویم مر حق را که این باطل است
اَو لِبَاطِلٍ هٰذَا حَقٌّ اَو اَقُولَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هٰؤُلَاءِ اَهدَى مِنَ الَّذِينَ اَقُولَ
یا بگویم مر باطل را که این حق است یا بگویم مر آنان را که ناسپاسی کرده اند که اینان راه یافته ترند از آنانکه
آمَنُوا سَبِيلًا اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَآتِنَا فِي الدُّنيَا حَسَنَةً وَفِي الآخِرَةِ
گرویده اند بحسب راه خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل او و بده ما را در اینجهان نیکی و در آنجهان

حَسَنَةً وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ و سابقاً مذکور شد که عمل استفتاح را نیز در
نیکی ... و نگاه دار ما را برحمت خود از عذاب آتش بعمل آوردن مستحب است **فصل سیم**
در اعمال ضروریه شب عید قربان و روزش و ایام تشریق است یعنی یازدهم و دوازدهم
و سیزدهم بدانکه شب عید اضحی از جملهٔ چهار شب است که احیاء آنها سنت مؤکد است
و منقول است که در این شب درهای آسمان بسته نمیشود برای آنکه صداهای
دعاهای حاجیان بالا رود و صدای ایشان در آسمان بعینه است مانند صدای
مگس عسل در میان کند و حق تعالی حاجیان را ندا میکند که منم پروردگار شما و شما بنده
بندگان من و حق مرا ادا کردید و بر من لازم است که دعای شما را مستجاب
گردانم پس هر که مستحق آمرزش است همهٔ گناهان او را می آمرزد و هر که سزاوار
آن نیست گناهش را کم میکند پس هر که با ایشان در عبادت و دعا شریک
شود در ثواب با ایشان شریک خواهد بود و غسل و زیارت امام حسین ع
در این شب سنت است و منقول است که هر که آنحضرت را در این شب زیارت کند
گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود و اما اعمال روز عید غسل در آن
سنت مؤکد است و بعضی از واجب دانسته اند و بهتر آنست که پیش از نماز غسل
کند و نماز عید بنا بر مشهور در زمان غیبت امام ع سنت مؤکد است و بجماعت
فقیر واجب است بشرائط مقرره و نمازش بهمان کیفیت است که در عید فطر مذکور
مذکور شد و دعای پیش از رفتن بنماز عید آنجا مذکور شد و دعای بسیار پیش از
نماز و بعد از آن وارد شده است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بهترین
دعاها دعای چهل و هشتم صحیفهٔ کامله است که اولش اینست اللّهمّ هذا یوم
مبارک و اگر دعای چهل و ششم را که اولش یا من یرحم من لا یرحمه العباد
نیز بخواند بهتر است زیرا که در بعضی از نسخ قدیمهٔ صحیفه استحباب خواندن آن دعا

نیز

نیز وارد شده است و دعای ندبه بهترین دعاها و در این روز و سائر اعیاد
سنت است خواندن چنانچه ان شاء الله بعد از این در ضمن زیارات مذکور
خواهد شد و در این عید سنت است که افطار بعد از نماز از گوشت قربانی
بشود و از جملهٔ احکام این عید قربانی است و آن سنت مؤکد است و بعضی از
علماء واجب دانسته اند اگر قدرت بر آن داشته باشد و از حضرت صادق ع
منقول است که اضحیه واجب است بر هر مسلمانی و فرمود که از برای خود البته
بکن و از برای عیال خود اگر خواهی بکن و اگر خواهی مکن و از ام سلمه زوجهٔ
حضرت رسول صلعم منقول است که بآنحضرت عرض کردم که عید اضحی حاضر میشود
و من قیمت اضحیه ندارم آیا قرض کنم و اضحیه بکنم حضرت فرمود که قرض کن که آن
قرض را خدا ادا میکند و بهتر آنست که در روز عید بکشد و در روز یازدهم
و دوازدهم نیز میتواند کشت و اگر در منی باشد روز سیزدهم نیز میتواند کشت
و بهتر آنست که در دههٔ ذی الحجه خریده باشد و مکروه است قربانی کردن
حیوانی که در خانه تربیت کرده باشد و میباید یا شتر یا گاو یا گوسفند یا بز
بوده باشد و حیوانات دیگر را قربانی نتوان کرد و اگر شتر باشد میباید
پنج سال تمام داشته باشد یا زیاده و اگر گاو یا بز باشد میباید یکسالش تمام
شده باشد و داخل در سال دویم شده باشد و اگر دو سال تمام داشته باشد
بهتر است و اگر گوسفند باشد شش ماهه کافی است و اگر هفت ماهش تمام باشد
بهتر است و میباید نقصی در اعضایش نبوده باشد و کور یکچشم یا هر دو چشم
نبوده باشد و بسیار لنگ نباشد که راه رفتن بر آن دشوار باشد و گوشش بریده
نباشد و اگر شق شده باشد و جدا نشده باشد باکی نیست و اگر شق نیز نباشد
بهتر است و باید که مغز شاخش شکسته نباشد و اگر پوستش نیز نشکسته باشد

بهتراست وبهتر آنست که بیمار یا بسیار پیر نبوده باشد وسنت است که فربه باشد
وباید که بسیار لاغر نباشد که پیه بر کرده اش نباشد وباید که خصی نباشد یعنی
خصیه اش را نبریده باشند ومکروه است اگر خصیه اش را مالیده باشند واگر
بغیر خصی بهم نرسد خصی را قربانی میتوانکرد وسنت است که خود بکشد واگر نتواند
دست بر روی دست قصاب بگذارد ومددی بکند وطریق کشتن آنست که
اگر شتر باشد نحر کند یعنی حربه را مانند کارد یا نیزه در گودال پایین گردنش
فروبرد واگر بعوض آن ذبح کند حرام میشود وواجب است که رو بقبله بدارد
ونام خدا ببرد وسنت است که از ایستاده بدارد رو بقبله وهر دو دستش
از سر یا تا زانو ببر دلیمانی یا بسمه بر بگذ یکن ببچید وانکه نحر میکند در جانب
راست شتر بایستد وحربه را در نحرش فرو برد واگر گاو یا گوسفند یا بز باشد
باید که چهار رگ از گردنش ببرد یعنی حلقوم ودو رگ بزرگ که در دو جانب حلقوم
است ورگی که در پشت حلقوم است که آب وعلف از آن رگ بجوف او میرود
واگر این چهار را نحر کند حرام میشوند وسنت است که دعا بخواند در وقت کشتن
چنانکه بسند صحیح از حضرت صادق ع منقول است که چون قربانی را بخری
روی او را بقبله کن ودر وقت نحر یا ذبح بگو وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ
السَّمٰوٰاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي
وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذٰلِكَ
أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ اَللّٰهُمَّ مِنْكَ وَلَكَ بِسْمِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ پس
نحر یا ذبح بکند وبگوید اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وفرموده تا نمیرد سرش را جدا مکن وپوست
بکند سنت است که یکحصه را خود واهل خانه اش بخورند وبهتر آنست که خود
بآن افطار کند ویکحصه را برای همسایگان بهدیه بفرستد واگر پریشان باشند

بهتراست

وسنت است اگر گاو یا شتر باشد ماده باشد واگر گوسفند یا بز باشد نر باشد

بهتراست ویکحصه را بفقراء وسؤال کنندگان بدهد واگر اکثر را تصدق
بکند شاید بهتر باشد وسنت است که پوست وکله وجمیع اجزاء حلال آنرا
تصدق کند وتصرف نکند وبقصاب ندهد مگر آنکه قصاب پریشان
باشد وبتصدق باو بدهد ودر حدیث صحیح وارد شده است که پوستش را
میتواند دباغت کند وبر روی آن نماز کند وبنشیند واگر گوسفند یافت
نشود سنت است که قیمت وسطش را تصدق کند واگر یکحیوان برای خود وعیال
خود بکشد کافی است واگر یکی از برای خود ویکی از برای عیال بکشد بهتر است
واگر بعدد عیال بکشد ثوابش بیشتر خواهد بود واز برای پدر ومادر
واولاد وخویشان که مرده باشند قربانی کردن خوبست واگر از برای حضرت
رسول ص وائمه صلوات الله علیهم قربانی کند ظاهر اخوبست ومنقول است
که حضرت رسول ص دو گوسفند قربانی کردند ودر اول فرمودند که خداوندا
این از من واز هر که قربانی نکرده است از اهل بیت من ودر دویم فرمودند
خداوندا این از من واز هر که قربانی نکرده است از امت من وحضرت امیر المؤمنین
هر سال یک گوسفند را قربانی میکرد ومیفرمود خداوندا این از پیغمبر تست
پس یک گوسفند دیگر از برای خود قربانی میفرمود واگر جمعی قادر نباشند که هر
یک قربانی جدا بکنند جایز است که با یکدیگر شریک شوند تا هفت نفر
بلکه تا هفتاد نفر وحق تعالی فرموده است که خدا را یاد کنید در ایام معدودات
یعنی در روزی چند شمرده شده ودر احادیث معتبره منقول است که مراد
تکبیر گفتن است در ایام تشریق پس هر که در منی باشد عقب پانزده نماز بگوید
که اولش ظهر روز عید است وآخرش صبح روز سیزدهم ودر سایر شهرها عقب
ده نماز که از ظهر روز عید است تا صبح روز دوازدهم ومشهور استحباب است

و بعضی واجب دانسته اند و اقلش بعد از هر نماز یکمرتبه است و اگر مکرر بگوید
بهتر است و بعد از نماز نافله نیز اگر بگوید خوبست و طریق تکبیر موافق حدیث
صحیح این است اللهُ اکبرُ اللهُ اکبرُ لا اله الا اللهُ و اللهُ اکبرُ و للهِ الحمدُ
و اللهُ اکبرُ علی ما هدانا اللهُ اکبرُ علی ما رزقنا من بهیمةِ الانعامِ
و الحمدُ للهِ علی ما ابلانا

فصل چهارم در فضائل و اعمال شب

و روز عید غدیر است عید غدیر هجدهم این ماه است و عظیمترین اعیاد است
و احادیث از طرق عامه و خاصه در فضیلت این روز و اعمال آن زیاده از حد
و احصا است و در این مقام بچند حدیث اکتفا مینماید بسند معتبر از حضرت
امام رضا ع منقول است که چون روز قیامت شود چهار روز را بسوی عرش
الهی برند با زینت تمام مانند عروسی که او را بخانه داماد برند روز عید
اضحی و روز عید فطر و روز جمعه و روز عید غدیر و روز غدیر در میان آنها
مانند ماه باشد در میان ستارگان و آن روزیست که حق تعالی ابرهیم خلیل را
از آتش نجات داد و این روز را روزه داشت برای شکر حق تعالی و آن
روزیست که حق تعالی در آن روز کامل گردانید دین را بآنکه حضرت رسول ص
حضرت امیر المؤمنین ع را نصب کرد بخلافت و فضیلت او را و وصی بودن
او را ظاهر گردانید بر مردم پس روزه داشت این روز را و این روز کامل شدن
دین است و روزیست که بینی شیطان بر خاک مالیده شده است و روزیست
که اعمال شیعیان و دوستان آل محمد در این روز مقبول میشود و این روزیست
که حق تعالی عملهای مخالفان و سنیان را باطل میگرداند مانند ذرها که در
میان هوا پراکنده میشود و این روزیست که خدای عز و جل امر میکند جبرئیل را
که نصب کند کرسی کرامت خدا را در برابر بیت المعمور و جبرئیل بر آن کرسی

بالا

بالا میرود و ملائکه از جمیع آسمانها نزد او جمع میشوند و ثنا میکنند بر محمد و آل
محمد و استغفار میکنند برای شیعیان امیر المؤمنین و ائمه طاهرین علیهم السلام
و دوستان ایشان از فرزندان آدم ع و این روزیست که امر میکند حق تعالی
ملائکه نویسندگان اعمال را که قلم بردارند از محبان اهلبیت و شیعیان ایشان
تا سه روز از روز عید غدیر و ننویسند هیچ خطا و گناه ایشان را برای کرامت
محمد و علی و فاطمه و ائمه صلوات الله علیهم و این روزیست که خدا مخصوص محمد
و آل او و شیعیان ایشان گردانیده و این روزیست که خدا زیاد میگرداند
مال کسی را که عبادت خدا کند در این روز و توسعه دهد روزی را بر عیال خود
و برادران مؤمن خود و او را آزاد میگرداند از آتش جهنم و این روزیست
که خدا سعی شیعیان را شکر میکند یعنی مزد میدهد و گناه ایشان را می آمرزد
و قبول میکند عمل ایشان را و این روزیست که خدا غمهای شیعیان را زائل
میگرداند و گناهان ایشان را کم میکند و روز بخشش است و روز عطیه است
و روز پهن کردن علم است و روز بشارتست و روز عید بزرگست و روزیست
که دعاها در آن مستجابست و روز موقف بزرگست و روز پوشیدن جامه های
نیکوست و روز بخشیدن گناهان شیعیان امیر المؤمنین است و روزیست که
بسیار صلوات باید فرستاد بر محمد و آل محمد و روز خوشنودیست و روز عید
اهل بیت محمد است و روز قبول اعمال است و روز طلب زیادتی ثوابست و روز
استراحت مؤمنان است و روز سوداگری ایشان است و روز دوستی کردن
شیعیان است با یکدیگر و روز رسیدن رحمت خداست و روز ترک کبائر
و گناهان است و روز عبادتست و روز افطار فرمودن روزه دارانست
پس هر که روزه داری را در این روز افطار فرماید چنان است که ده فئام را اطعام

کرده باشد و هر فنای صد هزار کس است و روز تهنیت و مبارکباد است پس هر مؤمن که دیگری را ملاقات کند چنین تهنیت بگوید الحمد لله الذی جعلنا من المتمسکین بولایة امیر المؤمنین والائمة علیهم السلام یعنی حمد و سپاس خدا وندی را سزاست که گردانید ما را از آنها که چنگ زده اند در ولایت و محبت پادشاه مؤمنان و ائمه علیهم السلام و این روز تبسم است در روی مؤمنان پس هر که تبسم کند در روی برادر مؤمن خود در روز غدیر حق تعالی نظر کند در روز قیامت بسوی او برحمت و برآورد هزار حاجت او را و بنا کند در بهشت از برای او قصری از مروارید سفید و روی او را نورانی گرداند و این روز زینت است پس هر که زینت کند برای روز غدیر حق تعالی بیامرزد از برای او هر گناهی که کرده است از صغیره یا کبیره و بفرستد حق تعالی بسوی او ملکی چند را که بنویسند برای او حسنات و بلند گردانند از برای او درجات او را تا سال آینده مثل این روز پس اگر بمیرد شهید مرده باشد و ثواب شهیدان داشته باشد و اگر زنده باشد سعادتمند زندگانی کند و هر که طعام دهد در این روز مؤمنی را چنان باشد که طعام داده باشد جمیع پیغمبران و صدیقان را و هر که دیدن کند در این روز مؤمنی را داخل گرداند خدا در قبر او هفتاد نور و قبرش را گشاده گرداند و زیارت کنند او را در قبر او هر روز هفتاد هزار ملک و بشارت دهند او را به بهشت و در روز غدیر حق تعالی عرض کرد ولایت و امامت و محبت ما اهل بیت را بر اهل آسمانها هفتگانه پس پیشی گرفتند باقرار بآن اهل آسمان هفتم پس زینت داد آنرا بعرش پس بعد از آن سبقت گرفتند بآن اهل آسمان چهارم پس زینت داد آنرا به بیت المعمور پس سبقت گرفت باقرار بما اهل آسمان اول پس زینت بخشید آنرا بستارگان پس حق تعالی عرض کرد ولایت ما را بر زمینها پس پیشی گرفت باقرار بآن اهل مکه معظمه پس زینت دادم ترا بکعبه

پس پیشی گرفت مدینهٔ طیبه پس زینت داد آنرا بمحمد مصطفی ص پس سبقت کرد بسوی آن شهر کوفه پس زینت داد آنرا بقبر حضرت امیر المؤمنین ع پس عرض کرد ولایت ما را بر کوهها پس اول کوهی که اقرار کرد سه کوه بود کوه عقیق و کوه فیروزه و کوه یاقوت و باین سبب این جواهر افضل از آنها بهم رسید پس کوههای دیگر سبقت گرفتند و باین سبب معدن طلا و نقره و سائر معدنها گردیدند و هریک که اقرار نکردند معدن هیچ چیز نگردیدند و باز در روز غدیر عرض کرد ولایت ما را بر آبها هر چه قبول کرد شیرین شد و هر چه قبول نکرد شور و تلخ شد پس عرض کرد ولایت ما را بر مرغان هر مرغ که قبول کرد سخن گو و خوش آواز گردید و هریک که قبول نکرد لال و بد آواز گردید مثل مؤمنان در قبول کردن ولایت امیر المؤمنین ع در روز غدیر مانند مثل ملائکه است در قبول کردن سجدهٔ آدم ع و مثل آنها که قبول ولایت آنحضرت نکردند در روز غدیر مثل شیطان است در قبول نکردن سجدهٔ آدم و در روز غدیر این آیه نازل شد الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا یعنی امروز کامل گردانیدم از برای شما دین شما را و تمام گردانیدم بر شما نعمت خود را و پسندیدم اسلام را از برای دین شما پس حضرت فرمود که نفرستاده است خدا پیغمبری را مگر آنکه وصی و خلیفهٔ خود را در این روز نصب کرده است و کلینی بسند معتبر روایت کرده است که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا مسلمانان را عیدی هست غیر جمعه و اضحی و فطر فرمود بلی عیدی هست که از همه حرمتش بیشتر است راوی گفت کدام عید است فرمود که آن روزیست که نصب کرد رسول خدا امیر المؤمنین ص را بخلافت خود و فرمود که هر که من مولا و آقای اویم علی مولا و آقا و پیشوای اوست و آن روز هجدهم ذی الحجه است راوی گفت چه کار در آن روز باید کرد فرمود که باید روزه بدارید و عبادت کنید و محمد و آل محمد را یاد کنید و بر ایشان صلوات بفرستید و وصیت کرد رسول خدا ص امیر المؤمنین ع را که این روز را عید کردند و هر پیغمبری

وصی خود را وصیت میکرد که این روز را عید کردانند و بروایت دیکر فرمود که روزهٔ روز
غدیر کفارهٔ شصت سال کناه است و بروایت دیکر منقولست که مفضل از حضرت
صادق ع پرسید کدام میکنی مرا که روز عید غدیر را روزه بدارم فرمود آری والله
آری والله آری والله بدرستی که در این روز خدا توبهٔ حضرت آدم ع را قبول کرد و
بشکر آن این روز را روزه داشت و در این روز حضرت ابرهیم را از آتش نجات داد
و بشکر آن این روز را روزه داشت و در این روز حضرت موسی ع هرون را وصی خود
کردانید و این روز را بشکر این نعمت روزه داشت و در این روز حضرت عیسی وصیت
وصی خود شمعون الصفا را ظاهر کردانید و این روز را بشکر حق تعالی روزه داشت
و در این روز حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را خلیفه و جانشین خود کردانید
و فضیلت و وصایت او را بر خلق ظاهر کردانید و این روز را بشکر این نعمتها
روزه داشت و این روز روزه داشتن است و روز عبادت است و روز طعام
دادنست و روز نیکی کردنست با برادران مؤمن و روزیست که حق تعالی از مؤمنان
خوشنود میکردد و بینی شیطان بر خاک مالیده میشود و بسند معتبر از ابن ابی نصر
منقولست که کفت روزی در خدمت امام رضا ع بودم و جماعت بسیار حاضر
بودند پس فضیلت روز غدیر مذکور شد و بعضی از حاضران انکار کردند حضرت فرمود
که پدرم از پدرانش روایت کرد که روز غدیر در آسمان مشهورتر است از زمین
و بدرستی که خدا را در فردوس اعلی قصری هست که یک خشت آن از طلا و یک خشت از نقره است
و در آن قصر صد هزار قبه است از یاقوت سرخ و صد هزار خیمه است از یاقوت سبز
و خاکش مشک و عنبر است و در آن چهار نهر جاریست نهری از شراب و نهری از
آب و نهری از شیر و نهری از عسل و در دور آن درختها هست از انواع میوه‌ها و بر
آن درختها مرغان خوش الحان هستند بدنهای آنها از مروارید است و بالهای آنها

ازیاقوت

از یاقوت و بانواع نغمها خوانندگی میکنند چون روز عید غدیر میشود در آن قصر
حاضر میشوند جمیع اهل آسمانها و تسبیح و تقدیس و تهلیل حق تعالی میکنند
و آن مرغان پرواز میکنند و در میان آن آب فرو میروند و بر آن مشک و عنبر میغلطند
و چون ملئکه جمع شدند پرواز میکنند و مشک و عنبر بر سر ایشان می افشانند و در آن روز
نثار حضرت فاطمه ع را که در شب زفاف آنحضرت سدرة المنتهی و درخت طوبی نثار
کردند برای یکدیکر هدیه میفرستند و چون آخر این روز میشود ندا از جانب رب اعلی
بایشان میرسد که برکردید بسوی درجها و مرتبهای خود پس تحقیق که ایمن کردیدید
از کناهان و خطا و لغزشها مثل این روز تا ابد برای کرامت محمد و علی ع پس حضرت فرمود
ای پسر ابی نصر هر جا که باشی سعی کن که نزد قبر مطهر حضرت امیر المؤمنین ع حاضر شوی
بدرستی که خدا در این روز می آمرزد از هر مرد مؤمن و زن مؤمنه کناه شصت ساله
ایشان را و در این روز آزاد میکند از آتش جهنم دو برابر آنچه آزاد کرده است در ماه
رمضان و شب قدر و شب فطر و یک درهم که در این روز ببرادران مؤمن بدهی برابرست
با هزار درهم که در اوقات دیکر بدهی و احسان کن در این روز ببرادران مؤمن
خود و شاد کردان هر مرد مومن و زن مؤمنه را بخدا سوکند که اکر مردم فضیلت
این روز را بدانند چنانچه باید هر آینه هر روز ده مرتبه ملئکه با ایشان مصافحه
کنند و زیارت حضرت امیر المؤمنین ع در این روز فضیلت بسیار دارد از نزدیک
و دور و موافق روایت صفوانی و غیر آن اکر از دور زیارت کنند دو رکعت نماز
زیارت بجا آورند و در رکعت اول سورهٔ انا انزلناه و در رکعت دویم سورهٔ قل
هو الله احد بخوانند پس این دعا را بخوانند اللهم صل علی ولیک و اخی نبیک و
وزیره و حبیبه و خلیله و موضع سره و خیرته من اسرته و وصیه و صفوته
وزیر او و دوست او و صدیق او و جایگاه راز او و برگزیده او از جملهٔ قبیلهٔ او و وصی او و برگزیدهٔ او

وخالصته وأمينه ووليه وأشرف عترة الذين آمنوا به وأبي ذريته وباب
و دوست خالص او و با امانت او و دوست او و بزرگوارترین خویشان او و آنان که گرویده اند باو و پدر فرزندان او و درگاه

حكمته والناطق بحجته والداعي إلى شريعته والماضي على سنته وخليفته على
حکمت و علم او و گویا برهان او و خواننده بسوی شریعت او و گذرنده بطریقه او و جانشین او بر

أمته سيد المسلمين وأمير المؤمنين وقائد الغر المحجلين أفضل ما صليت
امت او بزرگ گروه مسلمانان و امیر مؤمنان و کشنده پیشانی سفیدان و دست و پا سفیدان بهتر از آنچه رحمت فرستادی

على أحد من خلقك وأصفيائك وأوصياء أنبيائك اللهم إني أشهد أنه قد
بر یکی از خلق خود و برگزیدگان و جانشینان پیغمبران خود بار خدایا بدرستی که من گواهی میدهم که بتحقیق

بلغ عن نبيك صلى الله عليه وآله ما حمل ورعى ما استحفظ وحفظ ما استودع
رسانید از پیغمبر تو رحمت فرستاد خدا براو و آل او آنچه را بار کرده شده بود رعایت نمود آنچه را حفظ خواسته شده بود و نگاه داشت

وحلل حلالك وحرم حرامك وأقام أحكامك ودعا إلى سبيلك ووالى
و حلال کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و بر پا داشت حکمهای ترا و خواند بسوی راه تو و دوستی کرد

أولياءك وعادى أعداءك وجاهد الناكثين عن سبيلك والقاسطين
دوستان ترا و دشمنی نمود دشمنان ترا و کارزار نمود آنان را که باز گشتند از راه تو و آنان را که جور و تعدی نمودند

والمارقين عن أمرك صابرا محتسبا مقبلا غير مدبر لا تأخذه في الله لومة
و آنان را که بیرون رفتند از فرمان تو حال آنکه بود شکیبا اجر گیرنده رو کننده نا گریزنده فرا نگرفت او را در راه خدا ملامت

لائم حتى بلغ في ذلك الرضا وسلم إليك القضاء وعبدك مخلصا
ملامت کننده تا آنکه رسید در آن جهاد خشنودی را و گذاشت بسوی تو حکم را و پرستید ترا خالص گرداننده

ونصح لك مجتهدا حتى أتاه اليقين فقبضته إليك شهيدا سعيدا وليا
و نصیحت کرد برای تو کوشش نماینده تا آنکه آمد او را مرگ پس فرا گرفتی او را بسوی خود شهید نیک بخت دوست

تقيا رضيا زكيا هاديا مهديا اللهم صل على محمد وعليه أفضل ما صليت
پرهیزکار پسندیده پاک راه نما راه یافته خداوندا رحمت فرست بر محمد و بر او بهترین رحمتی که فرستادی

على

على أحد من أنبيائك وأصفيائك يا رب العالمين واگر اشاره کند بانگشت شهادت
بر یکی از پیغمبران خود و برگزیدگان خود ای پروردگار جهانیان بجانب قبر شریف آنحضرت

و این زیارت را نیز بخواند بهتر است السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة
الله وبركاته السلام عليك يا أمين الله في أرضه وحجته على عباده
خدا و زیادتیهای او سلام بر تو ای امانت خدا در زمین او و حجت او بر بندگان او

أشهد لقد جاهدت يا أمير المؤمنين في الله حق جهاده وعملت بكتابه
گواهی میدهم که بتحقیق کارزار نمودی ای امیر گروندگان در راه خدا کارزار لایق او را و عمل کردی بکتاب او

واتبعت سنن نبيه حتى دعاك الله إلى جواره فقبضك إليه باختياره
و پیروی کردی طریقه پیغمبر او را رحمت فرستد خدا براو و بر آل او تا آنکه خواند ترا خدا بسوی پناه خود پس فرا گرفت ترا بسوی او و برگزید

لك كريم ثوابه وألزم أعداءك الحجة في قتلهم إياك مع ما لك من الحجج
برای تو پاداش گرامی خود را و لازم کرد بر دشمنان تو حجت را در کشتن ایشان ترا با آنچه بود مر ترا از حجتهای

البالغة على جميع خلقه اللهم صل على محمد وآله واجعل نفسي مطمئنة
رسای کامل بر همه خلق او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل او و بگردان نفس مرا آرام گیرنده

بقدرك راضية بقضائك مولعة بذكرك ودعائك محبة لصفوة
بتقدیر تو خشنود بحکم تو حریص بیاد نمودن تو و خواندن تو دوست دارنده مر برگزیده

أوليائك محبوبة في أرضك وسمائك صابرة عند نزول بلائك
دوستان ترا دوست داشته شده در زمین تو و آسمان تو شکیبا کننده نزد فرود آمدن بلای تو

شاكرة لفواضل نعمائك ذاكرة لسوابغ آلائك مشتاقة إلى فرحة
سپاس گزارنده مر زیادتیهای نعمت ترا یاد کننده مر نعمتهای کامل ترا آرزومند بسوی شادی

لقائك متزودة التقوى ليوم جزائك مستنة بسنن أوليائك مفارقة
ملاقات تو توشه گیرنده پرهیزکاری برای روز جزا دادن تو فرا گیرنده طریقهای دوستان ترا جدا کننده

لأخلاق أعدائك مشغولة عن الدنيا بحمدك وثنائك اللهم إن قلوب
مرعاوتهای دشمنان ترا باز داشته شده از دنیا بستایش تو و ستودن تو بار خدایا بدرستیکه دلهای
المخبتين إليك والهة وسبل الراغبين إليك شارعة وأعلام القاصدين
فروتنی کنندگان بسوی تو شیفته‌اند و راههای خواهشمندان بسوی تو گشوده و نشانهای آهنگ کنندگان
إليك واضحة وأفئدة العارفين منك فازعة وأصوات الداعين
بسوی تو آشکارا و هویداست و دلهای شناسایان از تو ترسانست و صداهای خوانندگان
إليك صاعدة وأبواب الإجابة لهم مفتحة ودعوة من ناجاك
بسوی تو بالا رونده است و درهای اجابت برای ایشان گشوده است و دعای آنکه راز گفته ترا
مستجابة وتوبة من أناب إليك مقبولة وعبرة من بكى من خوفك
اجابت کرده شده است و بازگشت آنکه بازگشت نمود بسوی تو پذیرفته است و سرشک دیده آنکه گریست از ترس تو
مرحومة والإغاثة لمن استغاث بك موجودة والإعانة لمن استعان
رحم کرده شده و فریادرسی برای آنکه استغاثه کند بتو موجود و ثابت و مدد کردن برای آنکه مدد جوید که
بك مبذولة وعداتك لعبادك منجزة وزلات من استقالك مقالة
بتو بخشیده شده است و وعده‌های تو مر بندگان خود را وفا کرده شده است و لغزشهای آنکه طلب کند درگذشتن ترا درگذشته
وأعمال العاملين لديك محفوظة وأرزاق الخلائق من لدنك نازلة
و کردارهای کارکنندگان نزد تو نگاهداشته شده است و روزیهای آفریدگان از نزد تو فرود آینده است
وعوائد المزيد إليهم واصلة وذنوب المستغفرين مغفورة وحوائج
و منفعتهای مزایا بسوی ایشان رسنده است و گناهان آمرزش طلبان آمرزیده است و حاجتهای
خلقك عندك مقضية وجوائز السائلين عندك موفرة وعوائد
خلق تو نزد تو رواکرده شده است و جایزهای درخواهندگان نزد تو وافر کردانیده شده و منفعتهای
المزيد متواترة وموائد المستطعمين معدة ومناهل الظماء لديك مترعة
زیادتیها پیاپی رسنده است و خوانهای آراسته طعام خواهان آماده است و آبشخورهای تشنگی نزد تو لبریز است
اللهم

اللهم فاستجب دعائي واقبل ثنائي واجمع بيني وبين أوليائي
بار خدایا پس اجابت کن دعای مرا و بپذیر ستایش مرا و جمع کن میانه من و میان یاوران من
وأحبائي بحق محمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين والأئمة من
و دوستان من بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و پیشوایان از
ذرية الحسين أئمتي إنك ولي نعمائي ومنتهى مناي وغاية رجائي
فرزندان حسین و پیشوایان من بدرستیکه تویی خداوند نعمت من و منتهای آرزوهای من و نهایت امید منی
في منقلبي ومثواي واگر بعد از نماز اول این زیارت را بعمل آورد و در آخر
در بازگشتن من و آرامگاه من
آن دعا را بخواند شاید بهتر باشد و شب غدیر شب بسیار
مبارکیست و در شب نیز مناسبست که این زیارت را بعمل آورند و نمازی که در شب
وارد شده است چون سندش معتبر نبود ایراد ننمودیم اما فضیلت روزه داشتن
و تصدق کردن و افطار روزه دار نمودن در این روز در این ابواب احادیث
بسیار است از جمله آنها این روایتست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که روزه
روز غدیر برابر است با روزه عمر دنیا که اگر کسی بقدر تمام دنیا عمر بیابد و روزه
بدارد روزه این روز برابر است با ثواب او و روزه اش برابر است نزد خدا با صد
حج و صد عمره و این عید بزرگ خداست و خدا نفرستاده است پیغمبری را مگر آنکه
این روز را عید کرده است و حرمت آنرا دانسته است و نامش در آسمان روز عهد
معهود است و نامش در زمین روز میثاق مأخوذ و جمع مشهود است هر که در این روز
مؤمنی را افطار نماید ثواب کسی دارد که ده فئام را طعام دهد و هر فئامی صد هزار
کس است و ثواب کسی را دارد که طعام و آب دهد باین عدد که مذکور شد از پیغمبران
و اوصیاء ایشان و شهیدان و صالحان را در سال قحط و یک درهم که در این روز
تصدق کنند برابر است با صد هزار درهم که در روزهای دیگر تصدق کنند پس فرود

که شاید کمان کنی که خدا روزی خلق کرده است که حرمتش از اینروز بیشتر باشد
نه والله نه والله نه والله و بروایت دیگر فرمود که روزه اش برابر است با شصت
ماه از ماههای حرام که روزه بدارند و فرمود که روز عید و سرور و شادی است
و بسند معتبر از فیاض بن محمد منقول است که گفت در روز غدیر در مرو در خدمت
حضرت امام رضا عم بودم و آنحضرت در آنروز مخصوصان و خویشان و اصحاب
خود را جمع نموده بود و ایشانرا نگاه داشته بود که در شب افطار کنند و بخانهای
ایشان طعام و زرها و خلعتها فرستاد حتی انگشتر و کفش عزیز فرستاد و با ایشان
خلعتهای فاخر شفقت فرمود و ملازمان و خدمتکاران خود را جامهای نو
بسیار نفیس پوشانیده بود و فضیلت اینروز را برای مردم نقل میفرمود
از جمله آنها گفت که در بعضی از سالهای خلافت حضرت امیرالمؤمنین عم روز
جمعه با روز غدیر در یکروز جمع شد مبعود پس بعد از پنج ساعت که از روز
گذشت بر منبر بالا رفت و خطبه طولانی خواند و فضائل روز غدیر را بسیار
بیان فرمود و نامهای بسیار برای اینروز ذکر کرد پس فرمود که بعد از انقضا
این مجمع برگردید بجانبهای خود و توسعه کنید بر عیال خود و احسان و نیکی کنید
نسبت ببرادران مؤمن خود و در خانهای خود برادران مؤمن را جمع کنید و نیکوئی
کنید نسبت بایشان و یکدیگر را تهنیت و مبارکباد بگوئید و نیکی و احسان
کردن در اینروز مال را و عمر را زیاد میکند و مهربانی با یکدیگر کردن موجب
مزید رحمت الهی است و تا توانید بخشش و احسان کنید با عیال خود و اظهار شادی
و خوشحالی کنید و هر که امید احسان از شما دارد در حق او تقصیر مکنید و ضعیفان
و فقیران و غلامان و کنیزان را با خود برابر کنید بدرستی که دادن یک درهم در
اینروز برابر است با دویست هزار درهم و حق تعالی زیاده نیز عطا میکند و روزه

این روز را حق تعالی سنت گردانیده و ثوابش را مانند ثواب کسی گردانیده
که از اول دنیا تا آخر عبادت کند بآنکه روزها روزه بدارد و شبها بعبادت
بایستد و کسی که برآورد حاجت برادر مؤمنی را پیش از آنکه او اظهار کند
و از روی رغبت و خواهش با او نیکی کند چنان باشد که اینروز را روزه داشته
باشد و تمام شبش را عبادت کرده باشد و هر که در شبش مؤمنی را افطار
فرماید چنان باشد که هزار هزار پیغمبر و صدیق و شهید را افطار فرموده باشد
پس چگونه باشد حال کسی که متکفل احوال چندین نفر از مردان مؤمن و زنان
مؤمنه بشود و هرگاه چنین کند من ضامنم بر خدا که امان یابد از کافر شدن
و فقیر شدن و اگر بمیرد در آن شب یا در آنروز یا بعد از آن تا عید غدیر آینده بدون
آنکه کبیره بسیار بدی بکند البته امر زیده است و هر که قرضی بکند در اینروز برای
برادران خود من ضامنم بر خدا که اگر او را زنده بدارد یا بمیراند قرض را از او
متحمل شود و از دوش او بردارد و چون با یکدیگر ملاقات کنید مصافحه کنید
و بزبانها یکدیگر را تهنیت بگوئید و آنچه گفتم حاضران بغائبان بگوئید و توانگران
رعایت کنند فقیران را و اقویاء دستگیری کنند ضعیفان را حضرت رسول صلعم مرا
بهمه اینها امر فرموده بدانکه غسل در اول اینروز سنت مؤکد است و اما کیفیت نماز
روز عید غدیر نماز مشهورش آنست که از حضرت صادق عم روایت کرده اند که هر که
هر که در اینروز نیم ساعت پیش از زوال الشمس دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت
سوره حمد یکمرتبه و سوره قل هو الله احد و انا انزلناه و آیة الکرسی تا هم فیها
خالدون هر یک را ده مرتبه بخواند برابر باشد نزد حق تعالی با صد هزار حج و صد هزار
عمره و هر حاجت از حاجتهای دنیا و آخرت که از خداوند کریم سؤال کند البته
باسانی و عافیت برآورده شود و چون برادران مؤمن را ملاقات کنی بگو الحمد

و پیمان را

مر خدا یراست که گرامی داشت ما را باین روز وگردانید ما را از ایمان آورندگان بعهد خود که عهد گرفته است بر ما

لله الذی اکرمنا بهذا الیوم وجعلنا من الموفین بعهده الذی عهده الینا ومیثاقه

الذی واثقنا به من ولایة ولاة امره والقوام بقسطه ولم یجعلنا من الجاحدین

والمکذبین بیوم الدین یعنی سپاس خداوندی را سزا است که ما را گرامی داشت

باین روز وگردانید ما را از ایمان آورندگان وگردانید ما را از وفا کنندگان بعهد خود

که عهد گرفته است بر ما و پیمانی که محکم گردانیده است بر ما که ولایت والیان امر

امامت است وانها که حکم میکنند بعدالت در میان خلق ونگردانید ما را از انکار

کنندگان وتکذیب کنندگان بروز جزا وفرمود که بعد از نماز این دعا بخوانند،

ربنا اننا سمعنا منادیا ینادی للایمان ان امنوا بربکم فامنا ربنا فاغفر

پروردگار ما بدرستیکه ما شنیدیم ندا کننده که میخواند بسوی ایمان باینکه بگروید بپروردگار خود پس گرویدیم ما پروردگار ما پس بیامرز

لنا ذنوبنا وکفر عنا سیئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا

برای ما گناهان ما را ومحو کن از ما بدیهای ما را وبمیران ما را با نیکوکاران پروردگار ما وبده ما را آنچه وعده دادی

علی رسلک ولا تخزنا یوم القیمة انک لا تخلف المیعاد اللهم انی اشهدک

برزبان پیغمبران خود وخوار مکن ما را در روز رستخیز بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را خداوندا بدرستیکه من گواه میگیرم

وکفی بک شهیدا واشهد ملائکتک وانبیاءک وحملة عرشک وسکان

وکافیست تو بگواهی وگواه میگیرم فرشتگان ترا وپیغمبران ترا وبردارندگان عرش ترا وساکنان

سمواتک وارضیک بانک انت الله لا اله الا انت المعبود فلا نعبد

آسمانهای ترا وزمینهای ترا باینکه بتحقیق تو توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو توئی سزاوار پرستش پس نمی پرستیم

سواک فتعالیت عما یقول الظالمون علوا کبیرا واشهد ان محمدا عبدک

غیر ترا پس برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری بزرگی وگواهی میدهم اینکه بتحقیق محمد بنده تو

ورسولک واشهد ان امیر المؤمنین عبدک ومولنا ربنا سمعنا واجبنا

وفرستاده تست وگواهی میدهم که بتحقیق یادشاه گروندگان بنده تو وصاحب اختیار ما است پروردگار ما شنیدیم واجابت کردیم

وصدقنا

وصدقنا المنادی رسولک صلی الله علیه واله اذ نادی بنداء عنک

واجابت کردیم وتصدیق نمودیم خواننده را یعنی فرستاده ترا رحمت فرستد خدا بر او وآل او هنگامی که خواند بخواندنی از جانب تو

بالذی امرته ان یبلغ ما انزلت الیه من ولایة ولی امرک وحذرته

بآنچه امر کردی او را باینکه برساند آنچه را که فرو فرستادی بسوی او که فرمان فرمائی خداوند امر تست وبیم فرمودی او را

وانذرته ان لم یبلغ ما امرته ان تسخط علیه ولما بلغ رسالاتک

وترسانیدی او را که اگر نرساند آنچه را امر کردی او را اینکه غضب کنی براو وچون رسانید پیغامهای ترا

عصمته من الناس فنادی مبلغا عنک الا من کنت مولاه فعلی مولاه

نگاهداشتی او را از آدمیان پس ندا کرد حال آنکه بود رساننده از جانب تو که آگاه باشید هر که هستم من صاحب اختیار او پس علی صاحب اختیار او

ومن کنت ولیه فعلی ولیه ومن کنت نبیه فعلی امیره ربنا قد

وانکه هستم من فرمان فرمای او پس علی فرمانفرمای اوست وهر که هستم من پیغمبر او پس علی پادشاه اوست پروردگار ما بتحقیق

اجبنا داعیک النذیر محمدا عبدک ورسولک الی الهادی المهدی

اجابت کردیم خواننده بیم نماینده ترا یعنی محمد بنده تو وفرستاده تو بسوی راهنمای راه یافته

عبدک الذی انعمت علیه وجعلته مثلا لبنی اسرائیل علی امیر المؤمنین

بنده تو آن بنده که انعام کردی براو وگردانیدی او را داستان بجهت فرزندان یعقوب یعنی علی پادشاه گروندگان

ومولاهم وولیهم ربنا واتبعنا مولنا وولینا وهادینا وداعینا و

وصاحب اختیار ایشان وفرمان فرمای ایشان پروردگار ما وپیروی کردیم صاحب اختیار خود وفرمان فرمای خود را وراهنمای خود وخواننده خود و

داعی الانام وصراطک المستقیم وحجتک البیضاء وسبیلک الداعی

خواننده مردم آدمیان را وراه راست ترا وحجت روشن ترا وراه ترا که خواننده است

الیک علی بصیرة هو ومن اتبعه وسبحان الله عما یشرکون واشهد

بسوی تو بر بینائیت او وهر که پیروی کرد او را وپاکست خدا از آنچه شریک میسازند مشرکان وگواهی میدهم

انه الامام الهادی الرشید امیر المؤمنین الذی ذکرته فی کتابک وقولک

انکه بتحقیق اوست پیشوای راهنمای راه یافته پادشاه گروندگان انکه یاد کردی تو او را در کتاب خود وگفتار تو

أشهد

الحق وانك قلت وانه في ام الكتاب لدينا لعلي حكيم اللهم فانا نشهد

راست و بر سر تو گفته و بدرستی او در لوح محفوظ نزد ما هر آینه بلند مرتبه است گفتار خداوندا پس بتحقیق

بانه عبدك والهادي بعد نبيك النذير المنذر وصراطك المستقيم

با آنکه بدرستی او بنده تو و رهنمای است بعد از پیغمبر تو هم نماینده ترساننده تو و راه راست

وامير المؤمنين وقائد الغر المحجلين وحجتك البالغة ولسانك

و پادشاه گروندگان و کشنده پیشانی سفیدان و دست و پای سفیدان و حجت تو رسای تو و زبان بیان کننده از جانب تو

المعبر عنك في خلقك وانه القائم بالقسط في بريتك وديان دينك

در خلق تو و آنکه بتحقیق او است بر پا دارنده عدل و انصاف در خلق تو و قهر کننده بر دین تو

وخازن علمك وامينك المامون الماخوذ ميثاقه وميثاق رسولك

و نگاهدارنده علم تو و با امانت ایمن گردانیده تو گرفته شده است پیمان او و پیمان فرستاده تو

عليهما السلام من جميع خلقك وبريتك شاهدا بالاخلاص لك و

بر ایشان باد درود از همه خلق تو و آفریدگان تو حال آنکه گواهی میدهیم با آنکه خالص گردانیدیم آن شهادت را برای تو

الوحدانية والربوبية بانك انت الله لا اله الا انت وان محمدا

با آنکه تو یگانه و پروردگاری با آنکه بتحقیق تو توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو و آنکه بتحقیق محمد

عبدك ورسولك وان عليا امير المؤمنين جعلته وليك والاقرار

بنده و فرستاده تو است و آنکه بتحقیق علی پادشاه گروندگان گردانیدی او را دوست خود و اقرار

بولايته تمام وحدانيتك وكمال دينك وتمام نعمتك على جميع خلقك

بفرمان فرمائی او را تمام کننده یگانگی خود و کامل نماینده دین خود و باعث تمام شدن نعمت خود بر همه خلق خود

وبريتك فقلت وقولك الحق اليوم اكملت لكم دينكم واتممت

و آفریده خود پس گفتی و سخن تو راست است در این روز کامل نمودم برای شما دین شما را و تمام کردم

عليكم نعمتي ورضيت لكم الاسلام دينا فلك الحمد بموالاته واتمام نعمتك

بر شما نعمت خود را و پسندیدم برای شما اسلام را دین و ملت پس مر تراست سپاس بدوست داشتن او و تمام کردن تو نعمت خود را

علينا

علينا بالذي جددت من عهدك وميثاقك وذكرتنا ذلك وجعلتنا

بر ما بآنچه تازه کردی از عهد خود و پیمان خود و یاد آوری نمودی ما را آن عهد و گردانیدی ما را

من اهل الاخلاص والتصديق بميثاقك ومن اهل الوفاء بذلك ولم

از خالص گردانندگان و تصدیق کننده پیمان تو و از وفا کنندگان آن ایمان و مگردان

تجعلنا من اتباع المغيرين والمبدلين والمنحرفين والمبتكين اذان الانعام

ما را از پیروان تغییر دهندگان و بدل کنندگان و میل کنندگان بباطل و شکافندگان گوشهای چهارپایان

والمغيرين خلق الله ومن الذين استحوذ عليهم السلم فانساهم ذكر الله

الشيطان

و تغییر دهندگان آفریده خدا و از آنانکه مسلط شده بر ایشان دیو رجیم پس فراموش گردانیده از ایشان یاد خدا را

وصدهم عن السبيل والصراط المستقيم اللهم العن الجاحدين والناكثين والمغيرين

و باز داشته از راه حق و راه راست خداوندا لعنت کن انکار کنندگان و پیمان شکنندگان و تغییر دهندگان

والمبدلين والمكذبين بيوم الدين من الاولين والاخرين اللهم فلك الحمد

و بدل کنندگان و آنانکه را باور ندارند روز جزا را از پیشینیان و پسینیان خداوندا پس تراست سپاس

على انعامك علينا بالهدى الذي هديتنا به الى ولاة امرك من بعد نبيك

بر بخشش نمودن تو بر ما براهنمائی راه نمودی ما را بسوی والیان امر خود پس از پیغمبر خود

صلى الله عليه واله الائمة الهداة الراشدين واعلام الهدى ومنار

رحمت فرستاد خدا بر او و آل او پیشوایان راهنمایان راه یافتگان و نشانهای راه راست و روشنائی

القلوب والتقوى والعروة الوثقى وكمال دينك وتمام نعمتك ومن

دلها و پرهیزکاری و دست آویز استوار و کامل گردانیده دین تو و تمام گردانیده نعمت تو و آنانکه

بهم وبموالاتهم رضيت لنا الاسلام دينا ربنا فلك الحمد امنا وصدقنا

بوسیله ایشان و بدوست داشتن ایشان پسندیدی برای ما اسلام را کیش و ملت پروردگار ما پس مر تراست سپاس گرویدیم و تصدیق نمودیم

بمنك علينا بالرسول النذير المنذر وواليناوليهم وعادينا عدوهم وبرئنا

بسبب انعام تو بر ما برسول بیم نماینده ترساننده دوست داشتیم دوست ایشان را و دشمن داشتیم دشمن ایشان را

و بیزار گشتیم

من الجاحدين والمكذبين بيوم الدين اللهم فكما كان ذلك من شأنك
از انکار کنندگان و تکذیب کنندگان بروز جزا خداوندا پس چنانچه بود آن از کار تو
يا صادق الوعد يا من لا يخلف الميعاد يا من هو كل يوم في شأن اذ أتممت
ای راست وعده ای آنکه خلف نمیکند وعده‌ها ای آنکه او هر روز در کاریست هنگامی که تمام کردی
علينا نعمتك بموالاة أوليائك المسؤول عنهم عبادك فإنك قلت
بر ما نعمت خود را بامیر گردانیدن دوستان خود سؤال کرده شوند از ایشان بندگان تو زیرا که بتحقیق گفته
ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم وقلت وقولك الحق وقفوهم إنهم مسؤولون
پس هر آینه پرسیده شوید آن روز از نعمت و گفته و گفته تو راست و بازدارید ایشان را بدرستیکه ایشان پرسیده شوند
ومننت علينا بشهادة الإخلاص وبولاية أوليائك الهداة بعد
و منت گذاشتی بر ما بگواهی دادن از روی اخلاص و بدوستی دوستان خود راه نمایندگان پس
النذير المنذر السراج المنير فأكملت لنا بهم الدين وأتممت علينا النعم
از بیم نماینده ترساننده چراغ روشن پس کامل گردانیدی برای ما بایشان دین را و تمام کردی بر ما نعمت را
وجددت لنا عهدك وذكرتنا ميثاقك المأخوذ منا في ابتداء خلقك
و تازه کردی برای ما عهد خود را و یاد آوردی ما را پیمان خود را فرا گرفته شده از ما در آغاز آفرینش تو
إيانا وجعلتنا من أهل الإجابة ولم تنسنا ذكرك فإنك قلت وإذ
ما را و گردانیدی ما را از آنانکه اجابت نمودند و فراموش نگردانیدی از یاد خود ما را بتحقیق تو گفته و یاد کن
أخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم وأشهدهم على أنفسهم
هنگامی که فرا گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از پشتهای ایشان فرزندان ایشان را و گواه گرفت ایشان را بر نفسهای ایشان
ألست بربكم قالوا بلى شهدنا بمنك ولطفك بأنك أنت الله لا إله   فانك ـ در
گفت آیا نیستم من پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم باحسان تو و مهربانی تو باینکه تو خدائی سزاوار پرستش
إلا أنت ربنا ومحمد عبدك ورسولك ونبينا وعلي أمير المؤمنين عبدك
مگر تو پروردگار ما و محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر ما است و علی امیر گروندگان بنده تست
الذي

الذي أنعمت به علينا وجعلته آيتك لنبيك صلى الله عليه وآله و
آن بنده که انعام کردی باو بر ما و گردانیدی او را نشانه برای پیغمبر خود رحمت فرستد خدا بر او و آل او
آيتك الكبرى وصراطك المستقيم والنبأ العظيم الذي هم فيه مختلفون
و نشانه بزرگتر خود و راه راست خود و خبر بزرگ آن خبری که ایشان در آن خلاف کننده‌اند
وعنه مسؤولون اللهم فكما كان من شأنك أن أنعمت علينا بالهداية
و از آن پرسیده شوند خداوندا پس چنانچه بود از کار تو آنکه انعام کردی بر ما براهنمائی
إلى معرفتهم فليكن من شأنك أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تبارك
بسوی شناختن ایشان پس باید که باشد از جمله کار تو آنکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و آنکه برکت دهی
لنا في يومنا هذا الذي أكرمتنا به وذكرتنا فيه عهدك وميثاقك وأكملت
ما را در روز ما این روزی که گرامی داشتی ما را بآن و یاد آوری ما را در آن عهد خود و پیمان خود را و کامل کردی
الإخلاص ـ ر   ديننا وأتممت علينا نعمتك وجعلتنا بمنك من أهل الإجابة لك والبراءة
دین ما را و تمام کردی بر ما نعمت خود را و گردانیدی ما را بانعام خود از آنانکه اجابت نمودند مر ترا و بیزاری
من أعدائك وأعداء أوليائك المكذبين بيوم الدين فأسألك يا رب
از دشمنان تو و دشمنان دوستان تو تکذیب کنندگان بروز جزا پس در میخواهم از تو ای پروردگار من
الموقنين ـ ر م   تمام ما أنعمت وأن تجعلنا من الموقنين ولا تلحقنا بالمكذبين واجعل لنا
تمامی آنچه را انعام کردی و آنکه بگردانی ما را از یقین دارندگان و ملحق نسازی ما را بتکذیب کنندگان و بگردان برای ما
قدم صدق مع المتقين واجعلنا مع المتقين إماما يوم ندعو كل أناس
قدم درست ثابتی با پرهیزکاران و بگردان ما را از یقین دارندگان پیشوای روزی که میخوانیم همه آدمیان را
بإمامهم واحشرنا في زمرة أهل بيت نبيك الأئمة الصادقين واجعلنا من
بنام پیشوای ایشان و برانگیز ما را در زمره خانواده پیغمبر خود پیشوایان راستگو باشند و بگردان ما را از آنانکه
البراء من الذين هم دعاة إلى النار ويوم القيامة هم من المقبوحين
بیزارند از گروهی که ایشان خوانندگانند بسوی آتش و در روز رستخیز ایشان از رانده شدگانند

وَاَحْيِنا عَلى ذلِكَ ما اَحْيَيْتَنا وَاجْعَلْ لَنا مَعَ الرَّسُولِ سَبيلاً وَاجْعَلْ لَنا قَدَمَ
وزنده دار ما را بران مادام که زنده داری ما را وبگردان برای ما با رسول راهی وبگردان برای ما قدم
صِدْقٍ فِي الْهِجْرَةِ اِلَيْهِمْ وَاجْعَلْ مَحْيانا خَيْرَ الْمَحْيا وَمَماتَنا خَيْرَ الْمَماتِ وَمُنْقَلَبَنا
ثابتی در کوچ کردن بسوی ایشان وبگردان زندگی ما را بهترین زندگی ومردن ما را بهترین مردنی وبازگشت ما را
خَيْرَ الْمُنْقَلَبِ عَلى مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَمُعاداةِ اَعْدائِكَ حَتّى تَتَوَفّانا وَ
بهترین بازگشتی بر دوست داشتن دوستان تو ودشمن داشتن دشمنان تو تا آنکه بمیرانی ما را و حال
اَنْتَ عَنّا راضٍ قَدْ اَوْجَبْتَ لَنا جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ وَ
آنکه تو از ما خشنود باشی بتحقیق واجب گردانیده برای ما بهشت خود را برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان
الْمَثْوى مِنْ جِوارِكَ فِي دارِ الْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِكَ لا يَمَسُّنا فيها نَصَبٌ
آرامگاهی از قرب خود در سرای اقامت از فضل خود حال آنکه نرسد ما را دران رنجی
وَلا يَمَسُّنا فيها لُغُوبٌ رَبَّنا اغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا وَكَفِّرْ عَنّا سَيِّئاتِنا وَتَوَفَّنا
ونرسد ما را دران رنجی پروردگارا بیامرز برای ما گناهان ما را ومحو کن از ما بدیهای ما را وبمیران ما را
مَعَ الْاَبْرارِ رَبَّنا وَآتِنا ما وَعَدْتَنا عَلى رُسُلِكَ وَلا تُخْزِنا يَوْمَ الْقِيمَةِ اِنَّكَ
با نیکوکاران پروردگارا وبده ما را آنچه وعده دادی ما را بر زبان فرستادگان خود وخوار مکن ما را در روز رستخیز بدرستیکه تو
لا تُخْلِفُ الْميعادَ اَللّهُمَّ احْشُرْنا مَعَ الْاَئِمَّةِ الْهُداةِ مِنْ آلِ رَسُولِكَ نُؤْمِنُ
خلف نمیکنی وعده را خداوندا برانگیز ما را با نیکوکاران راهنمایان از آل رسول تو میگرویم
بِسِرِّهِمْ وَعَلانِيَتِهِمْ وَشاهِدِهِمْ وَغائِبِهِمْ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِالْحَقِّ
بپنهان ایشان وآشکار ایشان وحاضر ایشان وپنهان ایشان خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو بآن حق
الَّذي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِالَّذي فَضَّلْتَهُمْ بِهِ عَلَى الْعالَمينَ جَميعاً اَنْ تُبارِكَ
قرار دادی آنرا نزد ایشان وبحرمت آنچه زیادتی دادی ایشانرا بآن بر جهانیان همگی آنکه برکت دهی
لَنا في يَوْمِنا هذَا الَّذي اَكْرَمْتَنا فيهِ بِالْمُوافاةِ بِعَهْدِكَ الَّذي عَهِدْتَهُ اِلَيْنا
ما را در روز ما این روزیکه گرامی داشتی ما را دران بوفا نمودن بپیمان تو آن پیمانی که فرستادی آنرا بسوی ما
وبالمیثاق

وَبِالْميثاقِ الَّذي واثَقْتَنا بِهِ مِنْ مُوالاةِ اَوْلِيائِكَ وَالْبَراءَةِ مِنْ اَعْدائِكَ
وبپیمان محکمی که بسته ما را بآن از دوست داشتن دوستان تو وبیزاری از دشمنان تو
اَنْ تُتِمَّ عَلَيْنا نِعْمَتَكَ وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَوْدَعاً وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرّاً وَلا تَسْلُبْناهُ
آنکه تمام کنی بر ما نعمت خود را ونگردانی آنرا باماننی گذاشته شده وبگردان آنرا ثابت وزایل مکن از ما
اَبَداً وَلا تَجْعَلْهُ مُسْتَعاراً وَارْزُقْنا مُرافَقَةَ وَلِيِّكَ الْهادِي الْمَهْدِيِّ
هرگز ونگردان آنرا بعاریت گرفته شده وروزی کن ما را رفاقت دوست خود که راهنما وراه یافته است
اِلَى الْهُدى وَتَحْتَ لِوائِهِ وَفي زُمْرَتِهِ شُهَداءَ صادِقينَ عَلى بَصيرَةٍ مِنْ دينِكَ
بسوی راه راست ودر زیر علم او ودر گروه او شهید گشتگان راست گویان بر بینائی از دین تو
اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَديرٌ واگر این عمل بر او دشوار باشد باین روایت عمل کند که شیخ
بدرستی تو بر هر چیز توانائی مفید علیه الرحمة ودیگران از حضرت صادق ع روایت
کرده اند که هر که در روز غدیر دو رکعت نماز بکند هر وقت که خواهد واگر نزدیک
بزوال بکند که در آن ساعت حضرت رسول ص حضرت امیر المؤمنین ع را در غدیر خم
برای مردم بامامت وخلافت نصب کرد بهتر است یعنی بهر سوره که خواهد واگر
در رکعت اول انا انزلناه ودر رکعت دوم قل هو الله احد بخواند بهتر است پس بسجده رود
وصد مرتبه شُكْراً لِلّٰهِ يا شُكْراً شُكْراً بگوید وچون سر از سجده بردارد این دعا بخواند
اَللّهُمَّ اِنّي اَسْاَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ وَحْدَكَ لا شَريكَ لَكَ وَاَنَّكَ واحِدٌ اَحَدٌ
خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم از تو باینکه بتحقیق بتحقیق ترا است ستایش تنها نیست شریکی ترا وآنکه بتحقیق تو یگانه یکتائی
صَمَدٌ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُواً اَحَدٌ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ
پناه بی نیازی نه زائیده ونه زائیده شده ونیست مر ترا مانند هیچ کسی وآنکه بتحقیق محمد بنده تو وفرستاده است
صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ يا مَنْ هُوَ كُلَّ يَوْمٍ في شَاْنٍ كَما كانَ مِنْ شَاْنِكَ اَنْ
رحمتهای تو بر او وآل او بار ای آنکه او هر روز در کاریست چنانچه بود از کار تو آنکه

چنانچه در روایت معتبر دیگر وارد شده است

تفضلت علي بان جعلتني من اهل اجابتك واهل دينك واهل دعوتك
بخشش نمودی بر من باینکه گردانیدی مرا از اهل اجابت نمودن تو و اهل ملت تو و اهل خواندن تو
ووفقتني لذلك في مبتداء خلقي تفضلا منك وكرما وجودا ثم
و توفیق دادی مرا بآن در آغاز آفرینش من از راه تفضل خود و بزرگواری خود و بخشش خود پس
اردفت الفضل فضلا والجود جودا والكرم كرما رأفة منك و
از پی درآوردی آن فضل را فضلی و آن بخشش را بخششی و آن نوازش را نوازشی بجهت مهربانی از تو و
رحمة الى ان جددت ذلك العهد لي تجديدا بعد تجديدك خلقي و
بخشش تا آنکه تازه کردی آن پیمان را برای من تازه گردانیدنی پس از تازه کردن تو آفرینش مرا و حال
كنت نسيا منسيا ناسيا ساهيا غافلا فاتممت نعمتك بان ذكرتني
آنکه بودم بیقدر و منزلت بی نام و نشان فراموش کرده عهد را پس تمام کردی نعمت خود را باینکه یادآوری نمودی مرا
ذلك ومننت به علي وهديتني له فليكن من شانك يا الهي وسيدي
بآن عهد و انعام کردی آن بر من و راه نمودی مرا بآن پس باید که بوده باشد از کار تو ای خدای من و بزرگ من
ومولاي ان تتم لي ذلك ولا تسلبنيه حتى تتوفاني على ذلك وانت
و آقای من آنکه تمام کنی برای من آنرا و رفع نکنی از من آنرا تا آنکه بمیرانی مرا بر آن و حال آنکه تو
عني راض فانك احق المنعمين ان تتم نعمتك علي اللهم سمعنا واطعنا
از من خشنود باشی زیرا که بتحقیق تو سزاوارترین انعام کنندگانی بر من آنکه تمام کنی نعمت خود را خداوندا شنیدیم و فرمانبرداری کردیم
واجبنا داعيك بمنك فلك الحمد غفرانك ربنا واليك المصير امنا
و اجابت کردیم خواننده ترا بانعام تو پس مر تراست سپاس میخواهیم آمرزش ترا پروردگار ما بسوی تراست بازگردیدن گرویدیم
بالله وحده لا شريك له وبرسوله محمد صلى الله عليه واله وصدقنا و
بخدا و حال آنکه نیست شریکی برای او و بفرستاده او محمد رحمت فرستاد خدا بر او و آل او و تصدیق نمودیم
اجبنا داعي الله واتبعنا الرسول في موالاة مولانا ومولى المؤمنين امير المؤمنين
و اجابت کردیم دعوت کننده خدا را و پیروی کردیم رسول را در دوست داشتن صاحب اختیار ما و صاحب اختیار گروندگان
بادشاه مؤمنان ع

علي بن ابي طالب عبد الله واخي رسوله والصديق الاكبر والحجة على بريته
علی ابن ابی طالب بنده خدا و برادر رسول او و تصدیق نماینده بزرگ و حجت خدا بر خلق او
المؤيد به نبيه ودينه الحق المبين علما لدين الله وخازنا لعلمه وعيبة غيب
که یاری داده خدا باو پیغمبر خود را و دین خود را که حق و هویداست نشانی بر دین خدا و محافظت کننده علم او و صندوق
الله وموضع سر الله وامين الله على خلقه وشاهده في بريته اللهم ربنا اننا
خدا را و جایگاه راز خدا را و با امانت خدا بر خلق او و گواه او را در آفریده گان او خداوندا پروردگار ما
سمعنا مناديا ينادي للايمان ان امنوا بربكم فامنا ربنا فاغفر لنا ذنوبنا
شنیدیم نداکننده را که میخواند مردمان را بسوی ایمان باینکه بگروید به پروردگار خود پس گرویدیم پروردگار ما پس بیامرز
وكفر عنا سيئاتنا وتوفنا مع الابرار ربنا واتنا ما وعدتنا على رسلك
و محو کن از ما بدیهای ما را و فرا گیر جانهای ما را در حالتیکه باشیم با نیکوکاران پروردگار ما و بده ما را آنچه وعده داده ما را بر زبان پیغمبران خود
ولا تخزنا يوم القيمة انك لا تخلف الميعاد فانا ربنا بمنك ولطفك اجبنا
و خوار مکن ما را در روز رستخیز بدرستی که تو خلف نمیکنی وعده را پس بدرستی که ما پروردگار ما بانعام تو و مهربانی تو اجابت کردیم
داعيك واتبعنا الرسول وصدقناه وصدقنا مولى المؤمنين وكفرنا بالجبت
خواننده ترا و پیروی نمودیم رسول را و تصدیق نمودیم او را و تصدیق نمودیم صاحب اختیار گروندگان را و انکار کردیم بجبت
والطاغوت فولنا ما تولينا واحشرنا مع ائمتنا فانا بهم مؤمنون موقنون
و طاغوت پس متوجه کن ما را بآنچه رو کرده ایم و برانگیز ما را با پیشوایان ما پس بدرستیکه ما بایشان گروندگانیم یقین دارندگانیم
ولهم مسلمون امنا بسرهم وعلانيتهم وشاهدهم وغائبهم وحيهم وميتهم
و برای ایشان گردن نهندگانیم گرویدیم بنهانی و آشکارای ایشان و حاضر ایشان و پنهان ایشان و زنده ایشان و مرده ایشان
ورضينا بهم ائمة وقادة وسادة وحسبنا بهم بيننا وبين الله دون خلقه
و پسندیدیم ایشان را پیشوایان و پیشروان و بزرگان و بسنده است ما را ایشان میان ما و میان خدا از سایر خلق او
لا نبتغي بهم بدلا ولا نتخذ من دونهم وليجة وبرئنا الى الله من كل من نصب
نمیخواهیم بدل از ایشان عوضی و فرا نمیگیریم بجز ایشان دوست معتمد و بیزاری جستیم بسوی خدا از هر که برپا کرد

لهم حرباً من الجنّ والانس من الاوّلین والاخرین وکفرنا بالجبت والطاغوت
بجبت ایشان جنگ را از دیو و آدمی از پیشینیان و پسینیان و کفر ورزیدیم بجبت و طاغوت

والاوثان الاربعة واشیاعهم واتباعهم وکلّ من والاهم من الجنّ والانس
و بتهای چهارگانه و گروه ایشان و پیروان ایشان و هر کسی که دوست دارد ایشان را از دیو و آدمی

من اوّل الدهر الی آخره اللّهمّ انّا نشهدک انّا ندین بما دان به محمّد وآل محمّد
از آغاز روزگار تا انجام آن خداوندا بدرستی که ما گواه میگیریم ترا بدرستی که ما اعتقاد میکنیم بآنچه اعتقاد کرده بآن محمد و آل محمد

صلّی الله علیه وآله علیهم وقولنا ما قالوا به ودیننا ما دانوا به ما قالوا به قلنا
رحمت فرستد خدا براو و برایشان و گفتار ما سخنیست که گفته‌اند ایشان و دین ما دینیست که ایشان اعتقاد آنچه قایل شده‌اند بآن گفتیم ما

وما دانوا به دنّا وما انکروا انکرنا ومن والوا والینا ومن عادوا عادینا
و آنچه اعتقاد نموده‌اند بآن اعتقاد نمودیم ما و آنچه را انکار نموده‌اند انکار نمودیم ما و آنرا که دوستی کرده‌اند ایشان دوستی کردیم ما و آنرا که دشمنی کرده‌اند دشمنی کردیم ما

ومن لعنوا لعنّا ومن تبرّؤا منه تبرّأنا منه ومن ترحّموا علیه ترحّمنا علیه
و آنرا که لعنت کرده‌اند لعنت کردیم و آنرا که بیزاری جسته‌اند از او بیزاری جستیم ما از آن و آنرا که مهربانی کرده‌اند ایشان بر او مهربانی کردیم ما بر او

آمنّا وسلّمنا ورضینا واتّبعنا موالینا صلوات الله علیهم اللّهمّ فتمّم لنا ذلک
گرویدیم و گردن نهادیم و خشنود شدیم و پیروی کردیم صاحب اختیاران خود را رحمتهای خدا بر ایشان خداوندا پس تمام کن برای ما آنرا

ولا تسلبناه واجعله مستقرّاً ثابتاً عندنا ولا تجعله مستعاراً واحینا ما
و زایل مکن از ما آنرا و بگردان آنرا برقرار ثابت نزد ما و مگردان آنرا بعاریت گذاشته شده و زنده دار ما را مادامی

احییتنا علیه وامتنا اذا امتّنا علیه آل محمّد ائمّتنا فبهم نأتمّ وایّاهم نوالی
زنده داری ما را بر آن و بمیران ما را چون بمیرانی ما را بر آن آل محمد اند پیشوایان ما پس بایشان اقتدا میکنیم و ایشان را دوست میداریم

وعدوّهم عدوّ الله نعادی فاجعلنا معهم فی الدنیا والآخرة ومن المقرّبین
و دشمن ایشان را که دشمن خداست دشمن میداریم پس بگردان ما را با ایشان در اینجهان و آن جهان و از نزدیک

فانّا بذلک راضون یا ارحم الراحمین پس از سجده رود و صد مرتبه الحمد لله و
پس بدرستی که ما بآن خشنودیم ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان

صد

صد مرتبه شکراً لله بگوید پس حضرت فرمود که هر که این عمل را بجا آورد ثواب کسی داشته
باشد که در روز غدیر نزد حضرت رسول ص حاضر شده باشد و با حضرت رسول و
امیر المؤمنین ع بر ولایت آنحضرت بیعت کرده باشد و درجه او در بهشت با درجه
راست گویندگان و تصدیق کنندگان باشد که تصدیق خدا و رسول را نموده‌اند
از روی اخلاص کرده‌اند مانند سلمان و ابوذر و مقداد رضی الله عنهم و مانند کسی
باشد که شهید شده باشد با حضرت رسول و امیر المؤمنین و حسن و حسین ع و
مانند کسی باشد که در زیر علم حضرت صاحب الامر ع و در زیر خیمه آنحضرت بوده
باشد از نجیبان و نقیبان و برگزیدگان اصحاب آنحضرت و ایضاً شیخ مفید علیه الرحمه روایت
کرده است که سنت است که این دعا را در روز غدیر بخوانند اللّهمّ انّی اسألک

بحقّ محمّد نبیّک وعلیّ ولیّک والشأن والقدر الّذی خصصتهما به دون
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و علی دوست تو و مرتبه و قدری که مخصوص گردانیدی ایشان را بآن نه سایر

خلقک ان تصلّی علی محمّد وعلیّ وان تبدأ بهما فی کلّ خیر عاجل اللّهمّ صلّ
خلق خود را آنکه رحمت بفرستی بر محمد و علی و آنکه ابتدا کنی بایشان در هر نیکی شتابنده خداوندا رحمت بفرست

علی محمّد وآل محمّد الائمّة القادة والدعاة السادة والنجوم الزاهرة و
بر محمد و آل محمد پیشوایان کشندگان و دعوت کنندگان بزرگان و ستارگان درخشنده و

الاعلام الباهرة وساسة العباد وارکان البلاد والناقة المرسلة والسفینة
نشانهای روشن و والیان بندگان و رکنهای شهرها و ناقه فرستاده شده و کشتی

الناجیة الجاریة فی اللجج الغامرة اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد خزّان علمک
رستگار روان در دریاها فرا پوشنده خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد خزانه داران علم تو

وارکان توحیدک ودعائم دینک ومعادن کرامتک وصفوتک من بریّتک
و جایهای محکم یگانه شماری تو و ستونهای دین تو و قرارگاههای نوازش تو و برگزیدگان تو از آفریدگان تو

وخيرتك من خلقك الأتقياء الأنقياء النجباء الأبرار والباب المبتلى به
و اختیار کرده شده تو از خلق تو پرهیزکاران پاکان برگزیدگان نیکوکاران و درگاهی که امتحان کرده شده اند بآن

الناس من أتاه نجى ومن أباه هوى اللهم صل على محمد وآل محمد أهل
مردمان اگر درآمد آنرا رستگار شد و اگر نخواست آنرا هلاک شد خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد یاران

الذكر الذين أمرت بمسألتهم وذوي القربى الذين أمرت بمودتهم و
ذکر آنکه فرمان دادی بسؤال کردن ایشان و خداوندان نزدیک آنانکه فرمان دادی بدوستی ایشان و

فرضت حقهم وجعلت الجنة معاد من اقتص آثارهم اللهم صل على
واجب کردی حق ایشانرا و گردانیدی بهشت را بازگشت آنکه پیروی کند نشانهای ایشانرا خداوندا رحمت بفرست بر

محمد وآل محمد كما أمروا بطاعتك ونهوا عن معصيتك ودلوا عبادك
محمد و آل محمد چنانچه فرمان دادند بفرمان برداری تو و باز داشتند از نافرمانی تو و راه نمودند بندگان ترا

على وحدانيتك اللهم إني أسألك بحق محمد نبيك ونجيبك وصفوتك
بر یگانگی تو بار خدایا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق محمد پیغمبر تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو

وأمينك ورسولك إلى خلقك وبحق أمير المؤمنين ويعسوب الدين
و با امانت تو و فرستاده تو بسوی خلق تو و بحق پادشاه گروندگان و بزرگ دین

وقائد الغر المحجلين الوصي الوفي والصديق الأكبر والفاروق بين
و کشنده پیش سفیدان و دست و پا سفیدان وصی وفادار و بغایت راستگوی بزرگتر و جدا کننده میان

الحق والباطل والشاهد لك والدال عليك والصادع بأمرك والمجاهد
حق و باطل و گواهی دهنده برای تو و راه نماینده بر معرفت تو و ظاهر سازنده فرمان تو و کارزار نماینده

في سبيلك لم تأخذه فيك لومة لائم أن تصلي على محمد وآل محمد وأن
در راه تو فرا نگرفت او را در راه تو سرزنش سرزنش کننده اگر رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و اینکه

تجعلني في هذا اليوم الذي عقدت فيه لوليك العهد في أعناق خلقك
بگردانی مرا در این روز که بستی در آن برای صاحب خود پیمانرا در گردنهای خلق خود

واکمل

وأكملت لهم الدين من العارفين بحرمته والمقرين بفضله ومن عتقائك
و کامل کردی برایشان دین را از شناسایان بحرمت او و اقرار دارندگان بفضل او و از آزاد کردگان

وطلقائك من النار ولا تشمت بي حاسدي النعم اللهم فكما جعلته عيدك
و رها کرده شدگان خود از آتش و شاد مکن بلای من رشک برندگان نعمتها را خداوندا پس چنانکه گردانیدی این روز را عید

الأكبر وسميته في السماء يوم العهد المعهود وفي الأرض يوم الميثاق
بزرگتر خود و نامیدی آنرا در آسمان روز عهد معهود و در زمین روز پیمان گرفته شده

المأخوذ والجمع المسؤول صل على محمد وآل محمد وأقرر به عيوننا واجمع
و جمع آوردن پرسیده شده رحمت فرست بر محمد و آل محمد و روشن کن باو دیدهای ما را و جمع

به شملنا ولا تضلنا بعد إذ هديتنا واجعلنا لأنعمك من الشاكرين يا أرحم
بحرمت او پراکندگیهای ما و گمراه مکن ما را پس از آنکه راه نمودی ما را و بگردان ما را برای نعمتهای خود از سپاس گذاران ای بخشنده ترین

الراحمين الحمد لله الذي عرفنا فضل هذا اليوم وبصرنا حرمته وكرمنا به
بخشندگان سپاس مر خدای را که شناسانید ما را زیادتی این روز را و بینا کرد ما را آن و بزرگ گردانید ما را

وشرفنا بمعرفته وهدانا بنوره يا رسول الله يا أمير المؤمنين عليكما و
و گرامی داشت ما را به شناختن آن و راه نمود ما را بروشنی آن ای فرستاده خدای ای پادشاه گروندگان بر شما و

على عترتكما وعلى محبيكما مني أفضل السلام ما بقي الليل والنهار وبكما أتوجه
بر خویشان شما و بر دوستداران شما از من بهترین درودها مادام که پاینده باشد شب و روز و بوسیله شما روی میکنم

إلى الله ربي وربكما في نجاح طلبتي وقضاء حوائجي وتيسير أموري
بسوی خدا پروردگار من و پروردگار شما در روا شدن مطلب من و برآوردن حاجت من و آسان کردن کارهای من

اللهم إني أسألك بحق محمد وآل محمد أن تصلي على محمد وآل محمد وأن تلعن
خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اگر رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اگر لعنت کنی آنرا

من جحد حق هذا اليوم وأنكر حرمته فصد عن سبيلك لإطفاء نورك
که انکار نمود حق این روز را و انکار نمود حرمت آنرا پس باز داشت از راه قرب تو بجهت فرو نشاندن نور تو

فَاَبَی اللّٰهُ اِلّا اَنْ یُتِمَّ نُورَهُ اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنْ اَهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ وَاکْشِفْ عَنْهُمْ
پس نخواست خدا مگر که تمام کند نور خود را خداوندا بگشا از خاندان محمد پیغمبر خود و زایل کن از ایشان

وَبِهِمْ عَنِ الْمُؤْمِنِینَ اَلْکُرُبَاتِ اَللّٰهُمَّ امْلَأِ الْاَرْضَ بِهِمْ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ
و بحرمت ایشان از گروندگان اندوهها را خداوند پر کن زمین را بسبب ایشان از عدالت چنانچه پر کرده شده است از ظلم و

جَوْرًا وَاَنْجِزْ لَهُمْ مَا وَعَدْتَهُمْ اِنَّکَ لَا تُخْلِفُ الْمِیعَادَ و اگر بعد از اینها سجده رود
جور و روا کن برای ایشان آنچه وعده داده ایشان را بدرستیکه تو خلف نمیکنی وعده را و صد مرتبه شکرا و صد مرتبه

الحمد لله بگوید و صد مرتبه یا آنچه تواند بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی اِکْمَالِ
الدِّینِ وَاِتْمَامِ النِّعْمَةِ وَرِضَی الرَّبِّ لِکَرِیمٍ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَالصَّلٰوةُ

عَلٰی خَیْرِ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِینَ بهتر خواهد بود چنانکه سید ابن باقی و
کفعمی روایت کرده اند اما شیخ مفید علیه الرحمة
این زیادتی را نقل نکرده است **فصل پنجم** در فضیلت و اعمال روز
مباهله است تا آخر ماه و در تعیین روز مباهله در میان علماء خلاف است و اشهر
و اقوی آنست که روز بیست و چهارم است و بعضی بیست و پنجم و بعضی بیست و هفتم
و بعضی بیست و یکم بیز گفته اند و اگر در هر یک از اینها اعمال مستحبه را بعمل آورند بهتر است
و آنچه مشهور است بیست و چهارم است و سبب فضیلت روز مباهله آنست که چون حضرت
رسول ص رسولان فرستاد بسوی نصارای نجران که اعظم ترسایان عرب بودند و ایشان
بکتب خود رجوع کردند و اوصاف حضرت رسالت پناه ص را در کتب جمیع انبیاء مشاهده
کردند حب دنیا بر اکثر علماء ایشان غالب شد و ایمان نیاوردند و هفتاد نفر از علماء و
عظماء خود را فرستادند که صفاتی که در کتب سابقه برای حضرت دیده اند مشاهده
نمایند و بمدینه داخل شدند و آن صفات را موافق یافتند و حضرت رسول ص حجتهای

شافی بر ایشان تمام کرد و باز بعضی از ایشان بسبب حب ریاست و اغراض باطله مضایقه کردند
در ایمان آوردن و حق تعالی این آیه کریمه را فرستاد فَمَنْ حَاجَّکَ فِیهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَکَ
مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ اَبْنَاءَنَا وَاَبْنَاءَکُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَکُمْ وَاَنْفُسَنَا
وَاَنْفُسَکُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَی الْکَاذِبِینَ یعنی پس هر که مجادله
کند در امر عیسی بعد از آنچه آمده است بسوی تو از علم و برهان و القاء کردی بر ایشان
و قبول نکردند پس بگو ای محمد که بیایید بخوانیم پسران خود را و پسران شما را و زنان
خود را و زنان شما را و جانهای خود را و جانهای شما را یعنی آنها که بمنزله جان ما اند
و آنها که بمنزله جان شمایند پس تضرع کنیم و دعا کنیم پس بگردانیم لعنت و دوری از رحمت خدا را
بر آنها که دروغ گویند از ما و شما پس حضرت رسول ص عبایی بر دوش مبارک گرفت
و حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را در زیر عبا داخل
کرد و گفت پروردگارا هر پیغمبرا اهل بیتی بوده است که مخصوص ترین خلق بوده اند
با او خداوندا اینها اهل بیت منند پس از ایشان برطرف کن شک و گناه را و پاک
کن ایشان را پاک کردنی پس جبرئیل نازل شد و این آیه کریمه را در شان ایشان آورد اِنَّمَا
یُرِیدُ اللّٰهُ لِیُذْهِبَ عَنْکُمُ الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَیْتِ وَیُطَهِّرَکُمْ تَطْهِیرًا یعنی نیست جز این که
اراده دارد حق تعالی که زایل گرداند از شما اهل بیت بدی و شک را و پاک گرداند شما را
از گناهها پاک گردانیدنی پس حضرت رسول ص علی و فاطمه و حسن و حسین صلوات الله علیهم را
با خود بیرون برد از مدینه برای مباهله و چون نصاری حقیقت آنحضرت را دانسته بودند
و بعد از ایستادن حضرت با آن بزرگواران در مقام مباهله آثار نزول عذاب در
زمین و آسمان ظاهر شد و عالم بزرگ ایشان گفت بخدا سوگند که من رویی چند
می بینم که اگر دعا کنند که کوهی از جا کنده شود کنده خواهد شد جرات نکردند بر
مباهله و استدعاء مسالمه و مصالحه کردند و قبول کردند که هر سال جزیه بدهند و حضرت

ایشان نفرین نکرد و بامر الهی بر ایشان جزیه قرار داد و حضرت فرمود که اگر نه خدا سوگند
که هلاک و عذاب نازل شده بود بر اهل نجران و اگر مباهله میکردم هر اینه همه آن جماعت بوزینه
و خوک میشدند و این وادی بر ایشان آتش میشد و سرایت میکرد بنجران و همه ترسایان
نجران میسوختند و پیش از آنکه سال تمام شود جمیع نصاری میمردند و یک نصرانی بر روی
زمین زنده نمیماند و باین سبب چندین امر بر عالمیان ظاهر شد اول حقیت آنحضرت زیرا که
اگر اعتماد بر حقیت خود نمیداشت خود را و عزیزترین اهل بیت خود را در معرض مباهله
بدر نمی آورد و اگر آن جماعت حقیت آنحضرت بر ایشان ظاهر نشده بود مباهله میکردند
و مذلت و خواری جزیه را بر خود قرار نمیدادند دوم آنکه ظاهر شد که آل عبا علیهم السلام
بزرگوارترین خلق بودند که ایشان را آنحضرت در دعا با خود شریک کردانید سیم آنکه
ایشان عزیزترین خلق بودند نزد آنحضرت که برای اظهار حقیت خود ایشان را در
معرض نفرین بدر آورد زیرا که بسیار است که آدمی خود را بمهالک می افکند اما
اعزه و عیال خود را راضی نمیشود که در معرض خطر در آورد چنانچه صاحب کشاف
و غیر او از متعصبان سنیان اعتراف باین نموده اند چهارم آنکه حسن و حسین صلوات
الله علیهما فرزند حقیقی آنحضرت بودند و رتبه ایشان از سایر صحابه بیشتر بوده است
نزد خدا و رسول با آنکه صغر سن پنجم آنکه حضرت فاطمه ص بهترین زنان بوده و از
زوجات و سایر قرابات با آنحضرت اخص و اقرب بوده و منزلت او نزد حق
تعالی از همه بیشتر ششم آنکه باتفاق عامه و خاصه حضرت امیر المؤمنین ص
در مباهله داخل بود و داخل ابناء و نساء نیست پس باید داخل انفسنا
باشد و حقیقت در اینجا مراد نمیتواند بود زیرا که اتحاد دو نفس محال است
پس مراد این است که اختصاص آنحضرت بحضرت رسالت پناه ص در کمالات و صفات
بمرتبه بود که بمنزله نفس و جان آنحضرت بود پس هر کمالی که در حضرت رسول ص

بود باید که در آنحضرت باشد بغیر پیغمبری پس باید که افضل باشد از جمیع صحابه
و جمیع پیغمبران بغیر آنحضرت و باید که مخصوص ترین خلق باشد با آنحضرت و اعز خلق باشد
نزد او و روایات مفصله این قصه شریفه و فوائدی که از آن مستفاد میشود
در کتاب حیوة القلوب ذکر کرده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و
از جمله اموری که در روز بیست و چهارم واقع شده و موجب مزید فضل
آن گردیده آنست که در این روز حضرت امیر المؤمنین ع در رکوع نماز انگشتری
خود را بسائل بخشید و این آیه کریمه نازل شد و امامت آنحضرت بر اصحاب بصیرت
هویدا گردید اِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ اٰمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ
الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُونَ الزَّکٰوةَ وَهُمْ رَاکِعُونَ یعنی نیست اولی بامر شما و مالک
اختیار شما مگر خدا و رسول او و آنها که ایمان آورده اند و نماز را بر پا میدارند
و چنانچه میباید بجا می آورند و زکوة مال و میدهند در رکوع و این آیه نص
صریح است بر امامت آنحضرت چنانچه در سایر کتب ذکر کرده ام و در این روز
غسل سنت است و زیارت امیر المؤمنین ع را در این روز ذکر کرده اند و خواندن
زیارت جامعه مناسبست و روزه این روز مستحب است و تاسی بمولای خود کردن
در تصدق بر فقراء و ارباب حاجات بانچه مقدور و میسر باشد مطلوبست و
اعمال این روز مبارک بسیار است اول شیخ طوسی از حضرت صادق ع روایت
کرده است که در این روز پیش از زوال بنیم ساعت دو رکعت نماز بکنند برای
شکر نعمت مباهله و در هر رکعت بعد از سوره حمد هر یک از سوره قل هو الله
احد و آیة الکرسی تا هم فیها خالدون و سوره انا انزلناه را ده مرتبه بخوانند اگر
این نماز را بعمل آورد نزد حق تعالی برابر است با صد هزار حج و صد هزار عمره و هر حاجتی که
از حاجتهای دنیا و آخرت که از حق تعالی سؤال کند البته بر آورده شود هر چند عظیم

حضرت امیر المؤمنین ع

باشد ان شاء الله و این نماز همان نماز است که در اعمال روز عید غدیر مذکور شد
عمل دویم از اعمال این روز دعایی است که شیخ طوسی و سید ابن طاوس قدس الله
روحهما بسندهای معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده اند و آنحضرت
از پدر بزرگوار خود امام محمد باقر ع روایت کرده است که آنحضرت فرمود که
اگر گویم که در این دعا اسم اعظم حق تعالی هست هر آینه راست گفته ام و اگر مردم
بدانند که این دعا در اجابت چگونه تاثیر مینماید البته بهر نحو که مقدور باشد
سعی نمایند در تحصیل آن هرچند باید که قتال کنند و مرا هر حاجت که عارض
میشود این دعا را میخوانم و بعد از آن حاجت خود را میطلبم و البته مستجاب میگردد
و این دعایی است که در وقتی که آیه مباهله نازل شد جبرئیل از جانب خداوند
جلیل بر حضرت سید رسل ص نازل شد و این دعا را آورد و گفت برای مباهله
بیرون رو و وصی خود علی بن ابی طالب ع و سیده نساء فاطمه زهراء و دو نور دیده
دو فرزند پسندیده خود حسن و حسین علیهم السلم را با خود ببر و این دعا را بخوان و با
ترسایان مباهله کن و بر ایشان نفرین کن پس حضرت امام جعفر صادق ع گفت
که هرگاه این دعا خوانید جهد و سعی کنید در دعا و تضرع و این دعا را شفیع خود
گردانید در حاجتها و از کسی که اهلش نباشد از سفیهان و منافقان پنهان دارید
و بایشان تعلیم منمایید که از علمهای مخزون است و هر کس قابل این گوهر گرانمایه نیست و دعا
این است اللهم انی اسألک من بهائک بابهاه و کل بهائک بهی اللهم
خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو به نیکوترین و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا
انی اسألک ببهائک کله اللهم انی اسألک من جلالک باجله و کل
بدرستیکه من ترا بحرمت نیکوئی تو هر نیکوئی خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از بزرگواری تو ببزرگوارترین آن و هر
جلالک جلیل اللهم انی اسألک بجلالک کله اللهم انی اسألک من جمالک
بزرگواری تو بزرگوار است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا بحرمت بزرگواری تو خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از نیکوئی تو
هر بزرگواری تو بزرگوار است
باجل

باجمله و کل جمالک جمیل اللهم انی اسألک بجمالک کله اللهم
به نیکوترین آن و هر نیکوئی تو نیکوست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم از تو بنیکوئی تو و هر نیکوئی خداوندا
انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسألک من
بدرستی من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از
عظمتک باعظمها و کل عظمتک عظیمة اللهم انی اسألک بعظمتک
بزرگی تو به بزرگترین آن و هر بزرگی تو بزرگست خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا ببزرگی تو
کلها اللهم انی اسألک من نورک بانوره و کل نورک نیر اللهم انی
هر بزرگی خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا از روشنائی تو بروشن ترین آن و هر روشنائی از تو روشنست خداوندا بدرستی من
اسألک بنورک کله اللهم انی اسألک من رحمتک باوسعها و کل
سؤال میکنم ترا بروشنائی تو هر روشنائی خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو از بخشش تو بفراگیرنده ترین آن و هر
رحمتک واسعة اللهم انی اسألک برحمتک کلها اللهم انی ادعوک
بخشش از تو فراگیرنده است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از بخشش تو هر بخشش خداوندا بدرستی من میخوانم ترا
کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسألک من کمالک باکمله
چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر مرا چنانچه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از کمال تو بکاملترین آن
و کل کمالک کامل اللهم انی اسألک بکمالک کله اللهم انی اسألک
و هر کمالی از تو کامل است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا بحرمت کمال تو هر کمالی خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا
من کلماتک باتمها و کل کلماتک تامة اللهم انی اسألک بکلماتک
از کلمهای تو بحرمت تمامترین آنها و هر یک از کلمهای تو تمامست خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو بحرمت کلمهای تو
کلها اللهم انی اسألک من اسمائک باکبرها و کل اسمائک کبیرة
هر یک از آنها خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از نامهای تو بحرمت بزرگترین آنها و هر یک از نامهای تو بزرگست
اللهم انی اسألک باسمائک کلها اللهم ا[illegible]ت کما امرتنی
خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا بحرمت نامهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا چنانکه وعده دادی مرا

فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسالک من عزتک باعزها وکل
پس بپذیر دعای مرا چنانچه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از عزت تو بعزیزترین آن و هر
عزتک عزیزة اللهم انی اسالک بعزتک کلها اللهم انی اسالک من
عزتی از تو عزیز است خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو بعزت تو همه عزتها خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از
مشیتک بامضاها وکل مشیتک ماضیة اللهم انی اسالک بمشیتک
خواست تو بگذرنده ترین آن و هر خواستی از تو درگذرنده است خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو بخواست تو
کلها اللهم انی اسالک بقدرتک التی استطلت بها علی کل شیء
تمام آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بتوانائی تو که استیلا دادی آنرا بر هر چیزی
وکل قدرتک مستطیلة اللهم انی اسالک بقدرتک کلها اللهم
و هر توانائی تو مستولیست خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو بتوانائی تو همه توانائی خداوندا
انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسالک
بدرستی من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس بپذیر دعای مرا چنانچه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا
من علمک بانفذه وکل علمک نافذ اللهم انی اسالک بعلمک کله
از دانش تو بروانترین آن و هر دانش از تو روانست خداوند بدرستی من سوال میکنم ترا بدانش تو هر دانش
اللهم انی اسالک من قولک بارضاه وکل قولک رضی اللهم انی
خداوندا بدرستی من سوال میکنم از گفتار تو به پسندیده ترین آن و هر گفتاری از تو پسندیده است خداوندا بدرستی من
اسالک بقولک کله اللهم انی اسالک من مسائلک باحبها وکل
سوال میکنم از تو بگفتار تو هر گفتاری خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از سوالهای تو بدوست داشته ترین آنها و هر یک
مسائلک حبیبة اللهم انی اسالک بمسائلک کلها اللهم انی ادعوک کما
از سوالهای تو دوست داشته شده است خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو بسوالهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستی که من میخوانم ترا چنانچه
امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم انی اسالک من شرفک باشرفه و
فرمان دادی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از شرف و بزرگی تو ببزرگترین آن و

کل

۱۵۳

کل شرفک شریف اللهم انی اسالک بشرفک کله اللهم انی اسالک من
هر بزرگی و شرفی از تو بزرگست خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بشرف و بزرگی تو همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از
سلطانک بادومه وکل سلطانک دائم اللهم انی اسالک بسلطانک
سلطنت تو و غلبه تو بپیوسته ترین آن و هر سلطنتی پیوسته و دائمیست خداوندا بدرستی من سوال میکنم بسلطنت تو
کله اللهم انی اسالک من ملکک بافخره وکل ملکک فاخر اللهم
همه آن خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از سلطنت تو به عظیم ترین آن و هر سلطنتی از تو عظیم است خداوندا
انی اسالک بملکک کله اللهم انی ادعوک کما امرتنی فاستجب لی کما
بدرستی من سوال میکنم ترا بسلطنت تو هر سلطنتی خداوندا بدرستی من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه
وعدتنی اللهم انی اسالک من علائک باعلاه وکل علائک عال اللهم
وعده دادی مرا خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از بلندی تو به بلندترین آن و هر بلندی تو بلند است خداوندا
انی اسالک بعلائک کله اللهم انی اسالک من آیاتک باعجبها وکل آیاتک
بدرستی من ترا به بلندی تو هر بلندی خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا از نشانهای تو بشگفت آورنده ترین آنها و هر یک از نشانهای تو
عجیبة اللهم انی اسالک بآیاتک کلها اللهم انی اسالک من منک
بشگفت آورنده است خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو بنشانهای تو هر یک از آنها خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو از انعام تو
باقدمه وکل منک قدیم اللهم انی اسالک بمنک کله اللهم انی ادعوک
به دیرینه ترین آن و هر انعامی از تو دیرینه است خداوندا بدرستی من سوال میکنم از تو بانعام تو هر انعامی خداوندا بدرستی من میخوانم ترا
کما امرتنی فاستجب لی کما وعدتنی اللهم وانی اسالک بما انت فیه من الشؤون بما انا
چنانچه امر کردی مرا اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بآنچه تو در آنی از کارها
والجبروت اللهم وانی اسالک بکل شان وکل جبروت اللهم وانی
و بزرگواری خداوندا بدرستی من سوال میکنم ترا بهر کاری و بزرگواری خداوندا بدرستی من
اسالک بما تجیبنی به حین اسالک یا الله یا لا اله الا انت اسالک
سوال میکنم از تو بآنچه اجابت کنی مرا بآن هنگامی که سوال کنم از تو ای خدای که نیست سزاوار پرستش مگر تو سوال میکنم از تو

ببهاء لا اله الا انت یا لا اله الا انت اسألك بجلال لا اله الا انت
به نیکوئی لا اله الا انت ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم ترا به بزرگواری لا اله الا انت

یا لا اله الا انت اسألك بلا اله الا انت اللهم انی ادعوك كما امرتنی
ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو سؤال میکنم ترا بلا اله الا انت خداوندا بدرستی من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا

فاستجب لی كما وعدتنی اللهم انی اسألك من رزقك باعمه وكل رزقك
پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی مرا خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو از روزی تو بفراگیرنده ترین آن و هر روزی از تو

عام اللهم انی اسألك برزقك كله اللهم انی اسألك من عطائك
فراگیرنده است خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو بروزی تو همه آن خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از بخشش تو

باهنائه وكل عطائك هنیء اللهم انی اسألك بعطائك كله اللهم انی
بگواراترین آن و هر بخششی از تو گواراست خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از بخشش تو هر بخششی خداوندا بدرستی من

اسألك من خیرك باعجله وكل خیرك عاجل اللهم انی اسألك بخیرك كله
سؤال میکنم ترا نیکی تو هر نیکی و هر نیکی تو شتابنده است بدرستی من سؤال میکنم ترا به نیکی تو به همه

اللهم انی اسألك من فضلك بافضله وكل فضلك فاضل اللهم انی
خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا از زیادتی تو بافزون ترین آن و هر زیادتی از تو افزونست خداوندا بدرستی من

اسألك بفضلك كله اللهم انی ادعوك كما امرتنی فاستجب لی كما وعدتنی
سؤال میکنم ترا بزیادتی تو همه زیادتی خداوندا بدرستی من میخوانم ترا چنانچه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانکه وعده دادی مرا

اللهم صل علی محمد وآل محمد وابعثنی علی الایمان بك والتصدیق برسولك
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برانگیز مرا بر گرویدن بتو و باور داشتن فرستاده تو

علیه وآله السلام والولایة لعلی بن ابی طالب والبراءة من عدوه والائتمام
بر او و آل او باد درود و دوستی علی فرزند ابو طالب و بیزاری از دشمن او و پیروی نمودن

بالائمة من آل محمد علیهم السلام فانی قد رضیت بذلك یا رب اللهم صل
به پیشوایان از آل محمد بر ایشان باد درود پس بدرستی من بتحقیق خشنودم بآن ای پروردگار من خداوندا رحمت بفرست

ع

علی محمد عبدك ورسولك فی الاولین وصل علی محمد وآل محمد فی الآخرین
بر محمد بنده تو و فرستاده تو در زمره پیشینیان و رحمت فرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان

وصل علی محمد وآله فی الملأ الاعلی وصل علی محمد وآله فی الملأ الاعلی و
و رحمت بفرست بر محمد و آل او در زمره بزرگان محل برتر و رحمت فرست بر محمد و آل او در زمره

وصل علی محمد وآله فی المرسلین اللهم اعط محمدا الوسیلة والشرف و
و رحمت بفرست بر محمد و آل او در زمره فرستاده شدگان خداوندا ببخش محمد را وسیله و بزرگواری و

الفضیلة والدرجة الكبیرة اللهم صل علی محمد وآل محمد وقنعنی بما
زیادتی و مرتبه بزرگ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و خشنود ساز مرا بآنچه

رزقتنی وبارك لی فیما اعطیتنی واحفظنی فی غیبتی وفی كل غائب هو لی
روزی کردی مرا و برکت ده مرا در آنچه بخشیدی مرا و حفظ کن مرا در پنهانی من و هر غایبی که او مرا است

اللهم صل علی محمد وآل محمد واسألك خیر الخیر رضوانك والجنة و
خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و درمیخواهم از تو بهتر از هر نیکی خشنودی تو و بهشت را و

اعوذ بك من شر الشر سخطك والنار اللهم صل علی محمد وآل محمد
پناه میگیرم بتو از بدتر از هر بدی یعنی خشم تو و دوزخ خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

واحفظنی من كل مصیبة ومن كل بلیة ومن كل عقوبة ومن
و نگاهدار مرا از هر مکروهی و از هر رنجی و از هر عقوبتی و از

كل فتنة ومن كل بلاء ومن كل شر ومن كل مكروه ومن كل
هر آشوبی و از هر بلائی و از هر گزندی و از هر مکروهی و از هر

مصیبة ومن كل آفة نزلت او تنزل من السماء الی الارض فی هذه الساعة
مصیبتی و از هر آفتی که فرود آمده یا فرود میآید از آسمان بسوی زمین در این ساعت

وفی كل ساعة وفی هذه اللیلة وفی هذا الیوم وفی هذا الشهر وفی هذه
و در هر ساعت و در این شب و در این روز و در این ماه و در این

السنة اللهم صل على محمد وآل محمد واقسم لي من كل سرور ومن كل بهجة

بسال خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد وبخش ده مرا از هر شادی واز هر نیکی

ومن كل استقامة ومن كل فرج ومن كل عافية ومن كل سلامة ومن

واز هر راستی واعتدالی واز هر گشایشی واز هر عافیتی واز هر سلامتی واز

كل كرامة ومن كل رزق واسع حلال طيب ومن كل نعمة ومن كل سعة

هر نوازشی واز هر روزی فراخ حلال پاکیزه واز هر نعمتی واز هر گشایشی

نزلت او تنزل من السماء الى الارض في هذه الساعة وفي هذه الليلة

که فرود آمده یا فرود می آید از آسمان بسوی زمین دران ساعت ودرین شب

وفي هذا اليوم وفي هذا الشهر وفي هذه السنة اللهم ان كانت ذنوبي

ودرین روز ودرین ماه ودرین سال خداوندا اگر بوده باشد گناهان من

قد اخلقت وجهي عندك وحالت بيني وبينك وغيرت حالي عندك فاني

بتحقیق که کهنه وبی قدر کرده باشد روی مرا نزد تو وحایل شده باشد میان من ومیان تو وتغیر داده باشد حال مرا نزد تو پس بدرستی که من

اسألك بنور وجهك الذي وبوجه محمد حبيبك المصطفى وبوجه وليك

سؤال میکنم ترا بروشنی ذات تو که فرود نشینده میشود وبجاه محمد حبیب برگزیده تو وبجاه دوست تو

علي المرتضى وبحق اوليائك الذين انتجبتهم ان تصلي على محمد وآل محمد و

علی پسندیده وبحق دوستان تو آنانکه برگزیدی ایشانرا اگر رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد و

ان تغفر لي ما مضى من ذنوبي وان تعصمني فيما بقي من عمري واعوذ بك

اینکه بیامرزی مرا آنچه گذشته از گناهان من واینکه نگاه داری مرا در آنچه باقی مانده از عمر من وپناه میگیرم بتو

اللهم ان اعود في شيء من معاصيك ابدا ما ابقيتني حتى تتوفاني وانا

خداوندا از اینکه باز گردم در چیزی از نافرمانیهای تو همیشه تا مادام که باقی داری مرا تا بگیری جان مرا و حال آنکه من

لك مطيع وانت عني راض وان تختم لي عملي باحسنه وتجعل لي ثوابه

بتو فرمان بردار وتو از من خشنود واینکه ختم کنی برای من کردار مرا به نیکوترین آن وبگردانی برای من ثواب آنرا

الجنة

لا يطفئ غمي

الجنة وان تفعل بي ما انت اهله يا اهل التقوى ويا اهل المغفرة

بهشت واینکه بکنی با من آنچه تو سزاوار آنی ای سزاوار پرهیزکاری وای سزاوار آمرزش

صل على محمد وآل محمد وارحمني برحمتك يا ارحم الراحمين وبعد از آن

رحمت بفرست بر محمد وآل محمد وبخشش کن مرا ببخشش خود ای بخشنده ترین بخشندگان هر حاجت

که داری از حق تعالی طلب کن که ان شاء الله برآورده است مؤلف گوید که

خواندن این دعا در روز مباهله انسب است وشیخ طوسی علیه الرحمة نیز در اینروز روایت

کرده است واز روایت مذکوره معلوم میشود که در هر وقت میتوان خواند ودر

دعا اختلافی هست میان روایات وآنچه در اینجا ذکر شده است موافق روایت

شیخ است وروایت دیگر را با ترجمه در رساله دیگر ایراد نموده ام وشبیه باین دعا

در سحرهای ماه مبارک رمضان وروزهای آن نیز وارد شده است با فضیلت بسیار

واز عظیم ترین دعاهاست عمل سیم آنست که شیخ طوسی ودیگران بسند معتبر

از حضرت موسی بن جعفر ع روایت کرده اند که روز مباهله روز بیست وچهارم

ماه ذی الحجه است در اینروز آنچه خواهی از نماز بکن وهر دو رکعت از نماز که بکنی بعد

از هفتاد مرتبه استغفر الله ربي واتوب اليه بگو پس بایستی وبموضع سجود

خود نظر میکنی واین دعا را میخوانی وباید که با غسل باشی وبروایت دیگر فرمود

که روز بیست وچهارم روز مباهله است وباید که اینروز را روزه بداری برای

شکر حق تعالی برای این نعمت عظمی وغسل بکن وپاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و

بآنچه توانی از بوی خوش خود را خوشبو کن وباید با آرام دل وآرام تن باشی واگر در یکی

از مشاهد مشرفه باشی نزد ضریح مقدس حاضر شوی والا بجای خلوتی بروی

یا بر کوه بلندی برآیی یا بصحرایی بروی وباید که از منزل خود بیرون رود وغسل

کند وبهترین جامهای خود را بپوشد وچون بمحل دعا خواندن داخل شود در

عمل دیگر از برای روز مباهله وارد شده است

رکعت نماز بکنند باداب وشرائط وبعد از سلام هفتاد مرتبه استغفار کنند پس
بایستند وبجانب اسمان نظر کنند واین دعا را بخوانند بعد از ان فرمود که پس هر دعایی
کنخواهی بکن باز دو رکعت نماز بکن ودعا این است الحمد لله رب العالمین الحمد لله
فاطر السموات والارض الحمد لله الذی له ما فی السموات وما فی الارض
آفریننده آسمانها وزمین سپاس مر خدای را که برای اوست آنچه در آسمانها وآنچه در زمین است
الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین
سپاس مر خدای را که آفرید آسمانها وزمین را وآفرید تاریکیها وروشنائی را پس آنانکه
کفروا بربهم یعدلون الحمد لله الذی عرفنی ما کنت به جاهلا ولولا
کافر شده اند به پروردگار خود میل میکنند از راه حق سپاس مر خدای را که شناسانید مرا آنچه بودم من بآن نادان واگر نبودی
تعریفه ایای لکنت هالکا اذ قال وقوله الحق قل لا اسالکم علیه اجرا
شناسانیدن او مرا هر اینه بودم هالک وستحق عقوبت هنگامی که گفت وگفتار او راست ودرست بگو ای محمد نمیخواهم از شما برای تبلیغ رسالت مزدی
الا المودة فی القربی فبین لی القرابة وقال سبحانه انما یرید الله لیذهب
مگر دوستی نمودن در باره خویشان من پس آشکار نمود برای من خویشان را وگفت پاک است او جز این نیست که میخواهد خدا ببرد
عنکم الرجس اهل البیت ویطهرکم تطهیرا فبین لی اهل البیت بعد القرابة
از شما گناه را ای خانواده رسالت وپاک کند شما را از هر گناهی پاک کردنی پس بیان کرد برای من خانواده پیغمبر خود را بعد از بیان کردن خویشان پیغمبر
ثم قال تعالی مبینا عن الصادقین الذین امرنا بالکون معهم والرد الیهم
پس گفت خدای برتر است او بیان کننده از راستگویانی که امر کرده ما را به بودن با ایشان وبرگردانیدن مشکلات بسوی ایشان
بقوله سبحانه یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وکونوا مع الصادقین فاوضح
بگفتار خود پاک است او ای آنکسانی که گرویده اید بپرهیزید از عذاب خدا وباشید از راستگویان پس ظاهر ساخت
عنهم وابان عن صفتهم بقوله جل ثناؤه فقل تعالوا ندع ابناءنا وابناءکم
از ایشان وکشف نمود از صفت راستگویی ایشان بگفتار خود بزرگوار است ستایش او پس بگو بیایید تا بخوانیم ما پسران خود را وپسران شما را

ونساءنا ونساءکم وانفسنا وانفسکم ثم نبتهل فنجعل لعنة الله علی الکاذبین
وما زنان خود را وشما زنان خود را وما نفسهای خود را وشما نفسهای خود را پس بگرداهم لعنت خدا را بر دروغگویان
فلک الشکر یا رب ولک المن حیث هدیتنی وارشدتنی حتی لم یخف علی
پس مر تراست سپاس ای پروردگار من ومر تراست انعام آنجا که راهنمودی مرا وبکن راهنمائی کردی تا آنکه پنهان نماند بر من
الاهل والبیت والقرابة فعرفتنی نساءهم واولادهم ورجالهم اللهم
اهل وخانه وخویشان پیغمبر پس شناسانیدی زنان ایشان را وفرزندان ایشان را ومردان ایشان را خداوندا
انی اتقرب الیک بذلک المقام الذی لا یکون اعظم منه فضلا للمؤمنین ولا
بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو بآن منزلتی که نباشد بزرگتر از ان از روی زیادتی برای گروندگان ونه
اکثر منه رحمة لهم بتعریفک ایاهم شانه وابانتک فضل اهله الذین
بیشتری از ان از جهت بخشایش برای ایشان بشناسانیدن تو بایشان مرتبه او را وآشکار نمودن تو فضیلت خانواده او را آنانکه
بهم ادحضت باطل اعدائک وثبت بهم قواعد دینک ولولا هذا
بایشان ناچیز کردی حجت باطل دشمنان خود را وثابت داشتی بایشان اساسهای دین خود را واگر نبودی این
المقام المحمود الذی انقذتنا به ودللتنا علی اتباع المحقین من اهل
جایگاه ستوده شده که رهانیدی ما را بآن وراهنمودی ما را به پیروی آنانکه برحق اند از خانواده
بیت نبیک الصادقین عنک الذین عصمتهم من لغو المقال ومدانس
پیغمبر تو راستگویانند از تو آنانکه نگاه داشتی ایشان را از گفتار باطل
الافعال لخصم اهل الاسلام وظهرت کلمة اهل الالحاد وفعل اولی
کردارها هر اینه غلبه کردندی اهل اسلام وآشکار شدی سخن آنانکه از حق برگشتند وکردار خداوندان
العناد فلک الحمد ولک المن ولک الشکر علی نعمائک وایادیک
ستیزه کاری پس مر تراست سپاس ومر تراست انعام ومر تراست شکر بر نعمت تو ونعمتهای تو
اللهم فصل علی محمد وال محمد الذین افترضت علینا طاعتهم وعقدت
خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد وآل محمد آنانکه واجب کردی بر ما فرمانبرداری ایشان را وبستی

فی رقابنا ولایتهم واکرمتنا بمعرفتهم وشرفتنا باتباع آثارهم وثبتنا

در گردنهای ما دوستی ایشانرا وگرامی داشتی ما را بشناخت ایشان وبلند گردی مرتبه ما را بپیروی نشانهای ایشان وثابت داشتی ما را

بالقول الثابت الذی عرفوناه فاعنا علی الاخذ بما بصرونا واجز

بگفتار حق که شناسانیدند ایشان آنرا بما پس مدد کن ما را بر فرا گرفتن آنچه نمودند بما آنرا وپاداش ده محمد را

عنا افضل الجزاء بما نصح لخلقك وبذل وسعه فی ابلاغ رسالاتك

از ما بهترین پاداشی در مقابل آنکه پند داده مر خلق ترا وبخشیده طاقت خود را در رسانیدن پیغامهای تو

واخطر بنفسه فی اقامة دینك وعلی اخیه ووصیه والهادی من

وبهلاکت افکنده خود را در راست کردن دین تو وبر برادر او ووصی او وراهنما

بعده الی دینه والمقیم سنته علی امیر المؤمنین صلوات الله علیه

پس از او بسوی دین او وبرپا دارنده طریقه او یعنی علی پادشاه گروندگان رحمتهای خدا بر او باد

وصل علی الائمة من ابنائه الذین وصلت طاعتهم بطاعتك و — الصادقین

ورحمت فرست بر پیشوایان از فرزندان او آنهایی که پیوسته گردانیدی فرمان برداری ایشانرا بفرمانبرداری خود

ادخلنا بشفاعتهم دار الکرامة یا ارحم الراحمین اللهم هؤلاء

ودر آور ما را به خواهش ایشان در سرای نوازش ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا ایشانند

اصحاب الکساء والعباء یوم المباهلة اللهم اجعلهم شفعاءنا و

یاران ردا وعبا در روز مباهله خداوندا بگردان ایشانرا شفیعان ما و

اسالك بحق ذلك المقام المحمود والیوم المشهود ان تغفر لی و

در میخواهم از تو بحق آن جایگاه ستوده واین روز گواهی داده شده آنکه بیامرزی مرا و

تتوب علی انك انت التواب الرحیم اللهم انی اشهد ان ارواحهم و

بپذیری توبه مرا بدرستی که تو بسیار توبه پذیرنده مهربان خداوندا بدرستی که من گواهی میدهم آنکه بتحقیق جانهای ایشان و

طینتهم واحدة وهی الشجرة التی طاب اصلها وفرعها واغصانها و

سرشت ایشان یکیست وطینت ایشان آن درخت پاکست ریشه آن وشاخ آن وسرهای آن

اوراقها

اوراقها اللهم ارحمنا بحقهم واجرنا من مواقف الخزی فی الدنیا و

وبرگهای آن خداوندا رحم کن ما را بحق ایشان وپناه ده ما را از جاهای خواری در این جهان و

الاخرة بولایتهم واوردنا موارد الامن من اهوال یوم القیمة

آن جهان بدوستی ایشان ووارد ساز ما را در جایگاه ایمنی از شداید روز رستخیز بجهة دوستی ما

بحبهم واقرارنا بفضلهم واتباعنا آثارهم واقتدائنا بهدیهم واعتقادنا

محبت ایشان واقرار نمودن ما بزیادتی ایشان وپیروی نمودن ما نشانهای ایشانرا وراه یافتن ما براهنمائی ایشان وباور کردن ما

ما عرفوناه من توحیدك وما وقفونا علیه من تعظیم شأنك وتقدیس

آنچه شناسانیدند بما آنرا از یگانه دانستن تو وآنچه مطلع کردند ما را بآن از بزرگ شمردن مرتبه تو وپاکی یاد نمودن

اسمائك وشکر آلائك ونفی الصفات ان تحلك والعلم ان یحیط

نامهای تو وسپاس گزاری نعمتهای تو وسلب کردن صفت اینکه عارض شود ترا ودانش اینکه فرا رسد

بك والوهم ان یقع علیك فانك اقمتهم حججا علی خلقك ودلائل علی

بتو ووهم اینکه واقع شود بر تو پس بتحقیق تو برپا داشتی ایشانرا حجتها بر خلق تو ودلالت کنندگان بر

توحیدك وهداة تنبه علی امرك وتهدی الی دینك وتوضح ما اشکل

یگانگی خود وراهنمایانی که آگاه نمایند بر کار تو وراهنمائی نمایند بسوی دین تو وآشکار نمایند آنچه را مشکل گردیده

علی عبادك وبابا للمعجزات التی یعجز عنها غیرك وبها تبین حجتك

بر بندگان تو ودرگاهی برای معجزها که عاجزست از آنها غیر تو وبآنها ظاهر میشود حجت تو

وتدعو الی تعظیم السفیر بینك وبین خلقك وانت المتفضل علیهم حیث

ومیخوانند بسوی تعظیم رسول اصلاح کننده میان تو ومیان خلق تو وتو تفضل کننده بر ایشان آنجا که

قربتهم من ملکوتك واختصصتهم بسرك واصطفیتهم لوحیك واورثتهم

نزدیک گردانیدی ایشانرا به جهان تو واختصاص دادی ایشانرا براز خود وبرگزیدی ایشانرا برای پیغام خود ومیراث دادی ایشانرا

غوامض تاویلك رحمة لخلقك ولطفا بعبادك وحنانا علی بریتك

تفسیر مشکلات کتاب خود از راه بخشش بمر آفریدگان خود ومهربانی به بندگان خود ورحم کردن بر خلق خود

وعلما بما تنطوي عليه ضمائر امنائك وما يكون من شأن صفوتك
ودانا بانچه در نوردیده شده براکن دلهای امانت داران تو وانچه یافت شود از کار برگزیدگان تو

وطهرتهم في منشائهم ومبتدئهم وحرستهم من نفث نافث اليهم واريتهم
و پاک گردانیدی ایشانرا در وقت آفرینش ایشان هنگام نو به هم آمدن ایشان و نگهبانی ایشانرا از دمیدن هر دمنده بسوی ایشان و نمودی ایشانرا

برهانا على من عرض بسوء لهم فاستجابوا لامرك وشغلوا انفسهم
حجتی بر آنکه فرا پیش آمد بناخوشی ایشانرا پس اجابت کردند مر فرمان ترا و مشغول گردانیدند نفوس خودرا

بطاعتك وملؤا اجزاءهم من ذكرك وعمروا قلوبهم بتعظيم امرك
بفرمانبرداری تو و پر کردند اجزای بدن خودرا از یاد کردن تو و آباد کردند دلهای خودرا بتعظیم فرمان تو

وجزؤا اوقاتهم فيما يرضيك واخلوا دخائلهم من معاريض الخطرات
و قسمت کردند اوقات خودرا در آنچه خشنود سازد ترا و فارغ کردند باطنهای خودرا از پوشیدهای اندیشهها

الشاغلة عنك فجعلت قلوبهم مكامن لارادتك وعقولهم مناصب
باز دارنده از تو پس گردانیدی دلهای ایشانرا نهانگاهها برای خواست خود و خردهای ایشانرا جاهای قرار

لامرك ونهيك والسنتهم تراجمة لسنتك ثم اكرمتهم بنورك
امر خود و نهی خود و زبانهای ایشانرا بیان کننده شریعت خود پس گرامی داشتی ایشانرا بروشنائی تو

حتى فضلتهم من بين اهل زمانهم والاقربين اليهم فخصصتهم
تا آنکه زیادتی دادی ایشانرا از میان اهل زمان ایشان و نزدیکان بسوی ایشان پس مخصوص گردانیدی ایشانرا

بوحيك وانزلت اليهم كتابك وامرتنا بالتمسك بهم والرد اليهم
به پیغام خود و فرو فرستادی بسوی ایشان کتاب خودرا و امر کردی مارا بچنگ در زدن بایشان و برگردانیدن بسوی ایشان مشکلات

والاستنباط منهم اللهم فانا قد تمسكنا بكتابك وبعترة نبيك
و فرا گرفتن احکام از ایشان خداوندا پس بدرستی بتحقیق چنگ درزدیم بکتاب تو بخویشان پیغمبر تو

صلواتك عليهم الذين اقمتهم لنا دليلا وعلما وامرتنا باتباعهم
رحمتهای تو بر ایشان آنانکه برپا داشتی ایشانرا از برای راهنما و نشانه و امر کردی مارا به پیروی ایشان

اللهم

اللهم فانا قد تمسكنا بهم فارزقنا شفاعتهم حين يقول الخائبون
خداوندا پس بدرستی ما بتحقیق چنگ درزدیم بایشان پس روزی مارا درخواست نمودن ایشان هنگامی که میگویند ناامیدان

فما لنا من شافعين ولا صديق حميم واجعلنا من الصادقين المصدقين
پس نیست مارا هیچ درخواست کننده و نه دوست نزدیک و بگردان مارا از راستگویان باشند تصدیق کنندگان

لهم المنتظرين لايامهم الناظرين الى شفاعتهم ولا تضلنا بعد
مر ایشانرا چشم دارندگان مر روزگار دولت ایشانرا نگرندگان بسوی درخواست نمودن ایشان و گمراه مکن مارا پس از آنکه

اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة انك انت الوهاب امين
راهنمودی مارا و ببخش مارا از نزد خود بخششی بدرستی تو توئی بسیار بخشنده اجابت کن

رب العالمين اللهم صل على محمد نبيك وعلى اخيه وصنوه امير المؤمنين
ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت بفرست بر محمد پیغمبر خود و بر برادر او و مثل او پیشوای گروندگان

وقبلة العارفين وعلم المهتدين وثاني الخمسة الميامين الذين فخر بهم
و قبله شناسایان و نشانه راه یافتگان و دویمی پنج تنی صاحبان برکت هم آنانکه نازیده بایشان

الروح الامين وباهل الله تعالى بهم المباهلين فقال وهو اصدق
روح الامین و مباهله فرمود خدا بایشان مباهله کنندگان پس گفت و او راستگوترین

القائلين فمن حاجك فيه من بعد ما جاءك من العلم فقل تعالوا
گویندگانست هر که مخاصمه کند با تو در باب علی پس از آنچه آمد ترا از دانش پس بگو بیائید

ندع ابناءنا وابناءكم ونساءنا ونساءكم وانفسنا وانفسكم
تا بخوانیم ما پسران خودرا و شما پسران خودرا و ما زنان خودرا و شما زنان خودرا و ما نفسهای خودرا و شما نفسهای خودرا

ثم نبتهل فنجعل لعنة الله على الكاذبين ذلك الامام المخصوص
پس زاری کنیم بدرگاه الهی پس بگردانیم لعنت خدارا بر دروغگویان اوست آنکه امامیست مخصوص گردانیده شده

بمواخاته يوم الاخاء والموثر بالقوت بعد ضر الطوى ومن شكر
ببرادری پیغمبر در روز برادری و اختیار کننده بطعام ضروری خود پس از گزند گرسنگی و آنکه ستوده خدا

الله سعيه في هل اتى ومن شهد بفضله معادوه واقر بمناقبه جاحدوه

خدا کوشش او را در سورهٔ هل اتی و آنکه گواهی داده بفضل او دشمنان او و اقرار کرده بفضایل او انکار کنندگان او

صلی الله علیه و آله
رحمت فرستد خدا بر او

مولى الانام ومكسر الاصنام ومن لم تاخذه في الله لومة لائم ما

مالک اختیار مردمان و شکنندهٔ بتان و آنکه فرا نگرفت او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده مادام

طلعت شمس النهار واورقت الاشجار وعلى النجوم المشرقات من

طلوع کند آفتاب روز و برگ آورد درختها و بر ستارگان درخشان از

عترته والحجج الواضحات من ذريته وابتدعا بحسب سند ومتن اصح ادعيه است

ذریت و حجتهای روشن از فرزندان او و دیگر از ایام متبرکه روز بیست و

پنجم است و مشهور آنست که در این روز سورهٔ کریمهٔ هل اتی در شان حضرت
امیر المؤمنین و فاطمهٔ زهراء و امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهم نازل شد
بسبب آنکه حسن و حسین ع بیمار شدند و حضرت رسول ص بعیادت ایشان رفت و امر
فرمود که حضرت امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین ع نذر کردند که اگر خدا ایشانرا
عافیت دهد سه روز روزه بگیرند و چون خدا عافیت کرامت کرد آن چهار بزرگوار
با فضه خادمهٔ ایشان روزه گرفتند و نداشتند چیزی که بآن افطار نمایند پس حضرت
امیر المؤمنین ع قدری پشم از شمعون یهودی گرفت با سه صاع از جو که حضرت فاطمه ع
مزد ثلث آن پشم را بریسد و یکصاع از آن جو را مزد خود بردارد پس در روز
اول حضرت فاطمه علیها السلام قدر ثلث آن پشم را گرفت و رشت و بمزد آن صاعی از جو
برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان پخت و چون حضرت امیر با حضرت رسول ص نماز
شام کرد و بخانه برگشت و حضرت فاطمه ع پنج گرده نان را حاضر کرد و خواستند که
افطار نمایند مسکینی بر در خانه ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد من مسکینم
از مساکین مسلمانان مرا طعام دهید تا خدا شما را از مائدههای بهشت طعام دهد پس حضرت

امیر

امیر المؤمنین ع ابتدا کرد و فرمود که من نان خود را میدهم و سایر اهل بیت علیهم السلام
با فضه با آنحضرت موافقت کردند و نانهای خود را بسائل دادند و باب افطار کردند
و روز دیگر را روزه داشتند و باز حضرت فاطمه ع بمزد رشتن یکثلث دیگر از
پشم یکصاع دیگر را برداشت و آرد کرد و پنج گرده نان دیگر پخت و چون خواستند
افطار کنند سائلی بر در خانه آمد و صدا زد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد
من یتیمی ام از اولاد مهاجرین و پدرم در روز عقبه شهید شده است مرا طعام
دهید تا خدا شما را از خانهای بهشت طعام دهد پس حضرت امیر المؤمنین ع اول
نان خود را داد و بعد از او فاطمهٔ زهراء و بعد از او دو گوشوارهٔ عرش خدا و بعد
ایشان فضه سعادت تمند همگی نانهای خود را بیتیم دادند و باب افطار نمودند و در
روز سیم روزه داشتند باز حضرت سیدة النساء در روز سیم بقیهٔ پشم را رشت
و بقیهٔ جو را گرفت و در آسیا خود آرد کرد و باز پنج گردهٔ نان پخت و چون حضرت
امیر کبیر از نماز برگشت و حضرت فاطمه طعام را حاضر ساخت که افطار نمایند ناگاه
اسیری از اسیران کافران ندا کرد که السلام علیکم ای اهل بیت محمد ما را اسیر میکنید
و می بندید و طعام نمیدهید بخوریم پس نیز همه شبها سابق همگی گردهها نانرا بسائل دادند
و باب بحت افطار نمودند و چون صبح شد حق تعالی سورهٔ کریمهٔ هل اتی را در شان ایشان
فرستاد و در آن سوره اشاره باین قصه نمود که یوفون بالنذر ویخافون یوما
كان شره مستطيرا ويطعمون الطعام على حبه مسكينا ويتيما واسيرا انما
نطعمكم لوجه الله لا نريد منكم جزاء ولا شكورا انا نخاف من ربنا يوما
عبوسا قمطريرا یعنی وفا میکنند بنذر و میترسند از روزی که شر آن اکثر
خلق را فرا گرفته است و میخورانند طعام را با خواهش و محبت آن یا از برای محض
محبت خدا بمسکین و یتیم و اسیر و میگویند یعنی در دل خود نیت ایشان اینست

که ما طعام نمیدهیم شما را مگر از برای رضای خدا نمیخواهیم از شما نه جزا و پاداشی
را و نه شکر و ثنایی را ما میترسیم از روز قیامت که در نهایت شدت و هول است
و چون در روز چهارم که بیست و پنجم ماه ذی الحجه بود سوره هل اتی در مدح
ایشان نازل شد حضرت رسول صلعم بخانه اهل بیت علیهم السلام آمد و ایشان را با آن شدت
کرسنگی و انحال غریب مشاهده نمود کریست و فرمود که این چه حالت است که
در شما مشاهده مینمایم و امام حسن و امام حسین ع را دید از نقاهت بیماری و از
کرسنگی مانند جوجه که از تخم بیرون آید میلرزند و حضرت فاطمه ع در محراب
عبادت ایستاده بود و از کرسنگی شکم مبارکش بر پشت چسپیده بود و چشمهایش
فرو رفته بود چون از نماز فارغ شد حق تعالی خوانی از بهشت برای فاطمه فرستاد
که در آن کاسه بود کوشت و ثرید کرم در آن نهان بود که میجوشید و بویی بهتر از بوی
مشک از آن ساطع بود پس حضرت فاطمه آنخوان را نزد حضرت رسول آورد حضرت
فرمود ای فاطمه اینرا از کجا آوردی کفت از جانب خدا آمده است خدا هر که را خواهد
روزی میدهد بیحساب حضرت فرمود که الحمد لله که از دنیا نرفتم تا در اهل
بیت خود شبیه مریم مادر عیسی را دیدم پس از آن تناول نمودند و تا هفت
روز از آن میخوردند و آخر نمیشد و حضرت صادق ع فرمود که آنکاسه نزد ما است
و حضرت صاحب الامر ع آنرا ظاهر خواهد کرد و طعام بهشت از آن تناول
خواهد نمود و سنیان نیز این روایت را با نزول مائده بطرق بسیار نقل کرده اند
و تفصیل این قصه را در سایر کتب ذکر کرده ام پس مناسبست که شیعیان اهل بیت ع
در این ایام تاسی نمایند بموالی خود در تصدق کردن بر مساکین و یتیمان و سعی
نمایند در اطعام ایشان و شیخ مفید علیه الرحمه کفته است که مستحب است که اینروز را
روزه بدارند برای شکر نعمت نزول سوره هل اتی در شان آل عبا ع و ایضا

مناسب

مناسبت غسل روز زیارت ائمه علیهم السلم و زیارت جامعه را خواندن در اینروز
مناسبست و چون بعضی از علماء اینروز را روز مباهله میدانند دعاهای مباهله را
نیز در اینروز خواندن خوبست و روز بیست و ششم بنابر مشهور عمر علیه اللعنه را
خنجر بر شکمش زده اند و باین سبب نهایت برکت دارد و در روز بیست و هفتم مروان
که آخر خلفاء بنی امیه است بجهنم واصل شد و دولت ملعون بنی امیه لعنهم الله
برطرف شد پس در اینروز شکر این نعمت باید کرد و بعضی کفته اند که حضرت امام علی
نقی ع در اینروز متولد شده است و در روز بیست و نهم بنابر مشهور عمر
باسفل درکات سقر منتقل شده است و باین سبب فضیلت عظیم دارد و در روز آخر
ذی الحجه که آخر سال عربیست روایت کرده اند که سنت است که دو رکعت نماز
بجا آورند و در هر رکعت یکمرتبه سوره حمد و ده مرتبه سوره قل هو الله احد و
ده مرتبه آیة الکرسی بخوانند و بعد از سلام این دعا بخوانند اللهم ما عملت
فی هذه السنة من عمل نهیتنی عنه و لم ترضه و لم تنسه و دعوتنی
در این سال از کردار هر چه کمه مرا از آن و نه پسندیده آنرا و فراموش نکرده آنرا و خواندی مرا
الی التوبة بعد اجترائی علیک اللهم فانی استغفرک منه فاغفر لی و ما
بسوی بازکشت از آن پس از دلیری نمودن من بر تو بار خدایا پس بدرستی که من طلب آمرزش میکنم ترا از آن پس بیامرز مرا و هر چه
عملت من عمل یقربنی الیک فاقبله منی و لا تقطع رجائی منک یا کریم
کردم از کردار که نزدیک کرداند مرا بسوی تو پس بپذیر آنرا از من و مبر امید مرا از خود ای بزرکوار

باب ششم در بیان اعمال ماه محرم است و در آن سه فصلست فصل اول
در اعمال دهه اول محرم است از حضرت امام رضا ع منقول است که حضرت رسول صلعم
در روز اول محرم دو رکعت نماز میکردند و چون از نماز فارغ میشدند دست بدعا
برمیداشتند و این دعا را سه مرتبه میخواندند اللهم انت الاله القدیم و هذه
خداوندا تو ... خدائی دیرینه و این

بار خدایا هر چه کردم
و نسیته
و فراموش کرده ام آنرا

سَنَةٌ جَدِيدَةٌ فَاَسْأَلُكَ فِيهَا الْعِصْمَةَ مِنَ الشَّيْطَانِ وَالْقُوَّةَ عَلَى هٰذِهِ النَّفْسِ
سال سال نو نیست پس درمیخواهم از تو دران نگاهداشتن از شیطان و توانائی براین نفس بسیار
الْاَمَّارَةِ بِالسُّوءِ وَالْاِشْتِغَالَ بِمَا يُقَرِّبُنِي اِلَيْكَ يَا كَرِيمُ يَا ذَا الْجَلَالِ
امرکننده بامر زشت و مشغول شدن بانچه نزدیک گرداند مرا بسوی تو ای بزرگوار ای خداوند بزرگوار
وَالْاِكْرَامِ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا ذَخِيرَةَ مَنْ لَا ذَخِيرَةَ لَهُ يَا حِرْزَ
و گرامی داشتن ای معتمد انکه نیست معتمدی برای او ای ذخیره انکه نیست ذخیره برای او ای پناهگاه محکم
مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا سَنَدَ مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ يَا كَنْزَ
انکه نیست پناهی برای او ای دادرس انکه نیست دادرسی برای او ای تکیه گاه انکه نیست تکیه گاهی برای او ای دفینه انکه
مَنْ لَا كَنْزَ لَهُ يَا حَسَنَ الْبَلَاءِ يَا عَظِيمَ الرَّجَاءِ يَا عِزَّ الضُّعَفَاءِ يَا مُنْقِذَ الْغَرْقَى
نیست دفینه برای او ای نیکو نعمت ای امید بزرگ ای غالب گرداننده ناتوانان ای رهاننده غرق شدگان
يَا مُنْجِيَ الْهَلْكَى يَا مُنْعِمُ يَا مُجْمِلُ يَا مُفْضِلُ يَا مُحْسِنُ اَنْتَ الَّذِي سَجَدَ لَكَ سَوَادُ
ای خلاصی بخش هلاک شدگان ای نعمت دهنده ای نیکو کردار ای بخشنده ای احسان نماینده توئی انکه فروتنی کرد برای تو سیاهی
اللَّيْلِ وَنُورُ النَّهَارِ وَضَوْءُ الْقَمَرِ وَشُعَاعُ الشَّمْسِ وَدَوِيُّ الْمَاءِ وَحَفِيفُ
شب و روشنائی روز و روشنی ماه و تیغهٔ آفتاب و صدای آب و آواز
الشَّجَرِ يَا اَللّٰهُ لَا شَرِيكَ لَكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا خَيْرًا مِمَّا يَظُنُّونَ وَاغْفِرْ لَنَا مَا لَا يَعْلَمُونَ
درخت ای خدا نیست شریکی برای تو خداوندا بگردان ما را بهتر از انچه گمان میبرند افزیرکان و بیامرز برای ما انچه نمیدانند
وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا يَقُولُونَ حَسْبِيَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ
و فرا مگیر ما را بانچه میگویند بس است مرا خدا نیست سزاوار پرستش مگر او بر او اعتماد کردم و او پروردگار
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ اٰمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ اِلَّا اُولُوا الْاَلْبَابِ
عرش بزرگست گرویدیم باو هر چیز از نزد پروردگار ماست و پند نمیگیرند مگر خداوندان خردها
رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ
پروردگار ما میچان از حق دلهای ما را پس از انکه راه نمودی ما را و ببخش ما را از نزد خود بخششی بدرستی که تو توئی

الوهاب

الْوَهَّابُ وچون حضرت سید الشهداء در دهم اینماه بسعادت شهادت فائز
بسیار بخشنده
گردیده و در اکثر این دهه محزون و غمکین بودند و اخبار موحشه بایشان میرسید
باید که شیعیان ایشان در مجمع این دهه بلوازم تعزیه انحضرت قیام نمایند و محزون
و اندوهناك باشند و اخبار و احادیث که مشتمل بر ذکر مصائب ایشان باشد
بخوانند و بعضی علماء کفته اند که ترك بعضی از لذات بکنند و از حضرت امام رضا ع
منقول است که ماه محرم ماهی بود که کافران در اینماه جنگ کردن را حرام میدانستند
و منافقان این امت در اینماه خون ما را حلال دانستند و هتك حرمت ما کردند و زنان
و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش در خیمهای ما زدند و اموال و اسباب ما را غارت
کردند و حرمت حضرت رسول صلعم در باب ما رعایت نکردند بدرستی که مصیبت امام
حسین ع چشمهای ما را مجروح کردانید و آب دیدهای ما را جاری ساخت
و عزیزان ما را ذلیل کردانید و واقعهٔ کربلا کرب و بلا برای ما مهیا کرد تا روز قیامت
پس باید که بر مصائب انحضرت کریه کنندکان بکریند بدرستی که کریه بر انحضرت کناهان
بزرك را بر طرف میکند پس فرمود که پدرم امام موسی ع چون ماه محرم داخل میشد
کسی انحضرت را خندان نمیدید و اثر حزن و اندوه بر انحضرت ظاهر میشد در مجموع
دههٔ اول ماه و چون روز دهم میشد روز مصیبت و کریه و اندوه او بود و میکفت
امروز روز شهادت حسین ع است و در حدیث دیگر فرمود که چون جدم امام
حسین ع شهید شد آسمان خون و خاك سرخ بارید اکر بر انحضرت انقدر کریه کنی که
آب دیده بر روی تو جاری کردد حق تعالی جمیع کناهان کوچك و بزرك ترا
بیامرزد پس فرمود که اکر خواهی که چون بمیری هیچ کناه بر تو نباشد زیارت
کن امام حسین ع را و اکر خواهی که در غرفهای بهشت با حضرت رسول و آل او باشی
لعنت کن قاتلان حسین را و اکر خواهی که ثواب شهیدان کربلا را داشته باشی

هر وقت که مصیبت آنحضرت را بیاد آوری بگو یا لَیتَنِی کُنتُ مَعَهُم فَاَفُوزَ فَوزًا
عَظِیمًا یعنی ای کاشکی میبودم با ایشان پس رستکاری می یافتم رستکاری بزرك
واکر خواهی که در درجه عالیه بهشت با ما باشی از برای اندوه ما اندوه ناك
باش و از برای شادی ما شاد باش و بدانکه روزه روز اول ماه محرم مستحب است
و از حضرت امام رضا ع منقول است که در روز اول محرم حضرت زکریا ع دعا کرد
و از خدا فرزند طلبید و حق تعالی دعا او را مستجاب کردانید چنانکه دعای زکریا را
مستجاب کرد و شیخ مفید علیه الرحمه کفته است که روز سیم محرم روز مبارکی است و در
آن روز حضرت یوسف علیه السلم از چاه بیرون آمد هر که آن روز را روزه دارد حق تعالی
کارهای صعب او بر او آسان کرداند و غمهای او را زائل کرداند و بهتر آنست که روز
نهم و دهم را روزه ندارد زیرا که بنی امیه این دو روز را برای برکت و شماتت بر
قتل آنحضرت روزه میداشته اند و احادیث بسیار در فضیلت این دو روز را برای
برکت و شماتت روزه آنها بر حضرت رسول ص بسته اند و از طریق اهل بیت ع
احادیث بسیار در مذمت روزه این دو روز خصوصا روز عاشوراء وارد
شده است و ایضا بنی امیه لعنهم الله از برای برکت آذوقه سال را در روز عاشوراء
در خانه ذخیره میکرده اند لهذا از حضرت امام رضا ع منقول است که هر که ترك
کند سعی در حوائج خود را در روز عاشوراء و بیکاری نزد حق تعالی حوائج دنیا و آخرت او را
بر آورد و هر که روز عاشوراء ~~و بیکاری نزد حق تعالی~~ روز مصیبت و کریه و اندوه باشد
حق تعالی روز قیامت را روز فرح و سرور و شادی او کرداند و دیده اش در بهشت
بما روشن کردد و هر که روز عاشوراء را روز برکت نامد و از برای منزل خود چیزی در
آن روز ذخیره کند خدا آن ذخیره را بر او مبارك نکرداند و در روز قیامت با یزید
و عبید الله ابن زیاد و عمر بن سعد علیهم اللعنه محشور کردد پس باید که آدمی در روز عاشوراء

مشغول

مشغول کاری از کارهای دنیا نکردد و مشغول کریه و نوحه و مصیبت باشد و امر کند اهل خانه
خود را که تعزیه آنحضرت را بدارند و مشغول ماتم باشند چنانکه در ماتم عزیزترین
اولاد و اقارب خود میباشند و در آن روز امساك کند از خوردن و آشامیدن
بی آنکه قصد روزه کند و در آخر روز بعد از عصر افطار کند اکر چه بشربت آبی باشد
و روزه تمام ندارد مکر آنکه در خصوص آن روز روزه واجبی داشته باشد که نذر
یا مثل آن بر او واجب شده باشد که آن روز را باید روزه بکیرد و در آن روز
آذوقه در خانه ذخیره نکند و نخندد و مشغول لهو و لعب نکردد و هزار مرتبه بر قاتلان
آنحضرت لعنت کند و بکوید اللّٰهُمَّ العَن قَتَلَةَ الحُسَینِ و در روایتی وارد شده
از حضرت صادق ع که هر که در روز عاشوراء هزار مرتبه سوره قل هو الله احد
بخواند خداوند رحمن نظر رحمت بسوی او کند و هر که خدا نظر رحمت بسوی او
کند هرکز او را عذاب نکند و در شب عاشوراء نیز باید که احیاء کند بکریه و
اندوه و حزن برای تاسی بحضرت امام حسین ع و اصحاب او که در آن شب در صحرای
کربلا در میان سی هزار نفر از کافران بیدار تا صبح احیاء کردند و عبادت و تهیه
سعادت شهادت میکردند **فصل دوم** در زیارت مشهور آنحضرت است
در روز عاشوراء و فضیلت زیارت آنحضرت در شب و روز عاشوراء بسند معتبر از
حضرت صادق ع منقول است که هر که در شب عاشوراء نزد قبر شریف آنحضرت باشد
و آنحضرت را زیارت کند در روز قیامت محشور کردد بخون خود آلوده و بهیئت
شهداء کربلا در میان ایشان محشور کردد و هر که در شب و روز عاشوراء زیارت
کند آنحضرت را چنان باشد که در پیش آنحضرت شهید شده باشد و بسند صحیح از آنحضرت
منقول است که هر که حضرت امام حسین ع را در روز عاشوراء زیارت کند بهشت
او را واجب کردد و اما زیارت مشهور شیخ طوسی و ابن قولویه و غیر ایشان رحمهم الله

روایت کرده اند از سیف بن عمیره و صالح بن عقبه و هر دو از محمد بن اسمعیل و علقمه
بن محمد حضرمی و هر دو از مالک جهنی که حضرت امام محمد باقر ع فرمود که هر که زیارت
کند حضرت امام حسین ع را در روز دهم محرم یا نزد قبر آنحضرت گریان شود ملاقات کند
خدا را در روز قیامت با ثواب دو هزار هزار حج و دو هزار هزار عمره و دو هزار هزار
جهاد که هر یک با رسول خدا ص و ائمه طاهرین ع کرده باشد مالک گفت فدای تو شوم
چه ثوابست برای کسی که در شهرهای دور باشد و ممکن نباشد او را رفتن بسوی قبر
آنحضرت فرمود که چون روز عاشوراء در آید بیرون رود بسوی صحراء یا بالا رود در بام
بلندتر در خانه خود و اشاره کند بسوی قبر آنحضرت بسلام و جهد کند در نفرین کردن
بر قاتل آنحضرت و بعد از آن دو رکعت نماز بکند و بکند این کار را در اول روز
پیش از پیشین پس ندبه و نوحه و گریه کند بر حسین و امر کند هر که را در خانه اوست
و از او تقیه نکند بگریه کردن بر آنحضرت و در خانه خود مصیبت برپا دارد باظهار
جزع بر آنحضرت و ملاقات کند بعضی از ایشان بعضی را در خانهای خود بگریه کردن
و تعزیه گویند بعضی از ایشان بعضی را بمصیبت آنحضرت پس من ضامنم بر خدا که هر گاه
این کارها را بکند حق تعالی جمیع این ثوابها را بایشان عطا فرماید مالک گفت تو ضامنی
برای ایشان باین ثواب فرمود که بلی پرسید که چگونه بگویند یکدیگر را تعزیت بگویند فرمود که
میگویند عَظَّمَ اللّٰهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِالْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَ جَعَلَنا وَ اِیّاکُمْ مِنَ الطّالِبینَ
بزرگ گرداند خدا مزدهای ما را بآن مصیبت واند وه ما بر حسین بر او باد درود و بگرداند ما را و شما را از طلب کنندگان
بِثارِهِ مَعَ وَلِیِّهِ الْاِمامِ الْمَهْدِیِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ و اگر توانی در آن روز
خون او با صاحب خون امام راه یافته از خاندان محمد بر ایشان باد درود
از برای هیچ کار از
خانه بیرون نرود مروکه آن روز نحسی است که حاجت هیچ مؤمنی در آن روز برآورده
نشود و اگر برآورده شود از برای او مبارک نیست و در آن رشدی و ثوابی نخواهد
بود و ذخیره مکن از برای منزل خود چیزی که هر که در این روز از برای منزل خود چیزی
ذخیره کند از برای او مبارک نیست آنچه ذخیره کرده است و اهلش که از برای ایشان
ذخیره کرده است مبارک نخواهد بود از برای او پس کسی که چنین کند از برای او
نوشته شود ثواب هزار هزار حج و هزار هزار عمره و هزار هزار جهاد که همه را با
رسول خدا ص کرده باشد و از برای او خواهد بود ثواب مصیبت هر پیغمبری و رسولی
و صدیقی و شهیدی که مرده باشد یا کشته شده باشد از وقتی که خدا دنیا را
خلق کرده است تا روز قیامت علقمة بن محمد گفت که من گفتم بحضرت امام محمد باقر ع
که تعلیم نما بمن دعایی که بخوانم در این روز که هر گاه که خواهم که آنحضرت را زیارت کنم
از نزدیک و دعایی که هر گاه در شهرهای دور خواهم که اشاره کنم بآنحضرت در زیارت
کنم بخوانم فرمود که ای علقمه هر گاه بکنی آن دو رکعت نماز را بعد از آنکه اشاره کرده
باشی بجانب آنحضرت بسلام و گفته باشی بعد از اشاره و نماز آن قول را که مذکور خواهد
شد پس دعا کرده خواهی بدعایی که ملائکه میخوانند در وقتی که زیارت آنحضرت را میکنند
و مینویسد خدا برای تو بآن زیارت هزار هزار حسنه و محو میکند از تو هزار هزار
گناه و بلند میکند از برای تو در بهشت هزار هزار درجه و خواهی بود از آنها که
شهید شده باشند با حسین بن علی صلوات الله علیه تا آنکه شریک شوی با ایشان
در درجات ایشان و شناخته نشوی مگر از آنها که با آنحضرت شهید شده اند و نوشته
شود برای تو ثواب هر پیغمبری و رسولی و ثواب زیارت هر که آنحضرت را زیارت کرده
است از روزی که شهید شده است میگویی اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَبا عَبْدِ اللّٰهِ
درود بر تو ای ابا عبد الله
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَ ابْنَ
درود بر تو ای فرزند رسول خدا درود بر تو ای فرزند پادشاه گروندگان و فرزند
سَیِّدِ الْوَصِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ فاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ
بزرگ اوصیا درود بر تو ای پسر فاطمه خاتون زنان جهانیان درود

عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُورَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ
بر تو ای خون خدا و پسر ثار او و ای خون خونخواه سلام بر تو و بر جانهائی که

الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعًا سَلَامُ اللهِ أَبَدًا مَا بَقِيتُ وَبَقِيَ
فرود آمدند بگرد آگرد تو بر شما باد از جانب من همگی شما سلام خدا همیشه مادام که پاینده باشم من

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ
و پاینده باشد شب و روز ای ابا عبد الله بتحقیق عظیم گشته مصیبت تو و بزرگ گشته بکرده به سبب مصیبت تو

عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ وَجَلَّتْ وَعَظُمَتْ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمٰوَاتِ
بر ما و بر همه اهل اسلام و بزرگ گردیده و عظیم گشته مصیبت تو در آسمانها

عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمٰوَاتِ فَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ
بر همه اهل آسمانها پس لعنت کند خدا گروهی را که نهادند بنای ظلم و ستم را بر اهل

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ
شما ای خانواده پیغمبر و لعنت کند خدا گروهی را که زایل کردند شما را از جایگاه شما و دفع کردند شما را از

مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَتَّبَكُمُ اللهُ فِيهَا وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ وَلَعَنَ اللهُ
مرتبهای شما که مرتبه گردانیده شما را خدا در آنها و لعنت کند خدا گروهی را که کشتند شما را و لعنت کند خدا

الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالتَّمْكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ
گروهی را که ساز کردند کار ایشان را بقدرت دادن از کارزار شما بیزار گشتم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان و از

أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ
تابعان ایشان و پیروان ایشان و دوستان ایشان ای ابا عبد الله بدرستی که من صلحم آنرا که صلح کرد با شما

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ وَلَعَنَ اللهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ وَ
و جنگم آنرا که جنگ کرده با شما تا روز رستخیز و لعنت کند خدا آل زیاد را و آل مروان را و

لَعَنَ اللهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً وَلَعَنَ اللهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ وَلَعَنَ اللهُ عُمَرَ بْنَ
لعنت کند خدا پسران امیه را قاطبة و لعنت کند خدا پسر مرجانه را و لعنت کند خدا عمر پسر سعد

سَعْدٍ وَلَعَنَ اللهُ شِمْرًا وَلَعَنَ اللهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ وَ
سعد را و لعنت کند خدا شمر را و لعنت کند خدا گروهی را که زین کردند و لجام کردند اسبان را و پوشیدند آلات حرب را و

تَهَيَّأَتْ لِقِتَالِكَ بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ فَأَسْأَلُ اللهَ
مهیا شدند برای مقاتله تو فدای تو باد پدر و مادرم بتحقیق که عظیم گشته مرا مصیبت تو پس سؤال میکنم خدا را

الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ
که گرامی داشت جای اقامت ترا و گرامی داشت مرا بتو آنکه روزی کند مرا طلب کردن خون تو با پیشوای

مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ ص اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ
یاری داده شده از خانواده محمد خداوندا بگردان مرا نزد خود خوش روی بمراعات حرمت حسین

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ وَإِلَى رَسُولِهِ وَ
در این جهان و آن جهان ای ابا عبد الله وَإِلَى الْحَسَنِ بدرستی که من نزدیکی میجویم بسوی خدا و بسوی رسول او و

إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَيْكَ بِمُوَالَاتِكَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ
بسوی امیر المؤمنین و بسوی فاطمه و بسوی حسن و بسوی تو به دوست داشتن تو و به بیزاری از آنانکه کارزار کردند ترا

وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ وَبِالْبَرَاءَةِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ
و برپا کرد برای تو جنگ را و به بیزاری از آنکه بنا گذاشت بنای ستم و تعدی را

عَلَيْكُمْ وَأَبْرَأُ إِلَى اللهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ أَسَّسَ أَسَاسَ ذٰلِكَ وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ
بر شما و بیزارم بسوی خدا و بسوی رسول او از آنکه بنا کرد اساس ظلم را و گذاشت بر ظلم بنای خود را

وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ بَرِئْتُ إِلَى اللهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ
و روان شد در ستم خود و طغیان خود بر شما و بر پیروان شما بیزار گشتم بسوی خدا و بسوی شما از ایشان

وَأَتَقَرَّبُ إِلَى اللهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُوَالَاتِكُمْ وَمُوَالَاةِ وَلِيِّكُمْ وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ
و نزدیکی میجویم بسوی خدا پس بسوی شما بدوستی شما و دوستی دوست شما و به بیزاری از

أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ وَوَلِيٌّ
أَعْدَائِهِمْ
تابعان و پیروان ایشان بدرستی که من صلحم آنرا که صلح کرد با شما و جنگم آنرا که جنگ کرد با شما و دوستم

لِمَن والاكُم وَعَدُوٌّ لِمَن عاداكُم فَاَسْاَلُ اللهَ الَّذی اَکرَمَنی بِمَعرِفَتِکُم وَمَعرِفَةِ
آنرا که دوست دارد شما را و دشمنم مر آنرا که دشمنی ورزید با شما پس سؤال میکنم خدا را که گرامی داشت مرا بشناخت شما و شناخت

اَولیائِکُم وَرَزَقَنِی البَراءَةَ مِن اَعدائِکُم اَن یَجعَلَنی مَعَکُم فِی الدُّنیا وَ
دوستان شما و روزی کرد مرا بیزاری از دشمنان شما اینکه بگرداند مرا با شما در اینجهان و

الآخِرَةِ وَاَن یُثَبِّتَ لی عِندَکُم قَدَمَ صِدقٍ فِی الدُّنیا وَالآخِرَةِ وَاَسْاَلُهُ
آنجهان و اینکه ثابت گرداند برای من نزد شما قدم راست درستی در دنیا و عقبی و سؤال میکنم ازو

اَن یُبَلِّغَنِی المَقامَ المَحمُودَ لَکُم عِندَ اللهِ وَاَن یَرزُقَنی طَلَبَ ثاری مَعَ اِمامٍ
اینکه برساند مرا بآن منزلگاه ستوده که برای شماست نزد خدا و اینکه روزی کند مرا طلب نمودن خون خود با پیشوای

مَهدِیٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ مِنکُم وَاَسْاَلُ اللهَ بِحَقِّکُم وَبِالشَّاْنِ الَّذی لَکُم
راه یافته آشکار سخن گو از شما و سؤال میکنم از خدا بحق شما و بمرتبه که شما راست نزد

عِندَهُ اَن یُعطِیَنی بِمُصابی بِکُم اَفضَلَ ما یُعطی مُصاباً بِمُصیبَتِهِ مُصیبَةً
او اینکه ببخشد مرا بسزای مکروه بمصیبت شما بهتر از آنچه میبخشد مصیبت رسیده بسبب مصیبت وصف میکنم مصیبت

بِمُصیبَتِهِ نزر

ما اَعظَمَها وَاَعظَمَ رَزِیَّتَها فِی الاِسلامِ وَفی جَمیعِ اَهلِ السَّماواتِ وَالاَرضِ
چه بزرگست آن و چه بزرگست ناخوشی آن در اسلام و در همه اهل آسمانها و زمین

اَللّٰهُمَّ اجعَلنی فی مَقامی هذا مِمَّن تَنالُهُ مِنکَ صَلَواتٌ وَرَحمَةٌ وَمَغفِرَةٌ
خداوندا بگردان مرا در جایگاه من اینجا از آنانکه برسد ایشان را از تو درودها و رحمت و آمرزش

اَللّٰهُمَّ اجعَل مَحیایَ مَحیا مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَماتی مَماتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
خداوندا بگردان زندگی مرا مانند زندگانی محمد و آل محمد و مردن مرا مانند مردن محمد و آل محمد

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هذا یَومٌ تَبَرَّکَت بِهِ بَنو اُمَیَّةَ وَابنُ آکِلَةِ الاَکبادِ اللَّعینُ ابنُ
خداوندا بدرستیکه این روز روزیست که برکت جسته اند بآن پسران امیه و پسر خورنده جگرها لعنت کرده شده پسر

اللَّعینِ عَلی لِسانِ نَبِیِّکَ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ فی کُلِّ مَوطِنٍ وَمَوقِفٍ
لعنت کرده شده بر زبان پیغمبر تو رحمت فرستد خدا بر او و آل او در هر جایگاهی و اقامتگاهی که ایستاد

فیه

فیهِ نَبِیُّکَ صَلَواتُکَ عَلَیهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ العَن اَبا سُفیانَ وَمُعاوِیَةَ بنَ
در آن پیغمبر تو رحمتهای تو بر او باد و آل او خداوندا لعنت کن ابا سفیان و معاویه پسر

اَبی سُفیانَ وَیَزیدَ بنَ مُعاوِیَةَ عَلَیهِم مِنکَ اللَّعنَةُ اَبَدَ الآبِدینَ وَهذا
ابو سفیان و یزید پسر معاویه را بر ایشان از تو لعنت در مدت بی‌نهایت پاینده‌گان و این

یَومٌ فَرِحَت بِهِ آلُ زِیادٍ وَآلُ مَروانَ بِقَتلِهِمُ الحُسَینَ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِ
روزیست که شاد شدند بآن آل زیاد و آل مروان بسبب کشتن ایشان حسین را رحمتهای خدا بر او

اَللّٰهُمَّ فَضاعِف عَلَیهِمُ اللَّعنَ مِنکَ وَالعَذابَ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَتَقَرَّبُ اِلَیکَ
خداوندا مضاعف کن بر ایشان لعنت را از خود و عذاب را خداوندا بدرستیکه من نزدیکی میجویم بسوی تو

فی هذَا الیَومِ وَفی مَوقِفی هذا وَاَیّامِ حَیاتی بِالبَراءَةِ مِنهُم وَاللَّعنَةِ
در این روز و در جایگاه ایستادنم اینجا و در روزگار زندگیم به بیزاری از ایشان و لعنت کردن

عَلَیهِم وَبِالمُوالاةِ لِنَبِیِّکَ وَآلِ نَبِیِّکَ عَلَیهِمُ السَّلامُ پس صد مرتبه اللّٰهُمَّ العَن
بر ایشان و به دوست داشتن پیغمبر تو و آل پیغمبر تو بر ایشان باد درود میگوئی خداوندا لعنت کن

اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَآخِرَ تابِعٍ لَهُ عَلی ذلِکَ اَللّٰهُمَّ
نخستین ستم کننده را که ستم کرد بحق محمد و آل محمد و آخر کسی را که پیروی کند مر او را بر آن ستم خداوندا

العَنِ العِصابَةَ الَّتی جاهَدَتِ الحُسَینَ وَشایَعَت وَبایَعَت عَلی قَتلِهِ اَللّٰهُمَّ
لعنت کن جماعتی را که کارزار نمودند حسین را و پیروی کردند و بیعت نمودند بر کشتن او خداوندا

العَنهُم جَمیعاً پس صد مرتبه اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِ اللهِ وَعَلَی الاَرواحِ الَّتی
لعنت کن ایشان را همه میگوئی درود بر تو ای ابا عبد الله و بر جانهائی

حَلَّت بِفِنائِکَ عَلَیکَ مِنّی سَلامُ اللهِ ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیلُ وَالنَّهارُ
فرود آمدند بگرداگرد سرای تو بر تو باد از جانب من درود خدا مادام که باقی باشم من و باقی باشد شب و روز

وَلا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ العَهدِ مِنّی لِزِیارَتِکُم اَلسَّلامُ عَلَی الحُسَینِ وَعَلی عَلِیِّ بنِ
و مگرداند این دریافت زیارت را آخر دریافتن از من مر زیارت ترا سلام بر حسین و بر علی فرزند

الحسین و علی اصحاب الحسین پس میگوئی اللهم خص انت اول ظالم باللعن منی
حسین و بر یاران حسین خداوندا مخصوص گردان تو اول ستم کننده را بلعنت از جانب من

وابدا به اولا ثم الثانی ثم الثالث ثم الرابع اللهم العن یزید
وابتدا کن باو نخستین بار پس دویمین را پس سیمین را پس چهارمین را خداوندا لعنت کن یزید

بن معویة خامسا والعن عبید الله بن زیاد وابن مرجانة وعمر بن
پسر معویه را پنجم بار و لعنت عبید الله پسر زیاد را و پسر مرجانه و عمر پسر

سعد وشمرا وآل ابی سفیان وآل زیاد وآل مروان الی یوم القیمة
سعد و شمر و آل ابی سفیان و آل زیاد و آل مروان تا روز قیامت

پس بسجده میروی و میگوئی اللهم لک الحمد حمد الشاکرین لک علی مصابهم الحمد لله
خداوندا مر ترا است سپاس مانند سپاس سپاس گزاران تو بر مکروه خود سپاس مر خدا را

علی عظیم رزیتی اللهم ارزقنی شفاعة الحسین ع یوم الورود و
بر مصیبت بزرگ من خداوندا روزی کن مرا در خواست کردن حسین ع را برو یا در روز وارد شدن بر تو و

ثبت لی قدم صدق عندک مع الحسین واصحاب الحسین الذین بذلوا
ثابت دار برای من قدم راست ثابتی نزد خود با حسین و یاران حسین ع بخشیدند

مهجهم دون الحسین علیه السلم علقمه گفت که امام محمد باقر ع فرمود که اگر
خونهای خود را نزد حسین برادر و درود توانی هر روز آنحضرت را باین کیفیت زیارت

کنی بکن جمیع این ثوابها از برای تو خواهد بود و روایت کرد محمد بن خالد طیالسی
از سیف بن عمیره که گفت من با صفوان جمال و جماعتی از اصحاب خود رفتیم
بسوی نجف بعد از آنکه حضرت صادق ع بیرون رفته بودند از حیره بمدینه پس از
ما پس چون از زیارت حضرت امیر المؤمنین ع فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید
بسوی قبر حضرت امام حسین ع و گفت زیارت کنید حضرت امام حسین ع را از این

مکان

مکان از بالای سر امیر المؤمنین ع که حضرت امام جعفر صادق ع چنین کرد در
وقتی که من در خدمت شریف آنحضرت باین مکان شریف آمده بودم پس خواند
صفوان آن زیارت را که علقمه از حضرت امام محمد باقر ع برای روز عاشوراء
روایت کرده است پس دو رکعت نماز کرد نزد سر امیر المؤمنین ع و وداع کرد
بعد از نماز امیر المؤمنین ع را و رو بجانب قبر امام حسین ع کرد و آنحضرت را
نیز وداع کرد و از جمله دعاها که بعد از آن دو رکعت نماز خواند این دعا بود
یا الله یا الله یا مجیب دعوة المضطرین یا کاشف کرب المکروبین
ای خدا ای خدا ای پذیرنده دعای درماندگان ای زایل کننده اندوه اندوهناکان

یا غیاث المستغیثین ویا صریخ المستصرخین ویا من هو اقرب
ای فریادرس فریاد طلبان وای دادرس دادخواهان وای آنکه او نزدیکتر است

الی من حبل الورید ویا من یحول بین المرء وقلبه ویا من هو
بسوی من از رگ گردن وای آنکه حایل میشود میان مرد و دل او وای آنکه او

بالمنظر الاعلی وبالافق المبین ویا من هو الرحمن الرحیم علی العرش
در دیدگاه بلندتر و باثار قدرت او روشن تر وای آنکه اوست بخشنده مهربان بر عرش

استوی یعلم خائنة الاعین وما تخفی الصدور ویا من لا تخفی علیه
مستولی وای آنکه میداند اشاره دیدهها را و آنچه پنهان دارند سینهها وای آنکه پنهان نیست بر او هیچ

خافیة ویا من لا تشتبه علیه الاصوات ویا من لا تغلطه الحاجات
پنهانی وای آنکه مشتبه نمیشود بر او آوازها وای آنکه مشتبه نمیشود بغلط نمی اندازد او را حاجتها

ویا من لا یبرمه الحاح الملحین یا مدرک کل فوت ویا جامع کل شمل
وای آنکه تنگ نمیکند او را مبالغه مبالغه کنندگان ای دریابنده هر فوت شده وای فراهم آورنده هر پراکنده

ویا باریء النفوس بعد الموت یا من هو کل یوم فی شان یا قاضی
وای پدید آورنده نفسها پس از مردن ای آنکه او هر روز در کاری است ای برآرنده

الحاجات يا منفّس الكربات يا معطي السؤلات يا ولي الرغبات يا كافي السؤالات
حاجتها ای زایل کننده اندوهها ای بخشنده سؤلها ای رواکننده خواهشها ای کارگزار

المهمّات يا من يكفي من كل شيء ولا يكفي منه شيء في السّموات
کارهای سخت ای آنکه بی‌نیاز میگرداند از هر چیز و بی‌نیاز نمیگرداند از او چیزی در آسمانها

والارض اسألك بحقّ محمّد وعليّ وبحقّ فاطمة بنت نبيّك وبحقّ
و زمین درمیخواهم از تو بحق محمد و علی و بحق فاطمه دختر پیغمبر تو و بحق

الحسن والحسين فانّي بهم اتوجّه اليك في مقامي هذا وبهم اتوسّل
حسن و حسین پس بدرستی که من بوسیله ایشان رو میکنم بسوی تو در جای اقامت خود اینجا و با ایشان توسل میجویم

وبهم اتشفّع اليك وبحقّهم اسألك واقسم واعزم عليك وبالشّأن
و با ایشان شفاعت میجویم بسوی تو و بحق ایشان سؤال میکنم از تو و قسم میدهم و آهنگ میکنم ترا و بمرتبه برازنده

الّذي لهم عندك وبالقدر الّذي لهم عندك وبالّذي فضّلتهم
نزد تو و بمنزلت و بآنچه زیادتی داده ایشان را نزد تو و بآنچه زیادتی داده ایشان را

على العالمين وباسمك الّذي جعلته عندهم وبه خصصتهم دون
بآن بر جهانیان و بحرمت نام تو آن نام که گردانیده آن را نزد ایشان و بآن مخصوص گردانیدی زیادتی

العالمين وبه ابنتهم وابنت فضلهم من فضل العالمين حتّى فاق
جهانیان و بآن ممتاز گردانیدی ایشان را و امتیاز دادی فضل ایشان را از فضل جهانیان تا آنکه فایق آمد

فضلهم فضل العالمين ان تصلّي على محمّد وال محمّد وان تكشف عنّي
فضل ایشان فضل جهانیان را اینکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد و اینکه زایل کنی از من

غمّي وهمّي وكربي وتكفيني المهمّ من اموري وتقضي عنّي ديني و
غم مرا و اندوه مرا و حزن مرا و کار کذاری کنی برای من کار سخت از کارهای مرا و ادا کنی از من قرض مرا

تجيرني من الفقر وتجيرني من الفاقة وتغنيني عن المسألة الى المخلوقين
پناه آوری مرا از بی‌نیازی را و نگاه داری مرا از تنگدستی و بی‌نیاز کنی مرا از سؤال کردن بسوی آفریدگان

وتكفيني

وتكفيني همّ من اخاف همّه وعسر من اخاف عسره وحزونة من
و دفع کنی از من اندوه آنرا که میترسم از اندوه او و شدت آنکه میترسم از شدت او و درشتی آنکه

اخاف حزونته وشرّ من اخاف شرّه ومكر من اخاف مكره وبغي
میترسم از درشتی آن و گزند آنکه میترسم از گزند آن و حیله آنکه میترسم از حیله او و تعدی

من اخاف بغيه وجور من اخاف جوره وسلطان من اخاف سلطانه
آنکه میترسم از تعدی او و ستم آنکه میترسم از ستم او و تسلط آنکه میترسم از تسلط او

وكيد من اخاف كيده ومقدرة من اخاف بلاء مقدرته عليّ وتردّ
و حیله آنکه میترسم از حیله او و تسلط آنرا که میترسم از زحمت تسلط او بر من و اینکه برگردانی

عنّي كيد الكيدة ومكر المكرة اللّهمّ من ارادني بسوء فارده ومن
از من مکر مکاران را و حیله حیله وران را خداوندا آنکه قصد کند مرا ببدی پس قصد کن او را و آنکه

كادني فكده واصرف عنّي كيده ومكره وبأسه وامانيه وامنعه
مکر کند با من پس جزا ده مکر او را و بگردان از من حیله او را و مکر او را و سختی او را و دروغهای او را و بازدار او را

عنّي كيف شئت وانّى شئت اللّهمّ اشغله عنّي بفقر لا تجبره وببلاء
از من هر روش که خواهی و هر جا که خواهی خداوندا بازدار او را از من با حاجتی که تدارک نکنی آنرا و ببلائی

لا تستره وبفاقة لا تسدّها وبسقم لا تعافيه وذلّ لا تعزّه وبمسكنة
نپوشانی آنرا و بتنگدستی که نبندی راه آنرا و به بیماری که شفا نبخشی آنرا و خواری که بعزت بدل نمائی آنرا و

لا تجبرها اللّهمّ اضرب بالذّلّ نصب عينيه وادخل عليه الفقر في
تدارک نکنی آنرا خداوندا بزن خواری را برابر دیدهای او و داخل کن بر او تنگدستی را در

منزله والعلّة والسّقم في بدنه حتّى تشغله عنّي بشغل شاغل لا فراغ
جایگاه او و علت و بیماری را در کالبد او تا آنکه بازداری او را از من بشغلی مشغول سازنده که نباشد فراغی

ذكري
ياد مرا

له وانسه كما انسيته ذكرك وخذ عنّي بسمعه وبصره ولسانه ويده و
او را و فراموش گردان چنانچه فراموش گردانیده یاد تو را و فرا گیر از من گوش او را و دیده او را و زبان او را و دست او را و

رجله وقلبه وجميع جوارحه وادخل عليه في جميع ذلك السقم ولا
پای اورا ودل اورا وهمه اعضای اورا وداخل کن براو درهمه آنها بیماری را وشفا

تشفه حتى تجعل ذلك له شغلا شاغلا به عني وعن ذكري واكفني
مده اورا تا بگردانی بیماری را برای او شغلی که باز دارد اورا از من واز یاد من وکفایت کن مرا

يا كافي ما لا يكفي سواك فانك الكافي لا كافي سواك ومفرج لا
ای کارگزار آنچه را که کفایت نمیکند غیر تو پس بدرستیکه توئی کارگزار نیست کارگزاری غیر تو وگشاینده نیست

مفرج سواك ومغيث لا مغيث سواك وجار لا جار سواك خاب
گشاینده غیر تو وفریادرس نیست فریادرسی غیر تو وپناه دهنده نیست پناه دهنده غیر تو ناامید گشته

من كان رجاؤه سواك ومغيثه سواك ومفزعه الى سواك ومهربه
اگر بود امید او غیر تو وفریادرس او غیر تو وپناه بردن او بسوی غیر تو وگریختن او

وملجاه الى غيرك ومنجاه من مخلوق غيرك فانت ثقتي ورجائي و
والتجای او بسوی غیر تو ورستن او از مخلوقی غیر تو پس تو اعتماد منی وامید منی و

مفزعي ومهربي وملجاي ومنجاي فبك استفتح وبك استنجح وبمحمد
پناه منی وگریزگاه منی وپناهگاه من ورستنگاه من پس بتو طلب میکنم گشایش را وبتو رستگاری میجویم وبمحمد

وآل محمد اتوجه اليك واتوسل واتشفع فاسالك يا الله يا الله
وخاندان محمد رو میکنم بسوی تو ووسیله میجویم وشفاعت میجویم پس سؤال میکنم از تو ای خدا ای خدا

يا الله فلك الحمد ولك الشكر واليك المشتكى وانت المستعان
ای خدا پس مر تراست سپاس ومر تراست ستایش وبسوی تست شکایت نمودن ونالیدن وتوئی مددخواسته شده

فاسالك يا الله بحق محمد وآل محمد ان تصلي على محمد وآل محمد وان
پس درمیخواهم از تو ای خدا بحق محمد وآل محمد اگر رحمت بفرستی بر محمد وآل محمد واینکه

تكشف عني غمي وهمي وكربي في مقامي هذا كما كشفت عن نبيك همه وغمه
زایل کنی از من غم مرا واندوه مرا وحزن مرا در جای اقامت من اینجا چنانچه زایل نمودی از پیغمبر خود اندوه اورا وغم او
وکرب

وكربه وكفيته هول عدوه فاكشف عني كما كشفت عنه وفرج عني
وحزن اورا ودفع کردی از وی شدت دشمن اورا پس زایل کن از من چنانچه زایل کردی از وی وبگشا از من

كما فرجت عنه واكفني كما كفيته واصرف عني هول ما اخاف هوله
چنانچه گشودی از او وکارگزاری کن مرا چنانچه کارگزاری نمودی او وبگردان از من شدت آنچه میترسم از شدت آن

ومؤنة ما اخاف مؤنته وهم ما اخاف همه بلا مؤنة على نفسي
ومشقت آنچه میترسم از مشقت آن واندوه آنچه میترسم از اندوه آن بلا رسیدن تعبی بر نفس من

من ذلك واصرفني بقضاء حوائجي وكفاية ما اهمني همه من
از آن وبگردان از من باروا کردن حاجتهای من ودفع نمودن آنچه غمگین نماید مرا اندوه آن از

امر آخرتي ودنياي يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله عليكما مني
کار عقبی من ودنیای من ای پادشاه گروندگان وای اباعبدالله برشما باد از من

سلام الله ابدا ما بقيت وبقي الليل والنهار ولا جعله الله ما
درود خدا همیشه مادام که پاینده باشم شب وروز ونگرداند این دریافت زیارت را خدا

آخر العهد من زيارتكما ولا فرق الله بيني وبينكما اللهم احيني
آخر دریافتن از زیارت شما وجدائی نیفکند خدا میان من ومیان شما خداوندا زنده دار مرا

حيوة محمد وذريته وامتني مماتهم وتوفني على ملتهم واحشرني
مانند زندگی محمد وفرزندان او وبمیران مرا مانند مردن ایشان وبگیر جان مرا بر دین ایشان وبرانگیز مرا

في زمرتهم ولا تفرق بيني وبينهم طرفة عين ابدا في الدنيا والآخرة
در گروه ایشان وجدائی میفکن میان من ومیان ایشان بقدر برهم زدن چشم هرگز در اینجهان وآنجهان

يا امير المؤمنين ويا ابا عبد الله اتيتكما زائرا ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما و
ای پادشاه گروندگان وای اباعبدالله آمدم شمارا زیارت کننده روآورنده بسوی من قصد شما بخواند بخانهٔ

اتيتكما زائرا ومتوسلا الى الله ربي وربكما ومتوجها اليه بكما و
آمدم شمارا زیارت کننده وتوسل جوینده بسوی خدا پروردگار من وپروردگار شما وروکننده بسوی او بوسیلهٔ شما و

مستشفعا بكما الى الله في حاجتي هذه فاشفعا لي فان لكما عند الله المقام المحمود

شفاعت جوینده بوسیله شما بسوی خدا در حاجت خود این حاجت پس شفاعت کنید مرا زیرا که برای شما نزد خدا جایگاه ستوده

والجاه الوجيه والمنزل الرفيع والوسيلة اني انقلب عنكما منتظرا — انقلب بعد

و بزرگواری بغایت نیکو و جایگاه بلند و شفاعت بدرستی که من بر میگردم از نزد شما انتظار دارنده

لتنجز الحاجة وقضائها ونجاحها من الله بشفاعتكما لي الى الله في

مر حصول حاجت را و بر آوردن آن و روا شدن آنرا از جانب خدا بواسطه شفاعت نمودن شما برای من بسوی خدا در

ذلك فلا اخيب ولا يكون منقلبي منقلبا خائبا خاسرا بل يكون

آن پس ناامید نمیگردم و نیست بازگشتن من بازگشتنی با نومیدی و زیان بلکه هست

منقلبي منقلبا راجحا مفلحا منجحا مستجابا لي بقضاء جميع حوائجي

بازگشتن من بازگشتنی با مزیت و فیروزی و رستگاری اجابت کرده شده برای من بروا کردن خدا همه حاجتهای مرا

وتشفعا لي الى الله انقلب على ما شاء الله ولا حول ولا قوة الا — وتشفعا لي / انقلبت فی نسخه

و درخواست کنید شفاعت مرا بسوی خدا باز میگردم بر آنچه خواسته خدا و نیست حرکتی و نه توانائی مگر

بالله مفوضا امري الى الله ملجأ ظهري الى الله ومتوكلا على الله

بتوفیق خدا حال آنکه واگذارم کار خود را بسوی خدا اعتماد و تکیه دهم پشت خود را بسوی لطف خدا و اعتماد کنم بر خدا و

واقول حسبي الله وكفى سمع الله لمن دعا ليس لي وراء الله ووراءكم

و میگویم بس است مرا خدا و کافیست اجابت کند خدا آنرا که خوانده او را و نیست مرا غیر خدا و غیر شما

يا سادتي منتهى ما شاء ربي كان وما لم يشأ لم يكن ولا حول ولا

ای بزرگان من منتهی و ملجأ آنچه خواسته پروردگار من یافت شده و آنچه نخواسته یافت نشده و نیست قدرتی و نه

قوة الا بالله استودعكما الله ولا جعله الله آخر العهد مني اليكما

توانائی مگر بتوفیق خدا بامانت می سپارم شما را بخدا و نگرداند این رسیدن مرا خدا آخر رسیدنی از من بسوی شما

انصرفت يا سيدي يا امير المؤمنين ومولاي وانت يا ابا عبد الله

باز گردیدم ای آقای من ای پادشاه گروندگان و صاحب اختیار من و تو ای ابا عبد الله

یاسیدی

يا سيدي وسلامي عليكما متصل ما اتصل الليل والنهار واصل

ای آقای من و درود من بر شما پیوسته است مادام پیوسته باشد شب و روز رسنده است

ذلك اليكما غير محجوب عنكما سلامي ان شاء الله واسأله

سلام من بسوی شما نیست باز داشته شده از شما درود من اگر خواهد خدا و در میخواهم از او

بحقكما ان يشاء ذلك ويفعل فانه حميد مجيد انقلبت يا

بحق شما اگر بخواهد آنرا و بکند آنرا زیرا که بتحقیق او ستوده بزرگوار است باز گردیدم ای

سيدي عنكما تائبا حامدا لله شاكرا راجيا للاجابة غير آيس

آقای من از نزد شما باز گشت کننده سپاس گزار مر خدا را حق سپاس کننده امیدوار مر اجابت خدا را نه مأیوس

ولا قانط آئبا عائدا راجعا الى زيارتكما غير راغب عنكما ولا

نه ناامید رجوع نماینده و عود کننده باز گردنده بسوی او زیارت شما نه روگردان از شما و نه

من زيارتكما ~~غير راغب عنكما~~ بل راجع عائد ان شاء الله ولا حول ولا قوة الا

از زیارت شما بلکه رجوع کننده باز گردنده ام اگر خواهد خدا و نیست قدرتی و نه توانائی مگر

بالله يا سادتي رغبت اليكما والى زيارتكما بعد ان زهد

بخواست خدا ای آقایان من خواهش نمودم بسوی شما و بسوی زیارت شما پس از آنکه بی رغبتی نمودند

فيكما وفي زيارتكما اهل الدنيا ولا خيبني الله مما رجوت وما

در شما و در زیارت شما اهل دنیا پس ناامید نگرداند مرا خدا از آنچه امیدوارم و آنچه

أملت في زيارتكما انه قريب مجيب سيف بن عميرة گفت من صفوان

آرزو دارم در زیارت شما بدرستی که خدا نزدیک و اجابت کننده

گفتم که علقمه که این زیارت را از امام محمد باقر ع از برای ما روایت کرد این دعا را نقل نکرد صفوان گفت که من وارد شدم با سید خود امام جعفر صادق ع با ین مکان پس کرد مثل آنچه ما کردیم در زیارت و این دعا را خواند در هنگام وداع بعد از آنکه آن دو رکعت نماز را

کرد و آن وداع را بجا آورد بعد از آن صفوان گفت که حضرت صادق ع بمن گفت که
تعاهد نما این زیارت را و بخوان این دعا را و باین نحو زیارت بکن که من ضامنم بر خدا که
هر که این زیارت را بکند و این دعا را بخواند از دور یا از نزدیک اینکه زیارتش
مقبول باشد و سعیش مزد داده شود و سلامش بآنحضرت برسد و محجوب نگردد
و هر حاجت که از خدا طلب بر آورده شود هر چند بزرگ باشد ای صفوان من
زیارت را با همین ضامنی از پدرم شنیدم و پدرم از علی بن الحسین ع با همین ضامنی
و او از امام حسین ع و او از امام حسن ع با همین ضامنی و او از پدرش امیر المؤمنین ع
با همین ضامنی و امیر المؤمنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله با همین ضامنی و رسول
خدا از جبرئیل با همین ضامنی و جبرئیل از خداوند عالمیان با همین ضامنی و بتحقیق
که حق تعالی قسم بذات مقدس خود خورده است که هر که حضرت امام حسین ع را
باین روش زیارت کند از نزدیک یا دور و این دعا را بخواند زیارتش را قبول کنم
و هر حاجت که بطلبد بر آوردم اگر چه هر چند بزرگ باشد و هر سؤال که بکند عطا کنم و از
درگاه من نا امید بر نگردد و او را بر گردانم شاد و خوشحال ببر آمدن حاجتش
و فایز شدن به بهشت و آزاد شدن از آتش جهنم و از برای هر که شفاعت کند
شفاعتش را قبول کنم مگر کسی که دشمن ما اهل بیت باشد و گواه گرفت خدا ما را بر این خبر
گواه گرفته بود بر آن ملائکه ملکوت خود را پس جبرئیل گفت یا رسول الله خدا تعالی
مرا بسوی تو فرستاده است برای بشارت و سرور و خوشحالی تو و بشارت و شادی
علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین و امامان از فرزندان تو تا روز قیامت پس حضرت
صادق ع فرمود که ای صفوان هرگاه تو را حاجتی بسوی خدا بهم رسد این زیارت را بکن
هر جا که باشی و این دعا را بخوان و از پروردگار خود حاجت خود را طلب کن البته
بر آورده میشود و حق تعالی خلف وعده خود نمیفرماید مؤلف گوید که چون عبارت

حدیث تشویش عظیمی دارد و قابل احتمالات بسیار هست اگر اول زیارت
السَّلامُ عَلَیْكَ یا اَبا عَبْدِ اللهِ و اَنا و آلِ نَبِیِّكَ عَلَیْهِمُ السَّلامُ بخواند و نماز
زیارت را بکند و باز همان زیارت را اعاده کند بهتر است و اگر بعد از صد مرتبه
لعنت بار دیگر نماز کند و بعد از صد مرتبه سلام بار دیگر نماز بکند و متصل بسجده
و بعد از سجده نیز نماز بکند شاید بجمیع احتمالات عمل کرده باشد و اگر اول یکی
از زیارات بعیده را بعمل آورد و نماز بکند و بعد از آن این اعمال را بعمل آورد ظاهرا
کافی باشد و اگر زیارت امیر المؤمنین ع را باین ضم کند بهتر است خصوصا هرگاه
این زیارت را در نزد ضریح امیر المؤمنین ع بعمل آورد و چون در حدیث تجویز
کردن این زیارت در هر وقت وارد شده است اگر در غیر روز عاشورا کند
بجای اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا یَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ بگوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ یَوْمَ قَتْلِ
الْحُسَیْنِ صَلَواتُكَ عَلَیْهِ یَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو اُمَیَّةَ فصل سیم
در سایر زیارات این روز است و از جمله آنها زیارتی است که بسند صحیح عبد الله
بن سنان روایت کرده است که رفتم بخدمت حضرت صادق ع در روز عاشورا
و آنحضرت را شکسته رنگ و اندوه ناک یافتم و آب از دیدهای مبارک آنحضرت
مانند مروارید میریخت گفتم یا بن رسول الله سبب گریه شما چیست خدا هرگز
دیدهای شما را گریان نگرداند حضرت فرمود که مگر غافلی و نمیدانی که در مثل
این روز حضرت امام حسین ع شهید شده است گفتم ای سید من چه میفرمایید
در روزه اش فرمود که روزه بدار بی آنکه شب نیت روزه بکنی و افطار بکن نه از
روی شماتت و یک روز تمام روزه مگیر و باید که افطار تو بعد از نماز عصر باشد بیک ساعت
بشربتی از آب زیرا که در این وقت جنگ بر طرف شد از آل رسول ص و در زمین سی
نفر از اهل بیت و موالی ایشان افتاده بود که صاحب مصیبت در آنها حضرت رسالت

بود واکر آنحضرت در دنیا میبود بایستی که آنحضرت را بر آیشان تعزیه
بکویند پس آنحضرت چندان کریست که ریش مبارکش از آب دیده اش تر شد
پس حضرت فرمود که بهتر کاری که درین روز بکنی آنست که جامهای پاکیزه بپوشی
و بندها را بکشایی و آستینها تا مرفق بالا کنی بروش مصیبت زدکان پس بیرون
روی بسوی بیابانی یا مکانی که کسی ترا نبیند یا خانه خالی از برای تقیه از سنیان
در وقت چاشت پس چهار رکعت نماز بجا آوری با خشوع و خضوع و رکوع
نیکو و بعد از هر دو رکعت سلام بکویی و در رکعت اول بعد از حمد سوره قل یا
ایها الکافرون بخوانی و در رکعت دویم سوره قل هو الله احد و در دو رکعت
دیکر در رکعت اول بعد از حمد سوره احزاب بخوانی و در رکعت دویم سوره
اذا جاءك المنافقون واکر اینها را ندانی هر سوره که توانی بخوانی پس بکردانی
روی خود را بجانب روضه مقدسه آنحضرت و بخاطر آوری شهادت آن امام
مظلوم و اولاد و اقارب و اصحاب آنجناب را و سلام کنی بر او و صلوات فرستی بر او و
لعنت کنی بر قاتلان ایشان و بروایت دیکر هزار مرتبه لعنت کنی بر قاتلان آنحضرت
که هر لعنی هزار حسنه از برای تو نوشته میشود و هزار کناه از تو محو میشود و هزار
درجه در بهشت از برای تو بلند میشود و بهتر اینست که هزار مرتبه بکوید اللهم العن
قتلة الحسین و اصحابه پس فرمود که بعد از آن از موضعی که ایستاده چند کام پیش
(خداوندا لعنت کن کشندکان حسین و یاران او را)
روی و بکویی انا لله و انا الیه راجعون رضا بقضائه و تسلیما لامره و اکر
هفت مرتبه چنین کند بهتر است و فرمود که در جمیع این احوال باید که محزون و غمناک و
کریان باشی پس بجا خود بر کردی و بکویی اللهم عذب الفجرة الذین شاقوا رسولك
وحاربوا اولیاءك وعبدوا غیرك
خداوندا عذاب کن زشت کارانی را که مخالفت کردند رسول ترا و جنک کردند با دوستان تو و پرستیدند غیر ترا
واستحلوا محارمك والعن القادة والاتباع
و حلال کردانیدند محرمات ترا و لعنت کن پیشروان ایشان را و پیروان

من

ومن كان منهم فخبّ واوضع معهم او رضی بفعلهم لعنا کثیرا اللهم
و هر که بود از ایشان پس بیحت و شتاب میکرد با ایشان یا خشنود میکشت بکردار ایشان لعنت بسیار خداوندا
وعجّل فرج آل محمد واجعل صلواتك علیه وعلیهم واستنقذهم من
و بشتابان کشایش آل محمد را و بکردان رحمتهای خود را بر او و بر ایشان و برهان ایشان را از
ایدی المنافقین المضلین والکفرة الجاحدین وافتح لهم فتحا یسیرا واتح
دستهای دورویان کمراه کنندکان و ناکروندکان انکار نمایندکان و بکشا بر ایشان کشایش آسان و مهیا کن
لهم روحا وفرجا قریبا واجعل لهم من لدنك علی عدوك وعدوهم سلطانا
بر ایشان آسایش و کشایش نزدیک و بکردان بر ایشان از نزد خود بر دشمن خود و دشمن ایشان غلبه یاری نماینده
نصیرا پس دست بدعا بردار و قصد کن دشمنان آل محمد صلوات الله علیهم و بکو
اللهم ان کثیرا من الامة ناصبت المستحفظین من الائمة وکفرت بالکلمة
خداوندا بدرستیکه بسیاری از امت دشمنی کردند با آنکه خواسته شده محافظت ایشان از پیشوایان و کافر شدند بکلمه حق
وعکفت علی القادة الظلمة وهجرت الکتاب والسنة وعدلت عن الحبلین
و اقامت نمودند بر پیروی پیشروان ستمکاران و واگذاشتند کتاب و شریعت را و بر کشتند از دو ریسمانی
اللذین امرت بطاعتهما والتمسك بهما فاماتت الحق وحادت عن القصد
که فرمان دادی بفرمان برداری ایشان و چنک در زدن بایشان پس میرانیدند حق را و عدول کردند از راه راست
ومالأت الاحزاب وحرّفت الکتاب وکفرت بالحق لما جاءها وتمسکت بالباطل
و همدل کردند طوایفی را جمع شده بر حرب پیغمبر و تغییر دادند حکم کتاب خدا را و کافر شدند بحق چون آمد ایشان را و چنک در زدند بباطل
لما اعترضها وضیّعت حقك واضلّت خلقك وقتلت اولاد نبیك و
چون فرا پیش آمد ایشان را و ضایع کردند حق ترا و کمراه کردند خلق ترا و کشتند فرزندان پیغمبر ترا و
خیرة عبادك وحملة علمك وورثة حکمتك ووحیك اللهم فزلزل اقدام
و برکزیدکان بندکان ترا و بردارندکان علم ترا و وارثان علم شریعت ترا و احکام ترا خداوندا پس بلرزان قدمهای

أعدائك وأعداء رسولك وأهل بيت رسولك اللهم وأخرب ديارهم و
دشمنان خود و دشمنان رسول خود و خاندان رسول خود خداوندا و خراب کن خانهای ایشانرا و
افلل سلاحهم وخالف بين كلمتهم وفت في أعضادهم وأوهن كيدهم
بشکن آلت کارزار ایشانرا و مخالفت افکن میان گفتار ایشان و سستی پدید آور در بازوهای ایشان و سست کن مکر ایشانرا
واضربهم بسيفك القاطع وارمهم بحجرك الدامغ وطمهم بالبلاء طما
و بزن ایشانرا به تیغ برنده خود و بیفکن بر ایشان سنگ خود را که روان سازنده و مستاصل کننده است و بپوشان ایشانرا به بلا پوشیدنی
وقمهم بالعذاب قما وعذبهم عذابا نكرا وخذهم بالسنين والمثلات التي
و برکن ایشانرا بیخ به عذاب برکندنی و عذاب کن ایشانرا عذاب بسیار زشت و فرا گیر ایشانرا به قحطها و عقوبتهائی که
أهلكت بها أعداءك إنك ذو نقمة من المجرمين اللهم إن سنتك ضائعة
هلاک کردی بآنها دشمنان خود را بدرستی که تو خداوند انتقامی از گناهکاران خداوندا بدرستی که شریعت تو تلف گشته
وأحكامك معطلة وعترة نبيك في الأرض هائمة اللهم فأعن الحق
و حکمهای تو فرو گذاشته شده و ذریت پیغمبر تو در زمین تشنه ظهورند خداوندا پس مدد کن حق
وأهله واقمع الباطل وأهله ومن علينا بالنجاة واهدنا إلى الإيمان وعجل
و اهل آنرا و خوار کن باطل و اهل آنرا و منت گذار بر ما به رستگاری و راهنمائی کن ما را بسوی ایمان و بشتابان
فرجنا وانظمه بفرج أوليائك واجعلهم لنا ودا واجعلنا لهم وفدا اللهم
گشایش ما را و به پیوند آنرا با گشایش دوستان خود و بگردان ایشانرا برای ما دوستان و بگردان ما را برای ایشان واردان خداوندا
وأهلك من جعل يوم قتل ابن نبيك وخيرتك عيدا واستهل به فرحا ومرحا
و هلاک کن آنرا که گردانیده روز کشتن فرزند پیغمبر تو و برگزیده ترا عید و صدا بلند کرده در آن از روی شادی و خرمی
وخذ آخرهم كما أخذت أولهم وضاعف اللهم العذاب والتنكيل على ظالمي   واضعف خ ل
و فرا گیر آخر ایشانرا چنانچه فرا گرفتی اول ایشانرا و مضاعف کن عذاب و عقوبت را بر آنانکه ستم کردند
أهل بيت نبيك وأهلك أشياعهم وقادتهم وأبر حماتهم وجماعتهم اللهم و
بر خانواده پیغمبر تو و نیست کن پیروان ایشان و پیشروان ایشان را و هلاک کن حمایت کنندگان ایشان و گروه ایشانرا خداوندا و
ضاعف

ضاعف صلواتك ورحمتك وبركاتك على عترة نبيك العترة الضائعة
مضاعف کن درودهای خود و رحمت خود و برکتهای خود را بر ذریت پیغمبر خود ذریت تلف گردیده
الخائفة المستذلة بقية من الشجرة الطيبة الزاكية المباركة وأعل اللهم
ترسان خوار گذاشته یعنی باقی مانده از شجره پاک فزاینده با برکت و بلند کن خداوندا
كلمتهم وأفلج حجتهم واكشف البلاء واللأواء وحنادس الأباطيل والعمى
کلمه ایشانرا و ظاهر ساز حجت ایشانرا و زایل کن بلا و شدت و تیرگیهای امور باطل و کوری را
عنهم وثبت قلوب شيعتهم وحزبك على طاعتك وولايتهم ونصرتهم و
از ایشان و ثابت دار دلهای پیروان ایشان و گروه خود را بر فرمانبرداری خود و دوستی ایشان و یاری ایشان و
موالاتهم وأعنهم وامنحهم الصبر على الأذى فيك واجعل لهم أياما مشهودة
دوست داشتن ایشان و مدد کن ایشانرا و ببخش ایشانرا شکیبائی بر اذیت و آزار در راه تو و بگردان برای ایشان روزهای حاضر کرده شده
وأوقاتا محمودة مسعودة توشك فيها فرجهم وتوجب فيها تمكينهم
و روزگارهای ستوده با یمن و برکت که نزدیک باشی در آنها گشایش ایشانرا و واجب گردانی در آنها جای دادن ایشان را
ونصرهم كما ضمنت لأوليائك في كتابك المنزل فإنك قلت وقولك
و یاری نمودن ایشانرا چنانچه ضامن شده برای دوستان خود در کتاب فرو فرستاده خود زیرا که تحقیق تو گفته و گفتار تو
الحق وعد الله الذين آمنوا منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض
درست است وعده داده خدا آنانرا که گرویده اند از شما و کرده اند کارهای شایسته هر آینه خلافت دهد ایشانرا در زمین
كما استخلف الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم
چنانچه خلیفه گردانید آنانرا که پیش از ایشان بودند و هر آینه ثابت گرداند برای ایشان دین ایشانرا که پسندیده برای ایشان و هر آینه بدل کند
من بعد خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا اللهم فاكشف غمتهم يا من
از پس ترس ایشان از دشمنان ایمنی می پرستند مرا شرک نمی آورند با من هیچ شرکی خداوندا پس زایل کن اندوه ایشانرا ای آنکه
لا يملك كشف الضر إلا هو يا أحد يا حي يا قيوم وأنا يا إلهي عبدك الخائف   يا واحد
قادر نیست بر زایل نمودن بدحالی مگر او ای یکتا ای زنده ای پاینده و من ای معبود من بنده توام ترسانم

المقبل

منك والراجع اليك السائل لك المقبل عليك اللاجي الى فنائك العالم
از تو باز گردنده ام بسوی تو سؤال کننده مر ترا روآورنده بر تو پناه گیرنده بسوی پیشگاه درگاه تو دانا

بانه لا ملجا منك الا اليك اللهم فتقبل دعائي واسمع يا الهي علانيتي
با آنکه بتحقیق نیست پناه بردنی از تو مگر بسوی تو خداوندا پس بپذیر دعای مرا و بشنو ای خدای من آشکار مرا

ونجواي واجعلني ممن رضيت عمله وقبلت نسكه ونجيته برحمتك
و راز مرا و بگردان مرا از آنانکه پسندیده کردار ایشان را و پذیرفته عبادت ایشان را و رهانیده ایشان را برحمت خود

انك انت العزيز الكريم اللهم وصل اولا وآخرا على محمد وال محمد
بدرستی که تو توئی غالب بزرگوار خداوندا و رحمت بفرست بر محمد و آل محمد

وبارك على محمد وال محمد وارحم محمدا وال محمد باكمل وافضل ما صليت
و برکت بفرست بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد و آل محمد را بکاملتر و بهترین رحمتی فرستادی

وباركت وترحمت على انبيائك ورسلك وملئكتك وحملة
و برکتی دادی و بخشش نمودی بر پیغمبران خود و فرستادگان خود و فرشتگان خود و برداران

عرشك بلا اله الا انت اللهم ولا تفرق بيني وبين محمد وال محمد
عرش خود بحرمت کلمه طیبه لا اله الا انت خداوندا و جدائی میفکن میان من و میان محمد و آل محمد

صلواتك عليه وعليهم واجعلني يا مولاي من شيعة محمد وعلي و
رحمتهای تو بر او باد و بر ایشان و بگردان مرا ای آقای من از پیروان محمد و علی

فاطمة والحسن والحسين وذريتهم الطاهرة المنتجبة وهب لي
و فاطمه و حسن و حسین و فرزندان ایشان که پاک و برگزیده اند و ببخش مرا

التمسك بحبلهم والرضا بسبيلهم والاخذ بطريقتهم انك جواد كريم
چنگ در زدن بدوستی ایشان و خشنودی برفتن راه ایشان و فرا گرفتن طریقه ایشان بدرستی که تو بخشنده بزرگوار

پس بسجده برو و طرف روی خود را بر خاک بگذار و بگو یا من يحكم ما
ای آنکه حکم میکند آنچه

١٧٣

ما يشاء ويفعل ما يريد انت حكمت فلك الحمد محمودا مشكورا فعجل
آنچه خواهد و میکند آنچه اراده نماید تو حکم کردی پس مر تراست ستایش در حالی که هستی ستوده شده ستایش کرده شده پس بشتاب

يا مولاي فرجهم وفرجنا بهم فانك ضمنت اعزازهم بعد الذلة
ای آقای من گشایش ایشان را و گشایش ده ما را بسبب ایشان پس بدرستی که تو ضامن گشته ای عزیز گردانیدن ایشان را بعد از خواری

وتكثيرهم بعد القلة واظهارهم بعد الخمول يا اصدق الصادقين
و بسیار نمودن ایشان را بعد از کمی و آشکار ساختن ایشان را بعد از پنهانی ای راستگوترین راستگویان

ويا ارحم الراحمين فاسئلك يا الهي وسيدي متضرعا اليك
و ای بخشنده ترین بخشندگان پس در میخواهم از تو ای خدای من و آقای من در حالی که زاری کننده ام بسوی تو

بجودك وكرمك بسط املي والتجاوز عني وقبول قليل عملي وكثيره
ببخشش تو و بزرگواری تو گشایش امید خود را و درگذشتن ترا از من و پذیرفتن تو اندک از کردار من و بسیار آنرا

والزيادة في ايامي وتبليغي ذلك المشهد وان تجعلني ممن يدعى
و آنکه زیاده کنی در روزگار زندگانی من و برسانی مرا بآن جایگاه حضور و آنکه بگردانی مرا از آنانکه خوانده شوند

فيجيب الى طاعتهم وموالاتهم ونصرهم وتريني ذلك قريبا سريعا
پس اجابت کنند بسوی فرمانبرداری ایشان و دوست داشتن ایشان و یاری نمودن ایشان و آنکه بنمائی مرا آنرا نزدیک زود

في عافية انك على كل شيء قدير پس سر خود را بجانب آسمان بلند کن و بگو اعوذ بك ان
در عافیت و سلامتی بدرستی که تو بر هر چیز توانائی پناه میگیرم بتو از آنکه

اكون من الذين لا يرجون ايامك فاعذني يا الهي برحمتك من ذلك
بوده باشم از آنانکه امید ندارند روزگار ترا پس پناه ده مرا ای خدای من برحمت خود از آن

چون چنین کنی این عمل بهتر است از برای تو از حجهای بسیار و عمرهای بسیار که مال
بسیار در آنها صرف نمائی و بدن خود را در آنها بتعب اندازی و از اهل و عیال
و فرزندان خود جدا شوی و بدانکه کسی که این نماز را دریابد و نکند و اب

دعا را از روی اخلاص بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق بجا آورد حق تعالی ده خصلت
با او عطا کند که از جمله آنها آنست که او را از مردنهای بد حفظ کند مانند غرق
شدن و سوختن و در زیر عمارت ماندن و امثال اینها و مردن تا دشمنی بر او مسلط
نگردد و نگاه دارد او را از پریشانی و خوره و پیسی در خودش و در فرزندان نسل
تا چهار پشت و شیطان او و دوستان و یاوران شیطان را مسلط نگرداند بر او
و بر نسل او تا چهار پشت زیارت دیگر زیارتیست که مشتمل است بر زیارت
شهدا و متضمن تعزیه حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم هست
و مناسبست که در این روز خوانده شود و اگر در آخر روز خوانده شود شاید انسب باشد
و زیارت این است السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا
درود برتو ای میراث برنده آدم برگزیده خدا درود برتو ای
وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابراهیم خلیل الله السلام
میراث برنده نوح پیغمبر خدا درود برتو ای میراث برنده ابراهیم دوست خدا سلام
علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح
برتو ای میراث برنده موسی سخن گو با خدا درود برتو ای میراث برنده عیسی روح
الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث
خدا درود برتو ای میراث برنده محمد دوست خدا درود برتو ای میراث برنده
علی امیر المؤمنین السلام علیک یا وارث الحسن الشهید سبط رسول
علی پادشاه گروندگان درود برتو ای میراث برنده حسن شهید فرزندزاده رسول
الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن البشیر النذیر
خدا درود برتو ای فرزند رسول خدا درود برتو ای فرزند مژده دهنده بیم نماینده
و ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة نساء العالمین
و فرزند بزرگ اوصیا سلام برتو ای فرزند فاطمه خاتون زنان جهانیان

السلم

السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا خیرة الله وابن خیرته السلام
سلام بر تو ای ابا عبدالله سلام بر تو ای برگزیده خدا و فرزند برگزیده خدا سلام
علیک یا ثار الله وابن ثاره السلام علیک ایها الوتر الموتور السلام
بر تو ای ثار خدا و فرزند ثار خدا سلام بر تو ای [illegible] سلام
علیک ایها الامام الهادی الزکی وعلی ارواح حلت بفنائک و
بر تو ای پیشوای رهنمای پاک و بر جانهای که فرود آمدند بکنار درگاه تو و
اقامت فی جوارک ووفدت مع زوارک السلام علیک منی ما بقیت
درنگ نمودند در پناه تو و آمدند ترا با زیارت کنندگان تو سلام بر تو از من مادام که پاینده باشم
وبقی اللیل والنهار فلقد عظمت بک الرزیة وجل المصاب فی المؤمنین
و پاینده باشد شب و روز پس هر آینه بحقیقت عظیم گشته باعتبار حادثه تو مصیبت و بزرگ گشته مکروه در زمره گروندگان
والمسلمین وفی اهل السموات اجمعین وفی سکان الارضین فانا لله
و گردن نهندگان و در میان اهل آسمانها همگی و در میانه ساکنان زمینها پس بدرستیکه ما برای خدائیم
وانا الیه راجعون وصلوات الله وبرکاته وتحیاته علیک وعلی آبائک
و بدرستیکه ما بسوی او بازگردندگانیم و رحمتهای خدا و زیادتیهای او و درودهای او بر تو و بر پدران تو
الطیبین المنتجبین وعلی ذراریهم الهداة المهدیین السلام علیک یا مولای
که پاکان و پاکیزگانند و بر فرزندان ایشان که رهنمایان راه یافتگانند سلام بر تو ای آقای من
وعلیهم وعلی روحک وعلی ارواحهم وعلی تربتک وعلی تربتهم اللهم
و بر ایشان و بر جان تو و بر جانهای ایشان و بر خاک تو و بر خاک ایشان خداوندا
لقهم رحمة ورضوانا وروحا وریحانا السلام علیک یا مولای یا ابا عبد
بپیش آور ایشان را بخشش و خشنودی و آسایش و روزی پاک درود بر تو ای صاحب اختیار من ای ابا عبد
الله یا ابن خاتم النبیین ویا ابن خاتم النبیین ویا ابن سید الوصیین
ای پسر آخر پیغمبران و ای فرزند [illegible] و ای فرزند بزرگ اوصیا

وَيَا ابْنَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدُ يَا ابْنَ الشَّهِيدِ يَا
وای فرزند بزرگ زنان جهانیان درود بر تو ای کشته شدهٔ در راه خدا ای فرزند شهید
اَخَا الشَّهِيدِ يَا اَبَا الشُّهَدَاءِ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْهُ عَنِّي فِي هٰذِهِ السَّاعَةِ وَفِي هٰذَا
ای برادر شهید ای پدر شهید خداوندا برسان او را از من در این ساعت و در این
الْيَوْمِ وَفِي هٰذَا الْوَقْتِ وَفِي كُلِّ وَقْتٍ تَحِيَّةً وَسَلَامًا سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْكَ
روز و در این وقت و در هر وقتی درود بسیار و سلام فراوان درود خدا بر تو
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْعَالَمِينَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ
و بخشایش خدا و زیادتیهای او ای فرزند بزرگ جهانیان و بر آنانکه شهید گشتند با تو
سَلَامًا مُتَّصِلًا مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ
درودی پیوسته مادام که پیوسته باشد شب و روز سلام بر حسین فرزند علی
الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الْعَبَّاسِ بْنِ
شهید سلام بر علی فرزند حسین شهید سلام بر عباس فرزند
اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ
پادشاه گروندگان درود بر شهیدان از فرزندان پادشاه گروندگان درود
عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ
بر شهیدان از فرزندان حسن سلام بر شهیدان از فرزندان حسین
اَلسَّلَامُ عَلَى الشُّهَدَاءِ مِنْ وُلْدِ جَعْفَرٍ وَعَقِيلٍ اَلسَّلَامُ عَلَى كُلِّ مُسْتَشْهَدٍ مَعَهُمْ
سلام بر شهیدان از فرزندان جعفر و عقیل سلام بر هر که شهید گشته با ایشان
مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا
از گروندگان خداوندا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و برسان ایشان را از من درود بسیار و سلام فراوان
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ
سلام بر تو ای رسول خدا نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در بارهٔ فرزند تو حسین
السلام

العزاء
اَلسَّلَامُ عَلَيْكِ يَا فَاطِمَةُ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكِ الْجَزَاءَ فِي وَلَدِكِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلَامُ
سلام بر تو ای فاطمه نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در بارهٔ فرزندت حسین سلام
عَلَيْكَ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْعَزَاءَ فِي وَلَدِكَ الْحُسَيْنِ يَا
بر تو ای پادشاه گروندگان نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در بارهٔ فرزندت حسین
العزاء اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنَ اَحْسَنَ اللّٰهُ لَكَ الْجَزَاءَ فِي اَخِيكَ
سلام بر تو ای ابا محمد حسن مجتبی نیکو گرداند خدا برای تو صبر را در بارهٔ برادرت
الْحُسَيْنِ يَا مَوْلَايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَنَا ضَيْفُ اللّٰهِ وَضَيْفُكَ وَجَارُ اللّٰهِ
حسین ای آقای من ای ابا عبد الله من میهمان خدا و میهمان تو و در پناه خدا
وَجَارُكَ وَلِكُلِّ ضَيْفٍ وَجَارٍ قِرًى وَقِرَايَ فِي هٰذَا الْوَقْتِ اَنْ تَسْاَلَ
و در پناه توام و برای هر میهمان و پناه گیرنده میهمانیست و میهمانی من در این وقت آنست که درخواهی
اللّٰهَ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى اَنْ يَرْزُقَنِي فَكَاكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ اِنَّهُ سَمِيعُ الدُّعَاءِ
از خدا پاکست او و برتر است آنکه روزی کند مرا خلاص کردنم از آتش بدرستی که او شنونده دعاست
قَرِيبٌ مُجِيبٌ و شیخ مفید علیه الرحمه گفته است که در شب بیست و یکم ماه
نزدیک و جواب دهنده است
محرم زفاف حضرت فاطمه و امیر المؤمنین صلوات الله علیهما واقع
شد باید که روز آنرا برای شکر این نعمت عظیم شیعیان روزه بدارند و شیخ
طوسی ره گفته است که در روز هفدهم ماه محرم اصحاب فیل که بجهت خراب
کردن کعبه آمده بودند بر گشتند و عذاب بر ایشان نازل شد و در روز
بیست و پنجم اینماه حضرت امام زین العابدین ع بعالم اعلی ارتحال نمود
باب هفتم در اعمال ماه صفر است و اینماه مشهور است بنحوست
و دو وجه میتواند داشت اول آنکه موافق قول علماء شیعه وفات حضرت رسالت
پناه ص در اینماه واقع شده است دویم آنکه چون در سه ماه متوالی که اشهر

حرمت چون عرب قتال نمیکرده اند و در اینماه شروع بقتال میکرده اند لهذا
نحس شمرده اند و در احادیث شیعه ندیده ام چیزی که دلالت بر نحوست کند و در
روایات غیر معتبره عامه وارد شده است و سید ابن طاوس رح از بعضی از کتب معتبره روایت
کرده است که در روز سیم اینماه مستحب است که دو رکعت نماز بجا آورند در رکعت
اول بعد از حمد سوره انا فتحنا بخوانند و در دوم سوره توحید و بعد از سلام
صد مرتبه اللهم صل علی محمد و آل محمد و صد مرتبه اللهم العن آل ابی سفیان و
صد مرتبه استغفر الله ربی و اتوب الیه و روز بیستم اینماه مشهور است
بروز اربعین یعنی چهلم شهادت حضرت سید الشهداء ع و در کتب معتبره از حضرت
امام حسن عسکری ع روایت کرده اند که علامات مومن پنج چیز است نماز پنجاه و
یک رکعت از فریضه و نافله در شب و روز و زیارت اربعین و انگشتر در دست
راست کردن و جبین در سجده شکر بر خاک گذاشتن و بسم الله الرحمن الرحیم را
بلند گفتن و کیفیت زیارت بسند معتبر منقول است از صفوان جمال که گفت مولای
من حضرت صادق ع بمن گفت در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامی که روز
بلند شده باشد السلام علی ولی الله و حبیبه السلام علی خلیل الله و نجیبه
و میگویی درود بر یار خدا و دوست او درود بر صدیق خدا و برگزیده او
السلام علی صفی الله و ابن صفیه السلام علی الحسین المظلوم الشهید السلام
درود بر دوست مخلص خدا و پسر دوست مخلص او سلام بر حسین ستم رسیده شهید سلام
علی اسیر الکربات و قتیل العبرات اللهم انی اشهد انه ولیک و ابن ولیک
بر دستگیر شده اندوهها و کشته سرشک دیدها خداوندا بدرستیکه من گواهی میدهم بتحقیق او دوست تو و پسر دوست تو
و صفیک و ابن صفیک الفائز بکرامتک اکرمته بالشهادة و حبوته
و برگزیده تو و پسر برگزیده تو رستگار است بنوازش تو گرامی داشتی او را بشهید شدن و بخشش نمودی او را

بالسعادة

بالسعادة و اجتبیته بطیب الولادة و جعلته سیدا من السادة و قائدا من
به نیکبختی و برگزیدی او را بپاکی ولادت و گردانیدی او را بزرگی از بزرگان و کشنده از
القادة و ذائدا من الذادة و اعطیته مواریث الانبیاء و جعلته حجة علی
کشندگان براه حق و رانده از رانندگان و بخشیدی او را میراثهای پیغمبران و گردانیدی او را حجتی بر
خلقک من الاوصیاء فاعذر فی الدعاء و منح النصح و بذل مهجته فیک
آفریدگان خود از اوصیا پس مبالغه نمود در خواندن امت خود و عطا کرد نصیحت را و بخشید خون خود را در راه تو
لیستنقذ عبادک من الجهالة و حیرة الضلالة و قد توازر علیه من
تا برهاند بندگان ترا از نادانی و سرگشتگی گمراهی و بتحقیق شدت کرد براو آنکه
غرته الدنیا و باع حظه بالارذل الادنی و شری آخرته بالثمن الاوکس
بفریفت او را دنیا و فروخت بهره خود را بثمن زبون پست و فروخت آخرت خود را بثمن ناقص
و تغطرس و تردی فی هواه و اسخطک و اسخط نبیک و اطاع من
و بیداد کرد و هلاک شد در پیروی خواهش خود و بخشم آورد ترا و بخشم آورد پیغمبر ترا و فرمان برداری نمود از
عبادک اهل الشقاق و النفاق و حملة الاوزار المستوجبین النار
از جمله بندگان تو اهل بدبختی و دورویی را و بردارندگان بارگران گناهان سزاوارند آتش را
فجاهدهم فیک صابرا محتسبا حتی سفک فی طاعتک دمه و استبیح حریمه
پس کارزار نمود با ایشان در راه تو شکیبا کننده خالص گرداننده تا آنکه ریخته شد در فرمانبرداری تو خون او و حلال شمرده شد حرمت او
اللهم فالعنهم لعنا وبیلا و عذبهم عذابا الیما السلام علیک یا ابن رسول
خداوندا پس لعنت کن بر ایشان لعنت سخت و گران و عذاب کن ایشان را عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول
الله السلام علیک یا ابن سید الاوصیاء اشهد انک امین الله و ابن امینه
خدا سلام بر تو ای فرزند بزرگ اوصیا گواهی میدهم که بتحقیق تو معتمد خدا و فرزند معتمد اویی
عشت سعیدا و مضیت حمیدا و مت فقیدا مظلوما شهیدا و اشهد ان
زندگانی کردی نیکبخت و گذشتی ستوده شده و مردی حال آنکه بودی نایاب در میان ستم رسیده شهید و گواهی میدهم آنکه

الله منجز لك ما وعدك ومهلك من خذلك ومعذب من قتلك و
بتحقیق خدا روا کننده است برای تو آنچه وعده کرده ترا و هلاک سازنده است آنرا که خوار کند ترا و عذاب کننده است آنرا که کشت ترا و
اشهد انك وفيت بعهد الله وجاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين
گواهی میدهم که بتحقیق تو وفا کردی بعهد خدا و کارزار نمودی در راه خدا تا آنکه آمد ترا مرگ
فلعن الله من قتلك ولعن الله من ظلمك ولعن الله امة سمعت بذلك
پس لعنت کند خدا آنرا که کشت ترا و لعنت کند خدا آنرا که ستم کرد بر تو و لعنت کند خدا گروهی را که شنیدند آنرا
فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن والاه وعدو لمن عاداه
پس خشنود گشتند بآن خداوندا بدرستی که من گواه میگیرم ترا که بتحقیق من دوستم مر آنرا که دوست داشت او را و دشمنم آنرا که دشمن داشت او را
بابي انت وامي يا ابن رسول الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة
پدر و مادرم فدای تو باد ای پسر رسول خدا گواهی میدهم که بتحقیق تو بودی نور در پشتهای بارفعت و
والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك المدلهمات
در رحمهای پاک گردیده نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود و نپوشانیده ترا جامههای تیره
من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين واركان المسلمين ومعقل المؤمنين
از جامههای خود و گواهی میدهم که بتحقیق تو از ستونهای دین و رکنهای مسلمانان و پناهگاه گروندگان
وا[illegible] انك الامام البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان
[illegible] نیکوکار پرهیزکار پسندیده پاکیزه راهنمای راه یافته و گواهی میدهم که بتحقیق
الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى والعروة الوثقى والحجة على
پیشوایان از فرزندان تو کلمه پرهیزکاری و نشانهای هدایت و دست آویز محکم و حجت بر
اهل الدنيا واشهد اني بكم مؤمن وباياكم موقن بشرائع ديني وخواتيم عملي
اهل دنیا و گواهی میدهم که بتحقیق بشما تصدیق کنندهام و برجعت شما یقین دارندهام با حکام دین خود و آخر عملهای خود
وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي لكم معدة حتى ياذن الله
و دل من از برای دل شما منقاد است و کار من کار شما را پیروی کننده و یاری نمودن من برای شما آماده است تا آنکه دستوری دهد خدا

لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله عليكم وعلى ارواحكم وعلى
پس با شماام با شما نه با دشمن شما رحمتهای خدا بر شما و بر جانهای شما و بر
اجسادكم وشاهدكم وغائبكم وظاهركم وباطنكم امين رب العالمين ودو
بدنهای شما و حاضر شما و پنهان شما و ظاهر شما و نهان شما بپذیر دعای مرا ای پروردگار جهانیان رکعت نماز
میکنی و هر دعا که خواهی میکنی و بر میگردی و سید ابن طاوس گفته است که من برای این
زیارت وداعی یافتهام که مخصوص است باین زیارت باید که بایستی پیش روی ضریح و بگوئی
السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن علي المرتضى وصي
سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند علی پسندیده وصی
رسول الله السلام عليك يا ابن فاطمة الزهراء سيدة نساء العالمين
رسول خدا سلام بر تو ای فرزند فاطمه درخشنده بزرگ زنان جهانیان
السلام عليك يا وارث الحسن الزكي السلام عليك يا حجة الله في
سلام بر تو ای میراث برنده حسن پاک سلام بر تو ای حجت خدا در
ارضه وشاهده على خلقه السلام عليك يا ابا عبد الله الشهيد [illegible]
زمین و گواه او بر خلق او سلام بر تو ای ابا عبد الله [illegible]
عليك يا مولاي وابن مولاي اشهد انك قد اقمت الصلوة [illegible]
بر تو ای آقای من و فرزند آقای من گواهی میدهم که بتحقیق برپا داشتی نماز را و دادی زکوة را
الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر وجاهدت في سبيل
و امر کردی بهر نیکی و منع نمودی از هر زشتی و کارزار نمودی در راه
الله حتى اتاك اليقين واشهد انك على بينة من ربك اتيتك يا مولاي
خدا تا آنکه آمد ترا مرگ و گواهی میدهم که بتحقیق تو هستی بر حجتی روشن از جانب پروردگار خود آمدم ترا ای آقای من
زائرا وافدا راغبا مقرا لك بالذنوب هاربا اليك من الخطايا لتشفع
زیارت کننده فرود آمده خواهشمند اقرار کننده برای تو بگناهان گریزنده بسوی تو از خطاها از آنکه شفاعت کنی

توجهت اليك
بگوید اگر از دور زیارت کند

الی عند ربك یابن رسول الله صلی الله علیك حیاً ومیتاً فان لك عند الله مقاماً
مرا نزد پروردگار خود ای فرزند رسول خدا رحمت فرستد خدا بر تو در حال حیات و ممات زیرا که بتحقیق هست ترا نزد خدا جایگاه
معلوماً وشفاعةً مقبولةً ولعن الله من ظلمكم ولعن الله من حرمك و
معلوم وشفاعتی پذیرفته لعنت کند خدا آنها را که ستم کردند ترا ولعنت کند خدا آنها را که منع کرد ترا و
غصب حقك ولعن الله من قتلك ولعن الله من خذلك ولعن الله
بستم گرفت حق ترا . ولعنت کند خدا آنها را که کشت ترا ولعنت کند خدا آنها را که خوار گذاشت ترا ولعنت کند خدا
من دعوته فلم یجبك ولم یعنك ولعن الله من منعك من حرم الله و
آنها را که خواندی تو او را پس اجابت نکرد ترا و مدد نکرد ترا ولعنت کند خدا آنها را که منع کرد ترا از حرم خدا و
حرم رسوله وحرم ابیك واخیك ولعن الله من منعك من شرب ماء
حرم رسول او وحرم پدرت وبرادرت لعنت کند خدا آنها را که منع کرد ترا از آشامیدن آب
الفرات لعناً كثیراً یتبع بعضها بعضاً اللهم فاطر السموات والارض
فرات لعنتی بسیار که در پی باشد بعضی از آن بعضی را خداوندا ای آفریننده آسمانها وزمین
عالم الغیب والشهادة انت تحكم بین عبادك فیما كانوا فیه یختلفون
دانای هر پنهان وآشکار تو حکم میکنی میان بندگان خود در آنچه که بودند در آن خلاف کنند
وسیعلم الذین ظلموا ای منقلبٍ ینقلبون اللهم لا تجعله آخر
وزود باشد که بدانند آنانکه ستم کردند که بکدام بازگشتی باز میگردند خداوندا مگردان این را آخر
العهد من زیارته وارزقنیه ابداً ما بقیت وحییت یارب وان مت
دریافتنی از زیارت او وروزی کن مرا زیارت او همیشه مادام که باینده باشم وزنده باشم ای پروردگار اگر بمیرم
فاحشرنی فی زمرته یا ارحم الراحمین واگر زیارت آخر روز عاشوراء را در این روز
پس زنده کن مرا در گروه او ای رحم کننده ترین رحم کنندگان
نیز بخواند مناسبست وبدانکه مشهور
آنست که سبب تاکید زیارت آنحضرت در این روز آنست که حضرت امام زین العابدین ع
باسائر

باسائر اهل بیت در این روز بعد از مراجعت از شام بکربلاء معلی وارد شدند و
سرهای مقدس شهداء ببدنهای مطهر ایشان ملحق کردند واین بسیار بعید است
از جهات بسیار که ذکر آنها موجب تطویل است وبعضی گفته اند در این روز
اهل بیت علیهم السلام وارد مدینه طیبه شدند واین نیز بسیار بعید است وبعضی
گفته اند که شاید حضرت امام زین العابدین ع باعجاز وطی الارض مخفی بکربلا رفته
باشد از شام وسرها را ببدنها ملحق کرده باشد واین ممکن است اما روایتی در این
باب بنظر نرسیده است بلکه بعضی از روایات منافی است فی الجمله باین دارد
ووجهی که از احادیث ظاهر میشود آنست که اول کسی که از صحابه حضرت رسالت
بزیارت آنحضرت مشرف شد جابر بن عبد الله انصاری بود واو در این روز بکربلا
رسید وآنحضرت را با شهداء زیارت کرد وچون جابر از اکابر صحابه بود وابتدای
این امر عظیم را گذاشته میتواند بود که سبب مزید فضل زیارت آنحضرت در این روز
شده باشد وشاید وجوه دیگر داشته باشد که بر ما مخفی باشد وچون فرموده اند
که در این روز زیارت کنیم باید کرد وتفحص سببش ضرور نیست ومشهور میان علماء
امامیه آنست که وفات حضرت سید انبیاء در روز بیست وهشتم ماه صفر
واقع شد وشیخ طوسی وجمعی دیگر گفته اند که شهادت امام حسن مجتبی ع نیز در این
روز واقع شد پس قیام بمراسم تعزیت این دو بزرگوار وزیارت ایشان از
نزدیك ودور مناسبست وبدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه
آخر ماه صفر شهرت دارد ودر کتب معتبره عامه وخاصه چیزی که بر این دلالت
دلالت کند بنظر نرسیده واحادیث در نحوست مطلق چهارشنبه خصوصا
چهارشنبه آخر هر ماه وارد شده است وچون این ماه بنابر اسبابی که مذکور شد فی
الجمله نحوستی دارد ممکن است که چهارشنبه آخر آن از سائر چهارشنبهها نحوستش

بیشتر باشد اکر در این روز از قبیل احتراز از طیره استدفاع بلا بقصد نیت ادعیه
و استعاذات که از ائمه ع وارد شده است بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس
الهی که آن کفارهٔ طیره است مناسبست و اکر بلایی متوجه باشد بایشان دفع میشود نه
انکه بروش جهال عجم متابعت مجوسان کنند و بلهو و لعب و سود و سرود و ساز
و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمانی و تقدیرات
ربانی کردد

باب هشتم در فضائل و اعمال ایام ربیع الاول است و در

آن دو فصل است **فصل اول** در فضیلت و اعمال روز اول تا شانزدهم آن

شیخ طوسی و دیگران ره گفته اند که حضرت رسالت در شب اول ماه ربیع الاول اراده
هجرت نمود از مکه معظمه بسوی مدینه مشرفه و در آن شب بغار رفت و حضرت
امیر المؤمنین ع جان شریف خود را فدای جان مقدس حضرت رسول کرد و در جای
آنحضرت خوابید و از شمشیرهای کین قبائل مشرکین پروا نکرد و فضل او بر جمیع امت
بلکه بر جمیع عالمیان بر همکنان ظاهر کردید و حق تعالی با ملکه سموات با آنحضرت مباهات
نمود و آیه کریمه وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ در شان او
نازل کردید چنانکه تفصیلش در حیاة القلوب مذکور است و چون حق تعالی آن دو جان
مقدس را از کید کافران حفظ کرد کفته اند که روزش را که روز اول ماه ربیع الاول
است که برای شکر این نعم عظیم روزه بدارند و هرچند علماء در این روز زیارت ذکر مستحب است
نکرده اند اما زیارت حضرت رسول و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما در این روز
مناسبست بجهتی که مذکور شد و شیخ طوسی ره در مصباح کفته است که در روز اول
اینماه حضرت امام حسن عسکری ع بعالم بقا رحلت نمود و حضرت صاحب الامر ع
بمنصب جلیل امامت فائز کردید پس زیارت این دو امام عالیمقام در این روز مناسبست
و اما شیخ ره در تهذیب و کلینی و محمد بن جریر طبری و ابن الخشاب و شیخ مفید ره و غیر

ایشان کفته اند که وفات عسکری ع در روز هشتم اینماه بود پس در آن روز زیارت آن
دو امام علیهما السلام انسبست و اما روز نهم اینماه بدانکه میان علماء خاصه و عامه در تاریخ
قتل عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب خلافست و مشهور میان فریقین آنست که
قتل آن ملعون در روز بیست و ششم ماه ذی الحجه واقع شد چنانچه سابقا اشاره بآن
شد و بعضی بیست و هفتم نیز کفته اند و مستند این دو قول نقل مورخان است و از کتب
معتبره چنان معلوم میشود که چنانچه الحال در میان عوام شیعه مشهور است که قتل او
در نهم ماه ربیع الاول واقع شده است و سابقا میان جمعی از محدثین شیعه نیز چنین مشهور
بوده است و سید بزرکوار علی بن طاوس ره در کتاب اقبال اشاره نموده است بانکه
ابن بابویه ره روایتی از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که آن ملعون
در روز نهم ماه ربیع الاول بدرک اسفل جحیم متوجه شده است و از نقل او
چنان مفهوم میشود که شیخ صدوق چنین اعتقاد داشته است هرچند سید خود
آن حدیث را تاویلات نموده است و ایضا سید ذکر کرده است که جماعتی از شیعیان
عجم بیوسته این روز را باین سبب تعظیم و تکریم مینموده اند و خلف بزرکوار سید
علی بن طاوس در کتاب زوائد الفوائد این مذهب را تقویت کرده است و روایتی
معتبر در این باب ایراد نموده است چنانچه کفته است که روایت کرده است
محمد بن ابی العلاء همدانی و یحیی بن محمد بن جریح بغدادی که روزی با هم نزاع
کردیم در باب عمر بن الخطاب علیه اللعنة و العذاب و رفتیم در شهر قم نزد احمد بن
اسحق قمی که از خواص حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری ع بود و بخدمت حضرت
صاحب الامر ع نیز رسیده بود و چون در را کوبیدیم دختر عراقیه بیرون آمد و احوال
احمد را از او پرسیدیم کفت او امروز مشغول اعمال عید است و آن روز نهم ماه ربیع الاول
بود کفتیم سبحان الله عیدهای مؤمنان چهار است عید فطر و عید اضحی و عید غدیر

وو د زجمعه آن دختر گفت که احمد بن اسحق از حضرت امام علی نقی ع روایت میکند که امروز
روز عید است و بهترین عیدها ست نزد اهل بیت رسالت ص و شیعیان ایشان ما
گفتیم که رخصت بطلب تا بنزد او آییم چون آن دختر او را خبر کرد بیرون آمد بسوی ما
و لنگی بستر بود و عبایی بر خود پیچیده بود و بوی مشک از او ساطع بود گفتیم که این چه جامه ایست
است که در تو مشاهده میکنیم گفت الحال از غسل عید فارغ شده ام گفتیم امروز مگر
عید است گفت بلی و ما را بخانه خود در آورد و بر روی کرسی نشاند و گفت روزی
با جمعی از برادران خود بنزد مولای خود حضرت امام حسن عسکری ع رفتیم در سر من رای
در مثل این روز که شما بنزد من آمده اید چون رخصت یافتیم و بخدمت رسیدیم دیدیم
که حضرت مجلس خود را آراسته و مجمره در پیش خود گذاشته و بدست مبارک خود
عود در آن مجمره می انداخت و مجلس خود را مزین کردانیده است و بر غلامان و
خدمتکاران خود جامهای فاخر پوشانیده است گفتیم یا ابن رسول الله پدران و مادران
ما فدای تو باد آیا از برای اهل بیت امروز فرح تازه رو داده است حضرت فرمود که
کدام روز حرمتش از این روز نزد اهل بیت عظیم تر است بدرستی که خبر داد مرا پدرم ع که
حذیفه بن یمان در روز نهم ربیع الاول داخل شد بر جدم رسول خدا ص حذیفه گفت
که دیدم حضرت امیر المؤمنین و حضرت امام حسن و حضرت امام حسین صلوات الله علیهم را
که با حضرت رسالت پناه ص طعام تناول مینمودند و آنحضرت بروی ایشان تبسم مینمود
و با امام حسن و امام حسین ع میگفت بخورید گوارا باد از برای شما برکت و سعادت این روز
بدرستی که این روزیست که حق تعالی هلاک میکند در این روز دشمن خود و دشمن جد شما را
و مستجاب میگرداند در این روز دعای مادر شما را بخورید که این روزیست که حق تعالی در این
روز قبول میکند اعمال شیعیان و محبان شما را بخورید که این روزیست که ظاهر میشود
راستی گفته خدا که میفرماید فتلک بیوتهم خاویة بما ظلموا یعنی این اسخانهای ایشان

کرخالی

که خالی گردیده است بسبب ستمهای ایشان بخورید که این روزیست که شکسته میشود
در این روز شوکت دشمن جد شما و یاری کننده دشمن شما بخورید که این روزیست
که در این روز هلاک میشود فرعون اهل بیت من و ستم کننده بر ایشان و غصب کننده
حق ایشان بخورید که این روزیست که حق تعالی عملهای دشمنان شما را باطل و هباء میگرداند
حذیفه گفت که من گفتم یا رسول الله آیا در میان امت تو کسی خواهد بود که هتک
این حرمتها نماید حضرت فرمود که ای حذیفه بتی از منافقان بر ایشان سر کرده خواهد
شد و دعوی ریاست در میان ایشان خواهد کرد و مردم را از راه خدا منع خواهد کرد
و کتاب خدا را تحریف خواهد نمود و سنت مرا تغییر خواهد داد و میراث فرزند مرا
متصرف خواهد شد و پیشوای مردم خواهد خواند و زیادتی بر وصی من علی بن ابی طالب
خواهد کرد و مالهای خدا را بناحق بر خود حلال خواهد کرد و در غیر طاعت خدا صرف
خواهد کرد و مرا و برادر من و وزیر من علی را بد روغ نسبت خواهد داد و دختر مرا
از حق خود محروم خواهد کردانید پس دختر من او را نفرین خواهد کرد و حق تعالی نفرین
خواهد کرد و حق تعالی نفرین او را در این روز مستجاب خواهد کردانید حذیفه گفت
یا رسول الله چرا دعا نمیکنی که حق تعالی او را در حیات تو هلاک کرداند حضرت
فرمود که ای حذیفه دوست نمیدارم که جرات کنم بر قضای خدا و از او طلب کنم
تغییر امری را که در علم او گذشته است و لیکن از حق تعالی سؤال کردم که فضیلت دهد
آن روزی را که در آن روز او بجهنم میرود بر سائر روزها تا آنکه احترام آن روز سنتی
گردد در میان دوستان من و دوستان و شیعیان اهل بیت من پس حق تعالی وحی کرد
بسوی من که ای محمد در علم سابق من گذشته است که در یابد ترا و اهل بیت ترا
محنتها و بلاهای دنیا و ستمهای منافقان و غصب کنندگان از بندگان من آن منافقانی که
تو خیر خواهی ایشان کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان

با تو مکر کردند و تو با ایشان صاف و ایشان دشمنی تو را بدل گرفتند و تو ایشان را خوشنود
کردانیدی و ایشان تو را تکذیب کردند و تو ایشان را بر گزیدی و ایشان تو را در
بلیه گذاشتند سوگند یاد میکنم بحول و قوت و پادشاهی خود که البته بکشایم بر روح
کسی که غصب کند حق علی که وصی تست بعد از تو هزار در از پست ترین طبقهای جهنم که او را
فیلوق میگویند و او را و اصحاب او را در قعر جهنم جا دهم که شیطان از مرتبه خود بر او
مشرف شود و او را لعنت کنند و آن منافق را در قیامت عبرتی کردانم برای فرعونها
که در زمان پیغمبران دیگر بوده اند و برای سایر دشمنان دین و ایشان را و دوستان
ایشان را بسوی جهنم برم باد پدها کبود و روهها زشت با نهایت مذلت و خواری و پشیمانی
و ایشان را ابد الآباد در عذاب مخلد بدارم ای محمد نمیرسد علی بمنزلت تو مکر با نچه میرسد
با و از بلاها از فرعون او و از غصب کننده حق او که جرات میکند بر من و کلام مرا بدل میکند
و شرک بمن میاورد و مردم را منع میکند از راه رضای من و گوساله را برای امت تو برپا
میکند که آن ابوبکر است و کافر میشود بمن در عرش عظمت و جلال من بدرستی که من
امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که برای شیعیان و محبان دین شما عید کنند از روزی
که آن ملعون کشته میشود و امر کرده ام ایشان را که کرسی کرامت مرا نصب کنند در برابر
بیت المعمور و ثنا کنند بر من و طلب آمرزش نمایند برای شیعیان و محبان شما از فرزندان آدم
و امر کرده ام ملائکه نویسندگان را که اعمال را که از این روز تا سه روز قلم از مردم بردارند
و ننویسند گناهان ایشان را برای کرامت تو و وصی تو ای محمد این روز را عید کردانیدم
برای تو و اهل بیت تو و برای هر که تابع ایشان باشد از مؤمنان و شیعیان ایشان و سوگند
یاد میکنم بر خود بعزت و جلال خود و علو منزلت و مکان خود که عطا کنم کسی را که عید
کند این روز را از برای من ثواب آنها که بدور عرش احاطه کرده اند و قبول کنم شفاعت او را
در خویشان او و زیاد کنم مال او را اگر کشادگی دهد بر خود و عیال خود در این روز و هر سال

در این روز و صد هزار هزار کس از موالیان و شیعیان شما را از آتش جهنم آزاد کردانم و اعمال
ایشان را قبول کنم و گناهان ایشان را بیامرزم حذیفه گفت که پس برخاست رسول خدا صلعم
و بخانه ام سلمه رفت و من برکشتم و صاحب یقین بودم در کفر عمر تا آنکه بعد از وفات
رسول خدا صلعم دیدم که او چه فتنها برانگیخت و کفر اصلی خود را اظهار کرد و از دین بر
کشت و دامان بیحیایی و وقاحت برای غصب امامت و خلافت بر زد و قرآن را تحریف کرد
و آتش در خانه وحی و رسالت زد و بدعتها در دین خدا پیدا کرد و ملت پیغمبر را تغییر
داد و سنت آنحضرت را بدل کرد و شهادت حضرت امیر المؤمنین ع را رد کرد و فاطمه دختر
رسول خدا صلعم را بدروغ نسبت داد و فدک را غصب کرد و یهود و نصاری و مجوس را
از خود راضی کرد و نور دیده مصطفی را بخشم آورد و رضاجویی اهل بیت رسالت نکرد
و جمیع سنتهای رسول را بر طرف کرد و تدبیر کشتن امیر المؤمنین کرد و جور و ستم را
در میان مردم علانیه کرد و هر چه خدا حلال کرده بود حرام کرد و هر چه خدا حرام کرده
بود حلال کرد و حکم کرد که از پوست شتر دینار و درهم بسازند و خرج کنند
و در بر دو شکم فاطمه زهراء زد و بر منبر حضرت رسالت ص بغصب و جور بالا
رفت و بر حضرت امیر المؤمنین ع افتراء بست و با آنحضرت معارضه کرد و رای
آنحضرت را بسفاهت نسبت داد و حذیفه گفت که پس حق تعالی دعای برگزیده
خود دختر پیغمبر خود را در حق آن منافق مستجاب کردانید و قتل او را بر دست کشنده
او رحمة الله علیه جاری ساخت پس رفتم بخدمت حضرت امیر المؤمنین ع که آنحضرت را
تهنیت و مبارکباد بگویم بآنکه آن منافق کشته شد و بعذاب حق تعالی واصل
کردید چون حضرت مرا دید گفت ای حذیفه آیا در خاطر داری آن روز را که آمدی
بنزد سید من رسول خدا صلعم و من و دو سبط او حسن و حسین نزد او نشسته بودیم
و با او طعام میخوردیم پس تو را دلالت کرد بر فضیلت این روز گفتم بلی ای برادر رسول

خدا صلعم حضرت فرمود ای برادر رسول خدا صلعم حضرت فرمود که بخدا سوگند که این روز بست
که حق تعالی در آن دیده آل رسول صلعم را روشن گردانید و من برای این روز هفتاد و دو
دو نام میدانم حذیفه گفت یا امیر المؤمنین میخواهم که آن نامها را از تو بشنوم حضرت
فرمود که این روز استراحت است که مؤمنان از شر منافقان استراحت یافتند و روز
زائل شدن کرب و غم است و روز غدیر دویم و روز تخفیف گناهان شیعیان است و روز
اختیار نیکو برای مؤمنان است و روز برداشتن قلم از شیعیان است و روز برهم
شکستن بنای کفر و عدوانست و روز عافیت است و روز برکت است و روز طلب
خون بهای مؤمنان است و روز عید بزرگ خداست و روز مستجاب شدن دعاست
و روز موقف اعظم است و روز وفاء بعهد است و روز شرط است و روز کندن
جامه سیاه است و روز ندامت ظالم است و روز شکسته شدن شوکت مخالفانست
و روز نفی هموم است و روز فتح است و روز عرض اعمال کافران است و روز ظهور قدرت
خداست و روز عفو از گناه شیعیان است و روز فرح ایشان است و روز تو براست
و روز انابت بسوی خداست و روز زکوة بزرگست و روز فطر دویم است و روز
اندوه باغیان است و روز گره شدن آب دهان در گلوی مخالفان است و روز خوشنودی
مؤمنان است و روز عید اهل بیت است و روز ظفر یافتن بنی اسرائیل بر فرعون است
و روز مقبول شدن اعمال شیعیان است و روز پیش فرستادن تصدقات است
و روز زیادتی مثوبات است و روز قتل منافق است و روز وقت معلوم است
و روز سرور اهل بیت است و روز شهود است و روز قهر بر دشمن است و روز
خراب شدن بنیان ضلالت است و روز لیت که ظالم انگشت ندامت بدندان
میگیرد و روز تنبیه است و روز شرف است و روز خنک شدن دلهای مؤمنان است و روز
شهادت است و روز درگذشتن از گناه مؤمنان است و روز تازگی بوستان اهل ایمان است

وروز

و روز شیرینی کام ایشان است و روز خوشی دلهای ایشان است و روز برطرف شدن پادشاهی
منافقان است و روز توفیق اهل ایمان است و روز رهایی مؤمنان از شر کافران است و روز
مظاهره است و روز مفاخره است و روز قبول اعمال است و روز تبجیل و تعظیم است و روز
بذل و عطا است و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است و روز زیارت کردن
مؤمنان است و روز محبت کردن ایشان است و روز رسیدن رحمتهای الهی است و روز باطل
گردانیدن اعمال است و روز نمایش کردن رازهاست و روز برطرف شدن بدعتهاست و روز ترک
گناهان کبیره است و روز یاد کردن نجات است و روز عبادتست و روز وعظ و نصیحت است
و روز انقیاد پیشوایان اهل بیت است حذیفه گفت که پس از خدمت حضرت امیر المؤمنین صلعم
برخاستم و گفتم اگر در دنیا هم از افعال خیر و آنچه امید ثواب از آن دارم مگر محبت این روز و دانستن
فضیلت این را هر آینه منتهای آرزوی من خواهد بود محمد و یحیی راویان حدیث گفتند که چون
این حدیث را از احمد بن اسحق شنیدیم هر یک برخاستیم و سر او را بوسیدیم و گفتیم حمد میکنیم
خداوند را که برانگیخت ترا از برای ما تا آنکه فضیلت این روز را بما رسانیدی پس بخانهای خود بر
گشتیم و این روز را عید کردیم و صاحب کتاب زوائد الفوائد گفته است که این حدیث را از خط
علی بن محمد بن طی رحمة الله علیه نوشتم و در کتب دیگر تتبع کردم چنین روایت دیگر موافق
این یافتم پس اعتماد بر این روایات نمودم و سزاوار است شیعیان را که این روز را تعظیم
نمایند و اظهار سرور و شادی در این روز بکنند و شیخ ابرهیم بن علی کفعمی در کتاب
مصباح گفته است که صاحب کتاب مسار الشیعه روایت کرده است که هر که در روز
نهم ماه ربیع الاول چیزی انفاق کند حق تعالی گناهان او را بیامرزد و مستحب است در
این روز اطعام برادران مؤمن و خوشبو گردانیدن ایشان و توسعه دادن بر عیال
خود و دیگران و پوشیدن جامهای نو و شکر و عبادت حق تعالی و این روز برطرف
شدن غمهاست و روز روزه داشتن نیست مؤلف گوید که از نقل این بزرگواران

معلوم شد که بر فضیلت اینروز و وقوع این قضیهٔ مبارکه در آن احادیث بسیار وارد شده است
و در اعصار سابقه میان شیعه مشهور بوده است و بر خلافش روایتی بنظر این قاصر
نرسیده است و اتفاق مورخان عامه با احادیث معتبره معارضه نمیکند و اگر کسی
استبعاد کند که چنین واقعهٔ عظیمی که سبب حزن جمعی و سرور جمعی گردد چگونه مضبوط
نماند جواب آنست که این واقعه از واقعهٔ وفات حضرت رسالت صلعم و شهادت حضرت
امیر المؤمنین صلعم عظیم تر نیست و در هر یک از آنها خلاف میان خاصه و عامه هست
و در واقعهٔ اول اتفاق دارند عامه بر آنچه خلاف مختار شیعه است اگر گویند باعثی
بر افترای ایشان در اینجا نیست جواب میگوییم شبهه در هر دو جا هست و باعث
قوی در اینجا هست زیرا که ممکن است که برای دفع شماتت شیعیان اخفاء آن نموده
باشند و علی ای حال چون مدار علماء خاصه و عامه بر آنست که در مستحبات باحادیث
ضعیفه متمسک میشوند بنا بر احادیث صحیحه که از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم
اجمعین وارد شده است که هر که ثوابی از خدا باو برسد بر عملی و از برای او ورود آن
ثواب باو داده میشود هر چند چنان نباشد که باو رسیده است پس اگر اعمال
این روز را که نوعش از شارع وارد شده باشد و مخالفتی با آیات و اخبار
نداشته باشد کسی بعمل آورد خوب خواهد بود و مستحق ثواب خواهد بود و
بعضی میگویند که عمر بن سعد علیه اللعنه در اینروز بجهنم واصل شده است اگر چنین
باشد این شرافت برای او کافی است و شیخ مفید ره گفته است که در روز دهم اینماه
حضرت رسول صلعم خدیجهٔ کبری رحمة الله علیها را تزویج نمود و مستحب است برای
شکر این مواصلت عظیم البرکه که شیعیان روزه بدارند و گفته است که در روز
دوازدهم اینماه حضرت رسول صلعم داخل مدینهٔ طیبه شد و از شر دشمنان ایمن گردید
و باین جهت روز مبارکی است و ایضا دولت بنی مروان که از شعب بنی امیه و از دشمنان

اهل بیت علیهم السلام بودند در اینروز دولت ایشان بنهایت رسید و زائل گردید
و این نیز فضیلت دیگر است برای اینروز و اکثر سنیان ولادت با سعادت حضرت
رسول صلعم را در اینروز میدانند و محمد بن یعقوب کلینی ره از علماء امامیه نیز در
کتاب کافی چنین قائل شده است و بعضی از ارباب حساب موافق فحوای بعضی از
روایات این را اظهر میدانند و اگر چه خلاف مشهور میان امامیه است اما اگر
روزه و غسل و زیارت و سائر اعمال که در هفدهم مذکور خواهد شد در اینروز
بعمل آورند باحتیاط اقربست و سید ابن طاوس ره از بعضی از علماء عجم روایت
کرده است که سنت است که در دوازدهم اینماه دو رکعت نماز بجا آورند و در
در رکعت اول بعد از حمد سه مرتبه قل یا ایها الکافرون و در رکعت دویم سه مرتبه
قل هو الله احد بخوانند و شیخ مفید و شیخ طوسی ره روایت کرده اند که یزید
پلید علیه اللعنه و العذاب الشدید در روز چهاردهم اینماه باسفل درکات جهنم منتقل
شد باید که شیعیان اینروز را بر خود مبارک دانند و شکر حق تعالی بر عطای این نعمت
عظیم اداء کنند و بعضی روزهٔ اینروز را سنت دانسته اند **فصل دویم** در
فضائل و اعمال روز هفدهم اینماه است و مشهور میان علماء شیعه آنست که
ولادت کثیر السعادهٔ حضرت رسالت صلعم در روز جمعه هفدهم ماه ربیع الاول
واقع شده و در بعضی از روایات وارد شده است که عروج آنحضرت باسمانها
نیز در شب هفدهم واقع شده است و شب و روزش هر دو مبارک است و در
هر دو زیارت حضرت رسالت و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیهما مناسب است
و علما ذکر کرده اند و روزه روز آن فضیلت بسیار دارد و شیخ مفید علیه الرحمه
گفته است که این روز شریفی است و پیوسته فرقهٔ محقهٔ شیعه از قدیم الایام الی
الآن تعظیم آن میکرده اند و حق آنرا میشناخته اند و روزه میداشته اند و از آنجهت که

روایت کرده اند که هر که این روز را روزه دارد ثواب روزه یکسال برای او نوشته شود
و مستحب است که تصدقات بارباب حاجات بدهند و مؤمنان و مؤمنات را شاد کردانند
و بزیارت مشاهد شرفه بروند خصوصا مرقد مطهر حضرت رسالت و ضریح منور حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما و شیخ مفید و شیخ شهید و سید ابن طاوس ره
گفته اند که چون در غیر مدینه طیبه خواهی که حضرت رسالت صم را زیارت کنی غسل
بکن و شبیه بقبر در پیش روی خود بساز و اسم مبارک آنحضرت را بر آن بنویس و
بایست و دل خود را متوجه آنحضرت کردان و بکو اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
کواهی میدهم که نیست سزاوار پرستش مکر خدا
وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ وَ اَنَّهُ سَيِّدُ
حال آنکه یکانه است نیست شریکی برای او و کواهی میدهم که محمد بنده او و رسول اوست و آنکه بتحقیق محمد بزرک
الْاَوَّلِينَ وَ الْاٰخِرِينَ وَ اَنَّهُ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ
پیشینیان و پسینیانست و آنکه بتحقیق او بزرک پیغمبران و فرستادکانست خداوندا رحمت بفرست براو
وَ عَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَئِمَّةِ الطَّيِّبِينَ ثُمَّ بِكُوْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
و بر خاندان او پیشوایان پاکیزه کان پس بکو درود بر تو ای فرستاده خدا درود
عَلَيْكَ يَا خَلِيلَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ
بر تو ای دوست خدا درود بر تو ای پیغمبر خدا درود بر تو ای برکزیده
اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَحْمَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خِيَرَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
خدا درود بر تو ای بخشایش خدا درود بر تو ای اختیار کرده شده خدا سلام بر تو
يَا حَبِيبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَجِيبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ
ای رحمت خدا سلام بر تو ای برکزیده خدا سلام بر تو ای آخر پیغمبران
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَائِماً بِالْقِسْطِ
سلام بر تو ای بزرک فرستادکان درود بر تو ای بپا دارنده کار راستی

السلام

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاتِحَ الْخَيْرِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ الْوَحْيِ وَ التَّنْزِيلِ
درود بر تو ای کشاینده نیکی درود بر تو ای قرارکاه پیغام خدا و معانی قرآن فرود فرستاده شده
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَلِّغاً عَنِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا السِّرَاجُ الْمُنِيرُ
درود بر تو ای رساننده از جانب خدا درود بر تو ای چراغ روشن
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُبَشِّرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَذِيرُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُنْذِرُ
درود بر تو ای مژده دهنده درود بر تو ای بیم نماینده درود بر تو ای بیم نماینده
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ الَّذِي يُسْتَضَاءُ بِهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلٰى
درود بر تو ای روشنی خدا که روشنی جسته میشود باو درود بر تو و بر
اَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْهَادِينَ الْمَهْدِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَ
بر خانواده تو که پاکیزکانند پاکان راهنمایان راه یافتکانند درود بر تو و
عَلٰى جَدِّكَ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ وَ عَلٰى اَبِيكَ عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى اُمِّكَ اٰمِنَةَ بِنْتِ
بر جد تو عبد المطلب و بر پدر تو عبد الله درود بر مادر تو آمنه دختر
وَهْبٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَمِّكَ حَمْزَةَ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَمِّكَ وَ كَفِيلِكَ
وهب درود بر عموی تو حمزه بزرک شهیدان درود بر عموی تو و کارکزار تو
اَبِي طَالِبٍ اَلسَّلَامُ عَلَى ابْنِ عَمِّكَ جَعْفَرٍ الطَّيَّارِ فِي جِنَانِ الْخُلْدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
ابی طالب درود بر پسر عموی تو جعفر پرنده در بهشت جاوید درود بر تو
يَا مُحَمَّدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَحْمَدُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلَى الْاَوَّلِينَ وَ
ای محمد درود بر تو ای احمد درود بر تو ای حجت خدا بر پیشینیان و
الْاٰخِرِينَ وَ السَّابِقَ فِي طَاعَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الْمُهَيْمِنَ عَلٰى رُسُلِهِ وَ الْخَاتَمَ
پسینیان و پیشی کیرنده در فرمان برداری پروردکار جهانیان و کواهی دهنده بر فرستادکان او و آخر
لِاَنْبِيَائِهِ وَ الشَّاهِدَ عَلٰى خَلْقِهِ وَ الشَّفِيعَ اِلَيْهِ وَ الْمَكِينَ لَدَيْهِ وَ الْمُطَاعَ فِي
پیغمبران او و کواه بر آفریدکان او و درخواست کننده بسوی او و جای کرفته نزد او و اطاعت کرده شده در

ملكوته الاحمد من الاوصاف المحمدة لسائر الاشراف الكريم عند الرب
در عالم پادشاهی او ستوده تر از ستایشها ستوده شده همه بزرگان بزرگوار نزد پروردگار
والمكلم من وراء الحجب الفائز بالسباق والفائت عن اللحاق تسليم
وسخن گفته شده از پس پردها فیروزی یافته به پیش گرفتن بر خلایق گذشته از رسیدن ایشان درود
عارف بحقك معترف بالتقصير في قيامه بواجبك غير منكر ما
شناسنده حق ترا اقرار دارنده بتقصیر در قیام نمودن او بحق واجب تو انکار ننماینده آنچه را
انتهى اليه من فضلك موقن بالمزيدات من ربك مؤمن بالكتاب
رسیده بسوی او از فضل تو جزم دارد بزیادتیها از جانب پروردگار تو تصدیق کننده بکتاب
المنزل عليك محلل حلالك محرم حرامك اشهد يا رسول الله مع
فرو فرستاده شده بر تو حلال داننده حلال ترا حرام شمرنده حرام ترا گواهی میدهم ای فرستاده خدا با
كل شاهد واتحملها عن كل جاحد انك قد بلغت رسالات ربك
هر گواهی دهنده و بر میدارم گواهی را از هر انکار کننده آنکه بتحقیق تو رسانیدی پیغامهای پروردگار خود را
ونصحت لامتك وجاهدت في سبيل ربك وصدعت بامره واحتملت
و پند دادی مر امت خود را و کارزار نمودی در راه پروردگار خود و ظاهر ساختی فرمان او را و بر داشتی
الاذى في جنبه ودعوت الى بالحكمة والموعظة الحسنة الجميلة واديت سبيله
تعبها را در کار او و خواندی بسوی راه او بدلیل محکم و پند نیکو نیک و رسانیدی
الحق الذي كان عليك وانك قد رؤفت بالمؤمنين وغلظت على الكافرين
حقی را که بود بر تو و آنکه بدرستی تو بحقیقت مهربان بودی بگروندگان و خشمگین بودی بر ناگروندگان
وعبدت الله مخلصا حتى اتاك اليقين فبلغ الله بك اشرف محل
و پرستیدی خدا را خالص کردانندهٔ عبادت را تا آنکه آمد ترا مرگ پس برساند خدا ترا به بلندترین جاهای
المكرمين واعلى منازل المقربين وارفع درجات المرسلين حيث لا
گرامی داشتگان و بلندترین مرتبهای نزدیکان و رفیع ترین درجهای فرستادگان آنجا که

يلحقك

يلحقك لاحق ولا يفوقك فائق ولا يسبقك سابق ولا يطمع في
نرسد ترا هیچ رسنده و نگذرد از تو گذرنده و پیشی نگیرد ترا پیشی گیرنده و طمع نکند در
ادراكك طامع الحمد لله الذي استنقذنا بك من الهلكة وهدانا
رسیدن بمرتبهٔ تو طمع کننده سپاس مر خدای را که رهانید ما را بوسیلهٔ تو از هلاکت و راه نمود ما را
بك من الضلالة ونورنا بك من الظلمة فجزاك الله يا رسول الله
بتو از گمراهی و روشن گردانید ما را بتو از گمراهی پس پاداش دهد ترا خدا ای رسول خدا
من مبعوث افضل ما جازى نبيا عن امته ورسولا عمن ارسل اليه
فرستاده او بهتر از آنچه پاداش داده پیغمبری را از جانب امت او و فرستاده را از جانب آنکه فرستاده شده بسوی
بابي انت وامي يا رسول الله زرتك عارفا بحقك مقرا بفضلك
پدرم و مادرم فدای تو باد ای رسول خدا زیارت کردم ترا شناسا بحق تو اقرار کننده بفضل تو
مستبصرا بضلالة من خالفك وخالف اهل بيتك عارفا بالهدى
بینا بگمراهی آنکه مخالفت نمود ترا و مخالفت ورزید خانوادهٔ ترا شناسا براه یافتگی
الذي انت عليه بابي انت وامي ونفسي واهلي ومالي وولدي انا اصلي
که تو بر آنی فدای تو باد پدر و مادرم و خودم و اهل و مالم و فرزندانم من رحمت میفرستم
عليك كما صلى الله عليك وصلى عليك ملائكته وانبياؤه ورسله
بر تو چنانچه رحمت فرستاد خدا بر تو و رحمت فرستادند بر تو ملائکه و پیغمبران او و فرستادگان او
صلوة متتابعة وافرة متواصلة لا انقطاع لها ولا امد ولا اجل صلى
رحمتی پی در پی بسیار پیوسته که نباشد بریدگی مر آن را و نه آخری و نه نهایتی رحمت فرستد
الله عليك وعلى اهل بيتك الطيبين الطاهرين كما انتم اهله بمشيتها
خدا بر تو و بر خانوادهٔ تو پاکیزگان پاکان چنانچه شما سزاوار آنید بگشا و بگو
اللهم اجعل جوامع صلواتك ونوامي بركاتك وفواضل خيراتك
خدایا بگردان رحمتهای فراهم آورندهٔ خود را و زیادتیهای افزایش کنندهٔ خود را و نیکیهای زیادهٔ خود را

وَشَرَائِفَ تَحِيَّاتِكَ وَتَسْلِيمَاتِكَ وَكَرَامَاتِكَ وَرَحَمَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ
و درودهای با رفعت خود را و سلامهای خود را و کرامتهای خود و بخشایش خود را و رحمتهای فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ وَأَئِمَّتِكَ الْمُنْتَجَبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
نزدیک خود را و پیغمبران و فرستادگان خود و پیشوایان برگزیدگان خود و بندگان شایسته خود

وَأَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ
و اهل آسمانها و زمینها و هر که تنزیه کند ترا ای پروردگار جهانیان از پیشینیان

وَالْآخِرِينَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَشَاهِدِكَ وَنَبِيِّكَ وَنَذِيرِكَ
و پسینیان بر محمد بنده تو و فرستاده تو و گواه تو و پیغمبر تو و بیم نماینده از جانب تو

وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ وَخَلِيلِكَ وَصَفِيِّكَ وَصَفْوَتِكَ — ومكينك
و معتمد تو و همراز تو و اختیار کرده شده و دوست تو و صدیق تو و دوست مخلص تو و برگزیده تو

وَخَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَخَيْرِ خِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ نَبِيِّ
و بنده خاص تو و دوست خالص تو و بخشایش تو و بهترین اختیار کرده شدگان تو از خلق تو پیغمبر

الرَّحْمَةِ وَخَازِنِ الْمَغْفِرَةِ وَقَائِدِ الْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَمُنْقِذِ الْعِبَادِ مِنَ الْهَلَكَةِ
رحمت و خزانه دار آمرزش و کشنده نیکی و زیادتی و رهاننده بندگان از هلاکت

بِإِذْنِكَ وَدَاعِيهِمْ إِلٰى دِينِكَ الْقَيِّمِ بِأَمْرِكَ أَوَّلِ النَّبِيِّينَ مِيثَاقًا وَآخِرِهِمْ
به دستور تو و خواننده ایشان بسوی دین تو قیام نماینده بفرمان تو اول پیغمبران به پیمان بستن و آخر ایشان

مَبْعَثًا الَّذِي غَمَسْتَهُ فِي بَحْرِ الْفَضِيلَةِ وَالْمَنْزِلَةِ الْجَلِيلَةِ وَالدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ — للمنزلة
از روی بعثت آنکه فرو بردی او را در دریای فضل و منزلت بزرگ و درجه بلند

وَالْمَرْتَبَةِ الْخَطِيرَةِ وَأَوْدَعْتَهُ الْأَصْلَابَ الطَّاهِرَةَ وَنَقَلْتَهُ مِنْهَا إِلَى
و مرتبه عظیم و با مانت گذاشتی او را در پشتهای پاک و نقل فرمودی او را از آنها بسوی

الْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ لُطْفًا مِنْكَ لَهُ وَتَحَنُّنًا مِنْكَ عَلَيْهِ إِذْ وَكَّلْتَ لِصَوْنِهِ
رحمهای پاک گردانیده شده بجهت مهربانی از تو نسبت با و شفقت تو بر و هنگامی که موکل گردانیدی برای نگاه داشتن او

وَحِرَاسَتِهِ وَحِفْظِهِ وَحِيَاطَتِهِ مِنْ قُدْرَتِكَ عَيْنًا عَاصِمَةً حَجَبْتَ بِهَا عَنْهُ
و نگاهبانی او و حفظ او و رعایت او از قدرت خود نگهبانی نگهدارنده باز داشتی بآن از او

مَدَانِسَ الْعَهَرِ وَمَعَايِبَ السِّفَاحِ حَتّٰى رَفَعْتَ بِهِ نَوَاظِرَ الْعِبَادِ وَأَحْيَيْتَ
چرکهای فجور و عیبهای زنا را تا آنکه بلند کردی بسبب او دیدهای بندگان را و زنده گردانیدی

بِهِ مَيْتَ الْبِلَادِ بِأَنْ كَشَفْتَ عَنْ نُورِ وِلَادَتِهِ ظُلَمَ الْأَسْتَارِ وَأَلْبَسْتَ
باو مرده شهرها را باینکه زایل کردی از روشنی ولادت او تیرگی پردها را و پوشانیدی

حَرَمَكَ بِهِ حُلَلَ الْأَنْوَارِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا خَصَصْتَهُ بِشَرَفِ هٰذِهِ الْمَرْتَبَةِ الْكَرِيمَةِ
حرم خود را بسبب او جامهای روشنائیها خداوندا پس چنانچه مخصوص کردانیدی او را بشرافت این مرتبه کرامی

وَذُخْرِ هٰذِهِ الْمَنْقَبَةِ الْعَظِيمَةِ صَلِّ عَلَيْهِ كَمَا وَفٰى بِعَهْدِكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ
و ذخیره این منقبت بزرگ رحمت بفرست بر او چنانچه وفا نمود به پیمان تو و رسانید پیغامهای ترا

وَقَاتَلَ أَهْلَ الْجُحُودِ عَلٰى تَوْحِيدِكَ وَقَطَعَ رَحِمَ الْكُفْرِ فِي إِعْزَازِ دِينِكَ
و کشتن نمود با منکران بر اظهار یگانگی تو و ببرید قرابت کفر را در عزیز گردانیدن دین تو

وَلَبِسَ ثَوْبَ الْبَلْوٰى فِي مُجَاهَدَةِ أَعْدَائِكَ وَأَوْجَبْتَ لَهُ بِكُلِّ أَذًى
و پوشید جامه زحمت و تعب را در کارزار نمودن با دشمنان تو و واجب گردانیدی برای او بهر آزاری

مَسَّهُ أَوْ كَيْدٍ أَحَسَّ بِهِ مِنَ الْفِئَةِ الَّتِي حَاوَلَتْ قَتْلَهُ فَضِيلَةً تَفُوقُ
که رسید او را یا مکری دریافت او را از گروهی که قصد کردند کشتن او را زیادتی که فایق آید بر

الْفَضَائِلَ وَتَمَلَّكَ بِهَا الْجَزِيلَ مِنْ نَوَالِكَ وَقَدْ أَسَرَّ الْحَسْرَةَ وَأَخْفَى — بملك
زیادتیها و صاحب شد بسبب آن بخشش بسیار از بخشش ترا و بحقیقت پنهان داشت اندوه را و پنهان کرد

الزَّفْرَةَ وَتَجَرَّعَ الْغُصَّةَ وَلَمْ يَتَخَطَّ مَا مَثَّلَ لَهُ وَحْيُكَ اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ
آه را و فرو خورد غصه و غم را و تجاوز نکرد از آنچه بصورت در آورد برای او وحی تو خداوندا رحمت بفرست بر او

وَعَلٰى أَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوٰةً تَرْضَاهَا لَهُمْ وَبَلِّغْهُمْ مِنَّا تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَسَلَامًا
و بر خاندان او رحمتی که پسندی آن را برای ایشان و برسان بایشان از ما درود بسیار و سلام فراوان

وَآتِنَا مِنْ لَدُنْكَ مِنْ مُوالاتِهِمْ فَضْلاً وَاِحْسَاناً وَرَحْمَةً وَغُفْرَاناً اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ
و بده مارا از نزد خود از دوست داشتن ایشان زیادتی و نیکوئی و بخشایش و آمرزش بدرستیکه تو خداوند

الْعَظِيمِ پس چهار رکعت نماز زیارت بکن بدو سلام با هر سوره که خواهی و چون
بزرگی فارغ شوی تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخوان پس بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا
خداوندا بدرستیکه تو گفته برای پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و اگر آنکه منافقان ستم کردند

اَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ
بر نفسهای خود آمدندی ترا پس طلب آمرزش کنندی از خدا و طلب آمرزش کردی برای ایشان رسول هر آینه یافتندی خدا را

تَوَّاباً رَحِيماً وَلَمْ اَحْضُرْ زَمَانَ رَسُولِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلاَمُ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ زُرْتُهُ
پذیرای توبه مهربان و حاضر نبودم در زمان رسول تو براو و آل او باد سلام خداوندا و بتحقیق زیارت کردم او را

رَاغِباً تَائِباً مِنْ سَيِّئِ عَمَلِي وَمُسْتَغْفِراً لَكَ مِنْ ذُنُوبِي وَمُقِرّاً لَكَ بِهَا وَاَنْتَ
خواهشمند رجوع کننده از کردار بد خود و آمرزش طلبنده مر ترا از گناه خود و اقرار کننده مر ترا بگناهان و تو

اَعْلَمُ بِهَا مِنِّي وَمُتَوَجِّهاً اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ
داناتری بآنها از من و رو کننده بسوی تو بوسیله پیغمبر تو ~~رحمتهای تو~~ پیغمبر رحمت رحمتهای تو براو و آل او

فَاجْعَلْنِي اللّٰهُمَّ بِمُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ عِنْدَكَ وَجِيهاً فِي الدُّنْيَا وَالآخِرَةِ وَمِنَ
پس بگردان مرا خداوندا بحرمت محمد و خانواده او نزد خود صاحب جاه در اینجهان و آنجهان و از

الْمُقَرَّبِينَ يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا نَبِيَّ اللّٰهِ يَا سَيِّدَ خَلْقِ اللّٰهِ
نزدیک گردیدگان ای محمد ای رسول خدا فدای تو باد پدر و مادرم ای پیغمبر خدا ای بزرگ خلق خدا

اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّكَ وَرَبِّي فَنِعْمَ الْمَسْؤُولُ الْمَوْلَى رَبِّي وَنِعْمَ الشَّفِيعُ
بدرستیکه من رو میکنم بوسیله تو بسوی خدا پروردگار تو و پروردگار من ~~پس نیکو...~~ ... قبول کننده و خوب شفاعت کننده

اَنْتَ يَا مُحَمَّدُ عَلَيْكَ وَعَلَى اَهْلِ بَيْتِكَ السَّلاَمُ اَللّٰهُمَّ وَاَوْجِبْ لِي مِنْكَ الْمَغْفِرَةَ
تو ای محمد بر تو و بر خانواده تو درود خداوندا و واجب کن برای من از جانب خود آمرزش

والرحمة

وَالرَّحْمَةَ وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ الطَّيِّبَ النَّافِعَ كَمَا اَوْجَبْتَ لِمَنْ اَتَى نَبِيَّكَ
و بخشش و روزی فراخ پاکیزه سودبخش چنانچه واجب گردانیدی برای آنکه آمد پیغمبر ترا

مُحَمَّداً صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ حَيٌّ فَاَقَرَّ لَهُ بِذُنُوبِهِ وَاسْتَغْفَرَ لَهُ
محمد رحمتهای تو باد براو و آل او و حال آنکه او بود زنده پس اقرار کرد برای او بگناهان خود و طلب آمرزش نمود برای او

رَسُولُكَ عَلَيْهِ السَّلاَمُ فَغَفَرْتَ لَهُ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ
رسول تو براو باد درود پس آمرزیدی مر او را بخشایش خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا

وَقَدْ اَمَّلْتُكَ جَزِيلَ ثَوَابِكَ وَاِنِّي مُقِرٌّ غَيْرُ مُنْكِرٍ وَتَائِبٌ اِلَيْكَ مِمَّا اقْتَرَفْتُ
و بتحقیق آرزو کرده ام از تو ... و بدرستیکه من اقرار کننده ام نه انکار نماینده و رجوع کننده ام بسوی تو از آنکه کرده ام

وَعَائِذٌ بِكَ فِي هٰذَا الْمَقَامِ مِمَّا قَدَّمْتُ مِنَ الاَعْمَالِ الَّتِي تَقَدَّمْتَ اِلَيَّ فِيهَا
و پناه گیرنده ام بتو در این جا از آنچه پیش داشته ام از کردارها که پیشی گرفتی بسوی من در آنها

وَنَهَيْتَنِي عَنْهَا وَاَوْعَدْتَ عَلَيْهَا الْعِقَابَ وَاَعُوذُ بِكَرَمِ وَجْهِكَ اَنْ
و منع کردی مرا از آنها و وعده کردی برآنها عقوبت را و پناه میگیرم ببزرگواری ذات تو از آنکه

تُقِيمَنِي مَقَامَ الْخِزْيِ وَالذُّلِّ يَوْمَ تُهْتَكُ فِيهِ الاَسْتَارُ وَتَبْدُو فِيهِ
بپا داری مرا در جایگاه خفت و خواری روزیکه دریده میشود در آن پردها و ظاهر میشود در آنها

الاَسْرَارُ وَالْفَضَائِحُ وَتَرْعَدُ فِيهِ الْفَرَائِصُ يَوْمَ الْحَسْرَةِ وَالنَّدَامَةِ يَوْمَ
نهانیها و رسوائیها و لرزان گردیده شود در آن رگهای گردن روز اندوه و پشیمانی روز

الآفِكَةِ يَوْمَ الآزِفَةِ يَوْمَ التَّغَابُنِ يَوْمَ الْفَصْلِ يَوْمَ الْجَزَاءِ يَوْماً كَانَ
عذاب روز قیامت روز بسیار غبن داشتن اشقیا روز جدا کردن حق از باطل روز جزا دادن روزیکه باشد

مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ اَلْفَ سَنَةٍ يَوْمَ النَّفْخَةِ يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ تَتْبَعُهَا
قدر او پنجاه هزار سال روز دمیدن در صور روزیکه بلرزد زمین لرزیدنی از پی در آید آنرا

الرَّادِفَةُ يَوْمَ النَّشْرِ يَوْمَ الْعَرْضِ يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ يَوْمَ
نفخه دوم صور روز برانگیختن روز عرض کردن روزیکه می ایستند آدمیان برای پروردگار جهانیان روزیکه

يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيهِ وَاُمِّهِ وَاَبِيهِ وَصاحِبَتِهِ وَبَنِيهِ يَوْمَ تَشَقَّقُ الْاَرْضُ
میگریزد آدمی از برادر خود و مادر خود و پدر خود و زن خود و فرزندان خود روزی که شکافته شود زمین

وَاَكْنافُ السَّماءِ يَوْمَ تَاْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجادِلُ عَنْ نَفْسِها يَوْمَ يُرَدُّونَ اِلَى اللّٰهِ
و اطراف آسمان روزی که می آید هر نفسی که مجادله کند از نفس خود روزی که باز گردانیده شوند بسوی خدا

فَيُنَبِّئُهُمْ بِما عَمِلُوا يَوْمَ لا يُغْنِي مَوْلًى عَنْ مَوْلًى شَيْئاً وَلا هُمْ يُنْصَرُونَ اِلَّا
پس آگاه کند ایشانرا بآنچه میکردند روزی که باز ندارد هیچ دوستی از دوستی چیزیرا و نه ایشان یاری کرده شوند مگر

مَنْ رَحِمَ اللّٰهُ اِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ يَوْمَ يُرَدُّونَ اِلَى عالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ
آنکه بخشود اورا خدا بدرستی که او اوست غالب مهربان روزی که باز گردانیده شوند بسوی دانای نهان و آشکار

يَوْمَ يُرَدُّونَ اِلَى اللّٰهِ مَوْلٰيهُمُ الْحَقِّ يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْاَجْداثِ سِراعاً
روزی که باز گردانیده شوند بسوی خدا که خداوند ایشانست بحق روزی که بیرون آیند از قبرها شتابان

كَاَنَّهُمْ اِلَى نُصُبٍ يُوفِضُونَ وَكَاَنَّهُمْ جَرادٌ مُنْتَشِرٌ مُهْطِعِينَ اِلَى الدّاعِ
گوئیا ایشان بسوی علمی میشتابند و گوئیا ایشان ملخهای پراکنده اند حال آنکه شتابانند بسوی الداعي ز

اِلَى اللّٰهِ يَوْمَ الْواقِعَةِ يَوْمَ تُرَجُّ الْاَرْضُ رَجّاً يَوْمَ تَكُونُ السَّماءُ كَالْمُهْلِ
خدا روز قیامت روزی که لرزیده شود زمین لرزیدنی سخت روزی که باشد آسمان چون مس گداخته

وَتَكُونُ الْجِبالُ كَالْعِهْنِ وَلا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيماً يَوْمَ الشّاهِدِ وَالْمَشْهُودِ
و باشند کوهها چون پشم زده شده و نه پرسند هیچ خویشی از حال خویشی روز گواهی دهنده و گواهی داده شده

يَوْمَ تَكُونُ الْمَلٰئِكَةُ صَفّاً صَفّاً اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ مَوْقِفِي فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ بِمَوْقِفِي
روزی که باشند فرشتگان صف صف خداوندا رحم کن ایستادن مرا دران روز بایستادنم

فِي هٰذَا الْيَوْمِ وَلا تُخْزِنِي فِي ذٰلِكَ الْمَوْقِفِ بِما جَنَيْتُ عَلٰى نَفْسِي وَاجْعَلْ
درین روز و خوار مگردان مرا دران موقف بجنایت که من بر نفس خود کردم و بگردان

يا رَبِّ فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ مَعَ اَوْلِيائِكَ مُنْطَلَقِي وَفِي زُمْرَةِ مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ
ای پروردگار من در آن روز با دوستان خود روانشدن مرا و در گروه محمد و خاندان او

علیهم

عَلَيْهِمُ السَّلامُ مَحْشَرِي وَاجْعَلْ حَوْضَهُ مَوْرِدِي وَفِي الْغُرِّ الْكِرامِ مَصْدَرِي وَ
بر ایشان باد سلام زنده کردن مرا و بگردان حوض او را محل وارد شدن من و در زمره پیشانی سفیدان بزرگواران بازگشت مرا

اَعْطِنِي كِتابِي بِيَمِينِي حَتّٰى اَفُوزَ بِحَسَناتِي وَتُبَيِّضَ بِهِ وَجْهِي وَتُيَسِّرَ بِهِ حِسابِي
عطا کن نامه اعمال مرا بدست راست من تا آنکه رستگار گردم بکارهای نیک خود و سفید کنانی بآن روی مرا و آسان کنی بسبب آن حساب مرا

وَتُرَجِّحَ بِهِ مِيزانِي وَاَمْضِي مَعَ الْفائِزِينَ مِنْ عِبادِكَ الصّالِحِينَ اِلٰى رِضْوانِكَ
و افزونی کنی بجهت آن حسنات سنجیده مرا و بگذرم با رستگاران از بندگان شایسته تو بسوی خشنودی تو

وَجِنانِكَ اِلٰهَ الْعالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تَفْضَحَنِي فِي ذٰلِكَ الْيَوْمِ
و بهشت تو ای خدای جهانیان خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم بتو از آنکه رسوا کنی مرا در آن روز

بَيْنَ يَدَيِ الْخَلائِقِ بِجَرِيرَتِي اَوْ اَنْ اَلْقَى الْخِزْيَ وَالنَّدامَةَ بِخَطِيئَتِي اَوْ
در پیش آفریدگان بگناه من یا آنکه برسم بخواری و پشیمانی بسبب گناه خود یا

اَنْ تُظْهِرَ فِيهِ سَيِّئاتِي عَلٰى حَسَناتِي اَوْ اَنْ تُنَوِّهَ بَيْنَ الْخَلائِقِ بِاسْمِي يا كَرِيمُ
آنکه غالب گردانی دران به بدیهای مرا بر نیکیهای من یا آنکه شهرت دهی به بدی میان آفریدگان نام مرا ای بزرگوار

يا كَرِيمُ الْعَفْوَ الْعَفْوَ السَّتْرَ السَّتْرَ اَللّٰهُمَّ وَاَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ يَكُونَ فِي
ای بزرگوار امید دارم درگذشتن را درگذشتن را پوشیدن را پوشیدن را خداوندا پناه میگیرم بتو از آنکه باشد دران

ذٰلِكَ الْيَوْمِ فِي مَواقِفِ الْاَشْرارِ مَوْقِفِي اَوْ فِي مَقامِ الْاَشْقِياءِ مَقامِي وَاِذا
روز در جاهای ایستادن بدکاران ایستادن من در جایگاه اقامت بدبختان اقامت من و چون

مَيَّزْتَ بَيْنَ خَلْقِكَ فَسُقْتَ كُلّاً بِاَعْمالِهِمْ زُمَراً اِلٰى مَنازِلِهِمْ فَسُقْنِي بِرَحْمَتِكَ
امتیاز فرمائی میان خلق خود پس برانی همه را بکردارهای ایشان گروه گروه بسوی جاهای ایشان پس بران مرا برحمت خود

فِي عِبادِكَ الصّالِحِينَ وَفِي زُمْرَةِ اَوْلِيائِكَ الْمُتَّقِينَ اِلٰى جَنّاتِكَ يا رَبَّ الْعالَمِينَ
در گروه بندگان شایسته خود و در گروه دوستان خود پرهیزکاران بسوی بهشتهای خود ای پروردگار جهانیان

جنانك

پس وداع کن آنحضرترا و بگو اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّها
درود بر تو ای فرستاده خدا درود بر تو ای

البشیر النذیر السلام علیک ایها السراج المنیر السلام علیک ایها السفیر بین
مژده دهنده بیم نماینده درود بر تو ای فرستاده چراغ روشن درود بر تو ای رسول اصلاح کننده میانه
الله وبین خلقه اشهد یا رسول الله انک کنت نورا فی الاصلاب الشامخة و
خدا ومیانه خلق او گواهی میدهم ای رسول خدا بدرستیکه تو بودی نور در پشتهای رفیعه و
الارحام المطهرة لم تنجسک الجاهلیة بانجاسها ولم تلبسک من مدلهمات
رحمهای پاک نجس نکرد ترا جاهلیت بنجاستهای خود ونپوشانیده ترا از جامهای
ثیابها واشهد یا رسول الله انی مؤمن بک وبالائمة من اهل بیتک موقن
تیره خود وگواهی میدهم ای فرستاده خدا بدرستی من تصدیق نماینده ام بتو وبپیشوایان از خانواده تو یقین دارم
بجمیع ما اتیت به راض مؤمن واشهد ان الائمة من اهل بیتک اعلام
بهمه آنچه آورده تو آن را خشنودم گرونده ام وگواهی میدهم که بتحقیق پیشوایان از خاندان تو نشانهای
الهدی والعروة الوثقی والحجة علی اهل الدنیا اللهم لا تجعله آخر العهد
هدایت ودست آویز محکم وحجت اند بر اهل دنیا خداوندا مگردان این زیارت را آخر زیارت
من زیارة نبیک علیه وآله السلام وان توفیتنی فانی اشهد فی مماتی
از زیارت پیغمبر تو بر او وخاندان او باد درود واگر بمیرانی مرا پس بدرستیکه من گواهی میدهم در حالت مردن خود
علی ما اشهد علیه فی حیاتی انک انت الله لا اله الا انت وحدک لا
برآنچه گواهی میدهم بر آن در زمان زندگی خود که بدرستیکه تو تویی خدای نیست خدایی مگر تو حال آنکه یگانه نیست
شریک لک وان محمدا عبدک ورسولک وان الائمة من اهل بیته اولیاؤک
شریکی برای تو وآنکه محمد بنده تو ورسول تو وآنکه بتحقیق پیشوایان از خانواده او دوستان تواند
وانصارک وحججک علی خلقک وخلفاؤک فی عبادک واعلامک فی
ویاوران تو وحجتهای تو بر خلق تو وخلیفهای تو در زمره بندگان تو ونشانهای تو در
بلادک وخزان علمک وحفظة سرک وتراجمة وحیک اللهم صل علی محمد
شهرهای تو وخازنان علم تو ونگهبان راز تو وبیان کنندگان پیغام تو خداوندا رحمت بفرست بر محمد
وال

وآل محمد وبلغ روح نبیک محمد وآله فی ساعتی هذه وفی کل ساعة تحیة
وآل محمد وبرسان بروح پیغمبر خود محمد وآل او در ساعت من این ساعت ودر هر ساعتی درود بسیار
منی وسلاما والسلام علیک یا رسول الله ورحمة الله وبرکاته لا جعله
از جانب من ودرود وسلام فراوان بر تو ای رسول خدا ورحمت خدا وزیادتیهای او نگرداند آن را
الله آخر تسلیمی علیک مؤلف گوید که این زیارت اگرچه سندش بنظر حقیر نرسیده
خدا آخر درود فرستادنی بر تو ولهذا در تحفة الزائر ایراد نکرده ام اما زیارت جامع
کاملی است ودر همه اوقات بجا میتوان آورد واگر کسی نتواند زیارت مختصر که
بعد از این ان شاء الله مذکور خواهد شد بعمل آورد وعلماء ذکر کرده اند که زیارت
حضرت امیر المؤمنین ع در این روز سنت است وخصوص این زیارت را در این روز
ذکر کرده اند واز بعضی از روایات خصوص این روز معلوم نمیشود وبهترین
زیارات است از جهت لفظ ومعنی وبسند بسیار معتبر منقول است ودر همه اوقات
وایام از نزدیک ودور میتوان کرد خصوصا در این روز چنانکه شیخ مفید وشیخ شهید
وسید ابن طاوس رحمهم الله روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع زیارت کرد حضرت
امیر المؤمنین ع در هفدهم ماه ربیع الاول باین زیارت وتعلیم فرمود زیارت را
براوی ثقه عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی فرمود که چون بیایی بمشهد امیر المؤمنین ع
غسل زیارت بکن وپاکیزه ترین جامهای خود را بپوش وبقدری بوی خوش خود را
خوشبو کن وبر تو باد بآرام دل وآرام تن پس چون برسی بباب السلام یعنی درگاه روضه
مقدسه که ضریح مقدس نمایان میشود پس رو بقبله بایست وسی مرتبه الله اکبر بگو وبگو
السلام علی رسول الله السلام علی خیرة الله السلام علی البشیر النذیر السراج
سلام بر رسول خدا سلام بر برگزیده خدا سلام بر مژده دهنده بیم نماینده چراغ
المنیر ورحمة الله وبرکاته السلام علی انبیاء الله المرسلین وعباد الله الصالحین
روشن ورحمت خدا وبرکتهای او وسلام بر پیغمبران

اَلسَّلامُ عَلى مَلٰئِكَةِ اللّٰهِ الْحافّينَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا الضَّريحِ اللّائِذينَ بِهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر فرشتگان خدا که احاطه کرده اند باین حرم وباین ضریح پناه گرفته اند بر آنحضرت قبر پرورد بگو
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَصِيَّ الْاَوْصِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِمادَ الْاَتْقِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
سلام برتو ای وصی اوصیا سلام برتو ای معتمد پرهیزکاران سلام برتو
يا وَلِيَّ الْاَوْلِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا سَيِّدَ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا آيَةَ اللّٰهِ
ای دوست دوستان خدا سلام برتو ای بزرگ شهیدان سلام برتو ای نشانه بزرگ خدا
الْعُظْمىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خامِسَ اَهْلِ الْعَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا قائِدَ الْغُرِّ
سلام برتو ای پنجم یاران اهل عبا سلام برتو ای رهبر و پیشوای سفیدان دست
الْمُحَجَّلينَ الْاَتْقِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا عِصْمَةَ الْاَوْلِياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا زَيْنَ
وپا سفیدان پرهیزکاران سلام برتو ای حمایت کننده دوستان خدا سلام برتو ای آرایش
الْمُوَحِّدينَ النُّجَباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا خالِصَ الْاَخِلّاءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا والِدَ
یکانه شماران برگزیدگان سلام برتو ای خالص دوستان خدا سلام برتو ای پدر
الْاَئِمَّةِ الْاُمَناءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ اَلسَّلامُ
پیشوایان با امانت سلام برتو ای خداوند حوض کوثر و بردارنده علم حمد سلام
عَلَيْكَ يا قَسيمَ الْجَنَّةِ وَلَظىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ شُرِّفَتْ بِهِ مَكَّةُ وَمِنىٰ
برتو ای بخش کننده بهشت ودوزخ سلام برتو ای آنکه مشرف گردیده بوجود شریف او مکه ومنی
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا بَحْرَ الْعُلُومِ وَكَهْفَ الْفُقَراءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ وُلِدَ
سلام برتو ای دریای علوم وپناه نیازمندان سلام برتو ای آنکه زائیده شده
فِي الْكَعْبَةِ وَزُوِّجَ فِي السَّماءِ بِسَيِّدَةِ النِّساءِ وَكانَ شُهُودُها الْمَلٰئِكَةُ
درکعبه وزن داده شده درآسمان بخواتین زنان وبودند حاضران او فرشتگان
الْاَصْفِياءُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مِصْباحَ الضِّياءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خَصَّهُ
برگزیدگان سلام برتو ای چراغ روشنی هدایت سلام برتو ای آنکه مخصوص گردانید او را
النبی

والّلظىٰ: ز
كهف: ز

النَّبِيُّ بِجَزيلِ الْحِباءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ باتَ عَلىٰ فِراشِ خاتَمِ الْاَنْبِياءِ وَ
پیغمبر بعطای بسیار درود برتو ای آنکه شب بروز آورده بر بستر آخر پیغمبران و
وَقاهُ بِنَفْسِهِ شَرَّ الْاَعْداءِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ رُدَّتْ لَهُ الشَّمْسُ فَسامىٰ شَمْعُونَ
نگهبان او شد بنفس خود از گزند دشمنان سلام برتو ای آنکه برگردانیده شد برای او آفتاب پس برابری نمود با شمعون
الصَّفا اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ اَنْجَى اللّٰهُ سَفينَةَ نُوحٍ بِاسْمِهِ وَاسْمِ اَخيهِ
الصفا سلام برتو ای آنکه رهاننده خدا کشتی نوح را ببرکت نام او ونام برادر او
حَيْثُ الْتَطَمَ الْماءُ حَوْلَها وَطَمىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ تابَ اللّٰهُ بِهِ وَبِاَخيهِ
آنجا که موج کرد آب بگرد آن کشتی وبلند شد موجهای آن سلام برتو ای آنکه پذیرفت توبه خدا باو وبوجود برادر او
عَلىٰ آدَمَ اِذْ غَوىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فُلْكَ النَّجاةِ الَّذي مَنْ رَكِبَهُ نَجا وَمَنْ
بر آدم هنگامی که از راه صلاح خود بدر رفته درود برتو ای کشتی رستگاری آنکه کشتی که هر که تمسک به آن نمود رستگار شد و هر که
تَاَخَّرَ عَنْهُ هَوىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ خاطَبَ الثُّعْبانَ وَذِئْبَ الْفَلاةِ اَلسَّلامُ
باز پس آمد از آن پست شد درود برتو ای آنکه گفتگو نمود با اژدها وگرگ بیابان درود
عَلَيْكَ يا اَميرَ الْمُؤْمِنينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللّٰهِ عَلىٰ
برتو ای پیشوای گروندگان ورحمت خدا وبرکتهای او سلام برتو ای حجت خدا بر
مَنْ كَفَرَ وَاَنابَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اِمامَ ذَوِي الْاَلْبابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا
آنکه نگرویده بخدا و آنکه بازگشت نموده بسوی خدا سلام برتو ای پیشوای صاحبان عقلها سلام برتو ای
مَعْدِنَ الْحِكْمَةِ وَفَصْلِ الْخِطابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتابِ اَلسَّلامُ
قرارگاه حکمت وعلوم حقه وکلام جدا سازنده حق از باطل سلام برتو ای آنکه نزد اوست دانش کتاب سلام
عَلَيْكَ يا ميزانَ يَوْمِ الْحِسابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا فاصِلَ الْحُكْمِ النّاطِقَ بِالصَّوابِ
برتو ای ترازوی روز حساب سلام برتو ای خداوند حکم فارق سخنگوینده براستی
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمُتَصَدِّقُ بِالْخاتَمِ فِي الْمِحْرابِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا مَنْ كَفَى اللّٰهُ
سلام برتو ای صدقه دهنده بانگشتری در محراب سلام برتو ای آنکه کفایت کرد خدا

الشمس: م
بطلا او آفتاب

الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ بِهِ يَوْمَ الْأَحْزَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ أَخْلَصَ لِلّٰهِ الْوَحْدَانِيَّةَ
مؤمنانرا در کارزار باو درروز جنگ احزاب سلام برتو ای آنکه خالص گردانید برای خدا یگانگی را
وَأَنَابَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاتِلَ خَيْبَرَ وَقَالِعَ الْبَابِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ
وبازگشت بخدا سلام برتو ای کشنده خیبر وکننده در آن سلام برتو ای آنکه
دَعَاهُ خَيْرُ الْأَنَامِ لِلْمَبِيتِ عَلَى فِرَاشِهِ فَأَسْلَمَ نَفْسَهُ لِلْمَنِيَّةِ وَأَجَابَ اَلسَّلَامُ
خواند اورا بهترین مردمان برای خفتن بر بستر خویش پس داد نفس خودرا بهلاکت و مرگ و اجابت نمود سلام
عَلَيْكَ يَا مَنْ لَهُ طُوبَى وَحُسْنُ مَآبٍ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
برتو ای آنکه برای اوست درخت طوبی و نیکوئی بازگشت و رحمت خدا و برکتهای او سلام برتو
يَا عِصْمَةَ الدِّينِ وَيَا سَيِّدَ السَّادَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُعْجِزَاتِ
ای نگهدارنده دین خدا وای بزرگ بزرگان سلام برتو ای خداوند معجزها
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَزَلَتْ فِي فَضْلِهِ سُورَةُ الْعَادِيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
سلام برتو ای آنکه فرود آمده در فضیلت او سوره عادیات سلام برتو
يَا مَنْ كُتِبَ اسْمُهُ فِي السَّمَاءِ عَلَى السُّرَادِقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْعَجَائِبِ
ای آنکه نوشته شده نام او در آسمان و بر سراپردها سلام برتو ای ظاهر سازنده غرایب
وَالْآيَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْغَزَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخْبِرًا بِمَا غَبَرَ
ونشانهای قدرت خدا سلام برتو ای پادشاه جنگها سلام برتو ای خبر دهنده بانچه گذشته
وَبِمَا هُوَ آتٍ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُخَاطِبَ ذِئْبِ الْفَلَوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ
وبانچه آینده است سلام برتو ای خطاب کننده گرگ بیابانها سلام برتو ای تمام کننده
الْحَصَى وَمُبَيِّنَ الْمُشْكِلَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ عَجِبَتْ مِنْ حَمَلَاتِهِ فِي الْوَغَى
عددها و نقصها و بیان کننده مشکلها سلام برتو ای آنکه تعجب آمدند از حملهای او در هنگام حرب
مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَاجَى الرَّسُولَ فَقَدَّمَ بَيْنَ نَجْوَاهُ
فرشتگان آسمانها سلام برتو ای آنکه رازگفت پیغمبر را پس پیش داشته در پیش راز گفتن خود

الصدقات

١٦١

الصَّدَقَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْبَرَرَةِ السَّادَاتِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
صدقها سلام برتو ای پدر پیشوایان نیکوکاران بزرگان و رحمت خدا و
بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ الْمَبْعُوثِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ خَيْرِ مَوْرُوثٍ
برکتهای او سلام برتو ای جانشین پیغمبر فرستاده شده درود برتو ای میراث برنده علم بهترین کسیکه میراث برده شده
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غِيَاثَ
و رحمت خدا و برکتهای او سلام برتو ای پیشوای پرهیزکاران سلام برتو ای فریادرس
الْمَكْرُوبِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عِصْمَةَ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْبَرَاهِينِ
اندوهناکان سلام برتو ای حمایت کننده گروندگان سلام برتو ای ظاهر سازنده دلایل
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طٰهٰ وَيٰسٓ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبْلَ اللّٰهِ الْمَتِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
سلام برتو ای طه و یس سلام برتو ای دست آویز محکم خدا سلام برتو ای
مَنْ تَصَدَّقَ فِي صَلَاتِهِ بِخَاتَمِهِ عَلَى الْمِسْكِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَالِعَ الصَّخْرَةِ عَنْ
آنکه صدقه نمود در نماز خود بانگشتری خود بر درویش سلام برتو ای کننده سنگ از
فَمِ الْقَلِيبِ وَمُظْهِرَ الْمَاءِ الْمَعِينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللّٰهِ النَّاظِرَةَ وَيَدَهُ
دهن چاه و ظاهر سازنده آب روان سلام برتو ای دیده نگرنده خدا و دست گشاده او
الْبَاسِطَةَ وَلِسَانَهُ الْمُعَبِّرَ عَنْهُ فِي بَرِيَّتِهِ أَجْمَعِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ
و زبان بیان کننده از جانب او در خلق او همگی سلام برتو ای میراث برنده
عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَمُسْتَوْدَعَ عِلْمِ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَصَاحِبَ لِوَاءِ الْحَمْدِ وَ
علم همه پیغمبران و قرارگاه علم پیشینیان و پسینیان و خداوند علم ورایت حمد و
سَاقِيَ أَوْلِيَائِهِ مِنْ حَوْضِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا يَعْسُوبَ الدِّينِ وَ
آب دهنده دوستان خود از حوض آخر پیغمبران سلام برتو ای بزرگ دین و
قَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَوَالِدَ الْأَئِمَّةِ الْمَرْضِيِّينَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ
پیشرو پیشانی سفیدان و دست و پا سفیدان و پدر پیشوایان پسندیدگان و رحمت خدا و برکتهای او سلام

عَلَى اسْمِ اللهِ الرَّضِيِّ وَوَجْهِهِ الْمُضِيءِ وَجَنْبِهِ الْقَوِيِّ وَصِرَاطِهِ السَّوِيِّ
برنام پسندیدهٔ خدا وروی روشن او وجانب توانائی او وراه راست

السَّلَامُ عَلَى الْإِمَامِ النَّقِيِّ الْمُخْلَصِ الصَّفِيِّ السَّلَامُ عَلَى الْكَوْكَبِ الدُّرِّيِّ السَّلَامُ
سلام بر آن پیشوای پرهیزکار خالص نماینده عبادت برگزیدهٔ خدا سلام بر ستاره درخشان سلام

عَلَى الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيٍّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى إِمَامِ الْهُدَى
بر پیشوای خلایق ابی الحسن علی ورحمت خدا وبرکتهای او سلام بر پیشوای هدایت

وَذِي التُّقَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى وَمِصْبَاحِ الدُّجَى وَعَلَمِ
وخداوند عقل وپناه خلایق ودست آویز محکم وچراغ تاریکیها ونشانه

التُّقَى وَمَنَارِ الْهُدَى وَالْحُجَّةِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ
پرهیزکاری وروشنائی هدایت وحجت بر اهل دنیا ورحمت خدا وبرکتهای او سلام

عَلَى نُورِ الْأَنْوَارِ وَحُجَّةِ الْجَبَّارِ وَوَالِدِ الْأَئِمَّةِ الْأَطْهَارِ وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ
بر روشنیٔ روشنائیها وحجت خداوند قهر وغلبه وپدر پیشوایان پاکان وبخش کنندهٔ بهشت

وَالنَّارِ الْمُخْبِرِ عَنِ الْآثَارِ الْمُدَمِّرِ عَلَى الْكُفَّارِ مُسْتَنْقِذِ الشِّيعَةِ الْمُخْلَصِينَ مِنْ عَظِيمِ
ودوزخ خبر دهنده از خبرهای الهی هلاک سازنده بر ناگروندگان رهاننده پیروان باخلاص از بار گناهان

الْأَوْزَارِ السَّلَامُ عَلَى الْمَخْصُوصِ بِالطَّاهِرَةِ التَّقِيَّةِ ابْنَةِ الْمُخْتَارِ الْمَوْلُودِ فِي
بزرگ سلام برآنکه مخصوص است بپاکی پرهیزکار دختر پیغمبر برگزیده آنکه زائیده شده در

الْبَيْتِ ذِي الْأَسْتَارِ الْمُزَوَّجِ فِي السَّمَاءِ بِالْبَرَّةِ الطَّاهِرَةِ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ
خانه که خداوند پردهاست زن داده شده در آسمان به نیکوکاری پاک خواهش داشته شده پسندیده

ابْنَةِ الْأَطْهَارِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَى النَّبَإِ الْعَظِيمِ الَّذِي هُمْ
دختر پاکان ورحمت خدا وبرکتهای او سلام بر آن خبر بزرگی که مردمان

فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَعَلَيْهِ يُعْرَضُونَ وَعَنْهُ يُسْأَلُونَ السَّلَامُ عَلَى نُورِ اللهِ الْأَنْوَرِ
درباره او خلاف کننده اند وبرو عرض کرده شوند واز پیروی او پرسیده شوند سلام بر نور خدا که نورانی تر

وضیاء

١

وَضِيَائِهِ الْأَزْهَرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ وَحُجَّتَهُ
ودرخشنده او و روشن تر است ورحمت خدا وبرکتهای او سلام بر تو ای دوست خدا وحجت

وَخَالِصَةَ اللهِ وَخَاصَّتَهُ أَشْهَدُ يَا وَلِيَّ اللهِ لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ
خالص خدا وبندهٔ خاص او گواهی میدهم ای دوست خدا هر آینه بتحقیق جهاد کردی در راه خدا

حَقَّ جِهَادِهِ وَاتَّبَعْتَ مِنْهَاجَ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَحَلَّلْتَ حَلَالَ
جهاد لایق اورا وپیروی نمودی طریقهٔ رسول خدارا رحمت فرستد خدا براو وآل او وحلال کردی حلال

حرام الله — اللهِ وَحَرَّمْتَ حَرَامَهُ وَشَرَّعْتَ أَحْكَامَهُ وَأَقَمْتَ الصَّلَوٰةَ وَآتَيْتَ الزَّكَوٰةَ
خدارا وحرام داشتی حرام اورا وجاری ساختی حکمهای شریعت اورا وبرپا داشتی نمازرا وادای زکواة را

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللهِ صَابِرًا
وامر کردی بهر نیکی ومنع فرمودی از هر زشتی وکارزار نمودی در راه خدا حال آنکه بودی شکیبا

نَاصِحًا مُجْتَهِدًا مُحْتَسِبًا عِنْدَ اللهِ عَظِيمَ الْأَجْرِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَلَعَنَ اللهُ
پند دهنده کوشش نماینده وشمارنده نزد خدا مزد بزرگ را تا آنکه رسید ترا مرگ پس لعنت کند خدا

مَنْ دَفَعَكَ عَنْ حَقِّكَ وَأَزَالَكَ عَنْ مَقَامِكَ وَلَعَنَ اللهُ مَنْ بَلَغَهُ ذَلِكَ
آنرا که دور کرد ترا از حق تو ودفع کرد ترا از جایگاه تو ولعنت کند خدا آنرا که رسید اورا این خبر

وليٌّ — فَرَضِيَ بِهِ أُشْهِدُ اللهَ وَمَلَائِكَتَهُ وَأَنْبِيَاءَهُ وَرُسُلَهُ أَنِّي وَالٍ لِمَنْ وَالَاكَ
پس خوشنود شد بآن گواه میگیرم خدا وفرشتگان اورا وپیغمبران او وفرستادگان اورا که بتحقیق دوستم آنرا که دوست داشت ترا

عدوٌّ — وَعَادٍ لِمَنْ عَادَاكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس خود را بقبر بچسبان
ودشمنم آنرا دشمن داشت ترا سلام بر تو ورحمت خدا وبرکتهای او وقبر را ببوس وبگو

أَشْهَدُ أَنَّكَ تَسْمَعُ كَلَامِي وَتَشْهَدُ مَقَامِي وَأَشْهَدُ لَكَ يَا وَلِيَّ اللهِ
گواهی میدهم بتحقیق میشنوی سخن مرا وحاضری در اقامتگاه من وگواهی میدهم برای تو ای دوست خدا

بِالْبَلَاغِ وَالْأَدَاءِ يَا مَوْلَايَ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا أَمِينَ اللهِ يَا وَلِيَّ اللهِ إِنَّ بَيْنِي
برسانیدن احکام وادا کردن امانتها ای صاحب اختیار من ای حجت خدا ای معتمد خدا ای دوست خدا بدرستی میان من

وَبَيْنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا قَدْ اَثْقَلَتْ ظَهْرِي وَمَنَعَتْنِي عَنِ الرُّقَادِ وَ

و میان خدای غالب و بزرگوار گناهانی است بتحقیق سنگین کرده است مرا و باز داشته مرا از خواب و

ذِكْرُهَا يُقَلْقِلُ اَحْشَائِي وَقَدْ هَرَبْتُ اِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَاِلَيْكَ فَبِحَقِّ مَنِ

یاد کردن آنها بلرزه آورده است مرا و بتحقیق گریخته ام بسوی خدای غالب و بزرگوار و بسوی تو پس بحق آنکه

ائْتَمَنَكَ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكَ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكَ بِطَاعَتِهِ

امین کردانیده ترا بر راز خود و خواسته از تو رعایت نمودن کار خلق خود را و پیوسته فرمانبرداری تو را بفرمانبرداری خود

وَمُوَالاتَكَ بِمُوَالاتِهِ كُنْ لِي اِلَى اللهِ شَفِيعًا وَمِنَ النَّارِ مُجِيرًا وَعَلَى

و دوست داشتن ترا بدوست داشتن خود باش برای من بسوی خدا درخواست کننده و از آتش جهنم زنهار دهنده و بر

الدَّهْرِ ظَهِيرًا پس باز خود را بقبر بچسباند و قبر را ببوسد و بگوید یَا وَلِيَّ اللهِ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا بَابَ

روزگار یاری دهنده ای صاحب خدا ای حجت خدا ای درگاه عفو خدا

اللهِ وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَ

محب و زیارت کننده تو پناه گیرنده بقبر تو و فرود آینده به پیشگاه سرای تو و

الْمُنِيخُ رَحْلَهُ فِي جِوَارِكَ يَسْأَلُكَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَى اللهِ فِي قَضَاءِ

خواباننده شتر خود را در پناه تو درمیخواهم از تو که درخواست کنی برای او بسوی خدا در بر آوردن

حَاجَتِهِ وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ الْجَاهَ

حاجت او و روا شدن مطلب او در اینجهان و آنجهان زیرا که بتحقیق برای تو نزد خدا جاهیست

الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ هَمِّكَ وَاَدْخِلْنِي فِي

بزرگ و شفاعتی پذیرفته پس بگردان مرا ای آقای من از اهل حزن خود و در آور مرا در زمره

حِزْبِكَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ آدَمَ وَنُوحٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

یاران خود و سلام بر تو و بر دو هم خوابه تو آدم و نوح و سلام بر تو

وَعَلَى وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ

و بر دو فرزند تو حسن و حسین و بر پیشوایان پاکان از فرزندزادگان تو و

رحمة

رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ پس از روی تضرع و خشوع هر حاجتی که داری از حق تعالی

رحمت خدا و برکتهای او

بطلبد مولف کوید که چون از دور زیارت کند در بهذا الحرم و بهذا الضریح

قصد روضه و ضریح حضرت امیر المؤمنین ع میکند و زیارتها و دعاها را

متصل بهیکل بکر میخواند و نزدیک رفتن و بوسیدن نمیباشد یعنی بعوض آنها

درکار نیست که چیزی بعمل آورد و سید ابن طاوس ره گفته است که مستحب است

در اینروز دو رکعت نماز بکند و در هر رکعت بعد از سوره حمد ده مرتبه

انا انزلناه و ده مرتبه قل هو الله احد بخواند و چون سلام بگوید در جا نماز خود

بنشیند و این اَنْتَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ وَخَالِقٌ لَا يُغْلَبُ وَبَدِيءٌ لَا يَنْفَدُ

دعا را بخواند توئی زنده که نمیری و آفریننده که مغلوب نشوی و پدید آورنده که فانی نگردی

وَقَرِيبٌ لَا يَبْعُدُ وَقَادِرٌ لَا يُضَادُّ وَغَافِرٌ لَا يَظْلِمُ وَصَمَدٌ لَا يُطْعَمُ وَقَيُّومٌ

و نزدیکی که دور نگردی و صاحب اقتداری که دشمنی که نشوی و آمرزنده که ظلم نکنی و بی نیازی که محتاج بخوراک نباشی و پاینده

لَا يَنَامُ وَعَالِمٌ لَا يُعَلَّمُ وَقَوِيٌّ لَا يَضْعُفُ وَعَظِيمٌ لَا يُوصَفُ وَوَفِيٌّ

که بخوابی و دانائی که آموخته نشوی و توانائی که ناتوان نگردی و بزرگی که ستایش کرده نشوی و وفا کننده

لَا يُخْلِفُ وَغَنِيٌّ لَا يَفْتَقِرُ وَحَكِيمٌ لَا يَجُورُ وَمَنِيعٌ لَا يُقْهَرُ وَمَعْرُوفٌ

خلف نکنی و بی نیازی که محتاج نگردی و درست کرداری که ستم نکنی و عزیز غالبی که غلبه کرده نشوی و شناخته شده که

لَا يُنْكَرُ وَوَكِيلٌ لَا يَخْفَى وَغَالِبٌ لَا يُغْلَبُ وَفَرْدٌ لَا يَسْتَشِيرُ وَ

انکار کرده نشوی و کفالت کننده که پنهان نگردی و غالبی که غلبه کرده نشوی و تنهائی که مشورت نکنی در کارها

وَهَّابٌ لَا يَمَلُّ وَسَرِيعٌ لَا يَذْهَلُ وَجَوَادٌ لَا يَبْخَلُ وَعَزِيزٌ لَا يَذِلُّ وَحَافِظٌ

و بخشنده که ملال نیابی از کثرت بخشش و باشتاب که غافل نگردی و بخشنده که بخل نورزی و ارجمندی که خوار نگردی و نگهبان که

لَا يَغْفُلُ وَقَائِمٌ لَا يَزُولُ وَمُحْتَجِبٌ لَا يُرَى وَدَائِمٌ لَا يَفْنَى وَبَاقٍ لَا يَبْلَى

غافل نگردی و پاینده که زایل نگردی و پنهان که دیده نشوی و همیشه موجود که فانی نگردی و پاینده که زایل و مندرس نگردی

٢ لا يضام

واسئلك يا الله [illegible] سائلك لا يخيب [illegible]

وحبيبك

وَ واحِدٌ لا يَشْتَبِهُ وَمُقْتَدِرٌ لا يُنازَعُ اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ بِعِلْمِ الْغَيْبِ
و يگانه که مشتبه نگردی و صاحب اقتداری که خصومت کرده نشوی خداوندا بدرستی که من درمیخواهم از تو بعلم نهان

عِنْدَكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ اَنْ تُحْيِيَني ما عَلِمْتَ الْحَيوةَ خَيْراً لي
که نزد تست و بقدرت تو بر خلق همگی اگر زنده داری مرا مادام که دانی زندگی را بهتر برای من

وَتَتَوَفّاني اِذا كانَتِ الْوَفاةُ خَيْراً لي وَاَسْأَلُكَ الْخَشْيَةَ فِي الْغَيْبِ وَ
و اگر بمیرانی مرا هرگاه بوده باشد مردن بهتر برای من و سوال میکنم از تو ترسیدن را در حال پنهان و

الشَّهادَةِ وَاَسْأَلُكَ كَلِمَةَ الْحَقِّ فِي الْغَضَبِ وَالرِّضا وَاَسْأَلُكَ نَعيماً لا
حضور و سوال میکنم از تو خداوندا کلمه حق در حال خشم و خشنودی و سوال میکنم از تو نازو نعمتی

يَنْفَدُ وَاَسْأَلُكَ الرِّضا بَعْدَ الْقَضاءِ وَاَسْأَلُكَ بَرْدَ الْعَيْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ
بپایان نرسد و سوال میکنم از تو خشنودی را بعد از حکم و سوال میکنم از تو خوشی تعیش را بعد از مردن

وَاَسْأَلُكَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلى وَجْهِكَ الْكَريمِ آمينَ رَبَّ الْعالَمينَ اَللّهُمَّ اِنّي
و سوال میکنم از تو لذة نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو اجابت کن دعای مرا ای پروردگار جهانیان خداوندا بدرستیکه من

اَسْأَلُكَ بِمَنِّكَ الْكَريمِ وَفَضْلِكَ الْعَظيمِ اَنْ تَغْفِرَ لي وَتَرْحَمَني يا لَطيفُ
سوال میکنم ترا بسبب انعام بزرگ تو و بخشش با عظمت تو اگر بیامرزی مرا و رحم کنی مرا ای مهربان

اُلْطُفْ بي في كُلِّ ما تُحِبُّ وَتَرْضى اَللّهُمَّ اِنّي اَسْأَلُكَ فِعْلَ الْخَيْراتِ
مهربانی کن نسبت بمن در هرچه دوست داری و پسندی خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا کردن نیکیها

وَتَرْكَ الْمُنْكَراتِ وَحُبَّ الْمَساكينِ وَمُخالَطَةَ الصّالِحينَ وَاَنْ تَغْفِرَ لي وَ
و واگذاشتن عملهای زشت و صحبت درویشان و آمیزش با شایستگان و اگر بیامرزی مرا و

تَرْحَمَني وَاِذا اَرَدْتَ بِقَوْمٍ فِتْنَةً فَقِني غَيْرَ مَفْتُونٍ وَاَسْأَلُكَ حُبَّكَ
رحم کنی مرا و هرگاه اراده کنی بگروهی بلائی را پس نگهدار مرا واقع نگردیده در محنت و بلا و سوال میکنم از تو محبت ترا

وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ وَحُبَّ كُلِّ عَمَلٍ يُقَرِّبُني اِلى حُبِّكَ اَللّهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ
و محبت کسی که محبت دارد ترا و دوستی هر عملی که نزدیک گرداند مرا بسوی دوستی تو خداوندا بحق محمد رحمت فرستاد خدا

عليه

لي ز

عَلَيْهِ وَآلِهِ حَبيبِكَ وَبِحَقِّ اِبْراهيمَ خَليلِكَ وَصَفِيِّكَ وَبِحَقِّ مُوسى
براو و آل او دوست تو و بحق ابراهیم دوست تو و برگزیده و بحق موسی

كَليمِكَ وَبِحَقِّ عيسى رُوحِكَ وَاَسْأَلُكَ بِصُحُفِ اِبْراهيمَ وَتَوْريةِ مُوسى
هم سخن تو و بحق عیسی روح تو و سوال میکنم ترا بحرمت صحیفهای ابراهیم و توریة موسی

وَاِنْجيلِ عيسى وَزَبُورِ داوُدَ وَفُرْقانِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ
و انجیل عیسی و زبور داود و قرآن محمد رحمت فرستاد خدا براو و آل او و

اَسْأَلُكَ بِكُلِّ وَحْيٍ اَوْحَيْتَهُ وَبِحَقِّ كُلِّ قَضاءٍ قَضَيْتَهُ وَبِكُلِّ سائِلٍ
سوال میکنم از تو بحرمت هر پیغامی که وحی کردی آن را و بحق هر حکمی که تقدیر کردی آن را و بحرمت هر سوال کننده

اَعْطَيْتَهُ وَاَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ اَنْزَلْتَهُ في كِتابِكَ وَاَسْأَلُكَ
که عطا کردی او را و سوال میکنم از تو بحرمت هر نامی که فرو فرستادی آن را در کتاب خود و سوال میکنم ترا

بِاَسْمائِكَ الَّتي اسْتَقَلَّ بِها عَرْشُكَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمائِكَ الَّتي وَضَعْتَها
بحرمت نامهای تو آن نامهائی که ایستاد ببرکت آنها عرش تو و سوال میکنم ترا بحرمت نامهای تو آن نامهائی که نهادی آنها

عَلَى النّارِ فَاسْتَنارَتْ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمائِكَ الَّتي وَضَعْتَها عَلَى اللَّيْلِ
بر آتش پس روشن گردید و سوال میکنم ترا بحرمت نامهای تو آن نامها که نهادی آنها را بر شب

فَاَظْلَمَ وَاَسْأَلُكَ بِاَسْمائِكَ الَّتي وَضَعْتَها عَلَى النَّهارِ فَاَضاءَ وَاَسْأَلُكَ
پس تیره شد و سوال میکنم ترا بحرمت نامهای تو آن نامها که نهادی بر روز پس روشن شد و سوال میکنم ترا

بِاَسْمائِكَ الَّتي وَضَعْتَها عَلَى الْاَرْضِ فَاسْتَقَرَّتْ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ
بنامهای تو آن نامها که نهادی بر زمین پس قرار گرفت و سوال میکنم ترا بنامهای تو

الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذي مَلَأَ اَرْكانَ كُلِّ شَيْءٍ وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الطّاهِرِ
که یگانه است قصد کرده شده در حاجات آن نامی که پر کرده اطراف هر چیز را و سوال میکنم ترا بحرمت نام تو که بغایت پاک

الطّاهِرِ الْمُبارَكِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ لا اِلهَ اِلّا هُوَ الرَّحْمنُ الرَّحيمُ وَاَسْأَلُكَ
پاکیزه با فیض و برکت زنده پاینده است نیست سزاوار پرستش مگر او بخشاینده مهربان و سوال میکنم ترا

بمعاقد العز من عرشك ومبلغ الرحمة من كتابك وباسمائك العظام
بحرمت جایهای انعقاد عزت از عرش تو ودر سکار رحمتی که حاصل شود از کتاب تو وبحرمت نامهای بزرگ مرتبهٔ تو

وجدك الاعلى وكلماتك التامات ان ترزقنا حفظ القرآن والعلم به
وعظمت بلند پایهٔ تو که تام وکاملند اگر روزی کنی ما را حفظ نمودن قرآن وعمل کردن بآن

والطاعة لك والعمل الصالح وان تثبت ذلك في اسماعنا وابصارنا
وفرمانبرداری مر ترا وکردار شایسته واگر ثابت داری آنرا در گوشهای ودیدهای ما

وان تخلط ذلك بلحمي ودمي ومخي وشحمي وان تستعمل بذلك بدني
واگر برآمیزی آنرا بگوشت من وخون من ومغز استخوان من وپیه من واگر بکار داری بآن بدن مرا

وقوتي فانه لا يقوى على ذلك الا انت وحدك لا شريك لك يا
وقوت مرا زیرا بتحقیق قدرت ندارد بران مگر تو حال آنکه یگانه تو نیست انبازی برای تو ای

الله الواحد الرب القدير يا الله الخالق البارئ المصور يا الله الباعث
خدا یگانه پروردگار توانا ای خدای آفریننده پدید آورنده نگارنده ای خدای برانگیزاننده

الوارث يا الله الفتاح العزيز العليم يا الله الملك القادر المقتدر
میراث برنده ای خدای گشاینده غالب دانا ای خدای پادشاه توانای با اقتدار بیامرز مرا

اغفر لي وارحمني انك انت ارحم الراحمين اللهم انت قلت وقولك
ورحم کن مرا بدرستی که تو توئی بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا تو گفتهٔ وگفتار تو

الحق ادعوني استجب لكم فاسألك يا الله باسمك الذي دعاك به
راستست که بخوانید مرا اجابت خواهم کرد دعای شما را پس سؤال میکنم ای خدا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن نام

شيث بن آدم فجعلته وصي ابيه بعده ان تستجيب لنا دعاءنا
شیث پسر آدم پس گردانیدی او را وصی پدرش بعد ازو اگر بپذیری دعای ما را

وان ترزقنا انفاذ كل وصية لاحد عندنا وان تقدم وصيتنا
واگر روزی کنی جاری ساختن هر وصیتی که باشد برای کسی نزد ما واگر پیش داری وصیت ما را

امامنا

امامنا واسألك باسمك الذي دعاك به ادريس فرفعته مكانا
پیش روی ما وسؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن ادریس پس بالا بردی بکاری

عليا ان ترفعنا الى احب البقاع اليك وتمن علينا برضائك وتدخلنا
بلند اگر بلند کنی ما را بسوی دوست داشته ترین بقعها بسوی تو وانعام کنی بر ما بخشنودیهای خود ودر آوری ما را

الجنة برحمتك واسألك باسمك الذي دعاك به نوح فنجيته
در بهشت برحمت خود وسؤال میکنم از تو بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن نوح پس رهانیدی او را

من الغرق واهلكت القوم الظالمين ان تنجينا مما نحن فيه من البلاء
از غرق وهلاک کردی گروه ستمکاران را اگر برهانی ما را از آنچه ما در آنیم از بلا وتعب

واسألك باسمك الذي دعاك به هود عليه السلم فنجيته من الريح
وسؤال میکنم از تو بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن هود براو باد درود پس رهانیدی او را از باد

العقيم ان تنجينا من بلاء الدنيا والآخرة وعذابهما واسألك باسمك
بی نفع اگر برهانی ما را از بلای اینجهان وآنجهان وعذاب هر دو جهان وسؤال میکنم ترا بحرمت نام تو

الذي دعاك به صالح فنجيته من خزي يومئذ ان تنجينا من خزي
آن نامی که خواند ترا بآن صالح پس خلاص بخشیدی او را از خواری ورسوائی آن روز اگر خلاص بخشی ما را از خواری

الدنيا والآخرة وعذابهما واسألك باسمك الذي دعاك به
دنیا وآخرت وعذاب هر دو وسؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن

لوط فنجيته من المؤتفكة والمطر السوء ان تنجينا من مخازي الدنيا
لوط پس رهانیدی او را از شهرهای گردیده بر اهلش واز باران بد اگر برهانی ما را از خواریهای دنیا

والآخرة واسألك باسمك الذي دعاك به شعيب فنجيته من عذاب
وآخرت وسؤال میکنم از تو بحرمت نام تو نامیکه خواند ترا بآن شعیب پس نجات بخشیدی او را از عذاب

يوم الظلة ان تنجينا من العذاب الى روحك ورحمتك واسألك
روزیکه سایه گستر بود ابر آتش بار اگر نجات بخشی ما را از عذاب بسوی راحت تو وبخشایش خود وسؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِبْرٰهِيمُ فَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا اَنْ
بحرمت نام تو نامیکه خواند ترا بآن ابراهیم پس گردانیدی آتش را برو سرد و سلامت اگه

تُخَلِّصَنَا كَمَا خَلَّصْتَهُ وَاَنْ تَجْعَلَ مَا نَحْنُ فِيهِ بَرْدًا وَسَلَامًا كَمَا جَعَلْتَهَا
خلاصی بخش ما را چنانچه خلاص کردی اورا و اگه بگردانی انچه را ما در آنیم سرد و سلامت چنانچه گردانیدی آتش را بر

عَلَيْهِ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِسْمٰعِيلُ عِنْدَ الْعَطَشِ وَاَخْرَجْتَ
برو و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن اسمعیل نزد تشنگی و بیرون آوردی

مِنْ زَمْزَمَ الْمَاءَ الرَّوِيَّ اَنْ تَجْعَلَ مَخْرَجَنَا اِلَى الْخَيْرِ وَاَنْ تَرْزُقَنَا الْمَالَ
از چاه زمزم آب بسیار اگه بگردانی بیرون شدن ما را بسوی نیکی و اگه روزی کنی ما را مال

الْوَاسِعَ بِرَحْمَتِكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَعْقُوبُ
فراگیرنده برحمت خود و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن یعقوب

فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ بَصَرَهُ وَوَلَدَهُ وَقُرَّةَ عَيْنِهِ اَنْ تُخَلِّصَنَا وَتَجْمَعَ بَيْنَنَا
پس باز گردانیدی براو دیده او و فرزند او و روشنی دیده اورا اگه خلاص کنی ما را و فراهم آوری میان ما

وَبَيْنَ اَوْلَادِنَا وَاَهَالِينَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُوسُفُ
و میان فرزندان ما و یاران ما و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن یوسف

فَاَخْرَجْتَهُ مِنَ السِّجْنِ اَنْ تُخْرِجَنَا مِنَ السِّجْنِ وَتُمَلِّكَنَا نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ
پس بیرون آوردی اورا از زندان اگه بیرون آوری ما را از زندان و بگردانی ما را مالک نعمت خود آن نعمتی که انعام کردی

بِهَا عَلَيْنَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الْاَسْبَاطُ فَتُبْتَ
بآن بر ما و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن فرزندان یعقوب پس پذیرفتی توبه را

عَلَيْهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ اَنْبِيَاءَ اَنْ تَتُوبَ عَلَيْنَا وَتَرْزُقَنَا طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ
بر ایشان و گردانیدی ایشان را پیغمبران اگه بپذیری توبه را بر ما و روزی کنی ما را فرمانبرداری خود و عبادت خود

وَالْخَلَاصَ مِمَّا نَحْنُ فِيهِ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اَيُّوبُ اِذْ حَلَّ
و خلاصی از آنچه ما در آنیم و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن ایوب هنگامی که نازل شد

به

بِهِ الْبَلَاءُ فَقَالَ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ
باو بلا پس گفت پروردگار من بدرستی که رسیده مرا گزند بلا و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی پس اجابت کردی

لَهُ وَكَشَفْتَ عَنْهُ ضُرَّهُ وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ اَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً
دعای اورا و زایل کردی از و بلای اورا و باز گردانیدی برای او اهل اورا و مانند ایشان با ایشان بجهت بخشایش

مِنْكَ وَذِكْرَى لِلْعَابِدِينَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَقُولُ كَمَا قَالَ رَبِّ اِنِّي مَسَّنِيَ
از جانب خود و پندی مر پرستندگان را خداوندا بدرستی که من میگویم چنانچه گفت او پروردگار من بدرستی که رسید مرا

الضُّرُّ وَاَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فَاسْتَجِبْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَخَلِّصْنَا وَرُدَّ
گزند و تو بخشاینده ترین بخشایندگانی پس اجابت کن دعای ما را و رحم کن ما را و خلاص کن ما را و باز گردان

عَلَيْنَا اَهْلَنَا وَمَالَنَا وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً وَاجْعَلْنَا مِنَ الْعَابِدِينَ منك م
بر ما اهل ما و مال ما را و مانند ایشان را با ایشان از راه بخشش خود و بگردان ما را از پرستندگان

لَكَ وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ مُوسٰى وَهٰرُونُ فَقُلْتَ
تو و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن موسی و هرون پس گفته تو

عَزَّ مِنْ قَائِلٍ قَدْ اُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا اَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَاءَنَا وَتُنَجِّينَا
غالبی تو ای گوینده بتحقیق اجابت کرده شد دعای شما اگه اجابت کنی دعای ما را و برهانی ما را

كَمَا نَجَّيْتَهُمَا وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ دَاوُدُ فَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ
چنانچه رهانیدی ایشان را و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامیکه خواند ترا بآن داود پس آمرزیدی گناه او را

وَتُبْتَ عَلَيْهِ اَنْ تَغْفِرَ ذَنْبِي وَتَتُوبَ عَلَيَّ اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ
و قبول کردی توبه را براو اگه بیامرزی گناه مرا و قبول کنی توبه را بر من بدرستی که تو توئی بسیار پذیرنده توبه مهربان

وَاَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ سُلَيْمٰنُ فَرَدَدْتَ عَلَيْهِ مُلْكَهُ
و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن سلیمان پس باز گردانیدی براو ملک

وَاَمْكَنْتَهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِنَّ وَالْاِنْسَ وَالطَّيْرَ اَنْ تُخَلِّصَنَا
و پادشاهی اورا و دست دادی اورا بر دشمنش و رام کردی برای او دیوان و آدمیان و مرغان را اگه خلاصی بخشی ما را

مِنْ عَدُوِّنَا وَتَرُدَّ عَلَيْنَا نِعْمَتَكَ وَتَسْتَخْرِجَ لَنَا مِنْ أَيْدِيهِمْ حَقَّنَا وَتُخَلِّصَنَا
از دشمن ما و باز گردانی بر ما نعمت خود را و بیرون آوری برای ما از دستهای ایشان حق ما را و خلاص کنی ما را

مِنْهُمْ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ الَّذِي
از ایشان بدرستی تو بر هر چیز توانائی و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن آنکه بود

عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَأٍ أَنْ يَحْمِلَ إِلَيْهِ فَإِذَا هُوَ
نزد او دانشی از کتاب آسمانی بر سریر جهت سبا برای آنکه بار کرده شود بسوی او پس ناگاه کنی که آن

مُسْتَقِرٌّ عِنْدَهُ أَنْ تَحْمِلَنَا مِنْ عَامِنَا هٰذَا إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ حُجَّاجًا وَزُوَّارًا
قرار گرفت نزد او آنکه بار کنی ما را در سال ما این سال بسوی خانه محترم خود حج گذاران و زیارت کنندگان

لِقَبْرِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ
قبر پیغمبر تو بر او و آل او باد درود و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن

يُونُسُ بْنُ مَتَّى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ
یونس فرزند متی در تاریکیها که نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستی که من هستم

مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَنَجَّيْتَهُ مِنْ بَطْنِ الْحُوتِ وَمِنَ الْغَمِّ وَقُلْتَ
از ستمکاران پذیرفتی دعای او را و رهانیدی او را از شکم ماهی و از اندوه و گفتی تو

عَزَّ زُتَ مِنْ قَائِلٍ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ فَنَشْهَدُ أَنَّا مُؤْمِنُونَ وَنَقُولُ
و عزیز گوینده تو و همچنین نجات میدهیم ما گروندگان را پس گواهی میدهیم آنکه بتحقیق ما گروندگانیم و میگوئیم

كَمَا قَالَ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجِبْ لِي
چنانچه گفت او نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستی که من هستم از ستمکاران پس بپذیر دعای مرا

وَنَجِّنِي مِنْ غَمِّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ كَمَا ضَمِنْتَ أَنْ تُنْجِيَ الْمُؤْمِنِينَ وَأَسْأَلُكَ
و برهان مرا از غم اینجهان و آن جهان چنانچه ضامن گشته آنکه برهانی گروندگان را و سؤال میکنم ترا

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ زَكَرِيَّا وَقَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ
بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن زکریا و گفت ای پروردگار من باز مگذار مرا تنها و بی فرزند و تو بهترین

الوارثین

الْوَارِثِينَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَوَهَبْتَ لَهُ يَحْيَى وَأَصْلَحْتَ لَهُ زَوْجَهُ وَ
الوارثین میراث برندگانی پس اجابت کردی او را و بخشیدی مر او را یحیی و بصلاح آوردی برای او زن او را و

جَعَلْتَهُمْ يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَكَ
گردانیدی ایشان را شتاب کننده در نیکیها و میخوانند ترا از راه خواهش و از روی ترس و بودند برای تو

خَاشِعِينَ فَإِنِّي أَقُولُ كَمَا قَالَ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
فروتنی کنندگان پس بدرستی من میگویم چنانچه گفت پروردگار من وا مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

فَاسْتَجِبْ لِي وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَخَلِّصْنِي مِمَّا
پس اجابت کن مرا و بصلاح آور برای من کار مرا و همه آنچه را انعام کردی بآن بر من و خلاصی بخشی مرا از آنچه

أَنَا فِيهِ وَهَبْ لِي كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأَوْلَادًا صَالِحِينَ يَرِثُونَنِي
من در آنم و ببخش مرا کرامت دنیا و آخرت و فرزندان شایستگان که میراث برند از من

وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَدْعُوكَ رَغَبًا وَرَهَبًا وَمِنَ الْخَاشِعِينَ الْمُطِيعِينَ لَكَ
و بگردان ما را از آنانکه میخوانند ترا از روی خواهش و ترس و از فروتنی کنندگان فرمانبرداران تو

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يَحْيَى فَجَعَلْتَهُ بِرَدِّ الْقِيٰمَةِ وَ
و سؤال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن یحیی پس گردانیدی او را وارد شود روز رستخیز ما

لَمْ يَعْمَلْ مَعْصِيَةً وَلَمْ يَهُمَّ بِهَا أَنْ تَعْصِمَنِي مِنِ اقْتِرَافِ الْمَعَاصِي حَتَّى
حال آنکه نکرده باشد نافرمانی و قصد نکرده باشد بآن آنکه نگاهداری مرا از کسب نمودن معصیتها تا آنکه

نَلْقَاكَ طَاهِرِينَ لَيْسَ لَكَ قِبَلَنَا مَعْصِيَةٌ وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي
ملاقات کنیم ترا پاکان از بایستن برای تو نزد ما گناهی و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که

دَعَاكَ بِهِ مَرْيَمُ فَنَطَقَ وَلَدُهَا بِحُجَّتِهَا عِنْدَكَ وَعِنْدَ كُلِّ مُلِمَّةٍ حَتَّى
خواند ترا بآن مریم که گویا شد فرزند او بحجت و دلیل او نزد تو و نزد هر حادثه فرود آینده تا آنکه

تُظْهِرَ حُجَّتَنَا عَلَى ظَالِمِينَا وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عِيسَى بْنُ
ظاهر سازی حجت ما را بر آنانکه ستم کنند بر ما و سؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن عیسی پسر

أَنْ تُوَفِّقَنَا وَتُخَلِّصَنَا
و خلاص کنی ما را
بِحُجَّتِنَا
آنکه سازگاری برای ما اسباب طاعت بحجت ما

وحبلک

وأسألك بالله وأسألك بالله أن لا تخيب سائلك ووفينا بالعهد بما عاهدتك مما سألتك صبر

مريم فاحيا به الموتى وابرء الاكمه والابرص ان تخلصنا وتبرانا
مريم پس زنده کرد بآن مردگان را وشفا بخشید کوران مادرزاد را وپیس را اگر خلاص دهی مارا وشفا بخشی مارا

من كل سوء وافة والم وتحيينا حيوة طيبة في الدنيا والاخرة وان
از هر بدی وآفتی و دردی وزنده داری مارا زندگی پاکیزه در اینجهان وآنجهان واگر

ترزقنا العافية في ابداننا واسالك باسمك الذي دعاك به الحواريون
روزی کنی مارا سلامتی در بدنهای ما وسؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواندند ترا بآن پیروان عیسی

فاعنتهم حتى بلغوا عن عيسى ما امرهم به وصرفت عنهم كيد الجبارين
پس مدد کردی ایشانرا تا اگر رسیدند از جانب عیسی آنچه امر کرده ایشانرا بآن وگردانیدی از ایشان مکر ستمکاران را

وتوليتهم ان تخلصنا وتجعلنا من الدعاة الى طاعتك واسالك
ودوستی کردی با ایشان اگر خلاص کنی مارا وبگردانی مارا از خوانندگان بسوی طاعت تو وسؤال میکنم ترا

باسمك الذي دعاك به جرجيس فرفعت عنه الم العذاب ان ترفع
بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن جرجیس پس رفع کردی ازو الم عذابرا اگر رفع کنی

عنا الم العذاب في الدنيا والاخرة وان لا تبتلينا وان ابتليتنا
از ما الم عذاب در اینجهان وآنجهان واگر مبتلا نسازی مارا واگر مبتلا سازی مارا

فصبرنا والعافية احب الينا فاسالك باسمك الذي دعاك به
پس شکیبا گردان مارا وعافیت دوستر است بسوی ما وسؤال میکنم ترا بحرمت نام تو نامی که خواند ترا بآن

الخضر حتى ابقيته ان تفرج عنا وتنصرنا على من ظلمنا وتردنا
خضر تا آنکه باقی داشتی اورا اگر بکنی گشایش از ما ویاری دهی مارا بر آنکه ستم کرد مارا وبازگردانی مارا

الى مامنك واسالك باسمك الذي دعاك به محمد حبيبك صلى
بسوی پناه خود وسؤال میکنم ترا بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن محمد دوست تو رحمت فرستاد

الله عليه واله فجعلته سيد المرسلين وايدته بعلي سيد الوصيين
خدا براو وآل او پس گردانیدی اورا بزرگ فرستادگان وقوت دادی اورا بعلی بزرگ اوصیا

ان

ان تقايسني به وتشقيني وتفضحني به او خطيئة تريد ان تقايسني بها او
که بسنجی مرا بآن وبدبخت سازی مرا ورسوا نمائی مرا بآن یا خطائی که اراده کنی اگر مقایسه کنی مرا بآن و

تقتصها مني لم تغفرها لي واسالك بحرمتك وجهك الكريم الفعال
بگیری آنرا از من ونیامرزیده باشی آنرا برای من ودر میخواهم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو که بسیار تواناست بر کردن

لما يريد الذي تقول للشيء كن فيكون لا اله الا هو اللهم اني اسالك
آنچه خواهد که میگوئی برای هر چیزی باش پس میباشد نیست سزاوار پرستش مگر تو خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا

بلا اله الا انت ان كنت رضيت عني في هذا الشهر ان تزيد فيما بقي
بحرمت لا اله الا انت اگر بوده باشی خشنود از من در اینماه اگر زیاده کنی در آنچه باقی است

من عمري رضا وان كنت لم ترض عني في هذا الشهر فمن الان فارض
از عمر من خشنودی را واگر بوده باشی خشنود نباشی از من در اینماه پس حالا خشنود شو

عني الساعة الساعة واجعلني في هذه الساعة وفي هذا المجلس
از من در این ساعت وبگردان مرا در این ساعت ودرین مجلس

من عتقائك من النار وطلقائك من جهنم وسعداء خلقك بمغفرتك
از آزادکردگان خود از آتش واز دوزخ ونیکبختان خلق خود بآمرزش خود

ورحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اني اسالك بحرمتك وجهك الكريم
ورحمت خود ای بخشنده ترین بخشندگان خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار تو

ان تجعل شهري هذا خير شهر رمضان عبدتك فيه وصمته لك
اگر بگردانی ماه مرا اینماه بهترین ماه رمضانی که عبادت کرده ام ترا در آن وروزه داشته ام آنرا برای تو

وتقربت به اليك منذ اسكنتني فيه اعظمه اجرا واتمه نعمة واعمه
ونزدیک جسته ام بسبب آن بسوی تو از آن وقت که ساکن کردی مرا در آن بزرگترین آن از روی مزد وتمام ترین آن از روی نعمت وفراگیرنده ترین آن

مغفرة واكمله رضوانا واقربه الى ما تحب وترضى اللهم لا تجعله اخر
بآمرزش وکاملترین آن از روی خشنودی ونزدیکترین بسوی آنچه دوست داری وپسندی خداوندا مگردان آنرا آخر

من سألك ما عاهدت اوفی العهد یا الله ان لا یحبس سائلك یا الله واسئلك

وحبیبك

وبه

شهر رمضان صمته لك وارزقني العود فيه ثم العود حتى ترضى وبعد

ماه رمضانی که روزه داشتم آنرا بجهة تو و روزی کن مرا باز گشت در آن پس باز گشت تا خشنود شوی و پس از

الرضا وحتى تخرجني من الدنيا سالما وانت عني راض وانا لك مرضي

خشنودی تا اگر بیرون بری مرا از دنیا سالم و حال آنکه تو از من خشنود باشی و من برای تو پسندیده

اللهم اجعل فيما تقضي وتقدر من الامر المحتوم الذي لا يرد ولا يبدل

خداوندا بگردان در آنچه حکم میکنی و تقدیر میکنی از امر لازم گردیده که برنگردد و بدل نشود

ان تكتبني من حجاج بيتك الحرام في هذا العام وفي كل عام المبرور حجهم

آنکه بنویسی مرا از حج کنندگان خانه محترم خود در این سال و در هر سالی از آنکه پذیرفته شود حج ایشان

المشكور سعيهم المغفور ذنوبهم المتقبل مناسكهم المعافين على اسفارهم

جزا داده شود حرکت ایشان آمرزیده شود گناهان ایشان قبول کرده شود عبادتهای ایشان عافیت بخشیده شوند بر سفرهای خود

المقبلين على نسكهم المحفوظين في انفسهم واموالهم وذراريهم وكل ما

رو آورنده بر اعمال خود نگاهداشته شوند در نفسهای خود و مالهای خود و فرزندان خود و هرچه

انعمت به عليهم اللهم اقلبني من مجلسي هذا في شهري هذا في يومي هذا

انعام کرده بآن برایشان بار خدایا باز گردان مرا از مجلس من این مجلس در ماه من اینماه در روز من این روز

في ساعتي هذه مفلحا منجحا مستجابا لي مغفورا ذنوبي معافا من النار و

در ساعت من این ساعت فیروزی رستگاری پذیرفته دعای من آمرزیده شده گناه من عافیت بخشیده شده از آتش و

معتقا منها عتقا لا رق بعده ابدا ولا رهبة يا رب الارباب اللهم

آزاد کرده از آن آزادی که نباشد بندگی پس از آن هرگز و نه ترسی ای پروردگار پروردگاران خداوندا

اني اسألك ان تجعل فيما شئت واردت وقضيت وقدرت وحتمت

بدرستی که من سؤال میکنم ترا آنکه بگردانی در جمله آنچه خواسته و اراده نموده و حکم کرده و تقدیر فرموده و واجب ساخته

وانفذت ان تطيل عمري وتنسئ في اجلي وان تقوي ضعفي وان تغني

و روا کرده آنکه دراز کنی عمر مرا و پس اندازی اجل مرا و اینکه توانا کنی ناتوانی مرا و آنکه بی‌نیاز کنی

فقر

فقري وان تجبر فاقتي وان ترحم مسكنتي وان تعز ذلي وان ترفع

نیازمندی مرا و اینکه تدارک کنی احتیاج مرا و اینکه رحم کنی درویشی مرا و اینکه ارجمند سازی خواری مرا و اینکه بلند گردانی

ضعتي وان تغني عائلتي وان تونس وحشتي وان تكثر قلتي وان تدر

پستی مرا و اینکه بی‌نیاز کنی نیازمندی مرا و اینکه آرام بخشی رمیدگی مرا و اینکه بسیار کنی کمی مرا و اینکه روان سازی

رزقي في عافية ويسر وخفض وان تكفيني ما اهمني من امر دنياي و

روزی مرا در عافیت و توانگری و رفاهیت و اینکه رفع کنی از من آنچه غمگین نماید مرا از امر دنیای من و

اخرتي ولا تكلني الى نفسي فاعجز عنها ولا الى الناس فيرفضوني وان

آخرت من و وا مگذار مرا بسوی نفس خود پس عاجز شوم از او و نه بسوی آدمیان پس واگذارند مرا و اینکه

تعافيني في ديني وبدني وجسدي وروحي وولدي واهلي واهل مودتي

عافیت بخشی مرا در دین من و بدن من و جسد من و روح من و فرزندان من و اهل من و اهل دوستان من

واخواني وجيراني من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء

و برادران من و همسایگان من از مردان گرونده و زنان گرونده و مردان مسلم و زنان مسلم زندگان

منهم والاموات وان تمن علي بالامن والايمان ما ابقيتني فانك

ایشان و مردگان ایشان و اینکه منت گذاری بر من بامنیت و ایمان مادام که باقی داری مرا زیرا بتحقیق تو

وليي ومولاي وثقتي ورجائي ومعدن مسالتي وموضع شكواي

یاور من و آقای من و معتمد من و امیدگاه من و قرارگاه سؤال من و جایگاه شکایت من

ومنتهى رغبتي فلا تخيبني في رجائي يا سيدي ومولاي ولا تبطل طمعي

و منتهای رغبت من پس ناامید مکن مرا در امید من ای بزرگ من و آقای من و ناچیز مکن طمع مرا

ورجائي فقد توجهت اليك بمحمد وال محمد وقدمتهم اليك امامي وامام

و امید مرا پس بتحقیق رو آورده‌ام بسوی تو بوسیله محمد و آل محمد و پیش داشته‌ام ایشانرا بسوی تو در پیش خود و پیش

حاجتي وطلبتي وتضرعي ومسالتي واجعلني بهم وجيها في الدنيا والاخرة

حاجت خود و بیزاری خود و زاری نمودن خود و سؤال کردن خود پس بگردان مرا بحرمت ایشان روشناس در اینجهان و آنجهان

من صام آتاك ما عاهد ... واوفى العهد بالله وان لا يخيب سائلك بالله واسالك

وحبيبك

بمعرفتهم

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَاِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَىَّ بِهِمْ فَاخْتِمْ لِى بِالسَّلَامَةِ وَالسَّعَادَةِ وَالْاَمْنِ
و در نزدیکان زیرا که بتحقیق تو منت گذاشتی بر من بایشان پس ختم کن برای من به نیک بختی و سلامتی و ایمنی
وَالْاِيمَانِ وَالْمَغْفِرَةِ وَالرِّضْوَانِ وَالسَّعَادَةِ وَالْحِفْظِ يَا اَللّٰهُ اَنْتَ لِكُلِّ حَاجَةٍ
و ایمان و آمرزش و خشنودی و سعادت و نگهداری ای خدا تو ئی برای هر حاجتی
لَنَا فَصَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَعَافِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا اَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ
مارست پس رحمت فرست بر محمد و آل او و عافیت بخش ما را و دست مده بر ما هیچ کس را از خلق خود را نباشد توانائی
لَنَا بِهِ وَاكْفِنَا كُلَّ اَمْرٍ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ
برای ما با او و کار ساز کن برای ما در هر امری از امر دنیا و آخرت را ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن رحمت فرست بر محمد
وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَسَلِّمْ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ
و آل محمد و ترحم کن بر محمد و آل محمد و درود فرست بر محمد و آل محمد مثل بهترین رحمتی که فرستادی
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَىٰ اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ
و برکت دادی و ترحم نمودی و مهربانی که کردی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگواری

واستحباب روزه داشتن شش روز بعد از روز عید در بعضی از روایات
وارد شده است ونهی از آن نیز وارد شده است وظاهرا روزه داشتن محمول بر تقیه
است چنانچه در میان سنیان مشهور است وترکش بهتر است وهمچنین کراهت
نکاح کردن در میان عید فطر وعید قربان اصلی ندارد وشاید اصلش از عامه بوده
باشد و در ماه شوال چون عقد عایشه در آن وارد شده است واکثر مفاسد اسلام
بر آن مترتب شده واز بعضی روایات کراهت مستفاد میشود اگر در خصوص شوال
احتراز کنند بهتر است واما اعمال ماه ذی القعده بدانکه از اول ماههای حرام است
که حق تعالی در قران یاد فرموده است وآنها ذی القعده وذی الحجه ومحرم وماه
رجب است ودر اینماهها ابتداء قتال با کافران نباید کرد وشیخ مفید ره وغیر آن از حضرت
رسول

رسول ص روایت کرده اند که هرکه در یکی از این ماههای حرام پنج شنبه وجمعه وشنبه را
متوالی روزه بدارد ثواب نهصد سال عبادت برای او نوشته میشود ودر بعد آیه
از حضرت رسول ص منقول است که در شب پانزدهم ماه ذی القعده حق تعالی
بسوی بندگان مؤمن نظر رحمت میکند کسی که آنشب را بعبادت بسر آورد ثواب
صد عابد باو عطا کند که در یکچشم زدن معصیت خدا نکرده باشند چون
نصف شب بگذرد شروع کن بعبادت ونماز وحاجات خود را از حق تعالی طلب
کن که هر حاجت که طلب کنی مستجاب میگردد وبعضی از علماء گفته اند که در روز
بیست وسیم ماه ذی القعده زیارت حضرت امام رضا ع از دور ونزدیک سنت است
ودر روز بیست وپنجم ذی القعده زیارت حضرت امام رضا ع از نزدیک ودور سنت است
روز دحو الارض است یعنی پهن شدن زمین از کعبه بر روی آب ودر روز بسیار مبارکی
است وکلینی از محمد بن عبد الله روایت کرده است که حضرت امام رضا ع در شهر
مرو در روز بیست وپنجم ذی القعده بیرون آمدند وفرمودند که امروز را روزه
بدارید که من نیز روزه ام گفتیم فدای تو شویم امروز چه روز است فرمود که روزیست
که رحمت در این روز منتشر گردیده است وزمین در این روز پهن شده است
وکعبه در این روز پهن شده است وحضرت آدم ع در این روز بزمین فرود آمده است
وابن بابویه ره روایت کرده است از حسن وشا که گفت من با پدرم در خدمت
حضرت امام رضا ع شام خوردیم در شب بیست وپنجم ماه ذی القعده پس فرمود که امشب
حضرت ابرهیم ع وحضرت عیسی ع متولد شده اند وزمین از زیر کعبه پهن شده است
پس هرکه روز شرا روزه بدارد چنانست که شصت ماه را روزه داشته باشد و
حضرت قائم ع در این روز ظاهر خواهد شد واز حضرت رسول ص منقول است که حق
تعالی رحمت خود را بر بندگان در این روز فرستاده است وروزه اش مثل روزه هفتاد

سال است وبروایت دیگر رحمت از آسمان در این شب نازل شده است و تعظیم کعبه
برآدم ع در اینروز نازل شده است هرکه این روز را روزه بدارد هرچه در میان آسمان
وزمین است برای او استغفار کنند وطلب آمرزش نمایند واز حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که اوّل رحمتی که از آسمان بسوی زمین نازل شد در بیست و پنجم ماه ذی
القعده بود هرکه این روز را روزه دارد وشب آنرا بعبادت بایستد از برای او عبادت
صد سال نوشته شود که روزها را روزه داشته باشد وشبها را بعبادت بسر
آورده باشد وهر جماعتی که در اینروز جمع شوند برای ذکر پروردگار خود پیش از
آنکه متفرّق گردند حاجت ایشان برآورده شود ودر اینروز هزار هزار رحمت از
جانب حق تعالی بر بندگان نازل میگردد نود ونه رحمت از آنها مخصوص جمعی است که
مجتمع گردند وبذکر خدا مشغول شوند ودر روزش را روزه بدارند وشبش را عبادت
کنند ودر روایتی وارد شده است که مستحب است که در اینروز در وقت چاشت دو رکعت
نماز بجا آورد ودر هر رکعت بعد از سوره حمد پنج مرتبه سوره والشمس بخواند وبعد از
سلام این دعا بخواند لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ يَا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ
نیست قوّتی ونه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ مرتبه ای درگذرنده لغزشها
اَقِلْنِي عَثْرَتِي يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ اَجِبْ دَعْوَتِي يَا سَامِعَ الْاَصْوَاتِ اِسْمَعْ صَوْتِي
درگذر از لغزشهای من ای اجابت کننده دعاها اجابت کن دعای مرا ای شنونده آوازها
اِسْمَعْ صَوْتِي وَارْحَمْنِي وَتَجَاوَزْ عَنْ سَيِّئَاتِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ
بشنو آواز مرا ورحم کن مرا ودرگذر از بدیهای من ای خداوند بزرگواری وگرامی داشتن
وشیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که مستحب است که در اینروز این دعا را بخوانند
اَللّٰهُمَّ دَاحِيَ الْكَعْبَةِ وَفَالِقَ الْحَبَّةِ وَصَارِفَ اللَّزْبَةِ وَكَاشِفَ كُلِّ
بارخدایا ای گستراننده کعبه وشکافنده دانه وگرداننده سختی وزایل کننده هر

کربه

كُرْبَةٍ اَسْاَلُكَ فِي هٰذَا الْيَوْمِ مِنْ اَيَّامِكَ الَّتِي اَعْظَمْتَ حَقَّهَا وَاَقْدَمْتَ
اندوه سؤال میکنم از تو در این روز از روزهای تو که بزرگ گردانیدی حق آنرا وپیش داشتی
سَبْقَهَا وَجَعَلْتَهَا عِنْدَ الْمُؤْمِنِينَ وَدِيعَةً وَاِلَيْكَ ذَرِيعَةً وَبِرَحْمَتِكَ
پیشی اورا وگردانیدی آنرا نزد گروندگان امانت وبسوی تو وسیله وبرحمت فرا
الْوَسِيعَةِ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ الْقَرِيبِ يَوْمَ التَّلَاقِ
گیرنده تو اگر رحمت فرستی بر محمد بنده تو که برگزیده شده است در روز پیمان نزدیکست بتو روز هم رسیدن
فَاتِقِ كُلِّ رَتْقٍ وَدَاعٍ اِلٰى كُلِّ حَقٍّ وَعَلٰى اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَطْهَارِ الْهُدَاةِ الْمَنَارِ
گشاینده هر بسته وخواننده بسوی هر راه حقی که برقرار داده او که پاکانند راه نمایندگان نه بدایتند
دَعَائِمِ الْجَبَّارِ وَوُلَاةِ اَهْلِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَاَعْطِنَا فِي يَوْمِنَا هٰذَا مِنْ عَطَائِكَ
ستونهای خدای بزرگوار ووالیان اهل بهشت ودوزخند وعطا کن ما را در روز ما این روز از عطای پنهان داشته خود
الْمَخْزُونِ غَيْرَ مَقْطُوعٍ وَلَا مَمْنُوعٍ تَجْمَعُ لَنَا بِهِ التَّوْبَةَ وَحُسْنَ الْاَوْبَةِ يَا خَيْرَ
حال آنکه نباشد بریده شده ونه منت نهاده شده جمع کنی برای ما بسبب آن توبه ونیکوئی بازگشت را ای بهترین
مَدْعُوٍّ وَاَكْرَمَ مَرْجُوٍّ يَا كَفِيُّ يَا وَفِيُّ يَا مَنْ لُطْفُهُ خَفِيٌّ اُلْطُفْ لِي بِلُطْفِكَ
خوانده شده وگرامی ترین امید داشته شده ای کارگذار ای وفا کننده ای آنکه لطف او پنهانست مهربانی کن بمن بلطف خود
وَاَسْعِدْنِي بِعَفْوِكَ وَاَيِّدْنِي بِنَصْرِكَ وَلَا تُنْسِنِي كَرِيمَ ذِكْرِكَ بِوُلَاةِ اَمْرِكَ
ونیک بخت کن مرا بعفو خود وقوت ده بیاری خود وفراموش مگردان از من یاد کردن گرامی خود بحرمت والیان امر خود
وَحَفَظَةِ سِرِّكَ احْفَظْنِي مِنْ شَوَائِبِ الدَّهْرِ اِلٰى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ وَاَشْهِدْنِي
ونگاهدارندگان راز خود ونگاهدار مرا از چرکهای روزگار تا روز برانگیختن وزنده گردانیدن وحاضر گردان برای من
اَوْلِيَاءَكَ عِنْدَ خُرُوجِ نَفْسِي وَحُلُولِ رَمْسِي وَانْقِطَاعِ عَمَلِي وَانْقِضَاءِ اَجَلِي
دوستان خود را نزد بیرون شدن روح من وفرود آمدن در قبر خود وبریده گی کردار من ومنقضی شدن مدت اجل من

اللّهمّ واذكرني على طول البلا اذا حللت بين اطباق الثرى ونسيني الناسون
بار خدایا یاد کن مرا بر درازی زمان پوسیده کی هرگاه فرود آیم میان طبقهای خاک و فراموش کنند مرا فراموش کنندگان
من الورى واحللني دار المقامة وبوّئني منزل الكرامة واجعلني
از خلق و فرود آور مرا در سرای اقامت و جای ده مرا در جایگاه نوازش و بگردان مرا
من مرافقي اوليائك واهل اجتبائك واصطفائك وبارك لي في
از رفقای دوستان خود و اختیار کرده شدگان خود و برگزیدگان خود و برکت ده مرا در
لقائك وارزقني حسن العمل قبل حلول الاجل بريئًا من الزلل وسوء
ملاقات خود و روزی کن مرا نیکوئی کردار پیش از رسیدن اجل حال آنکه بوده باشم از لغزش و زشتی سخن
الخطل اللّهمّ واوردني حوض نبيّك محمّد صلى الله عليه واله واسقني
زشت بار خدایا وارد ساز مرا در کنار حوض پیغمبر خود محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و بچشان مرا
منه مشربا رويًّا سائغا هنيئا لا اظما بعده ولا احلا وِرده ولا عنه
از آن آشامیدنی سیراب کننده گوارا که تشنه نگردم پس از آن و نه منع کرده شوم از وارد شدن آن
اذاد واجعله لي خير زاد واوفى ميعاد يوم يقوم الاشهاد اللّهمّ والعن
رانده شوم و بگردان آنرا برای من بهترین توشه و وفا کرده تر وعده در روزی که برپا شوند حاضران خداوندا لعنت کن
جبابرة الاوّلين والآخرين وبحقوق اوليائك المستأثرين اللّهمّ واقصم
تسلط دارندگان پیشینیان و پسینیان را و بحقوق دوستان تو که مستقر شدند در نیکیها بار خدایا و بشکن
دعائمهم واهلك اشياعهم وعاملهم وعجّل مهالكهم واسلبهم ممالكهم
ستونهای ایشانرا و نیست کن پیروان ایشانرا و دانای ایشانرا و شتاب کن هیئتهای ایشانرا و مباح کن مملکتهای ایشانرا
وضيّق عليهم مسالكهم والعن مساهمهم ومشاركهم اللّهمّ وعجّل فرج
و تنگ کن بر ایشان راههای سلوک ایشانرا و لعنت کن قوم ایشانرا و شریک ایشانرا خداوندا و بشتاب گشایش
اوليائك واردد عليهم مظالمهم واظهر بالحقّ قائمهم واجعله لدينك
دوستان خود را و برگردان بر ایشان چیزهایی که از ظلم گرفته شده ایشان و ظاهر ساز براستی و درستی قائم ایشانرا و بگردان او را یاری کننده
منتصرا

منتصرا وبامرك في اعدائك مؤتمرا اللّهمّ احففه بملائكة النصر وبما القيت
انتقام کشنده و بفرمان خود درباره دشمنان خود و فرمانبردار خداوندا فرو گیر او را بفرشتگان یاری و بانچه بفرستی
اليه من الامر في ليلة القدر منتقما لك حتّى ترضى ويعود دينك به و
بسوی او از هر امر در شب قدر حال آنکه بوده باشد انتقام کشنده برای تو تا آنکه خشنود شوی و برگردد دین تو بسبب او و
على يديه جديدا غضّا ويمحض الحقّ محضا ويرفض الباطل رفضا اللّهمّ
بر دستهای او تر و تازه و خالص نماید حق را خالص نمودنی و بر اندازد باطل را بر انداختنی خداوندا
صلّ عليه وآله وعلى جميع آبائه واجعلنا من صحبه واسرته وابعثنا
رحمت فرست براو و آل او و بر همه پدران او و بگردان ما را از یاران او و گروه او و برانگیز ما را
في كرّته حتّى نكون في زمانه من اعوانه اللّهمّ ادرك بنا قيامه واشهدنا
در رجعت او تا آنکه بوده باشیم در زمان او از یاوران او خداوندا برسان ما را بزمان برپا شدن او و حاضر گردان ما را
ايّامه وصلّ عليه واردد الينا سلامه والسلام عليهم ورحمة الله وبركاته
در روزهای دولت او و رحمت فرست براو و برگردان بسوی ما سلام او را و درود بر ایشان و رحمت خدا و برکتهای او

باب پنجم در بیان فضائل و اعمال ماه مبارک ذی الحجه است
و در آن پنج فصل است فصل اوّل در بیان فضائل ماه ذی الحجه و دهه
اوّل و اعمال آنست ایام این دهه در نهایت فضیلت و برکت اند و حق تعالی
میفرماید وَاذْكُرُوا اللهَ فِي اَيَّامٍ مَعْدُودَاتٍ یعنی یاد کنید خدا را در روزی چند
اسم کرشمرده شده یعنی کم و باز فرموده است وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللهِ فِي اَيَّامٍ مَعْلُومَاتٍ
عَلَى مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْاَنْعَامِ یعنی اعلام کن مردم را بیایند بحج تا آنکه بیایند منفعتهای
دنیا و آخرت و یاد کنند خدا را در روزی چند معلوم برای آنکه روزی کرده است
ایشانرا از گوشت چهار پایان که گاو و شتر و گوسفند و بز است و در احادیث
معتبره بسیار از ائمه منقول است که ایام معلومات ده روز اوّل ماه ذی الحجه است

و ایام معدودات روز دهم و یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ماه ذی الحجه است و
از حضرت رسول ص منقول است که عمل خیر و عبادت در هیچ ایامی نزد خدای تعالی
محبوب‌تر نیست از دهه اول ذی الحجه و چون این ماه داخل میشد صلحای صحابه و
تابعان اهتمام عظیم در عبادت میکردند و بسند معتبر منقول است از حضرت امام
جعفر صادق ع که پدرم امام محمد باقر ع با من گفت که ای فرزند گرامی البته در هر شب دهه
اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آور در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت یکمرتبه
سوره حمد و سوره قل هو الله احد و این آیه را بخوان وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ
لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ
هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ چون چنین کنی
با حاجیان در ثواب حج شریک خواهی بود هر چند بحج نروی و روز اول ذی الحجه
روز مبارکیست و روایتی وارد شده است که حضرت ابرهیم ع در این روز متولد شده است
و در این روز حق تعالی ابرهیم را خلیل خود گردانید و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
منقول است که هر که در روز اول ذی الحجه را روزه بدارد حق تعالی ثواب روزه تمام
عمر او از برای او بنویسد و شیخ طوسی علیه الرحمه گفته است که از روز اول ذی الحجه
تا روز نهم روزه مستحب است و اگر نتواند روز اول را روزه بدارد و در روز اول
حضرت رسالت ص حضرت فاطمه صلوات الله علیها را بحضرت امیر المؤمنین ص تزویج
نمود و بروایت دیگر در روز ششم تزویج نمود و بدانکه روزه قضای ماه
مبارک رمضان از اول ماه تا روز عرفه میتوان گرفت چنانچه علماء گفته اند و احادیث
صحیحه بر آن دلالت دارد و بعضی از روایات که بر منع وارد شده است سند آنها
معتبر نیست و محمول است بر تقیه چنانچه در کتب مبسوطه دلائل آن را ایراد نموده ام و
باز شیخ ره گفته است که مستحب است که در روز اول نماز حضرت فاطمه ع را بجا آورد و
روایت شده است که آن چهار رکعت است مثل نماز حضرت امیر المؤمنین ع بدو سلام و در

هر رکعت بعد از سوره حمد پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند و بعد از سلام
تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام را بخواند و تسبیح این است سُبْحَانَ
ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ سُبْحَانَ ذِي
خداوند عزت با رفعت بلند پایه پاکست خداوند بزرگوار بلند مرتبه بزرگ پاکست خداوند
الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ أَثَرَ النَّمْلَةِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَىٰ
پادشاهی عظیم دیرینه پاکست آنکه میبیند نشان مورچه را در سنگ پاکست که میبیند
وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا وَلَا هٰكَذَا غَيْرُهُ مؤلف گوید
فرود آمدن مرغ را در هوا پاکست آنکه چنین است و نیست چنین غیر او
که بعد از این
انشاء الله مذکور خواهد شد که نماز حضرت فاطمه ع دو رکعت است و در رکعت
اول بعد از حمد صد مرتبه انا انزلناه است و در رکعت دوم صد مرتبه قل هو الله احد
واگر هر دو را بعمل آورد و آن دعا را بعد از هر یک بخواند بهتر است و اگر بعد از تسبیح
مشهور حضرت فاطمه را بخواند و بعد از آن این تسبیح را بخواند شاید بهتر باشد و در بعضی
از روایات وارد شده است که مستحب است در روز اول نیم ساعت پیش از زوال
دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره توحید و ده مرتبه
آیة الکرسی و ده مرتبه انا انزلناه بخواند و در روایت دیگر وارد شده است که هر که از ظالمی ترسد
که در روز اول ذی الحجه بگوید حَسْبِي حَسْبِي حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُكَ بِحَالِي حق تعالی
کفایت شر آن ظالم را از او بکند و شیخ طوسی و تلعکبری و سید ابن طاوس
بسندهای معتبر روایت کرده اند که حضرت امام جعفر صادق ع در روز اول ذی الحجه
تا روز عرفه هر روز بعد از نماز صبح و در وقت غروب آفتاب پیش از نماز شام این
دعا را میخواند اللّٰهُمَّ هٰذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي فَضَّلْتَهَا عَلَى غَيْرِهَا مِنَ الْأَيَّامِ وَشَرَّفْتَهَا
خداوندا این روزها روزهائیست که زیادتی دادی آنها را بر غیر آنها از روزها و بلند کرده پایه آنها
وَقَدْ بَلَّغْتَنِيهَا بِمَنِّكَ وَرَحْمَتِكَ فَأَنْزِلْ عَلَيْنَا مِنْ بَرَكَاتِكَ وَأَسْبِغْ عَلَيْنَا
و بتحقیق رسانیدی آنها را با نعام خود و بخشش خود پس فرو فرست بر ما از زیادتیهای خود و تمام کن بر ما

فیها من نعمائك اللهم انی اسألك ان تصلی علی محمد وال محمد فیها ان تمدنا
دران از نعمت خود خداوندا بدرستی سؤال میکنم ترا اگه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد درآنها واینکه راهنمائی مارا

فیها سبیل الهدی وترزقنا فیها التقوی والعفاف والغنی والعمل فیها
دران براه هدایت وروزی کن مارا درآنها پرهیزکاری وعفت وبینیازی وکارکردن درآنها

بما تحب وترضی اللهم انی اسألك یا موضع کل شکوی ویا سامع کل نجوی
بانچه دوست داری وبپسندی خداوندا بدرستیکه سؤال میکنم ترا ای قرارگاه هر شکایتی وای شنونده هر رازی

ویا شاهد کل ملا ویا عالم کل خفیة ان تصلی علی محمد وال محمد وان تکشف
وای حاضر هر جمعی وای دانای هر پنهانی اگه رحمت فرستی بر محمد وآل محمد واینکه زایل کنی

عنا فیها البلاء وتستجیب لنا فیها الدعاء وتقوینا فیها وتعیننا وتوفقنا
از ما درآنها بلارا وبپذیری برای ما درآنها دعارا وقوت دهی مارا درآنها ومدد کنی مارا وتوفیق دهی مارا

فیها لما تحب وترضی وعلی ما افترضت علینا من طاعتك وطاعة رسولك
درآنها برانچه دوست میداری ومیپسندی وبرانچه واجب کرده برما از فرمانبرداری تو وفرمانبرداری رسول تو

واهل ولایتك اللهم انی اسألك یا ارحم الراحمین ان تصلی علی محمد و
ودوستان تو خداوندا بدرستی من سؤال میکنم ترا ای بخشنده ترین بخشندگان اگه رحمت فرستی بر محمد و

ال محمد وان تهب لنا فیها الرضا انك سمیع الدعاء ولا تحرمنا خیر ما
آل محمد واینکه ببخشی مارا درآنها خشنودی بدرستیکه تو پذیرنده دعائی وناامید مکن مارا از خیر انچه

تنزل فیها من السماء وطهرنا من الذنوب یا علام الغیوب واوجب
فرود میآید درآنها از آسمان وپاک کن مارا از گناهان ای دانای هر پنهان وواجب گردان

لنا فیها دار الخلود اللهم صل علی محمد وال محمد ولا تترك لنا فیها ذنبا
برای ما درآنها سرای همیشگی را خداوندا رحمت فرست بر محمد وآل محمد ووامگذار برای ما درآنها گناهی را

الا غفرته ولا هما الا فرجته ولا دینا الا قضیته ولا غائبا الا ادیته
مگر اینکه بیامرزی آنرا ونه غمی را مگر اینکه بگشائی آنرا ونه قرضی را مگر اینکه اداکنی آنرا ونه پنهانی را مگر اینکه برسانی اورا

ول

ولا حاجة من حوائج الدنیا والاخرة الا سهلتها ویسرتها انك علی کل شیء
ونه حاجتی را از حاجتهای اینجهان وآنجهان مگر اینکه سهل کنی آنرا بدرستیکه تو بر هر چیز

قدیر اللهم یا عالم الخفیات یا راحم العبرات یا مجیب الدعوات یا
توانا خداوندا ای دانای نهانیها ای رحم کننده سرشک دیده ای پذیرنده دعاها ای

رب الارضین والسموات یا من لا تتشابه علیه الاصوات صل علی
پروردگار زمینها وآسمانها ای آنکه مشتبه نمیشود براو آوازها رحمت فرست بر

محمد وال محمد واجعلنا فیها من عتقائك وطلقائك من النار و
محمد وآل محمد وبگردان مارا درین روزها از آزادکردگان خود ورها کرده‌گان خود از آتش و

الفائزین بجنتك الناجین برحمتك یا ارحم الراحمین وصلی الله علی
فیروزی یافتگان ببهشت رستگاران برحمت تو ای بخشنده ترین بخشندگان ورحمت فرستد خدا بر

محمد واله اجمعین وسلم تسلیما شیخ مفید وسید ابن طاوس بسند معتبر از حضرت
محمد وآل او همه ودرود فرستاد درود فرستادنی

امام محمد باقر ع روایت کرده اند که جبرئیل از جانب
خداوند جلیل برای حضرت عیسی ع پنج دعا را بهدیه آورد وگفت یا عیسی این پنج دعا را
در دهه اول ماه ذی الحجه بخوان بدرستی که هیچ عبادتی نزد حق تعالی محبوبتر
نیست از عبادت کردن درین دهه اول اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك
گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا درحالتیکه یگانه است نیست شریکی

له له الملك وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر دویم
برای او مراوراست پادشاهی ومراوراست ستایش بدست اوست هر نیکی واو بر هر چیزی تواناست

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له احدا صمدا لم یلد ولم
گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا درحالتی که یگانه است نیست شریکی مراورا مقصود حاجات نزاده وزائیده

یولد ولم یکن له کفوا احد چهارم اشهد ان لا اله الا الله وحده لا
نشده نیست مراورا مانند هیچ کس گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا درحالتیکه یگانه است

شَرِيكَ لَهُ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ بِيَدِهِ الْخَيْرُ
شریکی برای او مر او راست پادشاهی مر او راست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده ایست که نمیرد بدست اوست همه نیکی

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ بعجمه حَسْبِيَ اللَّهُ وَكَفَى سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ
و او بر هر چیزی توانا است — بس است خدا و کافیست اجابت کرده خدا مر آنرا که خوانده نیست ورای او را

وَرَاءَ اللَّهِ مُنْتَهَى أَشْهَدُ لِلَّهِ بِمَا دَعَا وَأَنَّهُ بَرِيءٌ مِمَّنْ تَبَرَّأَ وَأَنَّ لِلَّهِ
غیر خدا منتهی ای گواهی میدهم برای خدا با نچه خوانده خدا و انکه بتحقیق او بیزار است از انکه بیزاری جوید از وو انکه بتحقیق برای خداست

الْآخِرَةَ وَالْأُولَى پس حواریان گفتند یا روح الله چه ثواب دارد کسی که این کلمات را
آنجهان و اینجهان
بگوید حضرت عیسی گفت که هر که دعای اول را صد مرتبه بخواند
عمل هیچ یک از اهل زمین بهتر از عمل او نباشد در آن روز و در روز قیامت حسنات او
زیاده از همه کس باشد و هر که دعای دویم را صد مرتبه بخواند چنان باشد که دوازده
مرتبه توریة و انجیل را خوانده باشد و ثواب آنها را باو بدهند حضرت عیسی گفت ای
جبرئیل ثواب خواندن توریة و انجیل چیست جبرئیل گفت طاقت برداشتن یک حرف توریة
و انجیل نداشت هر که در آسمانهای هفتگانه است از ملئکه تا آنکه مبعوث شدم من
و اسرافیل زیرا که اسرافیل اول بنده بود که گفت لا حول و لا قوة الا بالله و هر که
دعای سیم را صد مرتبه بخواند حق تعالی بنویسد از برای او باین دعا ده هزار هزار
حسنه و محو کند از او ده هزار هزار گناه و بلند کند از برای او در بهشت ده هزار
هزار درجه و فرود آیند از آسمان هفتاد هزار ملک که دستها برداشته باشند و
صلوات فرستند بر کسی که این کلمات را باین عدد خوانده است پس عیسی ع گفت که ای
جبرئیل آیا ملئکه صلوات میفرستند بغیر پیغمبران جبرئیل گفت که هر که ایمان آورد بانچه پیغمبران
از جانب خدا آورده اند و تغییر ندهد شریعت ایشانرا حق تعالی ثواب پیغمبران باو عطا
میفرماید و هر که دعای چهارم را صد مرتبه بخواند آن دعا را استقبال نماید ملکی و بالا برد

بسوی

بسوی حق تعالی پس خدا نظر کند بسوی گوینده آن دعا برحمت و هر که را خدا نظر
رحمت بر او کند هرگز شقی و بد عاقبت نشود پس حضرت عیسی گفت یا جبرئیل ثواب
دعای پنجم چیست جبرئیل گفت آن دعای من است و حق تعالی مرا رخصت نداده است
که ثواب آنرا بگویم مؤلف گوید که اگر هر روز هر یک از این دعاها را ده مرتبه بخوانند
دور نیست که عمل باین روایت کرده باشد و اگر هر روز هر یک را صد مرتبه بخواند بهتر
خواهد بود و شیخ و ابن بابویه و سید ابن طاوس از حضرت امیر المؤمنین ع روایت کرده اند
که هر که در هر روز از ده روز اول ذی الحجه این تهلیلات را ده مرتبه بخواند حق تعالی
عطا کند او را بهر تهلیلی درجه در بهشت از مروارید و یاقوت و از زمرد و میان هر درجه تا
تا درجه دیگر صد سال راه باشد بر فتار سواری که بتازد و در هر درجه شهری بوده
باشد و در آن شهر قصری باشد از یکجوهر که در آن فصلی نباشد و در هر شهر از آن
شهرها از انواع جواهر و غرفها و خوانها و فرشها و کرسیها و تختها و حوریان و لباسها
و متکاها و خوانها و خدمتکاران و درختها و نهرها و زیورها و حلها بوده باشد
که وصف کننده قادر بر وصف آنها نباشد و چون از قبر بیرون آید از هر موی بدن او
نوری ساطع باشد و مبادرت نمایند بسوی او هفتاد هزار ملک و از پیش رو
و جانب راست و چپ او راه روند تا او را بدر بهشت برسانند و چون داخل بهشت
شود او را مقدم دارند و ملئکه از عقب او روند تا آنکه بشهری برسد که بیرونش
از یاقوت سرخ باشد و اندرونش از زبرجد سبز و در آن شهر بوده باشد هر نعمتی که
حق تعالی در بهشت خلق کرده است پس باو گویند که ای دوست خدا میدانی که این
شهر چیست گوید نه و شما کیستید گویند ما ملکی چندیم که حاضر بودیم در هنگامی
که تو آن تهلیلها را میخواندی در دنیا و این شهر و آنچه در آن هست از نعمتهای
الهی یکثواب است بر خواندن آن تهلیلها و بشارت باد ترا بهتر از این ثوابهای بسیار

در جوار رحمت الهی خواهی بود در دار السلام که بلایی و غمی و مکروهی در آن نمی‌باشد
و نعمتها و رحمتهای خدا هرگز از تو منقطع نمیگردد و تهلیل این است لا اله الا
نیست سزاوار پرستش مگر
الله عدد اللیالی و الدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله
خدا شمار شبها و زمانها نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار شورشهای دریاها نیست سزاوار پرستش
الا الله و رحمته خیر مما یجمعون لا اله الا الله عدد الشوک و الشجر
مگر خدا و بخشش او بهتر است از همه بخششها نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار خارها و درختها
لا اله الا الله عدد الشعر و الوبر لا اله الا الله عدد الحجر و المدر
نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار موی و پشم شتر نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار سنگ و کلوخ
لا اله الا الله عدد لمح العیون لا اله الا الله فی اللیل اذا عسعس و
نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار نگریستن چشمها نیست سزاوار پرستش مگر خدا در شب چون تاریک گردد و
الصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الریاح فی البراری و الصخور لا اله الا
صبح چون دمیده شود نیست سزاوار پرستش مگر خدا شمار بادها در بیابانها و کوهها نیست سزاوار پرستش مگر
الله من الیوم الی یوم ینفخ فی الصور و از بعضی روایات مستفاد میشود که
خدا از این روز تا روزی که دمیده شود در صور بیکمرتبه اکتفاء میتوان کرد فصل
دویم در اعمال روز ترویه و روز عرفه است روز ترویه روز هشتم ذی الحجه است
و روز مبارکیست و ابن بابویه از حضرت امام موسی ع روایت کرده است که حضرت
رسول ص فرمود که حق تعالی برگزیده است از روزها چهار روز را روز جمعه و روز ترویه
و روز عرفه و روز عید قربان و ایضا از حضرت صادق ع روایت کرده است که روزه
روز ترویه کفاره شصت سال گناه است و شب عرفه از لیالی متبرکه است و
از حضرت رسول ص منقول است که در شب عرفه دعا مستجابست و کسی که آن
شب را بعبادت بگذراند اجر صد و هفتاد سال عبادت دارد و آن شب مناجات با قاضی

الحاجات

الحاجات است و هر که در آن شب توبه کند توبه اش مقبول است و از حضرت صادق ع منقول است
که هر که در شب عرفه یا در شبهای جمعه این دعا را بخواند حق تعالی گناهانش را بیامرزد
اللهم یا شاهد کل نجوی و موضع کل شکوی و عالم کل خفیة و منتهی
بار خدایا ای دانای هر راز و قرارگاه هر شکایت و دانای هر پنهان و منتهی
کل حاجة یا مبتدئا بالنعم علی العباد یا کریم العفو یا حسن التجاوز یا جواد
هر حاجت ای ابتدا کننده نعمتها بر بندگان ای کریم عفو ای نیکو تجاوز ای بخشنده
یا من لا یواری منه لیل داج و لا بحر عجاج و لا سماء ذات ابراج و لا ظلم
ای آنکه نمیپوشاند از او شب تار و نه دریای پر آب و نه آسمان صاحب برجها و نه تاریکیها
ذات ارتتاج یا من الظلمة عنده ضیاء اسألک بنور وجهک الکریم الذی
صاحب تاریکیها ای آنکه تاریکی نزد او روشنی است سؤال میکنم از تو بروشنی ذات بزرگوار تو که
تجلیت به للجبل فجعلته دکا و خر موسی صعقا و باسمک الذی رفعت
تابان نمودی آنرا بر کوه پس گردانیدی آن کوه را خورد و مرد و افتاد موسی بیهوش و بحرمت نام تو که بلند کردی
به السموات بلا عمد و سطحت به الارض علی وجه ماء جمد و باسمک المخزون
بسبب آن آسمانها را بی ستون و گستردی بسبب آن زمین را بر روی آب گسترده و بحرمت نام پوشیده
المکنون المکتوب الطاهر الذی اذا دعیت به اجبت و اذا سئلت به
پنهان داشته شده نوشته شده است پاک آن نامیکه هرگاه خوانده شوی با آن اجابت کنی و هرگاه سؤال کرده شوی با آن
اعطیت و باسمک السبوح القدوس البرهان الذی هو نور علی کل نور
بخشش نمائی و بنام تو که پاک است بغایت منزه است دلیل روشنست آن نامی که او نور است بر هر نوری
و نور من نور یضیء منه کل نور اذا بلغ الارض انشقت و اذا بلغ
و نوریست از نور روشن شود از او هر نوری چون برسد زمین را شکافته شود و چون برسد
السموات فتحت و اذا بلغ العرش اهتز و باسمک الذی ترتعد منه
آسمانها را گشوده شوند و چون برسد عرش را بحرکت درآید و بحرمت نام تو آن نامی که لرزان شوند از او

فرائض ملائكتك واسألك بحق جبرئيل وميكائيل واسرافيل وبحق محمد
رکهای کردن فرشتگان تو وسؤال میکنم از تو بحق جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و بحق محمد
المصطفى صلى الله عليه وآله وعلى جميع الانبياء وجميع الملائكة وباسمك
برگزیده شده رحمت فرستد خدا براو و آل او و بر همه پیغمبران و بر همه فرشتگان و بحرمت آن نامِ تو
الذي مشى به الخضر على قلل الماء كما مشى به على جدد الارض وباسمك
حرکت نمود بسبب او خضر بر بالای آب چنانچه حرکت نمود بسبب آن بر روی زمین و بحرمت نام تو
الذي فلقت به البحر لموسى واغرقت فرعون وقومه وانجيت به موسى
آن نامیکه شکافتی بسبب او دریا را بجهة موسی و غرق نمودی فرعون و گروه او را و رهانیدی بسبب او موسی
بن عمران ومن معه وباسمك الذي دعاك به موسى بن عمران من جانب الطور الايمن
پسر عمران را و آنرا که با او بود و بنام تو آن نامیکه خواند بآن موسی از طرف راست کوه طور
فاستجبت له والقيت عليه محبة منك وباسمك الذي احيا به عيسى بن
پس اجابت کردی او را و افکندی بر او محبتی از جانب خود و بحرمت نام تو آن نامی که زنده کرد بسبب آن عیسی پسر
مريم الموتى وتكلم في المهد صبيا وابرأ الاكمه والابرص باذنك و
مریم مردگان را و سخن گفت در گاهواره حال آنکه کودک بود و عافیت بخشید کور و پیس را بدستور تو و
باسمك الذي دعاك به حملة عرشك وجبرئيل وميكائيل واسرافيل و
بحرمت نام تو آن نامی که خواندند ترا بآن بردارندگان عرش تو و جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و
حبيبك محمد صلى الله عليه وآله وملائكتك المقربون وانبياؤك المرسلون
دوست تو محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او و فرشتگان تو مقربان و پیغمبران مرسل تو
وعبادك الصالحون من اهل السموات والارضين وباسمك الذي دعاك
و بندگان شایستهٔ تو از اهل آسمانها و زمینها و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا
به ذو النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر عليه فنادى
بآن خداوند ماهی چون رفت از میان قوم خود خشمگین پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم براو پس خواند ترا در
الظلمات

في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين فاستجبت
در تاریکیها اینکه نیست سزاوار پرستش بجز تو پاکی تو بدرستی من هستم از ستمکاران پس پذیرفتی دعای
له ونجيته من الغم وكذلك ننجي المؤمنين وباسمك الذي دعتك
او را و رهانیدی او را از اندوه و همچنین میرهانیم گروندگان را و بنام بزرگ تو آن نامی که خواند ترا
به آسية امرأة فرعون اذ قالت رب ابن لي عندك بيتا في الجنة و
بآن آسیه زن فرعون هنگامی که گفت پروردگار من بنا کن برای من نزد خود خانه در بهشت و
نجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين فاستجبت لها دعاءها
برهان مرا از فرعون و کردار او و خلاصی ده مرا از گروه ستمکاران پس پذیرفتی برای او دعای او را
وباسمك الذي دعاك به ايوب اذ حل به البلاء فعافيته وآتيته اهله
و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا بآن ایوب هنگامی که فرود آمد باو بلا پس عافیت بخشیدی و دادی باو خانهٔ او
ومثلهم معهم رحمة من عندك وذكرى للعابدين وباسمك الذي دعاك به يعقوب
و مانند ایشان را با ایشان از جهة بخشایش از نزد خود و پند دادی مر عبادت کنندگان را و بحرمت نام تو آن نامی که خواند ترا با و یعقوب
فرددت عليه بصره وقرة عينه يوسف وجمعت شمله وباسمك
پس برگردانیدی براو دیدهٔ او و روشنی دیدهٔ او یوسف را و فراهم آوردی پراکندگی او و بحرمت نامهای تو
الذي دعاك به سليمان فوهبت له ملكا لا ينبغي لاحد من بعده
آن نامی که خواند ترا بآن سلیمان پس بخشیدی مر او را پادشاهی که نیست سزاوار هیچکس را پس از او
انك انت الوهاب وباسمك الذي سخرت به البراق لمحمد صلى الله
بدرستی تو تو ئی بغایت بخشنده و بحرمت نام تو آن نامی که رام کردی بسبب آن براق را بجهة محمد رحمت فرستد خدا
عليه وآله وسلم اذ قال تعالى سبحان الذي اسرى بعبده ليلا من المسجد الحرام
براو و آل او چه گفت خدا که برترست پاکست آن خدائی که برد بندهٔ خود را اندکی از شب از مسجد الحرام
الى المسجد الاقصا وقوله فقال سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين
تا مسجدی که بالاترست از همه مسجدها و گفت پاکست آنکه رام گردانید برای ما این را و نبودیم ما مر او را طاقت دارا

نزل

وانا الى ربنا المنقلبون وباسمك الذى تنزل به جبرئيل على محمد صلى الله

وبدرستی که ما بسوی پروردگار خود باز گردیده گانیم و بحرمت نام تو نامی که فرود آمد باستعانت او جبرئیل بر محمد رحمت فرستاد خدا

عليه واله وباسمك الذى دعاك به ادم فغفرت له ذنبه واسكنته

براو وآل او وبنام تو آن نامی که خواند ترا بآن آدم پس آمرزیدی برای او گناه او وساکن گردانیدی او را

جنتك واسالك بحق القران العظيم وبحق محمد خاتم النبيين وبحق

در بهشت خود وسوال میکنم ترا بحق قرآن بزرگ مرتبه و بحق محمد آخر پیغمبران وبحق

ابراهيم وبحق فصلك يوم القضاء وبحق الموازين اذا نصبت والصحف

ابراهیم وبحق جدا کردن حق را از باطل در روز حکم کردن وبحق ترازوهای عمل هرگاه برپا شوند ونامهای اعمال

اذا نشرت وبحق القلم وما جرى واللوح وما احصى وبحق الاسم

چون گشوده شوند وبحق قلم وانچه روان شده بآن ولوح وانچه شمرده آنرا وبحق آن نامیکه

الذى كتبته على سرادق العرش قبل خلقك الخلق والدنيا والشمس و

نوشته آنرا بر سراپرده عرش پیش از آفرینش تو خلق را ودنیا وآفتاب و

القمر بالفى عام واشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له وان

ماه بدو هزار سال وگواهی میدهم اینکه نیست خدا مگر خدا وحال آنکه یگانه است نیست انباز برای او واینکه

محمدا عبده ورسوله واسالك باسمك المخزون فى خزائنك الذى

محمد بنده او وفرستاده او است وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که پنهانست در خزانهای تو که آن

استاثرت به فى علم الغيب عندك لم يظهر عليه احد من خلقك

نامی که مخصوص داشته خود را باو در علم پنهانی که نزد تست حال مطلع نگردیده بر هیچکس از خلق تو

لا ملك مقرب ولا نبى مرسل ولا عبد مصطفى واسالك باسمك الذى

نه فرشته مقرب ونه پیغمبر مرسل ونه بنده برگزیده وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که

شققت به البحار وقامت به الجبال واختلف به الليل والنهار وبحق

شکافتی بسبب او دریاها را وبرپایست بسبب او کوهها وآمد وشد کرد بسبب او شب و روز وبحق

السبع

السبع المثانى والقران العظيم وبحق الكرام الكاتبين وبحق طه ويس

سبع المثانی وقرآن بزرگ وبحق بزرگواران نویسندگان وبحق طه ویس

وكهيعص وحمعسق وبحق توراة موسى وانجيل عيسى وزبور داود

وکهیعص وحمعسق وبحق توریة موسی وانجیل عیسی وزبور داود

وفرقان محمد صلى الله عليه واله وعلى جميع الرسل وباهيا شراهيا

وقرآن محمد رحمت فرستاد خدا بر او وآل او وبر جمیع فرستادگان وبحرمت خداوند ازلی

اللهم انى اسالك بحق تلك المناجات التى كانت بينك وبين موسى

خداوندا بدرستیکه من سوال میکنم ترا بحق آن رازگوئی که بود میانه تو ومیانه موسی

بن عمران فوق جبل طور سيناء واسالك باسمك الذى علمته ملك الموت

پسر عمران بالای کوه طور سینا وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که آموختی بملک موت

لقبض الارواح واسالك باسمك الذى كتب على ورق الزيتون فخضعت

بجهة گرفتن جانها وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو آن نامی که نوشته شده بر برگ درخت زیتون پس فروتنی نمودند

النيران لتلك الورقة فقلت يا نار كونى بردا وسلاما واسالك باسمك

آتشها برای آن برگ پس گفتی ای آتش باش سرد وسلامت وسوال میکنم از تو بحرمت نام تو

الذى كتبته على سرادق المجد والكرامة يا من لا يحفيه سائل ولا ينقصه

آن نامی که نوشتی آنرا بر سراپرده بزرگواری وکرامت ای آنکه بستوه نیاورد او را سائل وکم نمیکرداند خزانه او را

نائل يا من به يستغاث واليه يلجا اسالك بمعاقد العز من عرشك و

عطای آنکه باو استغاثه کرده شود وبسوی او پناه آورده شود سوال میکنم از تو بحرمت جاهای بستن عزت از عرش تو

منتهى الرحمة من كتابك وباسمك الاعظم وجدك الاعلى وكلماتك التامات

نهایت بخشایش که حاضر است از کتاب تو وبحرمت نام تو که بزرگتر است وعظمت تو که بلند تر است وکلمات تو که تمام است

العلى اللهم رب الرياح وما ذرت والسماء وما اظلت والارض وما اقلت

بلند پایه است خداوندا پروردگار بادها وانچه پراکنده نموده او را وآسمان وانچه سایه افکنده وزمین وانچه بر داشته

والشیاطین وما اضلت والبحار وما جرت وبحق کل حق هو
و دیوان پلید و آنکه گمراه نموده اند او را و دریاها و آنچه روان گردیده اند براه و بحق هر حقی که آن
علیک حق وبحق الملائکة المقربین والروحانیین والکروبیین و
بر تو ثابت و لازمست و بحق فرشتگان نزدیکان و روحانیان و کروبیان و
المسبحین لک باللیل والنهار لا یفترون وبحق ابراهیم خلیلک و
تنزیه کنندگان مر ترا در شب و روز حال آنکه سست نمیشوند و بحق ابراهیم دوست تو و
بحق کل ولی ینادیک بین الصفا والمروة وتستجیب له دعاءه یا
بحق هر صدیق که میخواند ترا میانه صفا و مروه و می پذیری برای او دعای او را ای
مجیب اسألک بهذه الاسماء وبهذه الدعوات ان تغفر لنا ما قدمنا وما
پذیرنده سؤال میکنم از تو بحرمت این نامها و بحرمت این دعاها اینکه بیامرزی برای ما آنچه پیش داشتیم و آنچه
اخرنا وما اسررنا وما اعلنا وما ابدینا وما اخفینا وما انت اعلم به منا
پس داشتیم و آنچه پنهان داشتیم و آنچه ظاهر ساختیم و آنچه اخفا نمودیم و آنچه تو داناتری بآن از ما
انک علی کل شیء قدیر برحمتک یا ارحم الراحمین یا حافظ کل غریب یا مونس
بدرستی که تو بر هر چیز توانائی ببخشایش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای نگاه دارنده هر بیکسی ای انس دهنده
کل مستوحش یا صاحب کل مسافر یا عماد کل حاضر ویا غافر کل ذنب
هر رمیده ای یار هر سفر کننده ای اعتماد کرده شده هر حاضری و ای آمرزنده هر گناهی
وخطیئة یا غیاث المستغیثین یا صریخ المستصرخین یا کاشف کرب المکروبین
و خطائی ای فریادرس فریادرس جویان ای دادرس دادجویان ای زایل کننده اندوه اندوهناکان
یا فارج هم المهمومین یا بدیع السموات والارضین یا منتهی غایة الطالبین
ای گشاینده غم غمناکان ای نو پدید آورنده آسمانها و زمین ای منتهی نهایت درخواهندگان
یا مجیب دعوة المضطرین یا ارحم الراحمین یا رب العالمین یا دیان یوم
ای پذیرنده دعای درماندگان ای بخشنده ترین بخشندگان ای پروردگار جهانیان ای جزا دهنده روز
الدین

الدین یا اجود الاجودین یا اکرم الاکرمین یا اسمع السامعین یا ابصر
جزا ای بخشنده ترین بخشندگان ای بزرگوار ترین بزرگواران ای شنواترین شنوندگان ای بیناترین
الناظرین یا اقدر القادرین اغفر لی الذنوب التی تغیر النعم واغفر لی
نگرندگان ای تواناترین توانایان بیامرز برای من گناهانی را که تغییر میدهند نعمتها را و بیامرزد
الذنوب التی تورث الندم واغفر لی الذنوب التی تورث السقم واغفر لی
گناهانی را که ارث میدهد پشیمانی او و بیامرز برای من گناهانی را که در عقب دارد بیماری را و بیامرز برای من
الذنوب التی تهتک العصم واغفر لی الذنوب التی ترد الدعاء و
گناهانی را که میدرد پرده های عصمت را و بیامرز برای من گناهانی را که بر میگرداند دعا را و
اغفر لی الذنوب التی تحبس قطر السماء واغفر لی الذنوب التی
بیامرز برای من گناهانی را که باز میدارد باران آسمان را و بیامرز برای من گناهانی را که
تعجل الفناء واغفر لی الذنوب التی تجلب الشقاء واغفر لی الذنوب
لشتاب می آورد نیستی را و بیامرز برای من گناهانی را که بر انگیزد بدبختی را و بیامرز برای من گناهانی را که
تظلم الهواء واغفر لی الذنوب التی تکشف الغطاء واغفر لی الذنوب
تاریک کند هوا را و بیامرز برای من گناهانی را که زایل کند پرده را و بیامرز برای من گناهانی را که
التی لا یغفرها غیرک یا الله واحمل عنی کل تبعة لاحد من خلقک واجعل
نمی آمرزد گناهان را غیر تو ای خدا و بردار از من جانب من هر وبالی را که باشد برای یکی از خلق تو و بگردان
آمری در
لی من امری فرجا ومخرجا ویسرا وانزل یقینک فی صدری ورجاءک
برای من از امر خود گشایشی و بیرون شدنی و آسانی و فرو فرست یقین خود را در سینه من و امید خود را
هذا
فی قلبی حتی لا ارجو غیرک اللهم احفظنی وعافنی فی مقامی واصحبنی
در دل من تا آنکه امید ندارم غیر ترا خداوندا نگهدار مرا و عافیت بخش مرا در جایگاه من و یاور باش مرا
فی لیلی ونهاری ومن بین یدی ومن خلفی وعن یمینی وعن شمالی ومن
در شب من و روز من و از پیش روی من و از عقب من و از جانب راست من و از جانب چپ من و از

فوقي ومن تحتي ويسر لي السبيل واحسن لي التيسير ولا تخذلني في
بالای من واز زیر پای من وآسان کن برای من راه را ونیکو گردان برای من آسان نمودن را وخار مگذار مرا در

العسير واهدني يا خير دليل ولا تكلني الى نفسي في الامور ولقني
امر مشکل وره نمائی کن مرا ای بهترین راهنما ووامگذار مرا بسوی نفس من در کارها وپیش آور مرا

كل سرور واقلبني الى اهلي بالفلاح والنجاح محبورا في العاجل و
هر شادی وباز گردان مرا بسوی اهل خود با فیروزی ورستگاری شاد کرده در دنیا و

الاجل انك على كل شيء قدير وارزقني من فضلك واوسع علي من طيبات
آخرت بدرستی که تو بر هر چیز توانائی وروزی کن مرا از بخشش خود وگشایش ده بر من از روزیهای

رزقك واستعملني في طاعتك واجرني من عذابك ونارك واقلبني
پاکیزه خود وبکار دار مرا در فرمانبرداری خود وپناه ده مرا از عذاب خود وآتش خود وبگردان مرا

اذا توفيتني الى جنتك برحمتك اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك
هرگاه بمیرانی مرا بسوی بهشت خود ببخشش خود خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم بتو از زایل شدن نعمت تو

ومن تحويل عافيتك ومن حلول نقمتك ومن نزول عذابك واعوذ
واز گردانیدن عافیت خود را واز فرود آمدن عقوبت تو واز نازل شدن عذاب تو وپناه میگیرم

بك من جهد البلاء ودرك الشقاء ومن سوء القضاء وشماتة
بتو از مشقت بلا ودریافتن بدبختی واز بدی حکم کردن وشادی کردن

الاعداء ومن شر ما ينزل من السماء ومن شر ما في الكتاب المنزل اللهم
دشمنان واز شر آنچه هست در کتاب فرو فرستاده شده واز گزند آنچه فرود می آید از آسمان خداوندا

لا تجعلني من الاشرار ولا من اصحاب النار ولا تحرمني صحبة الاخيار
مگردان مرا از بدان ونه از یاران آتش ونا امید مکن مرا از صحبت نیکوکاران

واحيني حيوة طيبة وتوفني وفاة طيبة تلحقني بالابرار وارزقني
وزنده دار مرا زندگی پاکیزه وبمیران مرا مردن پاکیزه که برسانی مرا به نیکوکاران وروزی کن مرا

مرافقة

مرافقة الانبياء في مقعد صدق عند مليك مقتدر اللهم لك الحمد
برفاقت پیغمبران در نشستنگاه پسندیده نزد پادشاهی صاحب اقتدار خداوندا مر تراست سپاس

على حسن بلائك وصنعك ولك الحمد على الاسلام والسنة يا رب كما
بر نیکوئی انعام تو ومعروف تو ومر تراست سپاس بر منقاد بودن وقیام نمودن طریقه پیغمبران ای پروردگار من چنانچه

هديتهم لدينك وعلمتهم كتابك فاهدنا وعلمنا ولك الحمد على حسن
راه نمودی ایشان را بدین خود وآموختی ایشان را کتاب خود پس راهنمائی کن ما را وبیاموز ما را ومر تراست سپاس بر نیکوئی

بلائك وصنعك عندي خاصة كما خلقتني فاحسنت خلقي وعلمتني
انعام تو ومعروف تو نزد من مخصوص چنانچه آفریدی مرا پس نیکو کردی آفرینش مرا وآموختی مرا

فاحسنت تعليمي وهديتني فاحسنت هدايتي فلك الحمد على انعامك
پس نیکو کردی آموختن مرا وراه نمودی مرا پس نیکو کردی راهنمودن مرا پس مر تراست سپاس بر انعام تو

علي قديما وحديثا فكم من كرب يا سيدي قد فرجته وكم من غم يا
بر من کهنه ونو پس بسا از اندوه ای آقای من بتحقیق گشودی آنرا وبسا از غم ای

سيدي قد نفسته وكم من هم يا سيدي قد كشفته وكم من بلاء يا
آقای من بتحقیق زایل کردی آنرا وبسا از اندوه ای آقای من بتحقیق رفع نمودی آنرا وبسا از بلا ای

سيدي قد صرفته وكم من عيب يا الهي قد سترته فلك الحمد على
آقای من بتحقیق گردانیدی آنرا وبسا از ناپسندی ای خدای من بتحقیق پوشانیدی آنرا پس مر تراست سپاس بر

كل حال وفي كل مثوى وزمان ومنقلب ومقام وعلى هذه الحال
هر حالتی ودر هر آرامگاهی وزمانی وبازگشتن گاهی وجای درنگی وبر این حال

وكل حال اللهم اجعلني من افضل عبادك نصيبا في هذا اليوم من خير
وبر هر حالتی خداوندا بگردان مرا از افزونترین بندگان تو در بهره در این روز از نیکی

تقسمه او ضر تكشفه او سوء تصرفه او بلاء تدفعه او خير تسوقه
که قسمت کنی آنرا یا گزندی که زایل نمائی آنرا یا بدی که بگردانی آنرا یا بلائی که رفع کنی آنرا یا خیری که برانی اورا

یا سیدی
ای آقای من

اَوْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا اَوْ عَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا فَاِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِيَدِكَ خَزَائِنُ
یا بخشایشی که پراکنده کنی آنرا یا عافیتی که بپوشانی آنرا زیرا که بتحقیق تو بر هر چیز توانائی و بدست تو است خزانهای
السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَاَنْتَ الْوَاحِدُ الْكَرِيمُ الْمُعْطِي الَّذِي لَا يَرُدُّ سَائِلَهُ وَلَا
آسمان و زمین و توئی یگانهٔ بزرگوار بخشنده که بر نگرداینده نشود سؤال کنندهٔ او و نا امید
يُخَيِّبُ اٰمِلَهُ وَلَا يَنْقُصُ نَائِلُهُ وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ بَلْ يَزْدَادُ كَثْرَةً وَ
نگردد امیدوار او و کم نگردد عطای او و بپایان نرسد آنچه نزد او است بلکه افزون کند بسیاری عطاها را و
طِيبًا وَعَطَاءً وَجُودًا وَارْزُقْنِي مِنْ خَزَائِنِكَ الَّتِي لَا تَفْنٰى وَمِنْ
پاکیزگی آنها را و بخشش و جود را و روزی کن مرا از خزانهای خود که فانی نگردد و از
رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ اِنَّ عَطَاءَكَ لَمْ يَكُنْ مَحْظُورًا وَاَنْتَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ
رحمت فراگیرنده بدرستی که عطای تو نیست ممنوع و تو بر هر چیزی
قَدِيرٌ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واحادیث بسیار در فضیلت حضرت
توانائی برحمت خود ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان زیارت حضرت امام حسین ع در شب و
روز عرفه وارد شده است و زیارت نزدیک را در کتاب تحفة الزائر ذکر کرده‌ام
و زیارت دور ان شاء الله بعد از این مذکور خواهد شد و پیشتر نیز زیارت آنحضرت
مذکور شد و اما روز عرفه از اعیاد عظیمه است و کسی که توفیق یابد که در عرفات
باشد ادعیه و اعمال بسیار دارد و بهترین اعمال در این روز دعاست حتی مستحب است
که جمع کنند میان نماز ظهر و عصر در اول وقت و نافلهٔ اذان عصر ساقط میشود و بعد از
نماز عصر مشغول دعا باید شد تا شام و دعا از برای برادران مؤمن از زنده و مرده
بسیار باید کرد چنانچه در حدیث صحیح منقول است که ابرهیم بن هاشم گفت من عبد الله
بن جندب را دیدم در موقف عرفات و حال هیچ کس را از او بهتر ندیدم پیوسته
دستهای خود را بسوی آسمان بلند کرده بود و آب از دیدهاش بر رویش جاری

بود
بود تا نزدیک میرسید چون مردم فارغ شدند گفتم وقوف هیچ کس را بهتر از وقوف
تو ندیدم گفت بخدا سوگند که دعا نکردم مگر از برای برادران مؤمن خود
زیرا که از حضرت امام موسی ع شنیدم که هر که دعا کند از برای برادران مؤمن
خود در غیبت او از عرش ندا باو رسد که از برای تو صد هزار هزار برابر او باد
پس من نخواستم که دست بردارم از صد هزار برابر دعای ملائکه که البته
مستجابست برای یک دعای خود که نمیدانم مستجاب خواهد شد یا نه و اگر کسی توفیق
یابد که در روز عرفه در تحت قبهٔ مقدسهٔ حضرت امام حسین ع باشد ثوابش کمتر نیست
از کسی که در عرفات باشد بلکه زیاده است چنانکه از حضرت صادق ع منقول است
که هر که در روز عرفه بزیارت آنحضرت برود و حق او را شناسد و او را امام واجب
الاطاعه داند بنویسد حق تعالی از برای او ثواب دو هزار حج و دو هزار عمرهٔ مقبول
و هزار جهاد که با پیغمبر مرسلی باشد یا امام عادلی راوی گفت کجاست ثواب
وقوف عرفات حضرت از روی غضب بسوی او نظر کرد و فرمود که بدرستی که بندهٔ مؤمن
چون در روز عرفه نزد قبر آنحضرت حاضر شود در نهر فرات غسل کند و متوجه
زیارت شود هر گام که برمیدارد ثواب یک حج و عمره برای او مینویسند و در روایت
فرمود که در روز عرفه حق تعالی اول نظر رحمت بسوی زوار حضرت امام حسین ع میکند
و گناهان ایشانرا می آمرزد و حاجات ایشانرا برمی آورد و بعد از آن متوجه اهل عرفات
میگردد زیرا که در میان زوار آنحضرت حرام زاده و فرزند زنا نیست و در میان
اهل عرفات هست و کسی که توفیق هیچ یک از اینها را نیافته باشد باید که در سایر بلاد
غسل بکند و در مجمع مؤمنان حاضر شود و زیارت آنحضرت را بکند و اگر در بام
بلندی یا صحرای گشاده باشد بهتر است پس مشغول دعا شوند و تا شام مشغول
ذکر و دعا باشند تا در ثواب آنها شریک کردند چنانچه از حضرت صادق علیه السلم

منقول است واحادیث درباب روزه روز عرفه مختلف است واکثر علماء جمع
میان احادیث باین روش کرده اند که اگر اشتباهی در ماه نباشد واو را از دعا
کردن ضعیف نکرداند سنت است والا مکروه است یعنی ثوابش کمتر است
ودر روایتی واقع شده است که روزه روز عرفه برابر است با روزه یکساله
واگر اشتباه در ماه باشد یا باروزه از دعا ضعیف شود روزه نگرفتن بهتر است
واز حضرت صادق ع منقول است که هر که در روز عرفه پیش از انکه متوجه
دعا شود دو رکعت نماز بجا آورد در زیر آسمان واعتراف کند نزد خدا بگناهان
خود واقرار کند بخطاهای خود فائز گردد بثواب اهل عرفات وگناهان
گذشته وآینده اش آمرزیده گردد وشیخ مفید رحمة الله علیه این نماز را بعد از
نماز عصر ذکر کرده است وگفته است که این نماز مخصوص جمعی است که در اطراف
باشند ودر عرفات نباشند ودر حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقول است که چون خواهد مشغول دعا شود اول صد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه
الحمد لله وصد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه سوره
قل هو الله احد وصد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند ودر روایت دیگر فرمود
که صد مرتبه آیة الکرسی بخواند وصد مرتبه لا حول ولا قوة الا بالله بگوید
وصد مرتبه اللهم صل علی محمد وآل محمد بگوید پس مشغول دعا شود وبهترین
دعاها دعای صحیفه کامله است آنرا بخضوع وخشوع وتانی ورقت بخواند
که مشتمل است بر جمیع مطالب دنیا وآخرت وشیخ طوسی ره بسند معتبر از
حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع
گفت میخواهی ترا تعلیم کنم دعای روز عرفه را وآن دعای پیغمبران پیش از من است
میگوئی لا اله الا الله وحده لا شریک له له الملک وله الحمد یحیی و
نیست سزاوار پرستش مگر خداوند عالم که یگانه است نیست شریکی برای او مر او راست پادشاهی ومر او راست ستایش زنده میکند و

یمیت وهو حی لا یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم
میمیراند واو زنده ایست که نمیرد بدست اوست هر نیکی واو بر هر چیزی تواناست خداوندا
لک الحمد کالذی تقول وخیرا مما نقول وفوق ما یقول القائلون — وفوق ما نقول نسخه
مر تراست سپاس مانند آنچه خود ستائی وبهتر از آنچه ما ستائیم وبالای آنچه میستایند ستایندگان
اللهم لک صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی ولک براءتی وبک — تراثی نسخه
خداوندا برای تو است نماز من وعبادت من وزندگی من ومردن من وبرای تست بیزاری من وبتو است
حولی ومنک قوتی اللهم انی اعوذ بک من الفقر ومن وسواس — وساوس نسخه
حرکت من واز تو است توانائی من خداوندا بدرستی که من پناه میبرم بتو از احتیاج واز اندیشه باطل
الصدر ومن شتات الامر ومن عذاب القبر اللهم انی اسألک خیر
سینه واز پراکندگی کار واز عذاب قبر خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا بهترین
الریاح واعوذ بک من شر ما تجیء به الریاح واسألک خیر اللیل — ما جرت نسخه
بادها را وپناه میبرم بتو از گزند آنچه می آورد آنرا بادها ومیخواهم از تو نیکی شب
وخیر النهار اللهم اجعل لی فی قلبی نورا وفی سمعی نورا وفی بصری
ونیکی روز را خداوندا بگردان در دل من روشنائی ودر گوش من روشنائی ودر دیده من
نورا وفی لحمی نورا وفی دمی نورا وفی عظامی وعروقی ومقامی ومقعدی
روشنائی ودر گوشت من روشنائی ودر خون من ودر استخوانهای من روشنائی ودر رگهای من ودر ایستادنگاه من ونشستنگاه من
ومدخلی ومخرجی نورا واعظم لی النور یا رب یوم القاک انک علی — نورا نسخه
ومحل درآمدن من ومحل بیرون شدن من روشنائی وبزرگ گردان برای من روشنائی ای پروردگار من در روزی که ملاقات نمایم ترا بدرستی که تو بر
کل شیء قدیر واز حضرت امام رضا ع منقول است که این دعا در روز عرفه بخواند
اللهم کما سترت علی ما لم اعلم فاغفر لی ما تعلم وکما وسعنی علمک
خداوندا چنانچه پوشانیدی بر من آنچه را که ندانستم از گناهان بیامرز برای من گناهانی را که میدانی وچنانچه فرا گرفته مرا دانش تو

فليسعني عفوك وكما بدأتني بالاحسان فأتمم نعمتك بالغفران
پس باید که فرا گیرد مرا در گذشتن تو و چنانچه پیش گرفتی مرا به نیکوئی کردن پس تمام کن نعمت خود را با آمرزش بینک

وكما اكرمتني بمعرفتك فاشفعها بمغفرتك وكما عرفتني وحدا[نيتك]
و چنانچه گرامی داشتی مرا بشناخت خود پس جفت کن آنرا با آمرزش خود و چنانچه شناسانیدی بمن یگانگی خود را

فاكرمني بطاعتك وكما عصمتني مما لم اكن اعتصم منه الا بعصمتك
پس گرامی دار مرا بفرمانبرداری خود و چنانچه نگاه داشتی مرا از آنچه نبودم که باز دارم خود را از آن مگر بنگاهداری تو

فاغفر لي ما لو شئت عصمتني منه يا جواد يا كريم يا ذا الجلال والاكرام
پس بیامرز برای من آنچه را میخواستم نگاه میداشتی آنرا از آن ای بخشنده ای بزرگوار ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

و از حضرت امام موسی ع اللهم اني عبدك وابن عبدك ان تعذبني فبامور
این دعا منقول است
خداوندا بدرستی من بنده تو و پسر بنده تو اگر عذاب کنی مرا پس باعتبار کارها

قد سلفت مني وانا بين يديك بر متي وان تعف عني فاهل العفو انت
که بتحقیق پیش گذشته از من و من پیش توام بتمام اعضای خود و اگر در گذری از من پس سزاوار در گذشتن تو ئی

يا اهل العفو يا احق من عفى اغفر لي ولاخواني و از جمله دعاهای
ای سزاوار در گذشتن ای سزاوارترین کسی در گذشته بیامرز مرا و برادران مرا
مشهور روز عرفه دعای

حضرت سید شهداء امام حسین ع است بشر و بشیر پسران غالب اسدی روایت
کرده اند که پسین روز عرفه در عرفات در خدمت آنحضرت بودیم پس از خیمه خود
بیرون آمدند با گروهی از اهل بیت و فرزندان و شیعیان خود با نهایت
تذلل و خشوع پس در جانب چپ کوه ایستادند و روی مبارک را بسوی کعبه کردند
و دستها را برابر رو برداشتند مانند مسکینی که طعام طلبد و این دعا را خواندند

دعا این است بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله الذي ليس لقضائه دافع ولا
بنام خدای بخشاینده مهربان سپاس مر خدا یرا که نیست مر حکم او را دفع نماینده و نه

لعطائه

لعطائه مانع ولا كصنعه صنع صانع وهو الجواد الواسع فطر اجناس
بخشش او را باز دارنده و نه مانند کار او صنعت کری و اوست بخشنده فرو گیرنده انواع نو پدید آورد کار را

البدائع واتقن بحكمته الصنائع ولا تخفى عليه الطلائع ولا تضيع عنده
و محکم نمود بدانش خود کارها را و مخفی نیست بر او جامعها و تلف نگردد نزد او

الودائع جازي كل صانع ورائش كل قانع وراحم كل ضارع ومنزل
امانتها اوست سزا دهنده هر کار کننده و عطا کننده هر قناعت نماینده و رحم کننده هر زاری نماینده و فرستنده

المنافع والكتاب الجامع بالنور الساطع وهو للدعوات سامع و
سودها و کتابی فراهم آورنده مقرون بروشنائی هر نفع و او مر دعا را پذیرنده است

للمطيعين نافع وللدرجات رافع وللكربات دافع وللجبابرة قامع
و مرتبه ها را بلند کننده و مر اندوهها را زایل نماینده و مر متکبران را خوار سازنده

وراحم عبرة كل ضارع ورافع ضرعة كل ضارع فلا اله غيره
پس نیست سزاوار پرستش جز او

ولا شئ يعدله وليس كمثله شئ وهو السميع البصير اللطيف الخبير
و نیست چیزی برابری کند او را و نیست مانند او چیزی و اوست شنوای بینا مهربان آگاه

العليم

وهو على كل شئ قدير اللهم اني ارغب اليك واشهد بالربوبية
و او بر همه چیز توانا است خداوندا بدرستی من خواهش دارم بسوی تو و گواهی میدهم بپروردگاری برای تو

لك مقرا بانك ربي وان اليك مردي ابتدأتني بنعمتك قبل ان
حال آنکه اقرار دارم باینکه تو پروردگاری و اینکه بتحقیق بسوی تو بازگشت من ایجاد کردی مرا بنعمت خود پیش از آنکه

اكون شيئا مذكورا وخلقتني من التراب ثم اسكنتني الاصلاب
بوده باشم چیزی نام برده شده و آفریدی مرا از خاک پس قرار دادی مرا در پشتهای پدران

امنا لريب المنون واختلاف الدهور فلم ازل ظاعنا من صلب الى رحم
ایمن از هر شکی بجهة حوادث زمانه و ناموافقی روزگار پس همیشه بودم منتقل از پشت پدری بسوی رحم مادر

آمنا

فِي تَقَادُمِ الْأَيَّامِ الْمَاضِيَةِ وَالْقُرُونِ الْخَالِيَةِ لَمْ تُخْرِجْنِي لِرَأْفَتِكَ بِي وَ

لُطْفِكَ لِي وَإِحْسَانِكَ إِلَيَّ فِي دَوْلَةِ أَيَّامِ الْكَفَرَةِ الَّذِينَ نَقَضُوا عَهْدَكَ

وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ لَكِنَّكَ أَخْرَجْتَنِي لِلَّذِي

سَبَقَ لِي مِنَ الْهُدَى الَّذِي لَهُ يَسَّرْتَنِي وَفِيهِ أَنْشَأْتَنِي وَمِنْ قَبْلِ ذَلِكَ رَؤُفْتَ

بِي بِجَمِيلِ صُنْعِكَ وَسَوَابِغِ نِعَمِكَ فَابْتَدَعْتَ خَلْقِي مِنْ مَنِيٍّ يُمْنَى ثُمَّ

أَسْكَنْتَنِي فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَيْنَ لَحْمٍ وَجِلْدٍ وَدَمٍ وَلَمْ تُشَهِّرْنِي بِخَلْقِي

وَلَمْ تَجْعَلْ إِلَيَّ شَيْئًا مِنْ أَمْرِي ثُمَّ أَخْرَجْتَنِي إِلَى الدُّنْيَا تَامًّا سَوِيًّا وَ

حَفِظْتَنِي فِي الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِيًّا وَرَزَقْتَنِي مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِيًّا وَ

عَطَفْتَ عَلَيَّ قُلُوبَ الْحَوَاضِنِ وَكَفَّلْتَنِي الْأُمَّهَاتِ الرَّحَائِمَ وَكَلَأْتَنِي

مِنْ طَوَارِقِ الْجَانِّ وَسَلَّمْتَنِي مِنَ الزِّيَادَةِ وَالنُّقْصَانِ فَتَعَالَيْتَ يَا رَحِيمُ

يَا رَحْمَنُ حَتَّى إِذَا اسْتَهْلَلْتُ نَاطِقًا بِالْكَلَامِ أَتْمَمْتَ عَلَيَّ سَوَابِغَ الْإِنْعَامِ

رسولك – لي – من – طريا

وربيتني

فَرَبَّيْتَنِي زَائِدًا فِي كُلِّ عَامٍ حَتَّى إِذَا أَكْمَلْتَ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلَتْ مِرَّتِي

أَوْجَبْتَ عَلَيَّ حُجَّتَكَ بِأَنْ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بِعَجَائِبِ فِطْرَتِكَ

وَأَنْطَقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَائِكَ وَأَرْضِكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ

وَنَبَّهْتَنِي لِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَوَاجِبِ طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ وَفَهَّمْتَنِي

مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَيَسَّرْتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنَنْتَ عَلَيَّ فِي

جَمِيعِ ذَلِكَ بِعَوْنِكَ وَلُطْفِكَ ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ الثَّرَى لَمْ تَرْضَ

لِي يَا إِلَهِي بِنِعْمَةٍ دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ

الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ عَلَيَّ وَإِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتْمَمْتَ

عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النِّقَمِ لَمْ يَمْنَعْكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي

عَلَيْكَ أَنْ دَلَلْتَنِي عَلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَفَّقْتَنِي لِمَا يُزْلِفُنِي لَدَيْكَ

فَإِنْ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَعْطَيْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ

اكملت – وايقظتني – واوجبت علي – تقبل – بجميع – وحبيك – دعوتك

شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي كُلُّ ذٰلِكَ اِكْمَالًا لِاَنْعُمِكَ عَلَيَّ وَاِحْسَانِكَ اِلَيَّ فَسُبْحَانَكَ

سپس گذاری کنیم ترا افزون میکنی مرا همه آنها بجهت آنست که تمام کنی نعمتهای خود را بر من ونیکوئی کردن خود را بسوی من پس پاکی تو

سُبْحَانَكَ مِنْ مُبْدِئٍ مُعِيدٍ حَمِيدٍ مَجِيدٍ تَقَدَّسَتْ اَسْمَاؤُكَ وَعَظُمَتْ

پاکی تو از پدید آورنده بازگرداننده ستوده بزرگوار پاک است نامهای تو و بزرگست

آلَاؤُكَ فَاَيَّ نِعَمِكَ يَا اِلٰهِي اُحْصِي عَدَدًا اَوْ ذِكْرًا اَمْ اَيَّ عَطَايَاكَ اَقُومُ

نعمتهای تو پس کدام نعمت را ای خدای من دریابم بشماره یا بیاد آوری یا کدام بخششهای ترا قیام نمایم

بِهَا شُكْرًا وَهِيَ يَا رَبِّ اَكْثَرُ مِنْ اَنْ يُحْصِيَهَا الْعَادُّونَ اَوْ يَبْلُغَ عِلْمًا بِهَا

بآنها از روی سپاس و حال آنکه آنها ای پروردگار من بیشتر است از آنکه بشمارند آنها را شمارندگان یا برسند از روی دانش بآنها

الْحَافِظُونَ ثُمَّ مَا دَرَاْتَ وَصَرَفْتَ عَنِّي اللّٰهُمَّ مِنَ الضُّرِّ وَالضَّرَّاءِ اَكْثَرُ

ضبط کنندگان پس دفع کردی وگردانیدی از من خداوندا از بدحالی و ناخوشی بیشتر است

مِمَّا ظَهَرَ لِي مِنَ الْعَافِيَةِ وَالسَّرَّاءِ وَاَنَا اُشْهِدُكَ يَا اِلٰهِي بِحَقِيقَةِ اِيمَانِي

از آنچه ظاهر شده برای من از عافیت و ناخوشی و من گواه میگیرم ترا ای خدای من بکنه وخالص ایمان خود

وَعَقْدِ عَزَمَاتِ يَقِينِي وَخَالِصِ صَرِيحِ تَوْحِيدِي وَبَاطِنِ مَكْنُونِ ضَمِيرِي

وبستن ومحکم نمودن یقینهای ثابت خود وخالص محض توحید خود وپنهان پوشیده دل خود

وَعَلَائِقِ مَجَارِي نُورِ بَصَرِي وَاَسَارِيرِ صَفْحَةِ جَبِينِي وَخُرَقِ مَسَارِبِ نَفْسِي

ودرآویختن جاهای روان شدن نور دیده خود وچینهای روی پیشانی خود وسوراخهای راههای نفس خود

وَخَذَارِيفِ مَارِنِ عِرْنِينِي وَمَسَارِبِ صِمَاخِ سَمْعِي وَمَا ضُمَّتْ وَاَطْبَقَتْ عَلَيْهِ

وپارچه استخوانهای جانب بینی خود وراههای سوراخ گوش خود وآنچه بهم آورده شده وپوشانیده شده بران

شَفَتَايَ وَحَرَكَاتِ لَفْظِ لِسَانِي وَمَغْرَزِ حَنَكِ فَمِي وَفَكِّي وَمَنَابِتِ اَضْرَاسِي

لبهای من وحرکتهای لفظ زبان خود ومحل بهم آمدن طرف پائین دهان خود وبالای دهان خود وجای رویانیدن دندانهای خود

وَبُلُوغِ حَبَائِلِ بَارِعِ عُنُقِي وَمَسَاغِ مَاْكَلِي وَمَشْرَبِي وَحِمَالَةِ اُمِّ رَاْسِي وَ

ورسائی رشتهای تمام کامل گردن خود وگوارائی خوردنی خود وآشامیدنی خود وبردارنده اصل سر خود و

(margin) نِعَمِكَ: د — عَطَايَاكَ: د — نَفْسِي: ز — طَارِبُ: ز — مَارِنِ: ز — مَطْعَمِي: ز

حمل

حَمْلِ حَمَائِلِ حَبْلِ وَتِينِي وَمَا اشْتَمَلَ عَلَيْهِ تَامُورُ صَدْرِي وَنِيَاطِ حِجَابِ

شعبهای رشته رگ دل خود وآنچه مشتمل است بر آن دل سینه من ورگ پرده

قَلْبِي وَاَفْلَاذِ حَوَاشِي كَبِدِي وَمَا حَوَتْهُ شَرَاسِيفُ اَضْلَاعِي وَحِقَاقِ

دل خود وقطعهای کنارهای جگر خود وآنچه فرا گرفته آنرا سرهای استخوانهای پهلوی من وحقههای

مَفَاصِلِي وَاَطْرَافِ اَنَامِلِي وَقَبْضِ عَوَامِلِي وَلَحْمِي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشَرِي وَ

مفصلهای خود وکنارهای سر انگشتان خود وگرفتن پاهای خود وگوشت خود وخون خود وموی خود وبشره خود و

عَصَبِي وَقَصَبِي وَعِظَامِي وَمُخِّي وَعُرُوقِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي وَمَا انْتَسَجَ عَلَى

پی خود واستخوانهای میان تهی خود واستخوانهای خود ومغز استخوانهای خود ورگهای خود وهمه اعضای خود وآنچه بافته شده بر

ذٰلِكَ اَيَّامَ رِضَاعِي وَمَا اَقَلَّتِ الْاَرْضُ مِنِّي وَنَوْمِي وَيَقَظَتِي وَسُكُونِي

آن در روزگار شیر خوردن من وآنچه برداشته زمین از من وخواب خود وبیداری خود وآرام خود

وَحَرَكَتِي وَحَرَكَاتِ رُكُوعِي وَسُجُودِي اَنْ لَوْ حَاوَلْتُ وَاجْتَهَدْتُ مَدَى

وجنبش خود وحرکتهای رکوع خود وسجده خود آنکه اگر قصد کنم وکوشش نمایم در درازی

الْاَعْصَارِ وَالْاَحْقَابِ لَوْ عُمِّرْتُهَا اَنْ اُؤَدِّيَ شُكْرَ وَاحِدَةٍ مِنْ اَنْعُمِكَ

زمانها وروزگارها اگر زنده داشته شوم در آنها اگر ادا کنم شکر یکی از نعمتهای ترا

مَا اسْتَطَعْتُ ذٰلِكَ اِلَّا بِمَنِّكَ الْمُوجِبِ عَلَيَّ شُكْرًا آنِفًا جَدِيدًا

نتوانم آنرا مگر بانعام تو که واجب میسازد بر من سپاس مستانف جدید

وَثَنَاءً طَارِفًا عَتِيدًا اَجَلْ وَلَوْ حَرَصْتُ اَنَا وَالْعَادُّونَ مِنْ اَنَامِكَ

وستایش تازه مهیا بلی واگر خواهم من وشمارندگان از خلق تو

اَنْ نُحْصِيَ مَدَى اِنْعَامِكَ سَالِفِهِ وَآنِفِهِ لَمَا حَصَرْنَاهُ عَدَدًا وَلَا

آنکه بشماریم بسیاری انعام ترا گذشته آن وحاضر را هر آینه احاطه نتوانیم کرد آنرا بشماره و

اَحْصَيْنَاهُ اَبَدًا هَيْهَاتَ اَنَّى ذٰلِكَ وَاَنْتَ الْمُخْبِرُ عَنْ نَفْسِكَ فِي كِتَابِكَ

نتوانیم آنرا شمرد هرگز حسرت کجاست آن وحال آنکه توئی خبر دهنده از ذات خود در کتاب

(margin) وَحَبَائِلِ: ع

في كتابك الناطق والنبأ الصادق وان تعدوا نعمة الله لا تحصوها
گویای حق و خبر راست و اگر خواهید بشمارید نعمت خدا را نتوانید شمرد آنرا
صدق كتابك اللهم ونبأك وبلغت انبياؤك ورسلك ما انزلت
راست کتاب تو خداوند و خبر تو و رسانیده اند پیغمبران تو و فرستادگان تو آنچه را فرو فرستادی
عليهم من وحيك وشرعت لهم من دينك غير اني يا الهي اشهد بجهدي
بر ایشان از پیغام حق و ظاهر ساختی بر ایشان از دین حق مگر آنکه بدرستیکه من ای خدای من گواهی میدهم بسعی خود
وجدي ومبالغ طاقتي ووسعي واقول مؤقنا مؤمنا الحمد لله الذي — مؤمنا موقنا
و کوشش خود و در سایهای طاقت خود و توانائی خود و میگویم باور دارنده تصدیق نماینده سپاس مر خدا را که
لم يتخذ ولدا فيكون موروثا ولم يكن له شريك في الملك فيضاده
فرا نگرفته هیچ فرزندی پس باشد میراث برده شده و نیست مر او را انبازی در پادشاهی پس ضدیت کند او را
فيما ابتدع ولا ولي من الذل فيرفده فيما صنع سبحانه سبحانه
در آنچه بدید آورده و نه یاوری از ذلت پس یاری دهد او را در آنچه کرده پاکست او پاکست او
لو كان فيهما آلهة الا الله لفسدتا وتفطرتا فسبحان الله الواحد
اگر بودی در آسمان و زمین خدایانی بجز خدای سزاوار پرستش هر آینه تباه میشدند آسمان و زمین شکافته شدند پس پاکست خدای یگانه
الحق الاحد الصمد الذي لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد و
ثابت یکتا پناه و نیازمندان آن خدائیکه نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچکس
الحمد لله حمدا يعدل حمد ملائكته المقربين وانبيائه المرسلين وصلى الله
سپاس مر خدای را سپاسی که برابر کند سپاس فرشتگان نزدیکان او و پیغمبران فرستادگان او را و رحمت فرستاد خدا
على خيرته من خلقه محمد خاتم النبيين وآله الطاهرين المخلصين بس شروع — الطيبين
بر اختیار کرده شده از خلق حق محمد آخر پیغمبران و آل او پاکان خالص گردانیده شده
فرمود آنحضرت در سؤال و اهتمام نمود در دعا و آب از دیدهای مبارکش جاری بود

پس

بگفت اللهم اجعلني اخشاك كأني اراك واسعدني بتقواك ولا
خداوندا بگردان مرا که بترسم ترا که گویا می بینم ترا و نیک بخت کن مرا بپرهیزکاری خود و بد
تشقني بمعصيتك وخر لي في قضائك وبارك لي في قدرك حتى لا
بخت مساز مرا بنافرمانی خود و عطا کن مرا در حکم خود و برکت ده مرا در تقدیر خود تا آنکه
احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت اللهم اجعل غناي في نفسي — غنائي
دوست ندارم شتابانیدن آنچه را باز پس داشتی و آنچه را شتاب آوردی خداوندا بگردان بی نیازی مرا در نفس من
واليقين في قلبي والاخلاص في عملي والنور في بصري والبصيرة في
و یقین را در دل من و اخلاص را در کردار من و روشنائی را در دیده من و بینائی را در
ديني ومتعني بجوارحي واجعل سمعي وبصري الوارثين لي مني وانصرني
دین من بهره ور کن مرا با عضای من و بگردان گوش مرا و دیده مرا میراث برندگان از من و یاری ده مرا
على من ظلمني وارزقني فيه مآربي وثاري واقر بذلك عيني
بر آنکه ستم نمود مرا و روزی کن مرا حاجتهای مرا و خون مرا و روشن کن بآن دیده مرا
اللهم اكشف كربتي واستر عورتي واغفر لي خطيئتي واخسأ شيطاني — خطيئاتي د
خداوندا زایل کن اندوه مرا و بپوشان عورت مرا و بیامرز برای من گناه مرا و دور کن شیطان مرا
وفك رهاني واجعل لي يا الهي الدرجة العليا في الآخرة والاولى
و باز پس ده گروهای مرا و بگردان برای من ای خدای من مرتبه بلندی در آنجهان و اینجهان
اللهم لك الحمد كما خلقتني فجعلتني سميعا بصيرا ولك الحمد كما خلقتني — وجعلتني د
خداوندا مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا پس گردانیدی مرا شنوا بینا و مر تراست سپاس چنانچه آفریدی مرا
فجعلتني حيا سويا رحمة بي وكنت عن خلقي غنيا رب بما برأتني — خلقا د
پس گردانیدی مرا زنده درست اعضا از راه مهربانی بمن و بودی از آفرینش من بی نیاز پروردگار من بجهة آنکه خلق کردی مرا
فعدلت فطرتي رب بما انشأتني فاحسنت صورتي يا رب بما احسنت
پس درست کردی خلقت مرا پروردگار من بجهة آنکه پیدا کردی مرا پس نیکو نمودی صورت مرا ای پروردگار من بجهة آنکه نیکوئی کردی

بي وفي نفسي فعافني رب بما كلأتني ووفقتني رب بما أنعمت علي فهديتني

بمن و در نفس من عافیت بخشیدی مرا ای پروردگار من بچه جهة حفظ کردی مرا و توفیق دادی مرا پروردگار من انعام کردی بر من پس راه نمودی مرا

رب بما آويتني ومن كل خير آتيتني وأعطيتني رب بما أطعمتني و

پروردگار من بچه حاجت جای دادی مرا و از هر نیکی دادی مرا و بخشیدی مرا پروردگار من بچه چیز طعام دادی مرا و

سقيتني رب بما أغنيتني وأقنيتني رب بما أعنتني وأعززتني رب (أعززتني ز)

آب دادی مرا پروردگار من بچه سبب بی نیاز کردی مرا و روزی دادی مرا پروردگار من بچه جهة مدد کردی مرا و ارجمند ساختی مرا پروردگار من

بما ألبستني من ذكرك الصافي ويسرت لي من صنعك الكافي فصل (سترك)

بچه جهة پوشانیدی مرا از ذکر صافی خود و مهیا کردی برای من از بخشش کفایت کننده خود رحمت بفرست

على محمد وآل محمد وأعني على بوائق الدهر وصروف الأيام والليالي و (الدهور)

بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا بر حوادث روزگار و مکروهات روزها و شبها و

نجني من أهوال الدنيا وكربات الآخرة واكفني شر ما يعمل الظالمون

برهان مرا از شدائد اینجهان و اندوههای آن جهان و دفع کن از من گزند آنچه میکنند ستمکاران

في الأرض اللهم ما أخاف فاكفني وما أحذر فقني وفي نفسي وديني فاحرسني

در زمین خداوندا آنچه میترسم پس دفع کن از من و آنچه می پرهیزم پس نگاهدار مرا و در نفس من و دین من پس نگاهدار مرا

وفي سفري فاحفظني وفي أهلي ومالي وولدي فاخلفني وفيما رزقتني

و در سفر من پس حفظ کن مرا و در اهل من و مال من و فرزندان من پس خلیفه باش مرا و در آنچه روزی کردی مرا

فبارك لي وفي نفسي فذللني وفي أعين الناس فعظمني ومن شر الجن

پس برکت ده مرا و در نفس من پس خوار کن مرا و در دیدهای آدمیان پس بزرگ گردان مرا و از گزند دیو

والإنس فسلمني وبذنوبي فلا تفضحني وبسريرتي فلا تخزني وبعملي

و آدمیان پس سالم دار مرا و بگناهان من پس رسوا مساز مرا و بکارهای نهان من پس خفیف مگردان مرا و بکردار من

فلا تبتلني ونعمك فلا تسلبني وإلى غيرك فلا تكلني إلهي إلى من تكلني (تبسلني)

پس مبتلا مکن مرا و نعمتهای خود را پس از من مگیر و بسوی غیر جناب تو پس وامگذار مرا الهی بسوی که وا میگذاری مرا

الى

إلى القريب يقطعني أم إلى البعيد يتجهمني أم إلى المستضعفين لي وأنت

بسوی نزدیک که ببرد از من یا بسوی دور که بغلظه و ناخوش پیش آید مرا یا بسوی که ضعیف شمارندگان من و حال آنکه تو

ربي ومليك أمري أشكو إليك غربتي وبعد داري وهواني على من

پروردگار من و مالک کار منی شکوه میکنم بسوی تو از بیکسی و دوری سرای خود و خواری خود بر آنکه

(إلهي) ملكته أمري اللهم فلا تحلل بي غضبك فإن لم تكن غضبت

گردانیدی او را مالک امر من خداوند پس فرو مفرست بر من غضب خود را پس اگر نبوده باشی که غضب کرده باشی بر من

علي فلا أبالي سواك غير أن عافيتك أوسع لي يا رب فأسألك

پس باک ندارم از غیر تو مگر آنکه بتحقیق عافیت تو فراخ تر است برای من پس درمیخواهم از تو

بنور وجهك الذي أشرقت له الأرض والسموات وانكشفت

بحرمت روشنائی ذات تو که روشن شده بجهة او زمین و آسمانها و زائل گشته

به الظلمات وصلح عليه أمر الأولين والآخرين أن لا تميتني على

بسبب آن تاریکیها و سامان شد بجهة آن کار پیشینیان و پسینیان اینکه نمیرانی مرا بر

غضبك ولا تنزل بي سخطك لك العتبى حتى ترضى قبل ذلك لا إله

غضب خود و فرو نفرستی بمن غضب خود را برای تست عتاب و لطف و مهربانی تا اینکه خوشنود شوی پیش از آن نیست خدائی

إلا أنت رب البلد الحرام والمشعر الحرام والبيت العتيق الذي أحللته

مگر تو توئی پروردگار بلده محترم و مشعر الحرام و خانه کهنه که فرو فرستادی در آن

(آمنا ز) البركة وجعلته للناس أمنة يا من عفا عن العظيم من الذنوب بحلمه

برکت زیادتی را و گردانیدی آنرا برای آدمیان وسیلهٔ ایمنی ای آنکه در گذشته از بزرگ از گناهان ببردباری خود

يا من أسبغ النعمة بفضله يا من أعطى الجزيل بكرمه يا عدتي في شدتي

ای آنکه تمام کرده نعمت را به بخشش خود ای آنکه بخشید عطیه بسیار به بزرگواری خود ای ذخیره من در حال سختی من

يا صاحبي في وحدتي يا غياثي في كربتي يا مونسي في حفرتي يا وليي في

ای یار من در تنهائی من ای فریادرس من در وقت اندوه من ای انیس من در قبر من ای خداوند من

نِعمتي يا إلهي وإله آبائي إبراهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب وربّ
نعمت من ای خدای من وخدای پدران من ابراهیم واسمعیل واسحق ویعقوب وپروردگار

جبرئيل وميكائيل وإسرافيل وربّ محمّدٍ خاتم النبيين وآله المنتجبين
جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وپروردگار محمد آخر پیغمبران وخاندان برگزیدگان او

ومنزل التورية والإنجيل والزبور والفرقان ومنزل كهيعص و
وای فرستنده تورات وانجیل وزبور وفرقان وای فرستنده کهیعص و

طه ويس والقرآن العظيم الحكيم أنت كهفي حين تعييني المذاهب
طه ویس وقرآن باحکمت تو پناه منی هنگامی که عاجز کنند مرا راهها

صح

في سعتها وتضيق عليّ الأرض برحبها ولولا رحمتك لكنت من
با فراخی آنها وتنگ شود بر من زمین با گشادگی آن واگر نبودی رحمت تو هر اینه بودم از

إلهاً لكن وأنت مقيل عثرتي ولولا سترك إيّاي لكنت من

المفضوحين وأنت مؤيّدي بالنصر على الأعداء ولولا نصرك إيّاي
رسوا شدگان وتو قوت دهنده مرا به یاری بر دشمنان واگر نبودی یاری نمودن تو مرا

لكنت من المغلوبين يا من خصّ نفسه بالسموّ والرفعة فأولياؤه بعزّه
هر اینه بودم از غلبه کرده شدگان ای آنکه مخصوص گردانیده خود را به بلندی ورفعت پس دوستان او به عزت او

يعتزّون يا من جعلت له الملوك نير المذلّة على أعناقهم فهم من سطواته
ارجمندند ای آنکه گذاشته اند برای او پادشاهان نیز خواری بر گردنهای خود پس ایشان از غضبهای او

خائفون تعلم خائنة الأعين وما تخفي الصدور وغيب ما تأتي به
ترسانند میدانی خیانت دیدهها را وآنچه پنهان میدارند سینهها ونهان آنچه می آورد آنرا

الأزمان والدهور يا من لا يعلم كيف هو إلّا هو يا من لا يعلم ما
زمانها وروزگارها ای آنکه نمیداند هیچکس چگونگی او مگر او ای آنکه نمیداند که آنچه

يعلمه إلّا هو يا من كبس الأرض على الماء وسدّ الهواء بالسماء يا من
میداند او مگر او ای آنکه افراشته زمین را بر آب وباز داشته هوا را باسمان ای آنکه

٢١٨

له أكرم الأسماء يا ذا المعروف الذي لا ينقطع أبداً يا مقيض الركب
برای اوست گرامی ترین نامها ای خداوند احسان که بریده نشود هرگز ای کارنده سواران کاروان

ليوسف في البلد القفر ومخرجه من الجبّ وجاعله بعد العبودية
بجهت یوسف در شهر خالی از آب وگیاه وبیرون آورنده او از چاه وگرداننده او پس از بندگی

ملكاً يا رادّ يوسف على يعقوب بعد أن ابيضّت عيناه من الحزن
پادشاه ای برگرداننده یوسف بر یعقوب پس از آنکه سفید گشته بود دیدههای او از اندوه

فهو كظيم يا كاشف الضرّ والبلاء عن أيوب يا ممسك يدي إبراهيم من
پس بود او خشم فروخورنده ای زایل کننده بدحالی وبلا از ایوب ای باز دارنده دست ابراهیم از

يدي

الذبح عن ابنه بعد أن كبر سنّه وفني عمره يا من استجاب لزكريّا فوهب
گلو بریدن پسرش پس از آنکه زیاد گشته بود سال او وبپایان رسیده بود عمر او ای آنکه اجابت کرد مر زکریا را پس بخشید

كبر سنه وفناء عمره

له يحيى ولم يدعه فرداً وحيداً يا من أخرج يونس من بطن الحوت يا من
باو یحیی را ووانگذاشت او را تنها یگانه ای آنکه بیرون آورده یونس را از شکم ماهی ای آنکه

فرق البحر لبني إسرائيل فأنجاهم وجعل فرعون وجنوده من المغرقين
شکافته دریا را بجهت پسران یعقوب پس رهانید ایشان را وگردانید فرعون ولشکرهای او را از غرق شدگان

فلق

يا من أرسل الرياح مبشرات بين يدي رحمته يا من لم يعجل على من
ای آنکه فرستاده بادها را مژده دهندگان پیش رحمت خود ای آنکه شتاب نکرد بر مواخذه

لا يعجل

عصاه من خلقه يا من استنقذ السحرة بعد طول الجحود وقد غدوا في
آنکه نافرمانی کرد او را از خلق او ای آنکه نجات داده جادوگران را پس از درازی انکار وبحقیقت مرگردیدند در

غدوا

نعمته يأكلون رزقه ويعبدون غيره وقد حادّوه ونادّوه وكذّبوا
نعمت او میخوردند روزی او را ومیپرستیدند غیر او را وبحقیقت دشمنی کردند با او ومخالفت کردند او را

نسبت دادند

رسله يا الله يا بديء لا بدء لك يا دائماً لا نفاد لك يا حيّ يا محيي الموتى
فرستادگان او را ای خدای پدید آورنده بی ابتدا که برای تو نباشد ابتدا ای همیشه که نیستی مر ترا ای زنده ای زنده کننده مردگان

حين لا حي

يا من هو قائم على كل نفس بما كسبت يا من قل له شكري فلم يحرمني
ای آنکه او نگهبانست بر هر نفسی با آنچه کسب نمود ای آنکه اندک بود برای او سپاس گذاری من پس محروم نکرد مرا

وعظمت عنده خطيئاتي فلم يفضحني ورآني على المعاصي فلم يخذلني يا
و بزرگ بود گناهان من پس خوار نکرد و دید مرا پس خوار نگذاشت مرا

خطيئتي خ ل

من حفظني في صغري يا من رزقني في كبري يا من اياديه عندي لا
ای آنکه نگاهداشت مرا در حال خوردی ای آنکه روزی داده مرا در حال بزرگی من ای آنکه نعمتهای او نزد من

تحصى يا من نعمه عندي لا تجازى يا من عارضني بالخير والاحسان وعارضته
شمرده نشود ای آنکه نعمتهای او نزد من جزا داده نشود ای آنکه در مقابل نیکی و نیکوکاری

بالاساءة والعصيان يا من هداني للايمان قبل ان اعرف شكر الامتنان
بد کرداری و نافرمانی ای آنکه راه نمود مرا بایمان پیش از آنکه بشناسم شکر انعام را

يا من دعوته مريضا فشفاني وعريانا فكساني وجائعا فاطعمني
ای آنکه خواندم او را در حال بیماری پس شفا بخشید مرا و برهنه پس پوشانید مرا و گرسنه پس خورانید مرا

فاشبعني خ ل

وعطشانا فارواني وذليلا فاعزني وجاهلا فعرفني ووحيدا
و تشنه پس سیراب کرد مرا و خوار پس ارجمند ساخت مرا و نادان پس شناسا کرد مرا و یگانه

فكثرني وغائبا فردني ومقلا فاغناني ومنتصرا فنصرني وغنيا
پس بسیار کرد مرا و پنهان پس بر گردانید مرا و نیازمند پس بی نیاز کرد مرا و دادخواهنده پس یاری کرد مرا و بی نیاز

فلم يسلبني وامسكت عن جميع ذلك فابتدأني فلك الحمد يا من
پس سلب نکرد از من و باز داشتم خود را از سؤال همه آنها پس پیشی گرفت پس مر تراست سپاس ای آنکه

اقال عثرتي ونفس كربتي واجاب دعوتي وستر عورتي وغفر
درگذشت از لغزش من و زایل کرد اندوه مرا و پذیرفت دعای مرا و پوشانید عورت مرا و آمرزید

ذنوبي وبلغني طلبتي ونصرني على عدوي وان اعد نعمك ومننك
گناهان مرا و رسانید مرا بحاجت من و یاری مرا بر دشمن من و اگر خواهم بشمارم نعمتهای ترا و انعامهای ترا

وكرائم

وكرائم منحك لا احصيها يا مولاي انت الذي انعمت انت الذي احسنت انت
و بخششهای گرامی ترا نتوانم شمرد آنها را ای آقای من تو آنکه انعام کردی تو آنکه بخشش نمودی تو

الذي اجملت انت الذي افضلت انت الذي مننت انت الذي اكملت
آنکه نیکوئی کردی تو آنکه افزونی دادی تو آنکه انعام کردی تو آنکه تمام و کامل گردانیدی

انت الذي رزقت انت الذي اعطيت انت الذي اغنيت انت
تو آنکه روزی دادی تو آنکه عطا نمودی تو آنکه بسیار گردانیدی تو

انت الذي وفقت خ ل

الذي اقنيت انت الذي آويت انت الذي كفيت انت الذي
آنکه روزی دادی بقدر کفاف تو آنکه جای دادی تو آنکه کارگزاری نمودی

هديت انت الذي عصمت انت الذي سترت
تو آنکه راهنمودی تو آنکه نگاه داشتی تو آنکه پوشانیدی

انت الذي غفرت انت الذي اقلت انت الذي مكنت انت
تو آنکه آمرزیدی تو آنکه درگذشتی تو آنکه دست دادی بر هر کار تو

الذي اعززت انت الذي اعنت انت الذي عضدت انت الذي
آنکه عزیز گردانیدی تو آنکه اعانت کردی تو آنکه مدد کردی تو آنکه

ايدت انت الذي نصرت انت الذي شفيت انت الذي عافيت
قوت دادی تو آنکه یاری نمودی تو آنکه شفا بخشیدی تو آنکه عافیت بخشیدی

انت الذي اكرمت تباركت ربي وتعاليت فلك الحمد دائما ولك
تو آنکه گرامی داشتی برکتهای تو ای پروردگار من و برتری تو پس مر تراست سپاس همیشه و تراست

وحبيك خ ل

الشكر واصبا ثم انا يا الهي المعترف بذنوبي فاغفرها لي انا الذي اسأت
سپاس گذاری دائمی پس منم ای خدای من اقرار دارنده بگناه خود پس بیامرز آنها را برای من منم آنکه بد کردم

راضيا خ ل

انا الذي اخطأت انا الذي غفلت انا الذي جهلت انا الذي هممت
منم آنکه خطا کردم منم آنکه غافل شدم منم آنکه ندانستم صلاح کار خود را منم آنکه قصد کردم معصیت

انا الذي سهوت انا الذي اعتمدت انا الذي تعمدت انا الذي وعدت
منم آنکه گناه کردم از روی فراموشی منم آنکه گناه کردم از روی عمد منم آنکه اعتماد کردم منم آنکه وعده کردم
انا الذي اخلفت انا الذي نكثت انا الذي اقررت انا يا الهي اعترف
منم آنکه خلف کردم وعده را منم آنکه شکستم پیمان را منم آنکه اقرار کردم بتقصیر ای خدای من اعتراف
بنعمك عندي وابوء بذنوبي فاغفرها لي يا من لا تضره ذنوب عباده
میکنم بنعمتهای تو نزد من و اقرار میکنم بگناهان خود پس بیامرز آنها را برای من ای آنکه ضرر نمیرساند او را گناهان بندگانش
وهو الغني عن طاعتهم والموفق من عمل منهم صالحا بمعونته ورحمته
و اوست بی‌نیاز از فرمانبرداری ایشان و توفیق دهنده آنکه از ایشان کار شایسته بجا آورد بیاری او و بخشش او
فلك الحمد الهي امرتني فعصيتك ونهيتني فارتكبت نهيك
پس مر تراست سپاس ای خدای من فرمان دادی مرا پس نافرمانی کردم ترا و نهی کردی مرا پس مرتکب شدم نهی ترا
فاصبحت لا ذا براءة فاعتذر ولا ذا قوة فانتصر فباي شيء استقبلك
پس صبح کردم نه خداوند بیزاری از گناهان که عذرخواهی کنم و نه خداوند توانائی که انتقام کشم پس بکدام چیز فرا پیش آیم ترا
يا مولاي ابسمعي ام ببصري ام بلساني ام بيدي ام برجلي اليس كلها
ای آقای من آیا بگوش خود یا بدیده خود یا بزبان خود یا بدست خود یا بپای خود آیا نیست همه اینها
نعمك عندي وبكلها عصيتك يا مولاي فلك الحجة والسبيل علي
نزد تو و بهمه آنها نافرمانی کردم ترا ای آقای من پس مر تراست حجت و راه بر من
يا من سترني من الآباء والامهات ان يزجروني ومن العشائر والاخوان
ای آنکه پوشانید مرا از پدران و مادران از آنکه منع کنند مرا و از خویشان و برادران
ان يعيروني ومن السلاطين ان يعاقبوني ولو اطلعوا يا مولاي على
از آنکه سرزنش کنند مرا و از پادشاهان از آنکه عذاب کنند مرا و اگر مطلع میشدند ای آقای من بر
ما اطلعت عليه مني اذا ما انظروني ولرفضوني وقطعوني فها انا ذا
آنچه مطلع شدی بر آن از من آنوقت مهلت نمیدادند مرا هر آینه ترک میکردند مرا و میبریدند از من اینک منم در پیش

فركبت

استقبلك

انا ذا

يديك يا سيدي خاضعا ذليلا حقيرا لا ذو براءة فاعتذر ولا ذو قوة
تو ام ای بزرگ من فروتنی کننده خوار بیمقدار نه خداوند بیزاری از گناهم پس عذرخواهی کنم و نه خداوند توانائی
فانتصر ولا حجة لي فاحتج بها ولا قائل لم اجترح ولم اعمل سوءا وما
پس انتقام کشم و نیست حجتی برای من که حجت آورم بآن و نه گوینده ام که نکردم گناهی و نکردم بدی
عسى الجحود لو جحدت يا مولاي ينفعني فكيف واني ذلك وجوارحي
نشاید انکار اگر انکار کنم ای آقای من سود بخشد مرا پس چگونه سود بخشد مرا و کجاست نفع آن و عضوهای من
كلها شاهدة علي بما قد عملت وعلمت يقينا غير ذي شك انك
همه آنها گواهند بر من بآنچه بتحقیق کردم و دانسته ام از روی یقین حالی که نیستم شک دارنده آنکه بتحقیق تو
سائلي عن عظائم الامور وانك الحكم العدل الذي لا يجور و
سؤال کننده مرا از کارهای بزرگ و آنکه بتحقیق تو ئی راست گفتار درست کردار عادلی که ستم نکند و
عدلك مهلكي ومن كل عدلك مهربي فان تعذبني فبذنوبي يا الهي
عدالت تو مرا هلاک کننده است و رهائی از همه عدالت تو گریختن من است پس اگر عذاب کنی مرا پس بجهة گناهان من است ای خدای من
بعد حجتك علي وان تعف عني فبحلمك وجودك وكرمك لا اله
پس از حجت گرفتن تو بر من و اگر درگذری از من پس ببردباری تو و بخشش تو و بزرگواری تست نیست سزاوار پرستش
الا انت سبحانك اني كنت من المستغفرين (الظالمين) لا اله الا انت
مگر تو پاکی تو بدرستی که من هستم از ستمکاران نیست سزاوار پرستش مگر تو
سبحانك اني كنت من المستغفرين لا اله الا انت سبحانك
پاکی تو بدرستی که من هستم از آمرزش طلبان نیست سزاوار پرستشی مگر تو پاکی تو
اني كنت من الموحدين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من
بدرستی که من هستم از یگانه یاد کنندگان نیست سزاوار پرستشی مگر تو پاکی تو بدرستی که من هستم از
الخائفين لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الوجلين لا اله
ترسندگان نیست سزاوار پرستشی مگر تو پاکی تو بدرستی که من هستم از بیم ناکان نیست سزاوار پرستش

حصيرا

الحكم

عظائم

يا مولاي

وحلمك

لا اله الا انت سبحانك اني كنت من السائلين لا اله الا انت سبحانك
اني كنت من المهللين المسبحين لا اله الا انت ربي ورب آبائي
الاولين اللهم هذا ثنائي عليك ممجدا واخلاصي لذكرك موحدا و
اقراري بآلائك معددا وان كنت مقرا اني لا احصيها لكثرتها و
سبوغها وتظاهرها وتقادمها الى حادث ما لم تزل تتعهدني به
معها منذ خلقتني وبرأتني من اول العمر من الاغناء بعد الفقر و
كشف الضر وتسبيب اليسر ودفع العسر وتفريج الكرب والعافية
في البدن والسلامة في الدين ولو رفدت على قدر ذكر نعمك علي
جميع العالمين من الاولين والآخرين لما قدرت ولا هم على ذلك
تقدست وتعاليت من رب عظيم كريم ولا تحصى آلاؤك ولا يبلغ
ثناؤك ولا تكافى نعماؤك صل على محمد وآل محمد واتمم علينا نعمك و
اسعدنا

اسعدنا بطاعتك سبحانك لا اله الا انت اللهم انك تجيب دعوة
المضطر اذا دعاك وتكشف السوء وتغيث المكروب وتشفي السقيم
وتغني الفقير وتجبر الكسير وترحم الصغير وتعين الكبير وليس
دونك ظهير ولا فوقك قدير وانت العلي الكبير يا مطلق المكبل
الاسير يا رازق الطفل الصغير يا عصمة الخائف المستجير يا من لا شريك
له ولا وزير صل على محمد وآل محمد واعطني في هذه العشية افضل
ما اعطيت وانلت احدا من عبادك من نعمة توليها وآلاء تجددها
وبلية تصرفها وكربة تكشفها ودعوة تسمعها وحسنة تتقبلها
وسيئة تغفرها انك لطيف خبير وعلى كل شيء قدير اللهم انك اقرب
من دعي واسرع من اجاب واكرم من عفا واوسع من اعطى واسمع
من سئل يا رحمن الدنيا والآخرة ورحيمهما ليس كمثلك مسؤول

ولا سواك مامول دعوتك فاجبتني وسألتك فاعطيتني ورغبت
ونه غير تو امید داشته شده خواندم ترا پس اجابت کردی مرا و درخواستم از تو پس عطا کردی مرا و خواهش نمودم

اليك فرحمتني ووثقت بك فنجيتني وفزعت اليك فكفيتني اللهم
بسوی تو پس رحم کردی مرا و اعتماد کردم بتو پس رهانیدی مرا و خواهش کردم بسوی تو پس کار گزاری نمودی خداوندا

فصل على محمد عبدك ورسولك ونبيك وعلى آله الطيبين الطاهرين
پس رحمت فرست بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و بر آل او که پاکیزگان پاکانند

اجمعين وتمم لنا نعماءك وهنئنا عطاءك واجعلنا لك شاكرين
همگی و تمام کن برای ما نعمت خود را و گوارا کن برای ما بخشش خود را و بگردان ما را برای خود سپاس گزاران

ولآلائك ذاكرين آمين آمين يا رب العالمين اللهم يا من ملك فقدر
و مر نعمتهای ترا یاد کنندگان اجابت کن اجابت کن ای پروردگار جهانیان خداوندا ای آنکه مالک هر چیز را پس توانا است

وقدر فقهر وعصي فستر واستغفر فغفر يا غاية رغبة الراغبين
و توانا است پس غالب است و نافرمانی کرده شد و عیب پوشانید و طلب آمرزش کرده شد پس آمرزید ای نهایت خواهش خواهشمندان

ومنتهى امل الراجين يا من احاط بكل شيء علما ووسع المستقيلين
وای منتهی امید امیدواران ای آنکه فرو گرفته هر چیز را بدانش و فرا گرفته آمرزش طلبان را

رأفة ورحمة وحلما اللهم انا نتوجه اليك في هذه العشية التي
از روی مهربانی و بخشش و بردباری خداوندا بدرستی که ما روی آوریم بسوی تو در اینوقت پسینی که

شرفتها وعظمتها بمحمد نبيك ورسولك وخيرتك من خلقك
بلند کردی آنرا و بزرگ گردانیدی آنرا بوسیله محمد پیغمبر تو و فرستاده تو و برگزیده تو از خلق تو

وامينك على وحيك البشير النذير السراج المنير الذي انعمت به على
و معتمد تو بر پیغام تو مژده دهنده بیم نماینده چراغ روشن آنکه انعام کردی باو بر

المسلمين وجعلته رحمة للعالمين اللهم فصل على محمد وآله كما محمد
مسلمانان و گردانیدی او را بخشایشی برای جهانیان خداوندا پس رحمت بفرست بر محمد و آل او چنانکه محمد

اهل

المستقلين نـ ل

اللهم فصل على
خداوندا پس رحمت بفرست بر

هو نـ ل

اهل ذلك يا عظيم صل عليه وعلى آل محمد المنتجبين الطيبين الطاهرين
سزاوار آنست ای بزرگ رحمت فرست بر او و بر آل محمد و برگزیدگان پاکیزگان پاکانند

اجمعين وتغمدنا بعفوك عنا فاليك عجت الاصوات بصنوف اللغات
همگی و بپوشان گناهان ما را بدرگذشتن خود از ما پس بسوی تو بلند کردیده صداها باقسام زبانها

واجعل لنا في هذه العشية نصيبا في كل خير تقسمه ونور تهدي به ورحمة
و بگردان برای ما در اینوقت عشا بهره در هر نیکی که قسمت کنی آنرا و در روشنائی که راه نمائی بآن و بخششی که

تنشرها وعافية تجللها وبركة تنزلها ورزق تبسطه يا ارحم الراحمين
پراکنده سازی آنرا و عافیتی که بپوشانی آنرا و زیادتی که فرو فرستی آنرا و روزی که پهن کنی آنرا ای بخشاینده ترین

اللهم اقلبنا في هذا الوقت منجحين مفلحين مبرورين غانمين ولا
خداوندا بگردان ما را در اینوقت فیروزی یافتگان رستگاران احسان کرده شدگان اجر یابندگان

تجعلنا من القانطين ولا تخلنا من رحمتك ولا تحرمنا ما نؤمله
مگردان ما را از ناامیدان و خالی مگذار ما را از رحمت خود و ناامید مکن ما را از آنچه آرزو کنیم آنرا

من فضلك ولا تردنا خائبين ولا من بابك مطرودين ولا تجعلنا
از بخشش تو و مگردان ما را بی بهره گشتگان و نه از درگاه تو رانده شدگان و مگردان ما را

من رحمتك محرومين ولا لفضل ما نؤمله من عطاياك قانطين
از رحمت خود ناامید شدگان و نه از بخشش آنچه امید داریم آنرا از عطاهای تو ناامیدان

يا اجود الاجودين ويا اكرم الاكرمين اليك اقبلنا موقنين و
ای بخشنده ترین بخشندگان وای بزرگوار ترین بزرگواران بسوی تو رو کردیم ما گروندگان و

لبيتك الحرام آمين قاصدين فاعنا على مناسكنا واكمل لنا حجنا واعف
و خانه محترم ترا اراده نمایندگان قصد کنندگان پس مدد ده ما را بر عبادتها و کامل گردان برای ما حج ما را و درگذر

نعل نـ ل

موقنين نـ ل

اللهم عنّا وعافنا فقد مددنا اليك ايدينا وهي بذلّة الاعتراف موسومة
خداوندا از ما وعافیت بخش ما را پس بتحقیق که دراز کردیم بسوی تو دستهای خود را و آنها بخواری اعتراف بگناه نشان کرده شده اند

اللهم فاعطنا في هذه العشية ما سألناك واكفنا ما استكفيناك
خداوند پس عطا کن ما را در این وقت پسین آنچه درخواستیم از تو وکارگزاری کن ما را آنچه طلب کفایت نمودیم از تو

فلا كافي لنا سواك ولا ربّ لنا غيرك نافذ فينا حكمك محيط بنا علمك
زیرا که نیست کارگزاری برای ما غیر تو و نیست پروردگاری ما را غیر تو روانست در ما حکم تو فرو گرفته است ما را دانش تو

عدلٌ فينا قضاؤك اقض لنا الخير واجعلنا من اهل الخير اللهم
بروفق عدالت درباره ما حکم تو حکم کن برای ما به نیکی و بگردان ما را از اهل نیکی خداوندا

اوجب لنا بجودك عظيم الاجر وكريم الذخر ودوام اليسر
واجب گردان برای ما ببخشش خود مزد بزرگ و ذخیره گرامی و آسانی دایمی

واغفر لنا ذنوبنا اجمعين ولا تهلكنا مع الهالكين ولا تصرف
و بیامرز برای ما گناهان ما را همه و هلاک مکن ما را با هلاک شوندگان و مگردان

عنّا رأفتك برحمتك يا ارحم الراحمين اللهم اجعلنا في هذا
از ما مهربانی خود را ببخشش خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوند بگردان ما را در این

الوقت ممّن سألك فاعطيته وشكرك فزدته وتاب اليك
وقت از آنکه درخواست از تو پس عطا کردی او را و سپاسگذاری کرد پس افزون نمودی او را و بازگشت نمود بسوی تو

فقبلته وتنصّل اليك من ذنوبه كلّها فغفرتها له يا ذا الجلال
پس پذیرفتی توبه او را و عذرخواهی نمود بسوی تو از گناهان خود پس آمرزیدی آنها را برای او ای خداوند بزرگوار

والاكرام اللهم وفّقنا وسدّدنا واعصمنا واقبل تضرّعنا يا خير
و گرامی داشتن خداوندا توفیق ده ما را و درست کن کار ما را و نگاهدار ما را و بپذیر زاری نمودن ما را ای بهترین کسیکه

من سُئل ويا ارحم من استُرحم يا من لا يخفى عليه اغماض الجفون
سؤال کرده شده و بخشنده ترین کسیکه طلب بخشش کرده شده ای آنکه پنهان نیست بر او بهم آوردن پلکها

ولحظ

ورحمتك ر

ولا لحظ العيون ولا ما استقرّ في المكنون ولا ما انطوت عليه مضمرات
و نه نگریستن بگوشه دیدها و نه آنچه ثابتست در امور پوشیده و نه آنچه در نورد دیده شد بران نهانیهای

القلوب الا كلّ ذلك قد احصاه علمك ووسعه حلمك سبحانك
دلها آگاه باش همه آنها بتحقیق شمرده آنها را دانش تو و فرو گرفته آنها را بردباری تو پاکی تو

وتعاليت عمّا يقول الظالمون علوّاً كبيراً تسبّح لك السموات السبع
و برتری تو از آنچه میگویند ستمکاران برتری بغایت تنزیه میکنند ترا آسمانهای هفتگانه

والارض ومن فيهنّ وان من شيء الّا يسبّح بحمدك فلك الحمد والمجد
و زمین و آنکه در آنهاست و نیست هیچ چیز مگر آنکه تنزیه میکند بسپاس تو پس مر تراست سپاس و بزرگواری

والارضون ر

وعلوّ الجدّ يا ذا الجلال والاكرام والفضل والانعام والايادي الجسام
و بلندی عظمت ای خداوند بزرگواری تو و گرامی داشتن و بخشش و نعمت دادن و نعمتهای بزرگ

وانت الجواد الكريم الرؤوف الرحيم اللهم اوسع عليّ من الحلال وعافني
و تویی بخشنده بزرگوار مهربان بخشاینده فراخ کن روزی ده بر من از حلال و عافیت بخش مرا

رزقك ع
روزی خود

في بدني وديني وآمن خوفي واعتق رقبتي من النار اللهم لا تمكر بي ولا تستدرجني
در بدن من و دین من و ایمنی ده و آزاد ده گردن مرا از آتش خداوندا مکر مکن با من و فرا مگیر بعقوبت مرا

وامن خوفي ع
ایمنی ده ترس مرا

ولا تخذلني وادرأ عنّي شرّ فسقة الجنّ والانس پس سر ودیده خود را بسوی
و خوار مکن و مگذار مرا و دفع کن از من گزند فاسقان پریان و آدمیان آسمان بلند کرد و از دیدهای مبارکش

آب میریخت مانند دو مشك و بصدای بلند گفت يا اسمع السامعين ويا
ارشنواترین شنوندگان وای

ابصر الناظرين ويا اسرع الحاسبين ويا ارحم الراحمين صلّ على محمد
بیناترین نگرندگان و ای زود حساب کننده ترین حساب کنندگان و ای رحم کننده ترین رحم کنندگان رحمت فرست بر محمد

وآل محمد السادة الميامين واسألك اللهم حاجتي التي ان اعطيتنيها
و آل محمد بزرگان با میمنت و در میخواهم از تو خداوندا حاجت خود را بسوی تو آنچه حاجتی را اگر عطا کنی

وحبلك ع

ان ع

لَمْ يَضُرَّنِي مَا مَنَعْتَنِي وَإِنْ مَنَعْتَنِيهَا لَمْ يَنْفَعْنِي مَا أَعْطَيْتَنِي أَسْأَلُكَ فَكَاكَ
ضرر نرساند مرا آنچه باز داری ازمن واگر باز داری آنرا سود نبخشد مرا آنچه ببخشی مرا سؤال میکنم از تو آزادی
رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَكَ الْمُلْكُ وَلَكَ
گردن خود را از آتش نیست سزاوار پرستش مگر تو و تنها یگانه تو نیست شریکی برای تو مر تراست پادشاهی و مر ترا
الْحَمْدُ وَأَنْتَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ پس مکرر میگفت یا رب
سپاس و تو بر هر چیز توانائی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من
و صدا ها یکمرتبه بلند شد
و یاد کردند و دوانند جانب مشعر الحرام شدند و سید ابن طاوس بسند معتبر روایت
کرده است از حضرت امام جعفر صادق ع که در روز عرفه چون زوال شمس بشود
نماز ظهر و عصر را بکن پس برو بمحل وقوف وصد مرتبه الله اکبر وصد مرتبه الحمد لله
وصد مرتبه سبحان الله وصد مرتبه لا اله الا الله وصد مرتبه سوره قل هو الله احد
وصد مرتبه سوره انا انزلناه بخوان پس این دعا را بخوان لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ
الْكَرِيمُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا اللهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ
نیست سزاوار پرستش مگر خدای بردبار [illegible]
بزرگوار نیست سزاوار پرستش مگر خدای بلند مرتبه بزرگ پاک است خدا پروردگار آسمانهای
السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرَضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَهُوَ رَبُّ
هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و او پروردگار
الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِيَّاكَ أَعْبُدُ وَإِيَّاكَ أَسْتَعِينُ
عرش بزرگست و بس و سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیانست خداوندا ترا می پرستیم و از تو یاری میجوییم
اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُثْنِيَ عَلَيْكَ وَمَا عَسَىٰ أَنْ أَبْلُغَ مِنْ مَدْحِكَ مَعَ قِلَّةِ
خداوندا بدرستی که من میخواهم اینکه ستایش کنم ترا و شاید اگر برسم بچیزی از ستایش تو با کمی
عَمَلِي وَقِصَرِ رَأْيِي وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ وَأَنْتَ الْمَالِكُ وَأَنَا الْمَمْلُوكُ
کردار خود و کوتاهی فکر خود و توئی آفریننده و منم آفریده شده و توئی خداوند و منم مملوک

وانت

وَأَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْعَبْدُ وَأَنْتَ الْعَزِيزُ وَأَنَا الذَّلِيلُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَ
و توئی پروردگار و منم بنده و توئی ارجمند و من ذلیل و خوار و توئی توانا و
أَنَا الضَّعِيفُ وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ وَأَنْتَ الْمُعْطِي وَأَنَا السَّائِلُ وَ
من ناتوانم و توئی بی نیاز و من نیازمند و توئی بخشنده و من درخواهنده
أَنْتَ الْغَفُورُ وَأَنَا الْخَاطِئُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَأَنَا خَلْقٌ
و توئی آمرزگار و من گنه کار و توئی زنده که نمیمیری و من آفریده
أَمُوتُ اللَّهُمَّ أَنْتَ اللهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ
میمیرم خداوندا توئی خدا پروردگار جهانیان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا
غالب درست کردار و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو بلند مرتبه بزرگوار و توئی خدا نیست
إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ مَالِكُ يَوْمِ
سزاوار پرستش مگر تو آمرزگار مهربانی و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو صاحب روز
الدِّينِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ مِنْكَ بَدْءُ الْخَلْقِ وَإِلَيْكَ يَعُودُ
جزائی و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو از تست نخستین آفرینش خلق و بسوی تو باز میگردد خلق
وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ خَالِقُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
و توئی خدا نیست خدائی مگر تو آفریننده بهشت و دوزخی و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر
أَنْتَ خَالِقُ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ الْوَاحِدُ الْأَحَدُ الْفَرْدُ
تو آفریننده نیک و بدی و توئی خدا نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه یکتای تنها بی نیاز
الصَّمَدُ لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًا أَحَدٌ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ
بی نیاز منده ان نزاده و زائیده نشده و نیست مر ترا مانند هیچ کس و توئی خدا نیست سزاوار پرستش
إِلَّا أَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ وَأَنْتَ اللهُ لَا إِلَٰهَ
مگر تو دانای نهان و آشکار بخشاینده مهربان و توئی خدا نیست سزاوار پرستش

لا اله الا انت نیست سزاوار پرستش مگر تو

الا انت م
مگر تو

إلا أنت الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر
مگر تو بحق پاک سالمی از عیبها امان دهنده نگهبان غالبی کار فرماینده بقهر و غلبه بزرگوار

سبحان الله عما يشركون وأنت الله لا إله الخالق البارئ المصور لك
منزهاست خدا از آنچه شریک میدانند و توئی خدائیست سزاوار پرستش آفریدگار پدید آورنده نگارنده صورتها مر تراست

الأسماء الحسنى يسبح لك ما في السماوات والأرض وأنت العزيز الحكيم و
نامهای نیک تنزیه میکند ترا آنچه در آسمانها و زمین است توئی غالب درست کردار و

أنت الله لا إله إلا أنت الكبير المتعالي والكبرياء رداؤك اللهم
توئی خدائیست سزاوار پرستش مگر تو بزرگواری بلند مرتبه و بزرگواری جامه تست خداوندا

إنك سابغ النعماء حسن البلاء جزيل العطاء مقسط الكفا القضاء
بدرستیکه تو کامل نعمتی نیکو انعامی بسیار بخشش عدالت کننده در حکم

فتاح، رح

باسط اليدين بالرحمة نفاع بالخيرات كاشف الكربات رفيع
گشاده دستهای بخشش بغایت سود بخش به نیکیها زایل کننده غمهای بلند گردانندهٔ

الدرجات منزل الآيات من فوق سبع سماوات عظيم البركات مخرج
مرتبها فرو فرستنده نشانهای قدرت از بالای هفت آسمان صاحب برکتها و مزایای بزرگ بیرون آورنده

من في الظلمات إلى النور مبدل السيئات حسنات وجاعل الحسنات
در تاریکیهاست بسوی روشنی بدل کننده گناهها به نیکیها و گردانندهٔ نیکوییهای

درجات اللهم إنك دنوت في علوك وعلوت في دنوك فدنوت
مرتبها خداوندا بدرستیکه تو نزدیکی در بلندی خود و بلندی در نزدیکی خود پس بغایت نزدیکی

فليس دونك شيء وارتفعت فليس فوقك شيء ترى ولا ترى
پس نیست نزدیکتر از تو چیزی و بغایت بلندی پس نیست بالای تو چیزی می بینی و دیده نمیشوی

وأنت بالمنظر الأعلى فالق الحب والنوى لك ما في السماوات العلى
و تو در دیدگاه بلندتری شگافندهٔ دانه و هستهای خرما مر تراست آنچه در آسمانهای بلند است

ولا

ولك الكبرياء في الآخرة والأولى اللهم إنك غافر الذنب شديد
و مر تراست بزرگواری در آن جهان و این جهان خداوندا بدرستیکه تو آمرزندهٔ گناهی سخت

الذنوب ر

العقاب ذو الطول لا إله إلا أنت إليك المصير وسعت رحمتك
عقوبتی خداوندا انعامی نیست خدای مگر تو بسوی تست بازگردیدن فراگرفته رحمت تو

كل شيء وبلغت حجتك ولا معقب لحكمك وأنت لا تخيب سائلك
هر چیزرا و رسا است حجت تو و نیست باز پس دارنده مر حکم ترا و تو ناامید نمیسازی سؤال کنندهٔ خودرا

أنت الذي لا رافع لما وضعت ولا واضع لما رفعت أنت الذي
توئی آنکه نیست بلند سازنده مر آنچه را که پست کنی و نه پست کننده مر آنچه را که بلند کنی توئی آنکه

أثبت كل شيء بحكمتك وأحصيت كل شيء بعلمك وأبرمت
ثابت داشتی هر چیزیرا بحکمت و مصلحت خود و شمردی هر چیزیرا بدانش تو و محکم نمودی

بعلمك م
بدانش تو

كل شيء بحكمك ولا يفوتك شيء ولا يمتنع عنك شيء أنت الذي
هر چیزرا بحکم خود و فوت نشود از تو چیزی و امتناع نکند از تو چیزی توئی آنکه

لا يعجزك هاربك ولا تقع صريعك ولا يحيى قتيلك أنت علوت
عاجز نسازد ترا گریزندهٔ تو و بلند نشود افتادهٔ تو و زنده نگردد کشتهٔ تو تو بلندی

فقهرت وملكت فقدرت وبطنت فخبرت وعلى كل شيء ظهرت
پس غالبی و مالکی هر چیزیرا پس توانائی بباطن هر چیز پس آگاهی بکنه اشیا و بر هر چیز غلبه نمودی

علمت خائنة الأعين وما تخفي الصدور وتعلم ما تحمل كل أنثى
دانی خیانت دیدهارا و آنچه را پنهان دارند سینها و میدانی آنچه را که بر میدارد هر زنی

وتحبیل ه

وما تضع وما تغيض الأرحام وما تزداد وكل شيء عندك بمقدار
و آنچه مینهد و آنچه بکاهد رحمها از اعضا و آنچه بیفزاید بر اعضا و هر چیزی نزد تو باندازه ایست

أنت الذي لا تنسى من ذكرك ولا تضيع من توكل عليك أنت الذي
توئی آنکه و انمیگذاری آنرا که یاد کند ترا و ناچیز نمیکنی آنرا که توکل نمود بر تو توئی آنکه

لا يشغلك ما في جو ارضك عمّا في جو سمواتك انت الذي تعززت
نمیدارد ترا آنچه در فضای زمین است از آنچه در فضای آسمانهای تست تو آنکه بغایت غالبی

في ملكك وملك كل شيء امرك انت الذي ملكت الملوك بقوتك
در پادشاهی خود و مالکست هر چیزرا فرمان تو تویی آنکه پادشاهی دادی شاهانرا

بقدرتك واستعبدت الارباب بعزتك وانت الذي قهرت
بتوانایی خود و به بندگی گرفته مهتران و بزرگانرا بغلبهٔ خود و تو آنکه غالبی

كل شيء بقوتك وعلوت كل شيء بفضلك انت الذي لا يستطاع
هر چیزرا بتوانایی خود و برتری هر چیز بر بخشش خود تویی آنکه مقدور نیست

كنه وصفك ولا منتهى لما عندك انت الذي لا يصف الواصفون
رسیدن بپایان ستایش تو و نیست نهایتی مر آنچه راه نزد تست تویی آنکه نمیستایند ستاینده‌گان

عظمتك ولا يستطيع المزائلون تحويلك انت شفاء لما في الصدور
بزرگی ترا و طاقت ندارند مفارقت کننده‌گان گردانیدن ترا تو شفا بخشنده مرضی راه در سینهاست

وهدى ورحمة للمؤمنين انت الذي لا يحفيك سائل ولا ينقصك
و راه نماینده و بغایت مهربانی مرگروندگانرا تویی آنکه نمیرنجاند ترا سؤال کننده و کم نمی‌سازد عطای ترا

نائل ولا يبلغ مدحك مادح ولا قائل انت الكائن قبل كل شيء و
عطائی و نمیرسد ستایش ترا ستاینده و نه گوینده تویی موجود پیش از هر چیز و

المكوّن لكل شيء والكائن بعد كل شيء انت الواحد الصمد الذي لم
پدید آورنده هر چیز و موجود پس از هر چیز تویی یگانه پناه نیازمندان آنکه نه

تلد ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد ولم تتخذ صاحبة ولا ولدا السموات
زاده و نه زاییده شده و نیست مر ترا مانند هیچکس و نگرفتی هیچ زنی و نه فرزندی آسمانها

ومن فيهن لك وما بينهن وما تحت الثرى احصيت كل شيء واحطت
و آنکه در آسمانهاست برای تو و آنچه در میان آنهاست و آنچه در زیر خاکست شمرده تو هر چیزرا و احاطه کرده

بر

به علما وانت تزيد في الخلق ما تشاء وانت لا تسئل عما تفعل وهم
هر چیزرا از روی دانش و تو زیاده میکنی در آفرینش آنچه خواهی و تویی که سؤال کرده نشوی از آنچه میکنی و

يسئلون وانت الفعال لما تريد وانت القريب وانت البعيد وانت
سؤال کرده میشوند و تویی کننده مر آنچه را اراده کنی و تویی نزدیک و تویی دور و تو

السميع وانت البصير وانت الماجد وانت الواجد وانت العليم وانت
شنوا و تو بینا و تویی بزرگوار و تویی یابنده و تویی دانا و تویی

الحكيم وانت الغني وانت الكريم وانت البارئ وانت الرحيم وانت
درست کردار و تویی بی‌نیاز و تویی بزرگوار و تویی نیکو کردار و تویی مهربان و تو

القادر وانت القاهر لك الاسماء الحسنى كلها وانت الجواد الذي
توانا و تو غالب مر تراست نامهای نیک همهٔ آنها و تو بخشنده

لا تبخل وانت العزيز الذي لا تذل وانت ممتنع لا ترام يسبح لك
بخل نمی‌ورزی و تویی ارجمند که خوار نمیگردی و تویی امتناع کننده که قصد کرده نمیشوی مر تراست

ما في السموات والارض وانت بالخير اجود منك بالشر انت ربي و
آنچه در آسمانها و زمینست و تویی بر نیکیها بخشنده تری از خود بکر بدها و آزارها تو پروردگار

رب ابائي الاولين انت مجيب المضطر اذا دعاك انت نجيت نوحا
پروردگار پدران پیشینیان من تو اجابت میکنی درمانده را هرگاه بخواند ترا تویی که رهانیدی نوح را

من الغرق وانت غفرت لداود ذنبه وانت نفست عن ذي
از غرق شدن و تو آمرزیدی برای داود گناه اورا و تو زایل کردی از خداوند

النون كربه وانت كشفت عن ايوب ضره وانت رددت موسى
ماهی اندوه اورا و تو کشودی از ایوب بد حالی اورا و تو برگردانیدی موسی را

على امه وانت صرفت قلوب السحرة اليك حتى قالوا امنا برب
بسوی مادرش و تو گردانیدی دلهای جادوگرانرا بسوی خود تا آنکه گفتند گرویدیم ما بپروردگار

العالمين وانت ولي نعم الصالحين لا نذكر منك الا الحسن الجميل وما
جهانيان و تو متولی نعمت شایستگان یار که نمی شود از تو مگر امر نیکو نیک و آنچه
لا نذكر اكثر لك الآلاء والنعم وانت المحسن المجمل لا تبلغ مدحتك
یاد کرده نمی شود بیشتر است نعمتها و عطاها و تو نی احسان کننده نیکوکردار نرسیدیم
ولا الثناء عليك انت كما اثنيت على نفسك سبحانك وبحمدك تباركت
و نه ثنای بر تو چنانی که خود را تنزیه میکنم ترا و تعلیم سپاس تو بابرکت
اسماؤك وجل ثناؤك ما اعظم شانك واجل مكانك وما اقربك
نامهای تو و بزرگست ستایش تو چه بزرگست قدر تو و بزرگوارست جایگاه تو و چه نزدیک تو
من عبادك والطفك بخلقك وامنعك بقوتك انت اعز واجل و
به بندگان خود و چه مهربانی تو بخلق خود و چه غالبی تو بتوانائی خود تو غالب و بزرگوارتر و
اسمع وابصر واعلى واكبر واظهر واشكر واقدر واعلم واجبر
شنواتر و بیناتر و بلندتر و بزرگتر و ظاهرتر و جزادهنده تر و تواناتر و داناتر و قهرکننده تر
واكبر واعظم واقرب واملك واوسع وامنع واعطى واحكم و
و بزرگ و عظیمتر و نزدیکتر و تسلط دارنده تر و فراگیرنده تر و باز دارنده تر و بخشنده تر و حکم کننده
افضل واحمد من ان يدرك العيان عظمتك او يصف الواصفون
بهتر و ستوده تر از آنکه دریابد معاینه و مشاهده بزرگی ترا یا بستایند ستایندگان
صفتك او يبلغوا غايتك اللهم انت الله الذي لا اله الا انت
وصف ترا یا برسند بکنه ذات تو خداوندا تو خدائی آن خدائی که نیست سزاوار پرستش مگر تو
اجل من ذكر واشكر من عبد وارءف من ملك واجود من سئل و
بزرگوارتری از آنکه یاد کرده شد و جزادهنده تری از هر که پرستیده شد و مهربانتری از هر خداوندی و بخشنده تری از هر که سؤال کرده شده
اوسع من اعطى تحلم بعد ما تعلم وتعفو وتغفر بعد ما تقدر لم تقطع
و فراگیرنده تر از هر که عطا کرده بردباری میکنی پس از آنکه میدانی و در میگذری و می آمرزی پس از آنکه قدرت داری قطع نکرده هرگز
بخشش خود
ال

واخبر نـ

تدرك العيون نـ

شكر

اللهم اصلح ذات بينهم واجمع على الهدى امرهم واجعلني واياهم
خداوندا بصلاح آور حالتی را که میان ایشانست و جمع کن بر هدایت کار ایشان را و بگردان مرا و ایشان را
على طاعتك ومحبتك اللهم والمم شعثهم واحقن دماءهم وول
بر فرمان برداری خود و محبت خود خداوندا و فراهم آور پراکندگی ایشان را و نگاهدار از ریخته شدن خونهای ایشان را و بگردان متولی
امرهم خيارهم اهل الرافة والرحمة والمعدلة عليهم انك على كل
کار ایشان نیکان ایشان را اهل مهربانی و بخشش و عدالت بر ایشان بدرستی که تو بر هر چیزی
شيء قدير يا رب يا رب يا رب اللهم بديع السموات والارض عالم
توانائی ای پروردگار ای پروردگار ای پروردگار خداوندا ای نوپدید آورنده آسمانها و زمین ای دانای
الغيب والشهادة ذا الجلال والاكرام والجود والقدرة والمدحة
پنهان و آشکارا ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن و بخشش و توانائی و ستایش
والرهبة والرغبة والجود والعلو والحجة والهدى والطاعة و
و ترس و خواهشمندی و بخشش و بلندی و حجت و راهنمائی و فرمانبرداری و
العبادة والامر والخلق وكل شيء لك يا رب العالمين يا رب يا رب
پرستش و فرمان دهی و آفرینش و هر چیزی ترا است ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من
يا رب اسالك يا رب سؤال الضارعين المتضرعين المساكين
ای پروردگار من سؤال میکنم از تو ای پروردگار من مانند سؤال فروتنی کنندگان زاری نمایندگان درویشان
المستكينين الراغبين الراهبين الذين لا يجدون سواك يا من
تذلل کنندگان خواهشمندان ترسندگان آنانکه نمی یابند غیر ترا ای آنکه
يجيب المضطر ويكشف الضر ويجيب الداعي ويعطي السائل اسالك
اجابت میکند درمانده را و زایل میکند بدحالی او را و اجابت میکند خواننده را و عطا میفرماید سؤال کننده را سؤال میکنم از تو
يا رب سؤال من لم يجد لضعفه مقويا ولا لذنبه غافرا ولا لفقره
ای پروردگار من مانند سؤال کسی که نیافته باشد برای ناتوانی خود قوت دهنده و نه بجهت گناه خود آمرزنده و نه برای حاجت خود

لا يجدون نـ

والقهر والسلطان والجبروت والملكوت والكبرياء والعظمة

ما سألك يا الله واسألك

سادّاً غيرك أسألك سؤال من اشتدّت فاقته وضعفت قوّته
کننده غیر تو سؤال میکنم از تو مانند سؤال کسیکه سخت گشته باشد احتیاج او و سست گشته باشد توانائی
وكثرت ذنوبه يا ذا الجلال والإكرام يا ربّ يا ربّ يا ربّ أسألك
و بسیار باشد گناهان او ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من سؤال میکنم از تو
يا ربّ مسئلة كلّ سائل ورغبة كلّ راغب تبذل إذا دعيت أجبت
ای پروردگار من خواسته هر خواهنده را و خواهش هر خواهشمندی را که بخشش کنی او را هرگاه خوانده شدی اجابت کنی
وبحقّ السائلين عليك وبحقّ صفوتك من عبادك ومنتهى
و بحق سؤال کنندگان بر تو و بحق برگزیده تو از بندگان تو و منتهای
العزّ من عرشك ومنتهى الرحمة من كتابك ولا تسند رجني
عزت از عرش تو و نهایت رحمت که ظاهر شود از کتاب تو الکه نکنی بعقوبت مرا مرتبه
بخطيئتي ولا تجعل مصيبتي في ديني واذكرني يا ربّ برضاك ولا
مرتبه بخطای من و مگردانی مصیبت و مکروه مرا در دین من و یاد کن مرا ای پروردگار من بخشنودی خود و وا
تنسني حين تنشر رحمتك وأقبل عليّ بوجهك الكريم وامنن
مگذار مرا هنگامی پرکنده کنی رحمت خود را و رو کن بر من بروی لطف خود که بزرگوار است و بخشش کن
عليّ بكرامتك يا كريم العفو واستجب دعائي وارحم تضرّعي فإنّي
بر من بنوازش خود ای کرامی درگذشتن و بپذیر دعای مرا و رحم کن زاری مرا پس بدرستی که من
بائس فقير خائف مستجير من عذابك لا أثق بعملي ولكنّي أثق برحمتك
بدحال محتاج ترسان زنهار جوینده ام از عذاب تو اعتماد ندارم بکردار خود ولیکن اعتماد دارم بخشش تو
يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ كن بي حفيّاً ولا تجعلني بدعائك ربّ
ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا باش بمن مهربان و مگردان مرا بخواندن خود ای پروردگار من
شقيّاً وامنن عليّ بعافيتك وأعتق رقبتي من النار فإنّي لا أستغيث
و بخشش کن بر من بعافیت خود و آزاد کن گردن مرا از آتش زیرا که بتحقیق من استغاثه نمیکنم
بعزا

خيرانيس ره
بر حمتك

بغيرك واستجرتك فأجرني من كلّ هول ومشقّة وخوف وآمن
بغیر تو و پناه میجویم بتو پس پناه ده مرا از هر شدتی و مشقت و تعب و ترس و ایمنی بخش
خوفي وشجّع جبني وقوّ ضعفي وسدّ فاقتي وأصلح لي جميع أموري
ترس مرا و دلیر کن بی دلی مرا و توانا کن ناتوانی مرا و ببند راه حاجت مرا و بصلاح آور برای من همه کارها
يا ربّ أعوذ بك من هول المطّلع ومن شدّة الموقف يوم الدين
ای پروردگار من پناه میگیرم بتو از ترس روز قیامت و از سختی محل ایستادن در روز جزا
فإنّك تجير ولا يجار عليك يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ لا تعرض
زیرا که بتحقیق تو پناه میدهی و پناه داده نمیشود بر تو ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا مگردان روی لطف
عنّي حين أدعوك ولا تصرف عنّي وجهك حين أسألك فلا ربّ
از من هنگامی که خوانم ترا و بر مگردان از من روی خود را هنگامی که سؤال کنم از تو زیرا نیست پروردگاری
لي سواك وأعطني مسألتي وآمن خوفي يوم ألقاك اللهمّ إنّي
مرا غیر تو و ببخش مرا آنچه درخواستم و ایمن گردان ترس مرا روزی که ملاقات کنم ترا خداوندا بدرستیکه من
أعوذ بك فأعذني فإنّي ضعيف خائف مستجير بائس فقير يا ربّ
پناه میگیرم بتو پس پناه ده مرا زیرا که من ناتوانم ترسان زنهار جوینده ام محتاجم بیچیزم ای پروردگار من
يا ربّ يا ربّ اللهمّ اكشف ضرّ ما استعذت منه وألبسني رحمتك
ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا زایل کن گزند آنچه را پناه میجویم بتو از آن و بپوشان مرا برحمت خود
وجلّلني عافيتك وامنن برحمتك فإنّك تجير ولا يجار عليك اللهمّ إنّي
و فرو گیر مرا بعافیت خود و ایمنی بخش مرا برحمت خود زیرا که بتحقیق تو پناه میدهی و پناه داده نشود بر تو خداوندا بدرستیکه من
أعوذ بك من وحشة القبر ومن خلوته ومن ظلمته وضيقه وعذابه ومن
پناه میگیرم بتو از رمیدن در قبر و از تنهائی آن و از تاریکی آن و تنگی آن و عذاب آن و از
هول ما أتخوّف بعده يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ إنّي
ترس آنچه میترسم پس از آن ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا بدرستیکه من

وضيقه
وتجنيك

أسألك أن تصلّي على محمّد وآل بيته صفوتك وخيرتك من خلقك و
سؤال میکنم از تو اینکه رحمت بفرستی بر محمد و خاندان او برگزیده تو و اختیار کرده شدا تو از خلق تو و
أن تستجيب لي دعائي وتعطيني سؤلي واكفني أمر آخرتي ودنياي و
اینکه بپذیری برای من دعای مرا و بخششی بمن خواسته مرا و کار گزاری کنی مرا در کار آخرت من و دنیای من و
ارحم فاقتي واغفر لي ذنوبي ما تقدّم منها وما تأخّر وآتني في الدنيا حسنة
رحم کن تنگدستی مرا و بیامرز گناهان مرا آنچه پیش گذشته از آنها و آنچه باز پس مانده و بده مرا در اینجهان نیکی
وفي الآخرة حسنة وقني برحمتك عذاب النار اللهمّ ارزقني صلة
و در آنجهان نیکی و نگهدار مرا برحمت خود از عذاب آتش خداوندا روزی کن مرا پیوستن
قرابتي وحجّاً مقبولاً وعملاً صالحاً مبروراً ترضاه ممّن عمل به وأصلح لي
بخویشان خود و حجی پذیرفته و کرداری شایسته قبول کرده شده و پسندی آنرا از هر که بکند آنرا و بصلاح آور برای من
أهلي وولدي وأسألك أن تجعل لي عقباً صالحاً تلحقني من دعائهم
خاندان مرا و فرزندان مرا و سؤال میکنم از تو اینکه بگردانی برای من فرزندان شایسته که برسد مرا از دعای ایشان
رضواناً ومغفرة وزيادة في كرامتك إنّك على كلّ شيء قدير و
خشنودی و آمرزش و زیادتی در نوازش خود بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی و
أنت أرحم الراحمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ وكلّما كان في
تو بخشاینده ترین بخشایندگانی ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا و هر چه باشد در دل من
قلبي من شكّ أو ريبة أو جحود أو قنوط أو فرح أو مرح أو بطر أو
از شک یا تهمت یا انکار یا نومیدی یا شادی یا خرمی یا طغیان یا
فخر أو خيلاء أو جبن أو خيفة أو رياء أو سمعة أو شقاق أو نفاق
نازیدن خود یا کبر یا بد دلی یا ترس یا ریا یا سمعه یا مخالفت و عناد یا نفاق
أو كفر أو فسوق أو عصيان أو عظمة أو شيء ممّا لا تحبّ عليه أولياء
یا ناسپاسی یا بدکرداری یا نافرمانی یا بزرگی یا چیزی از چیزهای که دوست نمیداری در آن دوستان خود
فأسألك

فأسألك بحقّ محمّد وآل محمّد أن تمحو ذلك من قلبي وأن تبدّلني مكانه
پس سؤال میکنم از تو بحق محمد و آل محمد اینکه زایل کنی آنرا از دل من و بگردانی بجای آن برای من
إيماناً وعدلاً ورضاً بقضائك ووفاءً بعهدك ووجلاً منك وزهداً
گرویدن و عدالت و خشنودی بحکم تو و وفا کردن به پیمان تو و ترسیدن از تو و بی رغبتی
في الدنيا ورغبة فيما عندك وثقة بك وطمأنينة إليك وتوبة إليك
در دنیا و خواهشمندی در آنچه نزد تست و اعتماد کردن بتو و آرام گرفتن بسوی تو و بازگشتن بسوی تو
نصوحاً يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ لك الحمد كما خلقتني ولم أك شيئاً
بازگشت خالص ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا مر تراست سپاس چنانکه آفریدی مرا و نبودم چیزی
مذكوراً فأعنّي على أهوال الدنيا وبوائق الدهر ونكبات الزمان و
نام برده شده پس مدد کن مرا بر شدائد اینجهان و بلاهای مهلک روزگار و نکبتها و حوادث زمانه و
كربات الآخرة ومصيبات الليالي والأيّام واكفني شرّ ما يعمل
اندوههای آنجهان و حادثهای که میرسد در شبها و روزها و دفع کن از من گزند آنچه میکنند
الظالمون في الأرض اللهمّ بارك لي في قدرك ورضّني بقضائك
ستمکاران در زمین خداوندا برکت ده مرا در تقدیر خود و خشنود کن مرا بحکم خود
اللهمّ افتح مسامع قلبي لذكرك وارزقني شكراً وتوفيقاً وعبادة و
خداوندا بگشا گوشهای دل مرا برای شنیدن ذکر تو و روزی کن مرا سپاسگزاری و توفیق و طاعت و
خشية يا ربّ العالمين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اللهمّ اطّلع إليّ اليوم اطّلاعة
ترس ای پروردگار جهانیان ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من خداوندا بنگر بسوی من درین روز نگریستنی
تدخلني بها الجنّة اللهمّ استجب دعائي واقبله منّي واجعله
درآوری مرا بسبب آن در بهشت خداوندا بپذیر دعای مرا و قبول کن آنرا از من و بگردان آنرا
دعاءً جامعاً يوافق بعضه بعضاً فإنّ كلّ شيء عندك بمقدار
دعائی جمع آورنده که یکی بهم مناسب باشد بعضی از آنها بعضی را زیرا که بتحقیق هر چیزی نزد تو باندازه ایست

اللهم واجعله من شانك فانك كل يوم في شان اللهم واكتبه في
عليين في كتاب لا يمحى ولا يبدل بان تقول قد غفرت لعبدي ما
تقدم من ذنبه وما تاخر منه واستجبت له دعوته ووفقته و
اصطفيته لنفسي وكرمته وفضلته وعصمته وهديته و
زكيته واصلحته واستخلصته وغفرت له وعفوت عنه
امين يا رب يا رب اللهم اني اتوجه اليك بنبيك نبي الرحمة
محمد صلى الله عليه واله في خلاصي وخلاص والدي وما ولدا
واهلي وولدي وجميع ذريتي واخواني فيك وجميع المؤمنين
والمؤمنات وكل ولد لي دخل في الاسلام من اهوال يوم القيمة
ومن شر عذاب القبر ومن هموم الدنيا والاخرة واهوالها واسالك
ان ترزقني خيرها وتصرف عني شرها وتثبتني بالقول الثابت في

الحيوة

الحيوة الدنيا وفي الاخرة انك رؤف رحيم وصلى الله على محمد واله وسلم
كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل يا رب يا رب يا رب اللهم اني اسالك
ان تصرف عني شر كل جبار عنيد وشيطان مريد وشر كل
ضعيف من خلقك وشديد ومن شر السامة والهامة واللامة
والخاصة والعامة ومن شر كل دابة صغيرة او كبيرة بالليل و
النهار ومن شر فسقة العرب والعجم ومن شر فسقة الجن و
الانس انك على كل شيء قدير ولا حول ولا قوة الا بالله العلي
العظيم وصلى الله على خير مخلوق دعا الى خير معبود اللهم ربنا
واتنا في الدنيا حسنة وفي الاخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب
النار يا رب يا رب اللهم وما كان من خير او عمل صالح
اسالك بره واكون في رضوانك وعافيتك وما صلح من ذلك من

البر فامنن علي ببر اني اليك راغب وبك مستجير اللهم ما استعفيتك
نیکی پس بخشش کن بر من بنیکی بدرستیکه من بسوی تو خواهانم و بتو پناه آورنده ام خدایا آنچه طلب عفو کردم ترا در
منه علي وما لم استعفك منه وتوجب علي به النار وسخطك
ازان و آنچه طلب در گذشتن نکردم ترا ازان و واجب میکنی بر من بآن آتش را و غضب خود را
فعافني منه وما عنت من المخازي يوم القيمة وسوء المطلع الى — فاعفني نسخه / اعتدت نسخه
پس عافیت بخش مرا ازان و آنچه گرفته ام از خوارهای روز رستخیز و بدی نگریستن بسوی
ما في القبور فاعذني منه اللهم وما اندم عليه من فعلي له جاه
آنچه هست در قبرها پس پناه ده مرا ازان خداوندا و آنچه پشیمان کردم بر آن از کردن خود
عليه يوم المعاد او ترديني في الدنيا على الحال التي تورث سخطك
بر آن در روز بازگشت یا برمی‌گردانی مرا در دنیا بر حالتی که میراث دهد غضب ترا
فاسالك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي من جميع ذلك يا ولي
پس درمیخواهم از تو بکرمت ذات بزرگوار تو که بزرگ کنی عافیت مرا از همه آنها ای بخشنده
العافية يا رب يا رب واسالك يا رب مع ذلك العافية — ولا تغني خيرا انيته برحمتك
عافیت ای پروردگار ای پروردگار و سوال میکنم ای پروردگار من با آنچه ذکر رفت عافیت را
من جهد البلاء وسوء القضاء وشماتة الاعداء وان تحملني
از مشقت بلا و بدی حکم و شادی دشمنان و از آنکه بار کنی مرا
ما لا طاقة لي به وان تسلط علي ظالما او تبتليني بما لا طاقة لي به
آنچه نیست توانایی مرا بآن و از آنکه دست دهی بر من ستمکاری را یا آنکه مبتلا کنی مرا بآنچه نیست طاقت مرا بآن
وتناقشني يوم الحساب مناقشة تساوي احوج ما اكون الى — الحساب نسخه
و از آنکه مستقصا کنی حساب مرا در روز شمار مستقصا کردنی در حسابی که محتاج‌تر باشم بسوی
عفوك وتجاوزك اسالك بوجهك الكريم ان تعظم عافيتي في
عفو تو و در گذشتن تو و سوال میکنم بکرمت ذات بزرگوار تو که بزرگ کنی عافیت مرا در
جمع

جميع ذلك يا ولي العافية اي من عفا عن السيئات ولم يجازبها
همه آنها ای بخشنده عافیت ای آنکه در گذشت از گناهان و پاداش نداده بآنها
ارحم عبدك يا رب يا رب يا رب يا رب يا الله يا الله يا الله نفسي
رحم کن بنده خود را ای پروردگار من ای پروردگار ای پروردگار ای خدا ای خدا ای خدا نفس مرا
نفسي ارحم عبدك يا سيداه عبدك بين يديك يا رباه يا رباه
نفس مرا رحم کن بنده خود را ای آقا بنده تو در پیش تو است ای پروردگار ای پروردگار
و منتهى رغبتاه يا مجري الدم في عروق عبدك عبدك عبدك يا
ای منتهای خواهش ای روان کننده خون در رگهای بنده تو بنده تو بنده تو ای
سيداه يا مالك عبده يا سيداه يا مالكاه يا هو يا رباه لا حيلة
آقا ای خداوند بنده خود ای آقا ای خداوند ای او ای پروردگار نیست چاره
لي ولا غنا بي عن نفسي ولا استطيع لها ضرا ولا نفعا ولا رجاء
مرا و بی‌نیازی مرا از جان خود و قدرت ندارم برای نفس خود زیان و نه سود و نیست امید مرا
لي ولا احد اصانعه تقطعت اسباب الخدائع عني واضمحل عني — ولا اجد احدا نسخه
و نیست کسی که رشوت دهم او را بریده شد دست آویزهای فریبها و دور شد از من
كل باطل افردني الدهر اليك فقمت هذا المقام الهي بعلمك فكيف
هر باطل تنها گذاشت مرا زمانه بسوی تو پس ایستاده‌ام در اینجا ای خدای من بدانش تو پس چگونه تو
انت صانع بي ليت شعري ولا اشعر كيف تقول لدعائي اتقول
معامله کنی با من کاش دانستمی و نمی‌دانم چگونه جواب میگوئی دعای مرا آیا میگوئی
نعم او تقول لا فان قلت لا فيا ويلتاه يا ويلتاه يا ويلتاه يا عولتاه
بلی یا میگوئی نه پس اگر گوئی نه پس ای وای ای وای ای وای ای فغان و زاری
يا عولتاه يا عولتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا شقوتاه يا ذلاه يا ذلاه
ای فغان و زاری ای فغان و زاری ای بدبختی ای بدبختی ای بدبختی ای خواری ای خواری

يا ذا الآلاء إلى من وإلى عند من أو كيف أو بماذا أو إلى أي شيء ومن
أرجوا أو من يعود علي إن رفضتني يا واسع المغفرة وإن قلت نعم
كما الظن بك فطوبى لي أنا السعيد فطوبى لي أنا المرحوم أيا مترحم
أيا مترئف أيا متعطف أيا محيي أيا متملك أيا متسلط لا عمل لي
أرجو به نجاح حاجتي ولا أحد أنفع لي منك يا من عزّ في نفسه
يا من أمر بطاعته يا مدعو أيا مسئول أيا مطلوب إليه رفضت
وصيتك التي أوصيتني ولو أطعتك لكفيتني ما قمت إليك فيه من
قبل أن أقوم وأنا مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت
واردد يدي ملأى من خيرك بحقك يا سيدي يا وليي أنا من قد عرفت
شر عبد وأنت خير معبود يا مخشي الانتقام يا رب يا رب يا رب
يا الله يا الله يا الله يا محيط بملكوت السماوات والأرض اصلحني لدنياي

المسعود
أيا متجبر
ولا تلتفني خير أمنيتي برحمتك
واصلحني لديني

واصلحني لآخرتي واصلحني لأهلي واصلحني لولدي واصلح لي ما خولتني
يا إلهي واصلحني من خطاياي يا حنان يا منان تفضل علي برحمتك
وامنن علي بإجابتك وصل اللهم على محمد النبي وأهله وسلم
وحل بيني وبين ما حلت بينه وبين أهل بيت محمد من الباطل
آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة يا أرحم الراحمين
بسم الله الرحمن الرحيم والهكم إله واحد لا إله إلا هو الرحمن
الرحيم الله لا إله إلا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم
له ما في السماوات وما في الأرض من ذا الذي يشفع عنده إلا بإذنه
يعلم ما بين أيديهم وما خلفهم ولا يحيطون بشيء من علمه إلا
بما شاء وسع كرسيه السماوات والأرض ولا يؤوده حفظهما و
هو العلي العظيم الم الله لا إله إلا هو الحي القيوم هو الذي

يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ الَّذِينَ
میکند صورت شمارا در رحمهای مادران هرچه میخواهد نیست سزاوار پرستش مگر او غالب درست کردار آنانکه
يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ الصَّابِرِينَ
میگویند پروردگارا بدرستی ما گرویدیم پس بیامرز برای ما گناهان ما را و نگاهدار ما را از عذاب آتش شکیبایی کنندگان
وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ شَهِدَ اللَّهُ
و راستگویان و طاعت گزاران و صدقه کنندگان و آمرزش طلبان در سحرها گواهی داده خدا
أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا
که بتحقیق نیست سزاوار پرستش مگر خدا و فرشتگان و صاحبان دانش در حالتیکه خدا بر پا دارِ عدالت نیست سزاوار پرستش مگر
هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
او غالب درست کردار بدرستیکه دین نزد خدا اسلامست نیست سزاوار پرستش مگر خدا
لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا
هر آینه فراهم آورد شما را تا روز رستخیز نیست شک در آن وکیست راستگوتر از خدا ابنست
ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ
خدا پروردگار شما نیست سزاوار پرستش مگر او آفریننده هر چیز پس پرستید او را و او
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
بر هر چیزی نگهبانست پیروی کن آنچه را پیغام کرده شد بسوی تو از پروردگار تو نیست سزاوار پرستش مگر او
وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا
و رو بگردان از انباز فراگیرندگان بگو ای آدمیان بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همگی
الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ فَآمِنُوا
آنخدائیکه مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین نیست سزاوار پرستش مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید
بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ
بخدا و فرستاده او پیغمبر امی که میگرود بخدا و کلمات او و پیروی کنید او را
لعلکم

لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَٰهًا وَاحِدًا لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ
شاید که شما راه یابید و فرموده نشدند مگر آنکه پرستند خدای یگانه را نیست سزاوار پرستش مگر او
سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا
پاکست او از آنچه شریک میگردانند البته بتحقیق که آمد شما را پیغمبری از جنس شما گرانست بر او رنج
عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ
و تعب شما حریص است بر اسلام شما و رفاه شما نسبت بمؤمنان مهربان بخشاینده است پس اگر اعراض کنند پس بگو بس است
اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ حَتَّىٰ إِذَا
خدا نیست سزاوار پرستش مگر او بر او اعتماد نمودم و او پروردگار عرش بزرگست تا آنکه چون
أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ
دریافت او را غرق گفت باور کردم بدرستیکه نیست سزاوار پرستش مگر آنکه گرویده اند باو فرزندان یعقوب
وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّمَا أُنْزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ
و من از گردن نهندگانم پس اگر اجابت نکنند مر شما را پس بدانید که آنچه فرستاده شده بدانش خداست
وَأَنْ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ
و اینکه نیست سزاوار پرستش مگر او پس آیا شما گردن نهندگانید بگو او پروردگار منست نیست سزاوار پرستش مگر او بر او
تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ اللَّهُ
توکل نمودم و بسوی اوست بازگشت اینکه اعلام کنید خلق را که نیست سزاوار پرستش مگر من پس بترسید از عقوبت من خدا
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ إِنَّنِي أَنَا اللَّهُ
نیست سزاوار پرستش مگر او مر او راست نامهای نیک پس گوش دار بآنچه وحی کرده شود بحقیقت که منم خدا
لَا إِلَٰهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي
نیست سزاوار پرستش مگر من پس پرست مرا و بپا دار نماز را برای یاد کردن من جز این نیست که معبود شما خداست آنکه
لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ
نیست سزاوار پرستش مگر او فرا گرفته هر چیز را از روی دانش و نفرستادیم پیش از تو هیچ پیغمبری

إلا يوحى إليه أنه لا إله إلا أنا فاعبدون وذا النون إذ ذهب

مگر آنکه وحی کردیم بسوی آنکه بحقیقت نیست سزاوار پرستش مگر من پس پرستید مرا و یاد کن خداوند ماهی را چون رفت

مغاضبا فظن أن لن نقدر عليه فنادى في الظلمات أن لا إله إلا

خشمناک پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم بر او پس ندا کرد در تاریکیها که نیست سزاوار پرستش مگر

أنت سبحانك إني كنت من الظالمين فاستجبنا له ونجيناه من الغم

تو پاکی تو بدرستی که من هستم از ستمکاران پس اجابت کردیم او را و رهانیدیم او را از اندوه

وكذلك ننجي المؤمنين فتعالى الله الملك الحق لا إله إلا هو رب العرش

و همچنین میرهانیم گروندگان را پس برتر است خدا که پادشاه بحق است نیست سزاوار پرستش مگر او پروردگار عرش

الكريم الله لا إله إلا هو رب العرش العظيم وهو الله لا إله إلا هو

بزرگ خداست نیست سزاوار پرستش مگر او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدا نیست سزاوار پرستش مگر او را

له الحمد في الأولى والآخرة وله الحكم وإليه ترجعون يا أيها

سپاس در اینجهان و آن جهان و مر او راست حکم و بسوی او باز گردیده شوید ای گروه

الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء

آدمیان یاد کنید نعمت خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده است غیر خدا که روزی دهد شما را از زمین

والأرض لا إله إلا هو فأنى تؤفكون إنهم كانوا إذا قيل لهم لا إله

و آسمان نیست سزاوار پرستش پس از کجا دروغ بر می‌بندید بدرستی که ایشان بودند هرگاه گفته میشد مر ایشانرا نیست سزاوار

إلا الله يستكبرون ذلكم الله ربكم له الملك لا إله إلا هو فأنى

پرستش مگر خدا گردنکشی مینمودند آنست خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست سزاوار پرستش مگر او پس بکجا

تصرفون غافر الذنب وقابل التوب شديد العقاب ذي الطول

برگردانیده میشوید آمرزنده گناه و پذیرنده توبه سخت عقوبت خداوند انعام

لا إله إلا هو إليه المصير ذلكم الله ربكم خالق كل شيء لا إله

نیست سزاوار پرستش مگر او بسوی اوست بازگشت آنست خدا پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست سزاوار پرستش

١١

إلا بإذنك ولم تعص قط إلا بعلمك تطاع ربنا فتشكر وتعصى

مگر بدستوری تو و معصیت کرده نشدی هرگز مگر بدانستن تو فرمان برده میشوی پروردگار ما پس جزا میدهی و نافرمانی کرده میشوی

ربنا فتغفر اللهم أنت أقرب حفيظ وأدنى شهيد حلت بين القلوب

پروردگار ما پس می‌آمرزی خداوندا تو نزدیکتر نگهبانی و نزدیکتر حاضری حایل شدی میان دلها

وأخذت بالنواصي وأحصيت الأعمال وعلمت الأخبار وبيدك

و فرا گرفتی پیشانیها را و شمرده عملها را و دانستی نیکو کارها را و بدست تست

المقادير والقلوب إليك مفضية والسر عندك علانية والمهتدى

اندازها و دلها بسوی تو میل داده شده اند و نهان نزد تو آشکار است و راه یافته آن است

من هديت والحلال ما حللت والحرام ما حرمت والدين ما شرعت

که راه نمودی تو او را و حلال چیزیست که حلال کرده تو و حرام چیزیست که حرام کردی تو و دین آنست که تو فرا

والأمر ما قضيت تقضي ولا يقضى عليك اللهم أنت الأول فليس

و فرمان آن چیزیست که تو فرمان دهی حکم میکنی و حکم کرده نمیشود بر تو خداوندا تویی اول پس نیست

قبلك شيء وأنت الآخر فليس بعدك شيء وأنت الظاهر فليس

پیش از تو چیزی و تویی آخر پس نیست بعد از تو چیزی و تویی دانا بظواهر پس نیست

فوقك شيء وأنت الباطن فليس دونك شيء وأنت العزيز

بالای تو چیزی و تویی دانا ببواطن امور پس نیست گذشته از تو چیزی و تویی غالب استقرار

الحكيم اللهم بيدك مقادير الليل والنهار وبيدك مقادير الشمس

درست کردار خداوندا بدست تست اندازهای شب و روز و بدست تست اندازهای آفتاب

والقمر وبيدك مقادير النصر والخذلان وبيدك مقادير الدنيا و

و ماه و بدست تست اندازهای یاری نمودن و خوار گذاشتن و بدست تست اندازهای اینجهان و

الآخرة وبيدك مقادير الموت والحياة وبيدك مقادير الخير و

آن جهان و بدست تست اندازهای مردن و زندگی و بدست تست اندازهای نیک و

اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد واغفر لي كلّ ذنب أذنبته في ظلم اللّيل
به رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا هر گناهی که کردم آنرا در تاریکیهای شب
وضوء النّهار عمدًا أو خطأً سرًّا أو علانيةً إنّك على كلّ شيء قدير
و روشنی روز از روی عمد یا بطریق خطا در نهان یا آشکار بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی
وهو عليك سهل يسير ولا حول ولا قوّة إلّا بالله العليّ العظيم
و آن بر تو سهل و آسانست و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بخدای بلند مرتبه بزرگ
اللّهمّ إنّي أثني عليك بأحسن ما أقدر عليه وأشكرك بما مننت به
خداوندا بدرستیکه من سپاس میکنم ترا به نیکوترین ستایشی که قدرت دارم بر آن و سپاس گذاری میکنم ترا بآنچه نعمت
عليّ وعلّمتني من شكرك اللّهمّ لك الحمد بمحامدك كلّها على نعمائك
کردی بآن بر من و تعلیم کردی مرا از سپاس گذاری خداوندا مر تراست سپاس بسپاسهای تو همه آنها بر نعمتهای تو
كلّها وعلى جميع خلقك حتّى ينتهي الحمد لك إلى ما تحبّ ربّنا وترضى
همه آنها و بر همه آفریدهای تو تا آنکه برسد سپاس تو بسوی آنچه دوست میداری پروردگار ما و می پسندی
اللّهمّ لك الحمد عدد ما خلقت وعدد ما ذرأت ولك الحمد عدد — وعدد ما أردت
خداوندا مر تراست سپاس بشمار آنچه آفریده و شمار آنچه آفریده و مر تراست سپاس بشمار
ما برأت ولك الحمد عدد ما أحصيت ولك الحمد عدد ما في السّموات
آنچه بر پا آورد و مر تراست سپاس بشمار آنچه شمرده و مر تراست سپاس بشمار آنچه در آسمانها
والأرضين ولك الحمد ملأ الدّنيا والآخرة پس ده مرتبه بگو لا إله إلّا
و زمین است و مر تراست سپاس بقدر پری این جهان و آن جهان نیست سزاوار پرستش مگر
الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي ويميت وهو حيّ
خدا جل اسمه که یگانه است نیست شریکی برای او مر اوراست پادشاهی و مر اوراست سپاس زنده میکند و میمیراند و او زنده
لا يموت بيده الخير وهو على كلّ شيء قدير پس ده مرتبه بگو أستغفر الله
نمیرد بدست اوست هر نیکی و او بر هر چیز تواناست طلب آمرزش میکنم از خدای
الذي

الّذي لا إله إلّا هو الحيّ القيّوم وأتوب إليه پس بگو يا الله يا الله
که نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده و باز گشت میکنم بسوی او ده مرتبه يا رحمن يا رحمن
ده مرتبه يا رحيم يا رحيم ده مرتبه يا بديع السّموات والأرض ده مرتبه
يا ذا الجلال والإكرام ده مرتبه يا حنّان
ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن
يا منّان ده مرتبه يا حيّ يا قيّوم ده مرتبه
بسم الله الرّحمن الرّحيم ده مرتبه اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد ده مرتبه پس بگو
اللّهمّ لك الحمد وإليك الحمد ومنتهى الحمد وفي العهد عزيز الجند
خداوندا مر تراست سپاس و بسوی تست سپاس و اوست منتهی سپاس ای وفا کننده بپیمان ای خداوند لشکر غالب
قديم المجد الحمد لله الّذي كان عرشه على الماء حين لا شمس
ای دیرینه بزرگواری سپاس مر خدایرا که بود علم او بر آب هنگامی که نبود آفتابی
تضيء ولا قمر يسري ولا بحر يجري ولا رياح تذري ولا سماء
که روشنی بخشد و نه ماهی که حرکت کند و نه دریائی که روان گردد و نه بادها که خاک را بهوا برد و نه آسمانی
مبنيّة ولا أرض مدحيّة ولا ليل يجنّ ولا نهار يكنّ ولا عين
برافراشته شده و نه زمینی گسترده و نه شبی که بپوشاند و نه روزی که فرو گیرد بر روشنائی و نه دیده
تدمع ولا صوت يسمع ولا جبل مرسى ولا سحاب منشئ ولا إنس
که اشک ریزد و نه صدائی که شنیده شود و نه کوهی ثابت داشته شده و نه ابری برانگیخته شده و نه آدمی
مبروّ ولا جنّ مذروّ ولا ملك كريم ولا شيطان رجيم ولا ظلّ
آفریده شده و نه دیوی خلق کرده شده و نه فرشته بزرگوار و نه شیطان رانده شده و نه سایه
ممدود ولا شيء معدود الحمد لله الّذي استحمد إلى من استحمده
کشیده شده و نه چیز شمرده شده سپاس مر خدایرا که فرو فرستاده بسوی آنکه ستایش کرده اورا
من أهل محامده ليحمدوه على ما بذل من نوافله الّذي فاق مدح
از اهل ستایشهای او تا آنکه ستایش کنند اورا بر آنچه بخشش نموده از زیادتیهای خود آن خدائیکه گذشته ستایش

المادحين مآثر محامده وعدا وصف الواصفين هيبة جلاله هو اهل
ستایش کننده کانرا برگزیدهای ستایش او و درگذشته از ستایش ستایندگان هیبت بزرگواری او و او سزاوار
لكل حمد ومنتهى كل رغبة وقاضي كل حاجة الواحد الذي لا بدء له
هر سپاسی را و منتهای هر خواهشی است و رواکننده هر حاجت یگانه نیست هیچ زوالی برای او
الملك الذي لا زوال له الرفيع الذي ليس فوقه ناظر ذو المغفرة والرحمة
پادشاهی که نیست زوالی او را برتری که نیست بالای او نگرنده خداوند آمرزش و بخشش
المحمود لبذل نواله المعبود لهيبة جلاله المذكور بحسن الائه المنان
ستوده شده بجهت بخشودن عطای خود پرستیده شده بجهت هیبت جلالت خود یاد کرده شده به نیکوئی نعمتهای خود بسیار بخشنده
بسعة فواضله المرغوب اليه في تمام المواهب من خزائنه العظيم
به ستایش زیادتیهای خود رغبت کرده شده بسوی او در تمام کردن او بخششها را از خزانهای خود بزرگ
الشأن الكريم في سلطانه العلي في مكانه المحسن في امتنانه الجواد
مرتبه بزرگوار در سلطنت خود بلند در جایگاه خود نیکوئی کننده در انعام خود بخشنده
في فواضله الحمد لله بارئ خلق المخلوقين بعلمه ومصور اجساد
در مزایای خود سپاس مر خدا را پدید آورنده آفرینش آفریدگان بدانش خود و صورت بخشنده بدنهای
العباد بقدرته ومخالف صور من خلق من خلقه ونافخ الارواح
بندگان بتوانائی خود و مخالفت افکننده میان صورتهای آنانکه آفرید از خلق خود و دمنده روحها
في خلقه بعلمه ومعلم من خلق من عباده اسمه ومدبر خلق السموات
در خلق خود بدانش خود و آموزاننده با آنکه آفرید از بندگان خود نام خود را و تدبیر کننده آفرینش آسمانها
والارض بعظمته الذي وسع كل شيء خلق كرسيه وعلا بعظمته
و زمین ببزرگی خود آن خدائیکه فرا گرفته هر چیز را خلق کرسی او و برتری یافت ببزرگی خود
فوق الاعلين وقهر الملوك بجبروته الجبار الاعلى المعبود في
بالای هر برتر و غالب شد پادشاهان را ببزرگواری خود کار فرمای بقهر بلند مرتبه پرستیده شده در

سلطانه

سلطانه المتسلط بقوته المتعالي في دنوه المتداني من كل شيء في ارتفاعه
سلطنت خود خداوند سلطنت بتوانائی خود بغایت بلند در نزدیکی خود بغایت نزدیک بهر چیزی در بلندی خود
الذي نفذ بصره في خلقه وحارت الابصار لشعاع نوره الحمد لله
آن خدائیکه روان است بینائی و علم او در خلق خود و حیران گشته دیدها بجهت شعاع روشنائی او سپاس مر خدا را
الحليم الرشيد القوي الشديد المبدئ المعيد الفعال لما يريد الحمد لله
بردبار راهنما توانا سخت گیرنده پدید آورنده نخستین بار گرداننده کننده است هر چه را اراده کند سپاس مر خدا را
منزل الآيات وكاشف الكربات ومؤتي السؤالات الحمد لله في كل
فرو فرستنده آیات معجزات و زایل کننده اندوهها و دهنده سؤالها سپاس مر خدا را در هر
مكان وفي كل زمان وفي كل اوان الحمد لله الذي لا ينسى من ذكره
جائی و در هر زمانی و در هر وقتی سپاس مر خدا را و نمیگذارد آنرا که یاد کند او را
ولا يخيب من دعاه ولا يخذل من والاه الذي يجزي بالاحسان
و ناامید نمیکند کسیرا که بخواند او را و خوار نمیسازد کسیرا که محبت دارد او را آن خدائیکه پاداش میدهد در مقابل نیکوئی
احسانا وبالصبر نجاة الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض
نیکوئی و در مقابل شکیبائی رستگاری سپاس مر خدا را که برای او است آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است
وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير الحمد لله فاطر السموات
و مر او راست سپاس در آنجهان و او است درستکردار آگاه سپاس مر خدا را آفریننده آسمانها
والارض جاعل الملائكة رسلا اولي اجنحة مثنى وثلث ورباع
و زمین و گرداننده فرشتگان رسالت کنندگان خداوندان بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار
يزيد في الخلق ما يشاء ان الله على كل شيء قدير سبحان الله و
می افزاید در آفرینش آنچه میخواهد بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است پاکست خدا و
الحمد لله ولا اله الا الله والله اكبر ولا حول ولا قوة الا بالله
سپاس مر خدا را و نیست سزاوار پرستشی مگر خدا و خدا بزرگتر است و نیست حرکتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدا

Margin notes: لشعاع نور — السؤالات — وجبلك

[illegible]

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ فِي
بلند قدر بزرگ مرتبه و استحقاق تنزیه خدا راست هنگامیکه شام کنید و هنگامیکه صبح کنید و مر او راست سپاس در
السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ وَسُبْحَانَ اللَّهِ آنَاءَ
آسمانها و زمین و در آخر روز و هنگامی که پیشین میکنید و استحقاق تنزیه خدا راست در ساعت
اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ وَسُبْحَانَ اللَّهِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَسُبْحَانَ
شب و طرفهای روز و استحقاق تنزیه خدا راست در بامداد و بعد از عصر و پاکست
رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
پروردگار تو پروردگار عزت غلبه از آنچه وصف میکنند و درود بر فرستادگان و سپاس مر خدا را پروردگار
الْعَالَمِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ رَبُّنَا وَكَمَا يَرْضَى حَمْدًا كَثِيرًا طَيِّبًا وَ
جهانیان و سپاس مر خدا را چنانچه دوست میدارد پروردگار ما و پسندد سپاس بسیار پاکیزه و
سُبْحَانَ اللَّهِ كُلَّمَا سَبَّحَ اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُسَبَّحَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ
تنزیه میکنم خدا را هرگاه تنزیه کند خدا را چیزی و چنانچه دوست دارد خدا که تنزیه کرده شود سپاس مر خدا را
كُلَّمَا حَمِدَ اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُحْمَدَ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللَّهُ كُلَّمَا هَلَّلَ
هرگاه سپاسگزاری کند خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد که سپاسگزارده شود و نیست خدا او را پرستش مگر خدا هرگاه تهلیل کند
اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُهَلَّلَ وَاللَّهُ أَكْبَرُ كُلَّمَا كَبَّرَ اللَّهَ شَيْءٌ وَكَمَا
خدا را چیزی و چنانچه دوست میدارد خدا که تهلیل کرده شود و خدا بزرگتر است هرگاه بزرگی یاد کند خدا را چیزی و چنانچه
يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ يُكَبَّرَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ پس بخوان این
دوست میدارد خدا که تعظیم کرده شود و نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق خدای بلند قدر بزرگ

دعای مخزون را

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا رَحْمٰنُ هفت مرتبه بِأَسْمَائِكَ الرَّضِيَّةِ الْمَرْضِيَّةِ
بار خدایا بدرستی که من سؤال میکنم از تو ای خدای بخشاینده بحرمت نامهای خوشنود کننده پسندیده
الْمَكْنُونَةِ يَا اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ التَّامَّةِ الْكَامِلَةِ
پوشیده تو ای خدا خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحرمت نامهای تو تمام و کامل

المشهورة

الْمَشْهُورَةِ يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي لَا يَرُدُّهَا دُونَكَ أَحَدٌ
و مشهوره ای خدای من و سؤال میکنم از تو بحرمت نامهای تو که آنها را پسندیده است بر نمیگرداند غیر تو هیچکس
يَا اللَّهُ وَأَسْأَلُكَ بِجُمْلَةِ مَسَائِلِكَ الَّتِي لَا يَقْوَى بِحَمْلِهَا شَيْءٌ غَيْرُكَ يَا اللَّهُ
ای خدا و سؤال میکنم ترا بهمه سؤالهای تو که قوت نمیکند بر برداشتن و اجابت جمیع آنها چیزی غیر تو ای خدا
هفت مرتبه وَأَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ أَوْجَبْتَهُ وَكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ وَكُلِّ مَسْأَلَةٍ
و سؤال میکنم از تو بحرمت هر نامیکه ثابت داشته آنرا در علم خود و هر نامی که آن بخصوص توست
حَتَّى يَنْتَهِيَ إِلَى اسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَكْبَرِ الْأَكْبَرِ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى
تا آنکه برسد بسوی نام تو آن نامی که عظیم تر است عظیم تر بزرگتر بلند است بلند تر آن نامیکه
الَّذِي اسْتَوَيْتَ بِهِ عَلَى عَرْشِكَ وَاسْتَقْلَلْتَ بِهِ عَلَى كُرْسِيِّكَ وَهُوَ
استیلا دادی آنرا بر عرش خود و مستقل گردانیدی آنرا بر کرسی خود و آن
اسْمُكَ الْفَاضِلُ الْكَامِلُ الَّذِي فَضَّلْتَهُ عَلَى جَمِيعِ أَسْمَائِكَ يَا رَحْمٰنُ
نام نیک کامل توست آن نامی که زیادتی داده بر همه نامهای خود ای بخشاینده
هفت مرتبه وَأَسْأَلُكَ بِمَا لَا أَعْلَمُهُ مَا لَوْ عَلِمْتُهُ لَسَأَلْتُكَ بِهِ يَا اللَّهُ وَ
و سؤال میکنم از تو بحرمت آنچه نمیدانم آنرا آنچه اگر دانستم هر اینه سؤال کردمی بآن ای خدا و
بِكُلِّ اسْمٍ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ يَا رَحْمٰنُ أَنْ تُصَلِّيَ
بهر نامی منفردی تو بآن در علم نهان نزد تو ای بخشاینده اگر رحمت فرستی
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَحَبِيبِكَ وَصَفْوَتِكَ
بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و با امانت تو و دوست تو و برگزیده تو
مِنْ خَلْقِكَ وَخَاصَّتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ وَنَجِيِّكَ وَنَجِيبِكَ وَصَفِيِّكَ
از خلق تو و خصوصیت دارنده تو از جمله خلق تو و هم راز تو و اختیار کرده تو و دوست تو و بنده خالص تو
وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ وَأَجْمَلِ
و بر خاندان محمد و ترحم کن بر محمد و خاندان محمد بهتر و نیکوتر

وحبيبك

من مسائلك بما عاهدت أو في العهد يا الله أن لا تخيب سائلك يا الله وأسألك بحق ... (margin, left page)

... اللهم إنا سألناك ... (margin, right page)

وأزكى وأطهر وأعظم وأكثر وأتم ما صليت على أحد من أنبيائك

و فزاینده تر و پاک تر و بزرگ تر و بیشتر و تمام تر از آنچه رحمت فرستاده بر یکی از پیغمبران خود

ورسلك يا ذا الجلال والاكرام والاكرام اللهم صل على محمد و

و فرستادگان خود ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن خداوندا رحمت فرست بر محمد و

آل محمد في الأولين وصل على محمد وآل محمد في الآخرين وصل على

آل محمد در زمره پیشینیان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد در زمره پسینیان پس رحمت فرست بر

محمد وآل محمد في الملأ الأعلى وصل على محمد وآله في النبيين و

محمد و آل محمد در گروه بزرگان محل برتر و رحمت فرست بر محمد و آل او در زمره پیغمبران و

المرسلين اللهم أعط محمدا صلواتك عليه وآله الوسيلة والفضيلة

فرستادگان خداوندا ببخش محمد را که رحمتهای تو بر او باد و آل او وسیله و زیادتی

والشرف والدرجة الرفيعة اللهم أكرم مقامه وشرف بنيانه

و شرافت و مرتبه بلند خداوندا گرامی دار جای اقامت او را و بلند کن اساس بزرگی او را

وعظم نوره وبرهانه وبيض وجهه وأعل كعبه وأفلج حجته وأظهر

و بزرگ کن روشنی او را و حجت او را و ظاهر ساز روی او را و بلند کن قدر او را و غالب کن حجت او را و ظاهر

دعوته وتقبل شفاعته كما بلغ رسالاتك وتلا آياتك وأمر

دعوت او را و بپذیر شفاعت او را چنانچه رسانید پیغامهای ترا و تلاوت نمود آیات کتاب ترا و امر کرد

بطاعتك وائتمر بها ونهى عن معصيتك وانتهى عنها في سره وعلانيته

بفرمانبرداری تو و ایشان نمود بآن و منع فرمود از نافرمانی تو و باز ایستاد از آن در پنهان و آشکار

وجاهد حق الجهاد فيك وعبدك مخلصا حتى أتاه اليقين اللهم

و کارزار نمود حق کارزار در راه تو و پرستید ترا خالص گردانیده تا آنکه رسید او را مرگ خداوندا

ابعثه مقاما محمودا يغبطه عليه الأولون والآخرون من النبيين

برانگیز او را در قامگاه ستوده که رشک برند او را ابران پیشینیان و پسینیان از پیغمبران

والمرسلين

عذره و

صلواتك عليه وعلى اهله

والمرسلين اللهم استعملنا بسنته وتوفنا على ملته وابعثنا في

و فرستادگان خداوند بکار دار ما را بطریقه او و بمیران ما را بر دین او و برانگیز ما را در

شيعته واحشرنا في زمرته واجعلنا ممن يتبعه ولا تحجبنا عن رؤيته

زمره پیروان و زنده کن ما را در گروه او و بگردان ما را از آنکه پیروی کنند او را و منع مکن ما را از دیدن

ولا تحرمنا مرافقته حتى تسكننا غرفه وتخلدنا في جواره رب إني

تسكننا

و نا امید مکن ما را از رفاقت او تا آنکه قرار دهی ما را بغرفهای او و جاوید گردان ما را در همسایگی او پروردگار من

أحببته فأحببني لذلك ولا تفرق بيني وبينه طرفة عين في

دوست میدارم او را پس دوست دار مرا از این جهت و جدائی میفکن میان من و میان او بقدر برهم زدن چشم در

الدنيا والآخرة اللهم صل على محمد وآل محمد الذين أذهبت

اینجهان و آن جهان خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد آنانکه بردی

عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم افتح له فتحا يسيرا و

از ایشان کثافتها را و پاک گردانیدی ایشان را پاک گردانیدنی خداوندا بگشا برای ایشان گشودنی آسانی و

انصرهم نصرا عزيزا واجعل لهم من لدنك سلطانا نصيرا اللهم

یاری کن ایشان را یاری با عزت و غلبه و بگردان برای ایشان از نزد خود حجتی یاری دهنده خداوندا

مكن لهم في الأرض واجعلهم أئمة واجعلهم الوارثين اللهم

جای ده ایشان را در زمین و بگردان ایشان را پیشوایان بر خلقان و بگردان ایشان را وارثان خداوندا

أرهم في عدوهم ما يأملون وأر عدوهم منهم ما يحذرون اللهم

بنما ایشان را درباره دشمن خود آنچه آرزو کنند و بنما دشمن ایشان را از ایشان آنچه بیم نمایند خداوندا

اجمع بينهم في خير وعافية اللهم عجل الروح والفرج لآل محمد اللهم

جمع کن میانه ایشان در نیکی و عافیت خداوندا بشتاب راحت و گشایش را برای آل محمد خداوندا

اجمع على الهدى أمرهم واجعل قلوبهم على قلوب خيارهم وأصلح ذات

جمع کن بر هدایت کار ایشان را و بگردان دلهای ایشان را بر دلهای برگزیدگان ایشان و اصلاح

بَيْنَهُمْ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ
میان ایشان بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو اکه رحمت بفرستی بر محمد و آل محمد
وَاَنْ تَغْفِرَ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَاَعْتِقْهُمَا مِنَ النَّارِ وَارْحَمْهُمَا وَارْضِهِمَا
واکه بیامرزی مرا و مر پدر و مادر مرا واکه زاینده اند و آزاد کنی ایشانرا از آتش و رحم کن ایشانرا و خشنود سازی ایشانرا
عَنِّي وَاغْفِرْ لِكُلِّ وَالِدٍ لِي دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ وَلِاَهْلِي وَوُلْدِي وَجَمِيعِ
از من و بیامرز هریک از پدران مرا که در آمده در اسلام و اهل مرا و فرزندان مرا و همه
قَرَابَاتِي اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي وَجَمِيعَ وَرَثَةِ اٰبَائِي وَ
خویشان مرا بدرستی که تو بر همه چیز توانائی خداوندا بگردان مرا و همه میراث برندگان پدران مرا و
اِخْوَانِي فِيكَ مِنْ اَهْلِ وِلَايَتِكَ وَمَحَبَّتِكَ فَاِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلٰى ذٰلِكَ
برادران مرا در راه قرب تو از اهل یاری خود و دوستی خود زیرا که بتحقیق قدرت ندارد بر آن
غَيْرُكَ يَا رَحْمٰنُ اللّٰهُمَّ اَوْزِعْنِي اَنْ اَشْكُرَكَ وَاَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي
جز تو ای بخشاینده خداوندا توفیق ده مرا که سپاس گذاری کنم ترا و شکر کنم نعمت ترا که
اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَاَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي
انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم کار شایسته که بپسندی آنرا و شایسته ده مرا در فرزندان من
اِنِّي تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَاجْزِ وَالِدَيَّ خَيْرَ مَا جَزَيْتَ وَالِدًا
بدرستی که رجوع نمودم بسوی تو و بدرستی که من از گردن نهندگانم و سزا ده پدر و مادر مرا بهتر از آنچه سزا دادی والدی را
عَنْ وَلَدِهِ وَاجْعَلْ ثَوَابَهُمَا عَنِّي جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِينَ
از فرزندش و بگردان پاداش نیکی ایشانرا از من بهشتهای ناز و نعمت و بیامرز مارا و برادران مارا که
سَبَقُونَا بِالْاِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ
پیشی گرفتند مارا بایمان و مگردان در دلهای ما کینه برای آنانکه گرویده اند پروردگارا بدرستی که تو
رَؤُفٌ رَحِيمٌ وَاغْفِرْ لَنَا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ
مهربان و بخشنده و بیامرز مارا و مردان گرونده و زنان گرونده را زندگان از ایشان و مردگانرا

اللهم

این دعا بخوانند اللّٰهُمَّ اِنِّي تَوَجَّهْتُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ اَمَامِي وَعَلِيٍّ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ يَمِينِي
بار خدایا بدرستی که من رو کردم بسوی تو بوسیله محمد از پیش روی خود و علی از پس خود و از جانب راست خود
وَاَئِمَّتِي عَنْ يَسَارِي اَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ زُلْفٰى لَا اَجِدُ
و پیشوایان خود از جانب چپ خود پنهان میشوم بایشان از عذاب تو و نزدیکی میجویم بسوی تو نزدیک نمی یابم
اَحَدًا اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْهُمْ فَهُمْ اَئِمَّتِي فَاٰمِنْ بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ
هیچکس را نزدیکتر بسوی تو از ایشان پس ایشان پیشوایان منند پس ایمنی بخش بسبب ایشان ترسیدن مرا از عقوبت تو و غضب تو
وَاَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ اَصْبَحْتُ بِاللّٰهِ مُؤْمِنًا مُوقِنًا مُخْلِصًا
و در آور مرا برحمت خود در زمره بندگان شایسته خود صبح کردم حال آنکه هستم بخدا ایمان آورنده بیقین دارنده اخلاص ورزنده
عَلٰى دِينِ مُحَمَّدٍ وَسُنَّتِهِ وَعَلٰى دِينِ الْاَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ اٰمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَتِهِمْ
بر دین محمد و طریقه او و بر دین اوصیا و طریقه ایشان تصدیق نمودم بنهانی ایشان و آشکار ایشان
وَاَرْغَبُ اِلَى اللّٰهِ فِيمَا رَغِبَ فِيهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْاَوْصِيَاءُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
و رغبت میکنم بسوی خدا در آنچه رغبت نموده در آن محمد و علی و اوصیا و نیست قدرتی و نه توانائی
اِلَّا بِاللّٰهِ وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ وَلَا سُلْطَانَ اِلَّا لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ
مگر بخدا و نیست ارجمندی و نه بزرگی و نه سلطنت مگر بجهت خدای یگانه قهار غلبه دارنده ارجمند
الْجَبَّارِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللّٰهِ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ
بزرگوار اعتماد کردم بر خدا و آنکه اعتماد کند بر خدا پس او بس است بدرستی که خدا رساننده است
اَمْرِهِ اللّٰهُمَّ اِنِّي اُرِيدُكَ فَاَرِدْنِي وَاَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي وَاقْضِ لِي
فرمان او خداوندا آهنگ میکنم بتو پس تو آهنگ کن مرا و میجویم آنچه را که نزد تست پس آسان کن آنرا برای من و روا کن برای من
حَوَائِجِي فَاِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي اُنْزِلَ
حاجتهای مرا پس بدرستی تو گفته در کتاب خود و گفته تو راست و درست است ماه رمضانیست که فرو فرستاده شده
فِيهِ الْقُرْاٰنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ فَعَظَّمْتَ
در آن قرآن در حال آنکه راهنمای آدمیانست و نشانهای روشنست از راهنمائی و جدا کننده حق از باطل پس بزرگ کردی

حُرمَةَ شَهرِ رَمَضانَ بِما اَنزَلتَ فيهِ مِنَ القُرانِ وَخَصَصتَهُ وَعَظَّمتَهُ بِتَصيِيرِكَ

حرمت ماه رمضان را بانچه فرو فرستادی دران از قرآن و مخصوص گردانیدی آنرا و بزرگ کردی آنرا بگردانیدن تو

فيهِ لَيلَةَ القَدرِ فَقُلتَ لَيلَةُ القَدرِ خَيرٌ مِن اَلفِ شَهرٍ تَنَزَّلُ المَلٰئِكَةُ وَالرُّوحُ فيها

در ان شب قدر را پس گفتی که شب قدر بهتر است از هزار ماه فرود می آیند فرشتگان و روح در ان

بِاِذنِ رَبِّهِم مِن كُلِّ اَمرٍ سَلامٌ هِيَ حَتّىٰ مَطلَعِ الفَجرِ اَللّٰهُمَّ وَهٰذِهِ اَيّامُ شَهرِ رَمَضانَ

بفرمان پروردگار ایشان از هر کاری سلامت آن شب تا طلوع صبح بارخدایا و اینکه روزهای ماه رمضان

قَدِ انقَضَت وَلَياليهِ قَد تَصَرَّمَت وَقَد صِرتُ مِنهُ يا اِلٰهي اِلىٰ ما اَنتَ اَعلَمُ

بتحقیق که بپایان رسید و شبهای آن بتحقیق که منقطع گردید و بتحقیق گردیدم از ان ای خدای من بانچه تو داناتری

بِهِ مِنّي وَاَحصىٰ لِعَدَدِهِ مِن عَدَدي فَاَسأَلُكَ يا اِلٰهي بِما سَأَلَكَ بِهِ عِبادُكَ

بان از من و داناتری بشمار آن از شمار من پس سؤال میکنم از تو ای خدای من بانچه سؤال کرده اند ترا بآن بندگان

الصّالِحونَ اَن تُصَلِّيَ عَلىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَهلِ بَيتِ مُحَمَّدٍ وَاَن تَتَقَبَّلَ

شایسته تو اینکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و خانواده محمد و اینکه بپذیری

مِنّي ما تَقَرَّبتُ بِهِ اِلَيكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضعيفِ عَمَلي وَقَبولِ تَقَرُّبي

از من آنچه را نزدیک جستم بآن بسوی تو و اینکه بخشش کنی بر من به دو چندان گردانیدن کردار من و پذیرفتن نزدیکی جستن من

وَقُرُباتي وَاستِجابَةِ دُعائي وَهَب لي مِنكَ عِتقَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَمُنَّ

و موجبات قرب من و اجابت کردن دعای من و ببخش مرا از جانب خود آزاد نمودن گردنم از آتش و منت گذار

عَلَيَّ بِالفَوزِ بِالجَنَّةِ وَالاَمنِ يَومَ الخَوفِ مِن كُلِّ فَزَعٍ وَمِن كُلِّ هَولٍ اَعدَدتَهُ

بر من برستگاری به بهشت و ایمنی در روز ترس از هر ترسی و از هر شدتی که آماده کرده آنرا

لِيَومِ القِيٰمَةِ اَعوذُ بِحُرمَةِ وَجهِكَ الكَريمِ وَبِحُرمَةِ نَبِيِّكَ وَبِحُرمَةِ الصّالِحينَ

برای روز رستخیز پناه میگیرم بحرمت ذات بزرگوار تو و حرمت پیغمبر تو و حرمت نیکوکاران

اَن يَنصَرِمَ هٰذَا اليَومُ وَلَكَ قِبَلي تَبِعَةٌ تُريدُ اَن تُؤاخِذَني بِها اَو ذَنبٌ تُريدُ

از اینکه بپایان رسد این روز و حال بوده باشد مر ترا نزد من وبالی که اراده کنی اینکه مؤاخذه کنی مرا بسبب آن یا گناهی که قصد کنی

ان

اَن تُصَلِّيَ عَلَيهِما وَعَلىٰ ذُرِّيَّتِهِمَا الطّاهِرينَ وَاَن تُقيلَني في هٰذَا اليَومِ

اینکه رحمت بفرستی بر ایشان و بر فرزندان ایشان که پاکانند و اینکه درگذری در این روز

عَثرَتي وَتَغفِرَ لي ما سَلَفَ مِن ذُنوبي وَخَطاياىَ وَلا تَصرِفَني مِن

از لغزش من و بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهان من و خطاهای من و بازنگردانی مرا از

مَقامي هٰذا اِلّا بِسَعيٍ مَشكورٍ وَذَنبٍ مَغفورٍ وَعَمَلٍ مَقبولٍ وَرَحمَةٍ

جایگاه من اینجا مگر مقرون بسعی جزا داده شده و گناه آمرزیده شده و کردار پذیرفته و بخشایش

وَمَغفِرَةٍ وَنَعيمٍ مَوصولٍ بِنَعيمِ الآخِرَةِ بِرَحمَتِكَ يا حَنّانُ يا مَنّانُ

و آمرزش و نعمت پیوسته بنعمت آخرت برحمت خود ای بسیار مهربان ای بسیار بخشنده

يا ذَا الجَلالِ وَالاِكرامِ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيءٍ قَديرٌ وَلا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا

ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن بدرستی که تو بر هر چیزی توانائی و نیست قدرتی و نه توانائی مگر

بِاللّٰهِ العَلِيِّ العَظيمِ باب نهم در اعمال ماه ربیع الثانی

بتوفیق خدای بلند مرتبه

وجمادی الاولی وجمادی الثانیه است و در آن

سه فصل است فصل اول در اعمال ماه ربیع الثانی است سید ابن

طاوس روایت کرده است که در روز اول این ماه مستحب است که این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ اَنتَ اِلٰهُ كُلِّ شَيءٍ وَخالِقُ كُلِّ حَيٍّ وَرَبُّ كُلِّ شَيءٍ

خداوندا تو معبود هر چیز و آفریننده هر چیز و پروردگار هر چیز

اَسأَلُكَ بِالعُروَةِ الوُثقىٰ وَالغايَةِ وَالمُنتَهىٰ وَبِما خالَفتَ بِهِ بَينَ

سؤال میکنم از تو بدست آویز محکم و غایت و منتهای حاجتها و بانچه مخالف افکندی بآن میان

الاَنوارِ وَالظُّلُماتِ وَالجَنَّةِ وَالنّارِ وَالدُّنيا وَالآخِرَةِ وَبِاَعظَمِ

روشنیها و تاریکیها و بهشت و دوزخ و دنیا و آخرت و بحرمت بزرگترین

اَسمائِكَ فِي اللَّوحِ المَحفوظِ وَاَتَمِّ اَسمائِكَ فِي التَّوراةِ نُبلاً وَاَزهَرِ

نامهای تو که ثبت شده در لوح محفوظ و تمام ترین نامهای تو که ثبت شده در توراة از روی فضیلت و نیکوترین

اسمائك في الزبور عزاً واجلّ اسمائك في الانجيل قدراً وارفع اسمائك في القرآن
نامهای تو در زبور از روی عزت و بزرگوارترین نامهای تو ذکر شده در انجیل از روی قدرت و منزلت و بلندترین نامهای تو وارد شده در قرآن

ذكراً واعظم اسمائك في الكتب المنزلة وافضلها واسرّ اسمائك في نفسك الذي
از روی ذکر و بزرگترین نامهای تو ذکر شده در کتابهای فرو فرستاده شده و بهترین آنها و پنهان‌ترین نامهای تو در علم تو آن نامی که

ليس كمثله شيء واسألك بعزتك وقدرتك وبالعرش العظيم وما
نیست مانند او چیزی و سؤال میکنم ترا بعزت تو و توانائی تو و بحرمت عرش بزرگ و آنچه

حمل وبالكرسي الكريم وما وسع ان تصلي على محمد وآل محمد وتتيح لي من عندك
بر داشته و بحرمت کرسی بزرگوار و آنچه فرا گرفته که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و تقدیر کنی برای من از نزد

فرجك القريب العظيم الاعظم اللهم اتمم عليّ احسانك القديم الاقدم — الاعظم
گشایش خود را نزدیک بزرگ مرتبه بزرگتر است خداوندا تمام کن بر من احسان خود را دیرینه دیرینه‌تر است

وتابع اليّ معروفك الدائم الادوم وانعشني بعز جلالك الكريم الاكرم
و پیاپی فرست بسوی من احسان خود را پیوسته پیوسته‌تر است و بلند کن قدر مرا بعزت و بزرگواری خود که گرامی است گرامی‌تر

والهكم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحيم الله لا اله الا هو الحي
و معبود شما معبودیست یگانه نیست سزاوار پرستش مگر او بخشاینده مهربان است خدا نیست سزاوار پرستش مگر او زنده

القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم الم الله لا اله الا هو الحي القيوم هو
پاینده فرا نگیرد او را خواب سبک و نه خواب سنگین خدا نیست سزاوار پرستش مگر او زنده پاینده اوست

الذي يصوركم في الارحام كيف يشاء لا اله الا هو العزيز الحكيم شهد الله انه لا اله — شهدهم
آنکه صورت میدهد شما را در رحمهای مادران هر روش که خواهد نیست سزاوار پرستش مگر او غالب درست کردار گواهی داده خدا که بتحقیق نیست

الا هو والملئكة واولوا العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم
سزاوار پرستش مگر او و گواهی داده اند فرشتگان و صاحبان دانش برپا دارنده عدل است نیست سزاوار پرستش مگر او غالب درست کردار است

الله لا اله الا هو ليجمعنكم الى يوم القيمة لا ريب فيه ذلكم الله ربكم
خدا نیست سزاوار پرستش مگر او هر اینه جمع خواهد کرد شما را در روز رستخیز که نیست هیچ شکی در آن روز اینست خدا پروردگار شما

لا اله الا هو خالق كل شيء فاعبدوه وهو على كل شيء وكيل اتبع ما اوحي
نیست سزاوار پرستش مگر او آفریننده هر چیز پس پرستید او را و او بر هر چیز نگهبانست پیروی کن آنچه را وحی کرده شد

اليك من ربك لا اله الا هو واعرض عن المشركين قل يا ايها الناس اني
بسوی تو از جانب پروردگار تو نیست سزاوار پرستش مگر او و روگردان شو از شرک آورندگان بگو ای گروه آدمیان بدرستیکه من

رسول الله اليكم جميعا الذي له ملك السموات والارض لا اله الا هو
فرستاده خدایم بسوی شما همگی آن خدائی که برای اوست پادشاهی آسمانها و زمین نیست مستحق عبادت مگر او

يحيي ويميت فآمنوا بالله ورسوله النبي الامي الذي يؤمن بالله و
زنده میسازد و میمیراند پس بگروید بخدا و رسول او که پیغمبر است منسوب بام القری آنکه ایمان دارد بخدا

كلماته واتبعوه لعلكم تهتدون وما امروا الا ليعبدوا الها واحدا
سخنان فرستاده او و پیروی کنید او را تا شاید شما راه راست یابید و مأمور نبودند مگر آنکه پرستند خدای یگانه را

لا اله الا هو سبحانه عما يشركون فان تولوا فقل حسبي الله لا اله
نیست معبودی حقی مگر او پاک است او از آنچه شریک می‌آورند پس اگر رو گردان شوند پس بگو بس است مرا خدا نیست سزاوار پرستش

الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم حتى اذا ادركه الغرق
جز او بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگست تا آنکه فرا گرفت او را غرق

قال آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائيل وانا من المسلمين
گفت ایمان آوردم آنکه بتحقیق نیست معبودی مگر آن خدائی که گرویدند باو فرزندان یعقوب و من از گردن نهندگانم

قل هو ربي لا اله الا هو عليه توكلت واليه متاب ينزل الملئكة
بگو او پروردگار منست نیست معبودی حقی مگر او بر او توکل کردم و بسوی او بازگشت منست فرو میفرستد فرشتگان را

بالروح من امره على من يشاء من عباده ان انذروا انه لا اله الا انا
با روح بامر خود بر آنکه خواهد از بندگان خود اینکه اعلام کنید خلق را آنکه بتحقیق نیست سزاوار پرستش جز من

فاتقون وان تجهر بالقول فانه يعلم السر واخفى الله لا اله الا هو له
پس بترسید از من و اگر آشکار کنی گفتار را پس بدرستیکه او میداند گفتار پنهان و پنهان‌تر را خدا نیست سزاوار پرستش جز او مر او راست

لَهُ الْاَسْمَاۤءُ الْحُسْنٰى وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحٰى اِنَّنِىۤ اَنَا اللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا
مر او راست نامهای نیک و من برگزیده ام ترا پس گوش دار بانچه وحی کرده میشود بدرستی منم خدا نیست سزاوار پرستش مگر

اَنَا فَاعْبُدْنِى وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِىۤ اِنَّمَاۤ اِلٰهُكُمُ اللّٰهُ الَّذِى لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
من پس پرست مرا و بپا دار نماز را وقتی که بخاطر آورم نماز را جز این نیست معبود شما خدا نیست سزاوار پرستش مگر او

وَسِعَ كُلَّ شَىْءٍ عِلْمًا وَمَاۤ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ اِلَّا نُوحِىۤ اِلَيْهِ اَنَّهُ
فرا گرفته هر چیزی را از روی دانش و نفرستادیم ما پیش از تو هیچ پیغمبری مگر آنکه پیغام کردیم بسوی او آنکه

لَاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنَا فَاعْبُدُونِ وَذَا النُّونِ اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ اَنْ لَنْ نَقْدِرَ
نیست مستحق عبودیت مگر من پس پرستش کنید مرا و خداوند ماهی را هنگامی که رفت از میان قوم خود خشمگین پس گمان کرد که هرگز تنگ نگیریم

عَلَيْهِ فَنَادٰى فِى الظُّلُمَاتِ اَنْ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنْتَ سُبْحَانَكَ اِنِّى كُنْتُ مِنَ
براو پس خواند خدا را در تاریکیها با آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو بدرستی من هستم از

الظَّالِمِينَ فَتَعَالَى اللّٰهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ اَللّٰهُ لَاۤ
ستمکاران پس برتر است خدا که پادشاه است بحق و راست نیست سزاوار پرستش مگر او پروردگار عرش بزرگوار خدا نیست

اِلٰهَ اِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَهُوَ اللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِى الْاُولٰى
سزاوار پرستش مگر او پروردگار عرش بزرگ و اوست خدا نیست سزاوار پرستش مگر او مر او راست سپاس در این جهان

وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا
و آن جهان و مر او راست حکومت و بسوی او باز گردیده میشوید و مخوان با خدا معبودی دیگر نیست سزاوار پرستش مگر

يَاۤ اَيُّهَا النَّاسُ
هُوَ كُلُّ شَىْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ تُرْجَعُونَ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ
او هر چیزی در معرض فناست مگر ذات او مر او راست حکومت و بسوی او باز گردیده میشوید ای گروه آدمیان

النَّاسُ
اِلٰهًا اٰخَرَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللّٰهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاۤءِ
یاد آورید انعام خدا را بر شما آیا هیچ آفریننده است غیر خدا که روزی دهد شما را از آسمان

وَالْاَرْضِ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا
و زمین نیست سزاوار پرستش جز او پس کجا بر گردانیده میشوید آنست خدا پروردگار شما مر او راست پادشاهی نیست سزاوار پرستش مگر

الهم

شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِى الطَّوْلِ
سخت عقوبت خداوند انعام

هُوَ فَاَنّٰى تُصْرَفُونَ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ اِلَيْهِ الْمَصِيرُ ذٰلِكُمُ
او پس بکجا برگردانیده میشوید از حق آمرزنده گناه و پذیرنده توبه نیست سزاوار پرستش مگر او بسوی اوست بازگشت آنست

اللّٰهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَىْءٍ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ذٰلِكُمُ اللّٰهُ
خدا پروردگار شما آفریننده هر چیز نیست مستحق عبودیت جز او پس از کجا دروغ بر میگردید آنست خدا

رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هُوَ الْحَىُّ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ
پروردگار شما پس بغایت متعالیست خدا پروردگار جهانیان اوست زنده نیست سزاوار پرستش جز او پس بخوانید او را خالص کنندگان

لَهُ الدِّينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَبِّ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا اِنْ كُنْتُمْ
برای او عبادت را سپاس مر خدا را پروردگار جهانیان پروردگار آسمان و زمین و آنچه میان آنهاست اگر هستید

مُوقِنِينَ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيِى وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ اٰبَاۤئِكُمُ الْاَوَّلِينَ فَاَنّٰى لَهُمْ اِذَا
یقین دارندگان نیست سزاوار پرستش جز او زنده میکند پروردگار شما و پروردگار پدران شما پیشینیان

جَاۤءَتْهُمْ ذِكْرٰيهُمْ فَاعْلَمْ اَنَّهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ
بیاید بایشان پند گرفتن ایشان پس بدان که بتحقیق نیست سزاوار پرستش مگر خدا و آمرزش طلب برای گناه خود و برای گناه مردان گرونده

وَالْمُؤْمِنَاتِ هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ
و زنان گرونده او خدائیست که نیست مستحق عبودیت مگر او پادشاه پاک از هر عیبی سلام بخشنده امن و امان

الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ اَللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
نگهبان هر چیزی غالب بر همه خداوند عظمت بغایت بزرگوار پاک است خدا از آنچه شریک میدانند خدائیست سزاوار پرستش مگر او

وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ اَللّٰهُمَّ اِنِّىۤ اَسْاَلُكَ عَفْوًا لَيْسَ بَعْدَهُ عُقُوبَةٌ
و بر خدا پس باید اعتماد کنند گروندگان خداوندا بدرستی من سؤال میکنم از تو درگذشتنی را که نباشد بعد از آن عقوبتی

وَرِضًا لَيْسَ بَعْدَهُ سَخَطٌ وَعَافِيَةً لَيْسَ بَعْدَهَا بَلَاۤءٌ وَسَعَادَةً لَيْسَ بَعْدَهَا
و خشنودی که نباشد پس از آن غضب و سلامتی که نباشد پس از آن بلا و آفتی و نیک بختی که نباشد پس از آن

شَقَاۤءٌ وَهُدًى لَا يَكُونُ بَعْدَهُ ضَلَالَةٌ وَاِيمَانًا لَا يُدَاخِلُهُ كُفْرٌ وَقَلْبًا
بدبختی و راه یافتنی که نباشد پس از آن گمراهی و ایمانی که داخل نشود او را کفر و دلی که

يُمِيتُ
میمیراند

عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ هُوَ اللّٰهُ الَّذِى لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
داننده نهان و آشکار اوست بخشنده مهربان اوست خدائیکه نیست سزاوار پرستش مگر او

لا يداخله فتنة اللهم اني اسألك السعة في القبر والحجة البالغة والقول

خداوندا بدرستی که من سوال میکنم ترا کشادکی در کور و حجت کامل رسا و گفتار حق

الثابت وان تنزل علي الامان والفرح والسرور ونضرة النعيم اللهم

وانکه فرو فرستی بر من ایمنی و شادی و خوشی و نازکی نعمت خداوندا

صل على محمد وال محمد وعرفني بركة هذا الشهر ويمنه وارزقني خيره و

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بشناسان مرا برکت این ماه و میمنت آنرا و روزی کن مرا نیکی آن و

اصرف عني شره واجعلني فيه من الفائزين برحمتك يا ارحم الراحمين

بگردان از من بد آنرا و بگردان مرا در آن از رستگاران برحمت خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان

اللهم انت وهاب الخير فهب لي شوقا الى لقائك واشفاقا من عذابك

خداوندا تو بخشنده هر نیکی پس ببخش مرا آرزومندی بسوی ملاقات تو و ترسیدن از عذاب تو

وحياء منك وتوقيرا واجلالا حتى يوجل من ذلك قلبي ويقشعر منه

و شرم داشتن از تو و بزرگ داشتن تو و بزرگوار شمردن تو تا بترسد از آن دل من و برخیزد از آن

جلدي ويتجافى له جنبي وتدمع منه عيني ولا اخلو من ذكرك في ليلي و

پوست من و دور شود بجهت آن پهلوی من از جایگاه من و اشک ریزد از آن دیده من و خالی نمانم از یاد تو در شب خود و

نهاري يا ارحم الراحمين اللهم اني اثني عليك وما عسى ان يبلغ مدحي

روز خود ای بخشاینده ترین بخشایندگان خداوندا بدرستی که من ستایش میکنم ترا و چه امید است که برسد ستایش من

وثنائي مع قلة عملي وقصر رايي وانت الخالق وانا المخلوق وانت المالك

و ثنای من بر حد کمال با کمی کردار من و کوتاهی اندیشه من و تو آفریننده و من بنده و تو مالک

وانا المملوك وانت الرب وانا العبد وانت العزيز وانا الذليل

و من خوار و تو پروردگار و من بنده و تو ارجمند و من ناتوان خوار

وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني وانا الفقير وانت المعطي

و تو توانا و من ناتوان و تو بی نیاز و من نیازمند و تو بخشنده

وانا السائل وانت الحي الذي لا تموت وانا خلق اموت فاغفر لي وارحمني

و من سوال کننده و تو زنده که نمیری و من آفریده که میمیرم پس بیامرز مرا و رحم کن مرا

واعطني سؤلي في دنياي واخرتي وتجاوز عني وعن جميع المؤمنين و

و عطا کن مرا سوال مرا در دنیای من و آخرت من و در گذر از من و از همه مردان گرونده و

المؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء منهم والاموات اللهم صل

زنان گرونده و مردان گردن نهنده و زنان گردن نهنده زندگان از ایشان و مردگان از ایشان خداوندا رحمت فرست

على محمد عبدك ورسولك ونبيك وصفيك وخيرتك من خلقك

بر محمد بنده تو و فرستاده تو و پیغمبر تو و برگزیده تو و اختیار کرده تو از خلق تو

اللهم ارفع درجته وكرم مقامه واجزل ثوابه وافلج حجته و

خداوندا بلند کن مرتبه او را و کرامی دار مقام او را و وافر کن ثواب او را و غالب کردان حجت او را و

اظهر عذره وعظم نوره وادم كرامته والحق به امته وذريته و

ظاهر کن عذر او را و بزرگ کردان روشنی او را و پیوسته دار بزرگی او را و ملحق کن به او امت او و فرزندان او را و

واقرر بذلك عينه اللهم اجعل محمدا اكرم النبيين تبعا واعظمهم منزلة

روشن کن بآنچه مذکور شد دیده او را خداوندا بگردان محمد را بزرگوارترین پیغمبران بپیروان و بزرگترین ایشان از منزلت

واشرفهم كرامة واعلاهم درجة وافسحهم في الجنة منزلا اللهم بلغ

و کرامی ترین ایشان از روی کرامت و بلندترین ایشان در مرتبه و گشاده ترین ایشان در بهشت جایگاه خداوندا برسان

محمدا درجة الوسيلة وشرف بنيانه وعظم نوره وبرهانه وتقبل

محمد را بدرجه که نام او وسیله است و بلند کردان اساس دولت او و بزرگ کن روشنی او و حجت او را و بپذیر

شفاعته في امته وتقبل صلوة امته عليه اللهم صل على محمد كما بلغ

شفاعت او را در حق امت او و بپذیر درود امت او را بر او خداوندا رحمت فرست بر محمد چنانچه رسانید

رسالاتك وتلا اياتك ونصح لعبادك وجاهد في سبيلك حتى اتاه

پیغامهای ترا و خواند آیات ترا و پند داد بندگان ترا و کارزار نمود در راه تو تا آنکه آمد او را

الیقین اللهم زد محمداً مع کل شرف شرفاً و مع کل فضل فضلاً و مع کل
مرگ خداوندا زیاد کن برای محمد با هر شرافتی شرافت بزرگی و با هر فضیلتی فضل و مزیتی و با هر
کرامة کرامةً و مع کل سعادة سعادةً حتی تجعل محمداً فی الشرف
کرامتی کرامت و نوازشی و با هر سعادت سعادتی تا آنکه بگردانی محمد را در مرتبه بلندتر
الاعلی من الدرجات العلی اللهم صل علی محمد و علی آل محمد و سهل لی
از مرتبهای بلند خداوندا رحمت بفرست بر محمد و بر آل محمد و آسان گردان برای من
محبتی و بلغنی امنیتی و وسع علی رزقی و اقض عنی دینی و فرج عنی
آنچه را دوست دارم و برسان مرا بآرزوی من و کن وسیع گردان بر من در روزی من و ادا کن از من قرض مرا و بگشا از من
غمی و همی و کربی و یسر لی ارادتی و اوصلنی الی بغیتی سریعاً عاجلاً
غم مرا و حزن مرا و اندوه مرا و مهیا کن برای من خواسته مرا و برسان مرا بسوی مطلب من رسانیدن نزدیک و عاجل
یا ارحم الراحمین و شیخ مفید ره گفته است که در روز دهم ماه ربیع الاخر سال دویست
ای بخشنده ترین بخشایندگان و سی و دو از هجرت نبوی حضرت امام حسن عسکری علیه السلم
متولد شده است و روز شریف بسیار مبارکی است و مستحب است که بشکر این
نعمت عظمی روزه بدارند مؤلف گوید که زیارت آنحضرت و سایر اعمال آخر
در این روز بابرکت مناسب است فصل دویم در اعمال جمادی الاولی است
سید ابن طاوس از بعضی از کتب معتبره نقل کرده است که در روز اول این ماه مستحب است که
این دعا را بخوانند اللهم انت الله و انت الرحمن الرحیم و انت الملک القدوس
خداوندا توئی خدا و توئی بخشنده مهربان و توئی پادشاه پاک از همه عیبها
و انت السلم المؤمن و انت المهیمن و انت العزیز و انت الجبار و انت
و توئی سالم از تمام نقصها بخشنده امن و امان و توئی نگهبان خلایق و توئی غالب و توئی کارفرما بقهر و غلبه و توئی
المتکبر و انت الخالق و انت الباری و انت المصور و انت العزیز الحکیم
بغایت بزرگوار و توئی آفریدگار و توئی بدید آورنده و توئی نگارنده صورت و توئی ارجمند درست کردار
دارند

و انت الاول و الاخر و الظاهر و الباطن لک الاسماء الحسنی و الامثال اسألک
و توئی اول و آخر و آشکار و پنهان مر تراست نامهای نیک سؤال میکنم از تو
یا رب بحق هذه الاسماء و بحق اسمائک کلها ان تصلی علی محمد و علی
ای پروردگار من بحق این نامها و بحق نامهای تو همه آنها که رحمت بفرستی بر محمد و
آل محمد و آتنا اللهم فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و اختم لنا
آل محمد و بده ما را خداوندا در اینجهان نیکی و در آنجهان نیکی و ختم کن برای ما
بالسعادة و الشهادة فی سبیلک و عرفنا برکة شهرنا هذا و یمنه و
بنیکی و شهید شدن در راه تو و بشناسان ما را برکت ماه ما این ماه و میمنت آنرا و
ارزقنا خیره و اصرف عنا شره و اجعلنا فیه من الفائزین و قنا برحمتک
روزی کن ما را نیکی آن و بگردان از ما بدی آنرا و بگردان ما را در آن از رستگاران و نگهدار ما را برحمت خود
عذاب النار یا ارحم الراحمین انک علی کل شیء قدیر ابن ابی الزیارات
از عذاب آتش ای بخشنده ترین بخشندگان بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی بخوانند
الحمد لله رب العالمین الحمد لله الذی خلق السموات و الارض
سپاس مر خدای را پروردگار جهانیانست سپاس مر خدای را که آفرید آسمانها و زمین را
و جعل الظلمات و النور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون هو الذی
و پدید آورد تاریکیها و روشنائی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگار خود میل میکنند از راه حق او است آنکه
خلقکم من طین ثم قضی اجلاً و اجل مسمی عنده ثم انتم تمترون
آفرید شما را از گل پس مقرر کرد مدتی و مدت معین نزد او است پس شما شک میکنید
و هو الله فی السموات و فی الارض یعلم سرکم و جهرکم و یعلم ما تکسبون
و او خدا است در آسمانها و در زمین میداند نهان شما و آشکار شما و میداند آنچه را که کسب میکنید
الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب و لم یجعل له عوجاً قیماً لینذر
سپاس مر خدای را که فرو فرستاد بر بنده خود قرآن را و نگردانید برای او هیچ کجی و کجی دانید آنرا راست تا بیم نماید

بَأسًا شَدِيدًا مِن لَدُنهُ اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰاتِ وَمَا فِي الاَرضِ وَ

از عذاب سختی از نزد خود سپاس مر خدایرا که برا اوست انچه در آسمانها وانچه در زمین است و

لَهُ الحَمدُ فِي الآخِرَةِ وَهُوَ الحَكِيمُ الخَبِيرُ الحَمدُ لِلّٰهِ فَاطِرِ السَّمٰوٰاتِ وَالاَرضِ

مر اوراست سپاس در آنجهان و اوست درست کردار آگاه سپاس مر خدایرا آفریننده آسمانها و زمین

جَاعِلِ المَلٰئِكَةِ رُسُلًا اُولِي اَجنِحَةٍ مَثنٰى وَثُلٰثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الخَلقِ مَا

گرداننده فرشتگان رسولان صاحبان بالهای دو دو و سه سه و چهار چهار می افزاید در آفرینش انچه

يَشَاءُ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيءٍ قَدِيرٌ مَا يَفتَحِ اللّٰهُ لِلنَّاسِ مِن رَحمَةٍ فَلَا مُمسِكَ

خواهد بدرستی خدا بر هر چیز توانا است انچه بگشاید خدا بجهة آدمیان از بخشایش پس نیست بازدارنده

لَهَا وَمَا يُمسِكْ فَلَا مُرسِلَ لَهُ مِن بَعدِهِ وَهُوَ العَزِيزُ الحَكِيمُ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي

مر آنرا و انچه بازدارد پس نیست هیچ فرستنده مر آنرا از پی او و اوست غالب راست گفتار درست کردار سپاس مر خدایرا

هَدٰانَا لِهٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهتَدِيَ لَولَا اَن هَدٰانَا اللّٰهُ لَقَد جَاءَت رُسُلُ

رسانید مارا برین و نبودیم ما که راه یابیم اگر نبودی انکه راه نمود ما را خدا بتحقیق آمدند رسولان

رَبِّنَا بِالحَقِّ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الكِبَرِ اِسمٰعِيلَ وَاِسحٰقَ اِنَّ رَبِّي

پروردگار ما براستی سپاس مر خدایرا که بخشید بمن در حالت پیری اسمعیل و اسحق را بدرستی پروردگار من

لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ الحَمدُ لِلّٰهِ بَل اَكثَرُهُم لَا يَعلَمُونَ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي نَجّٰنَا

هر اینه شنوای دعاست سپاس مر خدایرا بلکه بیشتر ایشان نمیدانند سپاس مر خدایرا که رهانید مارا

مِنَ القَومِ الظّٰلِمِينَ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلٰى كَثِيرٍ مِن عِبَادِهِ المُؤمِنِينَ

از گروه ستمکاران سپاس مر خدایرا که زیادتی داده مارا بر بسیاری از بندگان گروندگان خود

الحَمدُ لِلّٰهِ سَيُرِيكُم آيَاتِهِ فَتَعرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعمَلُونَ الحَمدُ لِلّٰهِ

سپاس مر خدایرا زود باشد که بنماید نشانهای خود را پس بشناسید آنها را و نیست پروردگار تو بیخبر از انچه میکنید سپاس مر خدایرا

الَّذِي اَذهَبَ عَنَّا الحَزَنَ اِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ شَكُورٌ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَنَا

که برد از ما هر اندوهی را بدرستی پروردگار ما هر آینه آمرزگار است حق گذار سپاس مر خدایرا است که براستی

وعده

وَعدَهُ وَاَورَثَنَا الاَرضَ نَتَبَوَّاُ مِنَ الجَنَّةِ حَيثُ نَشَاءُ فَنِعمَ اَجرُ العَامِلِينَ

وعده خود را و میراث داد بما زمین بهشت را که جای گیریم از بهشت هر جا که خواهیم پس نیکو مزد کارکنان

وَتَرَى المَلٰئِكَةَ حَافِّينَ مِن حَولِ العَرشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمدِ رَبِّهِم وَقُضِيَ بَينَهُم

و می بینی فرشتگانرا فرو گیرندگان گرداگرد عرش را تسبیح گویند بسپاس پروردگار خود و حکم کرده شود میان ایشان

بِالحَقِّ وَقِيلَ الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العَالَمِينَ فَلِلّٰهِ الحَمدُ رَبِّ السَّمٰوٰاتِ وَرَبِّ

براستی و گفته شود سپاس مر خدایرا پروردگار جهانیان پس خدایراست سپاس پروردگار آسمانها و پروردگار

الاَرضِ رَبِّ العَالَمِينَ وَلَهُ الكِبرِيَاءُ فِي السَّمٰوٰاتِ وَالاَرضِ وَهُوَ

زمین و پروردگار جهانیان و مر او راست بزرگواری در آسمانها و زمین و اوست

العَزِيزُ الحَكِيمُ الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَم يَتَّخِذ وَلَدًا وَلَم يَكُن لَهُ شَرِيكٌ

غالب راست گفتار درست کردار سپاس مر خدایرا که فرا نگرفت هیچ فرزندی و نیست مر او را انبازی

فِي المُلكِ وَلَم يَكُن لَهُ ~~شَرِيكٌ فِي المُلكِ وَلَم يَكُن~~ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ وَكَبِّرهُ

در پادشاهی و نیست مر او را یاوری از مذلت و بعظمت یاد کن

تَكبِيرًا اَللّٰهُمَّ اغفِر لِي مَا سَلَفَ مِن ذُنُوبِي وَتَدَارَكنِي فِيمَا بَقِيَ مِن عُمرِي

خدا را بعظمت یاد کردنی خداوندا بیامرز برای من انچه گذشته از گناهان من و تلافی کن مرا در انچه باقی مانده از عمر من

وَقَوِّ ضَعفِي لِلَّذِي خَلَقتَنِي لَهُ وَحَبِّب اِلَيَّ الاِيمَانَ وَزَيِّنهُ فِي قَلبِي

و قوت ده ناتوانی مرا برای انچه آفریدی مرا بجهة آن و دوست گردان بسوی من ایمانرا و آرایش ده آنرا در دل من

وَقَد دَعَوتُكَ كَمَا اَمَرتَنِي فَاستَجِب لِي كَمَا وَعَدتَنِي اَللّٰهُمَّ اَصبَحتُ لَكَ

و بتحقیق خواندم ترا چنانکه امر کردی مرا پس اجابت کن مرا چنانچه وعده دادی مرا خداوندا صبح کردم و حال آنکه هستم برای تو

عَبدًا لَا اَستَطِيعُ دَفعَ مَا اَكرَهُ وَلَا اَملِكُ مَا اَرجُو وَاَصبَحتُ مُرتَهَنًا

بنده که قدرت ندارم بر دفع انچه ناخوش دارم و مالک نیستم انچه را امید دارم و صبح کردم مرهون

بِعَمَلِي فَلَا فَقِيرَ اَفقَرُ مِنِّي اِلَيكَ يَا رَبَّ العَالَمِينَ اَسأَلُكَ اَن تَستَعمِلَنِي

بکردار خود پس نیست هیچ محتاجی محتاج تر از من بسوی تو ای پروردگار جهانیان سؤال میکنم از تو انکه بکار داری مرا

عمل من استيقن حضور اجله لا بل عمل من استيقن حضور اجله لا بل عمل

کار آنکه یقین داشته حاضر شدن اجل خود را نه بلکه کار آنکه بحقیقت مرده پس دیده

من قدمات فرای عمله ونظر الی ثواب عمله انك علی كل شیء

کردار خود را و نگریسته بسوی پاداش کردار خود بدرستی که تو بر هر چیز

قدير اللهم هذا مكان العائذ برحمتك من عذابك وهذا مكان

توانائی خداوندا این جایگاه آنست که پناه گرفته برحمت تو از عذاب تو و این جایگاه آنست

العائذ بمعافاتك من غضبك اللهم اجعلنی ممن دعاك فاجبته

که پناه گرفته بعفو و درگذشتن تو از غضب تو خداوندا بگردان مرا از آنکه خواند ترا پس اجابت کردی اورا

وسالك فاعطيته وامن بك فهديته وتوكل عليك فكفيته

و سؤال کرد ترا پس عطا کردی اورا و گروید بتو پس هدایت کردی اورا و گذاشت کار خود را بر تو پس کفایت کردی او را

وتقرب اليك فادنيته وافتقر اليك فاغنيته واستغفرك

و نزدیکی جست بسوی تو پس نزدیک گردانیدی اورا و محتاج شد بسوی تو پس بی‌نیاز کردی اورا و آمرزش طلبید از تو

فغفرت له ورضيت عنه وارضيته وهديته الى مرضاتك

پس آمرزیدی اورا و خشنود شدی از او و خشنود گردانیدی اورا و راه نمودی اورا بسوی موجبات خشنودی خود

واستعملته بطاعتك ولذلك فرغته ابدا ما احييته فتب

و بکار داشتی اورا بطاعت خود و باینجهت فارغ گردانیدی اورا همیشه مادام که زنده داشتی اورا پس بپذیر توبه را

علی یا رب واعطنی سؤلی ولا تحرمنی شیئا مما سالتك واكفنی

بر من ای پروردگار من و عطا کن بمن سؤال مرا و ناامید مساز مرا از هیچ چیز از آنچه سؤال کردم از تو و دفع کن از من

شر ما يعمل الظالمون فی الارض واستغفر الله الذی لا اله الا هو

شر آنچه میکنند ستمکاران در زمین و آمرزش میطلبم از خدائی که نیست سزاوار پرستش جز او که

لا يغفر الذنوب الا هو اللهم صل علی محمد وعلی ال محمد واعنی

نمی‌آمرزد گناهان را جز او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و مدد کن مرا

٤

علی الدنيا وارزقنی خيرها وكره الی الكفر والفسوق والعصيان

بر دنیا و روزی کن مرا خیر آن و ناخوش گردان بسوی من کفر و بدکرداری و نافرمانی

واجعلنی من الراشدين اللهم قونی لعبادتك واستعملنی فی طاعتك

و بگردان مرا از راه یافتگان خداوندا قوت ده مرا برای عبادت خود و بکار دار مرا در طاعت خود

وبلغنی الذی ارجو من رحمتك يا ارحم الراحمين اللهم انی

و برسان مرا بآنچه امید دارم از بخشایش تو ای بخشاینده‌ترین بخشایندگان خداوندا بدرستی که من

اسالك الری يوم الفزع الاكبر والفوز يوم الحساب والامن

سؤال میکنم از تو سیرابی را در روز تشنگی ترس بزرگتر و فیروزی در روز حساب و ایمنی

الظما والنجاة
تشنگی رستگاری را
يوم م
درروز

يوم الخوف واسالك النظر الی وجهك الكريم والخلود فی

در روز ترس و سؤال میکنم از تو نگریستن بسوی ذات بزرگوار تو و جاوید ماندن در

جنتك فی دار المقامة من فضلك والسجود يوم يكشف عن ساق

بهشت تو در سرای اقامت از فضل تو و سجده کردن در روزی که بالا زده شود جامه از ساق پای

والظل يوم لا ظل الا ظلك ومرافقة انبيائك ورسلك واوليائك

و سایه در روزی که نباشد سایه مگر سایه تو و رفاقت کردن پیغمبران از فرستادگان تو و دوستان تو

اللهم اغفر لی ما قدمت من ذنوبی وما اخرت وما اسررت

خداوندا بیامرز مرا آنچه پیش داشتم از گناهان خود و آنچه باز پس داشتم و آنچه پنهان داشتم

وما اعلنت وما اسرفت علی نفسی وما انت اعلم به منی و

و آنچه آشکار نمودم و آنچه تعدی کردم بر نفس خود و آنچه تو داناتری به آن از من و

ارزقنی التقی والهدی والعفاف والغنی ووفقنی للعمل بما تحب

روزی کن مرا پرهیزکاری و راه یافتگی و عصمت و بی‌نیازی و توفیق ده مرا برای عمل کردن بآنچه دوست داری

وترضی اللهم اصلح لی دينی الذی هو عصمة امری واصلح لی

و به پسندی خداوندا اصلاح آور برای من دین مرا دینی که آن نگاهدارنده امر منست و اصلاح آور برای من

دُنیایَ الَّتی فیها معاشی وَاَصلِح لی آخرَتی الَّتی اِلَیها مُنقَلَبی وَاجعَلِ
دنیای مرا که در آنست زندگی من و اصلاح آور برای من آخرت مرا که بسوی آنست بازگشت من و بگردان

الحَیوةَ زِیادَةً لی فی کُلِّ خَیرٍ وَاجعَلِ المَوتَ راحَةً لی مِن کُلِّ سُوءٍ
زندگی را زیادتی برای من در هر نیکی و بگردان مرگ را آسایش برای من از هر بدی

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسئَلُكَ یا رَبَّ الاَربابِ وَیا سَیِّدَ السّاداتِ وَیا مالِكَ
خداوندا بدرستی که من سؤال میکنم ترا ای پروردگار همه پروردگاران و ای بزرگ بزرگان و ای پادشاه

المُلُوكِ اَن تَرحَمَنی وَتَستَجیبَ لی وَتُصلِحَنی فَاِنَّهُ لا یُصلِحُ مَن صَلَحَ
پادشاهان اگر رحم کنی مرا و اجابت کنی مرا و بسامان آوری مرا پس بدرستی که بسامان نیاورد از آنان که بسامان رسد

مِن عِبادِكَ اِلّا اَنتَ فَاِنَّكَ اَنتَ رَبّی وَثِقَتی وَرَجائی وَمَولایَ
از بندگان تو مگر تو زیرا که بتحقیق تو پروردگار منی و اعتماد منی و امید منی و آقای منی

وَمَلجَأی وَلا راحِمَ لی غَیرُكَ وَلا مُغیثَ لی سِواكَ وَلا مالِكَ
و پناه منی و نیست بخشنده مرا غیر تو و نه فریادرس غیر تو و نه خداوندی

سِواكَ وَلا مُجیبَ اِلّا اَنتَ اَنَا عَبدُكَ وَابنُ عَبدِكَ وَابنُ
جز تو و نه اجابت کننده مگر تو من بنده تو و پسر بنده تو و پسر

اَمَتِكَ الخاطِئُ الَّذی وَسِعَتهُ رَحمَتُكَ وَاَنتَ العالِمُ بِحالی وَحاجَتی
کنیز تو آن بنده خطاکاری که فرا گرفت او را رحمت تو و تویی دانا بحال من و احتیاج من

وَكَثرَةِ ذُنُوبی وَالمُطَّلِعُ عَلی اُمُوری كُلِّها فَاَسئَلُكَ بِالآلاءِ الَّتی
و بسیاری گناهان من و مطلع بر کارهای من همه آنها پس سؤال میکنم ترا که بنیست سزاوار پرستش

اِلّا اَنتَ اَن تَغفِرَ لی ما تَقَدَّمَ مِن ذَنبی وَما تَأَخَّرَ اَللّٰهُمَّ لا تَدَع لی
مگر تو اگر بیامرزی برای من آنچه گذشته از گناهان من و آنچه باز پس مانده خداوندا وامگذار برای من

ذَنباً اِلّا غَفَرتَهُ وَلا هَمّاً اِلّا فَرَّجتَهُ وَلا حاجَةً هِیَ لَكَ رِضاً اِلّا
گناهی مگر آنکه بیامرزی او را و نه غمی مگر آنکه زایل کنی او را و نه حاجتی که آن باشد مر ترا پسند مگر آنکه

نقضیتها

قَضَیتَها وَلا عَیباً اِلّا اَصلَحتَهُ اَللّٰهُمَّ وَآتِنا فِی الدُّنیا حَسَنَةً وَفِی الآخِرَةِ
روا کنی آنرا و نه ناپسندی مگر آنکه باصلاح آوری آنرا خداوندا و بده ما را در این جهان نیکی و در آن جهان

حَسَنَةً وَقِنی عَذابَ النّارِ اَللّٰهُمَّ اَعِنّی عَلی اَهوالِ الدُّنیا وَبَوائِقِ
نیکی و نگاهدار مرا از عذاب آتش خداوندا مدد کن مرا بر شداید دنیا و حوادث

الدُّهُورِ وَمُصیباتِ اللَّیالی وَالاَیّامِ اَللّٰهُمَّ وَاحرُسنی مِن شَرِّ ما یَعمَلُ
روزگار و مکروهاتی که میرسد در شبها و روزها خداوندا و نگهبانی کن مرا از گزند آنچه میکنند

الظّالِمُونَ فِی الاَرضِ فَاِنَّهُ لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی
ستمکاران در زمین زیرا که بتحقیق نیست قدرتی و نه توانائی مگر بتوفیق تو خداوندا بدرستی که من

اَسئَلُكَ ایماناً ثابِتاً وَعَمَلاً مُتَقَبَّلاً وَدُعاءً مُستَجاباً وَیَقیناً صادِقاً
سؤال میکنم از تو ایمانی ثابت و کرداری مقبول و دعائی پذیرفته و یقینی راست و درست

وَقَولاً طَیِّباً وَقَلباً شاكِراً وَبَدَناً صابِراً وَلِساناً ذاكِراً اَللّٰهُمَّ
و گفتاری پاکیزه و دلی سپاس گزار و تنی شکیبا و زبانی ذکر کننده خداوندا

انزِع حُبَّ الدُّنیا وَمَعاصیها وَذِكرَها وَشَهوَتَها مِن قَلبی اَللّٰهُمَّ
برکن دوستی دنیا را و نافرمانیهای آنرا و یاد آنرا و خواهش آنرا از دل من خداوندا

اِنَّكَ بِكَرَمِكَ تَشكُرُ الیَسیرَ مِن عَمَلی فَاعفُ لِیَ الكَثیرَ مِن ذُنُوبی
بدرستی که تو بکرم و بزرگواری خود جزا میدهی عمل کم را از کردار نیکو درگذر برای بسیار از گناهان من

وَكُن لی وَلِیّاً وَنَصیراً وَمُنیعاً وَحافِظاً اَللّٰهُمَّ هَب لی قَلباً اَشَدَّ رَهبَةً
و باش برای من دوست و یاور و باز دارنده و حفظ کننده خداوندا ببخش مرا دلی سخت ترسنده تر

لَكَ مِن قَلبی وَلِساناً اَدوَمَ ذِكراً لَكَ مِن لِسانی وَجِسماً اَقوی عَلی
مر ترا از دل من و زبانی پیوسته تر برای تو در ذکر من از زبان من و بدنی توانا تر بر

طاعَتِكَ وَعِبادَتِكَ مِن جِسمی اَللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ بِكَ مِن زَوالِ نِعمَتِكَ
طاعت تو و پرستش تو از بدن من خداوندا بدرستی که من پناه میگیرم بتو از زایل شدن نعمت تو

هو الخ

وَمِنْ فُجَاءَةِ نَقِمَتِكَ وَمِنْ تَحَوُّلِ عَافِيَتِكَ وَمِنْ حُلُولِ غَضَبِكَ وَاَعُوذُ
واز ناگاه درآمدن عقوبت تو واز گردیدن عافیت تو واز فرود آمدن غضب تو وپناه میگیرم

بِكَ مِنْ جَهْدِ الْبَلاءِ وَمِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ وَمِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْدَاءِ وَ
بتو از سختی بلاها ودریافت بدبختی واز شادی دشمنان و

سُوءِ الْقَضَاءِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ
بدی حکم در اینجهان وآنجهان خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بحرمت نام

الْكَرِيمِ وَعَرْشِكَ الْعَظِيمِ وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ يَا وَهَّابَ الْعَطَايَا
بزرگوار تو وعرش بزرگ تو وپادشاه دیرینه تو ای بخشنده عطاها

وَيَا مُطْلِقَ الْاُسَارٰى وَيَا فَكَّاكَ الرِّقَابِ وَيَا كَاشِفَ الْعَذَابِ
وای رهاننده دستگیرشدگان وای خلاصی ده گردنها وای زایل کننده عذاب

اَسْاَلُكَ اَنْ تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا غَانِمًا وَاَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ
سؤال میکنم ترا اینکه بیرون بری مرا از دنیا سالم از گناهان بهره ور از مثوبات وفیوضات واینکه درآوری مرا در بهشت

بِرَحْمَتِكَ اٰمِنًا وَاَنْ تَجْعَلَ اَوَّلَ شَهْرِي هٰذَا صَلَاحَهَا وَاَوْسَطَهُ
برحمت خود ایمن از هر خوفی واینکه بگردانی اول ماه مرا اینماه شایستگی ومیان آنرا فیروزی

فَلَاحَهَا وَاٰخِرَهُ نَجَاحَهَا اِنَّكَ اَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ مؤلف گوید که کلینی
وآخر آنرا رستگاری بدرستیکه تو توئی دانای نهانیها

بسند صحیح از حضرت صادق ع روایت کرده است که حضرت فاطمه صلوات الله علیها هفتاد و پنج روز بعد از وفات حضرت رسول ص زنده بود پس بنابر مشهور که وفات حضرت رسول ص در بیست و هشتم ماه صفر بوده باید وفات حضرت فاطمه ع در سیزدهم یا چهاردهم یا پانزدهم ماه جمادی الاولی بوده باشد پس زیارت آنحضرت در این ایام مناسب است خصوصا در چهاردهم که ظاهرتر است و شیخ مفید علیه الرحمة

گفته

گفته است که در شب پانزدهم اینماه حضرت امام زین العابدین ع متولد شده و روز شریفی است و مستحب است که روزه بدارند و اعمال خیر از عبادات و تصدقات بجا آورند و شیخ طوسی گفته که فتح بصره برای امیر المؤمنین ص در این روز میسر شد مؤلف گوید که زیارت هر دو امام علیهما السلام در این روز مناسب است و اگر زیارت جامعه در این قسم ایام بخوانند چنانچه مذکور خواهد شد ان شاء الله بهتر است

فصل سیم در اعمال ماه جمادی الثانیه است سید ابن طاوس ره روایت کرده است که در اینماه هر روز که خواهد سنت است که چهار رکعت نماز بکنند یعنی بدو سلام و در رکعت اول بعد از سوره فاتحه یکمرتبه آیة الکرسی بخواند و بیست و پنج مرتبه انا انزلناه و در رکعت دویم یکمرتبه الهکم التکاثر و بیست و پنج مرتبه قل هو الله احد و در رکعت سیم یکمرتبه قل یا ایها الکافرون و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الفلق و در رکعت چهارم یکمرتبه اذا جاء نصر الله و بیست و پنج مرتبه قل اعوذ برب الناس و بعد از سلام رکعت چهارم هفتاد مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ و هفتاد مرتبه اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ پس سه مرتبه بگوید اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ پس سر بسجده بگذارد و سه مرتبه بگوید يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اَللّٰهُ يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيمُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ پس هر حاجت که دارد از حق تعالی طلب نماید هر که چنین کند خدا خودش را و مالش را و زنان و فرزندان او را و دین و دنیای او را حفظ کند و اگر در آن سال بمیرد بر شهادت بمیرد یعنی ثواب شهیدان داشته باشد و شیخ بزرگوار محمد بن جریر طبری در کتاب دلائل الامامة بسند معتبر از حضرت صادق ع روایت کرده است که ولادت باسعادت حضرت فاطمه

صلوات الله علیها در بیستم ماه جمادی الثانیه واقع شد و شهادت آنحضرت
در سیم اینماه نیز واقع شد و شیخ طوسی و سید ابن طاوس و دیگران چنین ذکر
کرده اند و اگرچه وفات منافی روایتی است که سابقاً ذکر کرده‌ایم اما چون مشهور است
و روایت معتبر دارد باید که در روز سیم بمراسم تعزیه آنحضرت قیام نمایند و زیارت
آنحضرت بکنند و لعن بسیار بر قاتلان آنحضرت و غاصبان حق او بکنند خصوصاً
ابو بکر و عمر و قنفذ غلام عمر و در روز بیستم باز آنحضرت را زیارت کنند و چنانکه
شیخ مفید گفته است اظهار سرور و خوشحالی بکنند و روزه بدارند و تصدقات
و اعمال خیر بکنند و زیارت آنحضرت بدو طریق وارد شده است اول آنکه سید ابن طاوس
روایت کرده است که هرکه آنحضرت را زیارت کند باین زیارت که بگوید السلام
عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ
برتو ای خاتون زنان جهانیان سلام برتو ای مادر حجتها بر آدمیان
اَجْمَعینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقُّها ثم یقول اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی اَمَتِکَ
همگی سلام برتو ای ستم رسیده منع کرده شده خداوندا رحمت بفرست بر کنیز خود
وَابْنَةِ نَبِیِّکَ وَ زَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّکَ صَلوةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفی عِبادِکَ
و دختر پیغمبر خود و زن وصی پیغمبر خود رحمتی که نزدیک گرداند او را بالای نزدیک بندگان تو
الْمُکْرَمینَ مِنْ اَهْلِ السَّمواتِ وَ اَهْلِ الْاَرَضینَ پس طلب آمرزش کند از حق تعالی
که گرامی داشته شده اند از اهل آسمانها و اهل زمین که گناهان او را بیامرزد و او را
داخل بهشت کرداند و این زیارت مختصر است و معتبره و هر وقت میتوان کرد دوم زیارت
مبسوطی است که علماء ذکر کرده اند در کتب زیارت و سندش بنظر فقیر نرسیده و آن زیارت
این است اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ رَسُولِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ نَبِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
سلام برتو ای دختر رسول خدا سلام برتو ای دختر پیغمبر خدا سلام برتو
بنت

یا بِنْتَ حَبیبِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَلیلِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا
ای دختر دوست خدا سلام برتو ای دختر صدیق خدا سلام برتو ای
بِنْتَ صَفِیِّ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَمینِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ خَیْرِ
دختر برگزیده خدا سلام برتو ای دختر امانت دار خدا سلام برتو ای دختر بهترین
خَلْقِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ اَفْضَلِ اَنْبِیاءِ اللّهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا بِنْتَ
خلق خدا سلام برتو ای دختر فاضل ترین پیغمبران خدا سلام برتو ای دختر
خَیْرِ الْبَرِیَّةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمینَ مِنَ الْاَوَّلینَ وَ
بهترین خلایق سلام برتو ای خاتون زنان جهانیان از پیشینیان و
الْآخِرینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا زَوْجَةَ وَلِیِّ اللّهِ وَ خَیْرِ خَلْقِهِ بَعْدَ رَسُولِ اللّهِ
پسینیان سلام برتو ای زن محبت خدا و بهترین خلق خدا بعد از رسول خدا
اَلسَّلامُ عَلَیْکِ یا اُمَّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ سَیِّدَیْ شَبابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلامُ
سلام برتو ای مادر حسن و حسین دو بزرگ جوانان اهل بهشت سلام
عَلَیْکِ یا اُمَّ الْمُؤْمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ الشَّهیدَةُ اَلسَّلامُ
برتو ای مادر مؤمنان سلام برتو ای خوش داشته شده پسندیده شهید سلام
عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ الْمَرْضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الصّادِقَةُ
برتو ای خوش داشته شده پسندیده سلام برتو ای راستگوی راه یافته
الرَّشیدَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْفاضِلَةُ الزَّکِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
سلام برتو ای صاحب فضل و زیادتی پاک از همه رذایل سلام برتو
اَیَّتُهَا الْحَوْراءُ الْاِنْسِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
ای حوری مثال آدمی نسب سلام برتو ای پرهیزکار پاک سلام برتو
اَیَّتُهَا الْمُحَدَّثَةُ الْعَلیمَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ اَیَّتُهَا الْمَعْصُومَةُ الْمَظْلُومَةُ اَلسَّلامُ عَلَیْکِ
ای سخن گفته شده دانا سلام برتو ای نگاه داشته شده ستم رسیده سلام برتو

أيتها الطاهرة المطهرة السلام عليك أيتها المضطهدة المغصوبة السلام
ای پاک پاک گردیده شده سلام بر تو ای غلبه کرده شده غارت رسیده سلام
عليك أيتها الغراء الزهراء السلام عليك يا فاطمة بنت محمد رسول الله
بر تو ای پیشانی سفید درخشنده سلام بر تو ای فاطمه دختر محمد رسول خدا
ورحمة الله وبركاته صلى الله عليك يا مولاتي وابنة مولاي وعلى روحك
وبخشایش خدا وزیادتیهای او رحمت فرستد خدا بر تو ای خاتون من و دختر آقای من و بر جان تو
وبدنك أشهد أنك مضيت على بينة من ربك وأن من سرك فقد سر
و بدن تو گواهی میدهم بتحقیق تو گذشتی بر حجت روشن از جانب پروردگار خود وانکه خوشحال گرداند ترا پس بتحقیق شاد کرده
رسول الله ومن جفاك فقد جفا رسول الله صلى الله عليه وآله ومن
رسول خدارا و هر کس ستم کند ترا پس بتحقیق ستم کرده رسول خدا را رحمت فرستد خدا براو و آل او وانکه
آذاك فقد آذى رسول الله ومن وصلك فقد وصل رسول الله ومن
آزرده ترا پس بتحقیق آزرده رسول خدا را وانکه پیوست بتو پس بتحقیق پیوسته برسول خدا وانکه
قطعك فقد قطع رسول الله لأنك بضعة منه وروحه التي بين
بریده از تو پس بتحقیق بریده از رسول خدا زیرا بتحقیق تو جزو بدنی از او و جان او که آن جانی در میان
جنبيه كما قال عليه أفضل الصلوة وأكمل السلام أشهد الله وملائكته
پهلوهای اوست چنانچه گفته رسول خدا بر او باد بهترین رحمتها و تمام ترین درودها گواه میگیرم خدارا و فرشتگان او را
أني ولي لمن والاك وعدو لمن عاداك وحرب لمن حاربك أنا يا
که بدرستی دوستم آنکه را دوست دارد ترا و دشمنم آنکه را دشمن دارد ترا و جنگم آنکه را جنگ کند با تو من ای
مولاتي بك وبأبيك وبعلك والأئمة من ولدك موقن وبولايتهم
خاتون من بتو و بپدر تو و شوهر تو و پیشوایان از فرزندان تو یقین دارنده ام و بدوستی ایشان
مؤمن ولطاعتهم ملتزم أشهد أن الدين دينهم والحكم حكمهم وهم
تصدیق نماینده و مر فرمان ایشانرا بخود گیرنده گواهی میدهم اینکه بتحقیق دین دین ایشانست و حکم حکم ایشانست و ایشان

قد بلغوا عن الله عز وجل ودعوا إلى سبيل الله بالحكمة والموعظة الحسنة
بتحقیق رسانیده اند از جانب خدای بزرگوار و خوانده اند بسوی راه خدا بدلایل محکم و پند نیکو
لا تأخذهم في الله لومة لائم وصلوات الله عليك وعلى أبيك
فرا نگیرد ایشانرا در راه خدا سرزنش کننده و رحمتهای خدا بر تو و بر پدر تو
وبعلك وذريتك الأئمة الطاهرين اللهم صل على محمد وأهل
و شوهر تو و فرزندان تو که پیشوایان پاکانند خداوندا رحمت فرست بر محمد و خانواده
بيته وصل على البتول الطاهرة الصديقة المعصومة التقية النقية
او و رحمت فرست بر بریده از دنیا پاک بغایت راستگوی نگاه داشته شده پرهیزکار پاکیزه
الرضية الزكية الرشيدة المظلومة المقهورة المغصوبة حقها
پسندیده پاک راه یافته ستم رسیده غلبه کرده شده غصب کرده شده حق او
الممنوعة إرثها المكسور ضلعها المظلوم بعلها المقتول ولدها فاطمة
منع کرده شده میراث او شکسته شده پهلوی او ستم کرده شده شوهر او کشته شده فرزند او فاطمه
بنت رسولك وبضعة لحمه وصميم قلبه وفلذة كبده والنخبة
دختر پیغمبر تو و پاره گوشت او و خلاصه دل او و قطعه جگر او و انتخاب کرده
منك له والتحفة خصصت بها وصيه وحبيبة المصطفى وقرينة
تو برای او و تحفه تو مخصوص گردانیدی باو وصی پیغمبر را و دوست برگزیده او را و همتای
المرتضى وسيدة النساء ومبشرة الأولياء حليفة الورع والزهد
پسندیده او و بزرگ زنان و مژده دهنده دوستان جانشین پرهیزکاری و زهد
وتفاحة الفردوس والخلد التي شرفت مولدها بنساء الجنة وسللت
و سیب بهشت و بهشت جاوید آنکه شریف گردانیدی ولادت او را بزنان بهشت و بیرون آوردی
منها أنوار الأئمة وأرخيت دونها حجاب النبوة اللهم صل عليها
از او نورهای پیشوایان را و فرو فرستادی در پیش او پرده نبوت را خداوندا رحمت فرست براو

صلوة تزيد في محلها عندك وشرفها لديك ومنزلتها من رضاك
رحمتی که بیفزاید در مرتبه او نزد تو وشرافت او نزد تو ومنزلت او از خشنودی تو
وبلغها منا تحية وسلاما وآتنا من لدنك في حبها فضلا واحسانا
وبرسان او را از ما درود وسلام وبده ما را از نزد خود در دوستی او بخشش نیکو
ورحمة وغفرانا انك ذو العفو الكريم وسيد ابن طاوس عليه الرحمة گفته است
وبخشایش وآمرزش بدرستی تو خداوند در گذشتن بزرگی پس نماز زیادت بکن واگر توانی
نماز آنحضرت را بجا آور وآن دو رکعت است ودر هر رکعت بعد از فاتحه شصت
مرتبه سوره قل هو الله بخوان واگر نتوانی دو رکعت نماز بکن ودر رکعت اول
بعد از فاتحه یکمرتبه سوره قل هو الله بخوان ودر رکعت دویم یکمرتبه سوره قل
یا ایها الکافرون بخوان وبعد از نماز تسبیح آنحضرت را بگو واین دعا بخوان
اللهم اني اتوجه اليك بنبينا محمد وباهل بيته صلواتك عليهم
خداوندا بدرستی که من رو میکنم بسوی تو بوسیله پیغمبر ما محمد وبوسیله خانواده او رحمتهای تو بر ایشان
واسالك بحقك العظيم عليهم الذي لا يعلم كنهه سواك واسالك
وسؤال میکنم از تو بحق تو بزرگی که تو داری برایشان آنکه حقیقت را نمیدانند بپایان آنرا غیر تو وسؤال میکنم از تو
بحق من حقه عندك عظيم وباسمائك الحسنى التي امرتني ان
بحق آنکه حق او نزد تو بزرگست وبحرمت نامهای تو نیکت آن نامها که امر کردی مرا آنکه
ادعوك بها واسالك باسمك الاعظم الذي امرت به ابراهيم ان يدعو
بخوانم ترا با آنها وسؤال میکنم ترا بحرمت نام بزرگتر تو آن نامی که امر کردی به آن ابراهیم را آنکه بخواند
به الطير فاجابته وباسمك العظيم الذي قلت للنار كوني بردا
به آن مرغ را پس اجابت کرد مرغ او را وبحرمت نام بزرگ تو آن نامی که گفتی مر آتش را باش سرد
وسلاما على ابراهيم فكانت وباحب الاسماء اليك واشرفها
وسلامت بر ابراهیم پس گشت چنان وبه دوست داشته ترین نامها بسوی تو وبلند مرتبه ترین آنها و

اعظمها

اعظمها لديك واسرعها اجابة وانجحها طلبة وبما انت اهله
بزرگترین آنها نزد تو وشتابنده ترین آنها اجابت کردن وروا کننده ترین آنها حاجت را وبحرمت آنکه تو سزاوار آنی
ومستحقه ومستوجبه واتوسل اليك وارغب اليك واتضرع
ومستحق آنی ومستوجب آنی ووسیله میجویم بسوی تو وخواهش میکنم بسوی تو وزاری مینمایم
والح عليك واسالك بكتبك التي انزلتها على انبيائك ورسلك
ومبالغه میکنم بر سؤال از تو ودر میخواهم از تو بحرمت کتابهای تو که فرو فرستادی آنها را بر پیغمبران خود وفرستادگان خود
صلواتك عليهم من التورية والانجيل والزبور والفرقان العظيم
والقرآن مجید
رحمتهای تو بر ایشان مانند توریة وانجیل وزبور وقرآن بزرگ
فان فيها اسمك الاعظم وبما فيها من اسمائك العظمى ان تصلي
زیرا که بتحقیق هست در آنها نام بزرگتر تو وبحرمت آنچه در آنهاست از نامهای بزرگ تو آنکه رحمت بفرستی
على محمد وال محمد وان تفرج عن ال محمد وشيعتهم ومحبيهم وعني و
بر محمد وآل محمد وآنکه زایل کنی همه غمها را از آل محمد وپیروان ایشان ودوستان ایشان واز من
تفتح ابواب السماء لدعائي وترفعه في عليين وتاذن في هذا اليوم
بگشائی درهای آسمانها را برای خواندن من وبلند گردانی دعای مرا در علیین ودستوری دهی در این روز
وفي هذه الساعة بفرجي واعطائي املي وسؤلي في الدنيا والاخرة يا
ودر این ساعت بگشایش من وبخشودن آرزوی من وسؤال من در اینجهان وآنجهان ای
من لا يعلم احد كيف هو وقدرته الا هو يا من سد الهواء بالسماء
آنکه نداند هیچکس حقیقت او وقدرت او را مگر او ای آنکه باز داشته هوا را بر آسمان
وكبس الماء واختار لنفسه احسن الاسماء يا من سمى نفسه
الارض على
زمین را بر
وبرافراشته آب وبرگزیده برای ذات خود نیکوترین نامها را ای آنکه نامیده ذات خود را
بالاسم الذي يقضى به حاجة من يدعوه اسالك بحق ذلك
بنامی که برآورده میشود بآن حاجت هر که بخواند او را درمیخواهم از تو بحق آن نام

الانسم فلا شفيع اقوى لي منه ان تصلي على محمد وال محمد وتقضي
پس نیست درخواست کننده نواناتر برای من از آن اکه رحمت فرستی بر محمد و آل محمد وروا کنی برای من
حوائجي وتسمع بمحمد وعلي وفاطمة والحسن والحسين وعلي بن الحسين
حاجتهای مرا و بشنوانی بمحمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی پسر حسین
ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر وعلي بن موسى ومحمد بن
و محمد پسر علی و جعفر پسر محمد و موسی پسر جعفر و علی پسر موسی و محمد پسر
علي وعلي بن محمد والحسن بن علي والحجة المنتظر لاذنك صلواتك
علی و علی پسر محمد و حسن پسر علی و آن حجتی که انتظار داشته شده است مر دستوری ترا رحمتهای تو و
وسلامك ورحمتك وبركاتك عليهم صوتي ليشفعوا الي اليك وتشفعهم
درود تو و رحمت تو و زیادتیهای تو بر ایشان باد صدای مرا تا آنکه درخواست کنند برای من بسوی تو و بپذیری شفاعت ایشانرا
فيّ ولا تردني خائبا بحق لا اله الا انت پس حاجتهای خود را طلب کن که برآورده
در حق من و باز نگردانی مرا نا امید بحق کلمه لا اله الا انت
است باب دوم
در اعمال هر ماه است بدانکه در وقت دیدن ماه نو خواه در شب اول و خواه در دویم
وخواه سیم مستحب است که دعاهای منقول را بخواند و بهترین آن دعاها دعاء هلال صحیفه
کامله است که دعای چهل و سیم است و هفت مرتبه سوره حمد خواندن برای
دفع درد چشم است و اندک پنیر خوردن گفته اند مستحب است و از حضرت صادق ع
منقول است که نیکو لقمه ایست پنیر دهان را شیرین و خوشبو میکند و اشتهای طعام
می آورد و باعث هضم طعام میشود و هر که در اول ماه بخورد حاجتش رد نمیشود
و از حضرت صادق ع منقول است که هر که در شب اول ماه دو رکعت نماز بکند
و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه سوره انعام بخواند و از حق تعالی سؤال کند که او را
از هر ترسی و دردی ایمن گرداند نبیند در آن ماه امری که مکروه او باشد و از حضرت امام
محمد

منقول

محمد نقی ع منقول است که چون ماه تازه در آید در روز اول ماه دو رکعت نماز بکن در رکعت
اول بعد از حمد سی مرتبه سوره قل هو الله احد بخوان و در رکعت دویم بعد از حمد سی
مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و بعد از نماز تصدق بکن چون چنین کنی سلامتی آن ماه
را از حق تعالی خریده و در روایت دیگر وارد شده است که مستحب است که بعد از این
دو رکعت این بسم الله الرحمن الرحيم وما من دابة في الارض الا على الله رزقها
دعا را بخوانند بنام خدای بخشاینده مهربان و نیست هیچ جنبنده در زمین مگر آنکه بر خداست روزی آن
ويعلم مستقرها ومستودعها كل في كتاب مبين بسم الله الرحمن الرحيم
و میداند قرارگاه آنرا در حیات و آرامگاه آنرا بعد از ممات و همه آنها مذکور شده در کتاب روشن بنام خدای بخشاینده مهربان
وان يمسسك الله بضر فلا كاشف له الا هو وان يردك بخير فلا
و اگر برساند ترا خدا آزاری و زیانی پس نیست هیچ دفع کننده مر آنرا بجز او و اگر خواهد بتو صحت و عافیت را
راد لفضله يصيب به من يشاء من عباده وهو الغفور الرحيم
هیچ برگرداننده فضل و رحمت او را نیست فضل خود را بهره خواهد از بندگان خود و اوست آمرزنده مهربان
بسم الله الرحمن الرحيم سيجعل الله بعد عسر يسرا ما شاء الله بعد
بنام خدای بخشاینده مهربان زود باشد که بدید کند خدا پس از دشواری آسانی آنچه خواست خدا میشود
عسر يسرا ما شاء الله لا قوة الا بالله حسبنا الله ونعم الوكيل
نیست توانائی مگر بتوفیق خدا بس است ما را خدا و خوب کارگزاری است
وافوض امري الى الله ان الله بصير بالعباد لا اله الا انت سبحانك
و باز میگذارم من کار خود را بسوی خدا بدرستی که خدا بیناست به بندگان نیست سزاوار پرستش مگر تو پاکی تو
اني كنت من الظالمين رب اني لما انزلت الي من خير فقير رب
بدرستی که من بودم از ستمکاران ای پروردگار من بدرستی که من برای آنچه فرو فرستی از خورش محتاجم ای پروردگار من
لا تذرني فردا وانت خير الوارثين و بدانکه از جمله سنتهای موکده حضرت
وامگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی

رسول ص بران مواظبت نمود تا از دنیا رفت روزهٔ سه روز هر ماه است و آن موافق
مشهور پنجشنبهٔ اول ماه و پنجشنبهٔ آخر ماه و چهارشنبهٔ اول از دههٔ میان ماه است و در بعضی
از روایات عکس این نیز وارد شده است یعنی چهارشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ آخر و
پنجشنبهٔ اول از دههٔ میان و اول الشهر بهتر است و سنن آنحضرت تالی واجبات است
در فضیلت و تاکید و آنحضرت نماز سنت را در هر شب و روز دو برابر نماز واجب مقرر
فرمود هشت رکعت نافله پیش از نماز ظهر و هشت رکعت پیش از نماز عصر و چهار رکعت
بعد از نماز شام و دو رکعت وتیره بعد از نماز خفتن و چون نشسته کرده میشود
برابر یک رکعت است و یازده رکعت نماز شب و دو رکعت پیش از نماز صبح و اینها
متمم فریضه اند و در ثواب و تاکید مثل آنند و مانند فریضه اگر ترک کنند سنت است
که قضا کنند و از برای ترک آن کفاره یکمد از گندم یا جو برای نافلهٔ روز و یکمد از
برای نافلهٔ شب مقرر کرده اند و همچنین روزهٔ سنت دو برابر روزهٔ واجب است
که تمام ماه شعبان است و در ده ماه دیگر هر ماه سه روز و اگر فوت شود سنت است
که قضا کنند و اگر در تابستان دشوار باشد سنت است که در زمستان قضا کنند و اگر
دشوار باشد بدل هر روز یک درهم بدهند که بحساب زر ده دانگی سه بیستی
و سه نار باشد و بحساب زرهای ناقص این زمان احوط چهارده غازبیگی است یا یکمد
گندم که بحساب وسط صد درم بوزن قدیم اصفهان باشد و اگر صد درم
شاه بدهند احوط است و درهم دادن بهتر است و بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقول است که حضرت رسول ص مدتی روزهٔ سنت را نقدر گرفت که مردم گمان کردند
که هرگز افطار نخواهد کرد و مدتی افطار کردند که دیگر روزهٔ سنت نخواهد گرفت
پس مدتی روزهٔ حضرت داود ع گرفت که یک روز روزه میداشت و یک روز
افطار میفرمود پس در آخر عمر اکتفا نمود بر روزهٔ سه روز در هر ماه بنحوی که گذشت

کردند گمان خ

تا آنکه

تا آنکه بر امت آسان باشد متابعت آنحضرت و فرمود که این روزه ثوابش برابر
با روزهٔ تمام سال و وساوس شیطانی را از سینه برطرف میکند راوی پرسید که
کدام روزهاست فرمود که پنجشنبهٔ اول و چهارشنبهٔ اول دههٔ دویم و پنجشنبهٔ
آخر پرسید که چرا این روزها را روزه میدارند فرمود برای آنکه عذاب بر امتهای
سابق در این روزها نازل میشده است پس امر کرد که در این روزها روزه بدارند
برای دفع عذاب و در روایت دیگر فرمود که پنجشنبه را برای این روزه میدارند
که اعمال بندگان را در این روز بر خدا عرض میکنند و چهارشنبهٔ میان را برای این روزه
میدارند که آتش جهنم در روز چهارشنبه خلق شده است و روزه سپر آتش جهنم
است و بروایت دیگر هر عذابی که بر امتهای گذشته نازل شده است در چهارشنبهٔ
میان نازل شده است و اگر در دههٔ اول دو پنجشنبه بوده باشد پنجشنبهٔ اول را
گرفتن بهتر است و اگر میسر نشود پنجشنبهٔ دویم را بگیرند و اگر در دههٔ آخر دو
پنجشنبه بوده باشد موافق مشهور پنجشنبهٔ دویم چنانکه در حدیث صحیح وارد
شده است و در روایت دیگر وارد شده است که پنجشنبهٔ اول بهتر است و بعضی
حمل کرده اند بر صورتی که محتمل باشد که پنجشنبهٔ دویم اول ماه دیگر باشد و بسند صحیح
از حضرت صادق ع منقول است که کسی که در هر ماه این سه روز را روزه دارد
باید که با هیچکس مجادله نکند و سفاهت و تندخویی و بیخردی نکند و مبادرت
نکند بسوگند خوردن بخدا و اگر کسی با او سفاهت و بیخردی کند در گذرد و با او
معارضه نکند و اگر در این ایام روزه باشد و بخانهٔ برادر مؤمن وارد شود و
او تکلیف کند افطار کردن بهتر است از روزه داشتن بهفتاد برابر یا نود
برابر چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقول است و در حدیث صحیح
دیگر فرمود که هر که داخل شود بخانهٔ برادر مؤمن خود و روزه باشد و افطار کند و

افضل است م

اظهار نکند که من روزه ام که بر او منت گذارد حق تعالی ثواب روزه یکسال برای
او مینویسد و اگر این سه روز را در اول ماه یا میان یا آخر ماه بعمل آورد خوب است
و فی الجمله متابعت سنت کرده است و ثواب روزه سالی یابد چنانچه
حق تعالی میفرماید مَن جاءَ بِالحَسَنَةِ فَلَهُ عَشرُ أَمثالِها یعنی هر که حسنه بدرگاه
خدا بیاورد برای اوست ده برابر آن و این مضمون در احادیث بسیار وارد
شده است اما بهتر آنست که بنحوی باشد که اول مذکور شد و از جمله روزهای
سنت هر ماه روزه ایام البیض است یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه و احادیث
در فضیلت این سه روز از طریق عامه و خاصه منقول است و در بعضی از روایات
وارد شده است که چون حضرت آدم ع مرتکب آن مکروه شد و از بهشت او را بزمین
فرستادند بدنش سیاه بود یا بعد از قبول توبه خط سیاهی از [illegible] او مانده بود
چون ملئکه این حالت را از او دیدند خروش برآوردند و گریستند و استغاثه کردند
بدرگاه حق تعالی پس منادی از آسمان ندا کرد که امروز را روزه بدار و آن روز
سیزدهم ماه بود چون روزه داشت ثلث از سیاهی بر طرف شد پس در روز چهاردهم
ندا رسید که امروز را نیز روزه بدار چون روزه داشت یک ثلث دیگر بر طرف
شد پس ندا باو رسید از آسمان که ای آدم روزه چون روزه داشت تمام سیاهی بر طرف — در روز پانزدهم از
شد پس باو ندا رسید از آسمان که ای آدم روزه این سه روز را برای تو و فرزندان تو
مقرر کردم هر که در هر ماه این سه روز را روزه بدارد چنان باشد که در تمام عمر خود
روزه باشد و ابن بابویه ره گفته است که روزه دو پنجشنبه و چهارشنبه بدل ایام البیض مقرر شده — البیض
است و منافات ندارد که هر دو سنت باشد و پنجشنبه اول و آخر و چهارشنبه میانی بهتر
باشد لیکن اکثر احادیث ایام البیض از طرق عامه است و ابن طاوس ره از حضرت رسول ص روایت
کرده است که جبرئیل بر من نازل شد و گفت بگو بعلی ع که روزه بدارد هر ماه سه روز تا نوشته

شود برای تو بسبب روزه روز اول روزه ده هزار سال و بروزه روز دویم سی
هزار سال و بروزه روز سیم صد هزار سال حضرت امیر گفت یا رسول الله این مخصوص
من است یا برای همه کس است حضرت فرمود که هر که از شیعیان تو این روزها را روزه بدارد
این ثواب برای او خواهد بود گفتم کدام روزهاست از ماه فرمود که سیزدهم و چهاردهم
و پانزدهم آن و از جمله روزهای مرغوب روزه روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه است
برای کسی که حاجتی داشته باشد چنانکه در ربیع الاسابیع در ضمن نمازهای حاجت
ذکر کرده ام و مشهور میان علماء آنست که هر پنجشنبه و جمعه را روزه گرفتن سنت است
مگر آنکه موافق یکی از ایام محرمه یا مکروهه واقع شود و بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقول است که کسی که اراده عمل خیری داشته باشد مانند تصدق کردن و روزه
داشتن و مثال اینها باید که در روز جمعه بعمل آورد زیرا که ثواب عمل در روز جمعه مضاعف است
و ابن جنید [illegible] نیست روز جمعه را تنها روزه گرفتن و اگر ملحق سازد
بآن یکروز پیش یا یکروز بعد را جائز است و گفته است استحباب روزه روز دوشنبه
و پنجشنبه منسوخ است و روزه دوشنبه نهی از آن وارد شده است مؤلف گوید
که اکثر آنچه ابن جنید گفته خلاف مشهور میان علماء است و شیخ طوسی علیه الرحمه در مصباح
گفته است که ترغیب در روزه روز جمعه وارد شده است و بهتر آنست که آنرا
تنها روزه ندارند مگر آنکه یکروز پیشتر روزه بدارد و گمان فقیر آنست که نهی
از تنها گرفتن روزه روز جمعه محمول بر تقیه است زیرا که سنیان این حدیث را از
ابو هریره نقل کرده اند و بعضی از علماء نهی از روزه جمعه را حمل کرده اند بر آنکه
کراهت آن در صورتیست که او را ضعیف گرداند از فرائض و نوافل و دعاهای
روز جمعه و این حمل بد نیست و اما روز دوشنبه احادیث بر نهی از روزه آن واقع
شده است و بهتر ترک است خصوصا هرگاه بقصد برکت روز دوشنبه باشد مگر آنکه

بار روزه شریکی از روزهای ماه موافق شود مثل غدیر و مبعث و مولد و امثال اینها
و نهی از روزهٔ شنبه بنظر فقیر نرسیده اما فضیلتی هم در روزهٔ آن بخاطر ندارم
مگر آنکه شیخ مفید قدس سره روایت کرده است که هر که در یکی از ماههای
حرام یعنی رجب و ذی القعده و ذی الحجه و محرم پنجشنبه و جمعه و شنبه را روزه بدارد
حق تعالی برای او ثواب عبادت نهصد سال بنویسد باب یازدهم
در بیان زیارات حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم است بغیر آنچه
سابقا مذکور شد بدانکه زیارت حضرت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم
در همه اوقات از نزدیک و دور مستحب است و اگر بعد از غسل باشد افضل است
خصوصا در شب و روز جمعه و سایر ایام و لیالی متبرکه و در کتاب تحفة الزائر تفصیل
ذکر کرده ام و در این مقام بذکر چند زیارت بعید و زیارت جامعه و دعا و ندبه و صلوات
فرستادن بر ایشان اکتفا مینمایم اما زیارت حضرت رسالت ص از حضرت رسول ص
منقول است که خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من
سلام میفرستد بمن میرسانند و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که ملکی از ملائکه
از خدا سؤال نمود که هر چه بندگان خدا گویند او بشنود و حق تعالی باو عطا کرد پس آن ملک
ایستاده است تا روز قیامت و هر که از مؤمنان بگوید صلی الله علی محمد و آله
و سلم البته آن ملک میگوید و علیک یعنی بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا
رسول الله فلان شخص سلام رسانیده است بر شما پس حضرت میفرماید و علیه السلام
یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که حضرت رسول ص
فرمود که هر که در هر جای زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند
بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم و در حدیث حسن از حضرمی منقول است
که حضرت صادق ع مرا امر فرمود که در مسجد رسول خدا ص بسیار نماز کنم تا توانم و فرمود
که

که همیشه ترا میسر نمیشود که باین مکان شریف بیایی و فرمود که نزد قبر رسول ص میروی
گفتم بلی فرمود که بدرستی که سلامی که از نزدیک میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی
سلامت بآنحضرت میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است که بر وید
بر مدینه و سلام کنید بر رسول خدا ص هر چند صلوات مؤمنان در هر جا که بفرستند
بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقول است که صلوات فرستید بر حضرت
رسول در پهلوی قبر آنحضرت هر چند صلوات مؤمنان هر جا که باشند بآنحضرت میرسد
و این حدیث احتمال نماز هدیه دارد که از نزدیک و دور نماز کنند و ثوابش را هدیه روح
مقدس آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت در شهرهای دور
بسیار است و بسند صحیح منقول است که ابن ابی نصر بخدمت حضرت امام رضا ع
عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر حضرت رسول ص باید فرستاد فرمود
که میگویی السَّلامُ عَلَيْكَ يا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ
سلام بر تو ای رسول خدا و بخشایش خدا و زیادتیهای او سلام بر تو
يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبِيبَ
ای محمد فرزند عبدالله سلام بر تو ای برگزیدهٔ خدا سلام بر تو ای دوست
اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا صِفْوَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا أَمِينَ اللهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ
خدا سلام بر تو ای دوست خالص خدا سلام بر تو ای معتمد خدا گواهی میدهم که بتحقیق تو
رَسُولُ اللهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ
رسول خدا و گواهی میدهم بدرستی که توئی محمد فرزند عبدالله و گواهی میدهم که تو بتحقیق پند دادی
لِأُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّى أَتاكَ الْيَقِينُ فَجَزاكَ
امت خود را و کارزار نمودی در راه پروردگار خود و پرستیدی او را تا آنکه آمد ترا مرگ پس جزا دهد ترا
اللهُ يا رَسُولَ اللهِ أَفْضَلَ ما جَزى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ اللّهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ
خدا ای رسول خدا بهترین پاداشی که داده پیغمبری را از امت او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل

٢ محمد بن عبدالله

محمدٍ افضل ما صلّيت علی ابراهیم وآلِ ابراهیم انّک حمیدٌ مجیدٌ و در روایت
محمد بهترین رحمتی که فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم بدرستی که تو ستوده بزرگواری معتبره از حضرت
صادق ع منقول است که هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت رسول ص و قبر حضرت
امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین را و قبرهای حجتهای خدا را صلوات الله علیهم
اجمعین و او در شهر خود باشد پس غسل کند در روز جمعه و دو جامه پاکیزه بپوشد
و بیرون رود بصحرایی پس چهار رکعت نماز بگذارد با هر سوره که میسّر شود پس بایستد
رو بقبله السّلام علیک ایّها النّبیّ و رحمة الله و برکاته السّلام علیک
و بگوید سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت خدا و برکتهای او سلام بر تو
ایّها النّبیّ المرسل والوصیّ المرتضی والسّیّدة الزّهراء والسّبطان — والسّیّدة الکبری
ای پیغمبر فرستاده شده وای وصی پسندیده وای خواتین درخشنده وای دو فرزند زاده
المنتجبان والاولاد الاعلام والامناء المنتجبون جئت انقطاعا
برگزیده پیغمبر وای فرزندان پیغمبر که نشانهای هدایت و امانت داران برگزیده که آمدم بریده از خلق
الیکم والی ابائکم و ولدکم الخلف علی برکة الحقّ فقلبی لکم مسلّم و
بسوی شما و بسوی پدران شما و فرزندان شما که جانشین شما برزیادتی راستی پس دل من برای شما منقاد است و
نصرتی لکم معدّة حتّی یحکم الله لدینه فمعکم معکم لا مع عدوّکم
یاری من برای شما مهیاست تا آنکه حکم کند خدا برای دین خود پس هستم با شما با شما نه با دشمن شما
انّی لمن القائلین بفضلکم مقرّ برجعتکم لا انکر لله قدرة ولا
بدرستی که من هر آینه از آنانم که قایلند بفضل شما اقرار دارنده ام بباز گشت شما انکار نمیکنم برای خدا قدرتی را و اعتقاد
ازعم الّا ما شاء الله سبحان الله ذی الملک والملکوت یسبّح الله
نمیکنم مگر آنچه را که خواسته خدا پاکست خدا خداوند سلطنت و پادشاهی تنزیه میکنند خدا را
باسمائه جمیع خلقه والسّلام علی ارواحکم واجسادکم والسّلام علیکم
بنامهای او همه خلق او و سلام بر جانهای شما و بدنهای شما و سلام بر شما
و رحمة

در رحمت خدا و برکتهای او
ورحمة الله وبرکاته و در روایت دیگر وارد شده است که این زیارت را در
بام خانه خود بکن و زیارت حضرت فاطمه صلوات الله علیها بسندهای معتبر از
سدیر صراف منقول است که گفت حضرت صادق ع بمن فرمود که چه مانع است ترا
از اینکه زیارت کنی قبر امام حسین ع را در هر هفته پنج مرتبه یا در هر روز یکمرتبه گفتم فدای
تو شوم میان من و آنحضرت فرسخهای بسیار هست فرمود که بالا میروی بربام خانه خود پس
ملتفت میشوی بجانب راست و چپ خود پس سر خود را بسوی آسمان بلند میکنی
پس رو بجانب قبر آنحضرت میگردانی و میگویی السّلام علیک یا ابا عبد
الله السّلام علیک یا ابن رسول الله
سلام بر تو ای ابا عبد الله سلام بر تو ای فرزند رسول خدا
السّلام علیک ورحمة الله وبرکاته
سلام بر تو و رحمت خدا و برکتهای او
تا نوشته شود برای تو ثواب حجّی و عمرهٔ سدیر گفت بسیار هست که در روزی
بیست مرتبه چنین زیارت میکنم و بسند صحیح از آنحضرت منقول است که کسی که نا خانه اش
بعید و خانه اش دور باشد از ما پس بالا رود ببام خانه خود و دو رکعت نماز بگذارد
و اشاره کند بسلام بسوی قبرهای ما که آن سلام بما میرسد و در حدیث معتبر منقول است
از سلیمان بن عیسی که گفت پدرم عرض کرد بخدمت حضرت صادق ع که چگونه ترا زیارت
کنم هرگاه قادر بر آمدن بخدمت تو نباشم فرمود که ای عیسی هرگاه قادر بر آمدن نباشی
چون روز جمعه شود غسل کن یا وضو بساز و بالا رو بر بام خانه خود و دو رکعت نماز
بکن و متوجه شو بسوی من بدرستی که هر که مرا زیارت کند در حیات من چنان است که مرا
زیارت کرده است بعد از موت من و کسی که زیارت کند در حیات من چنان است
که مرا زیارت کرده باشد در حیات من مؤلف گوید که این حدیث دلالت میکند بر آنکه
در این زمانها حضرت صاحب الامر ع را در همه موضع زیارت توان کردن و اگر رو
بسامره کند در وقت زیارت بهتر است و بعضی از زیارات مخصوصهٔ آنحضرت

سابقا مذکور شد و اما زیارت حضرت امام حسن صلوات الله علیه

مذکور خواهد شد ان شاء الله تعالی و در حدیث معتبر دیگر مرویست که حضرت صادق ع
بسدیر فرمود که بسیار زیارت میکنی قبر حسین ع را گفت از بسیاری شغل مرا مقدور نمیشود فرمود
که میخواهی ترا تعلیم چیزی نمایم که هر گاه بکنی از برای تو ثواب زیارت آنحضرت نوشته شود
گفت بلی فدای تو شوم فرمود که غسل بکن در خانه خود و بالا رو ببام خانه خود و اشاره کن
بجانب آنحضرت بسلام کردن تا نوشته شود برای تو ثواب زیارت و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که حنان بن سدیر رفت بخدمت حضرت صادق ع و نزد آنحضرت جماعتی
از اصحاب او بودند پس فرمود که ای حنان زیارت حضرت امام حسین ع میکنی هر ماه
یکمرتبه گفت نه فرمود که هر دو ماه یکمرتبه گفت نه فرمود که هر سال یکمرتبه گفت نه
فرمود که چه بسیار جفاکارید بسید و آقای خود گفت یا ابن رسول الله مانع من
کمی توشه و دوری مسافت است فرمود که میخواهی که شما را دلالت کنم بر زیارتی که مقبول
باشد هر چند زیارت کننده دور باشد گفت چگونه زیارت کنم یا ابن رسول الله
فرمود که غسل کن روز جمعه یا هر روز که خواهی و بپوش پاکیزه ترین جامهای
خود را و بالا رو بر بلندترین بامهای خانه خود یا برو بصحرایی و رو بجانب قبر کن و بگو
السّلام علیک یا مولای و ابن مولای و سیّدی و ابن سیّدی السّلام
سلام بر تو ای صاحب اختیار من و فرزند صاحب اختیار من ای آقای من و فرزند آقای من سلام
علیک یا مولای یا قتیل ابن القتیل الشهید ابن الشهید السّلام علیک
یا مولای القتیل ابن
بر تو ای مالک امر من ای مقتول فرزند مقتول ای شهید فرزند شهید سلام بر تو
و رحمة الله و برکاته انا زائرک یا ابن رسول الله بقلبی و لسانی و جوارحی
و رحمت خدا و برکتهای او من زیارت کننده ام ترا ای فرزند رسول خدا بدل خود و زبان خود و اعضای خود
و ان لم ازرک بنفسی و المشاهدة لقبّتک فعلیک السّلام یا وارث آدم
و اگر چه زیارت نکردم ترا بآنکه نزدیک شوم و ببینم گنبد بارگاه ترا پس بر تو باد سلام ای وارث آدم
صفوة

صفوة الله و وارث نوح نبیّ الله و وارث ابراهیم خلیل الله و وارث
موسی کلیم الله و وارث
برگزیده خدا ای وارث نوح پیغمبر خدا ای وارث ابراهیم دوست خدا ای وارث
موسی هم سخن خدا ای وارث
عیسی روح الله و کلمته و وارث محمّد حبیب الله و نبیّه و رسوله
عیسی روح خدا و کلمه او ای وارث محمد دوست خدا و پیغمبر او و فرستاده او
و وارث علیّ امیر المؤمنین و وصیّ رسول الله و خلیفته و وارث
ای وارث علی پادشاه گروندگان و وصی رسول خدا و جانشین او ای وارث
الحسن بن علیّ وصیّ امیر المؤمنین لعن الله قاتلیک و جدّد علیهم العذاب
حسن پسر علی وصی پادشاه گروندگان لعنت خدا کشندگان ترا و تازه کند بر ایشان عذاب
فی هذه الساعة و فی کلّ ساعة انا یا سیّدی متقرّب الی الله عزّ و جلّ
در این ساعت و در هر ساعتی من ای آقای من نزدیکی جوینده ام بسوی خدا بزرگوار
و غالب
و الی جدّک رسول الله و الی ابیک امیر المؤمنین و الی اخیک الحسن
و بسوی جد تو جد تو رسول خدا و بسوی پدر تو پادشاه گروندگان و بسوی برادر تو حسن
و الیک یا مولای علیک سلام الله و رحمته و برکاته بزیارتی لک
و بسوی تو ای مالک امر من بر تو درود خدا و رحمت او و زیادتیهای او و بوسیله زیارتم ترا
بقلبی و لسانی و جمیع جوارحی فکن یا سیّدی شفیعی لقبول ذلک منّی
بدل خود و زبان خود و همه اعضای خود پس باش ای بزرگ من درخواست کننده من برای پذیرفتن آن از من
و انا بالبراءة من اعدائک و اللعنة لهم و علیهم اتقرّب الی الله
بذلک
و من به بیزاری جستن از دشمنان تو و لعنت کردن بایشان و بر ایشان نزدیکی میجویم بسوی خدا
و الیکم اجمعین فعلیک صلوات الله و رحمته و رضوانه پس اندکی میگردی
و بسوی شما همگی پس بر تو باد رحمتهای خدا و بخشایش او و خشنودی او
بجانب چپ خود و رو میگردانی بسوی قبر علی بن الحسین ع که او نزد پای پدر خود مدفون است

وسلام میکنی مثل این سلام پس دعا میکنی و میطلبی از خدا حاجتهای دنیا و آخرت
خود را پس چهار رکعت نماز میکذاری که نماز زیارت هشت رکعت است یا شش رکعت
یا چهار رکعت یا دو رکعت و بهترش هشت رکعت است پس رو میکنی بجانب قبر امام حسین ع
و میکویی أَنَا مُوَدِّعُكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي وَ
من وداع کننده ام ترا ای صاحب اختیار من و پسر صاحب اختیار من و آقای من و فرزند آقای من و
مُوَدِّعُكَ يَا سَيِّدِي وَابْنَ سَيِّدِي يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُوَدِّعُكُمْ يَا سَادَتِي
وداع کننده ام ترا ای آقای من و فرزند آقای من ای علی فرزند حسین و وداع کننده ام شما را ای آقایان من
يَا مَعْشَرَ الشُّهَدَاءِ فَعَلَيْكُمْ سَلَامُ اللَّهِ وَرَحْمَتُهُ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ مؤلف
ای کروه شهیدان پس بر شما باد سلام خدا و بخشایش او و برکتهای او و خشنودی او
کوید چون عبارت این حدیث تشویش و اضطرابی دارد و چند احتمال دارد بهتر است
که همین زیارت را با وداع چنانچه رو بقبر شریف میخوانند و بقبله نیز بکنند و بخوانند
تا آنکه بهمه احتمالات عمل کرده باشد و در زیارت علی بن الحسین بجای یا وارث
در همه جا یا ابن وارث بخواند یا از وارث قصد وراثت و امامت و خلافت
نکند زیرا که آنحضرت امام نبوده است و بدانکه این حدیث دلالت میکند بر اینکه
از دور که زیارت کنند نماز زیارت را بعد از زیارت باید که بکنند و احادیث
پیش دلالت کرد بر آنکه پیش باید بکنند و دو رتبت که مخیر باشند و اگر این زیارت را
کنند بهمین نحو که وارد شده است بکنند و از این احادیث معلوم شد که غسل از برای
زیارت بعید مستحب است و از بعضی مفهوم شد که بی غسل نیز میتوان کرد و از بعضی
عموما مستفاد میشود که بر هر حالی توان کرد چنانچه اکثر علماء کفته اند و اکر در
بام خانه یا صحراء واقع سازد احوط و اولی است و در حدیث معتبر از حسین بن ثویر
منقول است که بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که من بسیار حضرت امام حسین ع را
یاد

یاد میکنم در آن وقت چه بکویم فرمود که سه مرتبه بکو صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
که سلام بر آنحضرت میرسد از نزدیك و دور و شیخ طوسی ذکر کرده است
که زیارت میتوان کرد ائمه علیهم السلام را از دور چنانچه از نزدیك ایشان را زیارت
میکنند اما در جایی که أَتَيْتُكَ زَائِراً باشد نکوید بلکه بکوید قَصَدْتُكَ بِقَلْبِي
زَائِراً إِذْ عَجَزْتُ عَنْ حُضُورِ مَشْهَدِكَ وَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ سَلَامِي لِعِلْمِي أَنَّهُ
زیارت کننده زیرا که عاجز بودم از حاضر شدن مشهد ترا و روآوردم بسوی تو بدرود و فرستادن خودم که علیم تا
يَبْلُغُكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ فَاشْفَعْ لِي عِنْدَ رَبِّكَ جَلَّ وَعَزَّ وَ دعا کن آنچه
پیام من میرسد بتو رحمت بفرستد خدا بر تو پس درخواست کن برای من نزد پروردگارت که بزرگوار و غالب است
خواهی و بعضی
از اکابر علماء روایت کرده است از ابو الحسن قادسی که کفت من بسیار بزیارت حضرت
امام حسین ع میرفتم پس چندی بسبب پیری و کمی مال توفیق زیارت آنحضرت نیافتم
پس شبی حضرت رسول ص را در خواب دیدم که حضرت امام حسن و حضرت امام
حسین علیهما السلام در خدمت آنحضرت بودند چون نزدیك ایشان رسیدم امام
حسین ع کفت یا رسول الله این مرد مرا بسیار زیارت میکرد و اکنون ترک کرده است
حضرت رسول ص متوجه من کردید که آیا ترك زیارت مثل حسین میتوان کرد کفتم
یا رسول الله مرا قلت مال و پیری مانع ادراك این سعادت کردیده است حضرت
فرمود که هر شب بر بام خانه برو و با انکشت شهادت بسوی قبر آنحضرت اشاره کن
و بکو السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى جَدِّكَ وَأَبِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أُمِّكَ وَ
سلام بر تو و بر جد تو و پدر تو سلام بر تو و بر مادر تو و
أَخِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ
برادر تو سلام بر تو و بر پیشوایان از فرزندان تو سلام بر تو ای صاحب
الدَّمْعَةِ السَّاكِبَةِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمُصِيبَةِ الرَّاتِبَةِ لَقَدْ أَصْبَحَ
سرشک روان سلام بر تو ای خداوند مصیبت ثابت هر آینه بتحقیق کردید

فضل کرده زیارت را
مؤلف کوید
فرموده

كِتابُ اللهِ فيكَ مَهجورًا وَ رَسولُ اللهِ فيكَ مَوتورًا اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَرَحمَةُ
كتاب خدا در حق تو فرو گذاشته شده و رسول خدا درباره تو خون دار شده سلام بر تو و بخشایش
اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلى اَنصارِ اللهِ وَخُلَفائِهِ اَلسَّلامُ عَلى اُمَناءِ اللهِ
خدا و زیادتیهای خدا سلام بر یاوران خدا و خلیفهای او سلام بر امانت داران خدا
وَاَحِبّائِهِ اَلسَّلامُ عَلى مَحالِّ مَعرِفَةِ اللهِ وَمَعادِنِ حِكمَةِ اللهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ
و دوستان او سلام بر جاهای شناخت خدا و قرارگاههای حکمت و علم خدا و ضبط کنندگان راز
اللهِ وَحَمَلَةِ كِتابِ اللهِ وَاَوصِياءِ نَبِيِّ اللهِ وَذُرِّيَّةِ رَسولِ اللهِ صَلَّى
خدا و بردارندگان کتاب خدا و وصیهای پیغمبر خدا و فرزندان رسول خدا رحمت فرستاد
اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ پس هر حاجت که خواهی از خدا سؤال
خدا براو و آل او و رحمت خدا و برکتهای او کن پس اگر چنین کنی زیارت تو از دور
و نزدیک هر دو مقبول است واما زیارت سائر ائمه علیهم السلام از نزدیک و دور بهترین
آنها زیارت جامعه است که ابن بابویه و دیگران بسند معتبر روایت کرده اند که شخصی از
حضرت امام علی نقی علیه السلام سؤال نمود که ای فرزند رسول خدا بمن تعلیم نما سخنی بلیغ کاملی که اگر
بخوانم هرگاه زیارت کنم یکی از شما را فرمود که چون بدرگاه برسی بایست و بگو اَشهَدُ اَن
لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحدَهُ لا شَريكَ لَهُ وَاَشهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَآلِهِ عَبدُهُ وَ
نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه یگانه است نیست شریک برای او و گواهی میدهم اینکه محمد رحمت فرستد خدا براو و آل او بنده او
رَسولُهُ و باید که با غسل باشی پس چون داخل شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه
اللهُ اکبر بگو پس راه برو با آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک بیکدیگر بگذار پس
بایست و سی مرتبه الله اکبر بگو پس نزدیک قبر برو و چهل مرتبه الله اکبر بگو که صد تکبیر
تمام شود اَلسَّلامُ عَلَيكُم يا اَهلَ بَيتِ النُّبُوَّةِ وَمَوضِعَ الرِّسالَةِ وَمُختَلَفَ المَلائِكَةِ
پس بگو سلام بر شما باد ای اهل خانه پیغمبری و محل پیغامهای الهی و محل آمد و رفت فرشتگان

ومهبط

وَمَهبِطَ الوَحيِ وَمَعدِنَ الرَّحمَةِ وَخُزّانَ العِلمِ وَمُنتَهَى الحِلمِ وَاُصولَ
و جای فرود آمدن وحی خدا و قرارگاه رحمت خدا و خزینه داران علم الهی و صاحبان نهایت بردباری و ریشه
الكَرَمِ وَقادَةَ الاُمَمِ وَاَولِياءَ النِّعَمِ وَعَناصِرَ الاَبرارِ وَدَعائِمَ
کرمهای خدا و کشندگان امتهای بسوی راه حق و وسیلههای جمیع نعمتهای خدا و اصل جمیع نیکوکاران و ستون ابقای جمیع
الاَخيارِ وَساسَةَ العِبادِ وَاَركانَ البِلادِ وَاَبوابَ الايمانِ وَ
برگزیدگان و تادیب کنندگان جمیع بندگان و موجب بقای همگی شهرهای دنیا و درهای ایمان
اُمَناءَ الرَّحمٰنِ وَسُلالَةَ النَّبِيّينَ وَصَفوَةَ المُرسَلينَ وَعِترَةَ خِيَرَةِ
امینان خداوند مهربان و فرزندان پیغمبران علیهم السلام و برگزیده پیغمبران و فرزند برگزیده
رَبِّ العالَمينَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلى اَئِمَّةِ الهُدىٰ وَ
پروردگار جهانیان و بر شما باد رحمت خدا و برکتهای او سلام بر پیشوایان راه هدایت و
مَصابيحِ الدُّجىٰ وَاَعلامِ التُّقىٰ وَذَوِي النُّهىٰ وَاُولِي الحِجىٰ وَكَهفِ
چراغهای تاریک جهالت و نشانهای راه پرهیزکاری و صاحبان عقل و ارباب زیرکی و پناه همه
الوَرىٰ وَوَرَثَةِ الاَنبِياءِ وَالمَثَلِ الاَعلىٰ وَالدَّعوَةِ الحُسنىٰ وَ
خلایق و وارثان جمیع پیغمبران و مثل بلند خدا و دعای نیکو
حُجَجِ اللهِ عَلىٰ اَهلِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ وَالاُولىٰ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ
و حجتهای خدا بر اهل دنیا و بر پسینیان و پیشینیان از امتهای گذشته رحمتهای خدا بر ایشان باد و نعمتهای خدا
اَلسَّلامُ عَلَى الدُّعاةِ اِلَى اللهِ وَالاَدِلّاءِ عَلىٰ مَرضاةِ اللهِ وَالمُستَقِرّينَ
سلام بر آنها که خوانندگان خلق بسوی خدا و راهنمایان بر خشنودی خدا و قرار یافتگان
فِي اَمرِ اللهِ وَالتّامّينَ فِي مَحَبَّةِ اللهِ وَالمُخلِصينَ فِي تَوحيدِ اللهِ وَالمُظهِرينَ
در خلافت خدا و کاملان در دوستی خدا و خالص گردانندگان خود و دیگران در توحید خدا و ظاهر کنندگان
لِاَمرِ اللهِ وَنَهيِهِ وَعِبادِهِ المُكرَمينَ الَّذينَ لا يَسبِقونَهُ بِالقَولِ وَهُم
امر خدا و نهی خدا و بندگان گرامی خدا آنانی که پیشی نمیگیرند بر خدا بگفتار و ایشان

السلام علی محال معرفة الله ومساکن برکة الله ومعادن حکمة الله وحفظة سر الله وحملة کتاب الله واوصیاء

والمستوفرین

بأمره يعملون ورحمة الله وبركاته السلام على الأئمة الدعاة والقادة
الهداة والسادة الولاة والذادة الحماة وأهل الذكر وأولي الأمر
وبقية الله وخيرته وحزبه وعيبة علمه وحجته وصراطه ونوره
ورحمة الله وبركاته أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له
كما شهد الله لنفسه وشهدت له ملائكته وأولو العلم من خلقه
لا إله إلا هو العزيز الحكيم وأشهد أن محمدا عبده المنتجب ورسوله
المرتضى أرسله بالهدى ودين الحق ليظهره على الدين كله ولو كره
المشركون وأشهد أنكم الأئمة الراشدون المهديون المعصومون
المكرمون المقربون المتقون الصادقون المصطفون المطيعون
لله القوامون بأمره العاملون بإرادته الفائزون بكرامته اصطفاكم
بعلمه وارتضاكم لغيبه واختاركم لسره واجتباكم بقدرته وأعزكم

بهداه

بهداه وخصكم ببرهانه وانتجبكم لنوره وأيدكم بروحه ورضيكم
خلفاء في أرضه وحججا على بريته وأنصارا لدينه وحفظة لسره
وخزنة لعلمه ومستودعا لحكمته وتراجمة لوحيه وأركانا
لتوحيده وشهداء على خلقه وأعلاما لعباده ومنارا في بلاده و
أدلاء على صراطه عصمكم الله من الزلل وآمنكم من الفتن و
طهركم من الدنس وأذهب عنكم الرجس أهل البيت وطهركم
تطهيرا فعظمتم جلاله وأكبرتم شأنه ومجدتم كرمه وأدمتم
ذكره ووكدتم ميثاقه وأحكمتم عقد طاعته ونصحتم له في السر
والعلانية ودعوتم إلى سبيله بالحكمة والموعظة الحسنة وبذلتم
أنفسكم في مرضاته وصبرتم على ما أصابكم في جنبه وأقمتم الصلاة
وآتيتم الزكاة وأمرتم بالمعروف ونهيتم عن المنكر وجاهدتم في الله

حق جهاده حتى اعلنتم دعوته وبينتم فرائضه واقمتم حدوده ونشرتم
چنانچه سزاوار جهاد بود تا آشکارا کردید دین او را و بیان کردید واجبات او را و برپا داشتید حدهای او را و پهن کردید

شرائع احكامه وسننتم سنته وصرتم في ذلك منه الى الرضا وسلمتم
مسایل احکام او را و ظاهر گردانیدید راههای او را و گردیدید در جهاد از خدا بسوی خشنودی و گردید

له القضاء وصدقتم من رسله من مضى فالراغب عنكم مارق و
برای خدا قضاهای او را و تصدیق کردید از پیغمبران خدا هر را که گذشته پس هر که رغبت کند از شما بسوی دیگر از دین بدر رفته

اللازم لكم لاحق والمقصر في حقكم زاهق والحق معكم وفيكم ومنكم و
هر که لازم طریق شما باشد ملحق شده و هر که کوتاهی در حق شما کند هالک است و حق با شماست و در میان شماست و از شماست و باز گشت او

اليكم وانتم اهله ومعدنه وميراث النبوة عندكم واياب الخلق اليكم
بسوی شماست و شمایید اهل حق و محل قرار حق و میراث پیغمبری نزد شماست و بازگشت خلق در قیامت بسوی شماست

وحسابهم عليكم وفصل الخطاب عندكم وآيات الله لديكم وعزائمه فيكم
و حساب ایشان بر شماست و جدا کننده حق و باطل نزد شماست و آیتهای خدا نزد شماست و امور لازمه خدا در شماست

ونوره وبرهانه عندكم وامره اليكم من والاكم فقد والى الله و
و نور خدا و برهان خدا نزد شماست و امر خدا بسوی شماست هر که دوستی شما کند پس بتحقیق دوست داشته است خدا را

من عاداكم فقد عادى الله ومن احبكم فقد احب الله ومن ابغضكم
هر که دشمنی کند با شما پس بتحقیق دشمنی کرده خدا و هر که دوست شما است پس بتحقیق او دوست خداست و هر که دشمن شماست

فقد ابغض الله ومن اعتصم بكم فقد اعتصم بالله انتم السبيل الاعظم
پس بتحقیق او دشمن خداست و هر که چنگ در متابعت شما زند پس بتحقیق چنگ در متابعت خدا زده شمایید راه بزرگ خدا

والصراط الاقوم وشهداء دار الفناء وشفعاء دار البقاء والرحمة
و راه راست خدا و گواهان خانه نیستی دنیا و شفیعان خانه باینده که آخرت و رحمت

الموصولة والآية المخزونة والامانة المحفوظة والباب المبتلى به الناس
پیوسته و علامت بزرگ خدا که خزینه نهاده و امانت خدا که بر مردم حفظ آن لازم شده و در گاهی که امتحان کرده بآن مردم

من

من اتاكم فقد نجى ومن لم يأتكم فقد هلك الى الله تدعون وعليه
هر که نزد شما آمد پس بتحقیق نجات یافت و هر که نیامد نزد شما پس بتحقیق هلاک شد بسوی خدا میخوانید و براه

تدلون وبه تؤمنون وله تسلمون وبامره تعملون والى سبيله ترشدون
دلالت میکنید و بخدا ایمان میآورید و از برای او انقیاد مینمایید و با مر او عمل میکنید و بسوی راه او ارشاد میکنید

وبقوله تحكمون سعد والله من والاكم وهلك من عاداكم وخاب
و بگفته او حکم میکنید سعادتمند شد هر که با شما دوستی کرد و هلاک شد هر که با شما دشمنی کرد و نا امید شد

من جحدكم وضل من فارقكم وفاز من تمسك بكم وامن من لجأ
هر که انکار شما کرد و گمراه شد هر که از شما جدا شد و رستگار شد هر که چنگ زد بشما و ایمن شد هر که پناه آورد

اليكم وسلم من صدقكم وهدي من اعتصم بكم من اتبعكم فالجنة
بسوی شما و بسلامت ماند هر که تصدیق کرد شما را و هدایت یافت هر که دست زد بشما هر که متابعت شما کرد پس بهشت جای

ماواه ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم كافر ومن حاربكم
اوست و هر که مخالفت کرد شما را پس آتش جهنم قرارگاه اوست و هر که باز دارد شما را کافر است و هر که با شما جنگ کرد

مشرك ومن رد عليكم فهو في اسفل درك من الجحيم اشهد ان هذا
بخدا شرک آورده و هر که رد کرد بر شما در پایین ترین جایست از جهنم گواهی میدهم که این چیزهایی که گفتم

سابق لكم فيما مضى وجار لكم فيما بقي وان ارواحكم ونوركم
پیش بوده است از برای شما در گذشتها و جاریست برای شما در آینده و اینکه روحهای شما و نور شما

وطينتكم واحدة طابت وطهرت بعضها من بعض خلقكم الله انوارا
و طینت شما یکیست و حال آنکه نیکو است و پاکست بعضی از آن از بعضی آفرید شما را خدا نورها چند

فجعلكم بعرشه محدقين حتى من علينا بكم فجعلكم في بيوت اذن
پس گردانید شما را بعرش خود احاطه کرده تا آنکه منت نهاد بر ما پس گردانید شما را در خانه چند که مقدر فرموده

الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم وما خصنا به
خدا که بلند شود و یاد کرده شود در آنها نام خدا و گردانید درودهای ما را بر شما و آنچه مخصوص کرده ما را بآن

مِنْ وِلَايَتِكُمْ طِيبًا لِخَلْقِنَا وَطَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَتَزْكِيَةً لَنَا وَكَفَّارَةً

گردانید محبت شما را نیکوئی برای آفرینش ما و پاکی برای جانهای ما و پاکیزه گردانی برای ما و برطرف کننده

لِذُنُوبِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ وَمَعْرُوفِينَ بِتَصْدِيقِنَا

برای گناهان ما تا بودیم نزد او گردن نهندگان مر فضیلت شما را و شناخته شدگان بباور داشتن ما

پس بصیرم ما

إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ

بودن شما پس رسانید خدای تعالی شما را به بهترین محل گرامی یافتگان و بالاترین

الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ

نزدیکان و بلندترین پایهای پیغمبران در جائی که بآن نمیرسد ملحق شونده

وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى

و بران زیادتی نمیکند تفوق جوینده و بران پیشی نمیگیرد پیشی گیرنده و طمع نمیکند در دریافت آن طمع کننده تا

لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا صِدِّيقٌ وَلَا شَهِيدٌ

باقی نماند فرشته قرب یافته و نه پیغمبر فرستاده شده و نه بسیار تصدیق کننده و نه شهید

وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ

و نه دانائی و نه پست مرتبه و نه صاحب فضیلتی و نه مؤمن شایسته

وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَلَا خَلْقٌ

و نه گناه کننده بدکار و نه جبر کننده صاحب عناد و نه دیو تمرد کننده و نه آفریده

فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَّفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ

در میان شما این حالت حاضر باشد مگر آنکه شناسانید ایشانرا بزرگی مرتبه شما را و عظیم شمردن قدر شما را

وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ

و بزرگی کار شما را و تمام بعض نور شما را و نیکی جایگاه شما را و ثابت بعض

مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتَكُمْ عَلَيْهِ

مقام شما را و شرافت مرتبه شما را و منزلت شما را نزد خود و گرامی بعض شما را بر خود

وخاضعتكم

وَخَاضِعَتَكُمْ لَدَيْهِ وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي

و مخصوص بعض شما را نزد خود و نزدیک منزلت شما را از خود فدای شما باد پدر و مادرم و اهل خانه ام

وَمَالِي وَأُسْرَتِي أُشْهِدُ اللَّهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ

و مالم و خویش و اقربم گواه میگیرم خدا را و گواه میگیرم شما را بر اینکه من ایمان آورده ام بشما و بآنچه ایمان آورده اید

بِهِ كَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَبِضَلَالَةِ مَنْ

بآن و منکرم دشمن شما را و آنچه را شما انکار کرده اید بآن بینایم برفعت شان شما و بگمراهی هر که

خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ

مخالفت کرده شما را دوستم مر شما را و دوستان شما را و دشمنم مر دشمنان شما را و

مُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ

اظهار دشمنی ایشان میکنم منقادم هر که منقاد شما است و در جنگم با هر که با شما در جنگ است باور دارم هرچه را تحقیق کرده اید

مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ

باطل میکنم هرچه را باطل کرده اید اطاعت کننده ام شما را شناخته ام حق شما را اقرار کننده ام بفضیلت شما بر میدارم

لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ

مر علم شما را پناه آورده ام بامان شما معترفم بشما ایمان دارم ببازگشت شما تصدیق کننده ام

بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ

ببرگشت شما انتظار میکشم غالب شدن شما را و منتظرم دولت شما را گرفته ام گفته شما را و عمل کننده ام

زَائِرٌ لَكُمْ لَائِذٌ
زیارت کننده ام شما را

بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ لَائِذٌ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ

بفرموده شما امان میطلبم از شما پناه آورنده ام بشما متوسل شده ام بقبرهای شما شفیع کرده ام بسوی خدای غالب

وَجَلَّ بِكُمْ وَمُتَقَرِّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي

بزرگ شما را و قرب میجویم بشما بسوی خدا و مقدم میدارم شما را در پیش مطلب خود و حاجتهای خود

وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ

و خواستهای خود در همه حالهای خود و کارهای خود ایمان دارم به پنهان شما و آشکار شما

وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَاَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فی ذلِكَ كُلِّهِ
وحاضر شما وغایب شما واول شما وآخر شما وگذاشته ام آنهارا همه

اِلَیْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فیهِ مَعَكُمْ وَقَلْبی لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَرَاْیی لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتی
بسوی شما وگردن نهاده ام در آن با شما ودل من برای شما منقاد است ورای من مر شما را تابع است ویاری من

لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّی یُحْیِیَ اللهُ تَعالی دینَهُ بِكُمْ وَیَرُدَّكُمْ فی اَیّامِهِ وَیُظْهِرَكُمْ
برای شما مهیا است تا آنکه زنده گرداند خدای تعالی دین خود را بشما وبرگرداند شما را در روزهای خود وظاهر گرداند شما را

لِعَدْلِهِ وَیُمَكِّنَكُمْ فی اَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ عَدُوِّكُمْ آمَنْتُ
برای عدالت خود وتمکین دهد شما را در زمین خود پس من با شمایم نه با دشمن شما ایمان آوردم

بِكُمْ وَتَوَلَّیْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوَلَّیْتُ بِهِ اَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ اِلَی اللهِ عَزَّ
بشما ودوستی قبول کردم آخر شما را چنانکه قبول کردم بامامت اول شما را وبیزاری جستم بسوی خدای عز

وَجَلَّ مِنْ اَعْدائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَالشَّیاطینِ وَ
وجل از دشمنان شما واز هر چه غیر خدا پرستند وشیطانهای باطل وایشان گروه کنندگان و

حِزْبِهِمُ الظّالِمینَ لَكُمْ وَالْجاحِدینَ لِحَقِّكُمْ وَالْمارِقینَ مِنْ وِلایَتِكُمْ
گروه ایشان ستم کنندگان بر شما وانکار کنندگان حق شما را وبیرون روندگان از اعتقاد بامامت شما

وَالْغاصِبینَ لِاِرْثِكُمْ وَالشّاكّینَ فیكُمْ وَالْمُنْحَرِفینَ عَنْكُمْ وَمِنْ
وغصب کنندگان میراث شما وشک کنندگان در شما ومنحرف بودند از شما واز

كُلِّ وَلیجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ وَمِنَ الْاَئِمَّةِ الَّذینَ
هر دوستی بغیر از شما وهر اطاعت کنندگان بغیر شما واز آن پیشوایان که مردم

یَدْعُونَ اِلَی النّارِ فَثَبَّتَنِیَ اللهُ اَبَداً ما حَییتُ عَلی مُوالاتِكُمْ
میخوانند بسوی آتش جهنم پس ثابت بدارد مرا خدا پیوسته تا زنده ام بر اعتقاد امامت شما

وَمَحَبَّتِكُمْ وَدینِكُمْ وَوَفَّقَنی لِطاعَتِكُمْ وَرَزَقَنی شَفاعَتَكُمْ وَجَعَلَنی
ودوستی شما ودین شما وتوفیق دهد مرا برای طاعت شما وروزی گرداند مرا شفاعت شما وبگرداند مرا

من

مِنْ خِیارِ مَوالیكُمُ التّابِعینَ لِما دَعَوْتُمْ اِلَیْهِ وَجَعَلَنی مِمَّنْ یَقْتَصُّ
از نیکان معتقدان شما تابعند بر چیزی که خوانده اید بسوی آن وبگرداند مرا از آنانکه پیروی میکنند

آثارَكُمْ وَیَسْلُكُ سَبیلَكُمْ وَیَهْتَدی بِهُداكُمْ وَیُحْشَرُ فی
اثرهای شما ومیروند براه شما وهدایت می یابند براهنمائی شما ومحشور میشوند در

زُمْرَتِكُمْ وَیَكِرُّ فی رَجْعَتِكُمْ وَیُمَلَّكُ فی دَوْلَتِكُمْ وَیُشَرَّفُ فی
گروه شما وبر میگردند در بازگشت شما وپادشاهی مینمایند در دولت شما شرف می یابند در

عافِیَتِكُمْ وَیُمَكَّنُ فی اَیّامِكُمْ وَتَقَرُّ عَیْنُهُ غَداً بِرُؤْیَتِكُمْ بِاَبی
عافیت شما وتمکین مینمایند در روزهای شما وروشن میشود دیده اش فردا بدیدن شما فدای شما باد پدر

اَنْتُمْ وَاُمّی مَنْ اَرادَ اللهَ بَدَاَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ عَنْكُمْ وَ
ومادرم هر که اراده راه خدا کند اول بسوی شما می آید وهر که یکتا پرستی خدا کرده از شما قبول کرده

وَنَفْسی وَاَهْلی وَمالی
وجانم واهل خانه ام ومالم

مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوالِیَّ لا اُحْصی ثَناءَكُمْ وَلا اَبْلُغُ مِنَ
هر که قصد خدا کند توجه بشفاعت شما می آید ای آقایان من نمیتوانم شمرد ثناهای شما را ونمیتوانم رسید از

الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَاَنْتُمْ نُورُ الْاَخْیارِ
ستایش بکنه شما واز وصف کردن بقدر شما وحال آنکه شما نور نیکان

وَهُداةُ الْاَبْرارِ وَحُجَجُ الْجَبّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللهُ وَبِكُمْ یَخْتِمُ
وراهنمای نیکوکاران وحجتهای خدای صاحب جبروت بشما گشود خدا وبشما ختم میکند

وَبِكُمْ یُنَزِّلُ الْغَیْثَ وَبِكُمْ یُمْسِكُ السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَی الْاَرْضِ
وبشما میفرستد باران را وبشما نگاه میدارد آسمان را از اینکه بیفتد بر زمین

اِلّا بِاِذْنِهِ وَبِكُمْ یُنَفِّسُ الْهَمَّ وَبِكُمْ یَكْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ
مگر برخصت او وبشما برطرف میکند غمها را وبشما زایل میکند حال بد را ونزد شما است آنچه فرود آورده

بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ مَلائِكَتُهُ وَاِلی جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمینُ
پیغمبران او وبرآورده فرشتگان او وبسوی جد شما برانگیخته شد جبرئیل امین

واگر زیارت امیرالمؤمنین ع باشد بجای والی اخیک بعث الروح الامین
الی جدکم بعث الروح الامین بگوید

بکم آتاکم الله ما لم یؤت احدا من العالمین طأطأ کل شریف
داد شما را خدا آنچه نداد باحدی از عالمیان فرود آورد هر صاحب شرفی

لشرفکم وبخع کل متکبر لطاعتکم وخضع کل جبار
نزد شرف شما واقرار کرد هر صاحب تکبری بفرمانبرداری شما وفروتنی کرد هر متجبری

لفضلکم وذل کل شیء لکم واشرقت الارض بنورکم
برای فضیلت شما وذلیل ومنقاد شد هر چیز برای شما وروشن شد زمین به پرتو شما

وفاز الفائزون بولایتکم بکم یسلک الی الرضوان وعلی من
ورستگار شدند رستگاران باعتقاد بامامت شما بسبب شما میتوان رفت بسوی خشنودی خدا وبر کسیکه

جحد ولایتکم غضب الرحمن بابی انتم وامی ونفسی واهلی
انکار امامت شما کند خشم پروردگار است پدرم فدای شما باد ومادرم وجانم واهل خانه ام

ومالی ذکرکم فی الذاکرین واسماؤکم فی الاسماء واجسادکم
ومالم اگرچه یاد شما در میان یادکنندگانست ونامهای شما در میان نامهاست وبدنهای شما

فی الاجساد وارواحکم فی الارواح وانفسکم فی النفوس و
در میان بدنها وروحهای شما در میان روحها وجانهای شما در میان جانها و

آثارکم فی الآثار وقبورکم فی القبور فما احلی اسماءکم
اثرهای شما در میان اثرها وقبرهای شما در میان قبرهاست ولیکن چه شیرین است نامهای شما

واکرم انفسکم واعظم شأنکم واجل خطرکم واوفی عهدکم
وچه گرامیست جانهای شما وچه بزرگست شأن شما وچه جلیل است قدر شما وچه وفاکننده است پیمان شما

واصدق وعدکم کلامکم نور وامرکم رشد ووصیتکم التقوی
وچه راستست وعده شما سخن شما روشنی بخش است وفرمود شما مورث رستگاریست ووصیت شما پرهیزکاریست

وفعلکم

وفعلکم الخیر وعادتکم الاحسان وسجیتکم الکرم وشأنکم
وکردار شما نیک وعادت شما احسان کردنست وطبیعت شما کرمست وکار شما

الحق والصدق والرفق وقولکم حکم وحتم ورأیکم
حق وراستی ومدارات وگفتار شما حکم است وجزم است ورای شما

علم وحلم وحزم ان ذکر الخیر کنتم اوله واصله وفرعه
دانائی وبردباری ودوراندیشی است اگر یاد کرده شود نیکی میباشید اول آن وبیخ آن وشاخ آن

ومعدنه ومأواه ومنتهاه بابی انتم وامی ونفسی کیف اصف
ومعدن آن وجایگاه آن ومنتهای آن پدرم فدای شما باد ومادرم وجانم چگونه وصف کنم

حسن ثنائکم واحصی جمیل بلائکم وبکم اخرجنا الله من الذل
نیکوئی ستایش شما را وبشمارم نعمت نیکوی شما را وحال آنکه بشما بیرون آورد ما را خدا از خواری

وفرج عنا غمرات الکروب وانقذنا بکم من شفا جرف
ودور کرد از ما بسیاری غمها را وخلاصی بخشید ما را بشما از کنار گودال

الهلکات ومن النار بابی انتم وامی ونفسی بموالاتکم علمنا
مهلکها واز آتش جهنم پدرم فدای شما باد ومادرم وجانم بمتابعت شما آموخت ما را

الله معالم دیننا واصلح ما کان فسد من دنیانا وبموالاتکم
خدا جاهای دانستن دین ما را وباصلاح آورد آنچه که بود فاسد از دنیای ما وباعتقاد امامت شما

تمت الکلمة وعظمت النعمة وائتلفت الفرقة وبموالاتکم
تمام شد کلمه دین ما وبزرگ شد نعمت خدا والفت یافت پراکندگی وبدوستی شما

تقبل الطاعة المفترضة ولکم المودة الواجبة والدرجات
مقبول میشود طاعتهای واجب که خدا واز برای شماست محبت واجب شده وپایهای

الرفیعة والمقام المحمود والمکان المعلوم عند الله عز وجل
بلند ومقام ستوده وجایگاه معلوم نزد خدای غالب بزرگ

والمقام

وَالْجاهُ الْعَظيمُ وَالشَّانُ الْكَبيرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا
و رتبه بزرگ و حالت بزرگ و شفاعت قبول کرده شده پروردگارا ایمان آوردیم
بِما اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ رَبَّنا لا
بآنچه فرستادی تو و پیروی کردیم پیغمبر ترا پس بنویس ما را با شهادت دهندگان پروردگارا میل
تُزِغْ قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً اِنَّكَ
مده بباطل دلهای ما را بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی بدرستیکه تو
اَنْتَ الْوَهّابُ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ كانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً يا وَلِيَّ
توئی بسیار بخشنده بپاکی یاد میکنیم پروردگار ما را بدرستی که بود وعده پروردگار ما البته شدنی ای دوست
اللّٰهِ اِنَّ بَيْني وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوباً لا يَأْتي عَلَيْها اِلّا
خدا بدرستی که در میان من و میان خدای عزیز و جلیل است گناه بسیار که برطرف نمیکند آنها را مگر
رِضاكُمْ فَبِحَقِّ مَنِ ائْتَمَنَكُمْ عَلى سِرِّهِ وَاسْتَرْعاكُمْ اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ
خشنودی شما پس قسم میدهم بحق آنکه امین گردانید شما را بر راز خود و طلب کرد از شما رعایت امور خلق خود را و مقرون گردانید
طاعَتَكُمْ بِطاعَتِهِ لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبي وَكُنْتُمْ شُفَعائي
اطاعت شما را بطاعت خود که البته طلب نمائید بخشش گناهان مرا و باشید شفیعان من
فَاِنّي لَكُمْ مُطيعٌ مَنْ اَطاعَكُمْ فَقَدْ اَطاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصاكُمْ فَقَدْ
پس بدرستی که من مر شما را فرمانبردارم هر که فرمان شما برد پس بتحقیق که فرمان برده خدا را و هر که نافرمانی کرد شما را پس بتحقیق
عَصَى اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ وَمَنْ اَبْغَضَكُمْ فَقَدْ اَبْغَضَ
نافرمانی کرده خدا را و هر که دوست دارد شما را پس بتحقیق که دوست داشته خدا را و هر که دشمن دارد شما را پس بتحقیق دشمن داشته
اللّٰهَ اَللّٰهُمَّ اِنّي لَوْ وَجَدْتُ شُفَعاءَ اَقْرَبَ اِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ
خدا را خداوندا بدرستی که من اگر می یافتم شفیعان را نزدیکتر بسوی تو از محمد و
اَهْلِ بَيْتِهِ الْاَخْيارِ الْاَئِمَّةِ الْاَبْرارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعائي فَبِحَقِّهِمُ
خانواده او که برگزیدگان پیشوایان نیکوکاران اند هرآینه گردانیدمی ایشان را شفاعت کنندگان خود پس بحق ایشان
الذی

٢٦٥ اَلَّذي اَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ اَسْأَلُكَ اَنْ تُدْخِلَني في جُمْلَةِ الْعارِفينَ
آن حقی که واجب گردانیده برای ایشان بر خود سؤال میکنم از تو آنکه در آوری مرا در جمله شناسایان
بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ وَفي زُمْرَةِ الْمَرْحُومينَ بِشَفاعَتِهِمْ اِنَّكَ
بایشان و بحق ایشان و در گروه بخشیده شدگان بشفاعت ایشان بدرستی که تو
اَرْحَمُ الرّاحِمينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَسَلَّمَ تَسْليماً
بخشاینده ترین بخشایندگانی و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او که پاکانند
كَثيراً وَحَسْبُنَا اللّٰهُ وَنِعْمَ الْوَكيلُ مؤلف گوید که این زیارت
کامل‌ترین زیاراتست از برای
نزدیک و دور و چون منظور عمده درین رساله زیارت بعید است
زیارت وداع را ذکر نکردیم و چون این زیارت مشتمل است بر مجملی از جمیع
احادیثی که در مناقب ائمه علیهم السلم وارد شده است اگر در هر هفته
بلکه در هر روز این زیارت را بخوانند و تدبر و تفکر در معانی آن بکنند
و موافق آنچه فقیر مجملا ترجمه کرده و والد مرحوم علیه الرحمه مفصلا
شرح نموده برای کمال معرفت ایشان بسیار نافع خواهد بود و عمده
ارکان ایمان معرفت ایشانست علیهم السلم و زیارت حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه بطرق بسیار منقول شده و در کتاب تحفة الزائر
ذکر کرده ام و درین مقام زیارت مختصری با تجدید عهد امامت
و ولایت آنحضرت ع ایراد مینمایم که امام خود را پیوسته یاد نمایند
و از برکات هدایات آنحضرت بهره مند گردند سید ابن طاوس ره
ذکر کرده که مستحب است که هر روز بعد از نماز صبح حضرت صاحب الامر ع را
چنین زیارت کنند اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلايَ صاحِبَ الزَّمانِ صَلَواتُ
خداوندا برسان صاحب اختیار مرا صاحب روزگار رحمتهای

وآله عليهم السلام اللهم هذه بيعة له في عنقي الى يوم القيمة
آل او بر ایشان درود خداوندا این پیمانیست برای او در گردن من تا روز رستخیز

وبسند معتبر از حضرت صادق منقول است که هر که چهل صباح
این عهد را بخواند از یاوران قائم ما باشد و اگر پیش از ظهور آنحضرت
بمیرد خدا او را از قبر بیرون آورد که در خدمت آنحضرت باشد
وحق تعالی بهر کلمه هزار حسنه او را کرامت فرماید و هزار گناه از
او محو کند و آن عهد این است اللهم رب النور العظيم ورب الكرسي
خداوندا ای پروردگار روشنای بزرگ وای پروردگار کرسی
الرفيع ورب البحر المسجور ومنزل التورية والانجيل والزبور
با رفعت وای پروردگار دریای مملو از آب وای فرو فرستنده توریة وانجیل وزبور
ورب الظل والحرور ومنزل القرآن العظيم ورب الملئكة المقربين
وای پروردگار سایه و باد گرم وای فرو فرستنده قرآن بزرگ وای پروردگار فرشتگان نزدیک
والانبياء والمرسلين اللهم اني اسالك بوجهك الكريم
وپیغمبران وفرستادگان خداوندا بدرستی که من سوال میکنم از تو بحرمت ذات بزرگوار
وبنور وجهك المنير وملكك القديم يا حي يا قيوم اسالك
وبحرمت روشنای ذات روشنی بخش وپادشاهی دیرینه تو ای زنده ای پاینده سوال میکنم ترا
باسمك الذي اشرقت به السموات والارضون وباسمك
بحرمت نام تو نامی که روشن گشته بآن آسمانها وزمینها وبحرمت نام تو
الذي يصلح به الاولون والاخرون يا حيا قبل كل حي ويا حيا
نامی که بسامان آمد بسبب آن حال پیشینیان وپسینیان ای زنده پیش از هر زنده وای زنده
بعد كل حي ويا حيا حين لا حي يا محيي الموتى ومميت الاحياء
پس از هر زنده ای زنده هنگامی که نباشد زنده ای زنده کننده مردگان ومیراننده زندگان

الله عليه عن جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها
خدا براو باد از جانب همه مردان گرونده وزنان گرونده که باشند در جاهای طلوع آفتاب در زمین وجاهای غروب آفتاب
وبرها وبحرها وسهلها وجبلها حيهم وميتهم وعن والدي
وخشکی آن ودریای آن وهموار آن وکوه آن زنده ایشان ومرده ایشان واز جانب پدر ومادر من
وولدي وعني من الصلوات والتحيات زنة عرش الله و
وفرزندان من واز جانب من از رحمتها ودرودها همسنگ عرش خدا و
مداد كلماته ومنتهى رضاه وعدد ما احصاه كتابه واحاط
قدر کلمهای او ونهایت خشنودی او وشمار آنچه شمرده آنرا کتاب او وفرا گرفته
به علمه اللهم اجدد له في هذا اليوم وفي كل يوم عهدا
آنرا دانش او خداوندا تازه میکنم برای او در این روز ودر هر روزی عهد
وعقدا وبيعة له في رقبتي اللهم كما شرفتني بهذا التشريف
وپیمان وبیعتی برای او در گردن خود خداوندا پس چنانچه گرامی داشتی مرا باین کرامت
وفضلتني بهذه الفضيلة وخصصتني بهذه النعمة فصل
وزیادتی دادی مرا باین زیادتی ومخصوص گردانیدی مرا باین نعمت پس رحمت بفرست
على مولاي وسيدي صاحب الزمان واجعلني من انصاره
بر صاحب اختیار من وآقای من خداوند روزگار وبگردان مرا از یاوران او
واشياعه والذابين عنه واجعلني من المستشهدين بين يديه
وپیروان او ودفع کنندگان مکاره از او وبگردان مرا از آنانکه حاضر گردانیده شوند در پیش او
طائعا غير مكره في الصف الذي نعت اهله في كتابك فقلت
فرمانبردار نه مجبور در صفی که وصف کرده تو اهل آنرا در کتاب خود پس گفته حال ایشانرا
صفا كانهم بنيان مرصوص على طاعتك وطاعة رسولك
صف کشندگان گویا ایشان بنیانی اند استوار شده بر طاعت تو وطاعت رسول تو

واگر

يا حيّ لا اله الا انت اللهم بلّغ مولانا الامام الهادي المهدي
ای زنده نیست سزاوار پرستش مگر تو خداوندا برسان صاحب اختیار مرا پیشوای راهنمای راه یافته را

القائم بامرك صلوات الله عليه وعلى آبائه الطاهرين عن
قایم است بفرمان تو رحمتهای خدا براو و بر پدران پاکان او از

جميع المؤمنين والمؤمنات في مشارق الارض ومغاربها سهلها
همه مردان مومن و زنان مومنه که باشند در مشرقهای زمین و مغربهای زمین هموار زمین

وجبلها وبرّها وبحرها وعنّي وعن والديّ من الصلوات
و کوه آن و صحرای آن و دریای آن و از جانب من و از جانب پدر و مادر من از رحمتهای

زنة عرش الله ومداد كلماته وما احصاه علمه واحاط به
هموزن عرش خدا و باندازه کلمهای او و آنچه شمرده آنرا دانش او و احاطه کرده آن

كتابه اللهم اني اجدّد له في صبيحة يومي هذا وما عشت من
کتاب او خداوندا بدرستی که من تازه میکنم برای او در صبح روز خود این روز و آنچه زنده گی کنم از

ايامي عهدا وعقدا وبيعة له في عنقي لا احول عنها ولا ازول
روزهای عهد خود و پیمان و بیعتی برای او در گردن من نمیگردم از آن و زایل نمیشوم

ابدا اللهم اجعلني من انصاره واعوانه والذابّين عنه و
هرگز خداوندا بگردان مرا از یاوران او و مددکاران او و دفع کنندگان از او

المسارعين اليه في قضاء حوائجه والممتثلين لاوامره والمحامين
شتابندگان بسوی او در روا کردن حاجتهای او و گردن نهندگان برای فرمانهای او و منع کنندگان

عنه والسابقين الى ارادته والمستشهدين بين يديه اللهم
از او و پیشی گیرندگان بسوی خواهش او و حاضر گردانیده شدگان در پیش او خداوندا

ان حال بيني وبينه الموت الذي جعلته على عبادك حتما
اگر حایل شود میان من و میان او مرگی که گردانیده تو آنرا بر بندگان خود لازم

فاخرجني

٢٦٧

فاخرجني من قبري مؤتزرا كفني شاهرا سيفي مجرّدا قناتي
پس بیرون آور مرا از قبر من آزار گیرنده کفن خود را از غلاف کشنده برهنه سازنده نیزه خود را

ملبّيا دعوة الداعي في الحاضر والبادي اللهم ارني الطلعة
اجابت کننده دعوت که میخواند در میان شهری و بادیه نشین خداوندا بنما بمن آن دیدار رشید

الرشيدة والغرّة الحميدة واكحل ناظري بنظرة منّي
و آن روشنی جبهه ستوده را و سرمه کش دیده مرا بنگریستن از من

اليه وعجّل فرجه وسهّل مخرجه واوسع منهجه واسلك
بسوی او و بشتابان گشایش او را و آسان کن خروج او را و گشاده کن طریق او را و روان کن

بي محجّته وانفذ امره واشدد ازره واعمر اللهم به بلادك
مرا براه راست او و روان کن فرمان او را و قوی گردان پشت او را و آباد کن خداوندا باو شهرهای خود

واحي به عبادك فانك قلت وقولك الحق ظهر الفساد
و زنده کن بسبب او بندگان خود را پس بدرستی تو گفته و گفتار تو درست ظاهر شد فساد و تباهی

في البرّ والبحر بما كسبت فاظهر اللهم لنا وليّك وابن
در خشکی و دریا بسبب آنچه کسب پس ظاهر ساز خداوندا برای ما دوست و پسر

ايدي الناس
دستهای مردمان

بنت نبيّك المسمّى باسم رسولك حتى لا يظفر بشيء
دختر پیغمبر خود را که نامیده شده است بنام پیغمبر تو تا آنکه نرسد بچیزی

من الباطل الا مزّقه ويحقّ الحقّ ويحقّقه واجعله اللهم
از باطل مگر آنکه زایل کند و ثابت گرداند حق را و محکم نماید آنرا و بگردان او را خداوندا

مفزعا لمظلوم عبادك وناصرا لمن لا يجد له ناصرا غيرك
پناه برای ستم رسیده بندگان خود و یاور برای آنکه نیابد برای خود یاوری غیر تو را

ومجدّدا لما عطّل من احكام كتابك ومشيّدا لما ورد من اعلام
و تازه کننده مر آنچه را واگذاشته شده از حکمهای تو و بلند گرداننده مر آنچه را وارد شده از نشانها

دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم
دين تو وطريقهاى پيغمبر تو رحمت فرستد خدا براو وآل او وبگردان اورا خداوندا
ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا
از آنانكه حفظ كردى ايشانرا از شدت سركشان خداوندا وشاد كن پيغمبر خود محمد را
صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم
رحمت فرستد خدا براو وآل او بديدن او وآنكه پيروى كرده اورا بر دعوت او ورحم كن
استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن الامة بحضوره
فروتنى مارا بعد از ظهور او خداوندا زايل كن اين اندوه را از امت بحاضر شدن او
وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك
وبشتاب براى ما ظهور اورا بدرستى كه ايشان مى بينند آنرا دور وما مى بينيم آنرا نزديك برحمت خود
يا ارحم الراحمين پس سه مرتبه دست را بر ران راست خود
اى بخت بنده ترين بخت بندگان ميزنى و در هر مرتبه ميگويى العجل يا مولاى
يا صاحب الزمان واما دعاى ندبه كه مشتمل است
بر عقائد حقه وتأسف بر غيبت حضرت
قائم صلوات الله عليه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله عليه منقول است كه اين دعاء ندبه را (سنت است) در چهار عيد بخوانند
يعنى روز جمعه وروز عيد فطر وروز عيد قربان وروز عيد غدير
الحمد لله الذى لا اله الا هو وله الحمد رب العالمين
سپاس مر خدايرا كه نيست سزاوار پرستش مگر او ومر اوراست سپاس پروردگار جهانيانست
وصلى الله على محمد وآله وسلم تسليما اللهم لك الحمد على
ورحمت فرستد خدا بر محمد وآل او ودرود فرستد درود فراوان خداوندا مر تراست سپاس بر

نبيه

ماجرى

ما جرى به قضاؤك فى اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك
آنچه روان شده بآن حكم تو درباره دوستان خود آنانكه خالص گردانيدى ايشانرا براى ذات خود
ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذى
ودين خود چون برگزيدى براى ايشان فراوان آنچه نزد تست از ناز ونعمت دائمى آنچنان نعمتى كه نيست
لا زوال له ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد فى
زوال براى آن ونه فنا ونيستى پس از آنكه شرط كردى بر ايشان بيرغبتى را در
درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا
مرتبهاى اين دنياى پست وزينت آن وآرايش آن پس شرط كردند
لك ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت
براى تو آنرا ودانستى تو از ايشان وفا نمودن را بآن شرط پس پسنديدى ايشانرا ونزديك گردانيدى ايشانرا وپيش داشتى
لهم الذكر العلى والثناء الجلى واهبطت عليهم ملائكتك
براى ايشان ذكر بلند وستايش آشكار وفرود فرستادى بر ايشان فرشتگان خود را
واكرمتهم بوحيك ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرائع
وگرامى داشتى ايشانرا بوحى خود وبخشش نمودى ايشانرا بدانش خود وگردانيدى ايشانرا واسطها
اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض اسكنته جنتك
بسوى تو ووسيله بسوى خشنودى تو پس بعضى از ايشانرا ساكن گردانيدى اورا در بهشت خود
الى ان اخرجته منها وبعض حملته فى فلكك ونجيته ومن
تا آنكه بيرون آوردى اورا از آن وبعضى بار كردى اورا در كشتى خود ورهانيدى اورا وآنرا
آمن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا
كه گرويد با او از هلاكت غرق برحمت خود وبعضى فرا گرفتى اورا براى ذات خود دوست خالص
وسألك لسان صدق فى الآخرين فاجبته وجعلت ذلك
وسؤال كرد از تو ذكر جميل نيكو در پسينيان پس اجابت كردى اورا وگردانيدى ذكر اورا

وكرمتهم

دينك وسنن نبيك صلى الله عليه وآله واجعله اللهم
دین تو و طریقهای پیغمبر تو رحمت فرستد خدا بر او و آل او و بگردان او را خداوندا
ممن حصنته من بأس المعتدين اللهم وسر نبيك محمدا
از آنانکه حفظ کردی ایشانرا از شدت ستمکاران خداوندا و شاد کن پیغمبر خود محمد را
صلى الله عليه وآله برؤيته ومن تبعه على دعوته وارحم
رحمت فرستد خدا بر او و آل او بدیدن او و آنکه پیروی کرده او را بر دعوت او و رحم کن
استكانتنا بعده اللهم اكشف هذه الغمة عن الامة بحضوره
فروتنی ما را بعد از ظهور او خداوندا زایل کن این اندوه را از امت بحاضر شدن او
وعجل لنا ظهوره انهم يرونه بعيدا ونريه قريبا برحمتك
و بشتابان برای ما ظهور او را بدرستی که ایشان می بینند آنرا دور و ما می بینیم آنرا نزدیک برحمت خود
يا ارحم الراحمين پس سه مرتبه دست را بر ران راست خود
ای بخشنده ترین بخشندگان
میزنی و در هر مرتبه میگوئی العجل یا مولای
یا صاحب الزمان و اما دعای ندبه که مشتمل است
بر عقائد حقه و تاسف بر غیبت حضرت
قائم صلوات الله علیه بسند معتبر از حضرت امام جعفر صادق
صلوات الله علیه منقول است که این دعای ندبه را در چهار عید بخوانند
یعنی در روز جمعه و روز عید فطر و روز عید قربان و روز عید غدیر
الحمد لله الذی لا اله الا هو وله الحمد رب العالمین
سپاس مر خدایرا که نیست سزاوار پرستش مگر او و مر او راست سپاس پروردگار جهانیان است
وصلی الله علی محمد وآله وسلم تسلیما اللهم لک الحمد علی
و رحمت فرستد خدا بر محمد و آل او و درود فرستد درود فراوان خداوندا مر تراست سپاس بر

ماجرى

ماجرى به قضاؤك فى اوليائك الذين استخلصتهم لنفسك
اگر روان شده بآن حکم تو درباره دوستان خود آنانکه خالص گردانیدی ایشانرا برای ذات خود
ودينك اذ اخترت لهم جزيل ما عندك من النعيم المقيم الذى
و دین خود چون برگزیدی برای ایشان وافر آنچه نزد تست از ناز و نعمت دایمی ثابتی که نیست
لا زوال له ولا اضمحلال بعد ان شرطت عليهم الزهد فى
زوال برای آن و نه فنا و نیستی پس از آنکه شرط کردی بر ایشان بیرغبتی را در
درجات هذه الدنيا الدنية وزخرفها وزبرجها فشرطوا
مرتبهای این دنیای پست و زینت آن و آرایش آن پس شرط کردند
لك ذلك وعلمت منهم الوفاء به فقبلتهم وقربتهم وقدمت
برای تو آنرا و دانستی تو از ایشان وفا نمودن را بآن شرط پس پسندیدی ایشانرا و نزدیک گردانیدی ایشانرا و پیش داشتی
لهم الذكر العلى والثناء الجلى واهبطت عليهم ملائكتك
برای ایشان ذکر بلند و ستایش آشکار و فرود فرستادی بر ایشان فرشتگان خود را
واكرمتهم بوحيك ورفدتهم بعلمك وجعلتهم الذرائع
وكرمتهم
و گرامی داشتی ایشانرا بوحی خود و بخشش نمودی ایشانرا بدانش خود و گردانیدی ایشانرا واسطها
اليك والوسيلة الى رضوانك فبعض اسكنته جنتك
بسوی تو و وسیله بسوی خشنودی تو پس بعضی از ایشان ساکن گردانیدی او را در بهشت خود
الى ان اخرجته منها وبعض حملته فى فلكك ونجيته ومن
تا آنکه بیرون آوردی او را از آن و بعضی بار کردی او را در کشتی خود و رهانیدی او را و آنرا
امن معه من الهلكة برحمتك وبعض اتخذته لنفسك خليلا
که گرویده با او از هلاکت غرق برحمت خود و بعضی فرا گرفتی او را برای ذات خود دوست خالص
وسالك لسان صدق فى الآخرين فاجبته وجعلت ذلك
و سؤال کرد از تو ذکر جمیل نیکو در پسینیان پس اجابت کردی او را و گردانیدی ذکر او را

علينا وبعض كلمته من شجرة تكليما وجعلت له من اخيه ردءً
بلند وبعضی از ایشان سخن گفتی با او از درخت طور سخن گفتنی وگردانیدی برای او از برادر او یار
ووزيرا وبعض اولدته من غير اب واتيته البينات وايدته
و وزیر وبعضی از ایشان متولد گردانیدی اورا بی پدری ودادی اورا معجزهای روشن وقوت دادی اورا
بروح القدس وكلا شرعت له شريعة ونهجت له منهاجا و
بروح القدس وبرای هر یک ظاهر ساختی شریعت ودینی وآشکار نمودی برای او طریقه و
تخيرت له اوصياء مستحفظا بعد مستحفظ من مدة الى مدة
برگزیدی برای او وصیها محافظت کننده پس از محافظت کننده از زمانی تا زمانی
اقامة لدينك وحجة على عبادك ولئلا يزول الحق عن مقره
بجهة برپا داشتن دین خود وحجت گرفتن بر بندگان خود تا آنکه زایل نشود حق از قرارگاه خود
ويغلب الباطل على اهله ولا يقول احد لولا ارسلت الينا رسولا
وغالب نگردد باطل بر اهل آن ونگوید کسی که چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری
منذرا واقمت لنا علما هاديا فنتبع اياتك من قبل ان نذل
بیم نماینده وبرپا نکردی برای ما نشانه راهنما تا پیروی کنیم معجزهای ترا پیش از آنکه ذلیل
ونخزى الى ان انتهيت بالامر الى حبيبك ونجيبك محمد صلى
وخوار گردیم تا آنکه رسانیدی کار را بسوی دوست خود وبرگزیده خود محمد رحمت فرستد
الله عليه واله فكان كما انتجبته سيد من خلقته وصفوة
خدا براو وآل او پس بود چنانکه برگزیدی تو اورا بزرگ هرچه آفریدی تو اورا وبرگزیده
من اصطفيته وافضل من اجتبيته واكرم من اعتمدته قدمته
هرچه برگزیدی اورا وبهتر از هرچه اختیار کردی اورا وبزرگتر از آنکه اعتماد کردی براو پیش داشتی
على انبيائك وبعثته الى الثقلين من عبادك واوطاته مشارقك
بر پیغمبران خود وفرستادی اورا بسوی انس وجن از بندگان خود وسیر فرمودی اورا در مشرقهای خود

وكلا: ن

لئلا: ن

ومغاربك

ومغاربك وسخرت له البراق وعرجت بروحه الى سمائك و
ومغربهای خود ورام کردی برای او براق را وبالا بردی نفس اورا بسوی آسمان خود و
اودعته علم ما كان وما يكون الى انقضاء خلقك ثم نصرته
سپردی اورا دانش آنچه بود وآنچه خواهد بود تا منقضی شدن خلق تو پس یاری کردی اورا
بالرعب وحففته بجبرئيل وميكائيل والمسومين من ملائكتك
بخوف دشمنان فرو گرفتی اورا بجبرئیل ومیکائیل وعلامت دارندگان از فرشتگان خود
ووعدته ان تظهر دينه على الدين كله ولو كره المشركون
ووعده دادی اورا آنکه غالب کنی دین اورا بر ادیان همه آنها واگرچه ناخوش دارند شرک آورندگان
وذلك بعد ان بوأته مبوأ صدق من اهله وجعلت له و
وبعد آنچه مذکور شد پس از آنکه جای دادی اورا جایگاه شایسته از خاندان او وگردانیدی برای او و
لهم اول بيت وضع للناس للذي ببكة مباركا وهدى للعالمين
برای اهل او اول خانه که بنا شد برای آدمیان آن خانه که در مکه است حال آنکه با برکت وراهنماست مر جهانیان را
فيه ايات بينات مقام ابرهيم ومن دخله كان امنا وقلت
در آنست معجزهای روشن از جمله آنها اقامتگاه ابراهیم است وهر که درآید آنرا ایمن باشد وگفتی تو
انما يريد الله ليذهب عنكم الرجس اهل البيت ويطهركم تطهيرا
جز این نیست که میخواهد خدا که ببرد از شما کثافتها را ای خانواده رسالت وپاک گرداند شما را پاک گردانیدنی
وجعلت اجر محمد صلواتك عليه واله مودتهم في كتابك
وگردانیدی مزد محمد را رحمتهای تو باد براو وآل او دوستی ایشان در کتاب خود
فقلت قل لا اسالكم عليه اجرا الا المودة في القربى وقلت
پس گفتی که نمیخواهم از شما بتبلیغ رسالت مزدی مگر بدوستی شما درباره خویشان من وگفتی
ما اسالكم عليه من اجر الا من شاء ان يتخذ الى ربه سبيلا فكانوا
نمیخواهم از شما بر آن تبلیغ مزدی مگر آنکه خواهد فرا گیرد بسوی پروردگار خود راهی پس هستند
نمیخواهم تبلیغ رسالت هیچ

والموسومين: ن

ما سألتكم من اجر فهو لكم وقلت ... (marginal note, partly illegible)

فهم: ن

فكانوا هم السبيل إليك والمسلك إلى رضوانك فلما انقضت
پس بودند ایشان راه وصول بسوی تو وطریق سلوک بسوی خشنودی تو پس چون بپایان رسید
أيامه أقام وليه علي بن أبي طالب صلواتك عليهما وآلهما صلوات الله آل
روزگار زندگی او نصب کرد جانشین خود علی پسر ابی طالب را رحمتهای تو باد بر ایشان وآل ایشان
هاديا إذ كان هو المنذر ولكل قوم هاد فقال والملأ أمامه
راهنما چه بود او بیم نماینده وبرای هر گروهی باشد راهنمای پس گفت وحال آنکه بزرگان عرب در پیش او
من كنت مولاه فعلي مولاه اللهم وال من والاه وعاد من
هر که هستم من صاحب اختیار او پس علی صاحب اختیار اوست خداوندا دوست دار آنرا که دوست دارد او را ودشمن دار آنرا
عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله وقال من كنت أنا
دشمن دارد او را ویاری کن آنرا که یاری کند او را وخوار کن آنرا که خوار کند او را وگفت هر که باشم من
نبيه فعلي أميره وقال أنا وعلي من شجرة واحدة وسائر الناس
پیغمبر او پس علی پادشاه اوست وگفت من وعلی از یک درختیم وباقی مردمان
من شجر شتى وأحله محل هرون من موسى فقال له أنت مني
از درختهای مختلف وفرود آورد او را بجای هرون نسبت بموسی پس گفت مر او را تو نسبت بمن
بمنزلة هرون من موسى إلا أنه لا نبي بعدي وزوجه ابنته
بمنزله هرونی نسبت بموسی مگر آنکه بتحقیق نیست پیغمبری پس از من وزنی داد دختر خود را
سيدة نساء العالمين وأحل له من مسجده ما حل له وسد
خداوند زنان جهانیان وحلال گردانید برای او از مسجد خود آنچه حلال بود برای او وبست
الأبواب إلا بابه ثم أودعه علمه وحكمته فقال أنا مدينة العلم
درهای خانه‌ها را مگر در خانه او را پس سپرد باو علم خود را ودانش را پس گفت منم شهر علم
وعلي بابها فمن أراد الحكمة فليأتها من بابها ثم قال له أنت
وعلی در آنست پس هر که خواهد علم ودانش را پس باید بیاید آنرا از در آن پس گفت مر او را تو

أخي

أخي ووصيي ووارثي لحمك من لحمي ودمك من دمي وسلمك سلمي
برادر منی ووصی منی ووارث منی گوشت تو از گوشت منست وخون تو از خون من وصلح تو صلح من
وحربك حربي والإيمان مخالط لحمك ودمك كما خالط لحمي
وجنگ تو جنگ با من وایمان آمیخته است گوشت ترا وخون ترا چنانچه آمیخته گوشت مرا
ودمي وأنت غدا على الحوض خليفتي وأنت تقضي ديني وتنجز عداتي
وخون مرا وتو فردا بر سر حوض کوثر جانشین منی وتو ادا میکنی قرض مرا وروا میکنی وعده‌های مرا
وشيعتك على منابر من نور مبيضة وجوههم حولي في الجنة
وشیعیان تو بر منبرها از نور حال آنکه سفید باشد روهای ایشان باشند گرداگرد من در بهشت
وهم جيراني ولولا أنت يا علي لم يعرف المؤمنون بعدي وكان
وایشان همسایگان منند واگر نبودی تو ای علی شناخته نشدندی گروندگان حکم خدا پس از من وبود علی
بعده هدى من الضلال ونورا من العمى وحبل الله المتين وصراطه
بعد از او بغایت هدایت کننده از هر گمراهی وروشنی بخش از هر کوری ودست آویز محکم خدا وراه
المستقيم لا يسبق بقرابة في رحم ولا بسابقة في دين ولا يلحق
راست او هیچ پیشی گرفته نشود بقرابت ونزدیکی در خویشی ونه بپیشی وفضیلت در دین ودر رسیده نشود
في منقبة من مناقبه يحذو حذو الرسول صلى الله عليهما وآلهما و
در فضیلتی از فضایل خود قایمست در مقام رسول رحمت فرستد خدا بر ایشان وآل ایشان
يقاتل على التأويل ولا تأخذه في الله لومة لائم قد وتر فيه
مقاتله کند بر تاویل باطن قرآن وفرا نگیرد او را در راه خدا سرزنش سرزنش کننده بحقیقت کشت در راه خدا
صناديد العرب وقتل أبطالهم وناوش ذؤبانهم فأودع قلوبهم
بزرگان عرب را وکشت شجاعان ایشان را ومقاتله نمود با دزدان ایشان پس ودیعه گذاشت در دلهای ایشان
أحقادا بدرية وخيبرية وحنينية وغيرهن فأضبت على
کینهای ناشی در جنگ بدر وخیبر وحنین وغیر آنها پس قیام نمودند ایشان بر

منابذته نسخه

عاداه واكبّ على منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين
دشمن آن و هجوم کرد بر مقاتله آن تا آنکه کشت پیمان شکنان و ستمکاران را

والمارقين ولما قضى نحبه وقتله اشقى الاشقياء من الاولين
و خوارج را و چون بپایان رسانید عمر خود را و کشت او را بدبخترین بدبختان از پیشینیان

والآخرين يتبع اشقى الاولين لم يمتثل امر الرسول صلى الله
و پسینیان حال آنکه پیروی نمود بدبخترین پیشینیان را بجا آورده نشد فرمان رسول رحمت فرستد خدا

عليه وآله في الهادين بعد الهادين والامة مصرة على مقته
بر او و آل او درباره راهنمایان بعد از راهنمایان و امت پیغمبر ثابت بودند بر دشمنی او

مجتمعة على قطيعة رحمه واقصاء ولده الا القليل ممن وفى
فراهم آمدند بر بریدن خویشان او و دور گردانیدن فرزندان او از شهرها مگر اندکی از آنان که بجا آورد

لرعاية الحق فيهم فقتل من قتل وسبي من سبي واقصي من
رعایت حق را درباره ایشان کشته شد آنکه کشته شد و اسیر کرده شد آنکه اسیر کرده شد و دور گردانیده شد آنکه

اقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له حسن المثوبة اذ كانت
دور گردانیده شد و روان شد تقدیر خدا برای ایشان بانچه امید داشته شود بجهت آن نیکوئی ثواب زیرا که باشد

الارض لله يورثها من يشاء من عباده والعاقبة للمتقين
زمین مر خدا را میراث دهد آن را هر که خواهد از بندگان خود و انجام نیک برای پرهیزکاران است

وسبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله
و پاک است پروردگار ما بتحقیق هست وعده پروردگار ما هر آینه کرده شده و هرگز خلف نمیکند خدا

وعده وهو العزيز الحكيم فعلى الاطائب من اهل بيت محمد وعلي
وعده خود را و اوست غالب راست کردار درست کردار پس بر پاکان از خاندان محمد و علی

صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون واياهم فليندب النادبون
رحمت فرستد خدا بر ایشان و آل ایشان پس باید بگریند گریه کنندگان و برای مثل ایشان پس باید در انگیزد نوحه کنندگان گریه کنند

ولمثلهم

ولمثلهم فلتذرف الدموع وليصرخ الصارخون ويضج الضاجون — فلتدر نسخه
و برای مثل ایشان پس باید روان کرده شود اشکها و باید فریاد کنند فریاد کنندگان و بنالند نالندگان

ويعج العاجون واين الحسن واين الحسين واين ابناء الحسين
و صدا بلند کنند صدا بلند کنندگان کجاست حسن و کجاست حسین و کجایند فرزندان حسین

صالح بعد صالح وصادق بعد صادق واين السبيل بعد
شایسته کاری بعد از شایسته و راستگوئی بعد از راستگوئی و کجاست راه راستی بعد از

السبيل واين الخيرة بعد الخيرة واين الشموس الطالعة واين
راه راستی کجاست برگزیده بعد از برگزیده و کجایند آن آفتابهای طلوع کننده و کجایند

الاقمار المنيرة اين الانجم الزاهرة اين اعلام الدين وقواعد
آن ماههای روشن کجایند آن ستارهای درخشنده کجایند نشانهای دین و ملت و اساسهای

العلم اين بقية الله التي لا تخلو من العترة الطاهرة اين المعد — الهادية نسخه
علم و معرفت کجایند باقی که از خدا خالی نباشد از ذریت طاهره پیغمبر کجاست آن

لقطع دابر الظلمة اين المنتظر لاقامة الامت والعوج اين
مهیا کرده شده برای بریدن بنیاد ستمکاران کجاست آنکه چشم داشته شده برای راست کردن بلندی و پستی کجاست

المرتجى لازالة الجور والعدوان اين المدخر لتجديد الفرائض
آن داشته شده برای نیست کردن ستم و طغیان کجاست آن ذخیره کرده شده برای تازه کردن واجبات

والسنن اين المتخير لاعادة الملة والشريعة اين المؤمل لاحياء
و مستحبات کجاست آن برگزیده شده برای باز گردانیدن کیش و طریقه پیغمبر کجاست آنکه آرزو داشته شده برای زنده

الكتاب وحدوده اين محيي معالم الدين واهله اين قاصم
کردن کتاب و حدود و احکام آن کجاست زنده سازنده نشانهای دین و اهل آن کجاست برهم شکننده

شوكة المعتدين اين هادم ابنية الشرك والنفاق اين مبيد
شوکت و قوت از حد درگذرندگان کجاست خراب کننده بناهای شرک و نفاق کجاست هلاک

اَهْلِ الْفُسُوقِ وَالْعِصْيانِ اَيْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَيِّ وَالشِّقاقِ اَيْنَ والطغيان
سازنده بدکاران و نافرمانبران کجاست قطع کننده شاخهای گمراهی و بدبختی کجاست
طامِسُ آثارِ الزَّيْغِ وَالْاَهْواءِ اَيْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْكِذْبِ وَالْاِفْتِراءِ
محو سازنده نشانهای میل و خواهشهای نفسانی کجاست برنده ریسمانهای کذب و افترا
اَيْنَ مُبيدُ الْعُتاةِ وَالْمَرَدَةِ اَيْنَ مُسْتَأْصِلُ اَهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْليلِ
کجاست هلاک سازنده از حد گذرندگان و گردنکشان کجاست از ریشه کننده ستیزه گران و گمراه نمایندگان
وَالْاِلْحادِ اَيْنَ مُعِزُّ الْاَوْلِياءِ وَمُذِلُّ الْاَعْداءِ اَيْنَ جامِعُ الْكَلِمِ
و بی دینان کجاست عزیز کننده دوستان خدا و خوار سازنده دشمنان کجاست فراهم آورنده کلمه
عَلَى التَّقْوى اَيْنَ بابُ اللهِ الَّذي مِنْهُ يُؤْتى اَيْنَ وَجْهُ اللهِ الَّذي
بر پرهیزکاری کجاست در فرستنده خدا که درآیند از آن کجاست آن وجه خدا
اِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْاَوْلِياءُ اَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ اَهْلِ الْاَرْضِ وَ
رو میکنند دوستان خدا کجاست دست آویز پیوسته میان اهل زمین و
السَّماءِ اَيْنَ صاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَناشِرُ رايَةِ الْهُدى اَيْنَ مُؤَلِّفُ
آسمان کجاست خداوند روز فتح و برافرازنده علم هدایت کجاست الفت
شَمْلِ الصَّلاحِ وَالرِّضا اَيْنَ الطّالِبُ بِذُحُولِ الْاَنْبِياءِ وَاَبْناءِ
دهنده پراکندگی نیکی و خشنودی خدا کجاست طلب کننده خونهای پیغمبران و فرزندان
الْاَنْبِياءِ اَيْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلاءَ اَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلى مَنِ المطالب
پیغمبران کجاست طلب کننده خون شهید کربلا کجاست آن یاری کرده شده بر آنکه
اعْتَدى عَلَيْهِ وَافْتَرى اَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذي يُجابُ اِذا دَعا اَيْنَ نبكيه
خواهد زیادتی کند بر او و بر بافد دروغ کجاست درمانده که اجابت کرده شود چون بخواند خدا را کجاست
صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوى اَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفى
پیشوای آفریدگان خداوند نیکوئی و پرهیزکاری کجاست فرزند پیغمبر برگزیده

وا ین

وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضى وَابْنُ خَديجَةَ الْغَرّاءِ وَابْنُ فاطِمَةَ الزَّهْراءِ الْكُبْرى
و فرزند علی پسندیده و فرزند خدیجه پیشانی سفید و فرزند فاطمه درخشنده روی بزرگوار
بِاَبي اَنْتَ وَاُمّي وَنَفْسي لَكَ الْوِقاءُ وَالْحِمى يَا ابْنَ السّادَةِ الْمُقَرَّبينَ
فدای تو باد پدر و مادر من و خودم مر ترا بجان حفظ نگهدارنده و حمایت کننده ام ای فرزند بزرگ نزدیکان
يَا ابْنَ النُّجَباءِ الْاَكْرَمينَ يَا ابْنَ الْهُداةِ الْمُهْتَدينَ يَا ابْنَ الْخِيَرَةِ المهديين
ای فرزند برگزیدگان بزرگواران ای فرزند راهنمایان راه یافتگان ای فرزند اختیار کرده شدگان
الْمُهَذَّبينَ يَا ابْنَ الْغَطارِفَةِ الْاَنْجَبينَ يَا ابْنَ الْخَضارِمَةِ
پاک گردیدگان ای فرزند بزرگان بخشندگان ای فرزند بخشندگان
الْمُنْتَجَبينَ يَا ابْنَ الْقَماقِمَةِ الْاَكْرَمينَ يَا ابْنَ الْاَطائِبِ الْمُطَهَّرينَ المعظمين
برگزیدگان ای فرزند مهتران بزرگواران ای فرزند پاکیزگان پاکان
يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضيئَةِ يَا ابْنَ الشُّهُبِ الثّاقِبَةِ
ای فرزند ماههای تمام نور بخش ای فرزند چراغهای روشن ای فرزند کوکبهای رخشان
يَا ابْنَ الْاَنْجُمِ الزّاهِرَةِ يَا ابْنَ السُّبُلِ الْواضِحَةِ يَا ابْنَ الْاَعْلامِ
ای فرزند ستارهای رخشان ای فرزند راههای ظاهر ای فرزند نشانهای
اللّائِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكامِلَةِ يَا ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ
هویدا ای فرزند علوم کامل ای فرزند شرایع و طریقهای مشهور ای فرزند
الْمَعالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجِزاتِ الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الدَّلائِلِ
نشانهای مذکور ای فرزند معجزهای ثابت ای فرزند دلیلهای
الْمَشْهُودَةِ يَا ابْنَ الصِّراطِ الْمُسْتَقيمِ يَا ابْنَ النَّبَاِ الْعَظيمِ يَا ابْنَ مَنْ
گواهی داده شده ای فرزند راه راست ای فرزند خبر بزرگ ای فرزند آنکه
هُوَ في اُمِّ الْكِتابِ لَدَى اللهِ عَلِيٌّ حَكيمٌ يَا ابْنَ الْاياتِ وَالْبَيِّناتِ
ای فرزند آنکه در لوح محفوظ نزد خدا بلند مرتبه است راست گفتار درست کردار ای فرزند نشانهای قدرت و معجزهای روشن

يا ابن الدلائل الظاهرات يا ابن البراهين الواضحات الباهرات يا
ای فرزند دلیلهای روشن ای فرزند برهانهای روشن آشکار ای
ابن الحجج البالغات يا ابن النعم السابغات يا ابن طه والمحكمات
فرزند حجتهای رسای کامل ای فرزند نعمتهای کامل ای فرزند طه وآیات محکم متقنه
يا ابن يس والذاريات يا ابن الطور والعاديات يا ابن من دنا
ای فرزند یس وذاریات ای فرزند طور وعادیات ای فرزند آنکه نزدیک شد
فتدلى فكان قاب قوسين او ادنى دنوا واقترابا من العلي
پس بغایت نزدیک شد پس بود قرب او باندازه دو کمان یا نزدیکتر نزدیکی وقرب بنسبت بخداوند بلند مرتبه
الاعلى ليت شعري اين استقرت بك النوى بل اي ارض
برتر کاش دانستمی که بکدام جهة قرار گرفته ترا قصد بلکه کدام زمین
تقلك او الثرى ابرضوى ام غيرها ام ذي طوى عزيز علي ان — اي ثرى خ ل
بر میدارد ترا یا کدام خاک نمناک آیا برضوانی یا غیر آن یا در ذی طوی منزل وگرانست بر من اگر
ارى الخلق ولا ترى ولا اسمع لك حسيسا ولا نجوى عزيز علي
ببینم خلق را ودیده نشوی تو ونشنودم ترا آواز نرمی وراز گرانست بر من
ان لا يحيط بي دونك البلوى ولا ينالك مني ضجيج ولا شكوى — تحيط بك دوني خ ل
اگر فرا نگیرد مرا بی حضور تو زحمت ونرسد ترا از من فریادی ونه شکایتی
بنفسي انت من مغيب لم يخل منا بنفسي انت من نازح ينزح عنا
فدای تو گردم
بنفسي انت امنية شائق يتمنى من مؤمن ومؤمنة ذكرا فحنا
فدای تو گردم آرزوی خواهشمندی که خواهش کند از مرد گرونده وزن گرونده که یاد کنند پس مشتاق شوند
بنفسي انت من عقيد عز لا يسامى بنفسي انت من تلاد نعم لا تضاهى
فدای تو گردم بسته عزتی همسری کرده نشود فدای تو گردم زاده نعمتهای که شبیهی داشته نشوند

بنفسي انت من اثيل مجد لا يجارى

بنفسي انت من نصيف شرف لا يساوى الى متى احار فيك يا
فدای تو گردم همتای شرافتی که برابر کرده نشود تا کی تحیر کنم بسوی خدا در باره تو ای
مولاي والى متى واي خطاب اصف فيك واي نجوى عزيز علي
ای صاحب اختیار من وتا بکی وکدام خطاب گویم ترا وبکدام راز گرانست بر من
ان اجاب دونك واناغى عزيز علي ان ابكيك ويخذلك
اگر سخن گفته شوم بی تو وگفتگو کرده شوم گرانست بر من اگر بگریم ترا ووا گذارند ترا
الورى عزيز علي ان يجري عليك دونهم ما جرى هل من معين
خلایق گرانست بر من اگر جاری شود نه ایشان بر تو آنچه جاری شد آیا هست هیچ مددکار
فاطيل معه العويل والبكا هل من جزوع فاساعد جزعه اذا
پس دراز کنم با او فغان وزاری را آیا هست هیچ جزع کنی پس یاری کنم جزع او را چون
خلا هل قذيت عين فتسعدها عيني على القذى هل اليك يا
تنها شود آیا برهم خورده شده است دیده پس مدد کند آنرا دیده من بر هم خوردگی آیا هست بسوی تو ای
ابن احمد سبيل فتلقى هل يتصل يومنا منك بغده فنحظى متى — فتلقى خ ل
فرزند احمد راهی پس ملاقات کرده شوی آیا برسد روز ما از خدمت تو بفردای آن پس بهره ور گردیم
نرد مناهلك الروية فنروى متى ننتقع من عذب مائك
وارد شویم چشمه سارهای لبریز ترا پس سیراب شویم آیا کی منتفع شویم از آب پاکیزه شیرین
فقد طال الصدى متى نغاديك ونراوحك فنقر عيوننا — فنقر منها عيننا خ ل
پس بحقیقت بطول انجامید تشنگی آیا کی بامداد آیم ترا وشبانگاه آیم ترا پس روشن شود دیده های ما
متى ترانا ونراك وقد نشرت لواء النصر ترى اترانا نحف
کی بینی تو ما را وببینیم ما ترا وبحقیقت برانگیخته باشی علم نصرت را حال آنکه ما باشیم آیا می بینی ما را
بك وانت تام الملا وقد ملات الارض عدلا واذقت اعداءك
که بگردیم گرد تو وتو پیشوا باشی بزرگان خلق را وبحقیقت پر کرده باشی زمین را از روی عدالت وچشانیده باشی دشمنان خود را

هوانا وعقابا وابرت العتاة وحجدة الحق وقطعت دابر المتكبرين
خواری وعقوبت وهلاک نموده باش از حد گذرندگان و منکران حق را وقطع کن بیخ و بنیاد گردنکشان را
واجتثثت اصول الظالمين ونحن نقول الحمد لله رب العالمين
و برکنده باش ریشهای ستمکاران را و ما گوئیم که سپاس مر خدا را پروردگار جهانیان
اللهم انت كشاف الكرب والبلوى واليك استعدى فعندك
خداوندا توئی زایل کننده اندوه و زحمت و بسوی تو یاری میجویم پس نزد تست
العدوى وانت رب الاخرة والاولى فاغث يا غياث المستغيثين
یاری جستن و تو پروردگار آن جهان و اینجهانی پس بفریادرس فریادرس طلبان
عبيدك المبتلى وارِه سيده يا شديد القوى وازل عنه به الاسى
بنده حقیر خود را افتاده شده در بلا و بنما و آقای او را ای خداوند توانا بنهایت سخت و زایل کن از و برکت آنجناب
والجوى وبرد غليله يا من على العرش استوى ومن اليه الرجعى
حزن واندوه را و سرد کن سوزش سینه او را ای آنکه بر عرش مستولیست و ای آنکه بسوی اوست بازگشت
والمنتهى اللهم ونحن عبيدك التائقون الى وليك المذكر بك
و منتهی شدن خداوندا و ما بندگان اشتیاق دارنده کانیم بسوی دوست تو که یاد آورنده است بتو
وبنبيك خلقته لنا عصمة وملاذا واقمته لنا قواما ومعاذا
و بپیغمبر تو آفریدی او را برای ما نگاهدارنده و ملجا و برپا داشتی او را برای ما وسیله و بقا و پناه
وجعلته للمؤمنين منا اماما فبلغه منا تحية وسلاما وزدنا
و گردانیدی او را برای گروندگان از ما پیشوا پس برسان او را درود از ما و سلام و افزون کن ما را
بذلك يا رب اكراما واجعل مستقره لنا مستقرا ومقاما و
بسبب آن ای پروردگار من از روی نوازش و بگردان آرامگاه او را برای ما آرامگاه و اقامتگاه و
اتمم لنا نعمتك بتقديمك اياه امامنا حتى توردنا جنانك
تمام کن نعمت خود را به پیش داشتن تو او را پیش ما تا آنکه فرود آوری ما را در بهشتهای خود

ورانف

جنانك

ومرافقة الشهداء من خلصائك اللهم صل على حجتك وولي امرك
و برفاقت شهیدان از بندگان خالص خود خداوندا رحمت بفرست بر حجت خود و خداوند امر خود
وصل على جده محمد رسولك السيد الاكبر وصل على علي ابيه
و رحمت بفرست بر جد او محمد رسول تو مهتر بزرگتر و رحمت بفرست بر علی پدر او
السيد القسور وحامل اللواء في المحشر وساقي اوليائه من نهر
بزرگ شیر شکار و بردارنده علم حمد در روز حشر و آب دهنده دوستان خود از نهر
الكوثر والامير على سائر البشر الذي من امن به فقد ظفر ومن
کوثر و پادشاه فرمانفرمای بر همه آدمیان آنکه هر که گروید باو پس بتحقیق فیروزی یافت و هر که
لم يؤمن به فقد خطر وكفر صلى الله عليه وعلى اخيه وعلى
نگروید باو پس بتحقیق مشرف شد بهلاکت و کافر شد رحمت فرستد خدا بر او و بر برادر او و بر
نجلهما الميامين الغرر ما طلعت شمس وما اضاء قمر وعلى جدتهم
فرزندان ایشان که با برکت دادندگان و شخ سفیدانند مادام که برآید آفتاب و مادام که روشنی بخشد ماه و بر جده او
الصديقة الكبرى فاطمة الزهراء بنت محمد المصطفى وعلى من
آن بغایت راستگوی بزرگتر فاطمه زهرا دختر محمد برگزیده و بر هر که
اصطفيت من ابائه البررة وعليه افضل واكمل واتم وادوم
برگزیدی از پدران نیکوکاران او و بر او بهتر و کاملتر و تمامتر و پیوسته تر
واكثر واوفر ما صليت على احد من اصفيائك وخيرتك من
و بیشتر و فراوانتر از آنچه رحمت فرستادهٔ تو بر یکی از برگزیدگان خود و اختیار کرده شده بهترین
خلقك وصل عليه صلوة لا غاية لعددها ولا نهاية لمددها
آفریدگان خود و رحمت بفرست بر او رحمتی که نباشد پایانی مر شمار آن را و نه آخر برای مدد آن
ولا نفاد لامدها اللهم واقم به الحق وادحض به الباطل و
و نه زایل شدنی برای مدت آن خداوندا و بپا دار باو حق را و نابود کن بسبب او باطل را و

مشکر

تر

اَدِلَّ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ وَاَذْلِلْ بِهِ اَعْدَاءَكَ وَصِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ
و غالب گردان باو دوستان خود را و خوار کن بسبب او دشمنان خود را و پیوستگی ده خداوندا میانه ما و میانه او
وُصْلَةً تُؤَدِّي اِلٰى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَاْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَ
پیوستگی که برساند بسوی رفاقت پدران او و بگردان ما را از آنانکه فرا گیرند امان ایشان را و
يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَاَعِنَّا عَلٰى تَاْدِيَةِ حُقُوقِهِ اِلَيْهِ وَالْاِجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ
جای گیرند در سایه ایشان و مدد کن ما را بر رسانیدن حقوق او بسوی او و کوشش نمودن در فرمانبرداری او
وَالْاِجْتِنَابِ عَنْ مَعْصِيَتِهِ وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ
و دوری نمودن از نافرمانی او و منت گذار بر ما بخوشنودی او و ببخش ما را مهربانی او و
وَرَحْمَتَهُ وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزًا
و بخشش او و دعای او و خیر او آنچه برسیم بسبب آن بگشادگی از رحمت تو و فیروزی
عِنْدَكَ وَاجْعَلْ صَلَوٰتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً وَدُعَاءَنَا
نزد تو و بگردان نمازهای ما را ببرکت او پذیرفته و گناهان ما را بحرمت او آمرزیده و دعای ما را
بِهِ مُسْتَجَابًا وَاجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوَائِجَنَا
بحرمت او اجابت کرده شده و بگردان روزیهای ما را بحرمت او پهن کرده شده و غمهای ما را بحرمت او رفع کرده شده و حاجتهای ما
بِهِ مَقْضِيَّةً وَاَقْبِلْ اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ
بحرمت او برآورده شده و رو کن بسوی ما بروی رحمت خود بزرگوار و بپذیر نزدیک جستن ما را بسوی تو
وَانْظُرْ اِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لَا
و بنگر بسوی ما نگریستن با مهربانی و کامل کنیم بآن نوازش را نزد تو پس باز
تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ
مگردان نظر خود را از ما بر بخشش خود آب ده ما را از حوض جد او رحمت فرستد خدا بر او و آل او
بِكَاْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا سَائِغًا لَا ظَمَاَ بَعْدَهُ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
بجام او و بدست او سیرابی کامل گوارای خوش آینده که نباشد تشنگی پس از آن ای رحم کننده ترین رحم کنندگان

واما

٢٧٥

وَاما طریق صلوات فرستادن بر ایشان شیخ طوسی ره بسند معتبر روایت کرده است که عبد الله بن محمد گفت که من سؤال کردم از حضرت امام حسن عسکری عم که املاء نماید بر من کیفیت صلوات فرستادن بر حضرت رسول صلعم و اوصیاء آنحضرت صلوات الله علیهم را و باخود حاضر کرده بودم کاغذ بزرگی پس بر من املاء نمود بی آنکه از کتابی املاء کند باین نحو اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ كَمَا حَمَلَ وَحْيَكَ وَبَلَّغَ رِسَالَاتِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا اَحَلَّ
و رحمت بفرست بر محمد چنانچه برداشت وحی ترا و رسانید پیغام ترا و رحمت بفرست بر محمد چنانچه حلال
حَلَالَكَ وَحَرَّمَ حَرَامَكَ وَعَلَّمَ كِتَابَكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا
کرد حلال ترا و حرام کرد حرام ترا و آموزانید کتاب ترا و رحمت بفرست بر محمد چنانچه
اَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَدَعَا اِلٰى دِينِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا
بهمه کوبپا داشت نماز را و داد زکوة و صدقه را و خواند بسوی دین تو و رحمت بفرست بر محمد چنانچه
صَدَّقَ بِوَعْدِكَ وَاَشْفَقَ مِنْ وَعِيدِكَ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا غَفَرْتَ
باور کرد وعده ترا و ترسید از وعید تو و رحمت بفرست بر محمد چنانچه آمرزیدی
بِهِ الذُّنُوبَ وَسَتَرْتَ بِهِ الْعُيُوبَ وَفَرَّجْتَ بِهِ الْكُرُوبَ وَصَلِّ
ببرکت او گناهان را و پوشانیدی بحرمت او عیبها را و زایل کردی باو اندوهها را و رحمت بفرست
عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا دَفَعْتَ بِهِ الشَّقَاءَ وَكَشَفْتَ بِهِ الْغَمَّاءَ وَاَجَبْتَ
بر محمد چنانچه دفع کردی ببرکت او بدبختی را و زایل کردی باو اندوه را و پذیرفتی بوسیله
بِهِ الدُّعَاءَ وَنَجَّيْتَ بِهِ مِنَ الْبَلَاءِ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَ
او دعا را و رهانیدی ببرکت او از بلا و تعب و رحمت بفرست بر محمد چنانچه بخشش نمودی
بِهِ الْعِبَادَ وَاَحْيَيْتَ بِهِ الْبِلَادَ وَقَصَمْتَ بِهِ الْجَبَابِرَةَ وَاَهْلَكْتَ
باو بندگان را و زنده گردانیدی باو شهرها را و درهم شکستی باو گردنکشان را و نیست کردی باو

وآلِ محمّد
وآلِ محمّد
وآلِ محمّد
وآلِ محمّد
وآلِ محمّد

بِهِ الفراعنة وصلّ على محمّد كما اضعفت به الاموال وحذرت
باو از کذرنده کانرا ورحمت بفرست برمحمد چنانکه فزون کردی برکت او مالها را وترسانیدی

بِهِ من الاهوال وكسّرت به الاصنام ورحمت به الانام وصلّ
او از شدايد وشکستی باو بتهارا وبخشش نمودی باو آدمیانرا ورحمت بفرست

على محمّد كما بعثته بخير الاديان واعززت به الايمان وتبّرت به
بر محمد چنانکه فرستادی اورا بهترین ملتها وغالب گردانیدی باو ایمانرا وبرهم شکستی باو

الاوثان وعظّمت به البيت الحرام وصلّ على محمّد واهل بيته
بتهارا بزرگ گردانیدی باو خانهٔ محترم ورحمت فرست برمحمد وخاندان او

الطاهرين الاخيار وسلّم تسليما اللهمّ صلّ على امير المؤمنين علي
پاکان ونیکوکاران ودرود فرستا درود فراوان خداوندا رحمت فرست بر پادشاه گروندگان علی

بن ابي طالب اخي نبيّك ووليّه ووصيّه ووزيره ومستودع
پسر ابو طالب برادر پیغمبر تو ودوست او ووصی او وبردارنده گرانیهااز او وودارگاه

علمه وموضع سرّه وباب حكمته والناطق بحجّته والداعي الى
علم او وجایگاه راز او ودر حکمت او وگویا بحجت او وخواننده بسوی

شريعته وخليفته في امّته ومفرّج الكرب عن وجهه قاصم الكفرة
ملت وطریقهٔ او وجانشین او در امت او وزایل کننده اندوهها از پیش روی او وبرهم شکننده کافران

ومرغم الفجرة والذي جعلته من نبيّك بمنزلة هارون من
وخوار کننده بدکاران وآنکه گردانیدی اورا نسبت بپیغمبر خود بمنزلهٔ هرون نسبت

موسى اللهمّ وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من نصره
بموسی خداوندا دوست دار آنرا که دوست داشته اورا ودشمن دار آنرا که دشمن داشته اورا ویاری کن آنرا که یاری کرده اورا

واخذل من خذله والعن من نصب له من الاوّلين والآخرين
وخوار بگذار آنرا که واگذاشته اورا ولعنت کن آنرا که دشمنی کرده اورا از پیشینیان وپسینیان

وصل

اعززت خ ل

بترت خ ل

وصلّ عليه افضل ما صلّيت على احد من اوصياء انبيائك
ورحمت بفرست براو بهتر از آنچه رحمت فرستادی بریکی از اوصیای پیغمبران

يا ربّ العالمين اللهمّ صلّ على الصدّيقة فاطمة الزكيّة حبيبة
ای پروردگار جهانیان خداوندا رحمت فرست بر راستگوی بغایت فاطمهٔ پاک دوست

حبيبك ونبيّك وامّ احبّائك واصفيائك التي انتجبتها
دوست تو وپیغمبر تو ومادر دوستان تو وبرگزیدگان تو آنکه برگزیدی اورا

وفضّلتها واخترتها على نساء العالمين اللهمّ كن الطالب
وزیادتی دادی اورا واختیار کردی اورا بر زنان جهانیان خداوندا باش طلب کننده

لها ممّن ظلمها واستخفّ بحقّها وكن الثائر اللهمّ بدم
برای او از آنکه ستم کرد اورا وسبک شمرد حق آنرا وباش طلب کننده خداوندا خون

اولادها اللهمّ وكما جعلتها امّ ائمّة الهدى وحليلة صاحب
فرزندان او خداوندا وچنانکه گردانیدی اورا مادر پیشوایان راه رسته وزن صاحب

اللواء والكريمة عند الملأ الاعلى فصلّ عليها وعلى امّها خديجة
رایت وعلم وبزرگوار نزد بزرگان محل برتر پس رحمت بفرست براو وبر مادر او خدیجه

الكبرى صلوة تكرم بها وجه ابيها محمّد صلّى الله عليه وآله
کبری رحمتی که گرامی داری بآن روی پدر او محمد را رحمت فرستد خدا براو وآل او

وتقرّ بها اعين ذرّيّتها وابلغهم عنّي في هذه الساعة افضل
وروشن کنی بآن دیدهای فرزندان اورا وبرسان بایشان از من در این ساعت بهترین

التحيّة والسلام اللهمّ صلّ على الحسن والحسين عبديك
درودها وسلام خداوندا رحمت بفرست بر حسن وحسین دو بندهٔ تو

ووليّيك وابني رسولك وسبطي الرحمة وسيّدي شباب
ودوستان تو ودو پسر پیغمبر تو ودو فرزندزادهٔ رحمت ودو بزرگ جوانان

اهل الجنة وافضل ما صليت على احد من اولاد النبيين
اهل بهشت بهتر از انچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندان پیغمبران
والمرسلين اللهم صل على الحسن بن سيد النبيين ووصي
و فرستادگان خداوندا رحمت بفرست بر حسن پسر بزرگ پیغمبران و وصی
امير المؤمنين السلام عليك يا ابن رسول الله السلام عليك
پادشاه گروندگان سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو
يا ابن رسول الله السلام عليك يا ابن سيد الوصيين اشهد
ای فرزند بزرگ اوصیا گواهی میدهم
انك يا ابن امير المؤمنين امين الله وابن امينه عشت
که تحقیق توئی پسر پادشاه گروندگان با امانت خدا و پسر امانت دار او زندگانی کردی
مظلوما ومضيت شهيدا واشهد انك الامام الزكي
ستم رسیده و گذشتی شهید و مقتول و گواهی میدهم که تحقیق توئی پیشوای پاک
الهادي المهدي اللهم صل عليه وبلغ روحه وجسده
راه نمای راه یافته خداوندا رحمت فرست بر او و برسان بروح او و بدن او را
عني في هذه الساعة افضل التحية والسلام اللهم صل على
از من درین ساعت بهترین درودها و سلام خداوندا رحمت فرست بر
الحسين بن علي المظلوم الشهيد قتيل الكفرة وطريح الفجرة
حسین پسر علی ستم رسیده شهید کشته کافران و افکنده شده بدکاران
والسلام عليك يا ابا عبد الله السلام عليك يا ابن رسول الله
و درود بر تو ای ابا عبد الله درود بر تو ای فرزند رسول خدا
السلام عليك يا ابن امير المؤمنين اشهد موقنا انك امين الله
درود بر تو ای فرزند پادشاه گروندگان گواهی میدهم یقین دارنده که تحقیق توئی امین خدا

١٩ بن

وابن امينه قتلت مظلوما ومضيت شهيدا واشهد ان الله
و فرزند امین او کشته شدی ستم رسیده و گذشتی شهادت یافته و گواهی میدهم که تحقیق خدای
تعالى الطالب بثارك ومنجز ما وعدك من النصر والتاييد
برتر است مطالبه کننده خون ترا و روا کننده است انچه او وعده کرده ترا از یاری نمودن و قوت دادن
في هلاك عدوك واظهار دعوتك واشهد انك وفيت
در هلاک نمودن دشمن تو و ظاهر ساختن دعوت تو و گواهی میدهم که تحقیق تو وفا کردی
بعهد الله وجاهدت في سبيل الله وعبدت الله مخلصا
به پیمان خدا و کارزار نمودی در راه خدا و پرستیدی خدا را حال آنکه خالص کننده بودی
حتى اتاك اليقين لعن الله امة قتلتك ولعن الله امة
تا آمد ترا مرگ لعنت کند خدا گروهی را که کشتند ترا و لعنت کند خدا گروهی را که
خذلتك ولعن الله امة البت عليك وابرء الى الله تعالى
واگذاشتند ترا و لعنت خدا گروهی جمع شدند بر محاربه تو و بیزاری میجویم بسوی خدای برتر
ممن اكذبك واستخف بحقك واستحل دمك بابي انت
از انکه بدروغ نسبت داد ترا و سبک شمرد حق ترا و حلال دانست خون ترا فدای تو باد پدرم
وامي يا ابا عبد الله ولعن الله قاتلك ولعن الله خاذلك
و مادرم ای ابا عبد الله و لعنت کند خدا کشنده ترا و لعنت کند خدا واگذارنده ترا
ولعن الله من سمع واعيتك فلم يجبك ولم ينصرك
و لعنت کند خدا آنرا که شنید فریاد ترا پس اجابت نکرد ترا و لعنت کند خدا آنرا که یاری نکرد ترا
ولعن الله من سبا نساءك انا الى الله منهم بريء وممن
و لعنت کند خدا آنرا که اسیر کرد زنان ترا من بسوی خدا از ایشان بیزاری جوینده ام و از آنکه
والاهم واعانهم عليه اشهد انك والائمة من ولدك
دوست داشت ایشان را و یاری کرد ایشان را گواهی میدهم که تحقیق تو و پیشوایان از فرزندان تو

كلمة التقوى وباب الهدى والعروة الوثقى والحجة على
كلمه پرهیزکاری ودر راه یافتگی ودست آویز محکم وحجت بر
اهل الدنيا واشهد انی بكم مؤمن وبمنزلتكم موقن ولكم
اهل دنیا وگواهی میدهم بتحقیق من بشما گرونده ام وبمنزلت شما یقین دارنده وبرشما
موقن تابع بذات نفسی وشرائع دینی وخواتيم عملی ومنقلبی
پیروی کننده بذات نفس خود وطریقهای دین خود وآخرهای کردار خود وبازگشت خود
فی دنیای وآخرتی اللهم صل على علی بن الحسين سيد
در دنیای خود وآخرت خود خداوندا رحمت فرست بر علی فرزند حسین بزرگ
العابدين الذی استخلصته لنفسك وجعلت منه ائمة الهدى
پرستندگان آنکه خالص گردانیدی اورا برای ذات خود وگردانیدی از وی پیشوایان هدایت را
الذين يهدون بالحق وبه يعدلون اخترته لنفسك وطهرته
آنانکه راهنمائی کنند براه راست وبآن خود میل کنند . اختیار کردی اورا برای ذات خود وپاک گردانیدی اورا
من الرجس واصطفيته وجعلته هاديا مهديا اللهم فصل
از گناه . وبرگزیدی اورا وگردانیدی اورا راهنما راه یافته خداوندا پس رحمت فرست
عليه افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك حتى
براو بهتر آنچه رحمت فرستادی بر یکی از فرزندزادگان پیغمبران خود تا آنکه
تبلغ به ما تقر به عينه فی الدنيا والاخرة انك عزيز حكيم
برسانی اورا بآنچه روشن شود بآن دیده او در اینجهان وآنجهان بدرستیکه تو غالب درست کرداری
اللهم صل على محمد بن علی باقر العلم وامام الهدى وقائد
خداوندا رحمت بفرست بر محمد پسر علی شکافنده علم وپیشوای راه راست وپیشرو
اهل التقوى والمنتجب من عبادك اللهم وكما جعلته علما
پرهیزکاران وبرگزیده شده از بندگان تو خداوندا وچنانچه گردانیدی اورا نشانه هدایت

لعبادك

لعبادك ومنارا لبلادك ومستودعا لحكمتك ومترجما
برای بندگان خود وروشنائی برای شهرهای خود وقرارگاه حکمت وعلم خود وبیان کننده
لوحيك وامرت بطاعته وحذرت من معصيته فصل
وحی خود وامر کردی بفرمانبرداری او وترسانیدی از نافرمانی او پس رحمت بفرست
عليه يا رب افضل ما صليت على احد من ذرية انبيائك
براو ای پروردگار من بهترین رحمتی فرستاده بر یکی از فرزندان پیغمبران خود
واصفيائك ورسلك وامنائك يا رب العالمين اللهم
وبرگزیدگان خود وفرستادگان خود وامانت داران خود ای پروردگار جهانیان خداوندا
صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعی اليك
رحمت بفرست بر جعفر پسر محمد راستگو خزینه دار علم تست خواننده بسوی تو
بالحق النور المبين اللهم وكما جعلته معدن كلامك
بدلیل درست روشن هویدا خداوندا وچنانچه گردانیدی اورا قرارگاه کلام خود
ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك وولی امرك
ووحی خود وخازنه دار علم تو وزبان توحید خود وخداوند امر خود
ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من
ونگاهدارنده دین خود پس رحمت فرست براو بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از
اصفيائك وحججك انك حميد مجيد اللهم صل على الامين
برگزیدگان خود وحجتهای خود بدرستیکه تو ستوده بزرگواری خداوندا رحمت فرست بر معتمد
المؤتمن موسى بن جعفر البر الوفی الطاهر الزكی النور
امان داده شده موسی پسر جعفر نیکوکار وفاکردار پاک پاکیزه روشنی
المبين المجتهد المحتسب الصابر على الاذى فيك اللهم وكما
روشن کوشش نماینده با اخلاص شکیبا کننده بر آزارها در راه تو خداوندا وچنانچه

بلّغ عن آبائه ما استودع من أمرك ونهيك وحمل على المحجّة العزّة وص
رسانید از پدران خود آنچه سپرده شده بود از امر تو ونهی تو وبداشت بر راه راست

وكابد أهل الشدّة فيما كان يلقى من جهّال قومه ربّ
ورنج کشید از اهل غلبه وشدت در جمله آنچه بود میدید از بیخردان قوم خود ای پروردگار من

فصلّ عليه أفضل وأكمل ما صلّيت على أحد ممّن أطاعك
پس رحمت بفرست براو بهتر وکاملتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از آنکه فرمانبرداری کرد ترا

ونصح لعبادك إنّك غفور رحيم اللهمّ صلّ على عليّ بن موسى
وپند داد مر بندگان ترا بدرستی که تو آمرزنده مهربانی خداوندا رحمت بفرست بر علی پسر موسی

الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهمّ و
آنکه پسندیدی اورا وخشنود گردانیدی باو آنرا که خواستی از خلق خود خداوندا و

كما جعلته حجّة على خلقك وقائماً بأمرك وناصراً لدينك
چنانچه گردانیدی اورا حجت بر خلق خود وقیام نماینده بامر خود ویاری کننده دین خود

وشاهداً على عبادك وكما نصح لهم في السرّ والعلانية
وگواه بر بندگان خود وچنانچه پند داد ایشان را در نهانی وآشکار

ودعا إلى سبيلك بالحكمة والموعظة الحسنة فصلّ عليه
وخواند بسوی راه تو بدلیل محکم وپند نیکو پس رحمت بفرست براو

أفضل ما صلّيت على أحد من أوليائك وخيرتك من
بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود وبرگزیدگان خود از

خلقك إنّك جواد كريم اللهمّ صلّ على محمّد بن عليّ بن موسى
خلق خود بدرستیکه تو بخشنده بزرگواری خداوندا رحمت بفرست بر محمد پسر علی پسر موسی

علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع الأزكياء
نشانه پرهیزکاران وروشنی راه راست وقرارگاه وفا وزاده پاکان

وخليفة

وخليفة الأوصياء وأمينك على وحيك اللهمّ وكما هديت
وجانشین اوصیا ومعتمد تو بر وحی تو خداوندا وچنانچه راه نمودی

به من الضلالة واستنقذت به من الحيرة وأرشدت به
باو از گمراهی ورهانیدی بوسیله او از حیرت وسرگشتگی وراه نمودی باو آنرا

من اهتدى وزكّيت به من تزكّى فصلّ عليه أفضل ما صلّيت
که راه یافت وپاک گردانیدی ببرکت او آنرا که پاک شد پس رحمت فرست براو بهتر از آنچه رحمت فرستادی

على أحد من أوليائك وبقيّة أوصيائك إنّك عزيز حكيم
بر یکی از پیغمبران خود وباقی مانده اوصیای خود بدرستیکه تو غالب ودرستکرداری

اللهمّ صلّ على عليّ بن محمّد وصيّ الأوصياء وإمام الأتقياء
خداوندا رحمت بفرست بر علی پسر محمد وصی اوصیا وپیشوای پرهیزکاران

وخلف أئمّة الدين والحجّة على الخلائق أجمعين اللهمّ كما جعلته
وجانشین پیشوایان دین وحجت بر آفریدگان همگی خداوندا چنانچه گردانیدی اورا

نوراً يستضيء به المؤمنون فبشّر بالجزيل من ثوابك و
روشنایی که روشنی جویند باو گروندگان پس مژده داد بوافر از ثواب تو و

أنذر بالأليم من عقابك وحذّر بأسك وذكّر بآياتك
بیم فرمود از سخت گرفتن از عقوبت تو وبیم فرمود از سخت گرفتن تو ویاد آوری نمود بآیتهای تو

وأحلّ حلالك وحرّم حرامك وبيّن شرائعك وفرائضك
وحلال کرد حلال ترا وحرام کرد حرام ترا وظاهر ساخت طریقهای دین ترا وواجبات ترا

وحضّ على عبادتك وأمر بطاعتك ونهى عن معصيتك
وبرانگیخت بر پرستش تو وامر کرد بفرمانبرداری تو ومنع کرد از نافرمانی تو

فصلّ عليه أفضل ما صلّيت على أحد من أوليائك وذرّيّته
پس رحمت فرست براو بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از دوستان خود وفرزندان

اَنبیائِکَ یا اِلٰهَ العالَمینَ اللّهُمَّ صَلِّ علی الحسن بن علیٍّ البَرِّ التَّقیِّ
پیغمبران خود ای خدای جهانیان خداوندا رحمت فرست بر حسن فرزند علی نیکوکار پرهیزکار

الصّادِقِ الوَفیِّ النّورِ المُضیءِ وخازِنِ عِلمِکَ والمُذَکِّرِ بتوحیدِکَ
راستگفتار وفاکردار روشنای روشن وخازن علم تو ویادآورنده به یگانگی تو

وَوَلیِّ اَمرِکَ وَخَلَفِ اَئمّةِ الدّینِ الهُداةِ الرّاشِدینَ والحُجَّةِ علی
ومتولی امر تو وجانشین پیشوایان دین راهنمایان راه یافتگان وحجت بر

اَهلِ الدُّنیا فَصَلِّ علیهِ یا رَبِّ اَفضَلَ ما صَلَّیتَ علی اَحَدٍ مِن
اهل دنیا پس رحمت بفرست بر وای پروردگار من بهتر از آنچه رحمت فرستادی بر یکی از

اَصفیائِکَ وَحُجَجِکَ وَاَولادِ رُسُلِکَ یا اِلٰهَ العالَمینَ اللّهُمَّ
برگزیدگان خود وحجتهای خود وفرزندان پیغمبران خود ای خدای جهانیان خداوندا

صَلِّ علی وَلیِّکَ وَابنِ اَولیائِکَ الّذینَ فَرَضتَ طاعَتَهُم وَاَوجَبتَ
رحمت بفرست بر دوست خود وپسر دوست خود آنانکه لازم کردی اطاعت ایشان را وثابت کردانیدی

حَقَّهُم وَاَذهَبتَ عَنهُمُ الرِّجسَ وَطَهَّرتَهُم تَطهیراً اللّهُمَّ
حق ایشان را وبردی از ایشان گناه را وپاک گردانیدی ایشان را پاک کردنی خداوندا

اُنصُرهُ وانتَصِر بِهِ لِدینِکَ وانصُر بِهِ اَولیاءَکَ وَاَولیاءَهُ
یاری کن او را وانتقام بکش باو برای دین خود ویاری کن باو دوستان خود ودوستان او را

وَشیعَتَهُ وَاَنصارَهُ وَاجعَلنا مِنهُم اللّهُمَّ اَعِذهُ مِن شَرِّ کُلِّ
وپیروان او را ویاوران او را وبگردان ما را از ایشان خداوندا پناه ده او را از گزند هر

باغٍ وَطاغٍ وَمِن شَرِّ جَمیعِ خَلقِکَ وَاحفَظهُ مِن بَینِ یَدَیهِ وَمِن
ستمکاری وگردنکشی واز گزند همه خلق خود ونگاهدار او را از پیش روی او واز

خَلفِهِ وَعَن یَمینِهِ وَعَن شِمالِهِ وَاحرُسهُ وَامنَعهُ مِن اَن یوصَلَ
عقب او واز طرف راست او واز طرف چپ او وحراست کن او را وبازدار او را از آنکه رسانیده شود

الیه

اِلَیهِ بِسوءٍ وَاحفَظ فیهِ رَسولَکَ وَآلَ رَسولِکَ وَاَظهِر بِهِ
به او بدی ورعایت کن در حق او حرمت پیغمبر خود وآل پیغمبر خود را وظاهر کن بسبب او

العَدلَ وَاَیِّدهُ بِالنَّصرِ وَانصُر ناصِریهِ وَاخذُل خاذِلیهِ وَاقصِم بِهِ
عدالت را وقوی کن او را بیاری نمودن ویاری کن یاوران او را وفروگذار فروگذارندگان او را وبرهم شکن باو

جَبابِرَةَ الکَفَرَةِ وَاقتُل بِهِ الکُفّارَ وَالمُنافِقینَ وَجَمیعَ المُلحِدینَ
ستمکاران کافران را وبکش بدست او کافران را ودورویان را وهمه بیدینان را

حَیثُ کانوا مِن مَشارِقِ الاَرضِ وَمَغارِبِها وَبَرِّها وَبَحرِها
آنجا که بوده باشند از جاهای برآمدن آفتاب از زمین وجاهای فرورفتن آفتاب از آن وخشکی آن ودریای آن

وَاملَأ بِهِ الاَرضَ عَدلاً وَاَظهِر بِهِ دینَ نَبیِّکَ عَلَیهِ وَآلِهِ
وپر کن بسبب او زمین را از روی عدالت وظاهر کن باو دین پیغمبر خود را که بر او وآل او باد

السَّلامُ وَاجعَلنِی اللّهُمَّ مِن اَنصارِهِ وَاَعوانِهِ وَاَتباعِهِ وَ
درود وبگردان مرا خداوندا از یاوران او ومددکاران او وپیروان او و

شیعَتِهِ وَاَرِنی فی آلِ مُحَمَّدٍ ما یَأمُلونَ وَفی عَدُوِّهِم ما یَحذَرونَ
گروه او وبنما مرا در حق آل محمد آنچه آرزو کنند ودر باره دشمنان ایشان آنچه بیم نمایند

اِلٰهَ الحَقِّ آمینَ **باب دوازدهم** در بیان نمازهای واجب است
ای خدای بحق اجابت کن دعای که مخصوص روزی وماهی نیست ونمازهای سنت

که اختصاص بوقتی ندارند واعمالی که بغیر ماههای عربی تعلق دارند ودر آن
هشت فصل است **فصل اول** در بیان نماز آیات است بدانکه این نماز
واجب است نزد کسوف آفتاب وخسوف ماه خواه کلی بگیرند وخواه
بعض ودر زلزله که زمین بلرزد ومشهور آنست که هر آیتی که از جانب
آسمان حادث شود که موجب خوف غالب خلق گردد این نماز واجب میشود

ماانند بادهای بسیار شدید که بر خلاف عادت باشد خواه رنگین باشد
وخواه نباشد وصاعقههای عظیم و رعدهای بسیار شدید و تاریک
شدن هوا و امثال اینها و این قول اقوی است و کیفیت این نماز آنست
که قصد کند نماز آفتاب گرفتن یا ماه گرفتن یا زلزله یا آیات مبکنم
اداء از جهة آنکه واجب است برای رضای خدا یا قربة الی الله پس تکبیر
احرام بگوید و حمد و یکسوره بخواند پس رکوع کند پس سر بردارد
و سنت است که در سر برداشتن الله اکبر بگوید پس حمد بر دارد حمد
و سوره بخواند پس رکوع کند تا آنکه پنج رکوع بعمل آورد و از رکوع
پنجم که سر بردارد سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ بگوید بعد از آن بسجود رود و
دو سجده بجا آورد پس برخیزد و یکرکعت دیگر بجا آورد و بدستور
رکعت اول و در سر برداشتن از رکوع دهم بجای تکبیر سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ
حَمِدَهُ بگوید و اگر در رکوع اول بعد از حمد بعضی از سوره را بخواند
و برکوع رود و بعد از سر برداشتن باقی سوره را بخواند اعاده حمد
نمیکند و اگر سوره که پنج آیه باشد تفریق کند بر رکوعها بیکحمد که در
رکوع اول خوانده اکتفا میکند و همچنین در رکعت دویم بیکحمد و سوره
چنین که تفریق کند اکتفا میتواند کرد و بهتر آنست که بطریق اول
بکند و بده حمد و ده سوره بجا آورد اگر وقت تنگ نباشد و اول
وقت نماز کسوف و خسوف ابتداء گرفتن است و آخر وقت بقول
مشهور ابتداء منجلی شدن است و اظهر نزد فقیر و جمعی از محققین
آنست که تا تمام منجلی نشود وقتش باقی است و نماز زلزله و آیات که وقتش
وفا بنماز نکند موافق مشهور در تمام عمر اداء است و اگر کسی ترک

کند

کند نماز مذکور را با حدوث یکی از اسباب مذکوره مشهور میان علماء
آنست که قضا میکند این نماز را مطلقا و جمعی گفته اند که بر ناسی که
فراموش کرده باشد قضا نیست مادام که تمام قرص نگرفته باشد
و عمل بمشهور احوط است و اگر مطلع نشود تا وقت بدر رود مشهور
میان اصحاب آنست که قضاء کسوفین واجب نیست مگر آنکه تمام
قرص گرفته باشد و جمعی گفته اند واجب است قضا مطلقا و قول
اول اقوی و ثانی احوط است و مستحب است که این نماز را بجماعت
بجا آورند و طول بدهند بقدر زمان کسوف و خسوف و هرگاه
از نماز فارغ شود و انجلاء نشده باشد اشهر و اقوی آنست که اعاده
نماز مستحب است و بعضی واجب دانسته اند و مستحب است خواندن
سورهها طولانی با وسعت وقت و برابر ساختن رکوع و سجود
با قراءت و مستحب است قنوت خواندن پیش از رکوع دویم و چهارم
و ششم و هشتم و دهم و اگر در ایام زلزله مکرر این آیه را بخواند مناسب است
اِنَّ اللّٰهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا
بدرستیکه خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را بجهة اگر نخواهد که زایل و هر آینه اگر زایل شوند
اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ اِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا و از حضرت
نگاه ندارد آنها را هیچ کس از بعد او بدرستیکه او هست بردبار آمرزکار امام رضا
منقول است که هر که در وقت خواب این آیه را بخواند خانه بر سر شر
خراب نشود فصل دویم نماز استسقاء است یعنی نماز طلب
باران در وقتی که باران کم آید و آب چاهها و چشمهها کم شود و کیفیت
این نماز مثل نماز عید است که سابقا مذکور شد و بجماعت باید کرد و منبر

و در دعای طلب رحمت و استغفار از گناهان و طلب باران بکرده

دعاها دعاء نوزدهم صحیفهٔ کامله است واکثر گفته اند وقتش از
طلوع آفتابست تا زوال وباید امام امر کند مردم را که سه روز روزه
بدارند ودر روز سیم ایشانرا بیرون برد وبهتر آنست که روز سیم جمعه
باشد یا دوشنبه وبصحراء بیرون روند پای برهنه با سکینه ووقار
ومؤذنان عصاها بدست گرفته پیش روی امام بروند وچون امام
از نماز فارغ شود بر منبر بالا رود وردا را بگرداند بانکه جانب راست را
بجانب چپ آورد وجانب چپ را بجانب راست پس رو بقبله کند
وبآواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید وبجانب راست بگردد وصد
مرتبه سُبحانَ الله بگوید پس بجانب چپ بگردد وصد مرتبه لا اِلهَ
اِلّا الله بگوید پس رو بمردم کند وصد مرتبه الحمد لله بگوید وگفته اند
مردم در ذکرها موافقت کنند نیز در گشتن پس دو خطبه بخواند و
مبالغه کند در استغفار ودعا وطلب رحمت وخطبهای منقول
بهتر است ودور نیست که اگر آن ذکرها را بعد از خطبه بخواند باز
خوب باشد **فصل سیم** در بیان نماز حضرت رسول صلی الله علیه
وآله است سید ابن طاوس قدس الله روحه بسند معتبر از حضرت
امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت سؤال کردند از
نماز حضرت جعفر طیار حضرت فرمود که چرا غافلی از نماز حضرت
رسول صلی الله علیه وآله شاید حضرت رسول نماز جعفر را نکرده باشد
وشاید جعفر نماز آنحضرت را کرده باشد راوی گفت پس آن نماز را تعلیم
کن بمن حضرت فرمود که دو رکعت نماز میکنی در هر رکعت یکمرتبه فاتحه
و پانزده مرتبه سورهٔ انا انزلناه میخوانی پس در رکوع وبعد از سر برداشتن

ودر

ودر سجدهٔ اول وسر برداشتن ودر سجدهٔ دویم وسر برداشتن هر یک
پانزده مرتبه سورهٔ قدر را میخوانی پس تشهد میخوانی وسلام میگوئی
وچون فارغ شوی میان تو وخدا گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده است
وهر حاجت که بطلبی رواست وبعد از آن این دعا میخوانی لا اِلهَ — نیست سزاوار پرستش
اِلّا الله رَبُّنا وَرَبُّ آبائِنَا الاَوَّلینَ لا اِلهَ اِلّا الله اِلهاً
مگر خدا پروردگار ما وپروردگار پدران ما پیشینیان — نیست سزاوار پرستش مگر خدا خدائی
واحِداً وَنَحنُ لَهُ مُسلِمونَ لا اِلهَ اِلّا الله لا نَعبُدُ اِلّا اِیّاهُ
یگانه — وما مراورا گردن نهنده گانیم — نیست سزاوار پرستش مگر خدا نمیپرستیم جز اورا
مُخلِصینَ لَهُ الدّینَ وَلَو کَرِهَ الکافِرونَ لا اِلهَ اِلّا اللهُ وَحدَهُ — المُشرِکون
حال آنکه خالص گردانیده گانیم برای او عبادت را واگرچه ناخوش دارند ناگروندگان نیست سزاوار پرستش مگر خدا حال آنکه
وَحدَهُ وَحدَهُ اَنجَزَ وَعدَهُ وَنَصَرَ عَبدَهُ وَهَزَمَ الاَحزابَ — وَاَعَزَّ جُندَهُ
یگانه یگانه — روا کرده وعدهٔ خود را ویاری نموده بندهٔ خود را وبرهم شکسته طوایف لشکرها را
وَحدَهُ فَلَهُ المُلکُ وَلَهُ الحَمدُ وَهُوَ عَلی کُلِّ شَیءٍ قَدیرٌ اَللّهُمَّ
تنها — پس مراوراست پادشاهی ومراوراست سپاس واو بر هر چیزی تواناست خداوندا
اَنتَ نورُ السَّمواتِ وَالاَرضِ وَمَن فیهِنَّ وَاَنتَ قَیّامُ السَّمواتِ — فَلَکَ الحَمدُ — پس مر تراست سپاس
توئی روشنی بخش آسمانها وزمین — وتوئی پا دارندهٔ آسمانها
وَالاَرضِ وَمَن فیهِنَّ فَلَکَ الحَمدُ وَاَنتَ الحَقُّ وَوَعدُکَ الحَقُّ — وَقَولُکَ الحَقُّ — وگفتار تو درست
وزمین — وآنکه در آنهاست — پس مر تراست سپاس وتوئی پاینده خداوند حق ووعدهٔ تو راست
وَاِنجازُکَ حَقٌّ وَالجَنَّةُ حَقٌّ وَالنّارُ حَقٌّ اَللّهُمَّ لَکَ اَسلَمتُ وَ
وروا کردن تو حق — وبهشت حق — ودوزخ حقست — بار خدایا برای تو گردن نهاده ام و
بِکَ آمَنتُ وَعَلَیکَ تَوَکَّلتُ وَبِکَ خاصَمتُ وَاِلَیکَ حاکَمتُ
بتو گرویده ام — وبر تو اعتماد نموده ام — وبتو میگذارم منازعهٔ خود را وبسوی تو می آورم محاکمهٔ خود

یا ربّ یا ربّ یا ربّ اغفر لی ما قدّمت وما اخّرت واسررت

ای پروردگار من ای پروردگار من ای پروردگار من بیامرز برای من آنچه پیش داشته‌ام و آنچه پس داشته‌ام و آنچه پنهان داشته‌ام

واعلنت انّک انت الهی لا اله الّا انت صلّ علی محمّد وآل محمّد

و آشکار نموده‌ام و پنهان داشته‌ام و تو معبود منی نیست معبودی بحق جز تو رحمت فرست بر محمّد و آل محمّد

اغفر لی وارحمنی وتب علیّ انّک انت التوّاب الرّحیم مؤلف گوید

بیامرز مرا و رحم کن مرا و بپذیر توبه را از من بدرستی که تو پذیرنده توبه مهربانی

که این نماز از نمازهای مشهور است و عامّه و خاصّه در کتب خود

روایت کرده‌اند و بعضی این را از نمازهای روز جمعه شمرده‌اند

و از روایات اختصاصی معلوم نمیشود و ظاهر اداء در سایر ایام توان کرد

فصل چهارم در بیان نماز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه است

ابن بابویه و شیخ طوسی و دیگران رضی الله عنهم بسندهای صحیح و حسن

و معتبر بسیار از حضرت صادق ع روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت

نماز بکذارد یعنی بدو سلام و در هر رکعت بعد از سوره فاتحه

پنجاه مرتبه سوره قل هو الله احد بخواند چون فارغ گردد میان او

و حق تعالی گناهی نماند مگر آنکه آمرزیده شده باشد و بسند و شیخ

از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده‌اند که هر که چهار رکعت

نماز امیر المؤمنین ع را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند روزی

که از مادر متولد شده بوده و حاجتهای او برآورده شود و در هر

رکعت سوره حمد و پنجاه مرتبه سوره توحید بخواند و چون فارغ شود

این دعا را بخواند که تسبیح آنحضرت است سبحان من لا تبید معالمه

پاکست آنکه بپایان نمیرسد نشانهای او

سبحان

سبحان من لا تنقص خزائنه سبحان من لا اضمحلال لفخره

پاکست آنکه کم نمیشود خزانهای او پاکست آنکه نیست زوالی برای بزرگی او

سبحان من لا ینفد ما عنده سبحان من لا انقطاع لمدّته سبحان

پاکست آنکه کم نگردد آنچه نزد اوست پاکست آنکه نیست بریدگی برای مدت او پاکست

من لا یشارک احدا فی امره سبحان من لا اله غیره پس ابتدا

آنکه شریک نکرد کسی را در کار خود پاکست آنکه نیست سزاوار پرستشی غیر او

بخواند

یا من عفا عن السّیّئات ولم یجاز بها ارحم عبدک یا الله یا الله

ای آنکه درگذشته از بدیها و پاداش نداده بآنها رحم کن بنده خود را ای خدا ای خدا

نفسی نفسی انا عبدک یا سیّداه انا عبدک بین یدیک یا ربّاه

دریاب نفس خود را من بنده توام ای بزرگ من بنده تو در پیش توام ای پروردگار

بک یا الهی بکینونتک یا املاه یا رحماناه یا غیاثاه عبدک

بنزد تو آمده‌ام ای خدای من بکینونیت تو ای امیدگاه ای بخشاینده ای فریادرس بنده خود را

عبدک لا حیلة له یا منتهی رغبتاه یا مجری الدّم فی عروقی

بنده خود را نیست چاره او را ای منتهای خواهشها ای روان سازنده خون در رگهای من

عبدک یا سیّداه یا مالکاه ایا هو ایا هو یا ربّاه عبدک

بنده توام ای بزرگ ای خداوند ای خدا ای خدا ای خدا بنده توام

لا حیلة لی ولا غنی بی عن نفسی ولا استطیع لها ضرّا ولا نفعا

نیست چاره مرا نیست بی‌نیازی مرا از خودم و قدرت ندارم برای نفس خود زیانی و نه سودی

ولا اجد من اصانعه تقطّعت اسباب الخدائع عنّی واضمحلّ

و نمی‌یابم کسی را که رشوه دهم او را بریده شده وسیلهای فریبها از من در رفته

کلّ مظنون عنّی افردنی الدّهر الیک فقمت بین یدیک هذا

هر گمان بریده شده از من تنها گذاشته مرا روزگار بسوی تو پس ایستاده‌ام در پیش تو در این

المقام يا الهي بعلمك هذا كان كله فكيف انت صانع بي و
جایگاه ای خدای من بدانش تو آنچه مذکور شده است همه آن پس چگونه تو معامله کننده با من و

ليت شعري كيف تقول لدعائي اتقول نعم ام تقول لا فان قلت
کاشکی دانستمی که چگونه جواب میگوئی مر دعای مرا آیا میگوئی بلی یا میگوئی نی پس اگر گوئی

لا فيا ويلي يا ويلي يا ويلي يا عولي يا عولي يا عولي يا شقوتي يا
نی پس ای وای بر من ای وای بر من ای وای بر من ای فغان من ای فغان من ای فغان من ای بدبختی من ای

شقوتي يا شقوتي يا ذلي يا ذلي يا ذلي الى من وممن او عند من
بدبختی من ای بدبختی من ای خواری من ای خواری من ای خواری من بسوی که واز که یا نزد که

او كيف او ماذا او الى اي شيء الجا ومن ارجوا ومن يجود
یا چگونه یا چه امر یا بسوی کدام چیز پناه گیرم و که را امید دارم و که بخشش کند

علي بفضله حين ترفضني يا واسع المغفرة وان قلت نعم
بر من ببخشش خود هنگامی که واگذاری مرا ای فراگیرنده آمرزش و اگر گوئی بلی

كما هو الظن بك والرجاء لك فطوبى لي انا السعيد وانا المسعود
چنانچه گمان بتو و امید مر ترا پس خوشحالی مرا خواهد بود من خواهم بود نیک بخت و من خواهم

فطوبى لي وانا المرحوم يا مترحم يا مترئف يا متعطف يا
پس خوشی مرا خواهد بود و من خواهم بود بخشوده شده ای رعایت کننده ای بسیار مهربان ای رعایت مهربانی ای

متجبر يا متملك يا مقسط لا عمل لي مع نجاح حاجتي اسالك
ای رعایت مهربانی ای رعایت بزرگوار ای عدالت کننده نخواهد بود عملی مرا با روا شدن حاجت من سؤال میکنم ترا

باسمك الذي جعلته في مكنون غيبك واستقر عندك فلا
بحرمت نام تو آنچه گردانیدی آنرا در پوشیده علم نهانی خود و قرار گرفته نزد تو پس

يخرج منك الى شيء سواك اللهم به وبك وبه فانه
بیرون نرود از نزد تو بسوی چیزی غیر تو خداوندا بحرمت آن نام و بحرمت تو زیرا که بتحقیق آن

اجل

اجل واشرف اسمائك لا شيء لي غير هذا ولا احد اعود
بزرگوارتر و شریفترین نامهای تست چیزی برای من غیر آن و نه کسی سودمندتر

علي منك يا كينون يا مكون يا من عرفني نفسه يا من امرني
بر من از تو ای موجود ای ایجاد کننده ای آنکه شناسانیده بمن ذات خود را ای آنکه امر کرد مرا

بطاعته يا من نهاني عن معصيته ويا مدعو ويا مسئول يا
بفرمانبرداری خود ای آنکه منع کرده مرا از نافرمانی خود وای خوانده شده وای سؤال کرده شده ای

مطلوبا اليه رفضت وصيتك التي اوصيتني بها ولم اطعك
رغبت داشته شده بسوی او واگذاشتم وصیت ترا و چنانکه وصیت کردی مرا بآن و فرمانبرداری نکردم ترا

ولو اطعتك فيما امرتني لكفيتني ما قمت اليك فيه وانا
و اگر فرمانبرداری کردم ترا در آنچه فرمودی مرا هر آینه کفایت کردی مرا آنچه را ایستادم بسوی تو در آن و من

مع معصيتي لك راج فلا تحل بيني وبين ما رجوت يا مترحم يا مترحما لها
با نافرمانیم ترا امید وارم پس حایل مشو میان من و میان آنچه امید دارم ای رعایت مهربانی

لي اعذني من بين يدي ومن خلفي ومن فوقي ومن تحتي
نسبت بمن پناه ده مرا از شر آنچه برسد بمن از پیش رو واز پی سر من واز بالای من واز زیر من

ومن كل جهات الاحاطة بي اللهم بمحمد سيدي وبعلي
واز همه طرفهای که فرو گرفته مرا خداوندا بحرمت محمد بزرگ من و بحق علی

وليي وبالائمة الراشدين عليهم السلم اجعل علينا صلواتك
صاحب اختیار من و بحرمت پیشوایان راه یافتگان بر ایشان باد درود بگردان بر ما رحمتهای خود را

ورافتك ورحمتك واوسع علينا من رزقك واقض عنا
و مهربانی خود را و بخشش خود و بگشا بر ما از روزی خود و ادا کن از ما

الدين وجميع حوائجنا يا الله يا الله يا الله انك على كل شيء
قرض را و همه حاجتهای ما را ای خدا ای خدا ای خدا بدرستیکه تو بر هر چیز

قدیر پس حضرت فرمود که هر که این نماز را بکند و این دعا را بخواند هیچ
گناهی میان او و خدا نماند مگر آنکه آمرزیده شود فصل پنجم
در بیان فضیلت و کیفیت نماز حضرت فاطمه است صلوات الله علیها
سید ابن طاوس قدس سره بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام
روایت کرده است که فرمود که مادرم فاطمه علیها السلام دو رکعت
نماز میکرد که جبرئیل تعلیم او کرده بود و در رکعت اول بعد از سوره
حمد صد مرتبه سوره قدر و در رکعت دویم صد مرتبه سوره توحید
میخواند و چون سلام میگفت این دعا را میخواند سُبْحَانَ ذِي
الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَاذِخِ الْعَظِيمِ
عزت بارفعت بلند پایه پاکست خداوند بزرگوار بلند قدر بزرگ مرتبه
سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ
پاکست خداوند پادشاهی بزرگ دیرینه پاکست آنکه پوشیده جامه نیکوئی
الْبَهْجَةَ وَالْجَمَالَ سُبْحَانَ مَنْ تَرَدَّى بِالنُّورِ وَالْوَقَارِ
و نیکوئی را پاکست آنکه پوشیده ردای روشنائی و بردباری را
سُبْحَانَ مَنْ يَرَى أَثَرَ النَّمْلِ فِي الصَّفَا سُبْحَانَ مَنْ يَرَى
پاکست آنکه می بیند نشان مورچه را در سنگ هموار پاکست آنکه می بیند
وَقْعَ الطَّيْرِ فِي الْهَوَاءِ سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هٰكَذَا لَا هٰكَذَا غَيْرُهُ
فرود آمدن مرغ را در هوا پاکست آنکه او چنین است نیست چنین غیر او
و سید گفته است که در روایت دیگر وارد شده است که بعد از این
هر نماز تسبیح مشهور فاطمه علیها السلام که بعد از هر نماز خوانده میشود
بخواند و بعد از آن صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و شیخ ره

در مصباح این نماز را مرسل روایت کرده است و گفته است که چون سلام
بگوید تسبیح فاطمه بخوان و این دعا را بخوان یعنی دعائی که پیش مذکور شد
پس گفته است که سزاوار است برای کسی که این نماز را بکند و از این دعا
فارغ شود زانوها و ذراعهای خود را برهنه کند و بسجده رود و
جمیع مساجد سبعه را بخاک برساند که جامه در میان مانع نباشد و
دعا کند و حاجات خود را از خدا طلب نماید و در سجده این دعا بخواند
يَا مَنْ لَيْسَ غَيْرَهُ رَبٌّ يُدْعَى يَا مَنْ لَيْسَ فَوْقَهُ إِلٰهٌ يُخْشَى
ای آنکه نیست غیر او پروردگاری خوانده شود ای آنکه نیست فوق او خداوندی ترسیده شود
يَا مَنْ لَيْسَ دُونَهُ مَلِكٌ يُتَّقَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُؤْتَى
ای آنکه نیست جز او پادشاهی پرهیز کرده شود ای آنکه نیست برای او وزیری که آمده شود
يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُرْشَى يَا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُغْشَى
ای آنکه نیست برای او واسطه که رشوه داده شود ای آنکه نیست برای او دربانی که آمده شود
يَا مَنْ لَا يَزْدَادُ عَلَى كَثْرَةِ السُّؤَالِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا وَعَلَى
ای آنکه زیاده نکند بر بسیاری سؤال مگر نوازش و بخشش را و بر
كَثْرَةِ الذُّنُوبِ إِلَّا عَفْوًا وَصَفْحًا صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
بسیاری گناهان مگر عفو و درگذشتن را رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و
افْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا پس بجای وافعل بی کذا و کذا حاجتهای خود را یاد کند
بکن نسبت بمن چنان و چنان
فصل ششم در بیان فضیلت و کیفیت و احکام نماز حضرت
جعفر طیار است بدانکه این نماز از جمله متواترات است و عامه و خاصه
بسندهای بسیار روایت کرده اند و مخالفان این نماز را مستحب میدانند
مگر نادری از ایشان اما اکثر ایشان باعتبار عداوت باطنی که با امیر

علیه السلام واقارب آنحضرت دارند این نماز را بعباس عم پیغمبر صلی الله علیه
و آله نسبت داده اند و بعد از نوافل شبانه روزی نمازی بحسب صحت
سند و کثرت ثواب باین نماز نمیرسد و بسند معتبر از حضرت امام زین العابدین
علیه السلام منقول است که چون جعفر طیار برادر حضرت امیر المؤمنین علیهما السلام
از هجرت حبشه مراجعت نمود در روزی آمد که فتح خیبر بدست حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام شده بود حضرت رسول بقدر یکتیر پرتاب باستقبال او
شتافت چون جعفر نظرش بر جمال عدیم المثال آنحضرت افتاد مشتاقانه بجانب
آنحضرت دوید حضرت او را در بر گرفت و دست در گردن او آورد و ساعتی
با او سخن گفت پس بر ناقه غضبا سوار شد و جعفر را ردیف خود ساخت
و چون ناقه براه افتاد حضرت فرمود که ای جعفر ای برادر میخواهی بخششی
بزرگی کنم نسبت بتو میخواهی ترا عطیه گرانبهایی بدهم مردم گمان کردند
که مال جزیلی از غنائم خیبر باو عطا خواهد فرمود جعفر گفت بلی پدر و
مادرم فدای تو باد پس حضرت نماز تسبیح را باو تعلیم نمود و حضرت صادق
علیه السلام فرمود که صفتش این است که آن چهار رکعت است بدو تشهد
و بدو سلام و در رکعت اول بعد از حمد سوره اذا زلزلت میخواند و در
رکعت دویم و العادیات و در رکعت سیم سوره اذا جاء نصر الله و
الفتح و در رکعت چهارم سوره قل هو الله احد و در هر رکعت بعد از
فراغ از قراءت پانزده مرتبه میگوید سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ للهِ وَلا اِلهَ
اِلّا اللهُ واللهُ اکبر و در رکوع همین تسبیحات را ده مرتبه میگوید و چون
سر از رکوع برمیدارد ده مرتبه و در سجده اول ده مرتبه میگوید و چون بعد از سر
بر داشتن ده مرتبه و در سجده دویم ده مرتبه و بعد از سر برداشتن پیش

نسافت

میخواهی ترا برکزینم

از

از آنکه برخیزد ده مرتبه و در هر چهار رکعت چنین میکند که مجموع سیصد
مرتبه شود و هزار و دویست تسبیح بوده باشد و بروایت معتبر دیگر حضرت
رسول صلعم فرمود که اگر هر روز بکنی بهتر است از برای تو از دنیا و آنچه
در آن هست و اگر دو هر دو روز یکبار بکنی گناهانی که در میان دو نماز کرده
آمرزیده شود و اگر در هر جمعه یا در ماهی یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه بکنی هر
گناهی که در میان دو نماز کرده آمرزیده شود و بروایات معتبر دیگر اگر بقدر
کف دریاها و ریگ بیابان گناه بر تو باشد خدا بیامرزد و اگر از جمله
گریخته باشی که بدترین گناهانست خدا تو را بیامرزد و بروایت دیگر اگر توانی
هر روز بکن و اگر نتوانی هفته یکبار و اگر نتوانی ماهی یکبار و اگر
نتوانی سالی یکبار و اگر نتوانی در عمر خود یکبار بکن تا خدا گناهان کبیره
و صغیره و تازه و کهنه و عمد و خطای تو را بیامرزد و اما دعاهایی که در
این نماز مستحب است کلینی بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام روایت
کرده است که در سجده آخر نماز حضرت جعفر چون از تسبیحات فارغ
شوی بگو سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقارَ سُبْحانَ مَنْ تَعَطَّفَ
تنزیه میکنم آنرا که پوشیده جامه عزت و بردباری را تنزیه میکنم آنرا که بجود گرفته
بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحانَ مَنْ لا یَنْبَغِی التَّسْبیحُ اِلّا لَهُ سُبْحانَ
ردای بزرگواری را و نوازش نمود به بزرگواری تنزیه میکنم آنرا که نیست سزاوار تنزیه مگر او را تنزیه میکنم
مَنْ اَحْصی كُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحانَ
آنرا که شمرده هر چیز را دانش او تنزیه میکنم خداوند انعام و نعمتها را تنزیه میکنم
ذِی الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اَللّهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِمَعاقِدِ الْعِزِّ مِنْ
خداوند توانائی و فرمانرا خداوندا بدرستیکه من سؤال میکنم ترا بجای بستن عزت از

بعد

الآثم

عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ
عرش تو ونهایت رحمت از کتاب تو وبحرمت نام تو بزرگتر وکلمات کامل تو
التَّامَّةِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً وَعَدْلاً صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ پس حاجت
که تمامند برآستی ودرستی رحمت فرست بر محمد وخانواده او خود را
ذکر کند وشیخ در مصباح این دعا را روایت کرده است بابن زیادتی
سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ
ذِي الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ تا آخر دعا وایضا شیخ وسید
از مفضل بن عمر روایت
کرده اند که گفت دیدم روزی حضرت امام جعفر صادق علیه السلم
نماز جعفر را بجا آوردند پس این دعا را خواندند یا رَبِّ یا رَبِّ
بقدری که یکنفس وفا کند یا رَبَّاهُ یا رَبَّاهُ بقدر یکنفس یا رَبِّ رَبِّ
باز بقدر یکنفس یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ باز بقدر یکنفس یا رَحِيمُ یا رَحِيمُ بقدر
یکنفس یا رَحْمٰنُ یا رَحْمٰنُ هفت مرتبه یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ هفت مرتبه پس
این دعا اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَفْتَتِحُ الْقَوْلَ بِحَمْدِكَ وَاَنْطِقُ بِالثَّنَاءِ عَلَيْكَ
خوانند خداوندا بدرستی که من میگشایم گفتار خود را بسپاس تو وگویا میکردم بثنای تو وبزرگ
وَاُمَجِّدُكَ وَلَا غَايَةَ لِمَدْحِكَ وَاُثْنِي عَلَيْكَ وَمَنْ يَبْلُغُ غَايَةَ ثَنَائِكَ
میشمارم ترا ونیست نهایتی مر مدحت ترا وستایش میکنم ترا وکه تواند رسید نهایت ستایش ترا
وَاَمَدَ مَجْدِكَ وَاَنّٰى لِخَلِيقَتِكَ كُنْهُ مَعْرِفَةِ مَجْدِكَ وَاَيَّ زَمَنٍ
وپایان بزرگواری ترا وکی است آفریدگان ترا حقیقت شناسائی بزرگواری تو وکدام زمان
لَمْ تَكُنْ مَمْدُوحاً بِفَضْلِكَ مَوْصُوفاً بِمَجْدِكَ عَوَّاداً عَلَى الْمُذْنِبِينَ
نبوده تو ستوده شده بفضل خود وصف کرده شده ببزرگواری خود بغایت نفع رساننده بر گناهکاران
بحلمك

بِحِلْمِكَ تَخَلَّفَ سُكَّانُ اَرْضِكَ عَنْ طَاعَتِكَ فَكُنْتَ عَلَيْهِمْ عَطُوفاً
بردباری خود باز پس ماندند ساکنان زمین تو از فرمانبرداری تو پس بودی تو بر ایشان بغایت مهربان
بِجُودِكَ جَوَاداً بِفَضْلِكَ عَوَّاداً بِكَرَمِكَ يَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
ببخشش خود بخشنده ببخشش خود نفع رساننده ببزرگواری خود ای آنکه نیست سزاوار پرستش مگر تو
الْمَنَّانُ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ پس حضرت فرمود که ای مفضل هرگاه
انعام کننده خداوند بزرگواری ونوازش
ترا حاجت ضروری بوده باشد
نماز جعفر را بکن واین دعا را بخوان وحوائج خود را از خدا طلب
کن که بر آورده میشود ان شاء الله تعالی و دعای دیگر بعد از این نماز
بروایت شیخ وسید ره سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَتَرَدّٰى بِهِ سُبْحَانَ
پاکست آنکه پوشیده جامه عزت را ورداً انداخته بآن پاکست
مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَكَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا يَنْبَغِي التَّسْبِيحُ اِلَّا لَهُ
آنکه پوشیده ردای بزرگواری ونوازش نموده بآن پاکست آنکه سزاوار نیست تسبیح مگر او را
جَلَّ جَلَالُهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰى كُلَّ شَيْءٍ بِعِلْمِهِ وَخَلَقَهُ بِقُدْرَتِهِ
بزرگوار است بزرگواری او پاکست آنکه شمرده هر چیز را بدانش خود وآفریده آنرا بتوانائی خود
سُبْحَانَ ذِي الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِي الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ اَللّٰهُمَّ
پاکست خداوند انعام ونعمتها پاکست خداوند توانائی وبزرگواری خداوندا
اِنِّي اَسْاَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ
بدرستی که من سؤال میکنم ترا بحرمت جاهای بسته شدن از عرش تو ونهایت رحمت از
كِتَابِكَ وَبِاسْمِكَ الْاَعْظَمِ وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ الَّتِي تَمَّتْ صِدْقاً
کتاب تو وبحرمت نام بزرگتر تو وکلمهای کامل تو آن کلمات که کاملند از روی راستی
وَعَدْلاً اَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَاَنْ
ودرستی آنکه رحمت بفرست بر محمد وآل محمد که پاکیزگان پاکانند وآنکه

تجمع لي خير الدنيا والآخرة بعد عمر طويل اللهم انت الحي
فراهم آوری برای من نیکی اینجهان و آنجهان پس از عمری دراز خداوندا توئی زنده

القيوم العلي العظيم الخالق الرازق المحيي المميت البديء
پاینده بلند مرتبه بزرگ آفریننده روزی دهنده زنده سازنده میراننده پدید آورنده

البديع لك الكرم ولك المجد ولك المن ولك الجود و
بی‌مثل مر تراست نوازش و مر تراست بزرگواری و مر تراست انعام و مر تراست بخشش و

ولك الامر وحدك لا شريك لك يا واحد يا احد يا صمد
و مر تراست فرمان حال آنکه یگانه توئی نیست انباز ترا مر ترا ای یگانه ای یکتا ای مقصود خلایق

يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد يا اهل
ای آنکه نزاده و زائیده نشده و نیست مر او را مانند هیچ کس ای سزاوار

التقوى ويا اهل المغفرة يا ارحم الراحمين يا عفو يا غفور
پرهیزکاری و ای سزاوار آمرزش ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای درگذرنده ای آمرزگار

يا ودود يا شكور انت ابر بي من ابي وامي وارحم بي من نفسي
ای دوست ای جزا دهنده تو نیکوئی کننده تری بمن از پدر من و مادر من و مهربانتری بمن از خودم

ومن الناس اجمعين يا كريم يا جواد اللهم اني صليت هذه
و از آدمیان همگی ای بزرگوار ای بخشنده خداوندا بدرستیکه من نماز کردم این نماز را

الصلوة ابتغاء مرضاتك وطلب نائلك ومعروفك ورجاء
بجهت خواهش خشنودیهای تو و خواستن عطای تو و احسان تو و امید داشتن

رفدك وجائزتك وعظيم عفوك وقديم غفرانك اللهم
بخشش تو و صلهٔ تو و عفو بزرگ تو و آمرزش دیرینهٔ تو خداوندا

فصل على محمد وال محمد وارفعها في عليين وتقبلها مني
پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بالا بر آن نماز را در علیین و بپذیر آنرا از من

واجعل

واجعل نائلك ومعروفك ورجاء ما ارجو منك فكاك
و بگردان عطای خود و معروف خود و امید آنچه را امید دارم از تو خلاصی کردن

رقبتي من النار والفوز بالجنة وما جمعت من انواع النعيم
مرا از آتش دوزخ و رستگاری بهشت و آنچه جمع آورده از اقسام نعمتها

ومن حسن الحور العين واجعل جائزتي منك العتق من النار
و از حسن سیاه دیدگان فراخ چشم و بگردان جایزهٔ مرا از تو آزادی از آتش

وغفران ذنوبي وذنوب والدي وما ولدا وجميع اخواني
و آمرزش گناهان من و گناهان پدر و مادر من و آنچه زائیده اند ایشان و همهٔ برادران من

واخواتي المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات الاحياء
و خواهران من که مؤمن باشند و مؤمنه باشند و مسلم و مسلمه زندگان

منهم والاموات وان تستجيب دعائي وترحم صرختي وندائي
از ایشان و مردگان و آنکه بپذیری دعای مرا و بخشش نمائی آواز مرا و خواندن مرا

ولا تردني خائبا خاسرا واقلبني منجحا مفلحا مرحوما مستجابا دعائي
و باز نگردانی مرا ناامید زیانکار و بازگردانی مرا کامیاب رستگار بخشیده شده پذیرفته شده دعای من

مغفورا لي يا ارحم الراحمين يا عظيم يا عظيم يا عظيم قد
آمرزیده شده گناهان من ای بخشاینده ترین بخشایندگان ای بزرگ ای بزرگ ای بزرگ بحقیقت

عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو منك يا حسن التجاوز — من عبدك نـ
بزرگست گناه از بندهٔ تو پس باید که نیکو باشد درگذشتن از تو ای نیکو درگذشتن

يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا نفاحا بالخيرات
ای فراخ آمرزش ای گشاده دستها ببخشش ای بخشنده به نیکیها

يا معطي المسئولات يا فكاك الرقاب من النار صل على محمد — السؤلات نـ
ای عطا کننده سؤالها ای خلاص کننده گردنها از آتش رحمت بفرست بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ وَاَعْطِنِي سُؤْلِي وَاسْتَجِبْ دُعَائِي
وآل محمد وآزادکن کردن مرا از آتش وبخش بمن درخواسته مرا وبپذیر دعای مرا

وَارْحَمْ صَرْخَتِي وَتَضَرُّعِي وَنِدَائِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا
ورحم کن فغان مرا وزاری مرا وخواندن مرا وروا کن برای من حاجتهای مرا همه را

لِدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَدِينِي مَا ذَكَرْتُ مِنْهَا وَمَا لَمْ اَذْكُرْ وَاجْعَلْ
بجهة دنیای من وآخرت من ودین من آنچه را که ذکر کرده ام از آنها وآنچه را ذکر نکرده ام وبگردان

لِي فِي ذٰلِكَ الْخِيَرَةَ وَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا خَاسِرًا وَاقْلِبْنِي مُفْلِحًا
برای من در آن خیر را وبازمگردان مرا ناامید زیانکار وبازگردان مرا کامیاب رستگار

مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا لِي دُعَائِي مَغْفُورًا لِي مَرْحُومًا يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اجابت کرده شده برای من دعای مرا آمرزیده شده برای من بخشوده شده ای بخشنده ترین بخشندگان

يَا مُحَمَّدُ يَا اَبَا الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللّٰهِ يَا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ اَنَا عَبْدُكُمَا
ای محمد ای اباالقاسم ای رسول خدای ای فرمانفرمای گروندگان من بنده شما

وَمَوْلَاكُمَا غَيْرُ مُسْتَنْكِفٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ بَلْ خَاضِعٌ ذَلِيلٌ عَبْدٌ
وآزاد کرده شمایم حال آنکه نیستم عار دارنده از بندگی شما ونه گردنکش بلکه هستم فروتنی کننده خوار بنده

مُقِرٌّ مُتَمَسِّكٌ بِحَبْلِكُمَا مُعْتَصِمٌ مِنْ ذُنُوبِي بِوِلَايَتِكُمَا اَتَقَرَّبُ
اقرار دارنده بتقصیر چسبیده ام بر ریسمان شما چنگ زننده ام از گناهان خود بدوستی شما نزدیکی میجویم

اِلَى اللّٰهِ تَعَالَى بِكُمَا وَاَتَوَسَّلُ اِلَى اللّٰهِ بِكُمَا وَاُقَدِّمُكُمَا بَيْنَ يَدَيْ
بسوی خدای برتر است او بشما ووسیله میجویم بسوی خدا بشما وپیش میدارم شما را در پیش حاجتهای

حَوَائِجِي اِلَى اللّٰهِ جَلَّ وَعَزَّ فَاشْفَعَا لِي فِي فَكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ
خود بسوی خدای بزرگوار وغالبست پس شفاعت کنید مرا در خلاصی گردن من از آتش

وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي وَاِجَابَةِ دُعَائِي اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَتَقَبَّلْ
وآمرزیدن گناهان من وپذیرفتن دعای من خداوندا پس رحمت فرست بر محمد وآل او وقبول کن
دعا را

دُعَائِي وَاغْفِرْ لِي يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اما احکام این نماز در چند
دعای مرا وبیامرز مرا ای بخشنده ترین بخشندگان مقصد بیان میشود اول

بدانکه مشهور میان علماء واقوی آنست که نماز جعفر را بجای نوافل شبانروزی میتوان کرد که بهر دو حساب شود وهمچنین بنیت قضاء نافله میتوان کرد واحادیث براین مضامین وارد شده است وبعضی تجویز کرده اند که نماز فریضه را اداء وقضاء بکیفیت نماز جعفر بکنند وخالی از قوتی نیست ولیکن احوط ترک است دویم روایات وارد شده واکثر علماء گفته اند که کسی که ضرورتی وتعجیلی داشته باشد میتواند نماز جعفر را بدون تسبیحات بجا آورد وتسبیحات را در راه بخواند سیم حدیث صحیح وارد شده است که کسی که دو رکعت از نماز جعفر را بکند واورا امر ضروری رو دهد میتواند که دو رکعت دیگر را در وقت دیگر بکند واگر بدون عذر چنین بکند وهمه را با هم بکند بهتر است چهارم روایت معتبری از حضرت قائم ع وارد شده است که کسی که تسبیحات نماز جعفر را در موضعی فراموش کند هر وقت که بخاطرش آید بخواند واز علماء کسی متعرض این حکم نشده است واگر باین روایت عمل کند ظاهرا بد نباشد پنجم خلافست در تعیین سورهها که مستحب است که در این نماز خوانده شود ومشهور آنست که در رکعت اوّل اذا زلزلت ودر رکعت دویم والعادیات ودر سیم اذا جاء نصر الله ودر چهارم قل هو الله میخواند وابن بابویه وپدرش در رکعت اوّل والعادیات ودر رکعت دویم اذا زلزلت گفته اند ودر روایتی در اوّل اذا زلزلت ودر دویم اذا جاء ودر

امکان بر وجوه

سیم انا انزلناه و در چهارم توحید وارد شده است و در روایت صحیح
وارد شده است که در هر رکعت قل یا ایها الکافرون و قل هو الله
هر دو را بخواند و در روایتی وارد شده است که هر سوره که خواهد
بخواند و ~~در روایتی~~ و ابن بابویه گفته است که همه را بسوره توحید میتوان کرد
و ظاهر همه خوبست اگرچه اول و سیم افضل است ششم مشهور
آنست که تسبیحات بعد از سجده دویم رکعت اول و سیم ~~افضل است~~
نشسته میخواند و بعضی گفته اند بعد از برخاستن بر رکعت دیگر پیش
از قراءت میخواند و عمل بمشهور اولی است هفتم بعضی گفته اند که
چهار رکعت را بیکسلام میکند و مشهور و اقوی دو سلام است
چنانچه گذشت هشتم مشهور میان علماء آنست که تسبیحات این نماز
که پیش از رکوع خوانند بعد از قراءت میباید خواند و ابن بابویه
موافق بعضی از روایات قائل شده است که مخیر است میان آنکه پیش
از قراءت بخواند یا بعد از قراءت و عمل بمشهور اقوی و اولی است

فصل هفتم در بیان فضیلت و اعمال روز نوروز است

بدانکه میان علماء در تعیین روز نوروز اختلاف بسیار است بعضی گفته اند
دهم ایار است از ماههای رومی و بعضی گفته اند نهم شباط است
و مشهور آنست که اول انتقال شمس است ببرج حمل چنانچه در
این ازمنه معمول است و این مطلب را در کتاب بحار الانوار بسط عظیمی
داده ام و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و بگمان فقیر همین نوروز
که در این ازمنه مشهور است اقربست بصواب و اضبط است
در حساب اگر بناء اعمال را بر این بگذارند ظاهرا بد نیست و اما فضائل

واعمال

واعمال اینروز باسانید معتبره از معلی بن خنیس که از خواص اصحاب حضرت صادق ع
بوده است منقول است که گفت در روز نوروز بخدمت حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه رفتم فرمود که آیا میشناسی اینروز را گفتم فدای تو
شوم این روزیست که عجم آنرا تعظیم میکنند و در اینروز تحفها و هدیها
برای یکدیگر میفرستند حضرت فرمود که سوگند یاد میکنم بحق خانه
کعبه که در مکه معظمه است که این تعظیم کردن نیست مگر برای امر قدیمی
که تفسیر میکنم آنرا برای تو تا بفهمی آنرا گفتم ای سید و آقای من
دانستن این را برکت شما محبوبتر است نزد من از آنکه مردگان
من زنده شوند و دشمنان من بمیرند حضرت فرمود که ای معلی
بدرستی که روز نوروز روزیست که حق سبحانه و تعالی در اینروز
پیمان بندگان را گرفت از ارواح ایشان در روز الست که او را یگانگی
بپرستند و برای او شریکی قرار ندهند در بندگی و پرستیدن هیچ
چیز را شریک او نگردانند و ایمان بیاورند بپیغمبران و رسولان و
حجتهای او بر خلق و امامان و پیشوایان دین و ائمه معصومین صلوات
الله علیهم اجمعین و این اول روزیست که در آن آفتاب طلوع کرده
است و بادهای آبستن کننده درختان وزیده است و گلها
و شکوفهای زمین آفریده شده است و در اینروز کشتی حضرت نوح
علیه السلام بعد از طوفان بر کوه جودی قرار گرفت و اینروزیست که حق تعالی
حیوة بخشید چندین هزار کس را که از مرگ گریختند یعنی از طاعون
و بیک نعره خداوند قهار همه را میراند پس بعد از مدتها که استخوان
شده بودند پیغمبری از پیغمبران خدا بر این استخوانها گذشت و از

پروردگار خود سؤال کرد که باو بنماید که چگونه این استخوانهای
پوسیده را زنده میگرداند پس حق تعالی وحی فرستاد بسوی او
که آب بریزد بر استخوانهای ایشان در همان جاهای خود که هستند
پس همه بقدرت الهی زنده شدند و این اول سال فرس و عجم است چنین کردند
و باین سبب سنت شد که در این روز آب بر یکدیگر بریزند یا آب بر خود
بریزند و غسل کنند و حق تعالی در قرآن مجید اشاره نموده است با این قصه
در انجا که فرموده اَلَمْ تَرَ اِلَی الَّذِینَ خَرَجُوا مِنْ دِیَارِهِمْ وَهُمْ
اُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوتُوا ثُمَّ اَحْیَاهُمْ و مفسران
گفته اند که آن پیغمبر حضرت حزقیل علیه السلام بود و حضرت فرمود
که ایشان سی هزار کس بودند و فرمود که در این روز جبریل بر حضرت
رسول خدا صلعم بوحی نازل شده یعنی نوروز موافق روز بعث بوده
که بیست و هفتم ماه مبارک رجبست و فرمود که این روز یست که
حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بتهای کفار قریش را
در مکه شکست و حضرت ابرهیم علیه السلام نیز در این روز بتهای کافرانرا
شکست و اول اشاره است بانکه سنی و شیعه روایت کرده اند
بطرق بسیار که شبی حضرت رسالت صلعم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را
با خود بمسجد الحرام آورد و حضرت امیر را امر کرد که بر دوش آنحضرت بالا
رفت و بتهای کافرانرا بزیر آورد و شکست پس مراد اینست که در آن شب
این روز بود و فرمود که در این روز حضرت رسول صلعم امر کرد اصحاب خود را
که بیعت کنند با امیر المؤمنین و اقرار کنند که او پادشاه مؤمنان است یعنی
روز غدیر این روز بوده یا از روز ذکر سرکردهای صحابه را گفت بروید
و بر

و بر علی سلام کنید و بگویید اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ این روز
بوده و فرمود که در این روز حضرت رسول صلعم حضرت امیر را فرستاد
بوادی جنیان که از ایشان بیعت از برای او بگیرد و فرمود که در این روز
حق خلافت با امیر المؤمنین صلوات الله علیه برگشت و بار دیگر بعد
از کشته شدن عثمان با آنحضرت بیعت کردند و در این روز حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام با خارجیان نهروان جنگ کرد و بر ایشان ظفر
یافت و سرکرده ایشان ذو الثدیه میگفتند کشت و در این روز
قائم آل محمد صلعم ظاهر خواهد شد و در این روز امامان دیگر بدنیا
رجعت خواهند کرد و در این روز قائم ما ظفر خواهد یافت بر دجال
و در کناسه که محله ایست از محلات کوفه او را بر دار خواهند کشید
و در هیچ روز نوروزی نیست مگر آنکه ما انتظار فرج میکشیم زیرا که
آن روز از روزهای ما و روزهای شیعیان ماست آن روز را عجمان حفظ
کردند و حرمت آنرا رعایت کردند و شما عربان آنرا ضایع کردید پس حضرت
فرمود بمعلی که چون روز نوروز شود غسل بکن و پاکیزه ترین جامهای
خود را بپوش و ببهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان و در آن روز
روزه بدار پس چون از نماز پیشین و پسین و نافلهای آنها فارغ شوی
چهار رکعت نماز بگذار یعنی هر دو رکعت بیکسلام و در رکعت اول بعد از
حمد ده مرتبه سوره انا انزلناه بخوان و در رکعت دویم ده مرتبه سوره
قل یا ایها الکافرون و در رکعت سیم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل هو الله
احد و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه سوره قل اعوذ برب الفلق
و قل اعوذ برب الناس بخوان و بعد از نماز بسجده شکر برو و این دعا بخوان اللهم
خداوندا

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ وَعَلَى جَمِيعِ أَنْبِيَائِكَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و صیهای پسندیدگان و بر همهٔ پیغمبران خود

وَرُسُلِكَ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ بِأَفْضَلِ بَرَكَاتِكَ
و فرستادگان خود به بهترین رحمتهای خود و برکت فرست بر ایشان بافزونترین برکتهای خود

وَصَلِّ عَلَى أَرْوَاحِهِمْ وَأَجْسَادِهِمْ اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
و رحمت فرست بر جانهای ایشان و بدنهای ایشان خداوند برکت ده بر محمد و آل محمد

وَبَارِكْ لَنَا فِي يَوْمِنَا هَذَا الَّذِي فَضَّلْتَهُ وَكَرَّمْتَهُ وَشَرَّفْتَهُ وَ
و برکت ده ما را در روز ما این روزی که زیادتی دادی آنرا و گرامی داشتی آنرا و شریف گردانیدی آنرا

عَظَّمْتَ خَطَرَهُ اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِيمَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ حَتَّى لَا أَشْكُرَ
بزرگ گردانیدی قدر آنرا خداوندا برکت ده مرا در آنچه انعام کردی آن بر من تا شکر نکنم

أَحَداً غَيْرَكَ وَوَسِّعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ اللَّهُمَّ
هیچکس را غیر تو و فراخی بخش بر من در روزی من ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن خداوندا

مَا غَابَ عَنِّي فَلَا يَغِيبَنَّ عَنِّي عَوْنُكَ وَحِفْظُكَ وَمَا فَقَدْتُ
آنچه غایب شد از من پس غایب نشود از من مدد تو و نگاهداری تو و آنچه نیابم

مِنْ شَيْءٍ فَلَا تُفْقِدْنِي عَوْنَكَ عَلَيْهِ حَتَّى لَا أَتَكَلَّفَ مَا لَا أَحْتَاجُ
از چیزی پس نایاب مکن از من مدد خود را بر آن تا آنکه نکشم رنج و زحمت آنچه محتاج نباشم

إِلَيْهِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ چون چنین کنی گناهان پنجاه ساله تو آمرزیده
بسوی آن ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

شود و بسیار بگو یا ذا الجلال والاکرام
ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن

و در غیر کتب مشهوره روایت کرده اند که در وقت
تحویل این دعا بسیار بخوانند و بعضی سیصد و شصت و شش مرتبه گفته اند

يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ و بروایت دیگر
ای گرداننده سالها و حالها بگردان حال ما را بسوی نیکوترین حالها

یامقلب

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ يَا مُحَوِّلَ
ای گرداننده دلها و دیدها ای تدبیر کننده شب و روز ای گرداننده

الْحَوْلِ وَالْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ و ایضا بعضی روایت کرده
سال و حالها بگردان حال ما را به نیکوترین حالها

اند که این دعا را نیز در روز نوروز بعد از ایام سال بخوانند اللَّهُمَّ
خداوند

هَذِهِ سَنَةٌ جَدِيدَةٌ وَأَنْتَ مَلِكٌ قَدِيمٌ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا
این سالیست تازه و تو پادشاهی دیرینه سؤال میکنم از تو خیر این سال را

وَخَيْرَ مَا فِيهَا وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيهَا وَأَسْتَكْفِيكَ
و خیر آنچه واقع شود در آن و پناه میگیرم بتو از گزند این سال و گزند آنچه واقع شود در آن و طلب میکنم از تو

مَؤُونَتَهَا وَشُغْلَهَا يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ و اگر چه منعی در دعا نیست
دفع نمودن تعب آن و شغل آنرا ای خداوند بزرگواری و گرامی داشتن اما آن دعای اول را

خواندن هر چند نمازش کرده نشود چون سند معتبر دارد بهتر است

فصل هشتم در اعمال ماه های دیگر و سیست سید جلیل علی بن طاوس رض
روایت کرده اند که روزی جمعی از صحابه نشسته بودند حضرت رسالت
پناه صلی الله علیه و آله داخل شد و بر ایشان سلام کرد و ایشان جواب
سلام گفتند پس حضرت فرمود که میخواهید تعلیم نمایم شما را دعایی که جبرئیل
علیه السلام مرا تعلیم کرده است که محتاج بدواء اطباء نبوده باشم پس
حضرت امیر المؤمنین ع و سلمان فارسی رض و دیگران سؤال نمودند که آن
دوا چیست حضرت رسول بحضرت امیر المؤمنین خطاب نمود و فرمود که
در ماه نیسان رومی آب باران میگیری و سوره فاتحة الکتاب و آیة الکرسی
و قل هو الله احد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل یا ایها الکا

فرون

هریك را هفتاد مرتبه میخوانی وبروایت دیکر سوره انا انزلناه فی لیلة القدر را
نیز هفتاد مرتبه میخوانی وهفتاد مرتبه الله اکبر وهفتاد مرتبه لا اله الا
الله میکویی وهفتاد مرتبه صلوات بر محمد وآل محمد میفرستی و هفت روز در
بامداد وپسین از آن می اشامی بحق آنخداوندی که مرا براستی بر خلق فرستاده
مبعوث کردانیده است سوکند یاد میکنم که جبرئیل ع کفت که حق تعالی
بردارد از کسی که این آب را بیاشامد هر دردی را که در بدنش باشد
وعافیت بخشد او را وبیرون کند دردها را از بدن او واستخوانهای
او واکر در لوح دردی برای او مقدر شده باشد محو نماید وبحق پروردکار
که مرا بحق فرستاده اکر فرزند نداشته باشد وفرزند خواهد آب
نیسان را باین نیت بیاشامد او را فرزند روزی کردد واکر زن عقیم باشد
وفرزند نیاورد واز این آب باین نیت بیاشامد فرزند از او بوجود آید
واکر مرد وزن پسر خواهند یا دختر واز این آب بیاشامند مقصود ایشان
بعمل آید چنانچه حق تعالی میفرماید یَهَبُ لِمَن یَشَاءُ اِنَاثًا وَیَهَبُ لِمَن
یَشَاءُ الذُّکُورَ اَو یُزَوِّجُهُم ذُکرَانًا وَاِنَاثًا وَیَجعَلُ مَن یَشَاءُ عَقِیمًا
یعنی حق تعالی می بخشد هر که را خواهد دختران وهر که را خواهد پسران
یا جفت میکرداند برای ایشان پسران ودختران را یعنی هر دو را بایشان
عطا میکند وهر که را خواهد عقیم وبیفرزند میکرداند پس حضرت فرمود اکر
کسی درد سر داشته باشد واز این آب بیاشامد صداع او ساکن کردد
بقدرت الهی واکر درد چشم داشته باشد ودر چشمهای خود قطره
از این آب بچکاند وبیاشامد وچشمهای خود را باین آب بشوید باذن خدا
شفا یابد واشامیدن این آب بن دندانها را محکم کرداند ودهان را خوشبو

کرداند

کرداند ولعاب بن دندان را کم کند وبلغم را کم کند وتخمه وامتلاء بسبب
خوردن طعام واشامیدن آب بهم نرساند واز بادهای قولنج وغیر
آن متاذی نکردد ودرد پشت ودرد شکم بهم نرساند واز زکام آزار
نکشد ودرد دندان بهم نرساند ودرد معده وکرم معده را زائل کرداند
ومحتاج بحجامت نکردد واز مرض بواسیر وخارش بدن وابله ودیوانکی
وخوره وپیسی ورعاف وقی نجات یابد وکور ولال وکر وزمین کیر
نشود وآب سیاه بر دیده اش نزول نکند ودردی که موجب افطار روزه ونقصان
نماز او باشد او را عارض نکردد واز وسوسهای جنیان وشیاطین متاذی
نکردد پس حضرت رسالت پناه ص فرمود که جبرئیل ع کفت که هر که از این آب
بیاشامد وبجمیع دردهایی که در مردم میباشد مبتلا باشد موجب شفا از جمیع آنها
کردد پس جبرئیل کفت بحق خداوندی که ترا براستی فرستاده هر که این آیات را
بر این آب بخواند حق تعالی دلش را مملو کرداند از نور وروشنی والهام خود را
بر دل او وارد سازد وحکمت بر زبان او جاری کرداند وپر کند دل او را از فهم
وبینایی وباو عطا کند از کرامتها آنچه با حدی از عالمیان عطا نکرده باشد
وهزار مغفرت وهزار رحمت براو بفرستد وغش وخیانت وغیبت وحسد
وبغی وکبر وبخل وحرص وغضب را از دل او بر دارد واز عداوت ودشمنی مردم
وبدکویی ایشان نجات یابد وموجب شفاء جمیع امراض او کردد مؤلف کوید که این
روایت مشهور بعبد الله پسر عمر علیه اللعنه منتهی میشود وباین سبب سندش ضعیف است
وفقیر بخط شهید ره دیدم که این روایت را از حضرت امام جعفر صادق ع
روایت کرده بود با همین خواص وسورها اما آیات واذکار را باین روش
روایت کرده است میخوانی بر آب باران نیسان فاتحة الکتاب وآیة الکرسی

وقل یا ایها الکافرون وسبح اسم ربک الاعلی وقل اعوذ برب الفلق وقل
اعوذ برب الناس وقل هو الله احد هریک را هفتاد مرتبه ومیکوبی هفتاد
مرتبه لا اله الا الله وهفتاد مرتبه الله اکبر وهفتاد مرتبه اللهم صل علی
محمد وال محمد وهفتاد مرتبه سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله
اکبر ودر خواص این مذکور است که اکر در زندان بیاشامد از حبس نجات یابد باشد وازان
وسردی بر طبع او غالب نکردد واکثر خواص که مذکور شد در این روایت نیز
مذکور است واب باران مطلقا مبارک است ومنفعت دارد خواه در
نیسان بارد وخواه در غیر ان چنانکه در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقول است که بیاشامید اب اسمان که پاک کننده بدن شماست ودردها
را دفع میکند چنانچه حق تعالی میفرماید وَیُنَزِّلُ عَلَیْکُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً
لِیُطَهِّرَکُمْ بِهِ وَیُذْهِبَ عَنْکُمْ رِجْزَ الشَّیْطَانِ وَلِیَرْبِطَ عَلَی قُلُوبِکُمْ وَ
یُثَبِّتَ بِهِ الْاَقْدَامَ یعنی میفرستد حق تعالی بر شما از اسمان ابی برای انکه
پاک کرداند شما را بان وببرد از شما وسوسه شیطان را ودلهای شما را
محکم کرداند وثابت کرداند بان قدمهای شما را ودر عمل نیسان بهتر انست
که اکر جمعی خوانند هریک مجموع ان سورها واذکار را هفتاد مرتبه بخوانند
واز برای انها که میخوانند فائده اش عظیمتر وثوابش بیشتر است ودر این
سالها بعد از بیست وسه روز که از نوروز بکذرد تقریبا داخل نیسان ماه رومی
میشوند وثانی نیسان سی روز است واز حضرت صادق ع منقول است که در هفتم
حزیران البته حجامت بکن واکر میسر نشود در چهاردهم بکن واول حزیران تقریبا
هشتاد وچهارم نوروز است وان نیز سی روز است وحزیران ماه نحسی است چنانچه
در حدیث معتبر منقول است که در خدمت حضرت صادق ع ماه حزیران مذکور

شد حضرت فرمود که این ماهی است که حضرت موسی ع در این ماه نفرین کرد
بر بنی اسرائیل ودر یکشب ویکروز سیصد هزار کس از ایشان مردند وبا
بسند معتبر از انحضرت منقول است که حق تعالی اجلها را در ماه نیسان نزدیک حزیران
میکرداند یعنی موت در ان بسیار میباشد وبدانکه ماههای رومی بنایش
بر حرکت افتابست وعدد انها دوازده است باین ترتیب تشرین الاول
تشرین الاخر کانون الاول وکانون الاخر شباط اذار نیسان ایار حزیران
تموز اب ایلول وچهار ماه را سی میکیرند که انها تشرین الاخر ونیسان
وحزیران وایلولند وهفت دیگر غیر شباط را سی ویک میکیرند و
شباط را در سه سال متوالی بیست وهشت میکیرند ودر سال چهارم
که سال کبیسه ایشان است بیست ونه میکیرند وسال ایشان سیصد و
شصت وپنج روز وربعی است وتشرین الاول که اول سال ایشان است در
این سالها موافق نوزده درجه میزان است وتفصیلش در کتاب بحار الانوار
مذکور است وچون این ماهها در احادیث مذکور شده است مجملی در اینجا
ایراد نمودیم باب سیزدهم در بیان احکام اموات است ودر ان
پنج فصل است فصل اول در بیان اداب واحکام حال احتضار وبرداشتن
میت است باید که چون در بیمار اثار موت ظاهر شود متوجه احوال خود
کردد واز کناهان خود توبه کند وبر کذشتها نادم وپشیمان کردد و
عازم کردد که اکر زنده بماند مرتکب معصیت الهی نکردد پس وصیت
وحقوق خدا وخلق را انچه بر ذمه او باشد ادا کند وبدیکران نکذارد وبر
بقدر ثلث مال خود وصیت کند که بخویشان بریشان وفقراء ومساکین
وسایر وجوه بر صرف نمایند پس ابراء ذمه از برادران مؤمن طلبد وهرکرا

غیبت کرده باشد یا اذیتی رسانیده باشد اگر حاضر باشند از ایشان
التماس نماید که از او عفو کنند و اگر غائب باشند از حاضران التماس نماید
که ایشان را از او راضی گردانند و از برای ایشان استغفار نماید پس
امور اطفال و عیال خود را بعد از توکل بر جناب مقدس الهی بامینی
بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر
سازد و شهادتین و اقرار بائمه علیهم السلام و ادعیه که وارد شده است
که سنت است که بر کفن نوشته شود بفرماید که بتربت حضرت امام حسین ع
بران بنویسند اگر پیشتر کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که
پیوسته کفن با او باشد چنانچه از حضرت صادق علیه السلام منقول است که
هر که کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند و هر گاه که
نظرش بران کفن افتد برای او حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت
امیدوار رحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله
علیهم بوده باشد و بسند معتبر از حضرت رسالت پناه صلعم منقول است
که هر که در وقت مرگ وصیت نیکو نکند علامت کمی عقل و نقص مروت
و مردی اوست گفتند یا رسول الله چگونه وصیت کند فرمود که چون
نزدیک وفات او شود و مردم نزد او جمع شوند بگوید اللّهم فاطر
السموات والارض عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم انی
ای آفریننده آسمانها و زمین دانای نهانی و آشکار بخشاینده مهربان بدرستی که من
اعهد الیک انی اشهد ان لا اله الا انت وحدک لا شریک لک
عهد میفرستم بسوی تو اینکه بتحقیق گواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مگر تو یگانه نیست شریکی برای تو
وان محمدا صلی الله علیه وآله عبدک ورسولک وان الساعة
و اینکه بتحقیق محمد رحمت فرستد خدا برو و آل او بنده تو و رسول تو است و اینکه بتحقیق ساعت قیامت
اتیة

٦٩٥

اتیة لاریب فیها وانک تبعث من فی القبور وان الحساب
خواهد آمد نیست هیچ شکی در آن و اینکه بتحقیق تو بر می انگیزی مردگانی را که در قبر باشند و اینکه بتحقیق حساب حق
حق وان الجنة حق وما وعد الله فیها من النعیم من الماکل
حق است و بدرستیکه بهشت حق است و آنچه وعده که خدا در بهشت از ناز و نعمت از خوردنی
والمشرب والنکاح حق وان النار حق وان الایمان حق
و آشامیدنی و نکاح حق است و اینکه بتحقیق دوزخ حق و اینکه بتحقیق ایمان حق است
وان الدین کما وصفت وان الاسلام کما شرعت وان القول
و اینکه بتحقیق دین چنانست که تو وصف کرده و بتحقیق ملت اسلام چنانست که بیان کرده و اینکه بتحقیق گفتار حق
کما قلت وان القرآن کما قلت انزلت وانک انت الله الحق
چنانست که تو گفته و اینکه بتحقیق قرآن چنانست که تو فرو فرستاده و اینکه بتحقیق تو توئی خدای بحق
المبین وانی اعهد الیک فی دار الدنیا انی رضیت بک ربا
هویدا و بدرستیکه من عهد میفرستم بسوی تو در سرای دنیا اینکه بدرستیکه من پسندیدم ترا پروردگاری
وبالاسلام دینا وبمحمد صلی الله علیه وآله نبیا وبعلی اماما
و اسلام را دین و ملت برای و بمحمد که رحمت فرستد خدا برو و آل او پیغمبری و بعلی پیشوا
وبالقرآن کتابا وان اهل بیت نبیک علیه وعلیهم السلام
و قرآن را کتاب و اینکه بتحقیق خانواده پیغمبر تو بر او و بر ایشان باد درود
ائمتی اللهم انت ثقتی عند شدتی ورجائی عند کربتی وعدتی
امامان منند خداوندا تو اعتماد منی نزد سختی حال من و امید منی نزد اندوه من و ذخیره منی
عند الامور التی تنزل بی وانت ولیی فی نعمتی والهی واله آبائی
نزد کارهائی که وارد شود مرا و توئی کارگزار من در نعمت من و خدای من و خدای پدران من
صل علی محمد وآله ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا وآنس
رحمت فرست بر محمد و آل او و وامگذار مرا بسوی نفس من بقدر چشم برهم زدن هرگز و انس ده

فِي قَبْرِي وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ أَلْقَاكَ مَنْشُورًا
در قبر من رسید کی مرا و بکردان مرا نزد خود عهدی که باشد در روزی که ملاقات کنم ترا کشوده شده

پس حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که این عهد و پیمان میت است
با خدا در روزی که میخواهد وصیت کند و وصیت لازم و واجب است
بر هر مسلمانی و صحیفهٔ اعتقادات را چنانچه در کتاب حلیة المتقین ذکر
کرده ام درست کند و بمهر گواهان برساند تا در میان کفن او بگذارند و
چون آثار احتضار ظاهر شود این دعا را مکرر بخواند اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِيَ الْكَثِيرَ
مِنْ مَعْصِيَتِكَ وَاقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ خداوندا بیامرز مرا گناه بسیار
از نافرمانیهای خود را و بپذیر از من اندک از طاعت خود را تا جان کندن بر او
آسان گردد و باید که اولاد و برادران و خویشان مؤمن در اینحالت
او را تنها نگذارند و نزد او قرآن و دعا بخوانند و سورهٔ یس و
والصافات نزد او بخوانند و اعتقاد بوحدانیت خدا و صفات کمالیه
الهی و رسالت حضرت رسول و امامت ائمهٔ هدی علیهم السلام بتفصیل
و اعتقاد بمعاد و بهشت و دوزخ و سؤال قبر و سائر اعتقادات
حق را مکرر تلقین او کنند که بگوید و بیاد او درند و اگر نتواند خواند
نزد او بخوانند و دعای عدیله را بر او بخوانند و اگر عربی ندانند
مضامینش را بر او القا کنند که در اینوقت شیطان بر او دست نیابد
که او را از دین برگرداند و باید که کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله بسیار بگوید
و مکرر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر وارد است که هر که آخر
سخن او لا اله الا الله باشد داخل بهشت شود و در حدیث معتبر از
حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که تلقین کنید مردگان خود را لا اله

الا الله بدرستی که گناهان را درهم میشکند و مونس مؤمن است
در حال حیوة و نزد مردن و نزد مبعوث گردیدن و هر که در هنگام مردن
این کلمهٔ طیبه را بگوید داخل بهشت گردد و احوط آنست که در اینحال
پای او را بجانب قبله بگردانند تا ملئکهٔ رحمت با او در آورند و در
اینوقت جنب و حائض نزد او نیایند که ملئکه از ایشان نفرت
میکنند و اگر بغیر از ایشان کسی نباشد جائز است که برای ضرورت
پرستاری او نمایند و چون نزدیک که جانش برآید بیرون روند شود
و در احادیث معتبره وارد شده است که اگر جان کندن بر او دشوار
شود او را ببرند بآنجایی که همیشه نماز میکرده است یا بخوابانند
او را بر روی جانمازی که در آن نماز میکرده است زیرا که اگر امید
شفا هست شفا مییابد و الا جانش باسانی بدر آید و از حضرت
امام رضا علیه السلام منقول است که زنهار در حال احتضار دست
بر او مگذارید و اگر دست و پا حرکت دهد مانع مشوید چنانچه جاهلان
میکنند و نزد او قرآن بخوانید و یاد خدا بکنید و صلوات بر رسول
و آل او بفرستید و در حدیث دیگر منقول است که فرزندی از حضرت
صادق علیه السلام در احتضار بود و حضرت امام محمد باقر ع در کنار خانه نشسته
بود هر که نزدیک او میرفت منع میکرد و میفرمود که دست بر او مگذارید
که او در اینحال در نهایت ناتوانیست و هر که دست بر او میگذارد چنان
است که او را کشته است و در حدیث صحیح از حضرت باقر ع منقول است
که هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او
کنید و کلمات فرج اینست لَا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
نیست سزاوار پرستش مگر خدای بردبار بزرگوار

لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الْعَلِیُّ الْعَظِیمُ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمٰوَاتِ السَّبْعِ
نیست سزاوار پرستش بجز خدای بلند قدر بزرگ مرتبه پاکست خدا پروردگار آسمانهای هفتگانه

وَرَبِّ الْاَرَضِینَ السَّبْعِ وَمَا فِیهِنَّ وَمَا بَیْنَهُنَّ وَرَبِّ
و پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه در آنهاست و آنچه میان آنهاست و پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِیمِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ ودر حدیث دیگر منقول
عرش بزرگ و سپاس مر خدایرا پروردگار عالمیان

است که چون این کلمات
تلقین کسی میکردند حضرت امیر المؤمنین ع میفرمود که برو که دیگر
بر تو باکی نیست وحضرت رسول ص این کلمات را تلقین شخصی کرد
وچون او خواند حضرت فرمود که الحمد لله که خدا او را از آتش جهنم نجات
داد واز حضرت صادق ع منقولست که هیچ کس نیست مگر آنکه
شیطان در وقت مردن جمعی از شیاطین را موکل میکرداند برا او
که او را بشک اندازند در دین خود تا جانش مفارقت کند واگر
مؤمن کامل باشد نمیتوانند بر او دست یافت پس در اغال تلقین ایشان
بکنید کلمات فرج وشهادت بوحدانیت خدا واقرار بحضرت رسالت
والمه طاهرین علیهم السلم را یکیک را بخصوص تا از سخن کفتن باز ماند
وایضا سنت است که برای آسانی جان کندن این دعا را تلقین او
کنند یَا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْکَثِیرِ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ
ای آنکه می پذیرد عمل کم را و در میگذرد از گناه بسیار بپذیر از من اندک را

وَاعْفُ عَنِّی الْکَثِیرَ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الرَّحِیمُ وبروایت دیگر
و در گذر از من گناه بسیار بدرستیکه تو توئی آمرزکار

اِنَّكَ اَنْتَ الْعَفُوُّ الْغَفُورُ وچون روح او مفارقت کند سنت است

کوهانش

که دهانش را برهم کذارند وچانه اش را ببندند وچشمهایش بهم آورند
ودستهایش را بپهلوهایش بکشند واورا بچادر شبی یا جامه بپوشانند و
قران نزد او بخوانند وزود ش بردارند مگر بقدر جمع شدن مؤمنان اگر
اشتباهی در موت او نباشد واگر مشتبه باشد تا یقین نشود مرکش برندارند
واز حضرت صادق ع منقول است که سزاوار آنست که برادران مؤمن را
خبر کنند بردن او تا بجنازه او حاضر کردند وبر او نماز کنند واز برای
او استغفار کنند ومیت وایشان همه ثواب ببرند ودر حدیث حسن
از حضرت صادق ع منقول است که چون مؤمن را بقبر میکذارند ورا ندا
میکنند که اول عطایی که تو را دادیم بهشت است واول عطایی که دادیم آنها
که با جنازه تو آمدند آمرزش کناهان است ودر حدیث دیگر فرمود که اول
تحفه که بمؤمن میدهند در قبر آنست که می آمرزند هر کس را که همراه جنازه
او بوده است ودر حدیث دیگر فرمود که هر که همراهی جنازه مؤمنی بکند تا او را
دفن کنند حق تعالی در قیامت هفتاد ملک بر او بکمارد که همراهی او نمایند واستغفار
برای او کنند از قبر تا موقف حساب وفرمود که هر که یکطرف جنازه را بگیرد بیست
وپنج کناه کبیره اش آمرزیده شود واگر چهار طرف را بگیرد از کناهان بیرون
آید وباید که جنازه را چهار کس بردارند وبهتر آنست برای کسی که تشییع جنازه
کند که اول دست راست میت را که جانب چپ جنازه است بدوش راست
خود بردارد پس پای راست میت را باز بدوش راست بردارد پس از پشت جنازه
برود وپای چپ میت را بدوش چپ خود بردارد پس دست چپ میت را که در جانب راست
جنازه است بدوش چپ بردارد وچون خواهد که بار دیگر تربیع کند از پیش جنازه
نرود بلکه از جانب پشت جنازه برکردد وباز بهمان روش مذکور تربیع بجا آورد واکثر علما

[illegible]

بس بیاچپ پس بهست چیو اقوال موافق احادیث معتبره اولی است و اکر هر دو را
بعمل آورند بهتر است و افضل آنست که عقب جنازه یا پهلوها راه رود و پیشتر
جنازه نرود و ظاهر اکثر احادیث آنست که اکر جنازهٔ مومن باشد پیش
از راه رفتن خوبست و در جنازهٔ خلاف مذهب خوب نیست زیرا که
ملئکه اورا استقبال بعذاب میکنند و با جنازه سواره رفتن مکروه است
و از حضرت رسولؐ منقول است که هر که جنازه را ببیند و این دعا بخواند
اَللهُ اَکْبَرُ هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللهُ وَ رَسُولُهُ وَصَدَقَ اللهُ وَرَسُولُهُ

اَللّٰهُمَّ زِدْنَا اِیمَانًا وَتَسْلِیمًا اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی تَعَزَّزَ بِالْقُدْرَةِ وَ

قَهَرَ الْعِبَادَ بِالْمَوْتِ هیچ ملکی در آسمان نماند مکر آنکه کریه کنند از برای
ترحم بر او و از حضرت صادقؑ منقول است که در
حال برداشتن جنازه این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و منقول است که حضرت امام
زین العابدینؑ هر کاه جنازه را میدید میکفت اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ یَجْعَلْنِی
مِنَ السَّوَادِ الْمُخْتَرَمِ و زنان را تشییع جنازه سنت نیست و بعضی کفته
اند که جنازه را بسیار تند بردن مکروه است و مجمر بردن با جنازه کراهت
دارد و در روز چراغ بردن خوب نیست و اسراف است و در شب خوبست
و مکروه است کسی را که بجنازه حاضر شود خندیدن و حرف باطل کفتن
فصل دوم در غسل دادن میت است بدانکه احکام میت از غسل دادن

وکفن

و کفن کردن و احکام پیش همه واجب کفایی است یعنی بر همه واجب است و اکر (و نماز کردن و دفن کردن)
یکی بکند از همه ساقط میشود و اکر همه ترک کنند همه معاقب میشوند و
مشهور میان علماء آنست که ولایت اینمعنی تعلق بوارث میت دارد و
بی رخصت او دیکری متوجه اینها نمیتواند شد و مردان در ورثه اولی اند از زنان
و شوهر اولی است از دیکران و احوط آنست که بی ضرورت خود غسل
ندهد و غسل و نماز و سایر احکام میت واجب است برای میت شیعهٔ
اثنی عشری و در سنی و سایر فرق مخالفان خلافست و ظاهر او اجب نباشد
مکر در حال تقیه و صر شهیدی که در جهاد با امام زمان کشته شده باشد
و در معرکه مرده باشد او را غسل نمیدهند و کفن نمیکنند بلکه نماز میکنند
و با جامها که پوشیده است دفن میکنند و بعضی کفته اند که در هر جهاد
حقی که کشته شود چنین است و خالی از قوتی نیست و مشهور میان اصحاب
آنست که هر کاه از میت عضوی یافت شود که در آن استخوان باشد
میشویند و کفن میکنند و دفن میکنند و بعضی سر کفن را در اینجا واجب دانسته اند
و اکر عضوی باشد که دل در آن باشد نماز هم میباید کرد و احوط آنست که اکر سینه
را تنها بیابند باز چنین کنند و همچنین اکر جمیع استخوانها میت را بیابند و
عضوی که بی استخوان باشد مشهور آنست که در لته می پیچند و دفن میکنند و بعضی
لته پیچیدن را واجب ندانسته اند و بچه که از شکم ساقط شود هر کاه چهار ماه زیاده
داشته باشد غسل میدهند و کفن و دفن میکنند و بر آن نماز نیست و بعضی کفته
اند که سر کفن میکنند و حنوط میکنند و در روایت دیکر در لته پیچیدن مذکور نیست
و بعضی تمام شدن خلقت طفل را اعتبار نیز کرده اند در غسل و کفن نه چهار ماه
و این احوط است و اکر عضو استخوان داری از زندهٔ بریده باشد احوط

و هر کاه کمتر از چهار ماه باشد مشهور آنست که در لته پیچند و دفن میکنند

آنست که غسل و کفن و دفن بکنند اگرچه اظهر عدم وجوبست و اگر طفلی
در شکم مادر مرده باشد و مادر زنده باشد اگر توانند درست بیرون می آورند
والا پاره پاره میکنند و بیرون می آورند و اگر مادر بمیرد و طفل زنده باشد
شکم مادر را میشکافند از جانب چپ و طفل را بیرون می آورند و بهتر آنست
که شکمش را بدوزند و واجبست که مرد را مرد غسل دهد و زن را زن
آنکه بهتر موضع اول زن و شوهر که بقول مشهور اقوی هر یک دیگر را
غسل میتوانند داد و احوط آنست که از زیر جامه غسل دهد و نظر بعورت
نکند و بهتر آنست که بدون ضرورت غسل ندهند خصوصا مرد زن را
دویم جائز است که آقا کنیز خود را غسل دهد هرگاه زن کسی و در عدهٔ
کسی نبوده باشد و در غسل کنیز آقا را خلافست سیم جائز است که مرد
اجنبی غسل دهد دختر سه ساله را برهنه و زن اجنبیه پسر سه ساله را برهنه
و بعضی در پنج سالگی نیز تجویز کرده اند چهارم هرگاه مردی فوت شود و مردی
نباشد که او را غسل دهد زن محرم او را غسل میتواند داد از زیر جامه
و همچنین است هرگاه زن فوت شده باشد و ظاهر در حال اختیار نیز
محارم یکدیگر را نیز غسل میتوانند داد اما احوط آنست که تا ممکن باشد
زن را زن و مرد را مرد غسل دهد و اما کیفیت غسل بهتر آنست که پیشتر
از غسل کفن را مهیا کند و اول حبره را و بعد از آن سرتاسری و بعد از آن
پیراهن را پهن کند و نصف بالای پیراهن را بر گردانند و لنگ را و بعد از
آن ران پیچ را بجای خود پهن کند پس متوجه غسل شود و اگر میسر باشد
که میت را در وقت غسل دادن بر روی تختی یا تخته بخوابانند بهتر است
و مستحب است که در وقت غسل دادن پای میت بسوی قبله باشد بطریق

حال الاحتضار و بعضی واجب دانسته اند و در سائر احوال باید چنین باشد
مگر در حال نماز و حال دفن و باید که زخمهایش را بکنند و اگر خواهد با
پیراهن غسل دهد و اگر خواهد لنگ ببندد و پیراهن را بکنند و بر هر تقدیر
واجب است که در وقت غسل دادن عورتین میت را بپوشانند و مشهور
آنست که واجب است که اول ازالهٔ نجاست از بدن میت بکنند و سنت
است که برای حرمت میت پیراهن را از طرف پا بیرون کنند و اگر تنگ
باشد باذن وارث بشکافند و سنت است که در زیر سقفی یا خیمه غسل دهند
که برابر آسمان نباشد و سنت است که دو نفر باشند غسل دهنده یکی
آب ریزد و دیگری گرداند میت را و مستحب است که انگشتان میت را ابتدا
نرم کند و اگر دشوار باشد و خوف شکستن باشد دست بردارد و واجب
است که میت را سه غسل بدهد اول باب سدر و بعد از آن باب کافور
و بعد از آن باب خالص و سنت است که اول دستهای میت را تا نصف
ذراع سه مرتبه بشوید بنا بر بعضی از روایات پس عورت میت را بشوید
و احوط آنست که چون خواهد عورت را بشوید لنگ بر دست ببندد که
دستش بعورت نرسد و اگر بدست چپ بشوید بهتر است و سنت است
که اول عورت میت را بکف سدر و اشنان سه مرتبه بشوید و آب بسیار
بریزد تا خوب پاک شود پس دست بر بالای شکمش بگذارد و بنرمی و هموار
پایین کشد که اگر فضله باشد بیرون آید و اگر چیزی بیرون آید باز مخرج را
بشوید و اگر زن حامله باشد و خوف افتادن فرزند باشد دست بر شکمش
نکشد و علماء گفته اند که سنت است که سر و ریشش را پیش از غسل بکف سدر
بشوید پس سنت است که دستهای خود را تا مرفق بشوید یعنی آنکسی که دست بر میت

میکذارد پس وضو دهد میت را بروش وضوی زندکان باب خالص
وبعضی واجب دانسته اند ونیت کند که وضو میدهم این میت را قربة الی الله
پس رو ودستهایش رابشوید وسر و پاهایش را مسح کند پس ابتدا کند
بغسل واحوط انست که اب ریزنده وکرداننده اکر دو کس باشند هر دو نیت
کنند وبهتر انست که نیت هر سه را در اول بکنند واز برای غسل کافور
وقراح نیز نیت جدا بکنند پس اول نیت میکنند که این میت را غسل میدهم
باب سدر وکافور وقراح از جهت انکه واجب است از برای رضای خدا
یا قربة الی الله پس سر میت را باب سدر میشوید واحوط انست که اول
بجانب راست سر اب بریزد وبعد از ان بجانب چپ وسنت است که سر را
وهر جانب را سه مرتبه بشوید پس میت را بر پهلوی چپ بخواباند وجانب راست
رابشوید وسنت است که سه مرتبه بشوید وهر سبوئی را که میریزد قطع
نکند تا بپا برساند واکر انکه میت را میکرداند در هنکام اب ریختن
دست بر پشت وشکم بمالد بهمواری که اب خوب برسد بهتر است ودست
میت را از پهلو جدا کند تا اب بزیر انک وعورت و دان وسائر اعضا
خوب جاری شود پس میت را بکرداند وبر پهلوی راست بخواباند
وپهلوی چپ را بهمان طریق که مذکور شد سه مرتبه بشوید ودر اب سدر
مسمی کافی است ومشهور انست که حدی ندارد وبعضی کفته اند که
باید هفت برک سدر باشد وبعضی یکرطل وبعضی یکرطل ونیم کفته اند که
نزدیک به بیست وپنج درم وزیاده بوده باشد وکویا این زیادتیها برای
شستن فرج وسائر اعضا پیش از غسل بوده باشد واحوط انست که در اب
غسل انقدر داخل نکند که مضاف شود واب نکویند ودر بعضی

بزیر ان برسد وچنان کند که اب

روایات در شستن هر جانب شستن نصف سر نیز وارد شده است
وشاید بد نباشد اکرچه خلاف مشهور است پس میت را بر پشت میخواباند
وظرفهارا میشوید که اثر سدر از انها برطرف شود واندک کافوری را ریزه میکند
وداخل اب میکنند وغسل دهنده دستهای خود را تا مرفق بشوید وبهتر انست
که دست میت را نیز تا نصف ذراع سه مرتبه باب کافور بشوید وفرجش را
نیز سه مرتبه بشوید بهمان نحو که لته با دستمالی بر دست بپیچد ودست بر شکم میت بکشد
بهمواری وبهتر انست که در وقتی که دست بر شکم میکشد سر میت را بلند کند
که فضلات از ان ظرف بیرون نرود پس احتیاطا اب ریزنده وکرداننده هر دو نیت
کنند که این میت را غسل میدهم باب کافور برای انکه واجب است از برای رضای خدا
پس سر را بشوید وسنت است که سه مرتبه بشوید ودر هر مرتبه ابتداء بجانب راست
سر بکند وکرداننده بهمواری دستی بمالد پس جانب راست را سه مرتبه وجانب چپ را
سه مرتبه بنحوی که در غسل سدر مذکور شد بشوید پس میت را بر پشت بخواباند
وباز دست خود را تا مرفقین بشوید وظرفها را خوب بشوید که اثری از سدر
وکافور در انها نماند واکر سبوی دیکر برای اب قراح مهیا کند بهتر است واحوط
انست که اب غسل قراح را از حوضی که اب سدر وکافور در ان ریخته شده است
برندارند واز ابی بردارند که ابها مطلقا در ان داخل نشده باشد پس دستهای
میت را تا نصف ذراع سه مرتبه باب خالص بشویند استحبابا وفرج میت را نیز باب
خالص سه مرتبه بشویند واکر در اینوقت نیز بار دیکر میت را وضو دهند شاید
بهتر باشد پس احتیاطا نیت کند که غسل میدهم این میت را باب قراح از جهة انکه
واجب است قربة الی الله پس سر را سه مرتبه وجانب راست را سه مرتبه وجانب
چپ را سه مرتبه بشوید که یکمرتبه واجب است ودو مرتبه سنت است وبهتر انست

که کرداننده بهم آرا در وقت آب ریختن دستی بکشد بر بدن میّت و پیش از این غسل
و در اثنای غسل دست بر شکم میّت نمیکشد و چون از این هر سه غسل فارغ شود
اگر خوف خروج نجاستی بوده باشد قدری از پنبه در دبرش داخل کند و همچنین در دهان
و بینی او قدری از پنبه داخل کند اگر خوف بیرون آمدن خون یا نجاستی بوده باشد
پس سنت است که بدنش را بجامه خشک کند و بعد از آن او را ببرد و جامه‌ها که کفن بگذارد
و سنت است که هر مرتبه که میّت را از جانبی گرداند این دعا بخواند اللّهمّ
خداوندا
اِنَّ هذا بَدَنُ عَبْدِكَ المُؤْمِن وَقَدْ اَخْرَجْتَ رُوحَهُ مِنْهُ وَفَرَّقْتَ
بدرستی این تن بنده گرداننده تو است و بتحقیق بیرون کرده جان او را از بدن او و جدائی افکند
بَیْنَهُما فَعَفْوَكَ عَفْوَكَ و اگر زن باشد بگوید اللّهمّ اِنَّ هذا بَدَنُ اَمَتِكَ
میان آنها پس در گذر در گذر خداوندا بدرستی این بدن کنیز
المُؤْمِنَةِ و اگر روحها بگوید بهتر است و در سائر احوال غسل مکرر بگوید
گرداننده تو است رَبِّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ تا خدا او را بیامرزد و سنت است که هر چه
از عیوب میّت برو ظاهر شود بکسی نقل نکند تا حق تعالی گناهان او را بیامرزد
چنانکه از مادر متولد شده و مستحب است که غسل دهنده از جانب راست
بایستد و گودالی در برابر قبله بکنند و تخته سر از زیر باشد که آب غسل در آن گودال
رود و مکروه است که آب غسل را بجائی که در آن بول و غایط کنند بریزند
و اگر چاله باشد که کثافات خانه را در آن ریزند قصوری ندارد و مکروه است
میّت را با آب گرم غسل دادن مگر در حال ضرورت و مکروه است که
میّت را در میان پاهای خود بگیرد و ایضاً مکروه است که ناخن میّت را
بگیرد یا موی او را بگیرد یا شانه کند و اگر بگیرد ناخن و مو را یا مویی در
اثنای غسل جدا شود باید که در میان کفن بگذارد و با میّت دفن کند

حتی

حتّی منقول است که دندانی از حضرت باقر ع کنده شد بحضرت صادق ع
داد و فرمود که با من دفن کن در قبر و اگر سدر و کافور بهم نرسد یک مرتبه
بآب قراح غسل دهند و احوط آنست که سه مرتبه غسل دهند و اگر
پیش از دفن بهم رسد احوط آنست که مرتبه دیگر او را غسل دهند و
اگر آب بهم نرسد یا میّت را غسل نتوان داد که خوف آن باشد که بدن
میّت از هم بپاشد تیمم دهند او را و ظاهر آنست که یک تیمم کافی است و سه تیمم
احوط است و بهتر آنست که تیمم را چنین بدهد که نیت کند که تیمم میدهم
این میت را بدل از غسلهای سدر و کافور و قراح از جهت آنکه واجب است
از برای رضای خدا و تیمم دیگر قصد کند که تیمم میدهم این میت را بدل از
غسل کافور احتیاطا قربة الی الله و همچنین قراح را و چون نیت کند دست
خود را بر خاک زند و بر پیشانی میّت کشد و دیگر بر پشت دست راست
میت کشد و بعد از آن بر پشت دست چپ و اگر بدو ضرب تیمم دهد
یکی برای رو و یکی برای دستها خوبست و اگر میّت محرم باشد او را
غسل کافور ندهند و حنوط نکنند فصل سیم در کفن کردن میّت است
واجب است که میّت را سه کفن کنند و اکثر علماء گفته اند که اول آنها لنگ
است که از ناف تا بعضی از ساق را بپوشد و بعضی گفته اند که سنت است
که سینه را بپوشد تا پاها برسد و دویم پیراهن است و سیم سرتاسری
که جمیع بدن را بپوشد و بعضی از علماء گفته اند که پیراهن است و دو سرتاسری
و جایز است که بجای پیراهن یک سرتاسری دیگر بکنند که مجموع سه سرتاسری
باشد و این قول اظهر است و احادیث معتبره بر این دلالت دارد و احوط
آنست که با اینها لنگ نیز بکنند و با ضرورت یک سرتاسری کافی است و باید

که کفن حریر محض نبوده باشد واحوط آنست که کفن زنان نیز حریر محض نباشد
واحوط اینست که کفن از پوست نبوده باشد وبهتر آنست که از پشم و مو
نیز نبوده باشد ومستحب است که از پنبهٔ سفید بوده باشد وسنت است
که سرتاسری بالا از جملهٔ دو سرتاسری حبره باشد وآنجامه بوده که از یمن
می‌آورده‌اند والحال معلوم نیست ودور نیست که اگر بجای آن قطنی
سفید بکنند بد نباشد وعلماء گفته‌اند که سنت است که اول جانب چپ
لفافه را بر جانب راست میت اندازد وبعد از آن جانب راست لفافه را
بر جانب چپ میت وبهتر آنست که چنین کند اگرچه مستندش بنظر
نرسیده وسنت است که خرقهٔ طویلی که عرضش یک شبر ونیم وطولش اقلاً
سه ذرع ونیم باشد بذراع دست زیاد کنند برای ران پیچ بانکه سر او را
بشکافند وبر کمر میت ببندند وپنبهٔ بسیار بر دبر وفرج میت بگذارند
واگر زن باشد پنبه بیشتر بگذارند واگر بر پنبه قدری کافور بپاشند
شاید بد نباشد وسر دیگر خرقه را از میان پاها بدر آورند واز زیر آنچه
بر کمرش بسته‌اند بیرون آورند ومحکم بکشند که فرج او وپنبه که گذاشته
اند فرا گیرد وپاها را بهم آورند ورانها را با یکدیگر بآن خرقه سخت ببندند
وبپیچند تا زانوها وبهر جا که منتهی شود سرش را در آنچه پیچیده اند فرو
برند وسنت است که عمامه از برای مرد زیاد کنند که بر دور سرش بگردانند
وموافق مشهور بر زیر حنک بگردانند وسرهای عمامه را از هر دو طرف
بدر آورند وبر سینهٔ میت بیندازند چپ بر جانب راست وراست را
بر جانب چپ وبدلا از عمامهٔ مرد از برای زن مقنعه زیاد کنند وپارچه
بر سینهٔ زن ببندند که پستانهای او را بگیرد وبر پشتش گره زنند و

مکروه است

مکروه است که کفن از کتان باشد یا پیراهنی که تازه کنند آستین داشته
باشد اما اگر میت را در پیراهن خودش کفن کنند در کار نیست بریدن
آستین وبا آستین باکی نیست اما تکمها وبندهایش را ببرند وسنت است
که میت را کفن کنند در پیراهنی که در آن نماز میکرده است واگر در
پیراهن بعضی از علماء وصلحاء نیز کفن کنند شاید بد نباشد ومستحب است
که در جامه که در آن احرام بسته است در حج یا عمره کفن کنند ومستحب است
که کفن خوش قماش وصاحب قیمت باشد چنانچه در حدیث وارد شده است
که نیکو کنید کفنهای مردگان خود را که زینت ایشان است وبا آن
کفنها در قیامت مبعوث میشوند وسنت است که در قیمت کفن مضایقه
ومبتری نکنند وکفن از مال بسیار حلال بی شبهه باشد وسنت است
موافق مشهور که بر کفن شهادتین واقرار بائمه علیهم السلم بنویسند و
دعای جوشن وغیر آن در بعضی روایات وارد شده است وسنت است
که بتربت حضرت امام حسین ع بنویسند وعلماء گفته‌اند که سنت است
که کفن را برشته‌ها که از آن بیرون آورده اند بدوزند وبآب دهان تر
نکنند وسنت است که در وقتی که غسل دهنده خواهد که میت را کفن
کند کفن کننده دستهایش را تا دوش یا تا مرفق بشوید وبعد از آن
شروع کند در کفن کردن وواجب است حنوط کردن میت را بانکه بر هفت
موضع سجدهٔ او یعنی پیشانی وکف دستها وزانوها وانگشت مهین پاها
کافور بمالند اگرچه اندکی باشد وبهتر آنست که سر بینی را نیز بمالند وبر سینه
اش بریزند واگر گودال پایین گردن وبندهای پا وبندهای دست و
مرفقها وزیر بغلها وبیخ ران وبیخ بند انگشتان وسائر بندها را بمالند احوط است

وبهتر انست که کافور حنوط کافور خام نبوده باشد و مقدارش بقدر اشرفی
باشد که چهار دانگ و نیم مثقال است وبهتر ازین انست که سه مثقال باشد
وبهتر ازین انست که سیزده درهم وثلثی بوده باشد موافق حنوط حضرت رسول صلعم
که تقریبا هفت مثقال صیرفی بوده باشد وبهتر انست که کافور غسل کمتر ازین مقدار
نباشد وسنت مؤکد است که دو چوب تازه با میت بگذارند و در اخبار بسیار
وارد شده که این دو چوب تا تر است میت را عذاب نمیکنند وبهتر انست که چوب
درخت خرما بوده واکر یافت نشود چوب سدر کنند واکر یافت نشود چوب درخت بید
واکر یافت نشود چوب درخت انار واکر بهم نرسد هر چوب تری خوبست و باید تر
باشد و تازه از درخت بریده باشند وچوب خشک هرچند از درخت خرما
اماکن شریفه باشند فایده نمیکند و باید هر یک بقدر یکشبر بوده باشد یا یک ذراع
دست وبعضی گفته اند که بقدر استخوان ذراع که از یکشبر بیشتر است و طول
هم خوبست وبعضی گفته اند که پنبه بر انها بپیچند که تا رطوبتشان بیشتر
بماند و یکی را از جانب راست بگذارند و سرش را بچنبر گردن گذارند و ملصق ببدن
سازند ودیگری را از جانب چپ میان پیراهن و سراسری بگذارند و سراو را
نیز بچنبر گردن گذارند وبعضی گفته اند که سنت است که بر جریدتین شهادتین
بنویسند بتربت شریف واکر تقیه باشد و جریده نتوان در کفن گذاشت در
میان قبر بیندازند واکر بعد از پر کردن قبر بخاطرشان اید در میان قبر فرو برند
وبدانکه کفن واجب میت از اصل مال اوست مقدم بر دین و وصیت و میراث
واکر چیزی نداشته باشد رختهای او را تطهیر کنند و بانها کفن کنند
واکر انهم نباشد برهنه دفن کنند وبعضی گفته اند که از زکوة واجب کفن میت میتوان
کرد و خالی از قوتی نیست وسنت مؤکد است که مسلمانان او را کفن کنند چنانچه

در

در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که هر که کفن کند مؤمنی را چنانست
که ضامن جامه او شده باشد تا روز قیامت و هر که بکند از برای مؤمنی قبری را چنان است
که او را در خانه موافق نیکو جا داده باشد تا روز قیامت و کفن زن بر شوهر واجب است
هر چند زن مالدار باشد و همچنین کفن بنده بر صاحبش واجب است واکر از میت
نجاستی بیرون اید بدن او را بشویند واکر کفن الوده شده باشد تا در قبر نگذاشته
اند انرا میشویند واکر بقبر برده باشند مشهور انست که انموضع را مقراض میکنند
وکفن را از یکدیگر میگذرانند تا بدن میت پوشیده شود وبعضی گفته اند که اکر
ممکن بوده باشد شستن در اندرون قبر بانکه طشت وافتابه ببرند وبشویند
بهتر است خصوصا هرگاه بدن میت نجس شده باشد و کفن را نیز بان عنوان بشویند — و تطهیر ان لازم باشد
واین احوط است وجمعی گفته اند مکروه است کفن را باهن بریدن وگفته اند از
مشایخ چنین شنیده ایم و در حال کفن کردن نیز سنت است که پاهایش بجانب قبله
باشد وکسی که در غیر جهاد با امام کشته شده باشد جراحتهای بدنش را ازاله
میکنند و غسل میدهند واکر سر جدا باشد در هر غسلی اول سر را میشویند
واخر بدن را وبعضی گفته اند که اکر خون بند نشود گل ارمنی بریزند
تا بند شود واز حضرت صادق ع منقول است در حکم چنین کسی که اول
خون را میشویند واب بر ان میریزند در غسل و دست بر بدنش نمیمالند و بر
جراحتهایش پنبه وکافور میگذارند و محکم می بندند و همچنین اکر گردنش
بریده شده باشد و جدا نشده باشد کافور میپاشند بر موضع جراحت و
پنبه بر ان میگذارند و بخرقه می بندند که خون بیرون نیاید واکر سر از بدن
جدا شده باشد در غسل اول سر را میشویند و بعد از ان بدن او و پنبه بر
بالای گردن میگذارند و بعد از ان سر را بر روی گردن میگذارند و در میان

کفن می پیچند و در هنگام دفن سر را با بدن میگیرند و در لحد میگذارند و در لشرا
بجانب قبله میگردانند فصل چهارم در نماز میت است و این نماز واجب
است بر همه مسلمانان که علم بفوت شخصی بهم رسانند و اگر یکی از ایشان
بجا آورد از دیگران ساقط میشود و واجب است نماز بر هر شیعه اثنا عشری
که بالغ باشد بخلاف و اشهر و اقوی آنست که بر طفلی که شش سالش تمام شده
باشد نماز واجب است و ظاهرا بقصد قربت اکتفا توان کرد و کمتر از شش ساله
را اگر زنده متولد شده باشد بعضی سنت دانسته اند و بعضی بدعت
و احوط نماز نکردن است و جائز نیست نماز کردن بر کفار و خوارج و ناصبیان
که عداوت اهل بیت علیهم السلام داشته باشند و غالیان که ائمه علیهم السلام را
خدا دانند یا گویند خدا در ایشان حلول کرده است و بر مرتد و آنها که خدا را
جسم میدانند و بر غیر ایشان از مخالفان خلافست و ظاهر آنست مخیر باشد میان
آنکه نماز نکند یا بکند و چهار تکبیر بگوید و در تکبیر چهارم نفرین و لعنت
کند بر او و در موضع تقیه ترک نباید کرد و سزاوارترین مردم بنماز بر میت وارث
اوست بنا بر مشهور و بعضی گفته اند که بی رخصت ایشان نماز جماعت نمیتوان
کرد و بانفراد میتوان کرد و احوط آنست که تا توان از ایشان رخصت گرفتن
بی رخصت نکنند و شوهر از همه خویشان اولی است نسبت بزن و مردان اولی اند
از زنان و وارث اگر خود قابلیت پیشنمازی نداشته باشد هر که را اعتقاد داشته
باشد و بهتر داند مقدم دارد و جائز است که زن پیشنمازی زنان بکند و با
ماموم در یک صف بایستد و مرد باید که پیش بایستد اگر چه ماموم یکنفر باشد و اگر
زنان با مردان جمع شوند زنان در عقب مردان بایستند و اگر حائضی باشد سنت
است که در صف جدائی بایستد و واجب است نماز گذارنده رو بقبله بایستد

وسر

وسر جنازه بجانب راست او باشد اگر امام باشد و در ماموم در کار نیست
و احوط در منفرد آنست که از برابر جنازه بیرون نباشد و واجب است که میت
را بر پشت بخوابانند و در این نماز طهارت از حدث شرط نیست و جنب و حائض
و بیوضو این نماز را میتوان کرد و احوط آنست که سایر شروط نماز یومیه را
در این نماز رعایت کنند از پوشانیدن عورت و نجس نبودن جامه و بدن
و حریر نبودن جامه و غیر اینها اگر چه اظهر آنست که هیچ یک در کار نیست
مگر چیزی چند که حرام باشد و از اینها منافی افعال نماز باشد مانند
طلا و حریر برای مردان و جامه غصبی و سنت است که با وضو باشد و اگر آب
بهم نرسد یا مانعی داشته باشد یا وقت تنگ باشد سنت است که تیمم کنند
و ظاهر بعضی آنست که بدون عذر نیز تیمم مستحب است و میباید که از جنازه بسیار دور
نباشد مگر آنکه در نماز جماعت باشد و صفها در میان باشد و نماز بر میت نمیتوان
کرد تا او را غسل و کفن نکنند اگر ممکن باشد و اگر کفن نداشته باشد او را بقبر
گذارند و عورتش را بپوشانند و نماز کنند و سنت است که پیشنماز برابر میان
مرد بایستد و سینه زن بنا بر مشهور و سنت است که کفش را بکنند و اگر موزه
در پا داشته باشند در کار نیست کندن و اگر پا برهنه باشد بهتر است و
واجب است که نیت کند و بهتر آنست که چنین نیت کند که نماز بر این میت
حاضر میکنم از برای آنکه واجب است قربة الی الله و پنج تکبیر بگوید و سنت است
که در هر تکبیر دستها را بردارد تا محاذی گوشها و بعضی در غیر تکبیر اول
سنت نمیدانند دست برداشتن را و اول اقوی است و در وجوب دعا در
میان تکبیرها خلافست و احوط وجوبست و ظاهر آنست دعائی مجزی باشد
و مشهور آنست که بعد از تکبیر اول بگوید أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ و
گواهی میدهم آنکه نیست سزاوار پرستش مگر خدا و

اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللهِ وبعد از دویم اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
کواهی میدهم اینکه بتحقیق محمد رسول خداست
مُحَمَّدٍ و بعد از سیم خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد
اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ و بعد از چهارم اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِهٰذَا الْمَیِّتِ
خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه را
و تکبیر پنجم را بکوید خداوندا بیامرز این مرده را
و فارغ شود مجزیست و موافق مشهور بهتر انست که چنین کند بعد از
نیت بکوید اَللهُ اَکْبَرُ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ
خدا بزرکترست کواهی میدهم اینکه نیست سزای پرستش مکر خدای یکانه نیست انبازی
مر او را و کواهی میدهم اینکه بتحقیق محمد بنده او
وَرَسُولُهُ اَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِیراً وَنَذِیراً
بَیْنَ یَدَیِ السَّاعَةِ پس بکوید
و فرستاده اوست فرستاده او را براستی مژده دهنده و بیم نماینده
در پیش قیامت
اَللهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ
خدا بزرکترست
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّداً
خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و برکت ده بر محمد و آل محمد و رحم کن محمد
وَآلَ مُحَمَّدٍ کَاَفْضَلِ مَا صَلَّیْتَ وَبَارَکْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیمَ
و آل محمد را بهتر از آنچه رحمت فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی بر ابراهیم
وَآلِ اِبْرٰهِیمَ اِنَّكَ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَصَلِّ عَلٰی جَمِیعِ الْاَنْبِیَاءِ وَالْمُرْسَلِینَ
و آل ابراهیم بدرستیکه تو ستوده بزرکواری و رحمت بفرست بر همه پیغمبران و فرستادکان
پس بکوید اَللهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِینَ
خدا بزرکترست خداوندا بیامرز مردان مؤمن و زنان مؤمنه و مردان مسلم
وَالْمُسْلِمَاتِ الْاَحْیَاءِ مِنْهُمْ وَالْاَمْوَاتِ تَابِعْ بَیْنَنَا وَبَیْنَهُمْ بِالْخَیْرَاتِ
و زنان مسلمه را زندکان ایشان و مردکانرا پی در پی ده میانه ما و میانه ایشان به نیکیها
اِنَّكَ مُجِیبُ الدَّعَوَاتِ اِنَّكَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ پس بکوید اَللهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُمَّ
بدرستیکه تو اجابت کننده دعاها بدرستیکه تو بر هر چیز توانائی خدا بزرکترست خداوندا

ان

اِنَّ هٰذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ نَزَلَ بِكَ وَاَنْتَ خَیْرُ
بدرستیکه این بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهترین
مَنْزُولٍ بِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ اِلَّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنَّا
فرود آمده شود باو خداوندا بدرستیکه ما نمیدانیم ازو مکر نیکی و تو داناتری باو از ما
اَللّٰهُمَّ اِنْ کَانَ مُحْسِناً فَزِدْ فِی اِحْسَانِهِ وَاِنْ کَانَ مُسِیئاً فَتَجَاوَزْ
خداوندا اکر باشد او نیکوکار پس زیاد کن در نیکوئی او و اکر باشد بدکردار پس درکذر
عَنْهُ وَاغْفِرْ لَهُ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِی اَعْلٰی عِلِّیِّینَ وَاخْلُفْ
ازو و بیامرز او را خداوندا بکردان او را نزد خود در بلندترین درجهای بهشت و خلیفه باش
عَلٰی اَهْلِهِ فِی الْغَابِرِینَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ پس بکوید اَللهُ اَکْبَرُ
بر اهل او در زمره باقی ماندکان و ببخش او را ببخشش خود ای بخشاینده ترین بخشایندکان
و فارغ میشود و اکر زن باشد میکوید اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ اَمَتُكَ وَابْنَةُ
عَبْدِكَ وَابْنَةُ اَمَتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَاَنْتَ خَیْرُ مَنْزُولٍ بِهِ
اَللّٰهُمَّ اِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَیْراً وَاَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اَللّٰهُمَّ
اِنْ کَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِی اِحْسَانِهَا وَاِنْ کَانَتْ مُسِیئَةً فَتَجَاوَزْ
عَنْهَا وَاغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِی اَعْلٰی عِلِّیِّینَ وَاخْلُفْ
عَلٰی اَهْلِهَا فِی الْغَابِرِینَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ و اکر بعد
از هر چهار تکبیر این دعا بخواند خوبست اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
وَحْدَهُ لَا شَرِیكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً
کواهی میدهم اینکه نیست سزاوار پرستش مکر خدا حال آنکه یکانه است نیست شریک برای او و کواهی میدهم اینکه محمد
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اَللّٰهُمَّ
بنده او و رسول اوست خداوندا
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِینَ
رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مردان کرونده
وَالْمُؤْمِنَاتِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا
و زنان کرونده خداوندا بدرستیکه این

المستجی قدامنا عبدك وابن عبدك وقد قبضت روحه الیك
پوشیده شده بکفن در پیش روی ما بنده تو و پسر بنده تو و بتحقیق گرفتی جان اورا بسوی خود
وقد احتاج الی رحمتك وانت غنی عن عذابه اللهم انا لا نعلم
و بتحقیق نیازمند است بسوی رحمت تو و تو بی نیازی از عذاب او خداوندا بدرستی ما نمیدانیم
من ظاهره الا خیرا وانت اعلم بسریرته اللهم ان كان
از ظاهر او مگر نیکی و تو داناتری بپنهان او خداوندا اگر باشد
محسنا فزد فی احسانه وان كان مسیئا فتجاوز عن سیئاته واگر
نیکوکار پس زیاده کن بر نیکوئی او و اگر باشد بدکردار پس درگذر از بدیهای او
زن باشد بگوید اللهم ان هذه المسجاة قدامنا امتك وابنت
عبدك وقد قبضت روحها الیك وقد احتاجت الی رحمتك
وانت غنی عن عذابها اللهم انا لا نعلم من ظاهرها الا خیرا
وانت اعلم بسریرتها اللهم ان كانت محسنة فزد فی احسانها
وان كانت مسیئة فتجاوز عن سیئاتها بلکه موافق جمع بین الاحادیث
بهتر است واگر بعد از هر تکبیر این دعا را بخواند نیز خوبست اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده
گواهی میدهم که نیست سزاوار پرستش مگر خدای یگانه نیست شریکی برای او و گواهی میدهم اینکه بتحقیق محمد بنده او
ورسوله اللهم صل علی محمد وال محمد وعلی الائمة الهداة و
و رسول اوست خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بر پیشوایان راهنمایان و
اغفر لنا ولاخواننا الذین سبقونا بالایمان ولا تجعل فی قلوبنا
بیامرز برای ما و برادران ما که پیشی گرفتند ما را بایمان و مگردان در دلهای ما
غلا للذین امنوا ربنا انك غفور رحیم اللهم اغفر لاحیائنا وامواتنا
کینه برای آنانکه گرویده اند پروردگارا بدرستی که تو آمرزگار مهربانی خداوندا بیامرز زندگان ما را و مردگان ما
من

من المؤمنین والمؤمنات والف قلوبنا علی قلوب اخیارنا واهدنا لما
از مردان گرونده و زنان گرونده و الفت ده دلهای ما را بر دلهای نیکان ما و راهنمائی کن ما را
اختلف فیه من الحق باذنك انك تهدی من تشاء الی صراط مستقیم
خلاف کرده شده در آن از حق بدستور خود بدرستیکه تو راهنمائی میکنی هر که را خواهی بسوی راه راست
اللهم عبدك ابن عبدك ابن امتك انت اعلم به افتقر الی رحمتك
خداوندا بنده تو پسر بنده تو پسر کنیز تو تو داناتری باو محتاج است بسوی رحمت تو
واستغنیت عنه اللهم فتجاوز عن سیئاته وزد فی حسناته و
و بی نیازی از او خداوندا پس درگذر از بدیهای او و زیاد کن در نیکیهای او و
اغفر له وارحمه ونور له فی قبره ولقنه حجته والحقه بنبیه
بیامرز او را و رحم کن او را و روشنی ده او را در قبر او و بفهمان او حجت او را و برسان او را به پیغمبر او
صلی الله علیه واله ولا تحرمنا اجره ولا تفتنا بعده واگر زن باشد
رحمت فرستد خدا بر او و آل او و ناامید مکن ما را از مزد او و در بلا میفکن ما را پس از او
از اول این دعا
میخواند تا اینجا که الی صراط مستقیم اللهم امتك ابنت عبدك ابنت
امتك انت اعلم بها افتقرت الی رحمتك واستغنیت عنها اللهم
فتجاوز عن سیئاتها وزد فی احسانها واغفر لها وارحمها ونور لها فی
قبرها ولقنها حجتها والحقها بنبیها صلی الله علیه واله ولا
تحرمنا اجرها ولا تفتنا بعدها و در روایتی وارد شده است که
بعد از فارغ شدن از نماز بگوید ربنا اتنا فی الدنیا حسنة وفی الاخرة
حسنة وقنا عذاب النار
پروردگارا بده ما را در این جهان نیکی و در آن جهان نیکی و نگاهدار ما را از آتش
واگر بر سنی و خلاف مذهب نماز کند بعد از تکبیر چهارم بلکه بعد از هر تکبیر بر او لعنت و نفرین کند و بهتر اینست

کە چنین بکوید اللهم اخز عبدك فی عبادك وبلادك اللهم اصله
خداوندا خوار کن بندهٔ خود را در زمرهٔ بندکان خود و در شهرهای خود خداوندا بسوزان او را
حر نارك اللهم اذقه اشد عذابك فانه کان یوالی اعداءك
بکرمی آتش خداوندا بچشان او را سخت‌ترین عذاب خود زیرا که بتحقیق او بود که دوست میداشت دشمنان ترا
ویعادی اولیاءك ویبغض اهل بیت نبیك صلی الله علیه وآله
و دشمن میداشت دوستان ترا و با خشم و کین بود از خانوادهٔ پیغمبر تو که رحمت خدا بر او و آل او
واکر میت مستضعف باشد که ضعیف العقل باشد و تمیز میان مذاهب
نکند و باین سبب سنی باشد یا مخالف حق باشد و عناد با شیعیان
نداشته باشد یا اعتقاد باهل بیت علیهم السلام داشته باشد و با دشمنان
ایشان بد نباشد در نماز بر او بکوید اللهم اغفر للذین تابوا و
اتبعوا سبیلك وقهم عذاب الجحیم خداوندا بیامرز آنان را که بازکشت نمودند
و پیروی کردند راه ترا و نکهدار ایشان را از عذاب دوزخ واکر مذهب میت معلوم نباشد بکوید
اللهم ان هذه النفس انت احییتها وانت امتها اللهم ولها ما
خداوندا بدرستی که این نفس تو زنده کردی او را و تو میراندی او را خداوندا متوجه کردان او را
تولت واحشرها مع من احبت واکر میت طفل نابالغ باشد بکوید
بانچه متوجه بود و برانکیز او را با آنکه دوست میداشت اللهم اجعله لابویه ولنا سلفا و
فرطا واجرا و مشهور در همه اینست خداوندا بکردان او را برای پدر و مادرش و برای ما پیش‌رو و
اجر بزرک و ذخیره که دعاهای سه تکبیر اول را میخواند بنحوی که کذشت واین
دعاها را بعد از تکبیر چهارم میخواند و بر سنی اکر نماز کند تکبیر پنجم را نمیکوید و
سنت است که هر جا خود بایستد تا جنازه را بر دارند خصوصا پیشنماز و نماز
جنازه را در مسجد میتوان کرد و مشهور اینست که اکر در مسجد نکند بهتر است

وبر جنازه دو مرتبه نماز کردن خلافست در جواز آن و دور نیست که
کسی که نماز نکرده باشد تواند کرد و کسی که در اثنای نماز برسد بقصد
وجوب ملحق میشود و دعاهایی که خودش را باید بخواند میخواند و چون
پیشنماز فارغ شود بقیه را با دعاهای مختصر بخواند اکر چه جنازه را بر دارند
واکر دور شود یا بکردد تکبیرها را بی دعا پیاپی بکوید واکر میتی را بی نماز
دفن کرده باشند احوط اینست که بر قبر او نماز کنند هر چند مدتی کذشته
باشد و همه وقت نماز جنازه را میتوان کرد مکر آنکه وقت حاضره تنك
شود که حاضره را مقدم میدارند و بهتر اینست که با وسعت وقت
نیز حاضره را مقدم دارند مکر آنکه خوف فوت نماز جنازه بوده باشد
یا خوف ضایع شدن میت **فصل پنجم** در آداب دفن میت است
و آداب بعد از آن سنت است که تا میت را در قبر نکذارند ننشینند
و واجب است کفایه دفن کردن میت و قدر واجب اینست که میت را در
کوی پنهان کنند بحیثیتی که بوی بد او از مردم مستور کردد و جسد او
از درندکان ایمن باشد و خوابانیدن او بر جانب راست رو بقبله واجب
است بقول مشهور و بعضی مستحب دانسته‌اند و مستحب است کندن قبر
بقدر قامتی یا تا چنبر کردن و سنت است کندن لحد از طرف قبله و مستحب
است که آنقدر فراخ باشد که کسی در آن تواند نشست واکر زمین سست
باشد و لحد نتوان کند بعضی کفته‌اند که مانند لحد بسازند واکر نتوان قبر را
شق کنند بانکه از میان قبر بقدر جسد میت فرو برند آنقدر که توان نشست
و دو طرف داشته باشد که خشت بر روی او توان کذاشت که خاک
بر میت ریخته نشود و احوط اینست که در مانند صره یا تابوت و صندوق

بگذارند و شخصی که در دریا بمیرد اگر ممکن باشد بخشکی رسانند والا در
مانند خم گذارند و سرش را ببندند و در دریا اندازند اگر ممکن باشد
والا او را سنگین کنند و رو بقبله بآب اندازند و چون جنازه بنزدیک قبر رسد
سنت است که او را نزد پای قبر بگذارند اگر مرد باشد و اگر زن باشد برابر قبله
قبر بگذارند و مشهور آنست که زمانی میگذارند و سه مرتبه او را نقل میکنند
و مرتبه چهارم او را بقبر میبرند و آنچه در روایات معتبره وارد شده است
که چون میت را نزدیک قبر رسانی او را ناگاه بقبر مبر و کار در او سنگین مکن
و پایینتر از قبر بده دو ذراع یا سه ذراع بگذار و ساعتی صبر کن تا تهیهٔ خود را
بگیرد برای سؤال قبر زیرا که قبر را هولهای عظیم هست و دعا کن که خدا
او را پناه دهد از اهوال قبر و سنت است که سر میت را پیش کنند
و از پیش پای قبر سرازیر بقبر برند و جمعی از علماء گفته اند که زن را از پیش
قبله میگیرند و بعرض بقبر میبرند و سرازیر نمیکنند چنانچه در بعضی از
روایات وارد شده است و سنت است که شخصی که بقبر میرود که میت را
بقبر گذارد بندهای قبا را بگشاید و بالاپوش و ردا را بیندازد و سر و
پایش برهنه باشد و جائز است یک کس برود یا زیاده خواه طاق
باشند و خواه جفت و اکثر علماء گفته اند که مکروه است که اگر میت
مرد باشد خویش او او را بقبر برد و آنچه از احادیث ظاهر میشود آنست که
پدر را مکروه است که در قبر فرزند داخل شود و فرزند و سایر اقارب
باکی نیست و اگر میت زن باشد احوط آنست که محرم او او را بقبر برد و اگر
محرم نبوده باشد زن صالحه برد و اگر زن نبوده باشد مرد صالح پیری برد
و در در رفتن و بیرون آمدن سنت است که از پیش پای قبر باشد و سنت است که

٣٠٨ چون میت را نزدیک قبر بگذارد بگوید اللهم عبدک (امتک) ابن عبدک (ابنت)
وابن امتک نزل بک وانت خیر منزول به
خداوندا بندهٔ تو و پسر بندهٔ تو و پسر کنیز تو فرود آمده بتو و تو بهتری از هر که فرود آیند بآن
و چون میت را بردارد که بقبر برد
بگوید بسم الله وبالله وعلی ملة رسول الله صلی الله علیه وآله اللهم
بنام خدا و بتوفیق خدا و بر کیش رسول خدا رحمت فرستد خدا براو و آل او خداوندا
الی رحمتک لا الی عذابک اللهم افسح له فی قبره ولقنه حجته
برسان او را برحمت خود نه بسوی عذاب خود خداوندا گشاده کن او را در قبر او و تلقین کن حجت او
وثبته بالقول الثابت وقنا وایاه عذاب القبر و چون در قبر
و ثابت دار او را بگفتار حق و نگاهدار ما را و او را از عذاب قبر
بگذارد سنت
است که بندهای کفن را بگشاید و روی میت را باز کند و طرف راست
روی او را بزمین برساند و اگر زیر سر را از خاک بلندتر کند بد نیست و خشتی
در پشتش بگذارد که بر پشت نیفتد و سنت است که مهری از تربت حضرت
امام حسین صلوات الله علیه در برابر روی او بگذارد و اگر تربت آنحضرت
در کفن نیز بگذارد بهتر است و بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم
پس سورهٔ فاتحه و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و قل هو الله
احد و آیة الکرسی بخواند و اگر حاضران همه بخوانند بهتر است پس بگوید
بسم الله وبالله وفی سبیل الله وعلی ملة رسول الله صلی
بنام خدا و بتوفیق خدا و در راه خدا و بر ملت پیغمبر خدا رحمت فرستد
الله علیه وآله اللهم صل علی محمد وآل محمد اللهم افسح له (لها)
خدا براو و آل او خداوندا رحمت فرست بر محمد و آل محمد خداوندا گشایش ده او را
فی قبره والحقه بنبیه صلی الله علیه وآله اللهم ان کان محسنا
در قبرش و برسان او را به پیغمبرش رحمت فرستد خدا براو و آل او خداوندا اگر باشد نیکوکار

فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئاً فَاغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ وَتَجَاوَزْ
پس زیاده کن در نیکوئی او و اگر باشد بدکردار پس بیامرز اورا و رحم کن اورا و درگذر

عَنْهُ پس بگوید اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَصَاعِدْ عَمَلَهُ وَلَقِّهِ
ازو خداوندا جدا کن زمین را از طرفین او و بالا بر عمل او را و فرا پیش آور او را

مِنْكَ رِضْوَاناً پس بگوید اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أَمَتِكَ
از جانب خود خشنودی خداوندا بنده تو و پسر بنده تو و پسر کنیز تو
أمتك ابنت ابنت

نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ پس بگوید اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ
وارد شده بتو و تو بهتری از هر که وارد شوند او را خداوندا گشاده کن او را در قبرش

وَلَقِّنْهُ حُجَّتَهُ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ وَقِهِ شَرَّ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ و ایضا بگوید
و بفهمان او حجت او را و برسان او را به پیغمبر او و نگاهدار او را از عذاب منکر و نکیر

بِسْمِ اللَّهِ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ
بنام خدا و در راه خدا و بر شریعت رسول خدا رحمت فرستد خدا بر او

وَآلِهِ اللَّهُمَّ عَبْدُكَ ابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ
و آل او خداوندا بنده تو و پسر بنده تو وارد شود بتو و تو بهتری از هر وارد شونده
أمتك ابنت

بِهِ اللَّهُمَّ افْسَحْ لَهُ فِي قَبْرِهِ وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ
او را خداوندا گشاده کن برای او در قبرش و برسان او را به پیغمبرش خداوندا بدرستی که ما نمیدانیم

مِنْهُ إِلَّا خَيْراً وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ و بروایت معتبر دیگر بگوید اللَّهُمَّ يَا رَبِّ
ازو مگر نیکی و تو داناتری باو خداوندا ای پروردگار

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ
بنده تو و پسر بنده تو فرود آمده بتو و تو بهتری از هر فرود آمده شود باو خداوندا
أمتك ابنت

إِنْ كَانَ مُحْسِناً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ كَانَ مُسِيئاً فَتَجَاوَزْ عَنْهُ
اگر باشد نیکوکار پس زیاده کن در نیکی او و اگر باشد بدکردار پس درگذر ازو

والحقه

وَأَلْحِقْهُ بِنَبِيِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَالِحِ شِيعَتِهِ وَاهْدِنَا
و برسان او را به پیغمبر او رحمت فرستد خدا بر او و آل او و نیکوکار از پیروان پیغمبر و هدایت کن ما را

وَإِيَّاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ اللَّهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ و بروایت معتبر
و او را بسوی راه راست خداوندا میخواهیم گذشت درگذر

دیگر این دعا بخواند
اللَّهُمَّ هَذَا عَبْدُكَ فُلَانٌ و بجای فلان نام او را بگوید وَابْنُ عَبْدِكَ
خداوندا این بنده تو و پسر بنده تو
أمتك ابنت

قَدْ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ قَدِ احْتَاجَ إِلَى رَحْمَتِكَ
بتحقیق وارد شده ترا و تو بهتر کسیکه وارد شوند او را بتحقیق که حاجت بود رحمت تو

اللَّهُمَّ وَلَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْراً وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِسَرِيرَتِهِ وَنَحْنُ
خداوندا و ما نمیدانیم ازو مگر نیکی و تو داناتری بنهان او و ما

الشُّهَدَاءُ بِعَلَانِيَتِهِ اللَّهُمَّ فَجَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَلَقِّنْهُ
گواهانیم بظاهر او خداوندا پس دور کن زمین را از طرفین او و بفهمان او را

حُجَّتَهُ وَاجْعَلْ هَذَا الْيَوْمَ خَيْرَ يَوْمٍ أَتَى عَلَيْهِ وَاجْعَلْ هَذَا
حجت او و بگردان این روز را بهترین روزی که وارد شود بر او و بگردان این قبر را

الْبَيْتَ خَيْرَ بَيْتٍ نَزَلَ فِيهِ وَصَيِّرْهُ إِلَى خَيْرٍ مِمَّا كَانَ فِيهِ وَوَسِّعْ
بهترین خانه که فرود آمده در آن و بگردان او را بسوی بهتر از آنچه بود در آن و فراخی بخش

لَهُ فِي مَدْخَلِهِ وَآنِسْ وَحْشَتَهُ وَاغْفِرْ ذَنْبَهُ وَلَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ
او را در جای داخل شدن او و انس ده رمیدگی او را و بیامرز گناه او را و نا امید مکن ما را از مزد او

وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ و سنت است که در اینجا عقائد حق را تلقین او کند
و گمراه مساز ما را پس ازو
خصوصا ولایت ائمه معصومین علیهم السلم و بهتر
آنست که بدست راست دوش راست میت را بگیرد و بدست چپ دوش

چپ میجنبانی اورا واورا حرکت دهد وتلقین کند واکر باین نحو بکوید جامع تر است

افهمي / بفهم بفهم

اِسْمَعْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ اِسْمَعْ اِفْهَمْ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ ونام او وپدرش را بکوید هَلْ اَنْتَ عَلَى
بشنو بفهم بشنو بفهم بشنو بفهم آیا تو هستی بران

الْعَهْدِ الَّذِي فارَقْتَنا عَلَيْهِ مِنْ شَهادَةِ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ
عهد وپیمان که مفارقت کردی مارا بران از کواهی اینکه نیست سزای پرستش بجز خدا حال آنکه

وَحْدَهُ لا شَرِيكَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَ
یکانه است نیست شریکی مر اورا واینکه بتحقیق محمد رحمت فرستد خدا بر او وآل او بندهٔ او و

رَسُولُهُ وَسَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَخاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَاَنَّ عَلِيًّا اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
رسول او وبزرک پیغمبران وآخر فرستادکانست واینکه بتحقیق علی پادشاه کروندکان

وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَاِمامٌ افْتَرَضَ اللّٰهُ طاعَتَهُ عَلَى الْعالَمِينَ وَاَنَّ
وبزرک اوصیا وپیشوائی که لازم کرده خدا اطاعت اورا بر جهانیان واینکه بتحقیق

الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَجَعْفَرَ بْنَ
حسن وحسین وعلی پسر حسین ومحمد پسر علی وجعفر پسر

مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ
محمد وموسی پسر جعفر وعلی پسر موسی ومحمد فرزند علی وعلی فرزند

مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ
محمد وحسن پسر علی وآن پاینده که حجت راه یافته رحمتهای خدا بر ایشان باد

اَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجُ اللّٰهِ عَلَى الْخَلْقِ اَجْمَعِينَ وَاَئِمَّتُكَ اَئِمَّةُ هُدًى
پیشوایان کروندکان که حجتهای خدایند بر خلق همکی وپیشوایان تو اند پیشوایان راه راست

اَبْرارٌ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اِذا اَتاكَ الْمَلَكانِ الْمُقَرَّبانِ رَسُولَيْنِ مِنْ
نیکوکاران ای فلان پسر فلان هرکاه آیند ترا دو فرشتهٔ مقربی که رسولند از

عند

عِنْدِ اللّٰهِ تَبارَكَ وَتَعالَى وَسَاَلاكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ وَعَنْ
نزد خداوند خداوندا فاضه ببرکات وبرترست وسؤال کنند ترا از پروردکار تو واز پیغمبر تو واز

تخافي وقولي

دِينِكَ وَعَنْ كِتابِكَ وَعَنْ قِبْلَتِكَ وَعَنْ اَئِمَّتِكَ فَلا تَخَفْ وَقُلْ
دین تو واز کتاب تو واز قبلهٔ تو واز پیشوایان تو پس مترس وبکو

فِي جَوابِهِما اَللّٰهُ جَلَّ جَلالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي
در جواب ایشان که خدا بزرکوارست بزرکواری او پروردکار منست ومحمد که رحمت فرستد خدا بر آل او پیغمبر منست

وَالْاِسْلامُ دِينِي وَالْقُرْآنُ كِتابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَاَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ
واسلام دین منست وقرآن کتاب منست وکعبه قبلهٔ منست وپادشاه کروندکان

عَلِيُّ بْنُ اَبِي طالِبٍ اِمامِي وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْمُجْتَبَى اِمامِي وَالْحُسَيْنُ
علی پسر ابی طالب پیشوای منست وحسن پسر علی که برکزیده است پیشوای منست وحسین

بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلاءَ اِمامِي وَعَلِيٌّ زَيْنُ الْعابِدِينَ اِمامِي وَ
پسر علی شهید بکربلا پیشوای منست وعلی آرایش پرستندکان پیشوای منست

مُحَمَّدٌ باقِرُ عِلْمِ النَّبِيِّينَ اِمامِي وَجَعْفَرٌ الصّادِقُ اِمامِي وَمُوسَى الْكاظِمُ
محمد شکافنده علم پیغمبران پیشوای منست وجعفر راستکو پیشوای منست وموسی فرو خورندهٔ خشم

اِمامِي وَعَلِيٌّ الرِّضا اِمامِي وَمُحَمَّدٌ الْجَوادُ اِمامِي وَعَلِيٌّ الْهادِي
پیشوای منست وعلی پسندیده پیشوای منست ومحمد بخشنده پیشوای منست وعلی راهنما

اِمامِي وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ اِمامِي وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اِمامِي هٰؤُلاءِ
پیشوای منست وحسن عسکری پیشوای منست وحجت انتظار برده شده پیشوای منست اینها

صَلَواتُ اللّٰهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَئِمَّتِي وَسادَتِي وَقادَتِي وَشُفَعائِي بِهِمْ
که رحمتهای خدا بر ایشان باد همکی پیشوایان من وبزرکان من وپیشروان من وشفیعان منند

اَتَوَلَّى وَمِنْ اَعْدائِهِمْ اَتَبَرَّاُ فِي الدُّنْيا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ اعْلَمْ يا فُلانَ بْنَ فُلانٍ
بایشان رو میکنم واز دشمنان ایشان بیزاری میجویم در اینجهان وآنجهان پس بدان ای فلان پسر

فلان ان الله تبارك وتعالى نعم الرب وان محمدا صلى الله عليه
فلان بدرستی خدا خداوند افاضات و برترست نیکو پروردکاریست وانکه بتحقیق محمد رحمت فرستد خدا براو و
واله نعم الرسول وان امير المؤمنين علي بن ابي طالب واولاد
وآل او نیکو فرستاده ایست وانکه بتحقیق پیشوای کروندکان علی پسر ابی طالب و اولاد او
الائمة الاحد عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد صلى الله
پیشوایان یازده تن نیکو پیشوایانند وانکه بتحقیق آنچه آورده آنرا محمد رحمت فرستد خدا
عليه واله حق وان الموت حق وسؤال منكر ونكير في القبر
براو وآل او حق وانکه بتحقیق مرک حق وسؤال منکر ونکیر در قبر حق
حق والبعث حق والنشور حق والصراط حق والميزان حق
وبرانگیزانیدن خلایق حق وزنده شدن حق وجسر جهنم حق وترازو حق
وتطاير الكتب حق والجنة حق والنار حق وان الساعة اتية
وکشوده شدن نامهای اعمال حق وبهشت حق ودوزخ حق وانکه بتحقیق قیامت آینده است
لا ريب فيها وان الله يبعث من في القبور پس بكويد افهمت يا فلان
نیست شکی دران وانکه بتحقیق خدا زنده میکند مردکان قبرها را
در حدیث است که میت در جواب میکوید بلی فهمیدم پس بکوید
ثبتك الله بالقول الثابت هداك الله الى صراط مستقيم
ثابت دارد ترا خدا بکفتار حق درست راه نماید ترا خدا بسوی راه راست
عرف الله بينك وبين اوليائك في مستقر من رحمته پس بكويد
شناسائی اندازد خدا میان تو ومیان دوستان تو در قرارکاهی از رحمت خود
اللهم جاف الارض عن جنبيه واصعد بروحه اليك ولقه منك
خداوندا دور کن زمین را از طرفین او وبالا بر روح اورا بسوی خودت و فراپیش آور او را از جانب

ربانا

برهانا اللهم عفوك عفوك پس خشت بر لحد بكذارد واجر چینه نیز
برهانی وحجتی خداوندا امید داریم عفو ترا در کذرانیدن تو از ما
خوبست وخشت خام بهتر است اکر
خشت بزرك باشد راست بكذارد وبر رخنه میان خشتها خشت
دیکر بكذارد یا بکل رخنه را بکیرد واکر خشتهای کوچك باشد هر کونه
بر هر تقدیر رخنها را محکم کند که خاك بر میت نریزد ودر وقت چیدن
خشت این دعا بخواند اللهم صل وحدته وانس وحشته وامن
خداوندا برس به تنهائی او وانس ده رمیدکی اورا وایمن کردان
روعته واسكن اليه من رحمتك رحمة تغنيه بها عن رحمة
ترس اورا وساکن کردان بسوی او از رحمت خود رحمتی بی نیاز کنی اورا بآن از رحمت
من سواك فانما رحمتك للظالمين وبروایت دیکر رحمة يستغني
غیر خود پس جز این نیست رحمت تو برای ستمکارانست رحمتی بی نیاز شود بآن
بها عن رحمة من سواك واحشره مع من كان يتولاه ومكروه است
از رحمت هرکه غیر تو باشد وبرانکیز اورا با کسیکه بود که دوست میداشت او را
فرش قبر
بچوب وتخته کردن یا میت را با تابوت کذاشتن مکر آنکه زمین اب
بر آورد ویا نم بسیار داشته باشد وچون از پیش پای قبر بیرون اید بکوید
انا لله وانا اليه راجعون والحمد لله رب العالمين اللهم ارفع درجته
بدرستی ما برای خدائیم وبدرستی ما بسوی او باز میکردیم وسپاس مر خدا را پروردکار جهانیان خداوندا بلند کن مرتبه او را
في اعلى عليين واخلف على عقبه في الغابرين وعندك نحتسبه
در بلندترین درجهای بهشت وخلیفه باش بر فرزندان او در باقی ماندکان ونزد تو میشماریم او را
يا رب العالمين پس سنت است که حاضران به پشت کف خاك در قبر
ای پروردکار جهانیان
بریزند واکر بشکم دست کفها را پر کنند وبریزند نیز خوبست وسنت است

که سه مرتبه بر یزند و در وقت ریختن بگویند اللّهمّ ایمانًا بكَ وتصدیقًا
بکتابِكَ هٰذا ما وعدنا اللهُ ورسولُهُ
خداوندا گرویدیم بتو و باور کردیم کتاب ترا این آن چیزیست که وعده داده مارا خدا و رسول او
وصدقَ اللهُ ورسولُهُ
و راست گفته خدا و رسول او
وما زادنا الّا ایمانًا وتسلیمًا و در حدیث است که هر که چنین
و زیاد نکرده مارا مگر در تصدیق و انقیاد
اللّهمّ زِدنا ایمانًا الخ
کند و این دعا بخواند حق تعالی بعدد
هر ذره از خاك حسنه برای او بنویسد و مکروه است که خویشان
میت خاك بر قبر بریزند که مورث قساوت قلب است و دوری
از رحمت الهی و سنت است که از غیر خاك قبر بر میت نریزند که با راست بر میت
و سنت است که قبر را بقدر چهار انگشت بلند کنند بعضی چهار انگشت گشاده
و بعضی بهم آورده گفته اند و ظاهرا هر دو خوب باشند و دور نیست که یك شبر
نیز مجوز باشد و مستحب است که قبر را چهار گوشه کنند و روی آن را پهن کنند و
خر پشته نکنند بنحوی که سنیان میکنند و بعد از آن آب بر قبر بریزند و در
خبر است که تا تری در قبر هست میت را عذاب نمیکنند و سنت است که آب
ریزنده رو بقبله بایستد و ابتداء از پیش سر کند و بر یکجانب قبر بریزد تا پیش
پا و بگرداند بجانب دیگر و بریزد تا پیش سر و بعد از آن بر میان قبر بریزد و سنت است
که آب را قطع نکند و متصل بریزد تا تمام شود و مستحب است که آب بعد از ریختن دست
بر قبر گذارند در حالتی که انگشتان ایشان در گل بماند و رو بقبله باشند و از بعضی
گشاده باشد و فرو کنند تا اثر انگشتان ایشان
روایات مفهوم میشود که نزدیك سر او بنشینند و این دعا بخوانند اللّهمّ
جافِ الارضَ عن جنبیهِ واصعد الیكَ روحهُ ولقِّهِ منكَ رضوانًا
خداوندا دور کن زمین را از طرفین او و بالا بر بسوی خود روح او را و فرا پیش آور از جانب خود خشنودی
واسكن قبرهُ من رحمتِكَ ما تغنیهِ بها عن رحمةِ من سواكَ و هفت مرتبه
و ساکن گردان در قبر او از رحمت خود آنچه بی نیاز کنی او را بآن از رحمت غیر خود
سوره

سوره انا انزلناه بخوانند و اگر میت زن باشد در جمیع دعاها که گذشت
ضمیر مؤنث بیاورند چنانچه بسرخی نوشته شده است و سنت است که ولی
میت یعنی اقرب خویشان او بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر میت بنشیند
و با واز بلند آن تلقین که گذشت با ر دیگر بکند و اگر دیگری را نائب کند
نیز خوبست و در اخبار وارد شده است که چون این تلقین را بکنند
منکر و نکیر میگویند برویم تلقین حجتش کردند احتیاج بپرسیدن نیست پس بر
میگردند و سؤال نمیکنند و مکروه است عمارت بر سر قبر کردن و بر سر قبر
بسیار ماندن و گچ مالیدن بر قبور مگر قبور انبیاء و ائمه صلوات الله علیهم و
بعضی گفته اند که قبور علماء و صلحاء نیز این حکم دارد و مکروه است تازه کردن
قبر بعد از مندرس شدن و در خبر است که حق تعالی دوست میدارد دلهای
شکسته و قبرهای مندرس شده را و مکروه است در حال اختیار دو میت را
در یك قبر گذاشتن و میت را از بلدی که در آنجا مرده است بشهرهای دیگر
بردن مگر بمشاهد مشرفه ائمه معصومین علیهم السلام و بعضی استثناء
کرده اند نقل بمقبره علماء و صلحاء و شهدا را نیز و مکروه است بر روی
قبر نشستن و راه رفتن مگر بواسطه زیارت قبور که ضرور میشود و مشهور
آنست که جائز نیست شکافتن قبور مگر در چند صورت یکی آنکه در قبر
مال صاحب قیمتی افتاده باشد دیگر آنکه در زمین غصبی دفن کرده باشند
یا در کفن غصبی کفن کرده باشند دیگر آنکه او را بی غسل و کفن در خاك
کرده باشند و از هم نپاشیده باشد و مشهور آنست که جائز نیست نقل
مردگان بعد از دفن و بعضی استثناء کرده اند نقل بمشاهد مشرفه حضرات
ائمه معصومین علیهم السلام را و مشهور آنست که جایز نیست که بیان جانك

کردن وجامه دریدن برای غیر برادر و پدر و بر ایشان جائز است بلکه
از بعضی اخبار ظاهر میشود که مستحب باشد خصوصا بر پدر و بعضی تجویز کرده اند
زنانرا مطلقا واحوط ترکست وجایز نیست خراشیدن رو وکندن
وبریدن مو واحوط آنست که طپانچه برو وزانو وغیر آن نزنند وبعضی
از علماء موافق روایتی قائل شده اند که زنی که موی سر خود یا در مصیبتی
ببرد واجبست کفاره بدهد چنانچه در خاتمه مذکور خواهد ان شاء الله
تعالی وبعضی گفته اند گناه دارد وکفاره بر او نیست ودور نیست که سنت
باشد واحوط دادن کفاره است وبعضی تراشیدن مو را الحاق کرده اند
ببریدن در وجوب کفاره وهمچنین اکثر علماء قائل شده اند که واجبست
کفاره قسم بر زنی که موی سر را بکند در مصیبت یا روی خود را بخراشد که خون
برآید وبر مردی که در مرگ فرزند خود یا زن خود جامه چاک کند وکفاره همین
انشاء الله مذکور خواهد شد وبعضی واجب نمیدانند واحوط عمل بمشهور
است ولازم است اصحاب مصیبت را که صبر کنند بلکه بقضاء الهی راضی
باشند وبدانند که حق تعالی صابرانرا اجر بیحساب کرامت میفرماید وباید که
صاحب مصیبت بسیار بگوید اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ تا گناهان
گذشته او آمرزیده شود وهرگاه آن مصیبت بخاطرش آید این کلمه را بگوید
تا گناهان ما بین این دو کلمه آمرزیده شود وبسند معتبر منقول است که
هرکه مصیبتی را بخاطر آورد اگرچه بعد از مدتی باشد بگوید اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا
اِلَیهِ راجِعُونَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِینَ اللّٰهُمَّ اْجُرنی عَلی مُصِیبَتی وَ
بدرستیکه ما برای خداییم وبدرستیکه ما بسوی او بازگشت میکنیم وسپاس مر خدا برا پروردگار جهانیان خداوندا مزد ده مرا بر مصیبت من و
اَخلِف عَلَیَّ اَفضَلَ مِنها ثواب همان مصیبت را بار دیگر
عوض ده مرا بهتر از آن

باو داده میشود وسنت است که دیگران تعزیت ایشان بکنند وایشانرا
بصبر وشکیبایی امر کنند هم پیش از دفن وبعد از دفن ومبالغه در بعد از دفن
بیشتر است واقل تعزیت آنست که بروند تا صاحب عزا ایشانرا ببیند
ومنقول است از حضرت رسول صلعم که هرکه صبر فرماید اندوه ناکی را در
صحرای محشر که همه کس برهنه اند خدا او را از حله (حلههای) از حلههای نیکوئی بهشت
بپوشاند که موجب سرور او گردد وهرکه مصیبت زده را صبر فرماید
حق تعالی او را ثواب آن صاحب مصیبت کرامت فرماید بی آنکه از اجر او چیزی
کم شود وفرمود که ثواب تعزیت وصبر فرمودن بهشت است ومستحب است
که صاحب مصیبت تغییر وضع خود بکند تا او را بشناسند وجائز است
گریه وندبه کردن که نیکیهای میت را بشمارند ونوحه کردن بحق جائز است
که دروغ نگویند وچیزهای بد از برای میت اظهار نکنند وبهتر آنست که
نوحه گو نیاورند ومستحب است که تا سه روز دیگران خصوصا همسایگان
برای صاحبان مصیبت طعام بفرستند وزیاده از سه روز ماتم نگیرند مگر زن
که چهار ماه وده روز برای شوهر ماتم میگیرد بآنکه جامهای رنگین نمیپوشد
وزینت نمیکند وسنت موکد است زیارت قبر مؤمنان خصوصا خویشان وچون
داخل قبرستان شود بگوید اَلسَّلامُ عَلی اَهلِ الدِّیارِ مِنَ المُؤمِنِینَ وَالمُسلِمِینَ
سلام بر اهل قبور از گروندگان وگردن نهندگان
اَنتُم لَنا فَرَطٌ وَنَحنُ اِن شاءَ اللّٰهُ بِکُم لاحِقُونَ وبروایت دیگر اَلسَّلامُ
شما برای ما پیشرو ویدوما اگر خواهد خدا بشما ملحق میشویم
عَلی اَهلِ الدِّیارِ مِنَ المُسلِمِینَ وَالمُؤمِنِینَ رَحِمَ اللّٰهُ
سلام بر اهل خانها از مسلمانان ومؤمنان رحم کند خدا
المُستَقدِمِینَ مِنّا وَ
پیشینیان از ما و
المُستَأخِرِینَ وَاِنّا اِن شاءَ اللّٰهُ بِکُم لاحِقُونَ
پسینیانرا وبدرستیکه ما اگر خواهد خدا بشما رسنده ایم

وبروایت دیکر السلام علیکم اهل الدیار من قوم مؤمنین و رحمة
سلام بر شما اهل خانهای قبرها از کروه کروندکان و رحمت
الله وبرکاته انتم لنا سلف ونحن لکم تبع رحم الله المستقدمین
خدا و برکتهای او بر شما برای ما پیشروید و ما برای شما پیرویم رحم کند خدا پیشینیان
منکم والمستأخرین وانا لله وانا الیه راجعون ودر احادیث بسیار
از شما و پسینیان را و بدرستی ما برای خداییم و بدرستی ما بسوی او باز کشت کنندکانیم
وارد شده است که
هرکه نزد قبر برادر مؤمن خود هفت مرتبه سوره انا انزلناه بخواند از ترس
بزرک روز قیامت ایمن کردد وبروایت دیکر خدا او را و صاحب قبر را بیامرزد
وسنت است که در وقت خواندن دست بر قبر کذارد و رو بقبله باشد و
سنت است که این دعا بخواند اللهم جاف الارض عن جنوبهم وصاعد الیک
خداوندا دور کن زمین را از اطراف ایشان و بالا بر بسوی خود
ارواحهم ولقهم منک رضوانا واسکن الیهم من رحمتک ما تصل به
جانهای ایشان را و فرا پیش آور ایشان را از خود خشنودی و ساکن کردان بسوی ایشان از رحمت خود آنچه برسی بآن
وحدتهم وتونس به وحشتهم انک علی کل شیء قدیر وبروایت معتبر
تنهائی ایشان را و انس دهی بآن رمیدکی ایشان را بدرستیکه تو بر هر چیزی توانائی
دیکر این دعا بخواند
اللهم ارحم غربته وصل وحدته وانس وحشته وامن روعته و
خداوندا رحم کن بیکسی او را و برس تنهائی او را و انس ده رمیدکی او را و ایمن کردان ترس او را و
اسکن الیه من رحمتک ما یستغنی بها عن رحمة من سواک والحقه بمن
ساکن کردان بسوی او از رحمت خود آنچه بی نیاز شود بآن از رحمت غیر تو و برسان او را بانکه
کان یتولاه وبروایت دیکر مستحب است که نزد قبر سوره حمد وقل اعوذ برب الفلق
بعد دوست میداشت او را
وقل اعوذ برب الناس وقل هو الله احد وآیة الکرسی هر یک سه مرتبه
بخواند.

بخواند و سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و از حضرت رسول صلعم منقولست
که هرکه در قبرستان بکذرد و سوره قل هو الله احد را یازده مرتبه بخواند
ثوابش را بمردکان قبرستان ببخشد بعدد انمردکان اجر و ثواب یابد وبروایت
دیکر هرکه آیة الکرسی بخواند و ثوابش را هدیه اهل قبور کند حق تعالی بعدد
هر حرفی ملکی خلق کند که تسبیح کویند برای او تا روز قیامت و در عصر روز پنج
شنبه وجمعه زیارت قبور مستحب است و در احادیث معتبره وارد شده است
که بر هر که مصیبتی وارد شود مصیبت حضرت رسول صلعم بیاد آورد که عظیم ترین
مصیبتهاست و در اخبار بسیار وارد شده است که هرکه در وقت مصیبت
دست بر ران خود زند ثوابش حبط میشود و نباید شیون و فریاد کند
و واویلاه و واثکلاه بکوید و در حدیث معتبر منقول است که هرکه یک فرزند
از او برود و صبر کند بهتر است برای او از آنکه هفتاد فرزند از او بماند که همه
سوار شوند و در راه خدا جهاد کنند و منقول است که هرکه را خدا دوست
میدارد بهترین فرزندانش را میکیرد و منقول است که ثواب مؤمن از مردن
فرزندانش بهشت است خواه صبر بکند و خواه نکند و بسند معتبر منقول است
که حضرت صادق ع در وقت مصیبت این دعا میخواند الحمد لله الذی
لم یجعل مصیبتی فی دینی والحمد لله الذی لو شاء
سپاس مر خدای را که
نکردانید مصیبت و حادثه مرا در دین من و سپاس مر خدای را که اکر میخواست
جعل مصیبتی اعظم مما
کانت والحمد لله علی الامر الذی شاء ان یکون فکان
میکردانید مصیبت مرا بزرکتر از آنچه هست و سپاس مر خدای را بر آن چیزی که خواست اکه باشد پس شد
وباید که مردکان را
فراموش نکند زیرا که دست ایشان از اعمال خیر کوتاه کردیده و از جانب زندکان

وخویشان و برادران مؤمن امید وارند واحسان ایشانرا چشم بر راه هند
خصوصًا دعا کردن در نماز شب و بعد از نمازهای فریضه ودر مشاهد
مشرفه و پدر و مادر را از جمیع دیگران باید دعا کرد و اعمال خیر برای
ایشان بعمل اورد که در خبر است که بسا فرزندی که در حال حیات
پدر و مادر عاق ایشان باشد و بعد از فوت ایشان نیکو کار کردد بسبب
اعمال خیری که از برای ایشان بعمل اورد و بسا فرزندی که در حال حیات
پدر و مادر نیکو کار باشد و بعد از فوت ایشان عاق کردد بسبب انکه
اعمال خیر برای ایشان کم بعمل اورد وعمده خیرات برای پدر و مادر و سائر
خویشان انست که قروض ایشانرا ادا کند وایشانرا از حقوق خدا و خلق
بری کرداند وحج وسائر عباداتی که از ایشان فوت شده باشد سعی کند
باستیجار یا بتبرع بعمل اورد ودر حدیث صحیح منقول است که حضرت صادق ع
هر شب برای فرزند خود ودر هر روز برای پدر و مادر خود دو رکعت
نماز میکردند ودر رکعت اول انا انزلناه ودر رکعت دویم انا اعطینا
میخواندند وبسند صحیح منقول است از حضرت صادق ع که بسا باشد که میت
در تنگی و شدتی بوده باشد وحق تعالی براو وسعت دهد وتنگی خود را از او بردارد
پس باو گویند که این فرج که ترا روداد بسبب نماز یست که فلان برادر مؤمن
برای تو کرد راوی پرسید که ومیت را شریک میتوان در دو رکعت نماز
کرد فرمود بلی و فرمود که میت شاد میشود وفرح می یابد بدعا و استغفاری
که برای او کنند چنانچه زنده شاد میشود بهدیه که برای او برند و فرمود که بر
میت داخل میشود در قبرش نماز و روزه وحج وتصدق وسائر عملهای خیر
و دعا وثواب این اعمال برای کسی که کرده و برای مرده هر دو نوشته میشود ودر

حدیث

حدیث دیگر فرمود که هر که از مسلمانان برای میتی عمل صالحی بکند خدا ثواب
اورا مضاعف میکرداند ومیت را باین عمل منتفع میکرداند ودر روایتی
وارد شده است که هرگاه شخصی بنیت میتی تصدقی بکند حق تعالی جبرئیل را
امر مینماید که با هفتاد هزار ملک بنزد قبر او میروند و هر یک طبقی در دست
دارند از نعمتهای الهی و هر یک با و میکویند السلام علیک ای دوست
خدا این هدیه فلان مؤمن است برای تو پس قبر او روشن میشود وحق تعالی
هزار شهر در بهشت باو کرامت میفرماید و هزار حوری باو تزویج مینماید
و هزار حله باو میپوشانند و هزار حاجت او را روا میکردانند ودر حدیث
معتبر منقول است که شش چیز بمؤمن میرسد بعد از وفات او اول فرزندی
که از برای او استغفار کند دویم مصحفی یا کتابی از کتب علمی که از او بماند و مردم
بعد از او بخوانند سیم درختی که بکارد و مردم از ان نفع یابند چهارم ابی
که جاری سازد پنجم چاهی که حفر نماید که خلق خدا منتفع کردند ششم سنتی
نیکو که مردم بان عمل نمایند از ارشاد و هدایت خلق یا تصنیف کتب و مانند ان
باب چهاردهم در مجملی از احکام زکوة وخمس واعتکافست
ودر ان سه فصل است فصل اول در زکوة است وایات واحادیث بر وجوب
ان وعقاب ترک کننده ان بسیار است از انجمله حق تعالی میفرماید وَالَّذِينَ
يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ
أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَى عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَى بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ
هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ یعنی وانکسانی که جمع میکنند
طلا و نقره را وحقوق الهی را نمیدهند ودر راه خدا صرف نمینمایند پس بشارت ده
ایشانرا بعذابی دردناک در انروزی که سرخ کنند این طلا و نقره را در اتش

جهنم و داغ کنند بآنها پیشانیها و پهلوها و پشتهای ایشانرا و بایشان گویند
اینست مالهایی که از برای خود جمع کرده بودید الحال بچشید عذاب آنهارا و
از حضرت صادق ع منقولست که هرکه ندهد قیراطی از زکوة را که بیست جزو
یک دینار است او نه مؤمن است و نه مسلمان و در وقت مردن استغاثه
میکند که مرا برگردانید بدنیا تا زکوة را بدهم چنانچه حق تعالی فرموده است
حَتّی اِذا جاءَ اَحَدَهُمُ المَوتُ قالَ رَبِّ ارجِعونِ لَعَلّی اَعمَلُ صالِحاً فیما تَرَکتُ
یعنی وقتی که بیاید احدی از ایشان مرگ را گوید پروردگارا برگردانید مرا بدنیا
شاید عمل شایسته بکنم در آنمالی که بعد از خود گذاشته‌ام و از حضرت سیّد
المرسلین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین بطرق صحیحه منقولست که کسی
که طلا و نقره داشته باشد و زکوة آنرا ندهد حق تعالی او را در روز قیامت
حبس خواهد نمود در زمین لغزنده که پابند نشود بر آن و مسلط سازد بر او مار
پیسه را که زهرش از مارهای دیگر عظیم‌تر است و در عقب او دود و از وی گریزد
تا چون باو رسد و داند که از آن خلاصی ندارد دست خود را بدهان او دهد پس
بدندان بگیرد او را مانند شتر نری که بر چیزی دندان فرو برد پس طوقی گردد
در گردن او و اینست معنی قول حق تعالی سَیُطَوَّقونَ ما بَخِلوا بِهِ یَومَ القِیامَةِ
یعنی بزودی طوق گردانند در گردن ایشان آن چیزی را که بخل ورزیدند در دنیا بآن
و در راه خدا ندادند در روز قیامت و هرکس شتر و گاو یا گوسفند داشته باشد
و زکوة آنرا ندهد حق تعالی حبس کند او را در صحرای لغزنده و پامال کنند او را هر حیوان
شکافته سمی بسم خود و گزند او را بدندان خود و نیش هر صاحب نیشی
بنیش خود و هرکه زراعت داشته باشد یا باغ خرما و انگور داشته باشد و
زکوة آنهارا نداده باشد آن قطعه‌های زمین را تا طبقه هفتم طوق کرده

در

در گردن او اندازند و آن همه آتش گردد تا روز قیامت و بروایت معتبر دیگر
هرکه زکوة مالش را ندهد حق تعالی آن مال را اژدها گرداند در گردن او که
دماغش را خورد و گوشتش را بدندان کند تا از حساب خلایق فارغ شوند و در
حدیث دیگر حضرت صادق فرمود که هیچ مالی در صحرا و دریا تلف نمیشود مگر
بندادن زکوة و حق تعالی میفرماید مَثَلُ الَّذینَ یُنفِقونَ اَموالَهُم فی سَبیلِ اللهِ
کَمَثَلِ حَبَّةٍ اَنبَتَت سَبعَ سَنابِلَ فی کُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةُ حَبَّةٍ وَاللهُ یُضاعِفُ
لِمَن یَشاءُ یعنی مثل جماعتی که صرف مینمایند مالهای خود را در راه خدا از زکوة
و خمس و جهاد و حج و غیر آنها مانند دانه ایست که برویاند از آن هفت خوشه
و در هر خوشه صد دانه بوده باشد که مجموع هفتصد برابر میشود و حق تعالی مضاعف
میگرداند باضعاف این از برای هرکه خواهد و آیات و اخبار در این باب
بسیار است و آنچه مذکور شد برای کسی که ایمان بفرموده خدا و رسول داشته
باشد کافی است و اما اجناسی که در آنها زکوة واجب میشود پس نه جنس است
اول طلا هرگاه مقدار بیست اشرفی باشد و سکه داشته باشد و یکسال
بماند که بدل نکنند و تغییر ندهند مقدار چهل یک آنرا بزکوة میباید داد
و بعد از آن هر چهار اشرفی که زیاد شود بعد از سال چهل یک میباید
داد دوم نقره است هرگاه بدویست درهم برسد که تخمیناً دوازده
هزار و ششصد دینار عجمی بوده باشد موافق زر ده دانگی و سکه داشته
باشد و یکسال تمام نزد او بماند بعد از سال چهل یک میباید داد و همچنین
هر چند چهل درهم زیاده میشود که دو هزار و پانصد و بیست دینار باشد
چهل یک آنرا میباید داد سیم شتر است و نصاب آن دوازده است اول پنج شتر است
و در آن یک گوسفند است دوم ده شتر است و در آن دو گوسفند است

سیم پانزده شتر است و در آن سه گوسفند است پنجم بیست و پنج شتر است
و در آن پنج گوسفند است و گوسفندی که دهند بهتر آنست که هفت ماهه
یا در هشت باشد و کمتر نباشد اگر گوسفند دهند و اگر بز دهند یکساله یا در
دو باشد ششم بیست و شش شتر است و باید شتر ماده یکساله یا در دو
بدهد و اگر نداشته باشد شتر نر دو ساله یا در سه بدهد هفتم سی و شش
شتر است و باید شتر ماده چهار سه ساله یا در چهار بدهد نهم شصت
یک است و باید شتر ماده چهار ساله یا در پنج بدهد دهم هفتاد و شش است
و باید دو شتر ماده دو ساله یا در سه بدهد یازدهم نود و یک است و باید
دو شتر ماده سه ساله یا در چهار بدهد دوازدهم صد و بیست و یک است
و هر چه زیاده شود در هر پنجاه شتر یک شتر ماده سه ساله میدهد و در
هر چهل شتر یک شتر ماده دو ساله میدهد چهارم گاو است و در هر سی گاو
یک گوساله ماده یا نر یکساله یا در دو میدهد و در هر چهل گاو یک گاو
ماده دو ساله یا در سه میدهد پنجم گوسفند است و در هر چهل گوسفند
یک گوسفند واجب است و در صد و بیست و یک گوسفند دو گوسفند
و در دویست و یک گوسفند سه گوسفند واجب است و در سیصد و
یک گوسفند احوط آنست که چهار گوسفند بدهد و چون بچهارصد رسد
هر چه زیاد شود از هر صد گوسفند یک گوسفند میدهد و در زکوة
هر یک از شتر و گاو و گوسفند شرط است که در علف مباح چریده باشند
در تمام سال پس اگر علف مملوک خورده باشد زکوة واجب نیست
و اگر بعضی از سال چریده باشد و بعضی علف مملوک خورده باشد احوط
آنست که اگر چریدنش بیشتر باشد زکوة بدهند و بچهها را تا شیر میخورند

دو ساله یا در سه بدهد هشتم چهل شش است باید دو شتر ماده ...

حساب

حساب نباید کرد بنابر مشهور و احتیاط در آنست که از روزی که متولد
میشوند حساب کنند و در طلا و نقره و حیوانات همه شرط است که یک سال
بر ایشان بگردد و سال زکوة یازده ماه است چون ماه دوازدهم
داخل شد زکوة واجب میشود و در گاو و شتر شرط است که کارکن نباشند
پس اگر بار کشند یا خویش کنند زکوة واجب نیست و گوسفند و بز را
بر سر هم حساب میکنند و گاو و گاومیش را بر سر هم حساب میکنند و گاو
شتر نر و ماده و لوک را بر سر هم حساب میکنند ششم و هفتم و هشتم و نهم
گندم و جو و خرما و مویز است و شرط است که هر یک بنصاب برسند
و نصاب سیصد و هفت من و پنجاه درم است بسنگ تبریز و انگور هر گاه
نهصد و بیست و یک من باشد احوط آنست که زکوة بدهند و شرط است که این غلات
در ملک او بحد نصاب رسیده باشد پس اگر گندم و جو را بعد از درو کردن
بخرد زکوة بر فروشنده واجب است و اگر بمزارعه بگیرد بنصف یا ثلث یا ربع یا
ده چهار مثلا زکوة حصه مالک بر مالک واجب است و زکوة حصه عامل
بر عامل اگر حصه هر یک بتنهایی بنصاب رسیده باشد پس اگر زراعت
و باغ آب باران یا آب روان یا آب قناة یا آب ریشه خورده باشد
ده یک میدهند و اگر آب دست یا گاو یا شتر یا چرخ آب خورده باشد
بیست یک میدهند و اگر از هر دو خورده باشد پانزده یک میدهند و اگر
احوط و اقوی آنست که بغیر از خراج پادشاه چیزی از خرج زراعت را ادا
نکنند در دادن زکوة و چون اکثر علماء بر آنند که تعلق زکوة بانگور در وقت
غوره شدنست پس احوط آنست که اول ارباب خبره را بیاورد که تخمین
کنند میوه باغ را که چه مقدار است و با خود مقرر سازد که بآن نسبت زکوة

یعنی اعتبار زیادی ... هر دو ... باشد

خواهم داد تا انچه خورد از غوره وانکور حلال باشد یا انکه انچه انکور بردارد بکشد وحساب نکاه دارد یا انچه بردارد عشر غوره را بدهد وهمچنین کندم وجو وقتی که دانه ببندد وبعضی از علماء کفته اند که زکوة واجب است در حبوب مانند برنج وماش ونخود وعدس وامثال اینها هرکاه بنصاب جو وکندم برسد بهمان شرائط ومقداری که کذشت ومشهور انست که زکوة اینها سنت است ودر مادیان که در علف مباح چرا کنند وسال بران بکذرد زکوة سنت است پس اکر مادیان دو ماده شرعی باشند در سالی دو اشرفی چهار دانك ونیمی میدهد ودر زکوة تجارت جمعی بوجوب قایل شده اند ومشهور انست که سنت است وان مالی است که مالك شود انرا بعنوان معاوضه ودر وقت مالك شدن قصد اکتساب وتجارت بان داشته باشد ومیباید که قیمت ان یکی از نصاب طلا ونقره برسد ودر تمام سال بر نصاب باقی باشد ودر تمام سال از مایه کم نشود که یا بمایه یا بیشتر بخرند واکر چند سال بکذرد که مایه در کمی باشد سنت است که زکوة یکسال را بدهد واکر بر مایه باقی باشد هر سال چهل یکرا میدهد واکر معاوضه کند در اثناء سال بقصد تجارت خلاف است واحوط انست که باز بدهد وسنت است که در وقت درو کردن اکر فقراء حاضر باشند هر فقیری را دسته کندم بدهد وبزکوة حساب نکند وبعضی واجب دانسته اند واحوط انست که ترك نکند اما مستحق زکوة پس هشت طائفه اند اول ودویم فقراء ومساکین وایشان کسانیند که قوت سالیانه خود وعیال خود را نداشته باشند وقادر بر کسبی نباشند که معاش خود وعیال خود را بان توانند کذرانید واحوط انست که صالح باشند وکذا وسائل بکف نباشد سیم کسی است که اما

نصب میکنند برای کرفتن زکوة وحصه باو میدهد ودر اینزمان ان نمیباشد غالبا وهمچنین چهارم که مؤلفة قلوبهم اند ودر این زمان نمیباشد غالبا پنجم صرف کردن در ازادی بندکان است مثل انکه اقای غلام خود را مکاتب کرده است که مالی بدهد وازاد شود واو عاجز باشد از دادن ان اکر برا او زکوة واجب شده باشد باید که قدری از زکوة بمال کتابت وحساب کند والا دیکران از زکوة حصه باو بدهند که باقا بدهد وازاد شود یا غلامی که از دست اقا در تعب وشدت باشد از مال زکوة بخرند وازاد کنند ششم قرض دارانند که قرض کرده باشند ودر معصیت صرف نکرده باشند در اداء قرض ایشان میتوان داد هفتم فی سبیل الله است یعنی صرف راههای خدا مانند جهاد فی سبیل الله ویاری حاجیان وزائران ائمه معصومین علیهم السلام وبنای مساجد وپلها وامثال اینها وبعضی کفته اند که مخصوص جهاد است در زمانی که جهاد حق باشد واین احوط است هشتم ابن السبیل است وان کسی است که بغربت افتاده باشد وخرج رفتن بجای خود نداشته باشد انمقدار باو میدهند که بجای خود برسد اکر سفرش معصیت نباشد وباید که کسی که زکوة باو میدهند غیر مؤلفه شیعه اثنی عشری باشد واحوط انست که اجتناب از کناهان کبیره کند خصوصا شراب خوردن دیکر شرط است که واجب النفقه او نباشند مثل پدر ومادر وجد وجده هرچند بالا روند وفرزندان وفرزند زادکان هرچند پایین روند وزن وبنده وبهتر انست که زکوة را بخویشان پریشان بدهند غیر انها که مذکور شدند اکر شرائط را داشته باشند وغیر سید زکوة بسید نمیتواند داد اما سید زکوة خود را بسید وغیر سید هردو میتواند داد وغیر سید احوط انست

که تشریف هم نبدهد و بهتر آنست که زکوه را بنزد مجتهد یا عالمی که مصارف زکوة را داند ببرند که او بمصرف برساند فصل دویم در خمس است بدانکه خمس در هفت چیز واجب میشود اوّل غنیمتی که از کافران در جنگ بگیرند خواه در جنگ گاه باشد خواه در بیرون دویم معادنست مانند طلا و نقره و مس و سرب و یاقوت و زبرجد و سرمه و عنبر و قیر و نفط و کبریت بعد از آنکه خرج بیرون آوردن بدر رود هر پنج یک از آنها باید داد و مشهور آنست که نصاب ندارد و بعضی گفته اند که نصابش یک دینار است تا یک دینار نرسد خمس واجب نمیشود و بعضی بیست دینار گفته اند یعنی بیست اشرفی که نصاب اوّل طلا است و اکثر متاخرین باین قول قائل شده اند و خالی از قوّتی نیست و اگر چند کس شریک باشند باید حصه هر یک جدا بنصاب برسد سیم گنج است یعنی مالی که در زمین پنهان کرده باشند پس اگر گنج را در بلاد کفار بیابند که در آنجا مسلمانی نباشد هر چند سکه اسلام داشته باشد یا در دار الاسلام بیابند و سکه اسلام نداشته باشد و به بیست دینار یعنی بیست اشرفی برسد اگر طلا باشد خمس آنرا بدهد و باقی از اوست و اگر نقره باشد بدویست درهم برسد که موافق زر ده دانگی دوازده هزار و ششصد دینار است و اگر غیر طلا و نقره باشد قیمت آن بیکی از این دو مقدار برسد و اگر سکه اسلام داشته باشد یا علامتی که دلالت کند بر آنکه از مسلمانی بوده است مشهور میان علما آنست که حکم لقطه دارد میباید که یکسال تعریف کند اگر صاحبش پیدا شود بصاحب بدهد و الا مخیر است میان مال الخود شدن و تصدق کردن و بامانت نگاه داشتن و اگر در دو صورت اوّل صاحبش پیدا شود و راضی نباشد عوض بدهد و ظاهر اخبار آنست که اگر از روی زمین یافته است لقطه است و اگر در زیر زمین بوده گنج است خواه اثر اسلام داشته باشد

وخواه

وخواه نداشته باشد و جمعی باین قائل شده اند و خالی از قوّتی نیست و اگر گنج را در زمین خود بیابد که از پدران باو رسیده باشد از اوست و اگر خمس آنرا بدهد احوط است و اگر زمین خریده باشد تعریف میکند ببایع نزدیک و دور و اگر نشانی بدهند که ظن صدق ایشان حاصل شود بایشان میدهد علی المشهور و الا از اوست و باز احوط آنست که خمس آنرا بدهد و همچنین اگر حیوانی بخرد چون شتر و گاو و در شکم او چیزی بیابد تعریف میکند ببایع و اگر نشان ندهد از اوست و احوط اخراج خمس است و اگر در شکم ماهی بیابد مانند آهو و اگر محتمل باشد که در خانه مالک سابق خورده باشد احوط آنست که تعریف باو بکند چهارم چیزیست که بغوص از دریا بیرون آورند مانند مروارید و مرجان و نصاب در آن معتبر است و مشهور آنست که نصابش یک دینار است یعنی یک اشرفی تمام وزن و بعضی بیست دینار گفته اند و اگر چند مرتبه در آورد همه را در نصاب باهم حساب میکنند هر چند در ما بین ترک غوص کرده باشد علی الاحوط و اگر چند کس شریک باشند حصه هر یک میباید بنصاب برسد و عنبر را اگر از دریا بغوص در آورند مشهور آنست که حکم معدن دارد و احوط آنست که بهر حال خمس آنرا بدهند و رعایت نصاب ادنی نکنند پنجم فاضل مؤنت سالیانست از ارباح تجارتها و زراعتها و جمیع کسبها و مشهور آنست که در میراث و بخشش و هدیه خمس نمیباشد و خرج سالیانه را که بیرون میکنند قدر وسط مناسب حال آنشخص را اعتبار کرده اند پس اگر اسراف کرده باشد خمس آنچه اسراف کرده است بیرون میکند و اگر بر خود تنگ گرفته باشد آنرا هم بیرون میکند علی المشهور و احوط آنست که از هر چه زیاد آمده باشد بدهد بلکه نهایت احتیاط آنست که هر چه حاصل شود و خرج بگذرد زیادتی آنرا دو زیره و زخمس بدهد و اگر در

۳ حکم مروارید دارد و اگر از روی آب یا ساحل بردارند هم

خمس بدهد احتیاطا و باقی از اوست و مانعی [illegible]

اثنای سال اخراجات ضروریه واقع شود مثل خرج کدخدایی و حج
بیت الله و زیارات رسول و ائمه صلوات الله علیهم و امثال اینها همه را بقدر
وسط بیرون میکند و همچنین تعدیات و زیادتیها که ظلمه کنند جمیع را بیرون میکند
و خمس بقیه را میدهد و ابو الصلاح ره قائل شده است که در میراث و هبه و هدیه نیز
خمس واجب است و در حدیث صحیح وارد شده است که اگر از شخصی جایزه عظیمه باو برسد یا
میراثی از جائی که گمان نداشته باشد باو برسد یا مالی از دشمنان دین باو برسد خمس میباید داد
و عمل باین روایت احوط است ششم زمینی است که یهودیان و نصرانیان و مجوسیان از مسلمانان بخرند
خمس آن زمین را یا خمس قیمت آنرا برضا ذمی میگیرند و اگر خانه یا باغ را بخرند مشهور
میان علما آنست که خمس زمین آنها را میگیرند و اکثر قدمای علماء متعرض این نوع خمس
نشده اند هفتم مال حلالی است که مخلوط شده باشد بحرام و صاحب آنرا ندانند و مقدار
حرام را ندانند خمس آنرا میدهد بفقراء سادات و غیر ایشان و بعضی آنرا مخصوص
سادات میدانند و بعضی گفته اند بسادات نمیتوان داد و ظاهرا بهر دو توان داد
و اگر بشریف بدهد بهتر است و اگر مقدار حرام را داند و صاحبش را نمیداند آن
مقدار را واجب است بصاحبش بدهد و اگر صاحب را داند و مقدار را نداند با صاحب
میباید صلح کند و بعضی گفته اند که در اینصورت خمس را بصاحب میدهد و بعضی
گفته اند که آنمقدار را که علم دارد بصاحب میدهد و ما بقی را با صاحب صلح میکند احتیاط
و این احوط است و اگر مقدار را داند و صاحب را نداند سعی میکند تا صاحب را بهم رساند
و اگر بهم نرسد از برای او تصدق میکند و این صورت و صورت اول مسمی است برد مظالم
و اگر خمس را بدهد یا تصدق کند کل را یا بعض را و بعد از آن صاحب پیدا شود خلاف است
که آیا باید باز بصاحب بدهد یا نه و احوط آنست که بدهد و اما مستحق خمس مشهور
میان علماء آنست که شش حصه میشود چنانچه ظاهر آیه کریمه است و حصه خدا و رسول

و ذوی القربی که نصف خمس است بعد از حضرت رسول صلعم از امام زمان علیه السلام است
و نصف دیگر سه حصه میشود که بیتیمان سادات و مسکینان سادات و ابناء
سبیل سادات میدهند و مراد از سید موافق مشهور کسی است که منسوب
باشد از جانب پدر بعبد المطلب و تفسیر مسکین و ابن السبیل در زکوة گذشت
و در یتیم احوط آنست که پریشان باشد و ابن السبیل را آنقدر میدهند که بشهر
خود در رود و از احادیث معتبره ظاهر میشود که در زمان حضور امام علیه السلام
جمیع خمس را بخدمت آنحضرت میبرده اند و حضرت نصف خود را بر میداشته اند و
نصف را بآن سه فرقه سادات میداده اند که مذکور شد و برایت بقدر کفایت
ایشان در یکسال میداده اند و آنچه زیادتی می آمده خود بر میداشته اند و اگر وفا نمیکرده
از حصه خود تتمه را میداده اند و ایشان بمنزله عیال امام بوده اند و در زمان
غیبت احوط آنست که حصه سادات را بعالم عادل اثنی عشری بدهند که بسادات
برساند که بقدر احتیاج ایشان و اما نصف دیگر خمس که حصه آنحضرت است
در زمان غیبت خلافست و مشهور آنست که بعالم عادل باید داد که بر سبیل
تتمه بنیابت آنحضرت بسادات بدهد اگر چیزی زیاد آید حفظ کند و بعد از
خود بعالم دیگر بدهد که اگر سید پریشانی بیابد بدهد و الا از برای آنحضرت
ضبط کند و این فرض در این زمانها بسیار نادر است زیرا که سادات پریشان
بسیارند و خمس دهندگان کمند و جمعی گفته اند که در زمان غیبت ائمه علیهم السلام این حصه را
بر شیعیان حلال کرده اند و این سخن بی وجه است زیرا که از حضرت صاحب الامر
صلوات الله علیه روایت صریحی نرسیده است که بر شیعیان حلال کرده باشند بلکه
خلافش ظاهر است زیرا که در زمان غیبت صغری که هفتاد سال و کسری بود نایبان
آنحضرت اعنی عثمان عمری و پسرش محمد و حسین ابن روح و علی بن محمد سمری حصه

آنحضرت را بلکه جمیع خمس را از شیعیان میگرفتند و بفرموده حضرت بمردم
میدادند و ظاهر آنست که در این زمان نیز نائب عام آنحضرت که علماء ربانی
و محدثان و حاملان علوم ایشانند باید بگیرند و بسادات آنحضرت برسانند و اولی
باید سادات که اشرف خلقند یا از گرسنگی بمیرند یا سائل بکف شوند و از همه کس
ذلیل تر باشند زیرا که زکوة و صدقات واجبه بر ایشان حرام است و خمس را
بعوض آن بایشان داده اند و بسبب اختلافی که در میان علماء بهم رسیده است
و بعضی علماء عصر اغنیا را جرات داده اند بر منع خمس باعث این شده است
که اکثر سادات بفقر و فاقه میگذرانند و حقوق ایشان و اجداد ایشان بر ذمت
اغنیاء میماند و بر تقدیری که امام بر ایشان واقع میشد و حلال کرده باشد
ایشان چگونه بر خود هموار میکنند که عیال و خویشان و امام خود را در فقر و اضطرار
ببینند و بر ایشان رحم نکنند و باز در قیامت امید شفاعت از ایشان داشته
باشند و حال آنکه فرموده اند که بدترین احوال مردم در روز قیامت وقتی خواهد بود
که صاحبان خمس برخیزند و بگویند پروردگارا خمس خود را میخواهیم و حضرت صادق
فرمود که من یک درهم خمس را از شما میگیرم و حال آنکه مال من از همه اهل مدینه بیشتر است
و نمیگیرم مگر از برای آنکه شما پاک شوید از گناه از حقوق ما و حضرت رسول ص فرمود
که هر احسانی با احدی از اهل بیت من بکند من مکافات میدهم او را در قیامت
و اکثر علما بر آنند که اگر صاحب مال خود حصه امام علیه السلم را بسادات بدهد
بری الذمه نمیشود مگر آنکه دستش بعالم محدث عادل نرسد و بگمان فقیر همه خمس
این حکم دارد **فصل سیم** در بیان فضیلت و کیفیت اعتکاف است و اعتکاف مکثی است
در مسجد جامع بجهت عبادت و آن سنت مؤکد است بمقتضای آیات و اخبار بسیار
خصوصاً در دهه آخر ماه رمضان چنانکه حضرت سید المرسلین ص همیشه در دهه

آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف مینمود مگر یکسال که در آن جنگ بدر
واقع شد و در سال بعد از آن بیست روز اعتکاف داشتند ده روز قضای
سال گذشته و ده روز ادا و از آنحضرت ص منقول است که اعتکاف در دهه آخر
ماه رمضان برابر است با دو حج و دو عمره و اعتکاف بنذر و شبه آن مانند
عهد و قسم و اجاره دادن خود بغیر واجب میشود و اگر بمیرد و واجب شده باشد و نکرده
باشد احوط آنست که پسر بزرگ قضا کند و بعضی گفته اند بعد از نیت و شروع
کردن واجب میشود و بعضی گفته اند روز سیم واجب میشود و همچنین ششم
و نهم و دوازدهم و پانزدهم و هر چه بالا رود باین نسبت و بعضی گفته اند مطلقا
واجب نمیشود تا آن اسباب وجوب بعمل نیاید و این قول قوی است و احوط آنست که در
اول شبهای مذکوره تجدید نیت بکند بقصد قربت و مستحب است که معتکف شرط
کند بر پروردگار خود که اگر او را مانعی عارض شود بیرون تواند رفت از اعتکاف
و ظاهر جمعی آنست که جایز است اشتراط رجوع باختیار بی تقیید بعارض و مانع
و بعضی در این مضایقه کرده اند و ظاهر اعارض و مانع اعم از عذر ضروری است
و محل این شرط در اعتکاف سنت نزد نیت اعتکاف است و دخول در آن و جمعی از اصحاب
ذکر کرده اند که محل آن در اعتکاف واجب بنذر نزد گفتن صیغه نذر است و خالی
از اشکال نیست و فائده شرط آنست که نزد عارض یا مطلقا اگر خواهد رجوع تواند
کرد اگر چه در روز سیم باشد و فائده دیگر آنکه اگر با شرط رجوع کند قضا بر او واجب
نیست و اما مکان اعتکاف جمعی از اصحاب گفته اند که در غیر مسجد مکه و مسجد مدینه
و مسجد کوفه و مسجد بصره اعتکاف نمیباشد و بعضی بجای مسجد بصره مسجد مداین را
گفته اند و بعضی هر دو را گفته اند و خلاف در این باب بسیار است و مسجد مداین
در این زمانها گویا معلوم نیست و مسجد بصره در این اوقات در بیابان واقع است

و اعتکاف در آن مشکل است و گفته اند که مراد بمسجد مکه و مدینه آن
قدر نیست که در زمان حضرت رسول صلعم مسجد بوده نه آنچه بعد الحاق کرده اند
و ظاهر اراده هر مسجد جامع اعتکاف توان کرد و مراد بمسجد جامع مسجد بزرگ است
در بلد که در آنجا نماز جماعت کنند و مخصوص محله نباشد و از اکثر محلات شهر
بآنجا برای اقامه جمعه یا جماعت حاضر شوند کو متعدد باشد مثل مسجد جامع
عتیق و مسجد جامع قدیم در اصفهان و سائر آنها مثل مسجد آقا نور و مسجد عباس آباد
محل تامل است و احوط آنست که اگر در مدینه مکروه و کوفه باشند در غیر از مساجد
مخصوص واقع نسازند و در بلاد دیگر احوط آنست که در مسجد کبیر بلد که مشهور
بجامع باشد بجا آورند و اگر مسجد بزرگ تر شهر نباشد احوط است و غایت احتیاط
آنست که قصد کند که اعتکاف میکنم در این مسجد اگر مطلوب شارع باشد بعنوان
اعتکاف مقربه فیها و الا در مسجد عبادت میکنم از برای رضای خدا یا قربة الی الله
و شرط است در اعتکاف لبث سه روز یا بیشتر و مشهور آنست که دو شب میان
داخلند و بعضی گفته اند شب اول نیز داخل است و احوط آنست که نزدیک بغروب
آفتاب نیت اعتکاف بکند تا شام روز سیم و اگر تا صبح روز چهارم قصد کند تمامتر
احتیاط است و شرط است در اعتکاف که معتکف روزه باشد خواه روزه واجب باشد
و خواه سنت و در سنت باید برخصت کسانی باشد که رخصت ایشان در روزه سنت
شرط است مانند شوهر زن را و مالک بنده را و احوط آنست که فرزند برخصت پدر
و مادر اعتکاف سنت نکند و مهمان برخصت مهماندار و بر عکس واقع نسازند و نیز شرط
در اعتکاف شرط است و ظاهر قصد قربت کافی است و واجب است که بیرون نرود از
مسجدی که در آن اعتکاف میکند بدون ضرورت مانند نماز جمعه اگر در غیر آن مسجد کنند
یا عیادت بیمار مؤمن یا حاضر شدن در جنازه مؤمن یا قضای حاجت مؤمن

بابرا

یا برای حاجات ضروری خود مانند بیت الخلا رفتن و غسل جنابت اگر محتلم شده باشد
و در غسل جمعه بنا بر قول باستحباب آن و سائر اغسال مستحبه اگر در مسجد نتوان کرد
اشکالی هست و مشهور آنست که نمیتوان کرد و همچنین جائز است بیرون رفتن
از برای تحصیل آب و نان و سایر ضروریات اگر کسی نداشته باشد که برای او بعمل آورد
و همچنین جائز است بیرون رفتن از جهت گواهی دادن و گواه شدن اگر دیگری نباشد
و نتوان در مسجد بجا آوردن و چون بدر رود در جائی ننشیند تا برگردد بمسجد
و بهتر آنست که در زیر سقف راه نرود تا ممکن باشد و از راهها نزدیکتر مطلب برود
و بیت الخلای نزدیکتر برود اگر ممکن باشد و توقف بسیار زیاد از ضرورت واقع نسازد
و چون وقت نماز شود نماز کند در جای دیگر غیر از مسجد که محل اعتکاف اوست نکند مگر در مکه
معظمه که در همه جا میتواند و اگر وقت تنگ شود در جای دیگر میتواند کرد و اگر سهوا
از مسجد بیرون رود اعتکاف باطل نمیشود مگر آنکه زمانی بسیار بگذرد که او را معتکف
نگویند و همچنین اگر جبرا او را از مسجد بیرون برند و احوط آنست که جزو بدن را نیز
از مسجد بیرون نکند و بعضی منع کرده اند از رفتن ببام مسجد و ظاهر اگر داخل مسجد
باشد محذوری ندارد و بدانکه حرام است بر معتکف جماع کردن با زنان در
روز و شب و همچنین حرام است بوسیدن بشهوت و دست بر بدن او مالیدن بشهوت
و احوط اجتناب است از هر دو ما اگر چه بشهوت نباشد و حرام است طلب منی کردن
اگر چه بگفتگو باشد هرگاه عادتش این باشد که از او منی آید بسبب آن و احوط آنست
که بعبث دست بر ذکر نمالد و حرام است بوی خوش کردن و گل بوییدن هر گلی که باشد
علی المشهور و باید جدال و نزاع با کسی نکند و احوط آنست که مباحثه علمی نیز نکند
مگر بقدر اظهار حق و خرید و فروش نکند مگر برای ضرورت با خود و عیال خود و احوط
آنست که وکیل از برای خود قرار دهد که اینها را بکند و احوط آنست که مطلق معاملات

خود را واقع نسازد حتی عقد نکاح را و جمیع آنها که در اعتکاف حرام است در
روزها و شبها همه حرام است مگر خوردن و آشامیدن که در شب جایز است نه در
روز و هر چه روزه را باطل میسازد اعتکاف را نیز باطل میکند اگر در روز بفعل آورد
و در شب افطار میتوان کرد و مفطرات غیر جماع و استمنا را واقع میتوان ساختن
و اولی اجتناب است از غیر اکل و شرب اگر جماع کند اعتکاف او باطل میشود و کفاره
میدهد اگر اعتکاف واجب باشد و در روز اول و دویم اعتکاف سنت خلافست
و احوط کفاره است اگر چه جماع در شب واقع شود و اظهر آنست که هر چه روزه را
باطل میکند اگر آنها را در روز واقع سازد کفاره بدهد احتیاطا و کفاره بنده آزاد
کردن است اگر تواند و الا دو ماه پی در پی روزه گرفتن و الا شصت مسکین را
طعام دادن و بعضی گفته اند مخیر است میان اینها و اول احوط است بلکه اظهر اگر
جماع در شب واقع شود یک کفاره میدهد و اگر در روز ماه رمضان واقع شود
دو کفاره میدهد یکی مرتبه و دیگری مخیره و بعضی گفته اند اگر در روز غیر ماه رمضان
واقع شود باز دو کفاره میدهد و آن بیوجه است و بیع و شری و سایر محرمات
غیر از جماع سبب بطلان اعتکاف نمیشود و کفاره با آنها واجب نمیشود و در بطلان اعتکاف
باستمناء و کفاره بسبب آن خلافست و احوط تمام است و کفاره اگر در شب
واقع شود و اگر در روز واقع شود استمناء باطل میکند اعتکاف را البته و کفاره
میدهد احتیاطا و احکام اعتکاف بسیار است و با نچه ضرور بود اکتفاء کرد بم
خاتمه در بیان کفارات است بدانکه کفاره برد و نوع است اول کفارات احرام حج
و عمره و آنها را در رساله حج بیان کرده ام دویم سایر کفارات است و آنها بسیار است
بعضی متفق علیه و بعضی مختلف فیه و بعضی واجب و بعضی سنت و بعضی ترتیب و بعضی
تخییر و همه را با یکدیگر بر سبیل اجمال برای طالبان ادراک سعادات ابدی و

محصلان

٣٢٣

محصلان نجات اخروی بیان مینماید اول کفاره افطار روزه ماه مبارک
رمضان است و آن واجب میشود بخوردن و آشامیدن چیزی که خوردن یا آشامیدن
آن متعارف و معتاد نباشد اتفاقا و در غیر معتاد خلاف است و اشهر و اقوی
وجوبست و هر جماع کردن در قبل زن اتفاقا و در دبر زن علی الاقوی و بباقی
ماندن بر جنابت عمدا تا طلوع صبح علی الاقوی و بخوابیدن با جنابت بی نیت
غسل تا صبح علی الاظهر و بخوابیدن بعد از بیدار شدن یکمرتبه باز باده تا صبح علی الاظهر
و برسانیدن غبار غلیظ بحلق بنا بر قول جمعی و بطلب قی کردن و دست بازی کردن
یا مکرر نظر کردن بزنی تا منی بیاید علی الاظهر و بقی کردن عمدا بنا بر قول بعضی
و بحقنه کردن و شیاف عمل کردن بنا بر قول بعضی و بدروغ بستن بر خدا و
رسول و ائمه هدی علیهم الصلوة والسلم بنا بر قول بعضی و بسر فرو بردن عمدا
در آب بنا بر قول بعضی هرگاه یکی از این امور عمدا بعمل آورد و مسایل داند کفاره
باید داد در بعضی اجماعا و در بعضی احتیاطا و اگر از روی سهو باشد کفاره
ندارد و اگر مسئله نداند در کفاره خلاف است و احوط کفاره است و اگر
افطار بحلال کرده باشد کفاره یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن
یا شصت مسکین طعام دادنست و بعضی بترتیب قایل شده اند یعنی اگر قادر
باشد بر بنده آزاد کردن آن مقدم است و الا دو ماه روزه و اگر از این نیز عاجز
باشد شصت مسکین را طعام بدهد و اول اقوی و ثانی احوط است و اگر افطار بحرام
کرده باشد مانند شراب و لحم خنزیر و مال مغصوب دانسته و زنا و لواط بعضی
از علما قایل شده اند که هر سه کفاره بر او واجب میشود و بعضی مانند افطار بحلال
میدانند و اول احوط است دویم هرگاه در قضای روزه ماه رمضان بعد از زوال
افطار کند مشهور آنست که کفاره واجب است و بعضی سنت میدانند و اشهر

واقوی آنست که کفاره طعام دادن ده مسکین است واگر عاجز شود سه روز
روزه میگیرد و بعضی مجتهدان این دو میدانند و بعضی کفاره قسم و بعضی کفاره
افطار ماه رمضان لازم میدانند سیم کفاره ظهار است که کسی با زن بگوید انتِ
علیَّ کظهرِ اُمّی یعنی تو بر من مانند پشت مادر منی یا خواهر یا سایر محارم علی
الاشهر اگر این را بگوید در وقتی که زن حائض نباشد و در آن طهر با او جماع نکرده باشد
و در حضور دو عادل بگوید پس اگر خواهد جماع کند باید که کفاره بدهد اگر بدون
کفاره جماع کند دو کفاره بر او واجب میشود بنا بر مشهور و کفاره یک بنده آزاد
کردن است و اگر عاجز شود دو ماه پیاپی روزه داشتن و با عجز شصت مسکین
اطعام کردن چهارم کفاره ایلاء است یعنی قسم بخورد که زوجه دائمه خود را
چهار ماه یا زیاده وطی نکند و زن او را بنزد حاکم شرع برد و حاکم حکم کند که او را
طلاق بگوید یا وطی کند و اختیار وطی نماید باید که کفاره بدهد و کفاره اش کفاره
قسم است که بعد از این مذکور میشود ان شاء الله پنجم کفاره مخالفت قسم است
بآنکه قسم خورد باسماء مقدسه خدا بر کردن فعلی که ترکش رجحان نداشته
باشد یا نکردن فعلی که فعلش رجحان نداشته باشد و مخالفت آن قسم نماید و
کفاره اش آنست که یک بنده آزاد کند یا ده مسکین را جامه بپوشاند یا ده
مسکین را اطعام کند و اگر از هر سه عاجز شود سه روز پیاپی روزه بدارد
ششم کفاره مخالفت نذر است بآنکه نذر کند فعل امری را که راجح باشد
یا ترک امری را که مرجوح باشد و مخالفت نماید و کفاره اش بعضی گفته اند
مانند کفاره قسم است و بعضی گفته اند مانند کفاره افطار ماه رمضان است
یک بنده آزاد کردن یا دو ماه پیاپی روزه گرفتن یا شصت مسکین طعام دادن
و بعضی گفته اند که اگر نذر تعلق بروزه داشته باشد کفاره اش کفاره افطار

ماه

ماه رمضان است و اگر تعلق بغیر روزه داشته باشد کفاره اش کفاره
قسم است و این قول خالی از قوتی نیست و احوط کفاره ماه رمضان است
مطلقا هفتم کفاره عهد است که با خدا عهد کرده باشد که امر راجحی یا
غیر مرجوحی را بعمل آورد یا ترک کند امر غیر راجحی یا امر مرجوحی را و مخالفت آن عهد
نماید و در کفاره اش مانند کفاره نذر خلافست و احوط آنست که در نذر
مذکور شد هشتم قسم خوردن بعنوان بیزاری از خدا و رسول و ائمه هدی
علیهم السلام است و در حرام بودن چنین قسمی خلافی نیست و لیکن در وجوب
کفاره بچنین قسمی یاد کردن خلافست بعضی گفته اند که کفاره اش کفاره ظهار است
اول بنده آزاد کردن و با عجز از آن دو ماه روزه داشتن و با عجز از آن شصت
مسکین اطعام کردن و اگر عاجز شود ده مسکین را طعام یا کسوه دهد و اگر
عاجز شود سه روز متوالی روزه بدارد و بعضی گفته اند کفاره اش کفاره
نذر است و ابن بابویه گفته است سه روز روزه بدارد و ده مسکین را طعام
بدهد و بعضی گفته اند گناه کرده است و کفاره ندارد و در حدیث صحیح وارد
شده است که صفار بحضرت امام حسن عسکری ع نوشت که مردی سوگند یاد
کرد بر بیزاری از خدا و رسول و مخالفت کرد توبه و کفاره او چیست حضرت فرمودند
که ده مسکین را طعام میدهد هر مسکین را یک مد و طلب آمرزش میکند از خدا و
بعضی از علما باین مضمون قائل شده اند و خالی از قوتی نیست و ایضا خلاف کرده
اند که این کفاره برای اصل سوگند خوردنست یا برای مخالفت سوگند کردن
و باید که چنین سوگندی یاد نکند و اگر یاد بکند بمحض سوگند عمل بقول اول بکند اگر
چه ظاهر آنست که عمل بروایت مجزی نیست نهم بعضی از علماء قائل شده که زنی که در
مصیبت موی سر خود را ببرد کفاره افطار ماه رمضان میدهد بترتیب بر قول

بعضی و تخییر بر قول بعضی و بعضی گفته اند گناه دارد و کفاره ندارد
و روایتی وارد شده است که کفارهٔ افطار ماه رمضان لازم است و احوط عمل
بر روایت است و بعضی تراشیدن مو را نیز الحاق کرده اند بر این در وجوب
کفاره دهم هرگاه زنی در مصیبت موی خود را بکند یا روی خود را بخراشد
یا مردی جامهٔ خود را در مرگ فرزند خود یا زوجهٔ خود چاک کند کفارهٔ
قسم لازم میشود بنا بر قول بعضی و روایتی بر این مضمون وارد شده است
و احوط است هر چند وجوب ثابت نیست یازدهم مردی که زن یا متعه یا کنیز
خود را در ایام حیض جماع کند در قبل بعضی کفاره واجب دانسته اند و بعضی
سنت و مشهور میان علماء آنست که اگر در اول حیض باشد یک اشرفی تصدق
میکند و در وسط حیض نیم اشرفی و در آخر حیض ثلث اشرفی و احوط عدم ترک
کفاره است دوازدهم کسی که بخواب رود و نماز خفتن نکرده باشد تا نصف
شب بگذرد بعضی گفته اند که واجب است که آن روز را روزه بدارد و اشهر
استحباب است و بعضی عامد و ناسی را نیز ملحق کرده اند و مشهور آنست که بر تقدیر
وجوب اگر روزه ندارد گناه کرده است و کفاره ندارد و بعضی لازم دانسته
اند کفارهٔ ماه رمضان را و این قول ضعیف است و احوط آنست که یک روز قضا بگیرد
سیزدهم کفارهٔ قتل عمد است که دانسته کسی را بکشد یا کاری که غالبا کشنده
باشد نسبت بکسی واقع سازد و او کشته شود و قصد کشتن نداشته باشد
کفارهٔ اش آنست که یک بنده آزاد کند و دو ماه متوالی روزه بدارد و شصت
مسکین را طعام دهد چهاردهم کفارهٔ قتل خطاست که کسی را بنادانی بکشد
با آنکه قصد قتل نداشته باشد و کاری کند که غالبا کشنده نباشد و او کشته شود
مانند آنکه طفلی را برای تادیب بزند و او بمیرد یا تیری بسوی آهوی بیندازد و

بشخصی بخورد و کشته شود یا در راه کسی بر بخورد و او بیفتد و بمیرد و اگر خود مباشر
قتل نباشد و کاری کند که آن سبب قتل شود مثل آنکه چاهی در راهی بکند و کسی در آنجا
بیفتد و بمیرد یا سنگی بر سر راهی بگذارد و باعث قتل کسی شود مشهور آنست
که کفاره لازم نمیشود و هر چند دیت لازم شود و کفاره بنده آزاد کردنست و بعد از عاجز
شدن از آن دو ماه پیاپی روزه داشتن و بعد از عجز از آن شصت مسکین
طعام دادن پانزدهم اگر کسی زنی را در عدهٔ دیگری تزویج کند میباید از آن زن مفارقت
کند و بقول بعضی از علما ~~گفته اند که~~ پنج صاع آرد تصدق میکند و احوط آنست که
اگر زن دیگری را که عقد کند نیز این کفاره را بدهد یا پنج درهم تصدق کند شانزدهم
کسی که مملوک خود را زیاده از حد شرعی بزند بعضی از علما گفته اند موافق بعضی
از روایات که واجب است آن مملوک را بکفارهٔ آن عمل آزاد کند و این احوط است
و اگر او را بکشد بعمد کفاره جمع میدهد و اگر بخطا بکشد کفارهٔ قتل خطا میدهد
و واجبست که قیمت آن غلام را تصدق کند بنا بر مشهور هفدهم کسی که روزهٔ
ماه مبارک رمضان را افطار کند بسبب بیماری اگر تا ماه رمضان دیگر بیمار باشد
اشهر و اقوی آنست که قضا ساقط میشود و برای هر روز یک مد یا دو مد طعام
میدهد علی الخلاف و بعضی گفته اند قضا میکند و ابن جنید گفته است
احتیاطا هر دو را میکند و اگر در مابین دو رمضان آزارش برطرف شود و قادر
بر روزه باشد و بدون عذری تاخیر کند تا آنکه ماه رمضان دیگر بیاید اشهر
و اقوی آنست که بعد از ماه رمضان هم قضا میکند و هم برای هر روز یک مد یا دو مد
میدهد و بعضی کفاره را واجب ندانسته اند و بعضی گفته اند کفاره در صورتیست

اگر عازم بر قضا باشد که عزم بر قضا نداشته باشد و بعد از تنگ شدن وقت بیماری یا عذر دیگر عارض
شود قضا باید کرد و کفاره نیست و قول اول قوی است از حضرت هجده هم نوادر کفا
رات است از حضرت صادق علیه السلم منقولست که کفارهٔ عمل سلطان قضای حوایج مومنانست
و کفاره غیبت آنست که برای آن شخصی که او را غیبت کرده است استغفار کند و کفارهٔ
مجلس آنست که چون از مجلس برخیزد بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ و کفارهٔ خنده آنست که بگوید
اللَّهُمَّ لَا تَمْقُتْنِي یعنی خداوندا دشمن مدار مرا من غضب مکن و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که بد بکری بگوید لَا أَبَ لَكَ
وَلَا أُمَّ لَكَ یعنی تو را پدر مباد یا تو را مادر مباد باید که چیزی تصدق کند و کسی
که بگوید بحق پدرم یا بجان پدرم کفارهاش آنست که بگوید لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ و
خلاف است در این نوع از قسم مثل بجان خود یا بجان تو یا بحق پدرم بعضی حرام دانسته اند
و اشهر کراهت است و احوط ترک است اما احکام کفارات مذکوره پس در چند
فصل بیان میشود اول هرگاه بنده باید آزاد کرد در کفاره قتل میباید که آن بنده مؤمن
باشد و در باقی کفارات خلافست و احوط رعایت ایمانست و در کفارهٔ قتل
احوط آنست که بالغ باشد و در غیر آن مرد و زن و بالغ و نابالغ مجزیست و باید
که آن بنده کور و صاحب خوره و زمین گیر نباشد و مولی جراحتی باو نرسانیده
باشد که موجب عتق او باشد و بعضی گفته اند که باید خصی و لال و کر نباشد
و ولد الزنا نباشد و مشهور اجزا است و احوط ترک است و غلام گریخته را
مشهور آنست که آزاد میتواند کرد تا علم بفوتش بهم نرسد و بعضی شرط

کرده اند

۳۲۶

کرده اند که خبری از او نبود و بعضی شرط کرده اند که ظن حیات او باشد و دویم
در کفاره مرتبه تا از بنده آزاد کردن عاجز نشود بروزه مشتغل نمیشود و هر جا
که روزه دو ماه باشد می باید متوالی بگیرد و توالی یکماه و یکروز که متصل
بگیرد بعمل میآید باینمعنی که اگر بعد از آن بدون عذر افطار کند نباید
از سر بگیرد و اما تفریق جایز است یا بعذری یا حرامست اول اظهر است و ثانی احوط و اگر
پیش از یکماه و یکروز بی عذر افطار کند از سر میگیرد و اگر بعذری باشد مانند حیض
و نفاس و بیهوشی و دیوانگی و بیماری و سفر ضروری و بعد از زوال عذر بنا میگذارد
و تمام میکند و همچنین اگر مجبور شود در افطار دو روزی بنابر اقوی و هر جا که کفارهٔ
دو ماه متوالی باشد اگر کفاره دهنده بنده باشد یکماه پیدرپی میگیرد علی
الاقوی سیم هر جا که طعام لازم شود مشهور آنست که بهریک آنقدر طعام بخوراند
که سیر شود و بهتر آنست که نان خورشی با نان ضم کند مانند خرما یا گوشت
یا سرکه و بعضی گفته اند که میباید چاشت و شام هر دو بهر مسکین بخورانند
آنقدر که سیر شود و احوط اینست اگر چه اظهر آنست که بیکوقت اکتفا توان کرد
و اگر خواهد طعام را بمسکین میتواند داد و در مقدار آن خلافست بعضی یکمد گفته اند
و بعضی دو مد و احوط دو مد است و بهتر آنست که با آن نان خورشی ضم کنند چنانچه بعضی واجب
دانسته اند و در طعام دادن کوچک و بزرگ تفاوت نمیکند و احوط آنست
که حصهٔ اطفال را بولی شرعی ایشان بدهد و اگر طعام خورانند ظاهرا صغیر و کبیر را باهم تواند
ضم کرد و اگر دو طفل را بجای یک مرد حساب کند احوطست و در یک کفاره دو حصه را
بیک مسکین نمیتواند داد مگر آنکه مستحق یافت نشود و احوط آنست که تا ممکن باشد
بغیر مؤمن ندهد و بایشان بسیار پریشان بدهد که مسکین بودن او صادق باشد

ومد چاریک صاعست و صاع یکمن تبریزیست و چهار مثقال و ربعی بنابر مشهور و چون

در احادیث اختلافی در تحدید صاع و مد هست احوط آنست که بجای دو مد نیمن شاه

تقریبا بدهد چهارم در جائی که کسوت باید داد در زن پیراهن و مقنعه باهم مجزیست و در مرد

بعضی بیک جامه مانند پیراهن اکتفا کرده اند و بعضی دو جامه لازم میدانند و بهتر آنست

که پیراهن و قبا بدهد یا قبا و بالا پوش بدهد و بهتر آنست که نو باشد و جامهٔ طفل بهتر

که رخصت ولی براو بپوشانند پنجم هرگاه از عتق رقبه عاجز شود و شروع کند در روزه

و بعد از آن قادر شود بر بنده آزاد کردن روزه او مجزیست و بهتر آنست که ترک کند روزه را

و بنده آزاد کند خصوصا هرگاه کمتر از یکماه و یکروز روزه داشته باشد و جمعی از اصحاب قایل

شده اند که هرگاه بر کسی دو ماه متوالی روزه واجب شود و عاجز باشد از گرفتن آن هجده روز را

روزه میدارد و اگر نتواند هر روز برای یک مدی از طعام میدهد و اگر نتواند استغفار میکند و اشهر

و اقوی آنست که از هر کفاره که عاجز شود استغفار بدل او میشود مگر کفاره که بعضی گفته اند

که تا کفاره ندهد وطی زن بر او حلال نمیشود هر چند عاجز باشد و اگر بعد از

عجز استغفار بجای کفاره کرد و قدرت بهم رساند احوط آنست که باز کفاره را بعمل آورد و چون

اکثر مردم جاهلند بکفارات و احکام آنها و بر ایشان لازم میشود و نمیدانند و مشغول الذمه بحق

اللهی میمانند قدری از احکام آنها را در این رساله کثیر الفایده ایراد نمودم ملتمس از برادران

ایمانی آنست که هر که از این رساله منتفع گردد در حال حیات یا بعد از وفات این شکسته بال

بدعای رحمت و مغفرت این مستحق دعا را یاد کند و ختم بفضل الله سبحانه و تعالی

فی شهر الله المعظم شهر رمضان المبارک من سنة التاسع عشر و مائة و الف

من الهجرة المقدسه علی ید مؤلفه الراجی رحمة الکریم المنان فی محروسة اصفهان

صینت عن طوارق الحدثان مع وفور الاشتغال و اختلال الاحوال و توزع البال

والحمد لله

٣٢٧

والحمد الله اولا و آخرا والصلواة علی سید المرسلین محمد

وآله الاطهرین الاقدسین ولعنة الله علی اعدائهم اجمعین

برحمتک یا ارحم الراحمین تمد الکتاب بعون الملک الوهاب

علی ید المحتاج الی الله الغنی احوج المحتاجین

واقل الاقلین و تراب اقدام الفقراء و المساکین

غبار نعال الابرار و الاخیار و

المؤمنین العبد المذنب حسن

علی ابن حاجی الحرمین الشریفین

حاجی محمد مهدی فی تاریخ

شهر سفر المظفر ۱۲۷۶

بازبینی شد
۱۳۷۱

بسم الله الرحمن الرحیم

طریقه نماز توسل با حضرت حجة صاحب الزمان باید دو رکعت بکند

رکعت اول بعد از حمد و سوره به رکوع میرود و ذکر رکوع را میگوید

و بیست و پنج مرتبه میگوید یا غیاث المستغیثین بعد راست می ایستد

و بیست و پنج مرتبه میگوید یا غیاث المستغیثین بعد از آن میرود

به سجده ذکر سجده را میگوید و بیست و پنج مرتبه میگوید یا غیاث المستغیثین

سر بعد از سجده بر می دارد باز هم بیست و پنج مرتبه میگوید یا غیاث المستغیثین باشد

که مجموع آن یک رکعت صد و پنجاه مرتبه یا غیاث المستغیثین

باز برخیزد و آن رکعت دیگر را هم باید این طریقه بکند تا

هر دو رکعت مجموع سیصد مرتبه یا غیاث المستغیثین بگوید

از نماز که فارغ شد سر به سجده بگذارد و صد مرتبه بگوید

یا مولای یا صاحب الزمان اغثنی

[illegible]

[illegible]

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible] تولد [illegible] ۱۲۹۹ [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

تولد [illegible] در روز پنجشنبه چهارده [illegible]

[illegible] ۱۲۹۹

ختم استغفر الله هزار مرتبه بعد لمن دعا

یا حی یا قیوم یا ذا الجلال یا رحمن الدنیا

والآخرة و رحیمهما یا ارحم الراحمین

یا الله الاولین والآخرین اغفر لی

لنا ذنوبنا و تقبل صلواتنا و قیامنا

[illegible] سبحان [illegible]

[illegible] سبحان [illegible]

[illegible] اغفر لی الذنب العظیم

[illegible] الله و الحمد لله و لا اله [illegible]

[illegible] اللهم صل [illegible]

